

مکتبہ مدرسہ

کتاب



گزیدهٔ سرودها

رکبِ ودا

قدیمترین سند زندگی‌مذهب و جامعه‌هند

با پیشگامان دگترتاراچند، مورخ و فیلسوف بزرگ هند

بیتحقق و ترجمهٔ مقدمه

دکتر سید محمد رضا جلالی نایینی



نشر نقره



نشر نقره

گزیدهٔ سرودهای ریگ ودا
(قدیم‌ترین سند زندهٔ مذهب و جامعهٔ هندو)

با پیشگفتار دکتر تارا چند مورخ و فیلسوف بزرگ هند

به تحقیق و ترجمه و مقدمهٔ

دکتر سیدمحمدرضا جلالی نائینی

چاپ سوم: تابستان ۱۳۷۲ خورشیدی
(با تجدید نظر، مقدمه و بخش دوم از سرودها و تعلیقات)

خوشنویسی‌ها: حمید غیرانژاد

چاپ افست: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

صحافی: کوشش

تعداد ۵۰۰۰ نسخه

کلیهٔ حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است

فهرست کوتاه

۱

۱ - ۶	پیشگفتار
۷ -	مقدمه
۷ - ۴۶	کلیات
۴۷ - ۱۳۲	ریگ‌ودا
۱۳۳ - ۱۳۴	گویندگان سرودهای ریگ‌ودا
۱۳۵ - ۱۴۰	نامهای شاعران سرودهای ریگ‌ودا (بنا بر فهرست سروانو کرمنی)
۱۴۱ -	ریگ‌ودا و روابط دیرپای ایران و هند

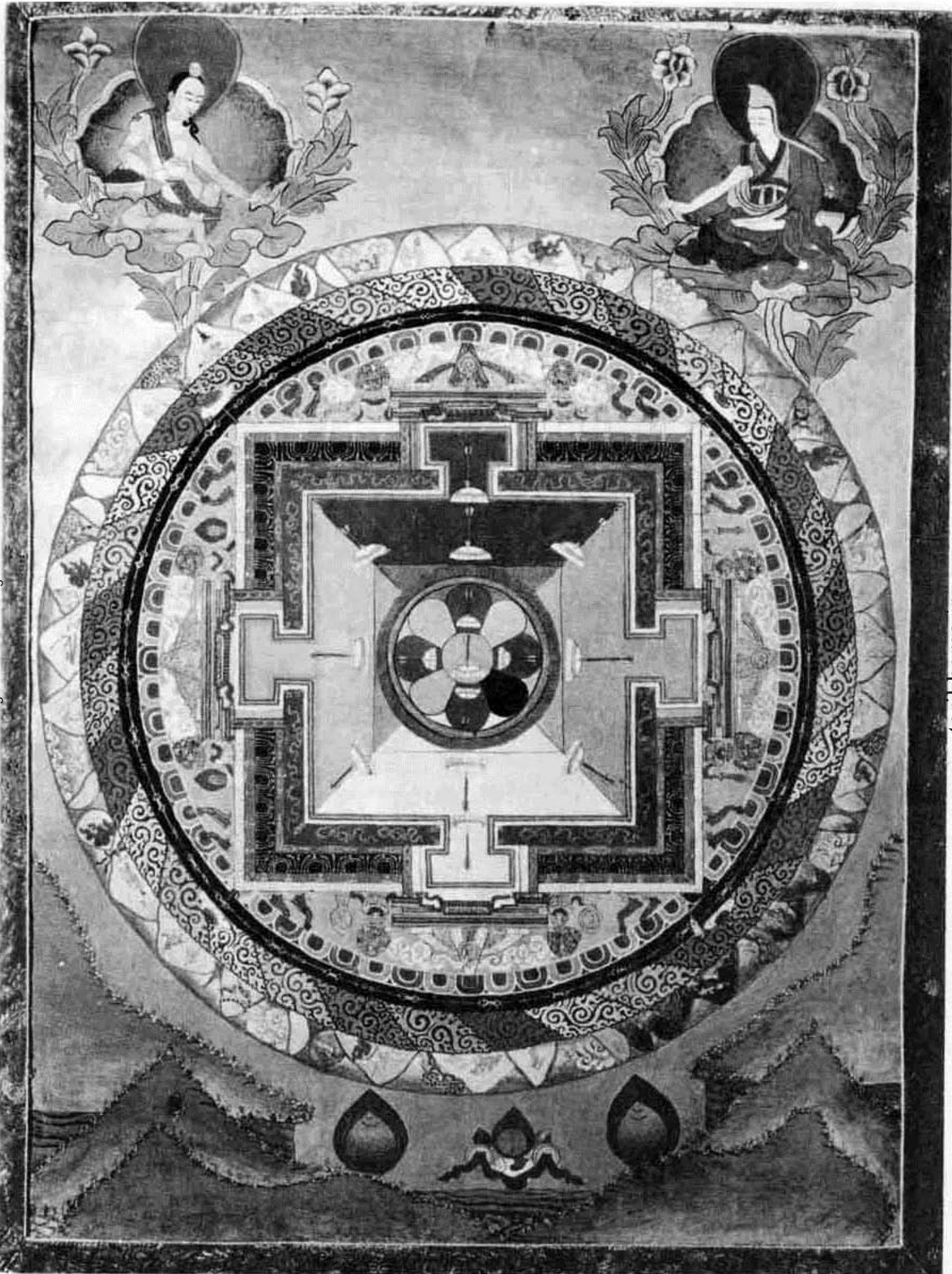
۲

۱ - ۵۲۸	سرودها از ۱ تا ۱۸۲
---------	--------------------

۳

فهرست‌ها:

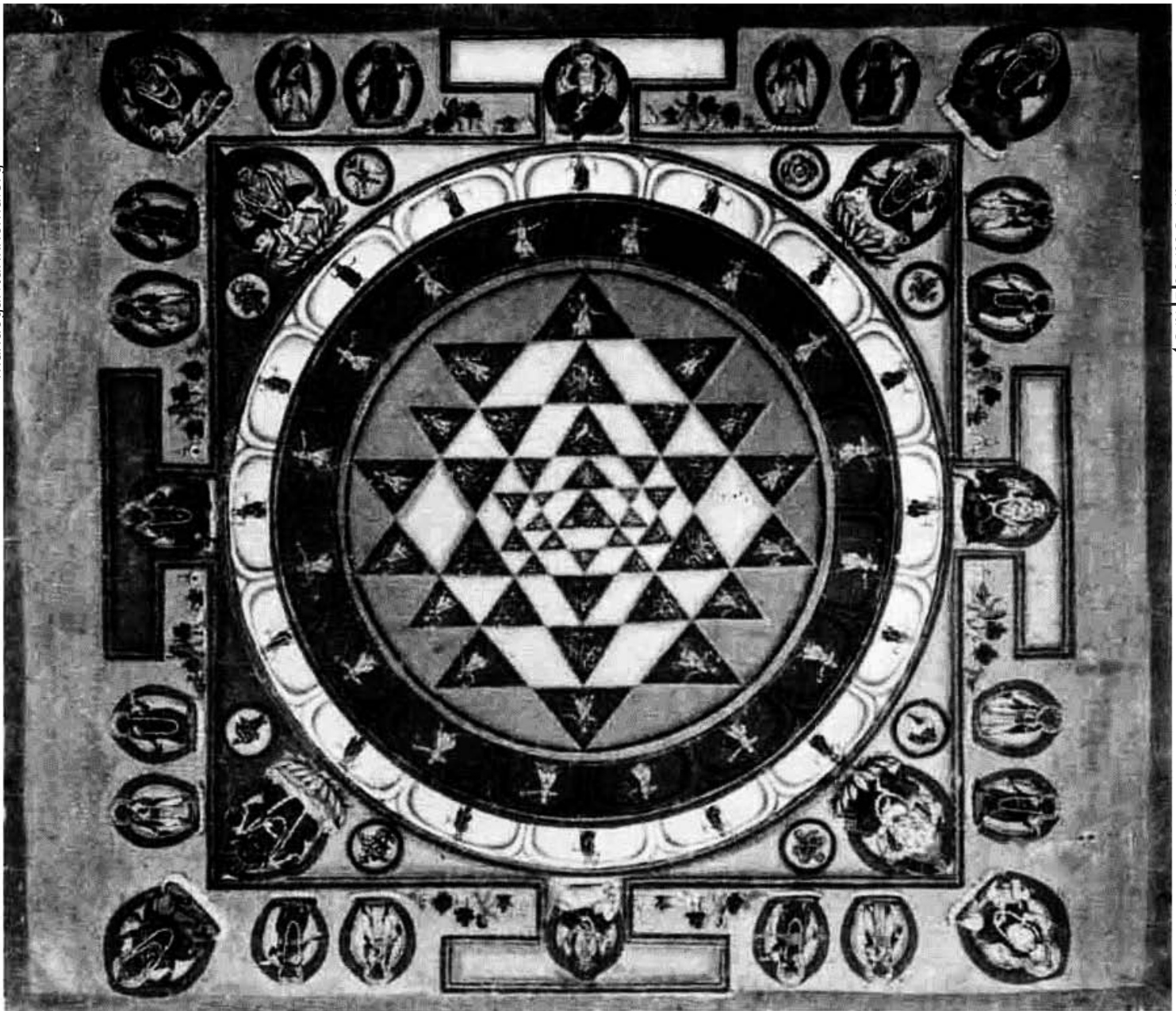
۵۲۹ - ۵۳۶	فهرست موضوعی کتاب نام‌ها و واژه‌های سنسکریت مذکور در متن
۵۳۷ - ۵۵۲	این کتاب
۵۵۳ - ۵۵۴	فهرست مندرجات مقدمه این کتاب
۵۵۵ - ۵۶۰	فهرست سرودهای مندرج در این کتاب
۵۶۲ - ۵۶۹	کتابشناسی ریگ‌ودا
۵۷۱ - ۵۸۴	مقدمه دکتر تاراچند
۵۸۶ - ۵۸۷	تصویرها





یکی از سلسله ماندالاهای هفتگانه، که هر کدام از آنها، نشان‌دهنده شرایطی خاص از شناخت است. تبت، نقاشی با گواش روی پارچه، ۷۰ × ۴۷/۵ سانتیمتر.

شری پانترا، یک نمودار روند مداوم نسل‌های خلاق با یک مهاویدیا دوتاس که در تمام گوشه‌ها خانه گزیده است، نقشینه‌های استوپا ولینگام، نمادگرایی هندو و بودایی را در می‌آمیزد. نپال، / ۱۷۰۰ م. گواش روی پارچه، ۵۰ × ۶۰ سانتیمتر.



بسمه تعالی شانه

ترجمه فارسی گزیده سرودهای ریگ ودا، نخستین بار در سال ۱۳۴۸ خورشیدی در تهران انتشار یافت و بار دیگر در سال ۱۳۶۷ خورشیدی منتشر شد. اکنون که سال ۱۳۷۲ خورشیدی است، چاپ سوم آن منتشر شده است. باشد که همچنان مورد توجه و استقبال هندشناسان و ارباب تحقیق قرار گیرد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
هست کلید در گنج حکیم
(نظامی)

پیشگفتار

ستایش و نیایش و حمد پی در پی، مر خدایی را سزااست که
آفرینش را بیافرید و از میان آفریدگان، آدمیان را به کرامت و
فضیلت و دانش و خرد برگزید و از میان آنان، پیامبران را
راهنمای خلق فرمود تا مبشر و منادی «توحید» باشند و مردمان
را از پرستش و نیایش غیر خدای تبارک و تعالی باز دارند و جز از
خدای چیزی نخواهند و کسی را با ذات پاک پروردگار انباز
نگیرند تا از شرك و دویی برکنار بمانند
که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو
هر که حلقه بندگی خدای یکتا را آویزه گوش خود کرد، از
بندگی خلق رست و به حق پیوست و دیگر او را به بتان جاندار و
بی جان کاری نیست.
و درود بی پایان بر سید کائنات و خاتم پیامبران، حضرت
محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله وسلم - و بر یاران و پیروان
راستین او باد.

اما بعد:

طوایف آریایی هند و ایرانی، در تاریخی که به روشنی معلوم
نیست و برخی از محققان آنرا دست کم در حدود دو هزار سال قبل از
میلاد مسیح دانسته اند، از طوایف دیگر آریایی هند و اروپایی جدا

شدند و از میهن مشترك اصلی خود که به نظر بیشتر صاحب نظران در منطقه وسیعی در شمال ناحیه‌ای میان دریاچه «اورال» و دریای سیاه واقع شده بود؛ کوچ کردند و به سوی فلات پهناور ایران و سرزمین وسیع هندوستان روی آوردند. دسته‌ای از این طوایف در فلات ایران اقامت و توطن گزیدند و دسته دیگر، پیش تاختند و به شمال هند هجوم بردند و سکنه بومی را منکوب و مقهور و مغلوب کردند و بیشتر آنان را از نواحی شمال به جنوب راندند و بتدریج بر قسمت اعظم هند استیلا یافتند.

اقوام آریایی ایران و هند، پس از استقرار و تشکیل سازمان‌های سیاسی و مذهبی و اجتماعی زمان خود، اساس دو تمدن و فرهنگ آریایی مجزا از هم، ولی خویشاوند، را در ایران و هند بنیاد نهادند.

طوایف آریایی هند، تمدن و فرهنگ ودایی را پدید آوردند و طوایف آریایی ایران، تمدن و فرهنگ اوستایی را پی‌ریزی کردند. این دو قوم خویشاوند، دو مکتب فکری ایران و هند قدیم را ایجاد و باز کردند و هر یک در زمینه مسائل مذهبی و ماورای طبیعی و اجتماعی و کیهان‌شناسی و علوم و ادبیات کوشش‌های فراوان بکار بردند. ادبیات مقدس ودایی در هند تا حدی محفوظ ماند؛ اما قسمت اعظم ادبیات مقدس اوستایی در ایران در طول زمان در پی حوادث گوناگون و ناگوار از میان رفت و آنچه هم بجای مانده است، به قدمت و کهنگی ادبیات ودایی نیست و از این گذشته کم یا بیش دستخوش تجدید نظر طلبی زردشتیان واقع شده. با این همه از نظر تاریخی و فرهنگی و ایران‌شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و میراث ارزنده ایرانیان عهد باستان بشمار می‌آید؛ همان ایرانیانی که «زردشت» و «کورش» کبیر مظهر نحوه تفکر و اندیشه و تدبیر و قدرت همراه با درایت و آزادمنشی و همزیستی عصر باستانی آنان شناخته شده‌اند.

پیش از کوچ کردن طوایف آریایی هند و ایرانی از موطن مشترك اصلی، طوایف آریایی هند و اروپایی با هم زندگی می‌کردند و خدایانی را که مظاهر طبیعت بودند، مانند آسمان و

ماه و خورشید و باد و آتش می‌پرستیدند؛ لیکن آریایی‌های هند و ایرانی علاوه بر پرستش آتش به پرستش «سوما» (Soma) (اوستا «Haoma») و نوشیدن افشردۀ مخمر سبزه «سوما» علاقه وافر نشان می‌دادند و غیر از مظاهر طبیعت به تعدادی خدایان نامحسوس نیز عقیده داشتند. ظاهراً میان طوایف آریایی هند و اروپایی، قبل از جدایی، در نحوه پرستش، اختلاف‌هایی بروز کرده بود و چنین حدس زده می‌شود که یکی از علل جدایی طوایف آریایی هند و ایرانی از دیگر طوایف آریایی اختلاف عقیده مذهبی بوده است. آنچه مسلم است پیش از چهارده قرن قبل از میلاد، طوایف آریایی هند و ایرانی، خدایان «میترا» و «ورونا» و «اندرا» و «ناستیه» را پرستش می‌کردند و نام این چهار خدا در «ریگ‌ودا» و «اوستا» آمده و پیش از ظهور زردشت در ایران و هند مورد پرستش قرار می‌گرفتند.

در سال ۱۹۰۸ میلادی «وینکلر» (Winkler) - خاورشناس آلمانی - در «بغازکویی» (Bogaz-koi) یا (Bogazkale) واقع شده در آسیای صغیر - نزدیک آنکارا - به سنگ‌نبشته‌هایی بخط میخی متعلق به سده چهاردهم قبل از میلاد مسیح دست یافت که در یکی از متون مذکور نام چهار خدای آریایی: «میترا» و «ورونا» و «اندرا» و «ناستیه» نقر شده بود. متن سند کشف شده «بغازکویی» عهدنامه‌ای است منعقد میان پادشاه «هیتیت»‌ها (Hittites) و پادشاه «میتانی» (Mitanni) که به نژاد و زبان و فرهنگ آریایی وابسته بودند.^۱

این سند ثابت می‌کند خدایانی را که در حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد در «میتانی» می‌پرستیدند در هند و ایران نیز ستایش و پرستش می‌شدند. متون بغازکویی این فرضیه را که موطن اصلی اقوام آریایی در منطقه وسیعی در شمال ناحیه‌ای میان دریاچه اورال و دریای سیاه واقع شده بود تقویت می‌کند؛ زیرا هرگاه آریایی‌های هند و ایرانی از مشرق به سوی مغرب کوچ کرده بودند، وجود چنین متونی در ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد، در «بغازکویی» بسیار بعید به نظر می‌رسیدی.

۱- نام اصلی و قدیمی «بغازکویی»، هتوشش (Hattushash) بوده است.

«ریگ‌ودا» و «اوستا» قدیمترین اثر دو قوم آریایی ایران و هند می‌باشند و هر دو از یک زبان مادرشاهی مشتق و از نظر فکری و اجتماعی نیز بهم نزدیک‌اند.

در نحوه پرستش خدایان اقوام هند و ایرانی از عهد باستان تا زمان حاضر تحولات و تغییرات عمده و بنیانی روی داده تا جایی که دیگر خدایان دوره ودایی هندوان و خدایان اوستایی قدیم میان زردشتیان (پارسیان) ایران و هند مورد پرستش نیستند و نامشان و یادشان در خاطره‌ها کم مانده است.^۱

در هندوستان با ظهور مذاهب جین (Jaina) و «بودایی» و آنگاه در دوره حماسی، تغییرات و تحولاتی در مذهب و نحوه پرستش سکنه آنجا پدید آمد و اساس «هندویسم» دگرگون شد. ویشنو که در «ودا» از جمله خدایان طراز اول نبود؛ در دوره حماسی مقام والاتر یافت و با «برهما» و «شیوا» به ترکیب «تثلیث هندویی» (Tri Murti) پیوست.^۲ اکنون «برهما» هم در معابد هندو معمولاً مورد پرستش واقع نمیشود و جز در دو معبد در جنوب هند تندیس‌ی از او برافراشته نیست.

۱- در ایران زردشت مصلح بزرگ ایرانی پیش از بودا درصدد اصلاح مذهب ایرانیان قدیم برآمد و مذهب بهی را اعلام‌داشت. او باپرستش ایزدان گوناگون مخالفت کرد و «اهورمزدا» را فقط در خور ستایش و پرستش دانست و دیگر ایزدان را مردود شناخت. اساس مذهب و فلسفه زردشت براین است که دو نیرو در عالم موجوداند، یکی جاذب و دیگری دافع. نیروی اول اجزای لایتجزا را بهم پیوند می‌دهد و نیروی دوم آن‌ها را از هم جدا می‌سازد. بعبارت دیگر گوید در آغاز دو روان (مینو) بوجود آمدند، یکی «اهورمزدا» و دو دیگر اهریمن. نیروی اول نور و قدرت و زندگی و راستی و خیر (یعنی اهورمزدا) است و نیروی دوم مرگ و دروغ و شر و پلیدی (یعنی اهریمن). در قبال اهورمزدا پاک و نیک به مفهوم کامل کلمه «انگرمه مینیوی» پلید و زشت قرار دارد. بر مردم است که به خیر روی آورند، یعنی اهورمزدا و از زشتی و پلیدی یعنی انگرمه مینیو (پهلوی: گناک مینوک = گنه مینو = اهریمن) اجتناب ورزند. در ایران باستان تندیس‌ی از خدایان در معابد نصب نبود و فقط در معابد زردشتی تصویری از اهورمزدا نقش بردیوار بود. در هند در دوره حماسی تندیس‌هایی از خدایان در معابد هندو برافراشته شد و این رسم معمول شد.

۲- در سه ودای اصلی اصلاً از «شیوا» نامی برده نشده است و نیز در وداها نام برهما مذکور نیست. در «شست‌پت‌براهمن» (Satapatha Brahmana) نخستین بار به نام «برهما» - خدای آفریدگار - برمی‌خوریم؛ و در ودای چهارم یعنی «اترواودا» ظهور خدایان پرچاپتی و «شیوا» نخستین بار عنوان شده. هندیان گویند «شیوا» همان «رودرا» است که در ریگ‌ودا نامش بکرات آمده و سرودهایی چند خطاب بدو آمده و صفاتش نیز مشابه صفات «رودرا» و کارش ویرانی و خرابی یا فنای عالم است.

آنچه مردم عصر ودایی، از مفهوم «هندویی» یا «براهمنیسم» تصور می‌کردند؛ غیر از مفهومی است که، در عصر حاضر میان هندوان متداول و معمول است. مشخصاتی که اکنون در ادب «هندویی» مشاهده می‌کنیم، غالباً نتیجه تحولات و دگرگونی‌هایی است که در دوره حماسی در هند رخ داده و بعدها متأثر از دین اسلام و مسیحیت شده است.

مذهب هندو، در وضع موجود بمثابة جنگلی انبوه می‌باشد که درختان گونه‌گونه‌اش از آبشخور اساطیر و پندارهای گوناگون آبیاری شده و پرورش و نمو یافته‌اند؛ ولی با این حال با روحيات اکثریت مردم سرزمین هند سازگار است و در عین حال يك مذهب بومی و اقلیمی نیز محسوب می‌شود. در مذهب تحول یافته کنونی، «برهمن» مصدر آفرینش است، با وجود این خدایان مختلفی را شريك او قرار می‌دهند! برای يك غیر هندو، آیین هندویی به صورت يك معما و پدیده‌ای غامض و پوشیده است. البته درك دانشوران و رؤسنفکران هندو با پندار عوام‌الناس تفاوت دارد؛ یعنی باید گفت مذهب دانشوران هندو، غیر از مذهب توده‌های بی‌سواد و کم‌رشد است.

در جامعه هندو هر کس با توجه به استعداد و صلاحیت معنوی (Adhikāra) خود می‌تواند خدای مورد علاقه خویش را انتخاب کند (Ista-devata). این دو سنت، مذهب هندو را تا حدی به هرج و مرج می‌کشاند و درك اشخاص در انتخاب خدای شخصی با هم تفاوت بسیار دارد؛ لیکن با همه این اختلاف‌ها خمیرمایه مذهب هندو از پرستش مظاهر طبیعت و خدایان نر و ماده ذهنی ترکیب یافته و در حدود چهار هزار سال است که با همه تحولات و تغییراتی که در نحوه پرستش این قوم پدید آمده، هنوز اکثریت مردم هند به این مذهب پای‌بنداند و آنرا باور دارند و بدان دل‌بسته‌اند.

در اینجا نظر این نیست که اساس مذهب هندو نفی یا تخطئه و یا برعکس ترویج و تبلیغ شود؛ بلکه در این تحقیق و ترجمه به اقتضای محققان مسلمان متقدم، مانند علامه ابوریحان محمد بن احمد البیرونی که در مقام تتبع و تحقیق، در بیان

تمدن و فرهنگ و ادب و تاریخ و نقل کتب و معتقدات اقوام غیر مسلمان با کمال بی طرفی و سعه صدر و دوری از هرگونه تعصب و کوتاه نظری عمل کردند، و فرهنگ و تمدن پیشینیان را به ما شناسانیدند، قدم و قلم برداشته میشود و «ریگ ودا» که کهنه ترین سند قوم آریایی هند است، مورد بررسی و تحقیق و ترجمه قرار میگیرد.

در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی قسمت اعظم این کتاب در تهران طبع شد و اکنون فرصتی پیش آمد و قسمتی دیگر بر متن چاپ اول افزوده شد و مقدمه مبسوط تری فراهم آمد، باشد که مورد قبول دانشوران و هندشناسان واقع شود.

والسلام علی من اتبع الهدی

۱۶ اسفندماه ۱۳۶۵ هجری شمسی،

برابر با ۲۵ فوریه ۱۹۸۷ میلادی

سیدمحمدرضا جلالی نائینی

«به نام خداوند جان و خرد»
 «کزین برتر اندیشه برگزیده»
 (فردوسی)

مذهب و اسطوره‌شناسی

مذهب در گسترده‌ترین مفهوم از روزگاران کهن از يك سوی شامل استنباط و ادراك آدمی از قوای الهی و آفریننده آفرینش و مسائل ماورای طبیعی بوده و از سوی دیگر دربرگیرنده آن احساسی است که سعادت و رفاه آدمی را به نیروی الهی و قدرت و نیروی فوق بشری وابسته می‌دارد و در نهایت به صورت انواع عبادت و پرستش در مکتب‌های مختلف فکری تجلی و ظهور می‌کند. آن آدم ساده‌ای که قوای طبیعی یا سنگ و چوب را خدا می‌پندارد - هرگاه با دید بسیار وسیع در حال و وضع او نگریسته شود - دنبال خدا می‌گردد، منتهی فهم و درایتش قاصر و شناخت و معرفتش نارسا است و گرنه به پرستش بتان نمی‌پرداخت. عبادت‌کنندگان اصنام و پرستش‌کنندگان مظاهر طبیعت، تصور می‌کنند که اصنام مظاهر مختلف خدایند و می‌پندارند که بتان، آنان را به خداوند نزدیک می‌کنند. قرآن کریم در این مورد در سوره «زمر» چنین فرموده است: «والذین اتخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله زلفی ان الله يحکم بینهم فی ما هم فیہ یختلفون».

و شاعری گفته است:

کفر و اسلام در رهش پیویان وحده لا شریک له گویان^۱

۱- جلال‌الدین محمد مولوی در مثنوی معنوی در قصه مناجات شبان با حق تعالی در عهد موسی از دید عرفانی همین مطلب را بیان می‌فرماید آنجا که گفت:

گو همی گفت ای کریم و ای اله
چارقت دوزم زنم شانم سرت
جمله فرزندان و خان و مان من
جامهات را دوزم و بخیه زنم
شیر پیشت آورم ای محتشم
من ترا غمخوار باشم همچو خویش
وقت خواب آیم بروم جایکت
روغن و شیرت بیارم صبح و شام
ای بیادت هی‌هی و هیهای من
گفت موسی با کیستت ای فلان
این زمین و چرخ از او آمد پدید
خود مسلمان ناشده کافر شدی
پنبه‌ای اندر دهان خود فشار
کفر تو دیبای دین را ژنده کرد
وز پشیمانی تو جانم سوختی
سر نهاد اندر بیابان و برفت
بنده ما را زما کردی جدا
نی برای فصل کردن آمدی
هرکسی را اصطلاحی داده‌ایم
در حق او شهد و در حق تو سم
از گران‌جانی و چالاکی همه
بلکه تا بر بندگان جودی کنم
سندیان را اصطلاح سند مدح
ما درون را بنگریم و حال را
گرچه گفت و لفظ فاخاضع بود
سوز خواهم سوز با آن سوز ساز
سر بسر فکر و عبارت را بسوز
سوخته جان و روانان دیگرند
برده ویران خراج و عشر نیست
گر شود پر خون شهید آفرامش
چه غم از غواص را پاچپله نیست
رازهایی کان نمی‌آید بگفت
دیدن و گفتن بهم آمیختند
در بیابان در پی چوپان دوید
گفت مژده ده که دستوری رسید
هرچه می‌خواهد دل تنگت بگوی
ایمنی وز تو جهانی در امان
من کنون در خون دل آغشته‌ام
آنچه می‌گویم نه احوال من است
(خلاصه‌ای از قصه چوپان و موسی).

دید موسی یک شبانی را براه
تو کجایی تا شوم من چاکرت
ای خدای من فدایت جان من
تو کجایی تا که خدمت‌ها کنم
جامهات شویم شپش‌هایت کشم
در ترا بیماریی آید به پیش
دستکت بوسم بمالسم پایکت
گر بدانم خانهات را من دوام
ای فدای تو همه بزه‌های من
زین نمط‌بپه‌وده می‌گفت آن شبان
گفت با آن کس که ما را آفرید
گفت موسی های خیره‌سر شدی
این چه ژاژاست این چه کفر است و فشار
گند کفر تو جهان را گنده کرد
گفت ای موسی دهانم دوختی
جامه را بدرید و آهی کردت
و حی آمد سوی موسی از خدا
تو برای وصل کردن آمدی
هر کسی را سیرتی بنهاده‌ایم
در حق او مدح و در حق تو ذم
ما بری از پاک و ناپاکی همه
من نکردم خلق تا سودی کنم
هندیان را اصطلاح هند مدح
ما برون را فنکریم و قال را
ناظر قلبیم اگر خاشع بود
چند از این الفاظ و اضمار و مجاز
آتشی از عشق در جان برافروز
موسیا آداب‌دانان دیگرند
عاشقان را هر زمان سوزیدنی است
گر خطا گوید و را خاطی مگو
در درون کعبه رسم قبله نیست
بعد از آن در سر موسی حق نهفت
بر دل موسی سخن‌ها ریختند
چون که موسی این عتاب از حق شنید
عاقبت دریافت او را و بدید
هیچ آدابی و ترتیبی مجوی
کفر تو دین است و دینت نورجان
گفت ای موسی از آن بگذشته‌ام
حال من اکنون برون از گفتن است

تاریخ اساطیر

تاریخ اساطیر که منشأ و مأخذ آن، مجموعه افسانه‌ها یا داستان‌هایی است که در مورد خدایان و قهرمانان نقل شده و پیدایی و شخصیت و حرکات و اثرات و توانایی و محیط آنان را بیان می‌دارد، به وجه دوم مذهب ارتباط پیدا می‌کند. چنین افسانه‌هایی زاییده کوشش ذهن بشر در دوران باستان و عهد قدیم است و برای توضیح و تشریح قوای گوناگون و پدیده‌های طبیعی که آدمی همیشه با آن برخورد داشته، فراهم آمده است. این اساطیر در واقع نمایانگر حدسیات و فرضیه‌های یک ذهن ساده و بدوی است که هنوز با «اصل توحید» آشنایی ندارد و پاسخ مجهولات و مبهمات علمی را - که از مشاهده مسیر گردش کواکب و غرش رعد و درخشش برق و ریزش باران و همچنین اندیشه در منشأ و نهاد جهان خارج ناشی می‌شود - به صورت داستان دریافت می‌دارد.

داستان یا افسانه زمانی به وجود می‌آید که قوای تخیل آدمی بتواند یک پدیده طبیعی را به صورت یک موجود با اراده و با شخصیت، مشابه انسان تجسم نماید. بنابراین مشاهده این امر که «ماه»، «خورشید» را دنبال می‌کند، بی‌آنکه بتواند به آن برسد، به یک افسانه تبدیل می‌شود و آنگاه ماه به دوشیزه‌ای همانند می‌گردد که، به دنبال مردی می‌رود که او را طرد کرده است. این افسانه اصیل و ساده زمانی که به دست مردمانی دارای قوه تخیل خلاق برسد، منظوم خواهد شد و بعد هنگامی که داستان دهان به دهان منتقل شود، شاخ و برگ پیدا می‌کند و به تدریج آن پدیده طبیعی از موضوع داستان حذف و در عوض مسائل و تعبیرات نفسانی جایگزین آن می‌شود و چون آن پدیده طبیعی که اساس داستان را تشکیل می‌داد، در بوتۀ فراموشی افتد، مطالب جدیدی که هیچ‌گونه ارتباطی با مقصود اصلی داستان ندارد، بر آن بار می‌گردد و زمانی که یک داستان یا افسانه به اصطلاح به حد تکامل می‌رسد؛ ممکن است آن قدر مطالب ثانوی و بی‌ارتباط به اصل موضوع بر آن افزوده شده باشد که تجزیه و تحلیل آن دشوار و حتی ناممکن شود. بدین ترتیب کشف عوامل و عناصر طبیعی اولیه در

شخصیت و اعمال و رفتار خدایان عصر ودایی و همچنین خدایان طوایف و اقوام قدیم دیگر، کاری بس دشوار خواهد بود - خاصه اگر بخواهیم فقط به یاری لغات و معانی کلمات اکتفا کنیم.

مشخصات اساطیر ودایی

اساطیر ودایی در بررسی تاریخ مذاهب، جایگاه مهمی دارد. کهن‌ترین مأخذ آن، مرحله‌ای است مبتنی بر پرستش مظاهر طبیعی که ابتدائی‌تر و کهن‌تر از آن، در هیچ‌یک از یادگارهای ادبی دنیای قدیم، جز در هند، پیدا نمی‌شود. نطفه‌ها و جوانه‌های اعتقادات مذهبی اکثریت سکنه هند در زمان حاضر که تنها شاخه‌ای از نژاد هند و اروپایی می‌باشند به چند هزار سال پیش ارتباط و تعلق دارد و هنوز کم و بیش به همان اعتقادات چند هزار سال قبل پدران خویش باقی هستند بی‌آنکه به یکی از ادیان توحیدی خارج از شبه جزیره هند پیوندند.

بنابراین اعتقاد هندوان امروز را تا قدیمترین منبع و مأخذ اساطیر ودایی یعنی «ریگ‌ودا» می‌توان دنبال کرد. اساطیر ودایی، آن اندازه که در گذشته تصور می‌شد، ابتدائی و خام نیست؛ اما تاریخ اساطیر که دست کمی از زبان ندارد، هنوز آن قدر روشن نشده که بتوان در هر موردی نظر قطعی داد و خدایان ودایی و صفات و وجه تسمیه آنان را به یک وجود فیزیکی متعلق و وابسته شناخت؛ مثلاً تا زمانی که «اگنی» (Agni) یعنی آتش به صورت خدای ودایی در نیامده بود؛ شخصیت الهه «اوشس» (Uṣas)، یعنی: «سپیده دم» تاریخ می‌نمود؛ زیرا عامل فیزیکی سپیده دم هنوز شناخته نشده بود و وقتی عامل فیزیکی او معلوم شد شخصیت «اوشس» نیز روشن گردید.

پایه و اساسی که اساطیر ودایی بر آن تکیه دارند، تا حدودی همان اعتقادی است که از زمان‌های بسیار قدیم بجای مانده است. آریایی‌های عصر ودایی هر یک از اشیاء و پدیده‌های طبیعی را که در پیرامون خود می‌دیدند تجسم خدایی می‌پنداشتند. هر چیزی که ذهن ایشان را به شگفتی درمی‌آورد، و یا تصور می‌شد

که بتواند اثر نیک یا بد بر کسی بگذارد، در عصر ودا می توانست مورد ستایش، بلکه پرستش قرار بگیرد. از آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و رودخانه‌ها و گیاهان تا چرندگان و پرندگان، نظیر اسب و گاو و پرنده اقبال، حاجت و مدد و همت می‌خواستند و حتی اشیائی که ساخته دست خود آدمی بود، از قبیل: سلاح و ارابه جنگی و طبل و خیش و همچنین وسایلی که در مراسم عبادی بکار گرفته می‌شد و یا تیری که حیوان قربانی را بدان می‌بستند، مورد ستایش قرار می‌گرفت.

این مرحله پایین و ابتدائی پرستش، سهم کوچکی در مذهب ودا دارد. خدایان بزرگ ودا شخصیت‌هایی همچون آدمیان صاحب شکوه و قدرت بودند که از انگیزه‌ها و غرایز نفسانی انسان الهام می‌گرفتند و همانند بشر زاده شده بودند؛ اما غالباً عمر دراز و جاویدان داشتند. بیشتر خدایان ودایی نماینده تغییر شکل یافته همان عوامل و پدیده‌های طبیعی هستند که به صورت خدایان درآمدند. هنگامی که یک خدای ودایی (Vedic) به نام همان عامل طبیعی بوجود آورنده‌اش خوانده می‌شود؛ می‌فهمیم که شخصیت او در مرحله ابتدایی تکامل است. از این قبیل می‌توان «دیوس» (Dyaus) یعنی آسمان و «پریتهیوی» (Prthivi) یعنی زمین و «سوریا» (Sūrya) یعنی خورشید و «اوشس» یعنی سپیده‌دم را نام برد که اسامی آنها نشانگر شخصیت دوگانه این پدیده‌های طبیعی و موجوداتی است که بر آنها سروری و ریاست دارند.

در مورد خدای «اگنی» و خدای «سوما» که در غالب تشریفات مذهبی خوانده می‌شوند؛ شخصیت آن دو تحت تأثیر ملموس عناصری چون آتش و افشردۀ مخمر سبزه سوما قرار گرفته است و هر دو عامل فیزیکی بترتیب به همین دو نام، نامیده می‌شوند و این دو خدا تجسمی از همین دو عامل فیزیکی هستند.

زمانی که نام یک خدای ودایی، با نام آن عامل فیزیکی که از آن الهام گرفته، تفاوت داشته باشد؛ شخصیت دادن به آن خدا پیچیده‌تر می‌گردد و از سر منشأ خویش فاصله پیدا می‌کند. بر این پایه است که «ماروت» (Maruts) ها یا خدایان طوفان درمقایسه با «وایو» (Vāyu) یا باد از اصل منشأ خود فاصله زیاد دارند،

هرچند شاعران ودایی بر این رابطه آگاهی داشتند. هرگاه علاوه بر نام، پیدایی یکی از خدایان ودایی به دوران قبل از ودا تعلق داشته باشد، این جدائی و فاصله بعد بیشترین خود میرسد. به عنوان مثال در مورد «ورونا» باید گفت منشأ ارتباط این خدا تنها زمانی مشخص می‌شود که به اساطیر کهن‌تر مراجعه کنیم. این دوری و جدائی از اصل به جایی رسیده که شخصیت «ورونا» مشابه یک فرمانروای الهی در یک آیین پیشرفته توحیدی نمودار شده است.

خدایان اساطیر ودایی برخلاف خدایان یونانی، مشخصات و ممیزات انحصاری انگشت‌شماری دارند؛ در حالی که قدرت‌ها و توانایی‌های مشترک آنان زیاد است. این امر مربوط به این است که عوامل و عناصر طبیعی که منشأ هر کدام از این خدایان بوده‌اند، با همدیگر مشترکات متعدد داشته‌اند و همچنین روند شخصیت بخشیدن به خدایان به حد کمال خود نرسیده است. از این دسته خدایان می‌توان، خدایان خورشیدی را ذکر کرد. علاوه بر این در نوشته‌های شاعران ودایی دیده می‌شود که غالباً سعی دارند اعمال و رفتار خدایان خود را توضیح دهند و بیان کنند؛ زیرا اساطیر به سبب خصوصیات خود به مسائل به نحو اختصار اشاره می‌کنند. از این گذشته نمیتوان انتظار داشت اشاراتی که در اساطیر به خدایان می‌شود، همه در یک جهت قرار داشته باشد بعلمت اینکه این اساطیر را شاعران مختلف در طی زمان‌های طولانی سروده‌اند.

منابع اساطیر ودایی

مهمترین منابع اساطیر ودایی، بی‌شک اساطیر ریگ ودا است که کهن‌ترین اثر ادبی هند است. اساطیر این کتاب، مجموعه‌ای از خدایان را معرفی می‌کند که اهمیت هر یک از آنها با دیگری یکسان نیست. این چند خدایی، تحت تأثیر تجردگرایی به مرحله‌ای می‌رسد که در آخرین «ماندالای» «ریگ ودا» (ماندالای دهم)، سرآغاز نوعی «یکتا پرستی» نمودار و حتی علائم اعتقاد به

«وحدت وجود» هم در آن دیده میشود.

سرودهای موجود در «مجموعه ریگ‌ودا» (Rgveda – Samhita) غالباً خطاب به خدایان مختلف و آداب و تشریفات قربانی و به ویژه مراسم تقدیم «سوما» است و در نتیجه این مجموعه منعکس – کننده تمام عیار اساطیر عصر خود نیست؛ زیرا سرودهایی که در توصیف «سوما» است، چندان ارتباطی با تاریخ اساطیر ندارد و بعلاوه جای اساطیر مربوط به ارواح پدران و نیاگان و جادو و افسون و زندگی پس از مرگ در این مجموعه خالی است. شخصیت خدایان در این سرودها پیرامون صفاتشان مشخص شده؛ اما رفتار و کردارشان – مگر برخی از کارهای بزرگ و برجسته آنها – بسیار کم مورد بحث قرار گرفته است و این وضع طبیعی به نظر می‌رسد؛ زیرا در این مجموعه سرودهایی که برای قربانی سروده شده، جنبه داستانی آنها ناچیز است و هیچ‌گاه نمی‌تواند به جز تصویری پراکنده از وجوه دیگر اساطیر چیزی ارائه دهد.

اطلاعات ناقصی که در ریگ‌ودا در مورد ارواح نیاگان و پدران و دیوان (Daityas) و حیات اخروی وجود دارد، تنها در ماندالای دهم به طور محدود، آن هم بسیار گنگ، یافته می‌شود. در این «ماندالا» هیچ سخنی درباره سرنوشت دیوان شریر و شقی پس از مرگ به میان نیامده است، به همین سبب نمیتوان ریگ‌ودا را منعکس‌کننده تمام عیار اساطیر ودایی بشمار آورد.

«مجموعه سام‌ودا» (Sāma – Veda – Samhita) که ودای آهنگ – هاست از آن روی که نیمی از محتوایش مأخوذ از «ریگ‌ودا» و نیمی دیگر اصلی و در توصیف «سوما» است، از نظر تاریخ اساطیر چندان مهم نیست؛ یعنی آن قسمت از کتاب که با تاریخ اساطیر ارتباط دارد از ریگ‌ودا گرفته شده و قسمتی که اصلی است در مطالعه تاریخ اساطیر اهمیت ندارد.

یجور ودای سنهیتا (Yajur – Veda Samhita): این ودای شامل قطعات منظوم و منثور است. در حدود نیمی از قسمت منظوم این ودای از ریگ‌ودا گرفته شده و نیم دیگرش منثور و تمام اصلی است. بخش اعظم این ودای اختصاص به مناسک مذهبی و اوراد و

ادعیه دارد. خدایان در این ودا با قربانی ارتباط ضعیفی دارند و از اینرو بطور مستقیم کمتر مورد پرستش واقع شده‌اند. برجسته‌ترین خصوصیات این ودا یکی وجود يك خدای اصلی موسوم به «پرجاپتی» (Prajāpati) و دو دیگر اهمیت یافتن بیشتر «ویشنو» و سدیگر ظهور خدای «شیوا» است. و چون خدایان در مقایسه با مناسك اهمیت کمتری دارند، ارتباط آن‌ها با مسائل اسطوره‌ای زیاد نیست.

«مجموعه اتهروا ودا» (Atharva – Veda – Samhita): این کتاب مدت‌ها پس از تألیف و تصنیف مجموعه‌های سه‌گانه مذکور که وداهای اصلی نامیده شده‌اند، بوجود آمد و شامل يك رشته رسوم بومی و اوراد و افسون می‌باشد. پاره‌ای از این اوراد برای شفای بیماران و ایجاد توافق و محبت خانوادگی و نرم کردن دل دشمنان و طول عمر و سلامت و خوشبختی فراهم آمده است و پاره‌ای دیگر برای غلبه بر دشمن و پیروزی بر جانوران وحشی و بیرون‌راندن دیوان بکار می‌رود. در این ودا شخصیت بخشیدن به خدایان در مرحله بالاتری قرار گرفته و تصورات جدیدی جنبه خدایی پیدا کرده‌اند. عقیده به وحدت وجود خصوصیت کلی این ودا است. سرودها و قطعاتی که فقط خطاب به يك خدا باشد بسیار کم و نادرند در حالی که یاری طلبیدن از چند خدا بی‌آنکه اساس شخصیت آنها مورد تحلیل قرار بگیرد بسیار است. بنابر آنچه گذشت چون رسوم بومی و اوراد و ادعیه با تاریخ اساطیر ارتباطی ندارند؛ این ودا نیز از نظر تاریخ اساطیر اهمیت چندانی ندارد. اتهروا ودا حاوی ۷۳۰ سرود و در حدود ۶۰۰۰ قطعه و يك پنجم آن از ریگ ودا گرفته شده است.

«براهمن»ها (Brāhmaṇas)

رساله‌های منشور «برهمن»ها بعد از وداها از نظر تاریخ اساطیر در ردیف دوم قرار دارند. و میان این رساله‌ها یکی «ایتریه براهمن» (Aitareya – Brāhmāṇa) و دو دیگر «شت پت براهمن» (Śatapatha – Brāhmaṇa) حائز اهمیت و اعتبار بیشتری هستند. در رسائل

«براهمن»ها، قربانی مهمترین موضوع و محور عمده است. صفات اختصاصی خدایان در این نوشته‌ها مورد بحث نیست. صفات اختصاصی خدایان ودایی، در زمان تحریر آنها در بوتۀ فراموشی افتاده است. بعضی از خدایان واجد اهمیت بیشتر و بعض دیگر از اهمیت‌شان کاسته شد.

مجموعه خدایانی که نامشان در «براهمن»ها قید شده غالباً همان‌هایی هستند که در «ریگ‌ودا» و «اتروا ودا» مورد ستایش قرار گرفته‌اند؛ با اینحال خدایانی مثل «پرجاپتی» و «برهما» در این رسائل با چهره‌های نوظهوری پیدا شده‌اند. در ودا نام «پرجاپتی» آمده ولی این نام بیشتر بمقام اعلاى الوهیت اطلاق شده و بعدها «ویشنو» و «اندرا» و «سویترا» و «سوما» و «هرن گربه» را نیز بدین نام خوانده‌اند. در براهمن‌ها «پرجاپتی» خدای آفرینش و پدر خدایان و آفریدگار بزرگ و ناظر بر مخلوقات و حافظ حیات شناخته شده و در «شت پت براهمن» برای نخستین بار به نام «برهما» برمی‌خوریم بی‌آنکه در ودا از او نامی برده شده باشد. در «براهمن»ها به مسئله «وحدت وجود» با عباراتی رساتر و گویاتر و صریح‌تر از قسمت‌های اخیر عصر ودایی توجه شده و به همین جهت «پرجاپتی» عنوان آفریدگار و خدای بزرگ پیدا کرده است. تقریباً همزمان با این فکر، «برهما» نیز به عنوان «آفریدگار» ظاهر شد و چون کارها و صفات «پرجاپتی» و «برهما» همانند است، بسیاری از هندشناسان، آن دو را يك وجود واحد اساطیری شناخته‌اند که به دو نام مختلف خوانده شده‌اند.^۱

بتدریج که از عصر شاعران ودایی دور می‌شویم، خدایان صفات مشخصه خود را از دست می‌دهند و به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند. در دوره براهمن‌ها، قوای ماورای طبیعی به دو دسته متخاصم، یکی دسته خدایان (Devas) از يك سوی و دو دیگر دسته دیوان شریر و خبیث (Asuras) از سوی دیگر منقسم شدند.^۱

۱- عصر «براهمن»ها، دوره بروز فساد و تعصب شدید بود. مراسم پرستی بی‌حاصل و بی‌روح شیوع پیدا کرد. سنت تقسیم جامعه هندو به چهار طبقه که در ریگ‌ودا بطور سربسته بدان اشاره شده و تصور مراحل چهارگانه زندگی پیدا و گسترش یافت. «پاندیت»ها قدرت و احترام زیاد به دست آوردند و در مقیاس وسیع به امر قربانی پرداختند و در معابد تندیس خدایان برافراشته شد.

پس از آن خدایان به سه دسته متمایز از هم تقسیم شدند، یکی دسته «واسو»ها (Vasus) که مقر آنان در زمین بود و دو دیگر دسته «رودرا»ها (Rudras) که در جو (اتمسفر) مقام داشتند و سدیگر «آدیتی»ها (Ādityas) - فرزندان «آدیتی» (Aditi) - که در آسمان جایگاهشان بود.

در رساله‌های «براهمن»ها، اساطیر متعددی در توضیح مطلب اصلی نقل شده ولی در مجموعه‌های ودا، اشاره و استنادی بدان‌ها نمی‌یابیم. بطور کلی باید گفت در «براهمن»ها اساطیر ودایی کاملتر از صورت قدیمی خود منعکس شده است ولی در پاره‌ای موارد طالبان را به صورت‌های اصلی نمی‌توانند راهنمایی کنند بلکه فقط رابطی هستند که اساطیر مربوط به قدیمترین دوران ودایی را به اساطیر دوران‌های بعد از خود پیوند می‌دهند^۱.

اثر جغرافیا و اقلیم و آب و هوا

اساطیر ودا، محصول و ثمرات عصر و سرزمینی است که شرایط اجتماعی و اقلیمی آن با شرایطی که مردمان در عصر حاضر به سر می‌برند تفاوت بسیار دارد. علاوه بر این اکنون بطور مستقیم ما با وضع و حقایق آن زمان و مردم آن دوره روبرو نیستیم؛ بلکه با خلاقیت ذهنی شاعران یا بینندگان مواجه هستیم که طرز تلقی آنان از طبیعت با مردمان امروز اختلاف و تفاوت فاحش داشته است. مشکلاتی که قهراً در بررسی مطالب گنگ و پیچیده‌ای که نمایانگر سطوح ابتدائی تفکر است و برای هر محقق کنجکاو پیش می‌آید، به سبب خصوصیات و ویژگی‌هایی که در سرودهای «ودا» موجود است؛ ابعاد بزرگتری پیدا می‌کند و «اسطوره‌شناسی» را با دشواری روبرو می‌سازد؛ از اینرو میان هندشناسان اختلاف نظر زیاد است و استنباط آنان با هم در دانش اسطوره‌ای متفاوت.

۱- در دوره‌های بعد در اساطیر آمده که یکبار خدایان واسوراها برای آنکه آب حیات پیدا کنند با هم متحد شدند و بدین‌منظور مار «شیش‌ناگ» را مانند طناب بسیار طویل و گلفت به‌دور کوه بزرگ «مندرا» پیچیدند، در حالی که یک سر طناب (مار شیش‌ناگ) به دست خدایان و سر دیگر (دم مار شیش‌ناگ) به‌دست دیوان شیرین بود و کوه مندر را در اقیانوس مانند شیرزنه به‌چرخش درآوردند و آب حیات پیدا کردند که نصیب خدایان شد.

در گذشته نه بسیار دور که، مطالعه و بررسی اساطیر ودایی تازه شروع شده بود، اولین کار غالب محققان این بود که اشتقاق صرفی کلمات مد نظر قرار می‌گرفت و با توسل به فقه‌اللغه، معنای آنها را با اساطیر انطباق می‌دادند. این نحوه تحقیق در امور اسطوره‌شناسی اگر چه اکنون معمول نیست، با این همه هنوز هم برخی از محققان در تفسیر اساطیر ودایی آنرا مطمح نظر قرار می‌دهند. باید دانست در کار «اسطوره‌شناسی» علاوه بر ملاحظات دستوری و فقه‌اللغه، گاهی فرضیه‌ها به جای آنکه بر پایه شواهد و قرائن باشد، از عقاید و اندیشه‌های کلی ریشه می‌گیرد و این امر موجب پیچیدگی بیشتری می‌شود. روشی که غالب هندشناسان در اسطوره‌شناسی اکنون پیش گرفته‌اند بر این اساس قرار دارد که در تحقیقات علمی باید از مطالب روشنتر و واضح‌تر آغاز کرد تا به مواردی رسید که آگاهی از آنها کمتر است. و از اینرو در اسطوره‌شناسی در زمینه بررسی شخصیت‌ها و اعمال و رفتار خدایان ودایی تنها به اطلاعات اندک و مشکوکی که از راه اسطوره‌شناسی تطبیقی به دست می‌آید نباید تکیه و اکتفا کرد؛ بلکه قبل از همه چیز باید آثار ادبی هند را منبع و مأخذ اصلی قرار داد؛ زیرا این منابع سابقه بسیار طولانی اساطیر ودایی را از قدیمترین مأخذ آن یعنی ریگ‌ودا تا زمان حاضر دربردارد. لازم است مطالب مربوط به هر اسطوره یا خدایی از همین منابع جمع‌آوری و دسته‌بندی شود و قبل از هرگونه نتیجه‌گیری صحت یا سقم هر مورد از طریق مقایسه با قطعات و جملات مشابه مورد بررسی دقیق قرار بگیرد. در این روند صفات ابتدایی خدایان که اساس تجسم‌اند با آنچه بعد اضافه شده باید از هم جدا شود؛ زیرا به محض آن که مظهری نماینده یکی از قوای طبیعی شناخته شد، خیال‌پردازی‌های شاعرانه به دور او پیله‌ای از اساطیر ثانوی می‌تند و در این ضمن در طول زمان مطالبی که از جای دیگر آمده و هیچ ارتباطی با اصل موضوع ندارد بر آن افزوده می‌شود. زمانی که مطلبی در سرودهای مختلف مورد تکیه واقع می‌شود و در اثر تکرار و کثرت استعمال شناخته می‌شود، اصالت آن روشن می‌گردد مثلا در ریگ‌ودا بارها تأکید شده که

در جنگ میان «اندرا» و «وریترا»؛ خدای «اندرا»، «وریترا» را کشت. اما آنجایی که شاعر می‌گوید «اندرا» با تیر مادر «وریترا» را هدف قرار داد، گوینده خواسته است جنبه‌نمایشی به این اسطوره بدهد. از این گذشته بنا بر اساطیر، کشتن «وریترا» در اصل به «اندرا» نسبت داده شده است؛ اما در مواردی هم عمل کشتن را به خدای «سوما» نسبت داده‌اند. گویا این نسبت از آن جهت به «سوما» داده شد که «اندرا» پیش از جنگ با «وریترا» افشرد مغمر سوما می‌نوشد و در اثر آشامیدن این افشرد، نیرویش افزون می‌شود و توانایی پیدا می‌کند که در نبرد «وریترا» را مغلوب و مقتول سازد؛ بنابراین پندار کشنده‌ی وریترا؛ افشرد مغمر «سوما» است، نه «اندرا». در ریگ‌ودا انتقال این‌گونه صفات از خدایی به خدای دیگر بسیار آسان صورت می‌گیرد؛ زیرا شاعران (ریشیان) ودایی، علاقه وافر نشان داده‌اند که، برای دو یا چند خدا صفات اختصاصی مشابهی قائل شوند و با هم مورد ستایش قرار بدهند. در «اسطوره‌شناسی» باید این صفات ثانوی از صفات اولیه واصلی بازشناخته شوند. مشابه همین امر در مورد کیفیت قدرت و توانایی خدایان که، غالباً بطور یکسان و یکنواخت به چند خدا، در «ودا» نسبت داده شده است، نمی‌توان به خدای خاصی اختصاص داد مگر آنکه صفت یا صفاتی را با اطمینان بتوان به خدایی استناد داد که بارها با تأکید مختص وی بوده است. در چنین صورتی امکان دارد که آن صفت یا قدرت، نخست مخصوص به آن خدای مورد نظر بوده و بعد در طی مرور زمان به دیگران هم تسری یافته است.

البته يك مسئله را در اینجا نباید از نظر دور داشت که سرودهای ریگ‌ودا به همه خدایان علی‌السویه خطاب نشده است. هرچند تعدد سرودهایی که به خدایی خطاب شده، مناط اولویت او نسبت به خدایان دیگر نیست ولی دست‌کم خدایانی که در «ریگ‌ودا» بیشتر مورد نیایش و ستایش و طرف خطاب واقع شده‌اند معروفیت بیشتری داشته‌اند و از اینرو ذکر و فکر شاعران پیرامون صفات و نیروهای آنان زیادتر دور می‌زده است و ظاهر این است که هواخواهانشان بیشتر بوده است.

از آنچه باز نموده شد روشن می‌شود، صفاتی را که به دفعات در سرودها به خدایی خاص نسبت داده‌اند، باید بطور نسبی در نظر گرفت. ظاهر این است که لقب یا صفتی که هم به «اندرا» و هم به «ورونا» اطلاق شده، بیشتر ارتباط به «اندرا» دارد تا به «ورونا»؛ زیرا سرودهایی که از «اندرا» نام می‌برند زاید بر ده برابر آنهایی است که از «ورونا» سخن به میان می‌آورند. گاهی ارزش يك جمله یا يك مطلب به عنوان شاهد و قرینه، ممکن است با قدمت سرودی بستگی داشته باشد. جمله یا قطعه‌ای که برای نخستین بار در يك عبارت بالنسبه تازه‌تر، دیده می‌شود، بی‌شك مقداری تکامل و تغییر را پشت سر گذاشته است.

پس از بررسی شواهدی که در خود «ودا» موجود است و همچنین مطالبی که در ادبیات متأخر هندو یافته می‌شود، پاره‌ای نقاط تاریک اسطوره‌شناسی ودایی را از طریق «اساطیر ایرانی» که پیوستگی نزدیکی با اساطیر ودایی دارد می‌توان بررسی کرد و نقطه نظر خود را استنباط و استخراج کرد. این مقایسه نتایجی را که از تجزیه و تحلیل شواهد موجود در نوشته‌های هندویی به دست آمده، می‌تواند تأیید کند و در مواردی هم که این شواهد برای نتیجه‌گیری کافی نباشد، دست‌کم ما را در تشخیص عقاید قدیم و جدید یاری می‌بخشد و یا تصور روشن‌تری جلو چشم هندشناسان قرار می‌دهد.

بنابراین کسانی که بخواهند در موضوع «اسطوره‌شناسی» وداها، بی‌بررسی «اوستا» تحقیق و تتبع کنند، نمی‌توانند در مواردی مثل یافتن اصل و ریشه خدای «میترا» به نتایج قاطعی دست یابند.

اسطوره‌شناسی تطبیقی ممکن است حتی بتواند سهم ودا را از دوره هند و ایرانی و همچنین اهمیت واقعی این سهم را روشن‌تر سازد. سرانجام هنگامی که بخواهیم تعیین کنیم کدام مطلب به مراحل ابتدائی‌تر تکامل انسانی مربوط می‌شود، باید مطالعات قوم‌شناسی و نژادشناسی را هم در نظر گرفت. مراجعه به منابع غیر از ودا، ما را در برابر این فکر قرار می‌دهد که آیا عناصر مختلف اساطیری را بطور خالص هندی بدانیم یا اینکه

دورهٔ هند و ایرانی - یا در مقیاس وسیع‌تر - دورهٔ هند و اروپایی را به عنوان نقطهٔ شروع آن به حساب آوریم. شاید تصور اخیر، آن‌قدر دور از ذهن باشد که تصور کنیم زبان هند و اروپایی، همان مرحلهٔ ابتدائی کلام اقوام آریایی است.^۱

اوستا و اسطوره‌شناسی

کسانی که در زمینهٔ اسطوره‌شناسی ودایی کار می‌کنند، هرگز نمی‌توانند از مطالعهٔ «اوستا» غافل بمانند و از بررسی و تعمق در آن بی‌نیاز باشند؛ زیرا قدیمترین شکل زبان اوستایی با گویش (زبان) ودایی از نظر ترکیب کلمات و لغات و دستور زبان و املاء و وزن و سبک عمومی شعر چنان نزدیک و زیاد است که فقط با استفاده از قوانین آوایی و ترکیب صداها و تغییر تلفظ، می‌توان قطعات و بندهای «اوستا» را کلمه به کلمه به شعر ودایی برگرداند و ابیاتی تنظیم و ترتیب داد که نه فقط از نظر شکل و صورت، بلکه از نظر روح شعری نیز درست و با ذوق سلیم سازگار باشد.

اما شباهت و نزدیکی زبان «اوستا» و «ریگ‌ودا» با هم در زمینهٔ اسطوره‌شناسی خیلی زیاد نیست؛ زیرا اصلاحات مذهبی که «زردشت» (Zarathuštra) به عمل آورد؛ به نحو بسیار قابل ملاحظه‌ای تغییرات و جا به جایی‌ها را باعث شد و این تغییرات در زمینهٔ اساطیر عمیق‌تر بود.

هرگاه ما ادبیات «اوستایی» هم‌زمان با «ریگ‌ودا» را در دست داشتیم، نزدیکی و قرابت خیلی بیش از این آشکار بودی؛ با این همه هماهنگی این دو زبان در جزئیات چه از نظر اسطوره‌شناسی و چه از نظر خود مذهب، باعث تعجب فراوان است. این دو زبان در قسمت اعظم لغات مشترک‌اند. واژه‌ها و کلمات بسیاری در این دو زبان به یک معنی و یک صورت وجود دارد که در سایر زبان‌های هند و اروپایی موجود نیست.

1- The Vedic Mythology, by: A. A. Macdonell, p. 11-15

اختلاف اصلی زبان «اوستا» و زبان ریگ ودا - بطوری که قبلاً گفته شد - فقط برخی مشخصات معلوم لفظی است که آن دو را از یکدیگر جدا ساخته است و با استفاده از قوانین آوایی می‌توان قطعات و بندهای ریگ ودا را به شعر اوستایی تبدیل کرد.

در واقع زبان «اوستا» و «ریگ ودا» دو گویش‌اند که از یک زبان مادرشاهی هند و ایرانی منشعب شده‌اند. به همین جهت برای تحقیق در تاریخ «اسطوره‌شناسی ودایی»، لازم است «اوستا» به عنوان یک متن صحیح و قدیم راهنما باشد و مورد بررسی قرار بگیرد تا از طریق مقایسه اساطیر تطبیقی به پاره‌ای از نکات نامفهوم و نامعلوم در ودا، از همزاد و همسال «اوستایی» آن استفاده شود و بمفهوم صحیح و واقعی دست یافت.

از سوی دیگر مطالعه ریگ ودا برای شناخت فرهنگ ایران باستان اهمیت بسزایی دارد بطوری که این دو اثر کهنسال دوقوم آریایی ایران و هند چنان با هم بستگی دارند که یکی را بی‌نیاز از آن دیگر نمی‌توان دانست.

دو تیره آریایی قوم هند و ایرانی پیش از آنکه از موطن اصلی از هم جدا شوند، مدت طولانی در کنار هم می‌زیستند و واجد یک فرهنگ و مذهب هند و ایرانی بودند و اگر نتوان به تمام جزئیات آن پی برد، قسمتی از آنرا می‌توان از طریق مقایسه «ودا»ها با «اوستا» مشخص ساخت. پیش از آنکه طوایف آریایی هند و ایرانی وارد سرزمین ایران شوند وفلات ایران را بپیمایند و دسته‌ای از آنان راه هند را پیش گیرند؛ قسمت‌های کوهستانی این سرزمین بزرگ منشأ یک فرهنگ مادرشاهی قدیمتر بود و سکنه آن مانند سکنه هندوستان، خدایان مارمانندی را پرستش می‌کردند و احتمال دارد که فرهنگ ایران و شمال غرب هندوستان پیش از ورود طوایف آریایی دارای یک روح و مبدأ واحد بوده و همین فرهنگ قدیمتر پس از ورود طوایف آریایی در مذهب و طرز تفکر و حتی خدایان آنان اثر گذاشته باشد.

نام هند در کتاب «اوستا» آمده و توصیف‌هایی از شمال هندوستان در آن وجود دارد. «ریگ ودا» نیز به ایران اشاراتی

دارد. ایرانیان در این کتاب «پرشوه» (Paraśava) و یا «پارشویه» (Paraśavya) و پس از آن «پاراسیکا» (Parasika) نامیده شده‌اند. همچنین ایرانیان یاد میهن مشترک «ایران‌ویج» (Eranvej) را در اساطیر خود حفظ کردند؛ لیکن آریاهای هندوستان که تمدن مشخص ریگ‌ودایی را قبل از هزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح بوجود آوردند، هیچ نوع اشاره‌ای به سرزمین مشترک اجدادی هند و ایرانی نکرده‌اند.

«لودویگ» (Ludwig) و «ویبر» (Wiber) پاره‌ای از جملات «ریگ‌ودا» را که در آنها از «پریتهو پرشوه» (Prthu - Parsāvah) ذکر به میان آمده است، اشاره‌ای به «پریتهو» ها (Prthus) و «پرشوه» ها (Paraśus) یعنی «پارت» ها و «پارس» ها (= ایرانیان) می‌دانند. در جمله‌ای از «ریگ‌ودا»، «یادو» (Yādu) مخصوصاً با «پرشوه» (= پارس) اصطکاک پیدا می‌کند.

به گفته «ویلسون» (M. H. Wilson) منظور از کلمه «تیریندیره» (Tirandira) مذکور در «ریگ‌ودا» پسر «پرشو» می‌باشد و این هر دو اسم ایرانی است که «تیرداد» Tiridata و پارس باشد.^۱ آریاهای هند وقتی از فلات ایران پیش تاختند و به هند هجوم بردند، صرف نظر از سایر اسامی کلمات «رسا» (Rasa) (اوستا: Ranha) و «سرسوتی» (Sarasvati) و «بالهیکه» (Bālhika) را از ایران به هندوستان بردند و دو رودخانه و یک ناحیه را در آنجا نام‌گذاری کردند. به نظر هیلبراند (Hillberandt) سکوت مطلق ریگ‌ودا در مورد مهاجرت از سرزمین مشترک هند و ایرانی را نمی‌توان مگر به عمد حمل کرد. در غیر این صورت باید تصور کرد که آن قسمت از سرودهای ریگ‌ودا که شامل اسامی نخستین ایرانی است در

1- Iran in the Ancient East, 1941, p. 190. Op. Cit., p. 192 & Op. Cit., pp. 11, 177.

برخی از مفسرین و محققین ریگ‌ودا، عبارت: «پریتهو - پرشوه» Prthu-Parsāvah را بمعنی: «دنده‌های پهن»، یا «تبرهای پهن» دانسته‌اند، از آن‌جمله: «گریفیت» همین معنی را اختیار کرده است، ولی بعکس «لودویگ» معنی: «تبرهای پهن را غیر صحیح میدانند و استدلال می‌کنند که عبارت پریتهو پرشوه Prithu-Parsāvah عبارت پریتهو (پارت‌ها) و پرشو (پارس‌ها) ایرانی‌ها) میباشند.

بنگرید به ماندالای هفتم - سرود ۸۳ بند اول، و ماندالای هشتم سرود ۶ - بند ۴۶.

فلات ایران سروده شده باشد^۱.

این احتمال وجود دارد که پاره‌ای از سرودهای کهن‌تر ریگ‌ودا به هنگامی تعلق داشته باشد که آریاهای هند از فلات ایران می‌گذشتند و به سوی هند کوچ می‌کردند و در ایران ساخته شده است. گویا میان تیرهٔ آریای هند و تیرهٔ آریای ایران در جریان کوچ کردن از ایران و یا پیش از آن یک نوع عدم توافق اخلاقی یا عقیده‌ای بوجود آمده که سبب این بی‌علاقگی مخفی و سرپوشیده شده و همین عدم توافق و اختلاف سبب جدائی یا یکی از اسباب انشقاق را فراهم کرده است و هر یک از این دو قوم، تشکیل واحد جداگانه‌ای داده‌اند^{۲-۲}.

این عدم توافق و اختلاف در چه تاریخی روی داده است، روشن نیست و ظاهراً از مذهب و آیین باستانی آریاهای هر دو کشور سرچشمه گرفته است. از مجموع اطلاعات ناقصی که به دست آمده ظن غالب بر این است که این اختلاف بعد از سدهٔ چهاردهٔ قبل از میلاد پیش آمده؛ زیرا متون «بغازکویی» حاکی از آنست که هنوز اقوام هند و ایرانی خدایان مشترکی را می‌پرستیدند و میان ایشان اختلاف ریشه‌داری نبوده یا دست کم اختلاف ظاهر نشده بود و در مورد اندرا و «اسورا» هر دو قوم هنوز اختلاف پیدا نکرده بودند. بعبارت دیگر تا حدود ۱۴ قرن قبل از میلاد مسیح، دو قوم آریایی هند و ایرانی خدایان مشترکی را می‌پرستیدند و اختلاف میان تیرهٔ «دیوپرستان» و تیره «اسورا پرستان» (اهورا-پرستان) چشم‌گیر نبوده و این‌گونه اختلاف‌ها در زمانی نزدیک به زردشت یا عصر زردشت در حدود هزارهٔ اول قبل از میلاد مسیح شکل گرفته است.

در این دوره است که بیشتر سکنهٔ آریایی ایران «اهورا» (= Asura) پرست و غالب سکنهٔ آریایی هند دیو (Daiva) پرست

1- Ved, Myth, first ed; Vol I, pp. 99 ff.; Vol III, pp. 372-80. Older attempts to read Iranian history and geography in the Veda have been briefly dealt with by Jackson in CHI, Vo 1, pp. 322 ff., and more recently by Keith in Woolner Comm. Vol (1940)

2- The Vedic Age, p. 21b.

3- Iran in the Ancient East, 1941, p. 190. Op. Cit., p. 192 & op. Cit., pp. 11, 177.

شدند. از این گذشته برخی دیگر از خدایان در هند و ایران به دو مفهوم مخالف شناخته شدند. مثلاً در ایران، اهوراپرستان، «اندرا» را دیوی بمفهوم موجود شریر و خبیث پنداشتند درحالی که در هند یکی از خدایان برجسته قوم آریایی بود و بیش از همه خدایان در ریگ‌ودا سرود به او خطاب شده و مورد پرستش و ستایش‌گروه کثیری از ریشیان قرار گرفته‌است. همچنین «اهورا» (= Asura) که قبلاً از دسته خدایان روشنی و نور و مورد قبول اقوام آریایی هند و ایرانی بود، در ایران خدای ویژه آریاهای ایرانی باقیماند ولی در هند «اسورا» دیو شریر و خبیث بشمار آمد. به‌ظن قوی تغییر اینگونه مفاهیم متعلق به زمانی نزدیک به عصر زردشت یا مقارن ظهور او بوده است؛ زیرا زردشت بر آن بود تا قوم ایرانی خود را به‌سوی یگانه‌پرستی راهبری کند و از اینرو اهورا یا اهورامزدا را تنها خدای خیر و برکت و نیکویی شناخت و پرستش مظاهر طبیعی را مردود دانست و به‌نوعی یگانه‌پرستی، آریاهای ایران را سوق داد.

بطوری که قبلاً گفته شد پیش از ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح خدایان دیوایی (Daivic) که «اندرا» و «ناستیه»‌ها باشند در ردیف خدایان اسورایی (Ahura = Asura) یعنی «ورونا» و «میترا» قرار داشتند و سنگ‌نبشته «بغازکویی» معتبرترین سندی است که هرگونه شك و تردید را در این مورد برطرف می‌سازد. بی‌شك تغییراتی که در نحوه پرستش دو قوم آریایی هند و ایرانی روی داد پس از این تاریخ صورت گرفته‌است. «کریستنسن» (Christensen) در این باره می‌گوید که اختلاف میان پرستندگان دیوایی که از مشخصات اصلی تاریخ باستانی نژاد هند و ایرانی است؛ در ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد هنوز پیش نیامده بود ولی مدتی قبل از پدیده زردشت که گات‌های منسوب بدو باید لاقلاً متعلق به هزار سال پیش از میلاد باشد، وجود این اختلاف را اعلام می‌دارد.

اختلاف میان پرستندگان خدایان جدید و خدایان قدیم باید یکی از علل اصلی دو دستگی و سرانجام جدا شدن آریاهای هند و ایرانی باشد؛ اما ظاهراً مذهب تنها ریشه اختلاف نبوده

بلکه یکی از علل بروز اختلاف بوده است.^۱ ظاهراً پیروان مذهب اسورایی (= اهورایی)، طبقاتی پرورش یافته‌تر و ثابت‌قدم‌تر از جامعه آریایی هند و ایرانی بودند و به فلاح و تربیت احشام می‌پرداختند و حال آنکه مذهب قدیم‌تر «دیوایی» در طبقات زورمند، اما کم‌رشدتر ادامه یافته بود و در این طبقات عادات موروثی اولیه بیشتر رسوخ داشت. دسته اول به باقی ماندن در ایران قانع شدند؛ لیکن دسته دوم در اثر روح حادثه‌جویی و زیاده‌طلبی به سوی خاور پیش تاختند و سرانجام به هندوستان وارد شدند.^۲

نباید تصور کرد همه آن‌هایی که در ایران باقی ماندند، «اسورا» (اهورا) پرست بودند، و همه آنانی که سختی را بر خویش هموار ساختند و به طرف سرزمین هندوستان پیش رفتند دیواپرست.

سنگ‌نیشته خشایار شاه درباره دیوپرستی که در سال ۱۹۳۵ میلادی کشف شد بخوبی آشکار می‌سازد که حتی در سده پنجم قبل از میلاد نیز در قلمرو شاهنشاهی هخامنشیان با دیوپرستی شدیداً مبارزه می‌شد، و در هندوستان با وضع خاصی روبرو می‌شویم که در ایام بسیار قدیم به همه خدایان بزرگ به‌عنوان احترام لقب اسورا (= اهورا) می‌دادند. هرچند در ایام بعد، این صفت مطلقاً بعنوان دشنام بکار رفت.

در قسمت‌هایی از براهماناها، آسوراها در حرف زندگانی متمدن، برتر از دیواها نشان داده شده‌اند، و در داستانهای ودایی و پورانی، آسوراها برادران بزرگتر خدایان بشمار رفته‌اند، و مانند خود دیوها بمراتب بالاتر از داسیوها، و راکشس‌ها قرار گرفته‌اند.

با توجه به مجموع علائم و امارات مشکل است انکار شود که با جمع انبوه آریاهای دیوپرست، يك اقلیت قوی پیشرفته‌تر اسورا

1- The fires of the Prytaneia in Greece, Vestal fire of Rome, Gārhapatyā fire of India.

2- Kulturgeschichte des Alten Orients, p. 211.

وبنگرید به:

Sukumar Sen, Old Persian Inscriptions. pp. 148-56

(= اهورا) پرست، وارد هندوستان نشده باشد که در رسوم و مذهب با دسته اکثریت مختصر اختلافی داشته است. بنابراین قدیمترین جامعه آریایی هند مانند قدیمترین جامعه هند و ایرانی از نظر فرهنگ یکنواخت نبود، هر چند قسمت اعظم آن دیواپرست بودند. اینکه در اساطیر هندو معمار خدایان آسورایی بنام مایا (Maya) است، نمیتوان یک تصادف دانست. دیوپرستان جشن ظاهراً پیشه و هنر برتر رقیبان خویش را ناشی از جادو و افسون میدانستند. با توجه به مذهب خدایان دیوایی (Daiva) در هندوستان و با توجه به مذهب اهورایی در ایران: فرهنگ و مذهب این دو، تا زمان ظهور زردشت، کم و بیش شبیه به وضع و مقام بودا در هند و ارفوس (Orpheus) در یونان است که هر دو آنها عملاً با کشتن حیوانات در مراسم مذهبی معترض بودند؛ ولی اعتراض هیچیک از آنها بشدت مخالفت زردشت نبود.

در گاتها، زردشت جشن‌های مذهبی عامیانه و جاهلانه را که دیوپرستان سرمست از افشرد هوم، خون حیوانات را به خدایان تقدیم می‌داشتند، و در میان فریادهای شادی جان گاو بی‌آزار را فدا می‌ساختند، شدیداً محکوم می‌سازد.

کاملاً روشن است مراسم که همراه با حمله و انتقاد زردشت در ایران باستان، برگزار می‌شده بسیار شبیه به مراسم ودایی است. تعداد زیادی لغات و کلمات مذهبی در دو زبان مشترک‌اند، مانند: هوما (Haoma = سوما Soma)، زئوتر (Zaotar = هوتا Hotr)، آثرون (Atharvan = اتهرون Atharvan = آذربان) منتره (Mantra = Mantrha) یزته (Yazata = یجته Yajata) یسنا (Yasna = یجنا Yajna) آزوئیتی (Azuiti = آهوتی Ahuti) ایریمان (Aryaman = ایریمان Airyaman) ایشون (Isvan = ایشور)، آتر (Atar = آذر = Agni) و امثال آنها. و همچنین غالب مراسم ودایی، و اوستایی از یک اصل و ریشه‌اند. واضح است که نوآوری‌های زردشت نتوانسته است بطور مؤثری پرستش سوما (هوما) را که یکی از خصوصیات ودا است، و از مدت‌ها پیش از زردشت در ایران مرسوم بوده، تغییر دهد.

معهدا تلاش زردشت در رشته مذهب و اساطیر (= میتولوژی) موفق‌تر بوده است، ولی از این جنبه‌ها نیز شباهت بحدی آشکار

است که می‌تواند یگانگی‌های قبلی را ثابت نماید. مراسم و تشریفات «اوپه‌ناینه» (Upa – nayana) در «ودا»، و «اوستا» تقریباً یکسان است. در هردو (= ودا، و اوستا) تعداد رسمی ایزدان سی و سه است. در ادبیات مقدس ودایی و اوستایی اوزان عروضی یکی است و اصطلاحات و نامهای آنها یکسان‌اند و تقریباً هیچگونه اختلاف عمده‌ای در بین آنها نیست. در هردو کتاب خدایان ابتدا بصورت پهلوانان جنگجوی آریایی، سوار بر ارابه که اسبان نیرومند آنها می‌کشند، مجسم شده‌اند. خدایان ودایی بسان ایزدان اوستایی آسمان را نگاه‌می‌دارند، و از فروافتادن آن جلوگیری می‌کنند. پرستش‌ش‌ صور یا تندیس‌خدایان در ودا و اوستا بهیچ‌وجه منعکس نیست.^۱

«وارونا»ی «ودا» مثل معادل اوستایی خود اهورا، با یاری میتره (Mitra = در اوستا میثره Mithra) حافظ‌اعلای قانون اخلاق است، و تصور نظم کیهانی در هردو مورد بصورت خدای معنوی در «ودا» بنام: (ریتا Rta)، و در «اوستا» به‌اسم: «اشا Asa» خوانده شده است. حتی اختلاف توصیف «اندرا»ی ودا، و «اندرا»ی اوستا اگر بتاریخ آن دو که شرح آنرا: «بنونیست (Benveniste)» و «لویی رنو (Louis Renou)»^۲ در تألیف خود داده‌اند، توجه شود، از میان برمی‌خیزد.

خلاصه فرضیه «لویی رنو» و «بنونیست» (Benveniste) از این قرار است:

در عصر هند و ایرانی دو خدای مختلف مورد ستایش بوده‌اند: اندرا (Indra) و وریتران (Vritrahan) وریتران = مقاومت، و وریتران = مقاومت‌شکن). اندرا تنها تجسم قدرت طبیعی بود که در افسانه‌های بیشتر تمدن‌های قدیمی موجود است، ولی در عین حال دیوایی (= دایویک Daivic) نیز شناخته می‌شد تا با سلیقه زردشت نوآور و سختگیر، وفق دهد، اما خداوند مقاومت‌شکن یعنی: وریتران (ورترغنه Verethragna = بهرام) که وظیفه او

بنگرید به:

1- Like Vedic Rita.

2- In Vritra et Verethragna, Paris 1934.

پیروزی و از میان بردن مقاومتی است که بدی بوجود می‌آورد، مقام افتخارآمیز خود را در میان ایزدان ایرانی پیوسته حفظ کرده است.

اندرا، و وریتراهن فقط بعدها در عصر ودایی توأم گشته، و در يك شخص متصور شده‌اند. بطور خلاصه، اندرای‌ودا، همان اندرای هند و ایرانی مذکور در بغازکویی است باضافه وریتراهن، و حال آنکه اندرای اوستا، اندرای هند و ایرانی است، منهای وریتراهن.

بنابراین هیچ اختلافی بین اندرای «ودا»، و اندرای «اوستا» نخواهد بود. اگر تاریخ اندرا را در نظر آوریم درمی‌یابیم که تاریخ دو خدای مختلف است که در ایران و هند به دو طریق در یکدیگر اثر گذاشته‌اند.

ناستیه‌ها (Nāsatyas) که در کتیبه بغازکویی در کنار اندرا، و ورونا نام برده شده‌اند، نیز در اوستا ذکر گردیده‌اند، منتهی مانند: اندرا بصورت دیو، حتی «اپان‌نپات» (Apam – Napat) که یکی از خدایان کوچکتر ودا است، در اوستا بصورت ایزدی به همان نام مذکور است.

معادل «گنده‌روه» (Gandharva) ودایی = گندروه Gandarewa (اوستا) و معادل کریشانو (Kṛiṣānu) ودایی = «کرشانی» Keresani (اوستا) است.

یمه (Yama) پسر ویوسوت (Vivasvat) مذکور در ودا فرمانروای مردگان است. و یمه (Yima) پسر وی‌ونونت (Vivahvant) (= جم فرزندان وی‌ونونت) در اوستا فرمانروای بهشت است. شواهد زیاد می‌توان نشان‌داد گواه براین‌که با وجود نوآوری زردشت، مذهب ایرانیان در اغلب موارد بصورت پیش از آن باقی مانده است. بطور کلی چنین بنظر می‌آید که منظور زردشت از نوآوری آن‌قدرها قطع رابطه باگذشته نبوده، بلکه تصمیم داشته و تا حدی نیز موفق شده است که اصول مذهب اسورا (Asura) = اهورا (Ahura) را مستقر سازد، و آنرا از تمام پلیدیهای دیوان پاک کند.

این فرض مخصوصاً از این نکته دقیق آشکار می‌شود که

زردشت تنها بفرستادن دیوان مهم مانند: اندرا به دوزخ اکتفا نکرد و نام خدای بزرگ آسورا یعنی: وارونا را به اهورامزدا (Ahura - Mazdah) تغییر داد. علت اینکه زردشت نام این خدا را از میان برد ولی شخصیت او را نگاهداشت و به بالاترین مقام افتخار بالا برد ظاهراً آن است که در عصر پیشین - دست کم در زمانی که الواح بغازکویی نوشته شده است - نام این خدا با اسم دیواندرا توأم گشته بود.

بدلایل مشابهی زردشت از بکار بردن کلمه: بگه (= Bagha = بغ) بمعنی: خدا که دارای ریشه هند و اروپایی است، اجتناب ورزید؛ اگر چه این واژه در قسمت‌های اوستا که مربوط به قبل از زمان زردشت است، در کتیبه‌های قدیم ایران ذکر شده است؛ زیرا يك کلمه مذهبی هند و اروپایی نمی‌توانست از ملازمه با دیوها خالی باشد.

تا زمانی که معتقد بودند، گات‌ها (Gāthas) چون دارای قدیمترین زبان می‌باشد نماینده قدیمترین تمدن آریایی ایران نیز هست بهیچوجه ممکن نبود مشاهده شود جامعه‌ای که در «ودا»، و «اوستا» توصیف شده‌اند، در اصل یکی است، ولی اکنون کاملاً ثابت شده که تمدن گات‌ها، تمدن نوین عصر جدیدتری از ایران است که جنبه بسیار قدیمتر آن در «یشت‌ها» (Yāsts) منعکس است، مخصوصاً در «یشت»‌هایی که از تجدیدنظرطلبی زردشتیان مصون مانده است، و فرهنگی که در این گونه «یشت»‌های ایرانی قبل از زردشت منعکس است، اصولاً با فرهنگ و ادایی هندوستان چندان تفاوتی ندارد.

آیین هوما (Haoma) که حقیقتاً شاهد اصلی یکی بودن تمدن هند و ایران است، پیش از زردشت مرسوم بود. و هرچند مخالف تعلیم زردشت است، ولی نگاهداری این سنت در مذهب مزدایسنی بعد از زردشت در ایران از آن نظر می‌باشد که زردشت از نظر سیاست در حرام ساختن نوشابه‌های سکرآور بویژه ذکری از «هوما» نکرده است، و محققان اوستاشناس از عدم ذکر نام «هوما» چنین استدلال

۱- «بگه» Bhaga در ودا خداوند خوشبختی و وفور نعمت شناخته شده است.

کرده‌اند که تمام مسکرات نجس است مگر هوما (= در ودا: سوما Soma).

«بنونیست» نشان داده است که مذهب ایرانیان دوره هخامنشی بطوری که هرودوت (Herodotus) آنرا وصف می‌نماید، هیچ توافقی با مذهب گاتها ندارد بلکه بعکس در بسیاری نکات مهم به مذهب ودایی شبیه است.^۱

اختلافات فاحش میان طرق دفن مردگان در ایران و هند در نتیجه موشکافی بکلی از بین می‌رود. عادت گذاشتن جسد مردگان در دخمه که در هندوستان خبری از آن نیست، اصل ایرانی اوستایی ندارد؛ بلکه يك عادت مدی (Median) است که مخصوص مجوسان بوده است، و این عادت تنها در عصر اشکانیان در ایران مرسوم گردید و برای اولین بار در ویدودات (Videvdat) که در عصر اشکانیان نوشته شده، ذکر گردیده است.

جسد پادشاهان هخامنشی پس از مرگ در قبرهای مخصوص قرار داده می‌شد و در هیچ کجا ذکری از آن نیست که جسد یکی از شاهان هخامنشی برای طعمه مرغان، و کرکس‌ها و درندگان عرضه شده باشد.^۲

از آنچه باز نموده شد، چنین مستفاد می‌گردد که ریگ‌ودا و اوستا نماینده يك ارتباط فکری است. این دو اثر بقدری بهم نزدیک‌اند و شباهت دارند که آنها را می‌توان یکی دانست. این قرابت و خویشاوندی زبان و مذهب این احتمال را بوجود آورده که بعضی از سرودهای ریگ‌ودا هنگامی که قبائل آریایی فلات ایران را می‌پیمودند، موجود بوده است، و ریشی‌ها و خاندان‌های روحانی آنها را در حافظه داشتند و به هند بردند و بعدها در هند بکتابت درآمده است.

يك مراجعه اجمالی به اوستا و ریگ‌ودا محرز می‌دارد که در هر دو اثر لغات و واژه‌های مشترك به يك معنی و مفهوم بکار برده شده است؛ گویی در آنها اختلافی نیست، مگر بعضی

۱- بنگرید به:

The Persian Religion, Ratanbai Katrak Lectures. Paris 1929, pp. 32 ff.

۲- بنگرید به:

Herzfeld, Iran in the Ancient East. 1941, pp. 216-217

مشخصات معلوم لفظی.

از آنچه گذشت بخوبی روشن می‌شود که تاریخ فرهنگ و مذهب ایران باستان، با تاریخ فرهنگ و مذهب قدیم هندوستان ریشه و اصل واحد و نزدیکی کامل دارد و این قرابت و شباهت با مطالعه «ودا» و «اوستا» نمایان می‌شود. بدین ترتیب فرهنگ باستانی ایران و هند را نمی‌توان از یکدیگر جدا شناخت، و این مسأله باید هم همینطور باشد، زیرا هر دو از یک فرهنگ هند و ایرانی منشأ گرفته و از یک سرچشمه سیراب شده‌اند.^۱

فرضیه آفرینش جهان در ودا

شاعران (Rsis) یا بینندگان ودایی، جهان هستی را صحنه‌ای خوانده‌اند که عملیات خدایان روی آن در سه بخش: زمین و هوا (جو = اتمسفر) و آسمان اجرا شده، به عبارت دیگر جهان هستی به سه بخش مجزا از هم یعنی: زمین و جو و آسمان تقسیم شده است. آسمان هنگامی که تمام فضای بالای زمین تلقی شود با زمین همه آفرینش را در برمی‌گیرد. طاق آسمان (Naka) مرزی تلقی می‌شود که جهان مرئی بالا را از جهان مرئی آسمان که مرکز و مکان نور و خدایان ودایی است، جدا می‌سازد. آسمان و هوا و زمین، تثلیث «ریگ ودا» را تشکیل می‌دهند که از آنها به‌طور صریح و حقیقی یا مجازی گفت‌وگو می‌شود (۹۰ و ۸/۱۰ و غیره). پدیده‌های خورشیدی که به نظر می‌رسد و روی طاق آسمان روی می‌دهد، به آسمان نسبت داده می‌شوند و آذرخش (رعد و برق) و باران به جو تعلق دارند؛ اما هنگامی که آسمان

و بنگرید به:

The Vedic Age, R. C. Majumdar, London, 1957, pp. 218-223.

۱- در بمبئی اردشیر خرددار از زردشتیان هندگاتها را به‌زبان انگلیسی ترجمه کرده است و در آخر کتاب فرهنگی ترتیب داده و لغات مشترکی را که در گاتها و ریگ ودا بکار برده شده با نشان دادن تلفظ ودایی و اوستایی استخراج کرده‌است.

بنگرید به:

New Light on the Gāthās of Holy Zarathushtra, By: Ardeshir F. Khabardar, pp. 727-777.

همه فضای بالای زمین را دربر می‌گیرد گفته‌اند که آنجا هر دو پدیده واقع و نمودار می‌شود. در يك بند «اتهروا ودا» (واجس نیی سنهیتا ۱۷/۶۷ = ۴/۱۴) آمده که طاق آسمان مابین تثلیث زمین و هوا و آسمان و جهان نور قرار دارد و بدین نحو به يك گروه چهارم اشاره شده است.

هریک از سه جهان هستی (آسمان و جو و زمین) به بخش‌های فرعی نیز انقسام یافته‌اند. زمانی که جهان را دارای دو نیمه فرض می‌کردند، درباره شش جهان یا فضا Rajamsi نیز سخن رانده شده است. این بخش‌های فرعی، شاید از استعمال نابجای کلمه «پریتیهوی» (Prthivi) یا زمین (۷/۱۰۴ و ۱/۱۰۸) به صیغه جمع برای نشان دادن سه جهان به وجود آمده باشد؛ نظیر کلمه (Pitarau = دو پدر) که به صیغه تثنیه به کار برده شده و مقصود پدر و مادر (والدین) است.

زمین را به اسامی «بهومی» (Bhūmi) و «کشما» (Kṣma) و کشا (Kṣa) و «گما» (Gmā) و «پریتیهوی» (Prthivī = پهناور) یا «اروی» (Urvī) خوانده‌اند و آنرا «اوتانا» (Uttānā) توسعه یافته و طولانی و «اپارا» (Apara) یعنی بی‌حد یا در مقابل کره بالایی، «ایدم» (Idam) یعنی مکان این جایی توصیف کرده‌اند (۱۵۴ و ۱/۲۲).

تصور زمین به صورت قرصی که پیرامونش اقیانوسی قرار گرفته است، در مجموعه‌های وداها منعکس نیست؛ اما طبعاً گرد تلقی شده و با چرخ آنرا مقایسه کرده‌اند (۱۰/۸۹) ولی در رساله «شت پت براهمن»، زمین به نحو صریح گرد (Parimandala) توصیف شده است. در ریگودا از چهار ربع (Pradīśah) سخن رفته (۱۰/۱۹) که اصطلاحی است مترادف با تمام زمین (۱/۱۶۴)؛ و زمین را به شکلی که چهار نقطه (منطقه) دارد، تعریف کرده‌اند (۱۰/۵۸). گاهی هم به پنج نقطه زمین اشاره شده (۳/۲۴ و ۹/۸۶ و ۱۰/۴۲). «اتهروا ودا» به شش نقطه (یعنی: سمت الرأس اضافه می‌شود) و حتی به هفت نقطه اشاره دارد. همین نقاط را می‌توان به معنی هفت منطقه (Diśah) و هفت مکان زمین (Dhama) - که از آن در ریگودا سخن به میان آمده - گرفت (۱/۲۲ و ۹/۱۱۴).

آسمان یا دیو (Div) را معمولاً (Vyoma یا Vyoman = فلك) یا فضای درخشان و نورانی (Rocana) با بی اضافه کردن واژه (Divah) می خواندند. علاوه بر طاق آسمان دارای قله (Sānu) و سطح (Vistap) و لبه یا برآمدگی (Prstha) و همچنین ترکیبات لبه طاق (۱/۱۲۵) و قله طاق (۸/۹۲) است و حتی سخن از يك لبه سوم در فضای روشن آسمان به میان آمده است (۹/۸۶). هنگامی که سه آسمان متمایز می شود؛ آن ها را بسا اوقات سه فضای درخشنده (Tri-Rocanā) خوانده اند؛ یکی بالاترین (Uttama)، یکی در میان و یکی پایین ترین (۵/۶۰). بالاترین را «اوتر» (Uttara) و «پاریه» (Pārya) (۶/۴۰ و ۴/۲۶) نیز گفته اند. در سومین و بالاترین آسمان، بیشتر اوقات (Vyoman یا param Rocane -) می پنداشتند که خدایان و پدران و «سوما» زندگی می کنند.

آسمان و زمین به عنوان دو شخصیت جدا، جفت می شوند و اصطلاحات «رودسی» (Rodasi = آسمان و زمین) و «کشنی» (Kṣṇī) و (Dvyāvāprthivī = جفت زمین) و غیر آن در مورد آن ها به کار رفته است. همچنین در ریگ ودا از دو نیمه آسمان سخن رفته است (۲/۲۷).

ترکیب آسمان به دو نیم کره این تصور را پیش آورده که در شکل زمین تغییراتی روی داده، و هنگامی این دو را، دو کاسه بزرگ (Camvā) می خوانند که به سوی هم برآیند و برگردانده شوند (۳/۵۵). گاهی زمین و آسمان را با دو چرخ در دو سر يك محور تشبیه کرده اند (۱۰/۸۹). «ریگ ودا» اشاره ای به فاصله مفروض میان زمین و آسمان ندارد، مگر با عباراتی مبهم مانند این که حتی پرنده ها به مکان و مقام «ویشنو» نمی توانند پرواز کنند (۱/۱۵۵). اما در «اتهر ودا»، آمده که دو بال پرنده زرد (خورشید) که به سوی آسمان پرواز می کند، سفر يك هزار شبانه روزی در پیش دارد. در رساله «ایتریه براهمن» نیز مطلبی مشابه دیده می شود، آنجا که گفته شده جهان آسمانی از زمین فاصله سفر هزار روزه يك اسب دارد (۲/۱۷). در رساله تانديه مهابراهمن (Tandya-Mahābrāmana) آمده که فاصله جهان آسمانی، از این جهان به اندازه قامت هزار گاوی است که روی هم بایستند

(۱/۲۱ و ۸/۱۶).

در مورد فضای میانه آمده که جو یا فضای میانه (Antarikṣa) با اشکال فراوان به صورت جسم درمی آید و آنرا منطقه آب آلود و ابرگونه (۵/۸۵ CP. ۱/۱۲۴) و گاهی به عنوان منطقه تاریک و سیاه توصیف کرده اند (۱/۳۵).

در ریگ ودا، سه تقسیم فرعی نیز به صورت «سه فضا» یا «رجانسی» (Rajāṃsi) (۵/۶۹ و ۴/۵۳) تصور شده است. بالاترین منطقه فضا را «اوتم» (Uttama) (۹/۲۲) یا «پرم» (Parama) (۳/۳۰) و یا (Tr̥tiya = سوم) می گویند که در آنجا آب و «سوما» وجود دارد و آتش آسمانی پیدا و تولید می شود. فضای میانه و پایین در دید تصور ما می باشند؛ اما فضای سوم به «ویشنو» (۱/۱۵۵ CP. ۷/۹۹) تعلق دارد و از دید تصور آدمی بیرون است و این فضا، اسرارآمیز معرفی شده است (۱۰/۱۰۵). تقسیم فرعی دوگانه جو ظاهراً عمومی تر بنظر میرسد. فضای پایین (Upara) یا خاکی یا زمینی (Pārthiva) با فضای آسمانی (Divah یا Divyam) مقابله می شود (۴/۵۳ و ۱/۶۲). بالاترین قشر که مجاور آسمان (Div) در تقسیم دوگانه و همچنین تقسیم سه گانه تصور شده بیشتر مترادف با معنی دقیقش بکار رفته است.

هوایی که در تقسیم سه گانه کائنات بالای زمین قرار دارد؛ در تقسیمات فرعی آن، چه دو تا باشد یا سه، طبعاً آنرا هم بالاتر از آن تلقی کرده اند و دست کم یک بیت (۹۰ - CP. ۱/۸۱) وضع فضای زمینی را روشنتر ترسیم کرده است. بطور کلی مجموعاً سه بیت ریگ ودا (۵/۸۱ و ۷/۸۰ و ۶/۹) این مفهوم را می رساند که جو پایین تر را زیر زمین تصور می کردند تا سیر خورشید را طی شب محاسبه کنند (۵/۸۱). شب ما بین محدوده ها یا مرزهای غروب و طلوع خورشید محصور است. تصویری که در «ایتریه براهمن» (۳/۴۴) در مورد سیر خورشید در شب مطرح شده، این است که جرم روشن هنگام شب به سوی بالا می درخشد، در حالی که در روز برای تابیدن به سوی پایین برمی گردد.

مفهوم مشابهی از آنچه در «ریگ‌ودا» آمده، می‌توان چنین به دست آورد که نوری را که اسبان خورشید می‌کشند، بعضی اوقات روشن و بعضی اوقات دیگر «رجس» (Rajas) یعنی تاریک (۱/۱۱۵) است یا آن تاریکی (Rajas) که خورشید را به سمت خاور همراهی می‌کند، با روشنائی که طلوع می‌کند، متفاوت است. (۱۰/۳۷).

چون اشاره مستقیمی در این مورد وجود ندارد که خورشید از زیر زمین می‌گذرد، امکانی به نظر می‌رسد که این تصور تأیید شود که فرض شده جرم روشن به سوی شرق برمی‌گردد یعنی از راهی که آمده، هنگام برگشت تاریک است.

جو (اتم‌سفر) را گاهی دریا یا اقیانوس (Samudra)، جایگاه آب‌های آسمانی، می‌خوانند و با زمین جو را تشبیه کرده‌اند تا جایی که پنداشته‌اند، جو دارای کوه‌ها و هفت چشمه (۱/۳۲) آب است و هنگامی که اندرا با دیو خشک‌سالی نبرد می‌کند چشمه‌ها جریان دارد. به جهت شباهت میان توده‌های ابر، اصطلاح کوه در «ریگ‌ودا» غالباً به ابرها اشاره می‌کند. کلمه صخره (adri) نیز در مفهوم اسطوره‌ای برای ابر بکار می‌رود که گاوانی را دربر می‌گیرد که توسط «اندرا» و خدایان دیگر رها ساخته شده‌اند. ابرهای بارانی که به عنوان دارندگان آب و به صورت چکاننده حرکت می‌کنند و می‌غرند به خدایان گاو شکل اشاره دارد که شیرشان باران است.

نظم کیهانی یا قانون کیهانی که در طبیعت وجود دارد به نام «ریت» (Rta) - که، مفهوم مسیر یا جریان چیزها را نیز می‌رساند - شناخته می‌شود و تحت سرپرستی بالاترین خدایان می‌باشد. همین کلمه در جهان اخلاق به صورت حقیقت و حق و درست و در جهان مذهب به صورت قربانی یا مراسم، نظم و ترتیب را نشان می‌دهد.

کیهان‌شناسی

اسطوره کیهان‌شناسی ریگ‌ودا میان دو فرضیه دور می‌زند که، از هم جدا نیستند. یکی جهان را نتیجه تولید مکانیکی تلقی می‌کند و دو دیگر آنرا به صورت نتیجه تخلیق یا پیدایی طبیعی می‌پندارد.

شاعران «ریگ‌ودا» هنگامی که از تشکیل جهان حرف می‌زنند غالباً استعاره ساختن را با جزئیات گوناگونش بکار می‌برند که به عمل اندازه‌گیری و پیمایش خدایان اشاره می‌کند. «اندرا» شش منطقه را اندازه‌گیری کرده و پهنای زمین و گنبد بلند آسمان را برافراشته است (۶/۴۷). ویشنو نواحی زمین را پیمود و اندازه گرفت و در بالاترین مقام تجمع جایگاه استوار ساخت و در فواصل سه قدم وسیعش همه موجودات زنده سکنی دارند (۱/۱۵۴). وسیله پیمایش و اندازه‌گیری که در پاره‌ای موارد ذکر شده، خورشید است که با «ورونا» این کار را انجام می‌دهد (۵/۸۵). پدران دو جهان را با میله‌ها اندازه‌گیری کردند و آن‌ها را گسترده و پهن‌آور ساختند (۳/۳۸). اندازه‌گیری طبعاً در جبهه و نما (جلو) یا از سوی مشرق شروع می‌شود. تصور گستردن زمین، به کارهای «اگنی» و «اندرا» و «ماروت»‌ها و دیگر خدایان نسبت داده شده است؛ زیرا خانه عصر ودایی از چوب ساخته شده و مصالح را يك يا دو بار الوار ذکر کرده‌اند؛ بنا بر آن شاعر یا گوینده‌ای می‌پرسد: چه چوبی و چه درختی بود که از آن آسمان و زمین را بنا کردند (۱۰/۸۱ و ۱۰/۳۱). جوابی که در رساله «تیتریه براهمن» به این پرسش داده شده این است که «برهما چوب و درخت بود» (۲/۸/۹).

آسمان و زمین را در بسیاری موارد چنین تعریف کرده‌اند: «روی تیرها قرار و تکیه دارند» و در جایی هم درباره آسمان آمده که طاق آسمان بی تیرهای عرضی است (۴/۵۶ و ۱۰/۱۴۹ و ۲/۱۵) و اینکه هرگز نمی‌افتد مایه شگفتی است (۸/۴۵ و ۶/۱۷ و ۵/۲۹). چهارچوب در را «آتا» (Ata) می‌خواندند و در چنین قاب آسمانی، «اندرا» هوا را تعبیه کرد (۱/۵۶).

در (باب) های سراها یا خانه های کیهانی همه رو به مشرق باز می شوند و از آن ها نور بامدادی وارد می شود (۵/۴۵ و ۴/۵۱ و ۱/۱۱۳).

در «ریگ ودا» در پاره ای موارد به زیر بناهای ساختمان های ودایی هم اشاراتی شده است؛ مثلاً «سویتری» زمین را با بندهای پاره نشدنی (۱۰/۱۴۹) مستحکم ساخت. «ویشنو» آنرا با گل-میخ های چوبین استوار و نصب کرد (۷/۹۹) و «بریهسپتی» اجاره بها یا کرایه خانه هایش را اندوخته می کند (۴/۵۰).
خدایان در کار ساختمان جهان بطور کلی با هم یا به نحو انفرادی عمل می کنند؛ مگر آن که لازم باشد تخصص و مهارت و دانش حرفه ای خدای ویژه ای در نظر گرفته شود. در این گونه موارد نام خدای «توشتری» - نجار خدایان - و «ریبهو» های کاردان و ماهر به میان آمده است. «توشتری» سازنده افزار الهی است به ویژه سازنده صاعقه برای «اندرا» (۱۰/۴۸) و معلم «ریبهو» ها و همچنین سازنده قالب آدمیان و حیوانات است و خدای طول عمر و نیروی تولید و پرورش دهنده نطفه در جنین زنان است. افسانه های بعدی حکایت دارد که او صورت کلیه موجودات و حتی صورت آسمان و زمین و همه اشیاء را بسته است.

در ریگ ودا، راجع به نسب به عنوان عامل پیدایی جهان مخصوصاً نسبت به تولد «خورشید» هنگام «طلوع» و به «وجود آمدن باران»، پس از خشک سالی اشاراتی سربسته می خوانیم. معمولاً هر پدیده ای را که پیش از پدیده دیگر پیدا شده باشد پدر یا مادر می خوانند. مثلاً طلوع (Jan) های خورشید و قربانی، بامداد پگاه را هنگامی که خود خورشید از شب زاده می شود، به وجود می آورند (۷/۷۸). وقتی آغاز طلوع را به قربانی پدران نسبت می دهند، در این تصور ظاهراً ارجحیت یا تقدم زمانی منظور بوده و همین تقدم زمانی عامل پدرگرایی بشمار رفته و پدیده ای را که پیش از پدیده دیگر پیدا شده پدر یا مادر توصیف کرده اند (۱/۱۲۳). همچنین است فضائی که در آن چیزی وجود دارد یا پیدا شده، آن فضا، پدر یا مادر تصور شده (۶/۷۵) است.

مثال‌های این امر به وسیله اظهارات تشبیهی در «ریگ‌ودا» منعکس و مندرج است؛ بنابراین «ترکش»، پدر «تیر» خوانده می‌شود (۶/۷۵) و یا اسبان درخشان خورشید، دختران گردونه خورشید نامیده شده‌اند (۱/۵۰). این تصور نسب موضعی به‌ویژه در رابطه با آسمان و زمین است.

پدرگرایی در تجسم آسمان (Dyauz) در ریگ‌ودا به‌طور روشن نمودار است. طلوع دختر آسمان خوانده شده و زمین که روی سینه وسیع خود نباتات و گیاهان مختلف را می‌رویاند و می‌پروراند يك مادر است (۵/۸۴ و ۱/۸۹). آسمان و زمین بیشتر به‌صورت پدر و مادر جهانی جفت یکدیگرند. آسمان از راه سرازیر کردن رطوبت و نور، زمین را بارور می‌سازد. در واقع آسمان و زمین هر دو برای موجودات زنده تغذیه فراهم می‌کنند بدین‌گونه که آسمان با باران و زمین با پرورش نباتات این وظیفه را انجام می‌دهند. و حتی در جایی آمده که آسمان و زمین پدر و مادر خدایان نیز هستند (s ۴۴). و در جاهای دیگر تصریح شده که خدایان آسمان و زمین را پیدا کردند. تخیلات شاعران ودایی تا به‌آنجا رسیده که فرزندان، پدران و مادران خود را از جسم خویش می‌آفرینند؛ مثلاً گفته شده که «اندرا» پدر و مادر خود را از جسم خویش پیدا کرد (۱۰/۵۴ و ۱/۱۵۹) یا گاو ابر باران، مادر گوساله‌های رعداست و یا آب‌های آسمانی که جنین آتش هوایی را حمل و بار می‌کنند، مادرانشان هستند؛ زیرا در یکی از اشکال، خدای آتش فرزند آب‌ها (s ۲۴) است.

تصور نسب از نقطه نظر جنس نیز مورد نظر قرار گرفته فی‌المثل کسی که رئیس یا برجسته‌ترین عضو دسته یا گروهی باشد، پدر یا مادر آن گروه بشمار آمده چنانکه «وایو» (خدای باد)، پدر خدایان طوفان (۱/۱۳۴)؛ و «رودرا» پدر «ماروت»‌ها و «رودرا»‌ها؛ و «سوما» پدر گیاهان و «سرسوتی» مادر رودخانه‌ها توصیف شده‌اند. از این گذشته پدرگرایی به‌صورت مجاز بکار رفته چنانکه اگنی فرزند قدرت یا فرزند نیرو (s ۳۵) خوانده شده و بطور کلی خدایان پسران جاودانه و بی‌مرگ شناخته شده‌اند.

در ماندالای دهم ریگ‌ودا، که ظاهراً سرودهایش آخرین سرودهای عصر ریگ‌ودایی می‌باشد، اصل و مبدای جهان آفرینش به جای آنکه بر پایه اسطوره‌ای مورد بحث قرار بگیرد، بر مبنای فلسفی بررسی شده است. در قطعات مختلف ریگ‌ودا در تصور پیدایش کائنات، خورشید به عنوان عامل مهم آفرینش بشمار می‌رود. او را روح (Ātma) هر متحرك و هر ثابت پنداشته‌اند (۱/۱۱۵). اظهاراتی از این قبیل که اگر چه او یکی است ولی به نامهای مختلف خوانده می‌شود (Val/۱۰ و ۱۰/۱۱۴ و ۱/۱۶۹) نشان می‌دهد که گوهرش را به‌طور آزمایش با عالیترین خدا یکی می‌شمردند. در يك قطعه از ریگ‌ودا، خورشید به عنوان نیروی عظیم جهان به نام «هیرنیه گربیه» (جرثومه زرین) توصیف شده است.^۱

خورشید، در جو فضا را اندازه می‌گیرد و جایی که طلوع می‌کند، می‌درخشد (یجور ودا ۵/۶) و در آخرین جزء این سرود «پرجاپتی»، خدای مخلوقات خوانده شده و نام خدای اصلی رسائل «پراهمن» تلقی گردیده است. نکته مهم این است که فقط در يك قطعه قدیمتر در ریگ‌ودا «پرجاپتی» لقبی است برای خدایان خورشیدی (Savitri) و «اندرا» و «سوما» و دیگر خدایان. ولی در برخی از منابع هندو، اولین خدایی می‌باشد که «ذات مطلق» او را خلق فرمود. همچنین این نام به «برهما» نیز اطلاق می‌شود که ذات مطلق او را بیافرید و برخی هم گفته‌اند برهما همان پرجاپتی است و بنا بر يك ویرایش دیگر او «مانو سویم بهو» (Manu Savyam Bhuva) پسر برهماست. «مانو سویم بهو» (قائم بالذات یا خود موجود)؛ بنا بر برخی روایات هندو و اخالق دوم است و گویند که برهما ده «پرجاپتی» بوجود آورد و اولین آنها «مریچی» (روشنایی) بود که قانون مشهور مانو منسوب بدو است. نام «مانو» (Manu) از ریشه (Man)، به معنی تفکر و اندیشه کردن است. و او را پدر نسل بشر می‌شناسند و همان را آدم ابوالبشر می‌دانند.

دو سرود دیگر کیهان‌شناسی وجود دارند که هر دو مبدأ

1- The Vedic Mythology, By: A.A. Macdonell, p. 9-11.

جهان را به صورت تکامل موجود «ست» (Sat) از غیر موجود (a-Sat) تلقی کرده‌اند.

در ریگ‌ودا کتاب دهم (۷۲) / ۱۰ آمده که «برهمنسپتی» مانند آهنگر ماهری از غیر موجود موجود را بوجود آورد. عبارت دیگر او از نیستی، هستی پیدا کرد و سپس زمین و جهات (خط افق) یا فضا و «ادیتی» با «دکشه» بوجود آمدند و از بطن ادیتی خدایان پیدا شدند، آنگاه خدایان خورشید را جلو آوردند. ادیتی هشت پسر داشت (گروه خدایانی که «آدیتیه»ها خوانده می‌شوند)؛ اما «مارتنده» پسر هشتم را مطرود کرد بدین‌سان که او را زایید و میراند (یعنی: طلوع کرد و غروب کرد). این سرود سه پدیده را توصیف می‌کند یکی پیدایی جهان و دو دیگر پیدایی خدایان و سدیگر پیدایی خورشید.

در ریگ‌ودا در سرود ۱۲۹ ماندالای دهم که يك سرود تخیلی بسیار والایی است، تأیید شده که در آغاز نه نیستی بود و نه هستی و نه جوی و نه آسمانی که از آن برتر است و نه نشانه‌ای از شب و روز و هیچ علامت مشخصی نبود و همه جا آب بود و تاریکی در تاریکی نهفته (اتهر و اودا ۲/۸ و ۱۲۱ و ۱۰/۸۲).
 يك ماده بسیار کهن (Ekam) به وسیله حرارت پیدا شد. آنگاه آرزو و خواهش (Kāma) که نخستین تخم ذهن بود، پیدا شد. این رابطه‌ای است میان ناموجود و موجود یا به عبارت دیگر میان نیستی و هستی و در اثر وجود این رابطه خدایان پیدا و متجلی شدند ولی در ابیات ذیل همین سرود شاعر شك و تردید بخود راه داده و کیفیت پیدایی جهان را دنبال نکرده است؛ لیکن در سرود ۱۹۰ ماندالای دهم آنچه ناتمام مانده بود تعقیب و تکمیل شده و چنین آمده که از حرارت، نظم و ترتیب (Rta) به وجود آمد و پس از آن شب و اقیانوس و سال و آنگاه «دهاتا» (Dhāta) – یعنی: آفریدگار بزرگ – خورشید و ماه و پس از آن آسمان و زمین و هوا و ائیر را خلق فرمود.

۱- ادیتی در برخی مآخذ هندو مادر دکشه توصیف شده و در پاره مآخذ دکشه از ادیتی و ادیتی از دکشه پیداشد و در برخی داستان‌ها «ادیتی» همسر «یکشه» است و از او دکشه را زایید.

در «براهمن»ها نویسندگان و مفسران از «پرجاپتی» یا «برهما»ی شخصی نام میبرند که او نه تنها پدر خدایان و مردمان و ارواح پلید است، بلکه خالق همه چیز است. «پرجاپتی» پدیده خواست و آرزو است که در ریگ‌ودا از آن به عنوان نخستین تخمه یاد شده است و همان «تخمه زرین» (Hiranya—Garbha) است، که بر روی آب شناور شد و به وجود آمد و جهان هستی را پیدا کرد. میان افکار و اندیشه‌های شاعران ودایی در مورد کیفیت پیدایی جهان تناقض بسیار دیده می‌شود، مثلاً گاه در ریگ‌ودا آمده که خدایان نخست پیدا شدند و سپس جهان به وجود آمد و گاهی به عکس گفته شده که ابتدا جهان هستی به وجود آمد و سپس خدایان پیدا شدند و هر شاعر بمقتضای اطلاع و اندیشه رسا یا نارسای خود تخیلات خویش را به نحوی بیان داشته است. این ضد و نقیض‌ها که آیا «پرجاپتی» مقدم بود یا آب‌ها به نظر می‌رسد که نتیجه ترکیب فرضیه تکامل با فرضیه تخلیق باشد. آیا این «پرجاپتی» بود که خدایان را خلق کرد یا خدایان دیگر او را به وجود آوردند؟

در جهان‌دوگیه اوپانیشاد صریحاً آمده که عدم وجود، وجود شد و به یک بیضه مبدل گشت و پس از یک سال آن بیضه به دو نیم انقسام یافت و آسمان و زمین پیدا شد و آنچه پیدا شد خورشید است که همان «برهما» می‌باشد.

«برینهد آر‌نیک اوپانیشاد» در موضوع کیفیت آفرینش چنین می‌گوید:

در ابتدا هیچ چیز نبود، این عالم از نیستی بوجود آمد. اولین گام در ظهور عالم اراده است که مظهر خرد است، و بعد از آن آب و آتش و خاک و باد و روشنایی و جهات و آسمان و فضا و غیره نمودار شد. کلام و زمانه و وداها و عمل قربانی از عقل و فکر پیدا شدند. در این اوپانیشاد کیفیت پیدایی جهان هستی چنین شرح داده شده است:

این همه (عالم که به نظر می‌آید و نام و صورت دارد) در اصل نبود؛ زیرا که «هیرنیه گرببه» (پرجاپتی)، این همه را در خود معو ساخته بود. و آن «هیرنیه گرببه» هیچ صفتی نداشت،

مگر گرسنگی. چون خورنده آن چیز، موت آن چیز است؛ از این روی «هیرنیه گربه» را موت نامند؛ پس آن «هیرنیه گربه» خواهش پیدایش دل کرد و به همین اندیشه و خواهش که من صاحب دلم (خود را بزرگ دانست) و شروع در پرستش خود کرد و چون برای پرستش آب ضروری است، آب پیدا شد. پس در این فکر شد که چون من قصد پرستش دارم، این آب برای من پیدا شده است. و چون «ارچن» (Arcana) پرستش را گویند، آبی که برای پرستش پیدا شده بود «ارک» (Arka = آتش) نام یافت. و از این «ارک» کفی که بالا جمع شده بود، سخت گشت و زمین شد. پس از خلقت زمین، «هیرنیه گربه» از مشقت مانده شده بود، پس حرارت که لازمه مشقت است بر او مستولی شد. از آن حرارت، آتش که سوختن و سوزانیدن لذت آنست، به هم رسید (و نخستین تن که پیدا شد همین آتش است). آنگاه «هیرنیه گربه» خود را به سه قسمت کرد: آتش و آفتاب و باد (هوا). و آن هیرنیه گربه از سه قسم شدن به سه صورت ظاهر گشت که همین سه قسم «پران» (Prāna) یا سه اصل و منشأ حیات باشد. و سر این آتش (مذکور) جهت مشرق است و هر دو بازو، کنج‌های «ایشان» (Isāna) و «آگنیه» (Āgneya) و تن و عقب و دم جهت مغرب است و هر دو ران مع‌پا، کنج «نیرت» (Nairṭya) و «بایب» (Vāyavya)^۱ و هر دو پهلو، جهت جنوب و شمال است، و پشت، بهشت و شکم، فضا و سینه، زمین. و این آتش عین اسبی است که محل او در آب است. پس از آن «پرجاپتی» خواست که با بدن دوم محسوس کثیف یک‌جا شود. از فکر با گویایی یک‌جا شد. پس از اجتماع آن موت گرسنه (که پرجاپتی باشد) از این گویایی نطفه پیدا شد و از آن نطفه آفتاب پیدا گشت. و پیش از خلقت آفتاب سال نبود و در آن نطفه به مدت یک سال مزاج آفتاب به کمال رسید و بعد از گذشتن یک سال «پرجاپتی»، او را ظاهر ساخت و پس از ظاهر شدن آفتاب (خورشید)، آن «پرجاپتی» گرسنه در مقابل او

۱- ایشان سمتی مابین شمال و مشرق. آگنیه: جنوب شرقی. نیرتیه: سمت جنوب غربی. «بایب» (وایب): شمال غربی.

دهان باز کرد. آفتاب لفظ «بهان» (Bhān) گفت. سخن و کلام در این وقت ظاهر گشت.

و چون در اندیشه «هیرنیه گربیه» چنین قرار یافت که اگر این آفتاب را بخورم، غذای خود اندک کرده باشم؛ به این سبب از آن آفتاب خورد، سال نو بهم رسید و تمام انواع مخلوقات را پیدا کرده غذای خود فراوان ساخت و از آن لفظ «بهان» که آفتاب گفته بود: اسماء خلق کرده، برای هر فردی از آن مخلوقات که پیدا کرده بود نامی مقرر فرمود؛ پس خلقت به ترتیبی که مذکور خواهد شد کامل گردید: چنان که اول ریگ و دوا، پس از آن یجور و دوا و آنگاه سام و دوا پیدا شد. بعد از آن بحرهای که برای وزنهای آیات بید مقرر است، پیدا گشت و آنگاه عمل قربانی و پس از آن انسان و حیوان پیدا شدند. و آن «هیرنیه گربیه» هرکرا پیدا می کرد، خوردن او را (مثل خوردن آفتاب که اول بار پیدا کرده بود) به خاطر می آورد. و چون همه را خواهد خورد و غذای خود خواهد ساخت، نام آن «هیرنیه گربیه»؛ «ادیتی» (Aditi) باشد یعنی: خورنده همه نام گرفت. باز آن «هیرنیه گربیه» خواست که اعمال قربانی را مکرر به جا آورد، از تصور این مشقت مانده شد و از آن تصور حرارت بر او مستولی شد. پس از آن حرارت، جلال و افتخار و قوت از بدن او جدا شد و آن جلال و قدرت همین «پران» است و چون این «پران» از بدن برآمد، بدن «هیرنیه گربیه» در آماسیدن شد (و با آنکه آن هیرنیه گربیه آن بدن را گذاشته بود) میل او بدان همچنان باقیمانده بود. بدین سبب آرزو کرد تا این بدنی که بی من ناپاک شده، پاک گردد و با آن بدن یکی شود؛ پس آن «هیرنیه گربیه» به صورت اسب شد و به همین سبب «اشو» (Asva) نام گرفت؛ زیرا «اشو» در لغت سنسکریت بمعنی ورم و آماس کردن است و چون از در آمدن «هیرنیه گربیه» باز ببدن، بدن پاک شد «اشمید» (Asvamedha) نام یافت. و «مید» (Medha) در لغت سنسکریت بمعنی پاکی است یعنی بدن پاک و سرانجام از نیستی به هستی گرایید و «پرجاپتی» تخمه هستی کائنات بود.

۱- بهان: تقلید صداها یا نفس نفس کشیدن یا فریادی شبیه صدای بچه.

در همین اوپانیشاد در «سپتان براهمن» (Saptanna Brahmana) در بیان خلق عالم آمده که پیش از ظهور عالم شخص اول (ذات مطلق) یکه و تنها بود ولی کثرت در او پنهان. در این شخص واحد، جنبه کثرت یعنی خواهش ظهور پیدا شد. عالم موجودات که مشتمل بر انسان و حیوان و دام و دد و خزنده و پرنده و سایر جانداران و جمادات و مال و منال است عیان شد. روح انسان به جانب مبدا خود یعنی روح مطلق تمایل دارد و می‌خواهد که به او متصل شود تا نقص جدائی از او مرتفع گردد و برای حصول به این مقصد، آدمی باید خود را بشناسد و بفهمد که شخص او مظهر ذات مطلق است و پرتو عمل پیدایی عالم.

«پرجاپتی» به نیروی خرد و ریاضت هفت غذا (Anna) را پیدا کرد و از این هفت غذا، یکی را برای جمیع خورنده‌ها تعیین کرد و دو غذا برای خدایان مقرر فرمود و سه غذا برای خویش اختصاص داد و یک حصه برای حیوانات و به این حصه همه حیوانات نیازمندند.

آن سه غذائی که پرجاپتی برای خود اختصاص داد، دل و گویایی و پران است. و این هر سه عین سه عالم و سه «ودا» و خدایان و ارواح پدران و مادر و پدر و فرزندان. دل که تصورکننده معنی‌هاست عین پدر و گویایی که نام‌های معنی است عین مادر و پران که با گویایی ظاهر می‌شود، عین فرزند است. و بدن این دل فضا است و صورت ظهور دل آفتاب و از اجتماع دل و گویایی پران پیدا شد. و بدن این پران آب است و صورت ظهور آن ماه، و مقدار پران به آب و ماه برابر است و دل و گویایی و پران با یکدیگر برابرند و تا عالم هست آنها نیز هستند.

و پرجاپتی که سه غذا را برای خود برگزید صورت سال تمام است و این سال را شانزده کلا (Kāla = حصه) است.

خدای گویایی آتش است و خدای بینایی آفتاب و خدای دل ماه و خدای شنوایی جهات و خدای پران، باد و باد مانند آفتاب و ماه غروب‌کننده نیست.

و نیز این سؤال پیش آمده که آفتاب از چه چیز طلوع و در

چه چیز غروب کند؟ و پاسخ داده شده که از باد طلوع و در همان باد غروب می‌کند.

و هم در «اوپانیشاد بریهد آرنيك» ترتیب تکامل چنین توصیف شده که در آغاز فقط آب بود و از آب «ستیم» پیدا شد (یعنی حقیقت بظهور رسید) و از آن برهما بوجود آمد و برهما، پرجاپتی را خلق کرد و پرجاپتی خدایان را پیدا کرد. در «براهمن»ها بالا کشیدن زمین فرو رفته در آب، به وسیله گراز نر توضیح و تشریح شده است. بعد از دوره ودایی این داستان به صورت «اوتار ویشنو» (Viṣṇu—Avatāra) تکامل یافته است.

مبدأ خدایان و آدمیان

قبلاً ریشه و مبدأ خدایان ودایی را که در «بید»ها نام و ذکر و توصیفشان آمده، مورد بحث قرار داده‌ایم و در اینجا فقط به يك جمع‌بندی کوتاه اکتفا می‌کنیم. در سرودهای فلسفی، ریشه خدایان ودایی غالباً به عنصر آب نسبت داده می‌شود. در «اتهروا ودا» گفته شده که آنان از نیستی به هستی آمده‌اند. بنا بر سرود ۱۲۹ ماندالای دهم ریگ ودا، خدایان پس از پیدایی جهان زاده شده‌اند. در موارد دیگر معمولاً از آنان، به عنوان فرزندان آسمان و زمین نام برده می‌شود. در ریگ ودا آمده که خدایان از «ادیتی» و از آب‌ها، و زمین زاییده شده‌اند. براساس مطالب دیگر که بی‌شک ثانوی است و در طول زمان اضافه شده است، از بعضی خدایان خاص به عنوان مولد و به وجود آورنده سایر خدایان یاد شده است، مثلاً سپیده‌دم مادر خدایان و بریہسپتی و همچنین «سوما» را پدر خدایان گفته‌اند (CP. CH. ۳/۱۹). از طرف دیگر این تصور ثانوی هم پیدا شده که برخی از خدایان برخی دیگر را بوجود آوردند. بنا بر این سپیده‌دم مادر خدایان شناخته یا خوانده شده است (۱/۱۱۳) و برهمنسپتی و همچنین «سوما» (۲/۲۶) و (۹/۸۷) پدران آنان می‌باشند. يك گروه هفت یا هشت یا دوازده خدایی از «ادیتی» به اسم «آدیتیه»ها پسران «ادیتی» تلقی

شده‌اند. در اتمروا ودا بعضی از خدایان به عنوان پدران و بعضی دیگر، به عنوان پسران نام برده شده‌اند.

تصور عصر ودایی راجع به مبدا انسان متفاوت است ولی ظاهراً نوع بشر را کلا از نسل انسان نخستین می‌دانند. انسان نخستین را پسر «وی‌وسوت» (Vivasvat) یعنی: مانو (Manu) می‌گویند که اولین قربانی‌کننده بود (۱۰/۶۳) و او را پدر «مانو»ها هم خوانده‌اند (۱/۸۰). در جای دیگر او را «یم وی‌وسوت» (Yama Vaivasvata پسر Vivasvat) گفته‌اند که با خواهر توامان خود موسوم به یمی (Yamī) نسل آدمی را بوجود آورد. در مورد این انسان نخستین گفته می‌شود که اصل او آسمانی و بهشتی است. «وی‌وسوت» پدر دوقلوهای نخستین است، درحالی که زمانی «گندهروه» (Gandharva) آسمانی و حوری آبی نزدیکترین و بالاترین خویشاوندان آدمیان ذکر شده است (۱۰/۱۰). مآخذ هندو گاهی به خویشاوندی آدمیان با خدایان اشاره کرده‌اند و بشر بعنوان فرزندان آسمان و زمین که پدر و مادر بزرگ و عمده همه جانداران‌اند، توصیف شده است. در یکجا «اگنی» را پدر بشر دانسته‌اند. و در جای دیگر «انگیراس»ها (Angirases) نیای نیمه خدایی خانواده‌های روحانی اولیه بشمار رفته‌اند. سایر خانواده‌ها و طوایف بشر مستقلاً بواسطه «اتری» (Atri) و «کنوه» (Kaṇva) از خدایان بوجود آمده‌اند. وسیشت (Vasiṣṭha) به نحو خارق‌العاده‌ای از «میترا» و «ورونا» بوجود آمد و حوری الهی «اوروشی» (Urvāśī) مادر او بوده است (۷/۳۳).

این اعتقاد که ریشه طبقات گوناگون بشر از اجزای «پروشه» (Puruṣa) است خود به یک دسته تفکرات کاملاً مجزا مربوط است و در ریگ‌ودا در سرودی بطور مشروح ذکر شده است (۱۰/۹۰)¹.

۱- بخوانید متن این سرود را در صفحه ۱۸۴-۱۸۱ این کتاب.

«برهر ثابت و بر هر جنبنده و
نیز بر هر آنچه راه می‌رود و بر هر
آنچه می‌پردد، و بر تمام این آفرینش
رنگارنگ تنهایک (ذات) فرمانروایی
می‌کند»

ریگ ودا

واژه «ودا» (Veda = بید) در زبان سنسکریت (Sanskrit) از ریشه «وید» (Vid = دانستن) مشتق شده و بمعنی: «دانش» است؛ اما بطور اخص بمعنی: «دانش الهی» «یا علم منزل» است. در آغاز این نام به سه کتاب: «ریگ ودا Rig-Veda» (رگ بید Rgveda)؛ و «یا جور ودا» (Yajur-Veda = ججر بید)، و «ساما ودا» (Sama-Veda = سام بید) اطلاق میشد و مجموع این سه کتاب را «ترایی ودیه» (Trayī-Vidyā = دانش سه‌گانه) می‌خواندند؛ اما بر سه ودای اصلی، کتاب چهارمین بنام «اتهر ودا» (atharva-Veda = اتهر بن بید) افزوده شد. قبول کتاب چهارم بعنوان یک متن اصیل و حقیقی «ودا» ظاهراً مقارن تدوین قانون «مانو» (Manu) است، زیرا در قانون مانو از سه ودا نام به میان آمده و «ترایم برهم سناتنم» (Trayam brahma sanatānam) (ودای ثلاثه ابدی) خوانده شده‌اند، ولی در یک جا (کتاب یازدهم - ماده ۳۳) از کتاب چهارم بعنوان «ودا» اسم برده شده است.

مدهاتیتی (Medhātithi) مفسر و فقیه «هندو» نیز از سه ودای اول اسم می‌برد، بی‌آنکه کتاب چهارم را در ردیف آنها قرار دهد. در اوپانیشادهای اصلی و قدیمی مندکیه (Mundakya) و جهاندوگیه (Chāndogya)، و چند اوپانیشاد دیگر قدیمی و نوشته‌های متأخر باستانی هندو از قبیل: «ایتی‌هاس» (Itihāsa) و «پران‌ها» (Purana) کتاب «اتهر ودا»، «ودای چهارم» شناخته شده است. «رگ بید» ودای منظوم، و «ججر بید» ودای منثور، و «سام بید» ودای آهنگ‌ها است.

در میان سه بید اصلی رگ بید قدیمترین آنهاست. سه بید اصلی نه تنها از حیث قدمت تاریخی بلکه از نظر مطالب و طرز تفکر گویندگان و آیین پرستش با کتاب چهارم اختلاف دارند. ریگ ودا مادر وداهای دیگر است.

رگ بید را «شروتی» (Sṛuti از مصدر: شرو = Śru = شنیدن) نیز می‌نامند. «شروتی» بمعنی: «دانش مسموع» و در برابر: «سمرتی» (Smṛti از ریشه: سمری = Smr = یادآوردن) است که مفهوم آن «دانش در یاد مانده» یا «علم محفوظ» می‌باشد. مقصود از علم اول علم مستقیمی است که مبدا آن خارج از حیطة بشر است و گویند ریشی‌ها از آسمان شنیده‌اند و در حافظه سپرده‌اند بی‌آنکه در نتیجه تفکر و تعمق و تحصیل به دست آمده باشد. و منظور از علم دوم دانشی است که سینه به سینه و دست به دست و پدر بر پدر انتقال یافته و در واقع مرده ریگ (= میراث) مربیان و معلمان و پیشوایان مذهبی باستانی است.

کتاب ودا در نظر غالب «هندوان» در حکم وحی منزل است و از نظر دین‌باوران «هندو» تعلیمات آن کامل و بالاترین سند و مدرک مذهب است. این تعلیمات حاکم بر جمیع شئون زندگانی هر فرد می‌باشد، و وظائف او را در هر وضع و شکل و در هر مرحله از مراحل حیات از تولد و کودکی و جوانی و پیری و مرگ معین می‌کند. بعبارت دیگر این تعلیمات وظیفه هر هندویی را از گهواره تا گور زیر نظر دارد.

«ودا»ها مرجع کلیه آداب و سنن است. همه قوانین و مقررات در چهارچوب تعلیمات و تفسیرات آنها بوجود آمده و مراسم و تشریفات مذهبی و دعاها و نمازها و آداب و رسوم اجتماعی هندو از آنها سرچشمه گرفته‌اند.

همان‌گونه که در عالم اسلام روح «قرآن» مجید در کتابهای اسلامی جلوه‌گر شده و زبان قرآن در «فرهنگ اسلام» بنیاد نوین و استواری بوجود آورده است، و کمتر کتابی را می‌توان یافت که از روح قرآن الهام نگرفته باشد، بهمین مقیاس هیچ کتابی در قلمرو «فرهنگ هندو» تألیف و تدوین نشده مگر آن که تعلیمات «ودا»ها کم و بیش نویسنده را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده

باشد. با این تفاوت که اسلام دین جهانی الهی است و از سرزمین عربستان به کشورهای دور و نزدیک دیگر هم گسترش یافته است ولی حوزهٔ مذهب هندو در طول تاریخ بیشتر محدود به همان شبه‌جزیرهٔ هند بوده و جنبهٔ مذهب بومی و ملی دارد.

کلمهٔ ودا (Veda) بصیغهٔ جمع بر سه یا چهار کتاب مذکور اطلاق می‌شود. این کتب پایه و اساس فلسفه و ادب و هنر و موسیقی و علوم مختلف قدیمهٔ هندو را تشکیل می‌دهد.

هرچند شمار کتب ودا چهار است، ولی نوشته‌ها و رسالات و کتابهای عدیده‌ای حاوی مسائل و احکام مذهبی و آیین پرستش و دستورهای قربانی و کلامی و فلسفی و تفسیر به‌آنها ملحق شده است.

بعبارت دیگر مجموع ادبیات مقدس هندو به چهار دسته بشرح زیر تقسیم می‌گردد:

۱- سمهیتا (Samhita) : مجموعه‌های متون وداها.

۲- برهماناها (Brāhmaṇas) : تفسیر وداها.

۳- آرنیکاها (Aranyakas) : متون مدون در جنگل.

۴- اوپانیشادها (Upanishads) : مبین فلسفه وداها.

بدین ترتیب می‌نگریم هر یک از وداهای چهارگانه دارای برهماناها، و آرنیکاها، و اوپانیشادهای وابسته بخود است. سمهیتای رگ بید پی‌تردید مجموعه‌ای است که نمایندهٔ افکار مردان چندین نسل است و همین موضوع دلیل عدم هم‌آهنگی سرودها و نمو طبقات فکری آنست که از اعتقاد به خدایان متعدد شروع شده و به تقریب به وحدت وجود فلسفی منتهی گردیده است.

قدمت ریگ ودا:

راجع به قدمت این کتاب میان محققان هندی و غیر هندی اختلاف نظر است. در سدهٔ نوزده برخی از دانشمندان هندی مانند تیلک (Tilak) بعضی از منترهای ریگ ودا را از روی محاسبات ارقام نجومی مربوط به پنج تا شش‌هزار سال پیش از میلاد مسیح و حتی قدیمتر دانسته‌اند، ولی ماکس مولر (Max Müller) تاریخی را در

حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد در نظر گرفته است. ریگ‌ودا یا ریگ سمهیتا (Rik Samhita) بعد زیادی قدیمتر از دیگر وداها است - بخصوص نسبت به متون منشور. خصوصیات کهنگی، ریگ‌ودا را از ادبیات جدیدتر جدا می‌سازد، و این کهنگی را نمی‌توان منحصرأ مربوط به اختلاف سبک یا سطح تطورات اجتماعی دانست. هرگاه سرودهای ریگ‌ودا در زمانی نزدیک به زمان برهماناها (Brāhmaṇas) جمع‌آوری شده باشد؛ این سرودها مربوط به زمانی بسیار قدیمتر خواهد بود. زمان ادبیات ودایی را می‌توان بین دو تاریخ قرار داد که مبدأ هر دو تاریخ متأسفانه غیر روشن و نامعلوم است. آنچه مسلم است بوجود آمدن این سرودها قرن‌ها پیش از بودا و تبلیغ عقاید بودایی بوده و از طرف دیگر شروع آن همزمان یا کمی قبل و یا بعد از ورود قوم آریایی به هندوستان است. دوره‌های مختلف متون را باید در بین این دو تاریخ مرتب ساخت.

شبهات و نسبت نزدیکی که ریگ‌ودا با اوستا (Avesta) دارد، این فرض را بوجود می‌آورد که تاریخ ریگ‌ودا به حد زیادی جدیدتر است، ولی این فرض در صورتی می‌تواند مورد قبول واقع شود که مطمئن گردیم گاتها (Gāthas) که در شکل شبهات زیادی به ودا دارد، پیش از سده ششم و هفتم قبل از میلاد بوجود آمده است. و علاوه بر اینکه این تاریخ بهیچوجه طرف قبول و اطمینان نیست؛ کاملاً مشخص است که پیدایی ادبیات ودایی نیازمند به زمان بسیار درازتر است. ژاکوبی (Jacobi) براساس اطلاعات نجومی چنین نتیجه می‌گیرد که تاریخ دو تا از سرودهای ریگ‌ودا در هزاره پنجم قبل از میلاد است. کلبروک (Colebrooke) تاریخ تنظیم ودا را در سده چهاردهم پیش از میلاد قرار داده است.

به هر حال آنچه مسلم بنظر می‌رسد، ریگ‌ودا قدیمترین اثر قوم آریایی هند است، و بیشک تاریخ بوجود آمدن آن قبل از تاریخ تمدن یونان و پیش از تدوین کتب مذهبی موجود قوم یهود است. این سرودها نخست مکتوب و مدون نبود و خانواده‌های مذهبی هندو آنها را پدر بر پدر در حافظه نگاهداشتند، و بعدها بنا بر

روایات هندوان، و یاسا (Vyāsa) در عصر: «کالی یوگ» (Kaliyuga) (عصر کالی) که آنرا سه هزار سال پیش از میلاد دانسته‌اند آنها را جمع‌آوری کرد و به صورت مجموعه (سمهیتا = Saṃhita) درآمد. ریگ‌ودا (رگ‌بید): مشتمل بر ۱۰۲۸ سرود (سوکتا = Sukta) است. این سرودها در ستایش خدایان مختلف است. هفده سرود از ۱۰۲۸ سرود را والکیلیا (بال کیلا = Vāḷakhilya) خوانند و آنها را معمولاً بین ماندالای هشتم و نهم قرار می‌دهند. ساما ودا (Sāma – Veda = سام بید): ودای آهنگ‌هاست. نیمی از سرودهای این ودا تکرار همان اشعاری است که در ریگ‌ودا آمده، و نیم دیگر که بالغ بر ۷۵ سرود می‌شود، اصلی شناخته شده است.

یاجور ودا (Yajur – Veda ججر بید): این ودا از قطعات نظم و نثر ترکیب یافته است. بعبارت روشنتر قسمتی از این ودا منظوم و قسمت دیگر منثور است. کلیه قطعات نظم و نثر راجع است به قربانی‌های عدیده، و بنا بر این می‌توان این ودا را، ودای قربانی‌ها نامید.

اتهر ودا (Atharva – Veda = اتر بن بید): این ودا از حیث تاریخ پیدایی مؤخر بر سه ودای دیگر و مشتمل است بر تعداد زیادی وردهای جادویی که برای ارضا و اقناع ارواح پلید و راکشس‌ها، و امثال آنها بکار می‌برده‌اند.

چنانکه گفته شد در ابتدا وداها مکتوب نبود و خانواده‌های براهمنان آنها را حفظ و نگاهداری می‌کردند، و صدها سال بعد مدون شد. خاندان‌های مختلف مذهبی هر یک قسمتی از وداها را جمع‌آورده‌اند و بدین ترتیب بیدها از طریق مکتب‌ها (شاکمه‌ها Sakhas) یا قراآت مختلف به دست ما رسیده است.

در مورد ریگ‌ودا مجموعه (سمهیتا = Saṃhita) موجود متعلق به یک مکتب موسوم به «شاکل» (Sākala) است و از مکتب دیگر بهاشکل (Bhāškala) جز نامی باقی نیست.

بیشتر سرودهای ریگ‌ودا، ستایش‌هایی است خطاب به خدایان مختلف که از آنها طول عمر و فرزند و گاو و اسب و مال و ثروت و وفور نعمت و باران و شفای بیماران و پیروزی بر دشمنان و

محافظت از آزار ارواح پلید و غیر آن درخواست شده است. خدایان ودایی دارای شخصیت بزرگ و مقام عالی‌اند و نیروی فوق‌العاده دارند، و هرچند از مردم جدا هستند ولی در عین حال با مردم‌اند و نزدیک ایشان و یار قوم آریایی شناخته می‌شوند. آنها در مراسم قربانی حاضر می‌گردند و به قربانی‌ها برکت و تقدس می‌بخشند. عده خدایان در ریگ‌ودا به ۳۳ خدا یعنی: هشت واسو (Vasu)، یازده رودرا (Rudra)، دوازده آدیتیا (Āditya)، و دو خدای دیگر نامشخص محدود شده است؛ ولی در یک جا عده‌شان بالغ بر ۲۳۳۹ خدا است (۷ و ۳۳ و $10/52 = 3/9$). این خدایان به سه دسته آسمانی، و جوی یا فضائی، و زمینی تقسیم می‌گردند.

سرودهای این ودا را روحانیان هوتا (Hota) با آهنگ می‌خوانند.

مجموعه ریگ‌ودا به ده ماندالا (Mandala) تقسیم می‌شود. کوچکترین سرود فقط یک بیت دارد و کلانترین آنها از ۵۸ بیت ترکیب یافته است. مجموع سرودهای ریگ‌ودا حاوی ۲۰۰۶ قطعه یا ورگا (Varga) و ۱۰۴۶۲ ریک (Rik یا Ric) (شعر یا بیت یا آیت) و ۱۵۳۴۲۶ پادا (Pada کلمه یا $\frac{1}{4}$ بیت) است.

پاره‌ای از مؤلفان، سرودهای ریگ‌ودا را به هشت قسمت تقسیم کرده‌اند و هر قسمت را اشتاکا (Aśtaka) خوانند و هر یک از اشتاکاها به هشت ادھیای (Adhyāya = باب) تقسیم شده است. سراینده سرودها را ریشی (Rṣi = بیننده) گویند. ریشی‌ها مردمان آزاده و صریح‌اللهجه و روشنبین زمان خود بوده‌اند و نزد هندوان مورد احترام و تکریم می‌باشند.

طبقه‌بندی سرودها

در افکار گویندگان سرودهای ریگ‌ودا سه گونه تصور دیده می‌شود:

۱- چند خدایی یا طبیعت پرستی.

۲- یکتا پرستی.

۳- وحدت وجود فلسفی.

۱- طبیعت پرستی و تصور خدایان مختلف

طبیعت پرستی و تصور خدایان مختلف - حتی بصورت انسان - بگونه‌ای که در بعضی از سرودها ملاحظه می‌شود ظاهراً مرحله اول یا مراحل اولیه افکار ودایی است. این دسته از سرودها، نماینده مرحله نخستین آیین ریگ - ودایی تلقی می‌شود. یکی از خصایص مشخص این سرودها جنبه چند خدایی آنها می‌باشد. خدایان مختلفی در این گونه سوکتاها مورد ستایش قرار گرفته‌اند. دانشمندان صلاحیت دار عقاید مختلفی درباره روح این سرودها بیان داشته‌اند، بعضی آنها را ادعیه کودکان اولیه پنداشته‌اند، و بعض دیگر آنها را کنایه از بیان صفات ذات اعلی شناخته‌اند، و عده‌ای آنها را مربوط به قوم با نشاط و جوانی که اهمیت زیادی به مراسم مذهبی می‌داده است، می‌دانند، و گروهی هم تا حدودی آنها را به نوعی طبیعت - پرستی تعبیر کرده‌اند. سرودهای ۱ و ۴۸ و ۵۰ و ۱۵۴ و ۱۸۵ ماندالای اول و سرود ۸۴ ماندالای پنجم و ۶۸ و ۸۹ و ۱۲۵ و ۱۶۸ ماندالای دهم را بطور نمونه می‌توان معرف فکر چند خدایی در ریگ‌ودا دانست.

۲- جنبه‌های توحیدی یا یکتا پرستی

در پاره‌ای از قطعات سرودهای ریگ‌ودا، به نوعی یکتا پرستی اشاره شده است. اینگونه سرودها نماینده مرحله دوم و سوم پیشرفت و نمو افکار گویندگان ریگ‌ودا است که از مرحله پرستش عوامل طبیعی و چند خدایی گذشته و به مرحله نوعی توحید و یکتا پرستی رسیده و بعدها از آن نیز تجاوز کرده صورت فرضیه وحدت وجود فلسفی به خود گرفته است که اساس مکتب فلسفی ودایی را تشکیل می‌دهد، و در دوره بعد وارد تعلیمات

او پانیشادها می‌شود، و سرانجام پایهٔ مکتب گسترش یافته افکار معلمان مکتب ویدانت قرار می‌گیرد.

خدایان بی‌شمار و گونه‌گونهٔ مرد وزن در قسمت‌های چندخدایی ودا رفته رفته موجب خستگی دماغ شد و در نتیجه تمایلاتی بوجود آمد که چند خدا را با هم یکی بدانند و باری تمام خدایان مختلف را مظهر ذات واحدی بشمارند.

حاصل این تمایلات و مرتب ساختن آن طبعاً به توحید و یکتاپرستی منتهی می‌گردد. فرضیهٔ توحید در ادب هندو از هرج و مرج خدایان مذکر و مؤنث متعدد که با یکدیگر در اصطکاک بوده‌اند ساده‌تر و منطقی‌تر بنظر رسیده است، و از این جهت در سرودهای این دوره جنبهٔ یکتاپرستی تا حدودی تقویت شده است.

روحانیت بخشیدن به صور وجود الهی و منطبق مذهب در یکی ساختن و بهم پیوستن چند خدا و پرستش يك خدا از خدایان که متوجه و معطوف به فرضیهٔ توحید است، و فرضیهٔ: «ریتا» (Rta) یا وحدت طبیعت و سرانجام انگیزهٔ تنظیم مغز بشر، همه از عواملی بودند که دانشمندان اخیر ودایی به نوعی یکتاپرستی متمایل شده‌اند.

از خصایص این دوره این است که حتی یگانه وجود اعلای دورهٔ یکتاپرستی از انتقاد برکنار نماند. سرودهای ۸۹ و ۱۶۴ ماندالای اول و بندهای ۵ و ۸ سرود ۵۴ ماندالای سوم، و سرود ۴۱ ماندالای هشتم و سرود ۷۲ و ۸۲ و ۹۰ و ۱۲۱ و ۱۹۰ ماندالای دهم معرف تمایل گویندگان آنها به یکتاپرستی است.

۳- وحدت وجود فلسفی

فکر بشر دورهٔ ودایی را فرضیهٔ يك الوهیت بشر مانند ارضا نمی‌کرد، از اینرو بتدریج فکر پژوهنده‌ای که برای رسیدن به حقیقت مطلق به مراتب بیشتر از یافتن طریق لذایذ و خوشیهای شخصی و خصوصی اهمیت قائل بود، نمو و گسترش یافت. ارزش احساسات خدای شخصی هرچه باشد «حقیقت» ترتیب دیگر مقرر

می‌دارد و برای پرستش، معبود دیگر می‌خواهد. چون فرضیه توحید متفکرین ایام اخیر دوره ودایی را اقناع نکرد، لذا مکتب توحید ودایی جای خود را به مکتب وحدت وجود فلسفی داد که اساس آن بر وجود اعلاّی غیر شخصی و شناخته نشدنی قرار گرفته است.

رفته رفته با پیشرفت زمان فرضیه وحدت وجود شامل عدم شخصیت پیدا شد. در سرود آفرینش تشریح شده است که این جهان نتیجه تطور یک فرد نخستین است. در ماندالای سوم - سرود ۵۴ - تأکید می‌شود که: «بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر هر آنچه راه می‌رود و بر هر آنچه می‌پرد، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ تنها یک (ذات) فرمانروایی می‌کند».

در رگ‌بید گفته شده است که باید بین حقیقت مطلق «براهمن» (Brahman)، و خدای واجد شخصیت «ایشور» (Isvara) فرق گذاشته شود، و غالب افکار فلسفی و مذهبی که بعداً در هندوستان بوجود آمد و گسترش یافت، از این فکر سرچشمه گرفته و تابع آن بوده است.

مسائلی را که برخی از ریشی‌های دوره اخیر ودایی مورد بحث قرار داده‌اند، از امور فلسفی است و بهمین جهت می‌توان دوره اخیر ودایی را بمنزله صبحدم فکر و طلوع مسائل فلسفی دانست.

برای مطالعات فلسفی جگر بید و سام بید چندان اهمیتی ندارند. اتهر بن بید شرح طلسمات و ادعیه و اورادی است که جهت شفای بیماران و عمر دراز و از این قبیل امور مورد نظر و توجه بوده است. ریشه علم طب هندی ظاهراً مقتبس از اتهر بن بید است.

رابطه خدایان با پدیده‌های طبیعی

قسمت عمده سرودهای رگ‌بید در ستایش خدایان گونه‌گونه، مانند سوریه (Sūrya = آفتاب)، اگنی (Agni = آتش)، دیوس (Dyaus = آسمان)، ماروت‌ها (Maruts = طوفان)، وایو (Vāyu) یا

وات (Vata = باد)، آپه (Āpah = آب‌ها)، اوشس (Usas = سپیده-دم)، پرتھی (پرتیوی، Prthivī = زمین) است. حتی خدایانی همچون اندرا (Indra) و ورونا (Varuna) و میترا (Mitra) و ادیتی (Aditi) و بشن (ویشنو، Viṣṇu) و پوشان (Puśān) و دواشوین (Asvins) و رودرا (Rudra)، و پرچنیه (Parjanya)، در آغاز منتسب به پدیده‌های طبیعی بوده‌اند.

صفاتی که جنبه‌های خاص و مهم پدیده‌های طبیعی را نشان میداده است، بصورت خدایان مستقلی درآمده‌اند. مثلاً: سویتری (Savitri = سویترا، Savitar = آفتاب) که به معنی الهام دهنده و برانگیزنده و حیاتبخش است و وی‌وسوان (Vivasvān) که به معنای درخشان میباشد، اصلاً از صفات خورشید بوده است، و بعداً بصورت خدایان آفتاب درآمده‌اند. بعضی خدایان مانند: پوشان (Puśān) که ظاهراً طوائف بومی مختلفی آنها را پرستش می‌کرده‌اند، جزء خدایان ودایی بشمار آمده‌اند. صفات مطلق معنوی بسان: شراده (Sradha = ایمان) و منیو (Manyu = خشم) و گندهرها (Gandharvas = پریان)، اپ‌چهرها (Apsaras = دختران آسمانی)، و همچنین ارواح جنگل و مزارع نیز جزو خدایان قرار داده شده‌اند.

هرچند در سرودهای رگ‌بید از خدایان متعدد ستایش شده است، اما چون یکی از آنها مورد ستایش قرار می‌گیرد، او بصورت خدای اصلی و آفریدگار، و نگاهدارنده و یا ویران‌کننده جهان شناخته‌میشود، و چون بدین ترتیب چند خدا هر یک جداگانه بدرجهٔ رب‌الارباب بزنند، این مکتب‌را «ماکس‌مولر»: «هنوتئیزم، Henotheism» خوانده که شاید بتوان آنرا: «وحدت مقید به زمان» تعبیر نمود و در مقابل: «مونوتئیزم، Monotheism» یا توحید واقعی است که فقط یک خدای قادر متعال بر همهٔ جهان و جهانیان مسلط می‌باشد.

صفات آفرینش و نگاهداری و ویران‌کنندگی، نخست قابل تجزیه و جدا از هم شناخته نمی‌شد، و بدین لحاظ قابل اسناد، به خدایان مختلف نبود، و هر سه صفت را به شخصیت واحدی می‌دادند، مثل: پرچاپتی (Prajāpati = خدای آفرینش)، و شوکرمن

(Viśvakarman = صانع جهان).

ارتباط ریگ‌ودا با سایر وداها

قسمت‌های بسیاری از ریگ‌ودا، در سایر مجموعه‌های سه بید دیگر یعنی: سام‌بید و ججر‌بید و اتهر‌بن‌بید دیده می‌شود. تعداد زیادی از منترهای ریگ‌ودا در اکثر ادبیات ودایی نقل شده است. در مواردی که عبارات نقل شده با متن منطبق است، ظاهراً دلیل بر اصالت و اعتباری است که پیشینیان برای مجموعه ریگ‌ودا قائل بوده‌اند.

هرگاه نظر: «الدنبرگ، Oldenberg» را درست انگاریم، علاقه به متن اصلی در ادوار بعدی شدیدتر به نظر می‌رسد و این اعتبار گسترش یافته است.

در مواردی که اختلاف موجود است، و این اختلافها بطور نامنظم در سراسر عبارات منقول وجود دارد، وجود اختلاف شاهد بر کمال تعلیمات ریگ‌وداست. مطالعه این اختلافات مؤید آنست که احادیث ریگ‌بید در زمانی که این مجموعه‌ها تدوین شده، دارای قدمت و کهنگی بوده است.

مشخصات ریگ‌ودا

مراسمی که مدت‌ها بعد از عصر ودایی برقرار گردیده بطور آزاد از قطعات سرودها و ادبیات ودایی گرفته شده است، بی‌آنکه توجه زیادی بمعنی اصلی آنها بشود. ریگ‌ودا برای این منظور نوین بصورت کتاب روحانیان هوتری (Hotri) درآمد. اساطیر (میتولژی) ریگ‌بید، دیگر اساطیر معمولی ودایی نیست، بدین معنی که اساطیر ریگ‌ودا از اساطیر وداهای دیگر قدیمتر و در عین حال بجای آنکه مستقیماً بصورت انساب (پدر فرزندی) باشد بصورت همزمانی است.

يك شبكه تشابه میان قربانی‌های بشری و اصل اولیة الهی آنها وجود دارد که بنوبه خود مربوط به پدیده‌های طبیعی آسمان

و جو است و این اساس بعدی وسیع می‌باشد که ریشی‌ها باکوشش خستگی‌ناپذیر خود دستور اعمال خویش را از آن استخراج کرده‌اند.

ارتباطات پیچ در پیچ جنبه‌های مختلف طبیعی و اساطیری و مراسمی و اجتماعی است که افکار ریگودا را مشخص می‌سازد. تمام اشکال نمودارها سهمی در بوجود آوردن این نمایش‌ها دارد. نمودارها یا علائم ادبی قابل ملاحظه می‌باشد.

حساب اساطیری برگین (Bergain) مخصوصاً عدد هفت در مقابل عدد يك، یا در تقسیم واحد قابل توجه است. بااستثنای ماندالای اول و دهم که دیدگاه را تا حدی تغییر میدهد، مطالب سایر ماندالاها بطور کلی مربوط به صور رسمی مذهب ودایی است و تقریباً یکنواخت می‌باشد و بمسائل تجربی عمومی چندان توجه نشده است. کهنگی زبان نیز از مشخصات بارز ریگید پید می‌باشد.

اصول اخلاقی و آداب اجتماعی

ریتا (رت، Rita) قانون یا نظم جهان که معنی تحت‌اللفظی آن «خط مشی اشیاء» است اصول اخلاقیات را معین می‌کند. بطوری که قبلاً باز نموده شد ریتا نظم و ترتیب و یا ناموس جاودانی جهان است؛ پس برای اصول رفتار بشر نیز همان مقام و اعتبار را دارد. رفتار منظم و متجانس از مشخصات اساسی يك زندگانی خوب است.

عدم نظم و ترتیب که غالباً بصورت دروغ نشان داده میشود، بزرگترین بدی است.

اخلاق حمیده (تقوی) با ناموس کیهان مطابقت دارد. فرضیه: «رت» (نظم جهان) از طرف دیگر مؤید این فکر است که اگر تطورات و تغییرات بی‌انتهای جهان فکر داشتن خدایان متعدد را ایجاب می‌کند، وحدت جهان وجوب خدای واحد را ثابت می‌دارد. در مکتب‌های فلسفی جدیدتر هندو، ریتا بعنوان اساس نخستین فرضیه اخلاقی دهرما (Dharma = وظیفه و تکلیف) شناخته شده است.

دوستی هموعان و مهربانی با همه و انجام دادن وظائفی که هر شخص نسبت به خدایان و مردم دارد، در ودا تأکید گردیده است.

به ریاضت و روزه و پرهیز هم در ریگودا اشاره شده، ولی ریاضت از امور اساسی نیست.

اینک شواهد بارزی از ریگودا دربارهٔ امور اخلاقی و آداب اجتماعی در این جا ذکر میشود:

در ماندالای هفتم سرود ۱۰۴ خطاب به اندرا و سوما چنین آمده است:

۸- هر که مرا با سخنان دروغ متهم سازد هنگامی که من راه خود را با روحی عاری از خطا دنبال میکنم؛ ای اندرا! باشد که دروغگو، چون آبی گردد که در میان دست تپی فشرده میشود.

۹- آنها که بعبادت خویش دلها را هلاک میسازند و با طینت بد خود راست کاران را آزار و اذیت میکنند؛ باشد که سوما آنها را به مار بسپارد، یا آنها را در دامان مرگت و نابودی قرار دهد.

۱۰- ای اگنی! دیوی که می خواهد به جوهر رزق گاوان و اسبان و تنهای ما صدمه وارد آورد؛ باشد که آن مخالف و دزد و غارتگر در خراب و بوار افتد - هم خود او و هم اخلافش.

در ماندالای دهم سرود ۱۸۲ خطاب به بریهسپتی چنین گفته شده است:

۱- باشد که بریهسپتی رافع مشکلات (همه گناهان را) دور سازد؛ باشد که سلاح مفتری دروغزن را دور کند؛ باشد که (دشمن) بی آبرو را به زمین بزند و بدخواه را منکوب سازد، و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد.

در ماندالای دهم سرود ده چنین آمده است:

۴- آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده ایم، و ما که از تقوی سخن میگوییم، آیا اکنون از پلیدی سخن بگوییم؟! و نیز در ماندالای دهم سرود ۱۸۳ خطاب به قربانی کننده

دربارهٔ ریاضت چنین مذکور است:

۱- من ترا در اندیشهٔ خویش می بینم که (با مراسم مقدس) در گفت و گویی. از ریاضت بوجود آمده ای و به ریاضت مشهوری.

در ماندالای دهم سرود ۱۳۶ بطریق عملی ریاضت نیز اشاره شده است:

۴- مرتاض در میان فلک پرواز درمی آید و همه اشیاء را نورانی می کند. دوست هر يك از خدایان بر کارهای نیکو گماشته شده است.

در ماندالای دهم سرود ۱۱۷ درباره آزادگی و نیکوکاری و بذل مال به فقیران و احسان به درویشان آمده است:

۱- خدایان گرسنگی را وسیله کشتن قرار نمی دهند؛ مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز می رود.

بخشنده نیکوکار هرگز از میان نمی رود.

لثیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که بر او ترحم کند.

۳- رادمرد آنست که به مستمند ناتوان دوره کرد که در طلب خوراک است کمک کند، و چون از او استمداد جوید فوری بیاری او بشتابد و سپس او را در زمره دوستان خود قرار دهد.

۴- آن که مال خویش را از دوست یک دل و صمیمی دریغ دارد دوست نباشد، از چنین دوستی باید چشم پوشید.

در ماندالای اول سرود ۹۰، درباره نظم اخلاقی آمده است:

۶- برای کسی که نظم اخلاقی نخواهد بادهای شیرین اند؛ برای او رودخانه ها به شیرینی جریان دارند؛ حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد.

۷- باشد که شب شیرین باشد و سپیده دم هم؛ باشد که ناحیه زمین شیرین باشد؛ باشد که آسمان پدر ما بر ما شیرین باشد.

۸- باشد که آن درخت بلند برای ما پر از شیرینی باشد؛ باشد که آفتاب نیز پر از شیرینی باشد و گاوان ماده بر ما شیرین باشند.

در ماندالای پنجم سرود ۸۵ مسطور است:

۷- اگر ما درباره آنکه ما را دوست دارد گناهی کرده ایم و یا نسبت به برادر و یا دوست یا رفیق یا همسایه ای که با ماست یا بیگانگان خطائی مرتکب شده ایم، ای وارونا این تقصیر را از ما بردار.

در ماندالای اول سرود ۷۱ گفته شده است:

۵- یکی را کودن می نامند و در دوستی بلیداست، هرگز او کسی را به کارهای رادمردی تحریص نمی کند. او در خطای باصره بی فایده سرگردان است، صدائی که او می شنود برایش گل و میوه ای ندارد. ۶- آن که دوست گرامی خود را رها ساخته است و حقیقت را نمی داند، سهمی از واك (سخن) ندارد؛ حتی وقتی آنرا (واك) می شنود بیپرده گوش داده است. او چیزی از طریقه اعمال راستی نمی داند.

۷- دوستانی که به آنها یکسان گوش و چشم بخشیده شده در روح خود دارای سرعت های مختلفی هستند. بعضی چون سبوهایی می باشند که به دهان و شانه می رسند، و دیگران بسان حوض های آبی اند که در آن تن می شویند.

تردید و استهزاء نسبت به خدایان هندو

هندوان دوره اخیر ودائی نه تنها با يك نوع شگفتی روبرو شدند که از مختصات فلسفه آنهاست بلکه نسبت به معتقدات مسلم سابق خویش نیز دچار شك و تردید گردیدند و این شك و تردید راه نخستین افکار فلسفی را هموار کرد.

يك حالت سؤال و پرسشی بوجود آمد و شکاکیت در محیط پیدا شد. بطوری که از سرودهای ۱۲۱ و ۱۲۹ ماندالای دهم ریگ ودا برمی آید هندوی آن دوره راجع به خدایان و امکان شناخت مبدأ اشیاء به شگفتی افتاد و این تردید بصورت استهزاء و تمسخر نسبت بعقاید پذیرفته شده و خدایان خود درآمد.

در سرود ۸۹، ماندالای هشتم، یکی چنین گفته است:

۳- برای مجاهده در راه قدرت، ستایشی به درگاه اندرا می آوریم - يك سرود حقیقی - اگر اندرایی در واقع وجود داشته باشد.

و دو دیگر می گوید: اندرایی نیست. او را که دیده است؟ پس کی را ما احترام کنیم؟

در ماندالای چهارم سرود ۲۴ خطاب به اندرا آمده است:

۱۰- کی اندرا را که مال من است در قبال ده گاو شیرده از

من خریده است؟

چون او وریترا را کشت پس آن خریدار ویرا به من بازدهد.
در ماندالای دوم، سرود ۱۲ خطاب به اندرا چنین گفته شده
است:

۱- آن که بصورت خدای اصلی و پر از روح تولد یافت،
و در دانایی به حد زیادی از سایر خدایان پیش افتاد، و در مقابل
جلال و قدرت مردانگی او هر دو جهان بلرزه درآمد، ای مردم!
او اندرا است.

۵- راجع به آن قهار میپرسند او کیست؟ فی الحقیقه درباره
او میگویند: او وجود ندارد.

ثروت سروران را مانند گرو قماربازان او کم میکند. به او
ایمان بیاورید چون او ای مردم! اندرا است.

در ماندالای اول، سرود ۱۶۴ چنین آمده است:

۴- کی فرد نخستین را هنگام تولدش دیده است؟

آن بی جسمی که اجسام را بوجود می آورد کیست؟

نفس و خون از زمین است، ولی روح از کجاست؟

کی پیش دانایان رفته است که این را پرسد!؟

۵- با فهم نارسا و عقل ناقص من این امور را میپرسم که
حتی بر خدایان پوشیده است.

در ماندالای چهارم، سرود ۱۳ آمده است:

۵- چگونه است که او بی هیچ حد و پایه‌ای و با آنکه به سوی

پایین متمایل است، نمی افتد؟!

با چه نیروی درونی در حرکت است؟! کی او را دیده است؟

او طاق سپهر را چون ستون بر افراشته‌ای نگاه می‌دارد.

در ماندالای دهم، سرود ۱۰ آمده است:

۶- کی آن روز نخست را که از آن سخن می‌گویی میداند؟

که او را دیده است؟ کی میتواند آنرا اعلام کند؟

در ماندالای سوم، سرود ۵۴ چنین گفته شده است:

۵- چه راهی به سوی خدایان میرود، کی حقیقت آنرا می-

داند؟ و کی آنرا اعلام خواهد کرد؟

تشبیهات و تعبیرات ادبی

در ریگ ودا به تشبیهات و تعبیرهای شیوا و نفز برمی خوریم. برای نمونه ترجمه چند قطعه مختلف را در اینجا می آوریم: در ماندالای دهم، سرود ۱۲۷ در توصیف الهه شب چنین آمده است:

۱- الهه شب با همه چشمان خود (یعنی: ستارگان) به پیش مینگرد، و بنقاط بسیاری، نزدیک میگردد. او همه جلال خویش را بر خود پوشیده است.

۳- آن الهه چون می آید خواهر خود سپیده دم را بسجای خویش میگذارد، و خود در تاریکی ناپدید میگردد.

۴- پس امشب بر ما لطف فرما، ای تویی که راهپایت را ما دیدن کرده ایم - مانند مرغان بر آشیانه خویش بر درخت - . در ماندالای اول سرود ۱۲۳ آمده است:

۱۱- همچون عروس زیبایی که مادرش او را آراسته باشد، تو اندام خود را می نمایی تا همه بنگرند. در ماندالای چهارم سرود ۶۵ آمده است:

۲- کدام مرد پرهیزگار اشعه بامدادی را لباس می پوشاند؟ در ماندالای اول سرود ۵۰ خطاب به خدای آفتاب چنین آمده است:

۲- هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیک میشود، ستارگان چون دزدان می گریزند، و شب سیاه به دنبال آنها میرود. در ماندالای هشتم سرود ۴۱ چنین آمده است:

۱۰- آن که برحسب دستورش تاریکان از جامه ای نور پوشانده شده اند، آنکه منازل قدیم را پیمود، آنکه هر دو جهان را جداگانه ستون زد، و همانگونه که تولد نیافته است؛ آنرا نگاه میدارد.

و نیز در ماندالای هشتم سرود ۸۴ براین ترتیب آمده است:

۱- اوست که سقف آسمان و ستارگان را در کمال بلندی برافراشت، و زمین را چون بستری پهن بگسترده. در ماندالای اول، سرود ۱۲۴ چنین آمده است:

۱- صبح درخشان، آن هنگام که آتش مقدس، برمی‌افروزد و خورشید سر برمی‌زند، انوار خویش را منتشر می‌سازد.

۲- در ناحیه خاور، دختر آسمان با جامه‌هایی از نور هویدا میشود.

۴- او می‌آید و چون مگسی خفتگان را بیدار میکند، و از همه بانوانی که برمی‌گردند، راستکارتر و پابرجاتر است.

۷- صبحدم چون بانویی مهربان برای شوهر خود خندان و با لباس نیکو، از جمال خویش پرده برمی‌دارد.

۸- او جمال خویش را زینت می‌دهد، و با اشعه خورشید میدرخشد، چون گروه زنانی که به مجلس جشن رومی‌آورند.

در ماندالای اول، سرود ۱۸۵ خطاب به آسمان و زمین گفته شده است:

۱- کدامیک مقدم و کدامیک مؤخر بود؟ چگونه بوجود آمد، ای دانشمندان! کی میتواند بداند؟

آنها بخودی خود همه وجود را دربر دارند، شب و روز مانند چرخ در گردش است.

۲- آن دو بی‌پا که حرکت نمیکنند، بسیاری از جرثومه‌های جنبنده و دارای پا را دربر دارند، چون پسری در دامان پدر و مادر خویش.

در ماندالای نهم، سرود ۱۱۲ چنین مسطور است:

۴- اسب میخواهد که ارابه سبکی را بکشد، گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده‌اند، و غورباغه در اندیشه استخر آب.

در ماندالای دهم، سرود ۷۱ گفته شده است:

۲- هنگامی که مردمان آرد را در غربال می‌بیختند، دانایان در روح سخن را آفریدند.

در ماندالای پنجم، سرود اول در توصیف آتش چنین گفته شده است:

۱- مانند درختان جوان که شاخه‌های بلند خویش را برمی‌افرازند، شعله‌های او بسوی گنبد افلاک زبانه می‌کشد.

در ماندالای چهارم سرود ۱۴ برای تقریب آمده است:

۱- صبحدم سرخ‌فام، سوار بر روشنایی پیش تاخته، و اشعه

شادگونه، و نیرومند خود را نمایان ساخته است.
 ۵- چگونه است که او بی‌سهار و ستون با آنکه بسوی پایین مایل است، فرو نمی‌افتد؟!
 با چه نیروی درونی حرکت میکند؟ که او را دیده است؟
 و گنبد آسمان را نگاه میدارد - ستون نیکو برافراشته‌ای -.

قربانی در ودا

در سرودهای ریگ‌ودا عمل قربانی برای جلب توجه خدایان اهمیت شایان دارد. خدایان موجودات مهربان و خیرخواهی‌اند که در میان مردم آمد و شد میکنند و از بشر والاتر و قوی‌ترند و به مناسبت عظمت و نیرومندی سزاوار ستایش و احترام میباشند. اشتهای سیری ناپذیری به نذور و قربانی دارند و تنها با قربانی موجبات ارضاء و اقناع آنان فراهم میشود و به همین سبب قربانی برجسته‌ترین مشخصات مذهب ودایی است.

در این قربانی‌ها حیوانات ذبح و مواد حیوانی تقدیم و یا مواد خوراکی و غیر حیوانی اهدا می‌شود.

کره (= گهریته Ghrita) در غالب قربانی‌ها بکار میرود.
 در مراسم قربانی، نذور و تقدیمی‌ها و نیازها با ترانه‌ها و خواندن آیات بید، مقدس میگردد.

خدایانی که خوانده میشوند در محل قربانی حضور می‌یابند. اگنی واسطه انتقال قربانی به خدایان دیگر است. آب و باد نیز گاهی وسیله انتقال قربانی میباشند.

عمل قربانی خدایان را وامیدارد که خورشید را طالع نمایند و باران را به زمین برسانند، و دانه‌ها را برویاند و بثمر برسانند، و حیوانات را از گزند محفوظ بدارند و آنها را زیاد کنند.

قربانی قدرت کامله خدایان و نیروی بشر را برای انجام دادن کارهای بزرگ افزایش میدهد، و از تجاوز افراد به یکدیگر جلوگیری میکند. قربانی همکاری روستایان و افراد خانواده‌ها را فراهم میسازد، و بعلاوه آتش قربانی و جشن‌های مذهبی همراه

- با نوشیدن افشیرهٔ سوما، نشاط و شادایی را افزون میکنند.
- در ماندالای دهم، سرود ۷۱ خطاب به دانش (Jvānam) تصریح شده که با قربانی خط سیر سخن (vak) دنبال شد.
- ۱- بریہسپتی که به همهٔ اشیاء نام بخشید، نخستین و ابتدائی‌ترین تلفظ «واک» را فرستاد.
- ۳- با قربانی خط سیر «واک» را دنبال کردند و جایش را در درون ریشی‌ها یافتند.
- در همین ماندالا سرود ۹۰ داستان قربانی جهانی: «پروش» (Puruṣa) مذکور است. این قربانی از حیث عظمت قربان شونده و قربان‌کنندگان مهم‌ترین قربانی است که در ریگ‌بید به آن اشاره شده است.
- در این قربانی که در آن نذر جهانی تقدیم گردید، خدایان همه شرکت داشتند، و پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود قربان کردند.
- ۲- پروش در حقیقت تمام این جهان مرئی است، و آنچه بود، و خواهد بود. او خداوند ابدیت است.
- ۶- وقتی خدایان اعمال قربانی را با پروش برپا داشتند، بهار روغن آن، و تابستان هیزمش، و پاییز خود نذر بود.
- ۷- خدایان پروش را که پیش از آفرینش تولد یافته بود، جهت قربانی در روی علفزار (کوش) مقدس ذبح کردند.
- ۸- از آن قربانی که در آن نذر جهانی تقدیم شد، مخلوط دوغ و کره به دست آمد، و از آن آفریدگان هوایی و حیوانات اهلی و وحشی را بیافرید.
- ۹- از آن قربانی ریچ‌ها و آهنگ‌های سامن بوجود آمدند و بحور عروض پیدا شد، و دستور اعمال قربانی (چجرید) نیز پدید آمد.
- ۱۰- اسبان از آن بوجود آمدند، و آنها که دارای دو رشته دندان‌اند، و گله‌های گاو از آن هستی یافت و همچنین بز و گوسفند.
- ۱۱- وقتی پروش را ذبح کردند، آنرا به چند قطعه تقسیم نمودند. دهان او چیست؟ بازوانش کدام؟ رانها، و پاهایش را

چه نامیدند؟

۱۲- از دهانش «براهمن»، و از دو دستش «راجنیه» (= کشتریه)، و از ران‌هایش «ویشیه»، و از پاهایش «شودر» بوجود آمد.

۱۳- از فکر (مغز) او ماه پیدا شد، و از چشمش خورشید، و از دهانش اندرا و اگنی پدید آمدند، و از نفس او باد وزیدن گرفت.

۱۴- از نافش فلک، و از سرش عرش، و از پایش زمین، و از گوشش جوانب و اطراف عالم پدید آمد، و بدین‌سان جهان (هستی) تکوین یافت.

۱۶- با این قربانی خدایان پرورش را که در همان حال قربانی شده بود، پرستش کردند.

بنابراین نظر و اندیشه هندوان «پروش» به میل و اراده خویش، خود را برای ظهور و تکوین عالم هستی قربانی کرد و از برکت این نذر جهانی زمین و آسمان و خورشید و ستارگان و حیوانات و نباتات و سایر موجودات پیدا شدند!

در اثر قربانی پرورش که همه خدایان و ریشی‌ها در این مراسم حاضر بودند، از بازوان پرورش فرمانروایان پیدا شدند تا نظم و انضباط را بگسترانند و عدل و داد را برقرار سازند و از ران‌هایش طبقه «ویشیه» (Vaiśya = بازرگانان و کشاورزان) پدید آمدند، تا امر سوداگری و کشاورزی رونق یابد و بنیه مالی و اقتصادی و کشاورزی مردم تقویت شود، و از پاهایش طبقه «شودر» (Śūdra) بوجود آمد تا خدمتگزار اجتماع باشد و از کار و زحمت و رنج او جامعه برخوردار گردد.^۲

۱- هندوها می‌گویند اگر عیسی جهت نجات بشر خود را برای صلب حاضر کرد، پرورش جهت تکوین عالم و پیدایی جهان هستی خویشتن را قربان کرد تا عالم و عالمیان بوجود آیند.
۲- دو بند اخیر این سرود ناظر به نظام طبقاتی است که هزاران سال بر هند حکومت میکرد و هندوها از نظر مذهبی به این نظام سخت گردن نهاده بودند.
در قانون اساسی کنونی هند همه افراد آن کشور صرف‌نظر از مذهب و نژاد و رنگ و جنس برابرند ولی عملاً هنوز بسیاری از هندوان - خاصه مردم روستائین - به نظام طبقاتی پای‌بند هستند و باید سال‌ها بگذرد تا آثار این سنت کهنه و قدیمی باکسترش فرهنگ و تمدن عصر فضا زائل شود.

ناموس طبیعت یا نظم کیهانی

یکی از صوری که فرضیه وحدت واقعیت بدان ظاهر گردید شناختن يك ناموس کلی و ابدی است که «ریتا» نام دارد، و قبلا بدان اشاره شد.

«ریتا» عبارت از ناموس و وحدت و حقیقتی است که اساس نظم جهان میباشد.

در ریگئودا هیچگونه سرود مستقلی خطاب به ریتا نیست ولی در سرودهای خطاب به وارونا، و اگنی و وشودیوها و جز آنها، اشاره‌های مختصری باین فرضیه مهم شده است.

در ماندالای چهارم، سرود ۲۳ درباره ریتا خطاب به اندرا چنین آمده است:

۸- قانون جاودانی (ریتا) رزق نیروبخش را متنوع ساخته است. فکر قانون جاودانی تخطی و تجاوز را برطرف میسازد.

سرود ستایش قانون جاودانی چون برخاست و درخشید گوش‌های سنگین (= کر) زندگان را باز کرده است.

۹- پای‌بست‌های قانون جاودانی محکم و پابرجاست و در صورت زیبای او جمال عالی هویدا.

از برکت قانون مقدس دیرپای خوراک برای ما می‌آورند و از برکت قانون مقدس گاوان پپرستش ما می‌آیند.

۱۰- او (اندرا) که قانون جاودانی را مقرر داشت، آنرا حفظ مینماید.

قدرت قانون به سرعت حرکت میکند و غنیمت را به چنگ می‌آورد.

زمین وسیع و عمیق و آسمان، از آن قانون است.

گاوان شیرده علوی شیر خود را به قانون تقدیم میکنند.

در ماندالای اول، سرود دوم خطاب به وایو (باد) چنین آمده

است:

میترا و ورونا شما عاشقان و عزیزداران قانون به وسیله

قانون، نیروی توانای خود را به دست آورده‌اید.

و نیز در ماندالای دهم، سرود ۱۶۸ خطاب به «وایو» گفته

شده است:

۳- چون راه خود را در میان هوا با شتاب می‌پیماید هرگز آرام نمی‌پذیرد.

دوست آب‌ها، نخست‌زاد، قانون‌پذیر، او در کجا تولد یافته و از کجا برخاسته است؟!

در ماندالای اول، سرود ۱۰۵ خطاب به و شودیوها (همه خدایان) چنین آمده است:

۱۲- ای خدایان جمع شوید تا سرود ستایش تازه ساخته محکم، برای شما خوانده شود.

وزش طوفان‌ها قانون است، نور منبسط خورشید حقیقت است.

۱۶- مسیر خورشید در آسمان برای تجلیل و تعظیم ساخته شده است، و نباید مورد تجاوز قرار گیرد.

ای خدایان! ای موجودات فانی! شما نیز آنرا نمی‌نگرید.

در ماندالای اول سرود ۱۲۳ خطاب به اوشس (سپیده دم) درباره قانون ابدی چنین آمده است:

۶- بامدادهای رخشان گنج‌های زیبا را که تاریکی پنهان کرده بود آشکار می‌سازند.

۷- آن یکی می‌رود، و آن دیگر می‌آید. دو نیمه مختلف‌اللون روز در پی یکدیگر درگذرند.

۸- امروز در همان شکل، و فردا هم در همان شکل، آنها هنوز قانون ابدی ورونا را نگاه میدارند.

۹- آن دوشیزه قانون را نمی‌شکنند، و همه روزه به محل معهود می‌آید.

و نیز در ماندالای چهارم سرود ۵ خطاب به اگنی به این تقریب گفته شده است:

۱۱- با احترام من قانون را اعلام میدارم، ای اگنی! آنچه هست به فرمان تو است. ای جات‌ویداس (داننده همه و آفریننده آفرینش)!

در ماندالای چهارم، سرود ۳ خطاب به اپری‌ها^۱ چنین مذکور است.

۷- من نخست دوهوتری الهی را به دست می‌آورم، آن هفت نیرومند به عادت خویش شادی میکنند. حقیقت را تعلیم میدهند، حقیقت را اعلام میدارند، حافظان قانون‌اند و در قانون تعمق مینمایند.

در ماندالای هشتم، سرود ۶ چنین گفته شده است:
۲- وقتی که روحانیون در تقویت فرزند قانون مقدس هدایای خویش را تقدیم میدارند، سرایندگان با سرود نظم می‌ستایند.

عده خدایان ودایی

در سرودهای ۳۴ و ۴۵ و ۱۳۹ ماندالای اول، و سرود ۶ ماندالای سوم، و سرود ۲۸ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۹ ماندالای هشتم و سرود ۹ والکیلا (والکیلیه = Vālakilya = بالکیلا Bālakilya) و سرود ۹۹ ماندالای نهم ریگ‌ودا مجموع خدایان به ۳۳ محصور و محدود شده‌اند؛ لیکن فقط در سرود نهم ماندالای سوم برخلاف آنچه که مذکور شد، عده خدایان ودایی ۳۳۳۹ به‌شمار آمده‌اند (واجس نیی سنهیتا $۳۳/۷ = ۱۰/۵۲ = ۳/۹$).

در سرود ۲۸ ماندالای هشتم، در این باره چنین آمده است:
«باشد که سی‌وسه خدا در روی علف مقدس بنشینند».

در سرود ۳۰ از همین ماندالا خطاب به خدایان چنین مذکور است: «تا بودکننده دشمنان، خدایانی که مانو شما را می‌پرستد؛ شما سی‌وسه تن هستید، و به همین‌گونه در سرود خوانده شده‌اید». در سرود ۱۳۹ ماندالای اول ضمن حصر خدایان به ۳۳ تن، اشاره شده که یازده خدا در آسمان و یازده خدا در زمین، و یازده خدا در آب‌ها مقام دارند و هر یک از آنان، قربانی‌ها را با کمال اشتیاق می‌پذیرد.

در برهماناها (Brāhmanas) که توضیح و تفسیر اعمال قربانی-

۱- اپری‌ها (Apris) : موجودات الهی یا موجوداتی‌اند که به درجه الوهیت و یا نزدیک به الوهیت رسیده باشند.

هاست، و در زمانی متأخر از دوره ودایی تألیف و فراهم آمده، شماره خدایان به همان سی و سه بشرح زیر: ۸ واسو، و ۱۱ رودرا، و ۱۲ آدیتی و دو خدای نامشخص و نامعین دیگر، محدود شده است.

یاسکا (Yaska) در کتاب معروف: «نروکتا» (Nirukta) خدایان را به سه دسته تقسیم میکند:

۱- خدایانی که منزلگاهشان در زمین (پریتھویستھانه، Prithivisthana) است.

۲- خدایانی که جایگاهشان در جو یا فضا (مدھیمستھانه - Madhyamasthāna یا انتریکشستھانه Antarikṣasthāna) میباشد.

۳- خدایانی که به آسمان (دیوستھانه Dyusthāna) تعلق دارند. اگنی، سوما و برپهسپتی و رودخانه‌ها از زمره خدایان دسته اول اند. اندرا و آپان نپات و رودرا و وایو و وات (باد) و پرجنیه و آپه‌ها (آب‌ها) (Mātarīśvan) از جمله خدایان دسته دوم اند.

دیوس (Dyaus = آسمان) و ورونا و میترا و سوری و سویتری و ویشنو و آدیتی‌ها و اوشس و دواشوین، از جمله خدایان دسته سوم میباشدند.

در سرود ۱۵۸ ماندالای دهم سوری (خورشید)، خدای آسمان؛ و وات خدای جو؛ و اگنی خدای زمین توصیف شده‌اند.

یاسکا خورشید را خدای آسمان، و وایو یا اندرا را خدای جو، و اگنی را خدای زمین میخواند، و از آنرو که خورشید را تجسم آتش می‌پنداشتند، میتوان این تقسیم‌بندی را به دو دسته اگنی (آتش)، و اندرا محدود کرد.

یاسکا در کتاب «نروکتا» (Nirukta) همه خدایان را جزئی از آتمن (Ātman) معرفی میکند.

در ماندالای سوم سرود ۵۴ چنین مذکور است:

* هر جا لفظ «خدایان» به صیغه جمع آمده، ترجمه سرودهای وداست؛ و گرنه خدای تعالی یکی است و دوم و مثل و شریک ندارد. در این کتاب پیشرفت و نمو اندیشه آدمی از اعصار بسیار قدیم ترسیم شده و نشانگر این امر است که سیر فکر از «کثرت» به سوی «وحدت» بوده است.

۱- ماتریشون (Mātarīśvan) : نام دیگر اگنی (Agni = خدای آتش) یا باد.

«بر هر ثابت و بر هر جنبنده، و نیز بر هر آنچه راه می‌رود و بر آنچه می‌پرد، و بر تمام این آفرینش رنگارنگ، تنها يك (ذات) فرمانروایی میکند».

در دورهٔ اخیر ودایی گویندگان و سرایندگان سرودهای ریگ‌ودا بنوعی یکتاپرستی توجه پیدا کردند، چنانکه در ماندالای اول سرود ۱۶۴ چنین آمده است: «او را اندرا و میترا و وارونا و اگنی و حتی گروتمان پرندۀ تیزبال آسمانی می‌نامند. يك واقعیت مفرد را دانایان وقتی که از اگنی، و یم و ماتریشون سخن می‌گویند به چند نام می‌خوانند».

خدایان برجستهٔ عصر ودایی

اگر اهمیت خدایان برحسب تعداد سرودهایی باشد که به آنها خطاب شده است، اندرا در صف مقدم خدایان قرار خواهد گرفت؛ زیرا از مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ‌ودا، در حدود ۲۵۰ سرود به او خطاب گردیده است، و پس از او، اگنی (از این حیث) مقام دوم را دارد. مثلاً از ۱۲۱ سرود اشتاکای اول ریگ‌ودا ۴۵ سرود خطاب به اندرا و ۳۷ سرود به اگنی و ۱۲ سرود به ماروت‌ها (از پیروان و هم‌پیمانان و دوستان اندرا) و ۱۱ سرود به دواشوین و چهار سرود به تجسم سپیده‌دم و چهار دیگر به و شودیوها و بقیه به ایزدانی که از نظر مقام پایین‌ترند تعلق دارد.

۱- اندرا Indra: ریشهٔ این کلمه کاملاً روشن نیست، و وجوه اشتقاق مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند.

او سرآمد خدایان ودایی است و بطور اریب از شکم مادر متولد شد. در افسانه‌های ودایی اندرا پادشاه ایزدان جو تعریف شده و با صاعقه که اسلحهٔ اوست با دیوان تاریکی و خشکسالی می‌جنگد و آنها را مغلوب می‌سازد. اندرا مظهر پهلوانی و خدای اقوام آریایی است.

مهمترین کار اندرا این است که باران فرو می‌ریزد و چون ابرها از ریزش باران خودداری کنند، با آنها نبرد میکند و باعث ریزش باران میشود. ابرها از خشم اندرا می‌هراسند. همانگونه که در آیین زردشت عاقبت اهورامزدا بر اهریمن چیره میشود، و

نیکی بر بدی فائق می‌آید، در مذهب هندو نیز کوشش بعمل آمده تا نیکی بر بدی غلبه کند.

در اثر نوشیدن شیرۀ سوما شجاعت و جسارت اندرا افزونی می‌یابد.

اندرا بر مانو تقدم زمانی دارد. در جنگ او بر «کوتسه» پسر «ارجونی» چیره شد.

اندرا زمین را به «آریه» (Ārya) بخشید، و باران را به مردی که برایش نذر آورد.

او آب‌های خروشان را رهبری میکند، و خدایان بخواهش وی بجنبش درمی‌آیند.

او قلاع نودونه‌گانه شمبره (Śambara) را ویران ساخت (۴/۲۶).

اندرا صد «کرتو» (صد نیرو) است، او کشنده و ریترا میباشد، و به آدمیان لطف دارد، و دوست همه مردم است (۵/۳۸).

سوما برایش مهیا شده است، و چون افشرۀ سوما می‌نوشد سرمست میشود. او قهرمان است. به نیروی خویش زمین و آسمان را از هم جدا ساخت، و آنها را وسعت بخشید، و آدمیان را حمایت می‌کند.

در بزرگی از طوفان و رودخانه‌هایی که هرگز از جریان باز نمی‌ایستند، پیشی گرفته است و هیچگاه قرار نمی‌گیرد.

اندرا با روشنایی خود تاریکی سیاه‌رنگ را از بین می‌برد. همه موجودات زنده را می‌شناسد، و هیچگاه دوستان را فراموش نمی‌کند.

در دو طرف گردونه خود آسمان و زمین را بسان دو سر محوری ثابت نگاه داشته است. با بادهای برمی‌خیزد، همه را می‌لرزاند، حمله میکند، نیرومند و قوی است، و به تیرها مسلح میباشد.

درختان جنگل، و بوته‌های کوه‌ها و بیابان‌ها نمیتوانند او را فریب دهند. هیچ‌چیز همسنگ او نیست، حتی زمین، و آسمان، و

فلک، و کوه‌ها. چون به‌خشم آید، غضبش هرچیز محکمی را خرد میکند و هر نیرومندی را درهم می‌شکند. مانند تبر درختان را می‌اندازد، بستر رودخانه‌ها را می‌کند، و تغییر میدهد. و دژها را فرومیریزد، و وریترا را می‌کشد، و کوه‌ها را همچون اهرم

آهنین تازه‌ساز، می‌شکافد. گناهکار را کیفر میدهد، و بسان شمشیر که دست و پا را قطع می‌کند، گناهکاران را که بقانون

اعلی و نظم و رونا و میترا تخطی و تجاوز ورزند درهم میکوبند و به کیفر میرسانند. دیو شورش و تخطی را با تیر انتقام می شکافد. همچنین او کسانی را که زندگی شرارت آمیز دارند، و پیمان می شکنند و به ورونا و میترا و اریمن آزار میرسانند، کیفر میدهد. او خداوند آسمان و زمین و صاحب و سرور آبها و کوههاست.

او خداوند کامیابان و دانشمندان میباشد. او را هنگام راحت و وقت کار و زحمت می خوانند. پهناورتر از روز و شب، و وسیعتر از فلک و طوفان دریا میباشد. او پخشنده فزونی است. پهن تر از گستره زمین و میدان باد، و فراخ تر از رودخانه ها و زمین است.

اقمار و کوهها و درختان بلند و گیاهان و علفها؛ او را پیروی می کنند. چون او بوجود آمد هر دو جهان با شوق و عشق بهم نزدیک شدند و آبها به خدمت او کمر بستند (۱۰/۸۹). اندرای قهرمان آبهای عظیم را که دیو خشکسالی «اهی Ahi» آنها را بند کرده بود، آزاد ساخت، و تقسیم کرد.

همواره نیروی اندرای درخشان در افزایش است، و مردم زیر دست را برای خاطر قوم خود مغلوب میسازد. با شیمه اسبهای تیز تک او، نزول باران اعلام میشود، و زمین همواره در انتظار ریزش باران است. بادهای که صدا را در افق دور تقویت میکنند، صدای اندرا را منتشر میسازند. آن هنگام که اندرای دوست آدمی در اندیشه کشتن دیو بدخواه و دشمن بشر بود، صاعقه به آوای بلند می غرید و رگبار می بارید. با نوشیدن افشیره سوما نقشه «دانو Danava» خطاکار را برهم زد. اندرای الهی ثروت دلخواه و بوم و بر به قوم آریایی می بخشد، و آریاها به نیروی او بردشمنان فائق می آیند. بخشش فراوان از وی منبث میشود. هر که اندرا را ستایش کند، به آنچه آرزو دارد، می رسد (۲/۱۱). او با وایو و ماروتها رابطه نزدیک دارد. آن دو توأمان نیرومندند که باهم میتازند، و بیاری آریاها می آیند (سرود ۴/۴۷). اندرا و «وایو» شاهانی هستند که ستم روا تمیدارند. و سلطان دو جهان اند.

اندرا خطرات بزرگ و مقهورکننده را از میان بر میدارد،

و حافظ همه میباشد. برای قوم آریایی از هر سوی امنیت برقرار می‌کند، و شادی می‌بخشد، و ظلم و تعدی را دور می‌سازد، و در عین حال سرور ماروت‌هاست (۲/۴۱). بتحصيل دانش كمك میکند و روزی به قوم آریایی میرساند. کننده کارهای خوب است. افسره سوما موجب افزایش هوش سرشارش می‌شود (۱/۵). اسبهایش که دارای زیورهای گرانبها میباشند بفرمانش یراق میشوند، و در حالی که صاعقه را بسان حربه در دست دارد، می‌آید. او برای این که همه چیز را نشان بدهد خورشید را در آسمان برافراشت و ابرها را از آب پر ساخت. اندرا را خوانندگان با ستایش‌های بلند، گویندگان با تمجیدهای خود، سرایندگان با نیایش خویش، می‌ستایند. او را برای نعمت فراوان و اندك میخوانند، او متحد مردم آریایی است. هر ستایش و نیایشی که به دیگر خدایان کنند، به اندرای رعدآسا نیز نقدیم میشود. برآورنده خواهش‌ها و آرزوها و سرور توانا و فرمانفرمای طوایف پنجگانه آریایی است. او همه‌جا در میان مردم حاضر است، و منحصرأ به قوم آریایی تعلق دارد (۱/۷). در جایی که نور نبود، او نور را بوجود آورد، با سپیده دم توأمان به دنیا آمد. به اتفاق ماروت‌های نقاله که بر نقاط صعب‌الوصول میگذرند، او گاوهای پنهان شده در غارها را پیدا کرد. ماروت‌ها در ملازمت اندرای دلیر در حال نشاط با جلال مساوی دیده میشوند (۱/۶). اندرا حافظ خانواده است، و بر رئیس کوچ‌کننده خانواده آریایی نظر می‌کند (۱۰/۱۷۹). مردم بسیاری میخوانندش و بردشمنان پیروز میشود. او در نیروی خویش برتری دارد. با دست راست خود گنجینه‌ها را می‌آورد. او خداوند رودخانه‌های ثروتبخش است. ناحیه وسیعی را برای خدایان مهیا میسازد، از جهان دوردست می‌آید، و با اسلحه سخت (و سنگین و شدید) خویش که آنرا نیکو بران کرده، دشمنان قوم آریایی را هلاك میسازد (۱۰/۱۸۰). اندرا نخستین خداوند ثروت است، او همه گنج‌ها را پی در پی گشود و بتصرف خود درآورد. آفریدگان او را پدر خود میخوانند. در میان پرستندگان تخم شادی و تمتع پراگند، و نیروی مردی دیوان را ربود. بخاطر او، «توشر» صاعقه آهنین

را ساخت، و خدایان نیرو در وی دمیدند. نگاهش همچون آفتاب غیرقابل تحمل است.

برای آنچه کرده و آنچه خواهد کرد او را آرپایی نامیده‌اند. برای پرستندگانش گله‌های بزرگ گاو و اسب گرد می‌آورد. او چون از افشردۀ سوما و نوای سرودها سرمست می‌شود، با پیکان خود برای آنان طعمه و روزی به دست می‌آورد، و اموال بسیار برای ایشان جمع می‌کند. هرگز شکست و مرگ به‌وی راه نمی‌یابد. پسران «پورو» در دوستی با او هیچگاه زیان ندیده‌اند. آنها که اندرا را بمبارزه طلبیدند، با یک ضربه شکست خوردند. او تنها فرمانروای این عالم است و هرگز تسلیم نشده. دو یا سه رقیب نمیتوانند به‌او آسیبی برسانند. او عدۀ کثیری از دشمنانش را مانند خوشه‌های گندم که با داس درو کنند، می‌کوبد. هر که بخواهد گاو نر تیزشاخش را شکست بدهد، در اعماق بدبختی و اندوه می‌افتد. او هرگز بنیاد پدیده‌های خدایان دیگر را از میان نمیبرد، زیرا سایر خدایان نیروی فرخنده‌ای برایش بوجود آوردند (ماندالای ۴۸/۱۰). اندرا با ورونا ارتباط و همبستگی دارد. در یک سرود آن‌دو با هم گفت‌وگوی و مکالمه میکنند و هر یک صفات و قدرت خود را برمی‌شمارد (۴۲/۴). آنها گناهکاران را با بندهایی غیر از طناب مقید می‌سازند. اندرا و ورونا پرستندگان خود را با حمایت دلپذیر خود فزونی می‌بخشند (۷/۸۴).

اندرا با خشم اول خود وریترا را کشت و عمل دوستانه نسبت به آدمیان برعهده گرفت. زمین و آسمان - هردو - سر تعظیم در برابرش فرود آوردند. و فلک از نیرویش لرزان شد. اندرا مانند میترا و ورونا، دانا و بخشندۀ نعمت و روزی است (۱۴۷/۱۰). او بطور اریب از پهلوی مادر زاده شد. هزار ماه و هزار پائیز در زهدان مادر بود. هیچ آفریده و موجودی که پیدا شده یا بعداً پیدا خواهد شد به بزرگی او نبوده و نخواهد بود. هنگام ولادت برخاست، و جامه پوشید، و این نوزاد، عالم آسمان و زمین را از وجود خود پر ساخت.

او مادر خود را بیوه کرد. هنگامی که پدرش پایش را بگرفت

و به زمینش کوبید، خدایان بیاری او برنخاستند (۴/۱۸). اندرا در مراسم روزانه پرستندگان حاضر میشود، و از نذر آنها میخورد و می‌آشامد. پرستندگانش ویرا در میان درست‌اندیشان که در کنار و همسایگی‌ش هستند، می‌شناسند (۴/۱). اندرا ثروتی لذت‌بخش می‌آورد - ثروت پیروزمندی - که همیشه غالب است. بالاتر از همه است، بیاری و کمک او در جنگ تن به تن مردم آریایی دشمن را عقب میزنند، وی با گردونه به یاری پرستندگان می‌شتابد. به یاری آن صاعقه اسلحه، نیزه‌های خود را برمی‌افرازند، و دشمنان را مغلوب میسازند. با کمک او و باتفاق قهرمانان زوبین‌انداز، مردم آریایی دشمنان را در جنگ مغلوب کرده‌اند. او قادر، برتر و رعدآسا است. عظمت‌آور است، نیروی خود را به پهنای آسمان گسترش میدهد. به کسانی که پسر ندارند، پسر عطا میکند تا چون قهرمانان در جنگ شرکت کنند. شکم اندرا با نوشیدن لاجرعهٔ سوما، بسان اقیانوس آماس می‌کند (۱/۸). بمحض تولد، با نیرو، و توانایی خدای بزرگ روح اعلی شد، و حافظ خدایان دیگر گردید. دو جهان در برابر نفس او از شجاعتش بلرزه درآمد. او زمین لرزان را استوار و ثابت ساخت، و کوه‌های پرهیجان را آرامش بخشید. او جو میانهٔ پهناور را پیمود، و آسمان را نگاه داشت. با کشتن اژدها (یعنی: دیو خشکسالی) هفت رودخانه را آزاد کرد، و گاوان را از غار «وله» (Vala) بیرون آورد. او آتش را از میان دو سنگ پدید آورد، و در جنگ‌ها غنیمت گرفت. طایفهٔ دیوان پست فطرت را براند. بیچارگان و افتادگان و روحانیان و دستیارانشان را که پرستش او را می‌کنند، بکار می‌گمارد. آن زیباروی، به پرفشارنده و حاضرکنندهٔ سوما لطف و عنایت دارد. او به خورشید و صبحگاهان وجود بخشید.

بی‌یاری اندرا، مردم آریایی هرگز پیروز نمی‌شود، اندرا اشیاء ساکن را بحرکت درمی‌آورد، و تمام جهان در نظرش ماسورهٔ نخی بیش نیست. آسمان و زمین در برابرش سر تعظیم فرود می‌آورند (۲/۱۲). سرودهای مقدس، اندرا را بسان دریای پهناور و بزرگ میسازند. او بهترین جنگندهٔ ارا به‌سوار و

خداوند نیرو است. پرستندگان‌ش به نیروی دوستی و یآوری او، هیچ بیمی بخود راه نمی‌دهند. او قلعه‌کوب و جوان و شکست‌ناپذیر و رعدآسا و دانا و خداوند نیرو، و توان است. با نیرویی بیرون از اندازه تولد یافت. هنگامی که غار «وله» (Vala) را که پر از گاو بود بشکافت و بگشود، خدایان برای کمک بسوی او شتافتند و فارغ از بیم ویرا یاری کردند. با قدرت شگفت‌آور خود دیو «شوشنه» را نابود ساخت (۱/۱۱). او با چرده قرمز یا زرین، و بازوانی بی‌اندازه بلند و کشیده وصف شده است؛ ولی اشکال او بی‌منتهی است و میتواند به هر شکلی که بخواهد درآید. در اراپه زرین زاده شد (۶/۲۹) و در اراپه زرین درخشانی که دو اسب کهر با یال و دم انبوه آنرا میکشند، سوار میباشد. سلاح او - چنانکه گفته شد - صاعقه است که در دست راست خود دارد. او دارای تیر و قلاب و دامی نیز می‌باشد که دشمنان را در آن به دام می‌اندازد. افشرد سوما از لذایذ خاص اوست و مقدار زیادی از آنرا می‌نوشد، و چون از اثرات سکرآور آن سرمست می‌شود به جنگ دشمنان میرود. تغییرات جوی در اختیار اوست. در جنگ‌ها لشگری از ماروت‌ها ویرا محافظت می‌کنند و دوستش ویشنو با او است.

او همسری به نام (اندرانی، Indrani) یا (اندری، Indri) دارد. اندرا در سرودها چالاک و فرزند (= نرتو Nrtu)، و قوی (توس، Tavas)، و پیروزمند (توره، Tura)، و قهرمان (شوره، Sura)، و خدای نیرومند (ست‌پتی، Sarpati) توصیف شده است. گاهی جوان (اجر، Ajara) و گاهی پیر (پورویه، Purvya) خوانده شده است. او خدای هر جنبنده و جاننداری است. او با رودرا (Rudra)، و ماروت‌ها و همچنین منیو (Manyu = خشم) ارتباط دارد او با خدای طوفان (ماروت‌ها) هم‌پیمان است و از اینرو او را ماروت‌وت (Marutvat) لقب داده‌اند. گاهی هم با ورونا، و وایو و پوشان، و بریمه‌سپتی و ویشنو پیوند دارد.

اندرا نخست رئیس خدایان آسمان شناخته نمی‌شد، اما چون غالب اعمالش بسود قوم آریایی بود، از اینرو بیشتر از سایر خدایان در ریگ‌ودا به او سرود خطاب گردیده و در نتیجه مقامش

از مقام ورونا بالاتر تصور شده.

در افسانه‌های جدیدتر (بعد از دوره ودایی)، اندرا زیر دست خدایان سه‌گانه یعنی: برهما، ویشنو و شیوا قرار داده شد، اما ریاست او بر سایر خدایان همچنان در افکار مردم عصر بعد باقی بود. او را سلطان ناحیه خاوری، و یکی از «آدیتیه»ها نیز برمی‌شمارند. در مکتب فلسفی «ویدانت» (Vedānta) او را با وجود اعلی یکی پنداشته‌اند.

این نکته لازم بتوضیح است که در ریگ‌ودا هرچند اندرا یکی از خدایان مهم دوره ودایی است، لیکن خدای خلق نشده نیست، و چنانکه در پیش گذشت از مادر بطور اریب زاده شد و مادرش را با کشتن پدر بیوه کرد.

در داستانی آمده که «خدای نیرومندی او را بوجود آورد، و زن قهرمانی ویرا زایید». در افسانه دیگری او پسر برگزیده و محبوب ادیتی (Aditī) است و اصلاً برهنه زاده بود، و در اثر جنگهای قهرمانی بمقام الوهیت رسید. بنابر افسانه‌ای وقتی که دیو پانی (Pāni) یا وله (Vala) گاوهای خدایان را دزدید، اندرا عفریت مذکور را کشت و گاوان خدایان را بازگرفت، و به صاحبانش داد و از اینرو «وله‌بهد» (Vala-bhid = کشنده دیو وله) لقب یافت. در نوشته‌های دوره‌های بعد او را غالباً بصورت خراب‌کننده شهرهای سنگی اسوراها یا دیوان جوی، و داسیوها یا ساکنان نخستین هندوستان تصور کرده‌اند.

در تثلیثی از خدایان هندو که «اگنی»، و «وایو» و «سوریا» باشد، اندرا بالاتر از سایر خدایان شناخته شده و جای وایو را گرفته است. او در بعضی از قسمت‌های ریگ‌ودا بسیار عالی و باشکوه جلوه داده شده ولی در پاره‌ای از قطعات همین سرودها بطور خودمانی از او سخن بمیان آمده و میل زیادش بشیره سوما شرح داده شده است.

در اساطیر جدیدتر اندرا از مرتبه اول بمرتبه دوم تنزل می‌کند. قلمرو او جو و ناحیه شرق است. و بر سورگ (Svarga) که آسمان خدایان و بهشت ثوابکاران است، و دارای جلال و شکوه خاصی میباشد، فرمانروایی می‌کند. هنوز هم بیشتر صفات سابق

را به او نسبت می‌دهند، از آنمیان ویرا فرستنده برق و صاعقه می‌پندارند و قوس و قزح را کمانش میدانند و پیوسته با «اسورا»ها در جنگ است. او خدای آسمان سوم (Tridasesvara) و مالک و دارنده باران است.

بنا بر اساطیر بعدی وقتی اندرا عفریت «وریترا» را کشت، چون آن عفریت از ذات براهمن یعنی طبقه روحانی بود، اندرا ناگزیر شد مدت‌ها پنهان گردد و قربانی کند تا گناهش پاک شود. در منظومه «مهابهارت» (Mahābhārata) اشتیاق اندرا به افسره سوما بیان و شهوتش تا حد هوسرانی توصیف گردیده و حتی اعمال قبیح به او نسبت داده شده است، ولی موجب ارتکاب این اعمال را عکس‌العمل عشق‌ورزی «نهوشه» (Nahusha) شاه که میکوشید «اندرانی» را در غیبت اندرا به دست آورد، دانسته‌اند. همچنین در مهابهارت آمده که چون اندرا سعی داشت با «اهلیا» (Ahalyā) همسر گوتم (Gotama) عارف و ریشی دوره ودایی نزدیکی کند، و گوتم او را نفرین کرد هزار علامت به شکل فرج زن بر بدنش نمودار شد و از اینرو «سیونی» (Sa - yoni) نام گرفت، اما بعداً این علامات تبدیل به چشم شد و او را «نتریونی» (Netra - Yoni) یا «سپسراکشه» (Sahasrāksha = هزارچشم) خواندند.

در حماسه: «راماین» (Rāmāyana) آمده که «راون» (Rāvaṇa) پادشاه: «لنکا» (Laṅkā) یا «سیلان» با اندرا به جنگ پرداخت، و او را در آسمانش مغلوب ساخت، و اندرا به اسارت پسر «راون» درآمد، و ویرا به «لنکا» برد، و از این جهت اندراجیت (Indra-Jit = مغلوب‌کننده اندرا) لقب یافت. پس از آن «برهما» و دیگر خدایان برای آزادی اندرا به مذاکره پرداختند و در ازای آزادی او، به مغلوب‌کننده اندرا نعمت حیات جاودانی عطا فرمودند. برهما به پادشاه شرمسار (اندرا) گفت: شکست تو بادافره و مکافات فریب‌دادن و نزدیکی با «اهلیا» میباشد.

در تیتریه براهمن (Taittiriya Brāhmaṇa) آمده که خدای اندرا الهه «اندرانی» را بواسطه بدن شهوت‌انگیزش بر دیگر الهه‌ها برتری میداد. در مراجع بعدی گفته شده است که اندرا الهه

اندرانی را ربود، و پدرش را کشت تا از نفرین او در امان باشد. در بعضی اساطیر اندرا پدر «ارجن» (Arjuna) خوانده شده و اوست که «کرنه» (Karna) را فریب داد و زره خدایی ویرا ربود و در عوض زوبینی که دارای اثر مهلکی بود، به او داد. طبیعت شهوت‌ران اندرا چنین توصیف شده که دختران آسمانی را میفرستاد تا شهوت مردمان مقدس را تحریک کنند، و آنها را از راه راستی و پاکی و تقوی منحرف سازند.

در «پورانها» (Purāṇas) افسانه‌های چندی از او نقل شده، به ویژه اندرا رقیب کریشنه (کرشن = Kṛṣṇa) توصیف گردیده و چنین حکایت کرده‌اند که چون حکیم «دور و اچش» (Durvasas) زودخشم زود رنج یک گردن‌بند گلی (طوق گلی) به او بخشید، و آنرا بی‌ارزش شمرد، نفرینش کرد که تمام کشور و قلمرو حکومتش دستخوش خرابی شود، و در نتیجه قلمرو او به دست «دایتیها» (Daityas) و متحدین آنها افتاد، و چنان زبون و مظلوم شد که خدایی که به صدقربانی معروف بود، ناگزیر شد برای اندکی کره قربانی دست‌گدایی دراز کند؛ ولی سرانجام غلبه‌کنندگان بر او نیز چون در اثر ستم و تکبر و نخوت تکالیف خود را فراموش کردند، اندرا دوباره بردشمنان‌چیره‌شد و بر ایشان غالب آمد و کشور خویش را پس گرفت.

بنابر افسانه‌های تازه‌تر مردم صحرائشین اندرا را پرستش میکردند، ولی کرشنه آنها را از پرستش وی بازمیداشت، از اینرو اندرا باران سیل‌آسایی فرستاد تا آنها را نیست و نابود کند؛ اما کرشنه، کوه «گووردهن» (Govardhana) را با سر انگشت خود بلند کرد، و آنها را پناه داد و هفت شبانه‌روز کوه را مانند چتر بالای سر همچنان نگاه داشت تا اندرا به‌عجز آمد و کرشنه را تواضع کرد. باز هنگامی که کرشنه برای دیدن آسمان اندرا (= سورگ) رفت، و خواست درخت: «پاریجات» (Parijata) را ببرد، اندرا آشفته شد، و جنگ سختی میان آن دو در گرفت که در نتیجه اندرا مغلوب شد، و کرشنه درخت را برید و برد. بدین ترتیب می‌بینیم که رفته رفته در دوره‌های بعدی قدرت اندرا کاهش می‌یابد و در جنگ‌ها و نزاع‌هایی که بنا بر اساطیر میان او و کرشنه - یکی

از مظاهر معروف «ویشنو» - بوقوع پیوست، کریشنه بر اندرا چیره شد و ناچار اندرا او را تواضع کرد.

بنابر پورناها، اندرا زادوولد (نسل) «دیتی» (Diti) را خراب کرد، و از آن ماروت‌ها را بوجود آورد، و همچنین با صاعقه خویش بال و پر کوه‌ها را قطع کرد تا موجب آزار نگردند. اندرا را بصورت مرد زیبایی که بر اسب یا فیلی سوار است، و صاعقه‌ای در دست دارد، تصویر میکنند. پسرش جینت (Jayanta) نام دارد. امروز هندوان اندرا را مستقیماً نمی‌پرستند، اما گاه‌گاه او را ستایش میکنند و جشنی بنامش برپا میدارند که «شکره دهوجوت تمهان» (Sakra Dhvajot thāna) خوانده میشود.

اندرا نامهای بسیار دارد، از آن میانهاست: «مهندر» (Mahendra = اندرای بزرگ)، و «شکره» (Sakra = نیرومند)، و مگهوان (Maghavān = توانا، بخشنده، ثروتمند)، و «ریبهوکش» (Ribhuksha = آسمان‌اندرا، حربه یا صاعقه‌اندرا)، و «واسوه» (Vāsava = مربوط یا وابسته به اندرا یا واسو)، و «ارهه» (Arha = شایسته)، و «دتیته» (Datteya = بخشنده).

لقاب او نیز کثیر است، از آن جمله است:

«وریتراهن» (Vritra - han = کشنده و ریترا)، و «وجرپانی» (Vajra - Pani = صاعقه دست)، و «مگه واهنه» (Megha - Vāhana = ابرسوار)، و «پاکه‌شاسن» (Paka - Śāsana = مغلوب‌کننده پاکه)، و «شت‌کرتو» (Sata - Kratu = صد قربانی)، و «دیوپتی» (Deva - Pati) یا «سورا دهیپه» (Surā - Bhipa = رئیس خدایان)، و «دیوادهیپه» (Devadhīpa = پادشاه خدایان)، و «تری لوکناتمه» (Trilokanātha = نگهبان سه عالم)، «دیوس پتی» (Divas - Pati = پادشاه آسمان یا اتمسفر)، و «ماروت‌وان» (Marutvan = خداوند باد و طوفان)، و «سورگت پتی» (Svarga - Pati = خداوند بهشت)، و «جیشنو» (Jishnu = پیشوای ساکنان آسمان)، و «پورن در» (Puran - dara = خراب‌کننده شهرها)، و «اولوکه» (Ulūka = جغد)، و «اوگردهن‌ون» (Ugradhanvan = کماندار مهیب)، آسمان اندرا، «سورگت» خوانده میشود که پایتختش: «امراوتی» (Amarāvati) است.

قصر یا مقامش: «وی جینت» (Vaijayant)، و باغش: «نندن»

(Nandana)، و «کنده سار» (Kandasara) یا «پاروشیه» (Pārushya) نام دارد.

فیل سواریش «ایروات» (Airavāta)، و اسبش «اوچچیه سروس» (Uchchaih - sravas)، و کمانش «شکره دهنو» (Sakra - dhanus = قوس و قزح)، و شمشیرش: «پرنجه» (Paran - ja)، و ارابه رانش «سوته» (Suta) و (Matali)، و ارابه اش: «ویمان» (Vi - māna) یا «جیتره رتمه» (Jaitra ratha = ارابه پیروزی) و یا «مهندرواهه» (Māhendravāha) خوانده میشود.

۲- **اگنی** AGNI (آتش): اگنی (خدای آتش) در ریگ ودا، از خدایان طراز اول میباشد. در ریگ ودا در حدود ۲۰۰ سرود خطاب به اوست و از این حیث پس از اندرا در مرتبه دوم قرار دارد. اگنی یکی از سه خدای اصلی یعنی: اگنی، و وایو (یا اندرا) و سوریامی باشد که بنا بر اساطیر هندو به ترتیب یکی حاکم بر زمین، و دو دیگر حاکم بر جو و سدیگر حاکم بر آسمان است، و هر سه تقریباً از حیث مقام و رتبه باهم برابرند.

بنا بر ادب هندو، اگنی واسطه میان انسان و خدایان دیگر توصیف شده، او حامی آدمی و حافظ خانواده و ناظر بر اعمال و مراسم میباشد و بدین لحاظ در مواقع و مراسم رسمی او را خدای آتش میخواندند. آتش وسیله انتقال قربانی است و نذور و قربانی‌ها را به خدایان دیگر میرساند. علاوه بر اگنی باد و خاک و آب هم گاهی عامل این انتقال قرار می‌گیرند.

در دوره‌های بعد از عصر ودایی اگنی را با هفت زبان که هر زبان نام ویژه‌ی دارد برای لیسیدن روغن قربانی تصویر کرده‌اند. زبان‌های (شعله) هفت‌گانه آتش عبارتند از:

- ۱- «کالی» (Kāli = سیاه یا آبی سیاه‌رنگ) ۲- «کرالی» (Karali = وحشتناک) ۳- «منوجوا» (Mano - Java = سرعت فکر یا سرعت انتقال) ۴- «سلوهیتا» (Sulohita = قرمز رنگ) ۵- «سدهومورنا» (Sadhumra - Varna) یا «سدهومرا» (Sadhumra = احاطه شده یا پوشیده شده از دود) ۶- «سپهولینگین» (Sphulingin = جرقه) ۷- «وشو روچی» (Visva - ruci = تمام درخشان).
- برای قربانی، و اهدای نذور سه آتش به اسامی زیر برمی-

افروختند:

۱- گارهپتیه (Gārhapatya) (با واژه اگنی): آتش مقدس خانواده است که بزرگ خاندان آنرا نگاهداری میکرد، و محافظت این آتش برای هر خانواده ضرورت داشت.

۲- آهوانیه (Āhavanīya) (آتش خاوری): آتش مقدسی است که از آتش جاوید کانون خانواده برداشته میشد تا نذر و نیاز را در آن بسوزانند.

۳- دکشینا (Daksinā) (دکشیناگنی، Dakṣināgni): سومین آتش جاوید خانواده است که به سوی جنوب روشن میکردند.

آتش یکی از قدیمیترین عناصر مورد پرستش و مقدس‌ترین عنصر در مذهب هند و ایرانی در قدیم بشمار میرفته و دارای سه مظهر بوده است: در آسمان بصورت خورشید و در جو بصورت آذرخش (برق)، و در زمین بصورت آتش معمولی.

آتش حافظ بخش جنوب خاوری جهان، و یکی از هشت نگاهبانان (لوکپالان Loka-Pālas) عالم توصیف شده است. کشور او: «پورجیوتیس» (Pura-Jyotis) خوانده میشود.

اگنی را غالباً بصورت زشت و بهمان صورت موجوداتی که آنها را می‌بلعد، تصویر کرده‌اند. او دو دندان آهنین خود را تیز میکند و دشمنان خویش را در دهان میگذارد و فرو میبرد. او نوک تیرهای خود را داغ میکند و به قلب راکشس‌ها پرتاب مینماید. در افسانه‌ها اگنی را پسر انگیرس و پادشاه «پیتری»ها (Pitris) (ارواح نیاگان = Manes) و بصورت یکی از ماروت‌ها بعنوان نوه «ساندیلا» (Sandila) و همچنین یکی از هفت دانشمند (ریشی) که در زمان پادشاهی مانوی چهارم میزیسته است، و نیز بصورت ستاره‌ای درخشان توصیف و تصویر کرده‌اند.

در حماسه مهابهارت، اگنی بصورتی توصیف شده که در اثر بلعیدن نذر زیاد، نیروی خود را از دست داده و مایل است که تمام جنگل «کهاندوا» (Khāndava) را نیز بخورد تا نیروی خویش را بازیابد، و اندرا مانع وی میشود، اما با کمک «کرشنه» و «ارجون» اندرا را می‌فریبد و مقصودش را انجام میدهد.

در «ویشنو پوران» (ویشنو پورانا، Visnu - Purana)، اگنی

«ابهی مانی» (Abhimāni) و پسر ارشد برهما نامیده شده است. بنا بر افسانه‌ها، اگنی مانند دیگرخدایان هندو، دارای همسر و فرزند است. از «سواها» (Svāhā) همسر خود سه پسر پیدا کرد، یکی به نام «پاوک» (Pāvaka = آتش و خدای آتش) و دودیگر «پومانه» (Pavamāna)، و سدیگر «سوچی» (Suci) و هر یک از این پسران دارای پانزده پسر شدند و بدین حساب اگنی و پسران و نوادگانش مجموعاً بالغ بر ۴۹ تن شدند که همان آتش‌هایی است که در «وایوپوران» مشخص گردیده است.

در «هری ونشه» لباس اگنی سیاه، پرچم و طیلسانش دود، و نیزه‌اش شعله توصیف شده است. اگنی دارای چهار دست است و بر ارا به‌ای که اسبهای قرمز آنرا میکشند و بادهای هفتگانه چرخهای آنست، سوار و همیشه قوچی همراهش میباشد، و گاهی بر آن گوسفند سوار می‌شود.

نام‌ها و القاب اگنی زیاد، و از آن میان است: «وهنی» (Vahni = برنده نذور) «انل» (Anala = آرام کننده)، «پاوک» (Pāvaka = روشن یا درخشان)، «وشوانر» (Vaiśvānara = پسر و شوانر) «خورشید»، «ابجاست» (Abja-hasta = نیلوفر دست)، «دهومکتو» (Dhūma-ketu = دود نشان)، «هوتاس» (Hutāsa) یا «هوت بهوج» (Huta-bhuj = بلع‌کننده یا فروبرنده نذور)، «سوچی» (Suci یا Sukra = درخشان) «روهیتاشوه» (Rohitāśva = دارای اسبان سرخ)، «چهاگ رته» (Chhāga-Ratha = قوچ سوار)، «تومر دهر» (Tomara-dhara = نیزه‌دار)، «جات ویداس» (Jāta Vedās = داننده و فهمنده همه عالم یا داننده آفرینش همه موجودات)، «سپت جیوه» (Sapta - Jihva = هفت زبان).

در نظر هندوان عصر ودایی اندرا و اگنی دو خدای غلبه‌ناپذیر سزاوار شهرتند که در مواقع آشوب و غوغا ارتباط نزدیک با یکدیگر داشتند.

آن دو، خداوند پنج‌مردم یعنی پنج طایفه آریایی بشمار آمده‌اند و قدرت آنها بسیار است. برقی که از اسلحه آن دو نیرومند می‌جهد، شکافنده است. آنها خداوندان نعمت زودرس‌اند و مهین دوستداران سرود ودا می‌باشند. آن دو خدای لایق و فاقد حيله و

تزویند و روز به روز فزونی می‌بخشند، و پرستنده، آن دو خدا را برای حفظ و حراست اسب خود تجلیل می‌کند. نذر نیروبخش به اندرا و اگنی تقدیم می‌شود. آنها به شاهان آریایی نژاد شهرت عطا می‌فرمایند، و به کسانی که ستایش ایشان را می‌سرایند ثروت می‌بخشند و به آنان که آنها را ستایش می‌کنند روزی می‌دهند (ماندالای پنجم ۵/۸۶).

اگنی سرپرست والای قربانی، و الهی و انجام‌دهنده مراسم است، نذور را به خدایان می‌دهد و دارنده ثروت وافر است. او درخور تعظیم ریشی‌های قدیم و جدید است و خدایان را به قربانگاه می‌آورد. پرستنده را نعمتی می‌بخشد که روز به روز در افزایش است. او سرچشمه شهرت و زیادکننده نوع بشر می‌باشد. قربانی را به خدایان می‌رساند. اگنی حق و الهی و مشهور است. هر نیکی که به تقدیم‌کننده نذور برساند انگرس‌ها به او برمی‌گردانند. پرستندگان با تواضع آمیخته به احترام هر بامداد و شامگاه به اگنی تقرب می‌جویند. او خدای رخشنده، و آشکارکننده پابرجای حقیقت است و حافظ قربانی در منزلگاه خود. او به آسانی نزدیک می‌آید، همانگونه که پدر به پسر نزدیک می‌شود (۱/۱).

همانگونه که حیوانات وحشی با دندان‌های خود گیاهان را از میان برمی‌دارند، شعله‌های سرکش اگنی، جنگل‌ها را نابود می‌کند. اگنی بصورت آتش‌های دودزای معدوم‌کننده سوار بر باد در همه جوانب فلک پراکنده می‌شود. آتش‌هایی که هر یک جداگانه برافروخته شده است، یسان نشانه‌های سپیده‌دم بنظر می‌آیند. هنگامی که «جات ویداس» بجنبش درمی‌آید و در زمین منتشر می‌شود غبار سیاه از قدم‌هایش برمی‌خیزد. اگنی گیاهان را طعمه خویش می‌سازد، و آنها را می‌بلعد و هرگز سیر نمی‌شود. درختان را با زبان خود خم می‌کند و با جلال می‌درخشد و جنگل‌ها را روشن می‌سازد. مقامش در آب‌هاست. او به گیاهان می‌چسبد و جرثومه آنها می‌شود و دوباره تولد می‌یابد. چون به او روغن نذر تقدیم شود شعله‌ورتر و درخشانتر می‌گردد. او بخشنده آرزوها، و خورنده گاو، و مغز استخوان است. خدایان را احضار

می‌کند و انجام‌دهنده مراسم مقدس است. پرستندگان با نذور و هیزم از او التماس دارند. «بهرگو» و «انگرس» ها و مانو او را پرستش می‌کردند.

اگنی به تقدیم‌کننده پاکدامن نذر، ثروت بی‌پایان و روزی و فرزند نرینه عطا می‌فرماید. او خداوند اسبان سرخ قام و انجام دهنده مراسم پاك است.

همانگونه که گاوان به گاوخانه (= آغل) خویش می‌شتابند تا گوساله‌های تشنه خود را شیر دهند، ستایش‌های سراینده به سوی او می‌شتابند. سرور انگرس‌ها می‌باشد، و همه مردم برای نیل به آرزوهای خویش به او رو می‌آورند. دانایان و خردمندان، و هوشیاران با قربانی اگنی را خشنود می‌سازند تا به روزی خود برسند. او نیرومند و حامل نذور و احضارکننده خدایان است. به همه مردم در همه جا یکسان می‌نگرد. چون روغن بدو تقدیم شود به روشنایی می‌تابد و ستایش‌ها و دعاها را می‌شنود، و دشمنان را از میان برمی‌دارد. پادشاه مردم، و شگفت‌آمیز، و سرور اعمال مقدس، و شریف و قوی و خیر است. بدخواهان را هلاک می‌سازد، و دشمنان را دور می‌کند و در همه جا راکشس‌ها را از میان برمی‌دارد. در آسمان و آب‌ها تولد یافته و در اثر نیرو پدیدار شده است. او نزد بسیاری از مردم گرامی می‌باشد، و با درخشندگی پاك کننده در قربانی قرار دارد. چون خورشید طالع می‌درخشد و قدرت خود را بوسیله اشعه خویش می‌نمایاند و ظلمت را معدوم می‌سازد، ثروت دلخواه در بخشش اوست، و هرگز زوال نمی‌پذیرد (ماندالای ۸/۳۴).

اگنی شعله بزرگ سنن و مراسم است، بی‌او موجودات ابدی فرح و انبساط ندارند. با اراپه خود با دیگر خدایان می‌آید و می‌نشیند. او اولین پیشوای مذهبی است. اگنی خدای چالاک و سریعی است که آدمی به او نذور تقدیم می‌دارد و به درگاهش التجا می‌جوید، و واسطه میان آدمیان و خدایان است. با سایر خدایان بر روی علف مقدس می‌نشیند. به مردمی که او را ستایش کنند، ثروت می‌بخشد. همانگونه که مانو قربانی کرد، او قربانی می‌کند. اگنی پرستنده را از بدگویی بدان‌دیشان در پناه خود

قرار می‌دهد. او با آیین و مناسک مذهبی پادشاهی می‌کند و بر همه مراسم اهدای نذور حکومت می‌نماید. او واسطه رسانیدن قربانی به سایر خدایان است و خدایان را در این مراسم فرا می‌خواند و قربانی را در آسمان به آنها می‌رساند، و پرستنده را در پناه و برکت خود قرار می‌دهد (۸/۱۱). اگنی باران رحمت است. او خداوندی است که با همه آفریدگان می‌آمیزد و از جای پای «ایلا» (Ila) شعله‌ور گشته است.

او با خدایان دیگر ملاقات می‌کند، و با هم گفت‌وگوی می‌دارند، و افکارشان با یکدیگر هم‌آهنگ است، همانگونه که خدایان باستانی با یکدیگر سهم خود را از قربانی قبول می‌کردند، اگنی نیز قربانی‌ها را می‌پذیرد و سهم خدایان را می‌رساند (۱۰/۱۹۱).

اگنی جوانترین خدایان در منزلگاه خویش تابان است و می‌درخشد. در میان زمین و آسمان شگفت‌وار شعله‌ور است و چون با خلوص خوانده شود، به همه نزدیک می‌گردد. عظمت، و بزرگیش بر همه بدها غلبه دارد، و در حجره قربانی مانند «جات ویداس» مورد ستایش است. او با نذور روان (سیال) تجلیل می‌شود، و پرستنده را از گناه و سرزنش حفظ می‌کند. او وارونا، و میترا می‌باشد. «وسیشث» (Vasiṣṭhas) ها او را بیشتر ستایش می‌کنند. ثروتی که در اگنی نهان است، سخاوتمندانه توزیع می‌شود و پرستندگان را برکت می‌بخشد (۷/۱۲).

آتش بزرگ در آغاز سپیده دم برمی‌خیزد، و از تاریکی با رخسندگی بیرون می‌تازد. اگنی فروزان تن به محض تولد، همه منزلگاه‌ها را با نور تابنده خود پر می‌سازد. چون زاده شد جرثومه آسمان و زمین شد، در گیاهان جای گرفت، رنگارنگ شد، کودکانه شد، سیاهی شب را پراکنده کرد، و با غرش بلند از سرچشمه‌های مادری بیرون آمد. او روحانی خوانده شده خانه‌ها و مردم است. غذا را فزونی می‌بخشد. اگنی روحانی مراسم مقدس است و با هر یک از خدایان در قدرت و جلال شریک می‌باشد. لباسهای فاخر به تن دارد، او در ناف زمین جای دارد. همانگونه که پسر پدر و مادر خود را نگاه می‌دارد، او زمین و آسمان را نگاه می‌دارد. فرزند

نیرو است و خدایان را نزد کسانی که مشتاق او هستند می‌آورد
(۱/۱۰).

اگنی گاو همهٔ مردم است، و پرستندگان را از دشمنان محفو
می‌دارد. او از مسافت دور از میان نواحی پایر به روشنی می‌درخشد.
آن گاونر با شعله‌های درخشان و برافروختهٔ خویش، راکشس‌ها
را می‌سوزاند. به همهٔ موجودات می‌نگرد، و با نظر خود بر همهٔ
آنها واقف است. وی در دورترین ناحیهٔ جو زاده شده است
(۱۰/۱۸۷).

اگنی همه‌دان، و احضار کنندهٔ خدایان، و حامل پیشکش‌ها،
و محبوب عدهٔ زیادی است. بعنوان فرستادهٔ بشر آنها را که مایل
به تقدیم نذورهستند پیدار می‌کند. او در روی علف مقدس^۱ پهلوی
خدایان می‌نشیند. با تقدیمی‌های پاک‌کننده خوانده می‌شود. او
با بدخواهان که مردم را مقید می‌سازند، مخالفت می‌ورزد و آنها
را می‌سوزاند. آتش با آتش روشن می‌شود. دهانش نذرها را
می‌پذیرد. قانون هستی او حقیقت است، با بحر و آهنگ گایتیری
تازه پرستش می‌شود و برکت و نیروی پر از قدرت قهرمانی
می‌آورد (۱/۱۲).

اگنی سرور جمعیت‌های بسیار، و سرور خانه، و روحانی
شادی‌بخش است. مردم او را چون فزایندهٔ نیرو در خود نگاه
می‌دارند. او حقیقت وجود است، او حافظ دارایی پرستندگان
می‌باشد. خدایان حتی ورونا و میترا، و اریمن، او را برمی-
افروزند. او پیامبر باستانی است. در وجود اگنی تمام قوانین
پابرجای عمل که خدایان بوجود آورده‌اند، جمع می‌شود. او نذور
را با فکر کامل و نیروی تمام به خدایان می‌دهد.

الوهیت را آشکار می‌سازد. دودش قرمز و در همه‌جای هویدا است.
او بوجود خویش ثابت است. فعالیت در خدایان از اگنی است. مقام
بلند دارد. با ضربات شکننده تمام نیروی ناخوش‌آیند را پراکنده
می‌سازد. او به «کنوه» قدرت قهرمانی و برکت بخشید، و
«مدهاتیتھی»، و «اوپاستوته» را برای پیروزی یاری نمود. مانو

۱- علف‌های مقدس معمولاً عبارتند از: «کوش» (Kosā) و «درببه» (Darbha) و «ورهی»
(Varhi) که زمین قربانی را بدانها مفروش می‌کنند و روی آنها می‌نشینند.

او را همچون نوری برای نوع بشر برقرار کرده است. زاده شده از قانون، و مددگرفته از روغن است (۱ / ۳۶).

خدایان اگنی را در مساکن آدمیان قرار داده‌اند، همان‌گونه که خورشید شگفت‌آور درخشان را بر آن داشته‌اند تا شکل او را بخود بگیرد. مردم و اشیاء بسیاری را در شعله‌های خویش می‌سوزاند، و در آب در ناحیه وسطی می‌درخشد. باد همه روز از میان شعله او بسان تیری که از چله کمان تیرانداز رها شده باشد، می‌گذرد. تاریکی کوه، جلالش را سرکوب نمی‌کند (۱ / ۱۴۸). اگنی بهترین کشنده و ریترا است (۱ / ۷۸). اگنی داننده آفرینش است. او سرور سلطنت عالی و خداوند نیرو و ثروت عظیم است. هر که او را شامگاه و بامداد پگاه برافروزد، کامگار و توانگر می‌شود، و دشمنان خویش را هلاک می‌سازد. او خدای قائم به نفس، و پرناست، و از همه خدایان جوانتر می‌باشد. اگنی به کسی که وی را ستایش کند، گنج می‌بخشد. اگنی خطاکارانی را که از روی بلاهت مرتکب گناهی شده‌اند، در حضور ادیتی از گناه پاک می‌سازد، و از تقصیرات آنها درمی‌گذرد. اگنی پیشرو، و خیر است، و پیام خویش را به همه جا می‌رساند، و به اعماق زوایای آسمان آشناست. او که خودش خدا است، می‌داند چگونه خدایان دیگر را به خانه راستکار، رهبری و هدایت نماید. هر که اگنی را با احترام خدمت کند، در توانگری و اعمال قهرمانی مشهور و پیروز شود. اگنی در آتش قربانی چون خداوند خانه یا مانند پراهمن جلوس می‌کند، او تقدیمی‌های مردم را به آسمان می‌برد. او بسان رهبر گروهی که قربانی را برپا می‌دارد، می‌آید (۹ / ۴). او با هیزم پرستش می‌شود. خدایان اگنی زیبا را در میان آبهای رودخانه‌های جاری پیدا کردند. تولد اگنی هوشمند و پاک و قوی و مهربان به آسمان و زمین، شادی بخشیده است. هفت رودخانه بزرگ آن هنگام که اگنی مبارک و پاک و درخشان زاده شد، بر نیروی او افزودند. همان‌گونه که مادیان‌ها از کره نوزاد خویش مواظبت و پرستاری می‌کنند، خدایان بدن اگنی را گاه تولد پرورش دادند. او هنگام تولد پستان مادر را می‌شناخت.

هفت رودخانه جاویدان همیشه جوان که زادگان وسیع

فلک‌اند، اگنی را چون جرثومهٔ مشترک خود به دست آوردند. او با اندام فروزان در فلک گسترده شده‌است و مراسم قربانی را با هوشمندی و نیروهای پاک‌کنندهٔ مقدس برپا می‌سازد و شعاری از نور دارد. اشعهٔ او که در مشیمهٔ آب‌ها مجتمع شده‌اند، به اطراف پراکنده می‌گردند. او فرزند نیرو است و همه نگاهدار او هستند و با اشعهٔ فروزان و سریع خود می‌درخشد.

او حامی جنگاوران و شکست‌ناپذیر و بر همه پیدا است. خدایان با احترام به او نزدیک شدند، و چون زاده شد اگنی قابل ستایش و نیرومند را عبادت کردند.

خورشیدهای نیرومند، همچون برق‌های درخشنده با اگنی فروزان بزرگ در منزلگاه غار مانند خود همکاری می‌کنند و آب حیات را در دریای وسیع بیکران می‌نوشند. او خوانندهٔ ستودهٔ خدایان است. همهٔ مراسم مقدس را می‌شناسد، و با آرامش و وقار در میان موجودات فناپذیر منزل دارد، و چون ارا به‌رانی، خدایان را دنبال می‌کند.

او موجود جاویدان است که در منزلگاه فناپذیران نشسته است و قربانی‌های آنان را برپا می‌دارد. دانا بر همهٔ مراسم مقدس می‌باشد، و وقتی با کرهٔ صاف تغذیه شود، حجمش فزونی می‌یابد و می‌درخشد. او بزرگ و در همه‌جا حاضر است و در عین حال که جوان و زیباست، باستانی نیز می‌باشد. او به پرستندگان خود پسر می‌بخشد و اخلاف آنها را زیاد می‌کند. او «جات ویداس» زوال‌ناپذیر است که در هر تولد در میان مردم مستقر می‌شود (۳ / ۱). او با هیزم مردم بیدار می‌شود تا سپیده دم را که مانند گاوی شیرده می‌آید، ملاقات کند. اگنی بسان درختان جوان که شاخه‌های بلند خویش را برمی‌افرازند، شعله‌های او بطرف گنبد افلاک برمی‌خیزد. همانگونه که همهٔ چشم‌ها به سوی سوریه است، ارواح پاکان به سوی اگنی متوجه می‌باشد. ندور را با زبان منبسط خود می‌خورد و می‌نوشد.

اگنی با شیر خالص تدهین شده است. اگنی گاه بصورت آفتاب مورد پرستش واقع می‌گردد. او دوست خانواده، شگفت‌آور، و قابل ستایش، و درخشان، و مهربان، و مهمان مردم، و عزیز

خلق، و جوانترین خدایان است^۱. او را مردم مانند میترا با مدایح خویش در بالاترین مقام جای داده‌اند. اگنی ندور را مستقیماً به خدایان دیگر می‌رساند، و مانند «بهگه» (Bhaga) – خدای نعمت و برکت – نعمت و برکت خویش را می‌بخشد. همه چیز بسته به ستایش و دوستی آن خدای دولت‌مند شعله‌ور است. آسمان و زمین در شهرت و افتخار از این فرد جوان پیشی نگرفته‌اند (۵/۱۶). او نزدیکترین دوست، و رهانندهٔ مهربان و رفیق‌رؤف است. اگنی والاتبار نزدیک می‌شود، ثروتی که به نیکویی مشهور است، عطا می‌کند. به خواهش‌ها گوش فرامی‌دهد و سخن پرستندگان را می‌شنود و آنها را از آدم گناهکار دور می‌سازد. او خدای منیر و رخشانتر از همه است (۵/۲۴). اگنی و اندرا با هم ارتباط دارند. آنها مردم آریایی را در جنگ‌ها یاری می‌کنند تا راه خود را به سوی ثروتی که با نیرومندی حفظ می‌شود، باز نمایند – همان‌گونه که «تریته» راه خویش را از میان نی‌زار باز می‌کند. او را سه منزل یا سه مقام «تریشدهسته» (Trisadhastha) است، بهمین جهت اگنی «تری‌پستی» (Tripastya) (دارای سه منزل یا سه مسکن) خوانده شده است. اگنی رئیس خدایانی می‌باشد که مقام آنها در زمین است. صورتش زیبا و زبانش شیرین، و زلفانش مجعد، و فك‌هایش تیز و سوزنده و دندان‌هایش طلایی و درخشان توصیف گردیده است. او با دندان‌های خود می‌تواند حتی آهن را بچود. در ودا یک‌جا بی‌سر و پا خوانده شده ولی در جای دیگر دارای سر آتشین است، و در قطعه‌ای هم سه سر و هفت شعاع دارد. روی او به هرسویی است. او دارای سه زبان یا هفت زبان است. روغن یا کره چشم اگنی است. او یک‌جا چهار چشم، و جای دیگر هزار چشم و هزار شاخ وصف شده است. در دست‌هایش هدایا و ندور زیادی است که پرستندگان به او تقدیم داشته‌اند. چهارپایان، اگنی را دوست دارند. او گاهی به گاو نر یا به گاو نر نیرومند که گردنی بس کلفت دارد همانند شده و گاهی هم او را به اسب تشبیه کرده‌اند.

۱- ستایش و احترام به آتش از خصوصیات آریایی‌های هند و ایرانی در عهد باستان است.

او مثل آفتاب طلائی است. وقتی زبانه می‌کشد بمشابه تبر می‌باشد. او همچون ارا به‌یی است که ثروت می‌آورد، و در جنگ به‌کار می‌رود. هیزم یا روغن غذایش است. در جای دیگر غذای اصلی او روغنی توصیف شده که در دهانش ریخته می‌شود و می‌خورد. با دندانهای تیز خود هیزم را می‌جود و می‌خورد و با زبان خویش جنگل‌ها را می‌سوزاند و نابود می‌کند. در روز سه‌بار غذا می‌خورد. گاهی اگنی را زبان و دهان خدایان دیگر تعبیر کرده‌اند و گفته‌اند که خدایان بوسیله‌ او غذای خود می‌خورند. زبان‌هایش را به قاشق تشبیه کرده‌اند که صاف و درخشانند. در قطعه‌ای از ودا آمده که زبان‌های اگنی مانند دریاست و صدایش بسان باد یا تندر می‌باشد. او در درختندگی بسان خورشید است. او همچون آفتاب صبح تابانست یا مثل برقی است که از ابرها می‌جهد. اگنی مانند خورشید با شعاع‌های خویش تاریکی را دور می‌سازد. او در تاریکی شب هم می‌بیند و چون روشن می‌شود درهای تاریکی بسته می‌شود. او تنها خدایی است که هر بامداد پگاه بیدار است. اگنی مثل گاو نر وقتی که درختان جنگل را هدف قرار می‌دهد، هجوم می‌آورد و از غوغایش پرندگان بیم‌دارند و چون شعله سوزانش زبانه کشد فرار می‌کنند. هیچ‌کس مگر ماروت‌ها نمی‌توانند او را نگاهدارد. دود قرمز رنگش به‌سوی آسمان می‌رود و سراسر آسمان را فرا می‌گیرد و با دود خود مثل ستون آسمان را نگاه می‌دارد.

او گاهی روحانی «ادهورج» (Adhvaryu) و دوست «بریهسپتی» (Bṛihaspati)، و سوما و اندرا و گاهی برهمن (Brahman) (۴/۹) خوانده شده است. او پایان‌دهنده مراسم قربانی است (۲۷، ۳/۳). اندرا جنگاور بزرگ و اگنی روحانی بزرگ، توصیف شده‌اند. اگنی در ودا بیننده و خردمند (= ریشی، R̥ṣi) بزرگ خوانده شده است. او حامی پرستندگان خود می‌باشد و آنها را از گزند با صد دیوار آهنین حفظ می‌کند. اگنی الهی و تنها سلطان (Samrāj) و بزرگ آسمان و زمین و مافوق خدایان دیگر می‌باشد (۱/۱۶۸).

۳- ویشنو (بشن، وشن، Viṣṇu): این کلمه مشتق از فعل Vis

و بمعنی نفوذ و تسلط است.

ویشنو جوانترین پسر «ادیتی» (Aditi) و «کشپه» (Kasyapa) توصیف شده. او خداوند و خالق و فرمانروای همه است، به همین جهت او را خدای خدایان (devadeva) خوانند. در رگ وید، ویشنو از خدایان طراز اول نیست. او مظهر نیروی آفتاب است که در سه گام یا سه پیمایش هفت ناحیه جهان را می پیماید و همه چیز را با گرد نور خویش احاطه می کند. در ماندالای اول سرود ۱۵۴ ویشنو چنین توصیف شده است: او منزلگاه اعلی را در جای خود نگاه داشت، و با گامهای بلند نواحی سه گانه را پیمود. در میان سه گام وسیع او تمام آفریدگان منزل دارند. سه گامش مملو از شراب عسل است و بی کاستی سرور و شادمانی می بخشد. به تنهایی این جهان را در سه بخش: زمین و آسمان و (ناحیه پاتال) و همه آفرینش به جای خود نگاه می دارد. در بالاترین قدم ویشنوی بلندگام، چشمه شراب عسل است. در منزلگاه او، گاوان چندشاخ چابک هستند. در سرودهای ۱۵۵ و ۱۵۶ همین ماندالا و همچنین سرودهای ۹۹ و ۱۰۰ ماندالای هفتم ویشنو با صفات مشابهی توصیف شده است. بعضی از مفسران رگ وید سه گام ویشنو را به مظاهر سه گانه نور که آتش، و برق، و خورشید باشد، و بعضی دیگر به سه وضع خورشید یعنی موقع طلوع و هنگام ظهر، و وقت غروب تعبیر کرده اند.

در رگ وید به ندرت نام «بشن» با اندرا ذکر شده ولی اهمیتش با ویشنوی دوره بعد بسیار کم است. او حافظ یا حامی شکست ناپذیر توصیف شده و این صفت موجب گردیده که بعدها قدرت حفظ و حمایت فوق العاده به او نسبت دهند. او به رنگهای مختلف (Anekavarna) درمی آید بویژه رنگ سفید (Śukla) و سیاه (Kṛṣṇa) و قهوه‌ای (Babhrū) و قرمز (Rohita) ولی معمولاً قهوه‌ای رنگ است. در براهماناها صفاتی برای ویشنو ذکر کرده اند که در رگ وید مذکور نیست، با اینحال هنوز ویشنو پایه ویشنوی دوره پورانها نمی رسد.

در قانون مانو فقط یک جا نام او مذکور می باشد و در ردیف اگنی، و ماه، و میترا، و هره (Hara)، و اندرا، و یم (جم)، و ورونا، و نیرت، و وایو، و کوبر، و ایش، و باری پرچاپتی

بشمار آمده است (کتاب دوازدهم ماده ۱۲۱) و بنابراین، مانو او را از جمله خدایان بسیار بزرگ ندانسته است. در مهابهارت، و پوراناها؛ ویشنو شخص دوم اقانیم سه گانه هندو و شخص «ستوگن» که دارای صفت رحم و نیکی است معرفی شده؛ او واجد نیروی حفظ و حراست و قائم به ذات و مستولی بر همه چیز شناخته شده و در این حالت او را به عنصر آب که قبل از خلقت این جهان در همه جا ساری و جاری بوده است، منسوب داشته‌اند و بدین جهت ویشنو را ناراینه (Nārāyaṇa) یعنی متحرک در آب‌ها خوانده‌اند و به شکل مردی که روی ماری نشسته و چرت می‌زند و در سطح آب شناور می‌باشد، مجسم ساخته‌اند. پرستندگان ویشنو در این دوره او را مبدأ عالی جمیع چیزها می‌دانند. در «مهابهارت» و «پوراناها»، ویشنو، خالق پرچاپتی و خدای عالی بشمار آمده و در این حالت دارای سه شرط یا نیرو و خاصیت می‌باشد:

۱- برهما (Brahmā) یا خالق فعال: گویند وقتی ویشنو خواب بود گل نیلوفری از نافش رویید، و خالق فعال (برهما) از او به وجود آمد.

۲- ویشنو بنفسه حافظ و نگاهدارنده اشیا است که به صورت مظاهر (اوتارها، Avātaras) مختلف، مثلاً به صورت کریشنا (= کرشنه) ظاهر می‌شود.

۳- شیوا (یا رودرا، Rudra) نیروی مخرب یا ویران‌کننده و نابود کننده است که بنا بر آنچه در «مهابهارت» آمده، از پیشانی ویشنو بوجود آمد.

در مهابهارت، و پوراناها همه جا ویشنو دارای عالی‌ترین مقام نیست و در پاره‌یی از موارد (شیوا پورانا، Śiva-purāṇa) مقامش از شیوا پایین‌تر است. گویند، ویشنو به صورت نیروی حافظ و حامی در این جهان به اشکال مختلف ظاهر گردیده است. به عبارت دیگر در ادوار مختلف، ویشنو در مظاهر عدیده، تجسم پیدا کرده و در این مظاهر که به صورت انسان یا اشکال مافوق طبیعت است قسمتی از جوهر الوهیت وارد شده و بدان‌ها نیروی مافوق بشر بخشیده است. ظهور هر یک از اوتارها (Avatāras) برای اصلاح

خطاهای، بزرگ یا بخشیدن خوبیهای عظیم به این جهان بوده است. ویشنو از عصر ودائی تاکنون به همین نام خوانده شده و هرچه از عصر ودائی گذشته، اهمیت و اعتبارش افزایش یافته است. ارا به اش باد یا گرور (Garuḍa) است که هفت اسب آن را می‌کشند. معمولاً برای ویشنو ده مظهر ذکر کرده‌اند که هفتمین و هشتمین آنها که رام (Rāma) و کریشنه (Kṛṣṇa) می‌باشند، بر دیگر مظاهر او رجحان دارند و مورد احترام واقع شده‌اند و به عنوان خدایان بزرگ پرستش آنها در هند شایع شده است.

در ودا مقام ویشنو بلند است و کارهای مختلفی به او نسبت داده شده است. در ماندالای هفتم - سرود ۹۹ از ویشنو چنین توصیف بعمل آمده است:

هیچکس نمی‌تواند به جلال بشن که از هر حدی گذشته است، نزدیک شود. جلال ویشنو باندازه اندام اوست. هر که تولد یافته و آنکه به دنیا خواهد آمد به حد اعلائی عظمت بشن نتواند رسید. گنبد پهناور بلند آسمان را بشن نگاهداشته، و مناره یا کنگره مشرق زمین را استوار برافراشته است. او دو جهان را از یکدیگر جدا ساخته، و زمین را با گل‌میخ‌هایی چند در پیرامون آن محکم کرده است. اندرا و ویشنو کوشک‌های نود و نه دیواره شمبیره (Śambara) را ویران ساخته‌اند. آنها هزار قهرمان غلبه‌ناپذیر را فرو کوفته‌اند.

در سرود ۱۰۰ از همین ماندالا در ستایش بشن چنین آمده است:

ویشنو با تمام عظمت خود این زمین درخشان را با صد شکوه سه بار با قدم خود پیمود. ویشنو از همه خدایان برتر و قویتر از همه نیرومندان است. نامش همیشه زنده و پرافتخار می‌باشد. ویشنو با قدم نیرومند خویش بر این زمین گام نهاد و حاضر بود که آنرا برای منزلگاه به «مانو» ببخشد. اعتماد مردم فروتن برای امن و سلامت به بشن است. او که با شرف تولد یافته منزلگاههای فراخی برای مردم فروتن ساخته است. او در کشوری ورای این ناحیه مقام دارد. او در نبرد شکل دیگر بخود می‌گیرد.

در سرود ۱۵۶ ماندالای اول ویشنو بدین‌گونه توصیف شده

است:

ویشنوی میترا مانند نورش به همه جا رسیده و شهرتش گسترش یافته و در راه عادی خویش روان است و از روغن مدد می‌گیرد. سرود ستایش او را حتی دانایان باید بسرایند، سرایندگان او را خرسند ساخته‌اند و می‌دانند که ویشنو حتی از هنگام تولد جرثومه نخستین نظم بوده است. او سلطان ورونا، و اشوین‌های دوگانه است، و (ورونا و اشوین‌ها) در انتظار اراده او هستند تا جمع ماروت‌ها را رهبری نمایند. ویشنو قادر و دارای نیروی عالی و قدرتی است که روز روشن را یافته است و با دست خود گاوخانه را می‌گشاید. ویشنو در سه جهان مردم آریایی را یاری می‌دهد و پپرستنده، از قانون سهمش را می‌بخشد. ویشنو خدای خیر و برکت میباشد که مبدأ آن هنوز روشن نیست. شاید اول خدای طبیعت بوده است. اکنون خدای حافظ و نجات دهنده شناخته می‌شود. چنان‌که خواهد آمد مظاهر مختلفی در صور انسانی و غیرانسانی به او نسبت داده‌اند. بشن همان کریشنای اراپه‌ران مذکور در «به‌گودگیتا» است و «رام» یکی از مظاهر دیگر بشن میباشد. این عقیده ظهور مستمر الهی با عقیده «عدم دوگانگی» و «همه‌خدایی» هرچند هم‌آهنگ نیست ولی قبول این عقیده در مذهب هندو دوش به دوش «عقیده» عدم «دوگانگی» تا امروز باقیمانده است.

در به‌گودگیتا، در يك جا آمده: «آن‌که مرا در همه چیز می‌بیند و همه چیز را در من مشاهده می‌کند، هرگز مرا گم نخواهد کرد و هیچ وقت از من دور نخواهد بود؛ لیکن من در او نیستم. وقتی که تقوی و عدالت از بین برود و بیدادگری و گناه ریشه بدواند، من (ویشنو) در دنیا ظاهر می‌شوم. برای حفظ خوبی‌ها و هلاک بدکاران و استقرار عدالت و پرهیزکاری، من دوره به دوره به دنیا می‌آیم». بدیهی است فکر ظهور الهی پیش از پیدایی حماسه «مهابهارت» در هند رسوخ یافته است.

در بعضی از پوراناها شمار اوتارهای ویشنو را از ۲۲ تا ۴۴ نوشته‌اند؛ اما مؤلفین و مصنفین بعضی از مآخذ اساطیری، عده آنها را بیشمار دانسته‌اند و به او صفت سرور و نشاط

میدهند. ویشنو دارای هزار نام (سپسر نامه، Sahasra nāma) است که پیروانش تکرار آن نام‌ها را موجب ثواب و کمال پرستش میدانند.

همسر او «لکشمی» (Lakṣmī = الهه اقبال و زیبایی) یا «شری» (Śrī) است. آسمانش، «ویکنتمه» (Vaikuṅṭha) (بهشت یافردوس اعلی) خوانده میشود. رودخانه گنگ قدم ویشنو، و موکب او «گروده» (Garuda) است. تندیس او را بشکل جوانی تیره رنگ یا سیاه چرده در لباس پادشاهان قدیم میسازند که چهار دست دارد. در یکی از آن‌ها «پنجه‌جنیه» (Pañcajanya = صدف بزرگ)، و در دست دوم اسلحه‌ای بنام: «وجرناپه» (Vajra - nābha) و در دست سوم عصائی با اسم: «گدا» (Gadā)، و در دست چهارمش گل نیلوفری بنام: «پدمه» (Padma) قرار دارد. کمانش «سارنگه» (Sārṅga) و شمشیرش «نندکه» (Nandaka) خوانده میشود.

در سینه جواهری بنام: «کوستوبه» (Kaustubha)، و در مچ دست جواهر دیگر با اسم «سیمنتکه» (Syamantaka) دارد. گاه ویشنو را نشسته روی گل نیلوفر در کنار زنش و گاهی سوار بر مار یا بر «گرو» مجسم می‌سازند.

پسرش «کام‌دیو» (Kāma-deva = خدای زندگی) است. زنهایش «سینی‌والی» (Sīnīvālī) و «لکشمی» یا «شری» و «سرسوتی» (Sarasvatī) میباشند.

هزار نام ویشنو در مهابهارت آمده است، و نامهای زیر اسامی معروف او میباشند:

- ۱- اچیوت (Achyuta = هلاک‌ناپذیر، باقی، ثابت) ۲- «اننت» (Ananta = بی‌انتهی) ۳- اننت‌ساین (Ananta-sayana = خوابیده روی مار ازلیت) ۴- چتر بهوج (Chatur-bhuja = چهار دست) ۵- دامودر (Dāmodara = صاحب کمر بند) ۶- گوونده (Govinda) یا گوپال (Gopāla = گاودار) ۷- هری شیکس (Hṛishīkeśa = خداوند حواس‌خمس) ۸- جل‌ساین (Jala-sayin = خوابیده در روی آب) ۹- جناردن (Janarddāna = معبود مردم) ۱۰- کسوه (Kesava = پشمالود، درخشان) ۱۱- لکشمی‌پتی (Lakṣmī-patī = شوهر لکشمی) ۱۲-

کریتین (Kirītin = تاجدار) ۱۳ - مدهو سودن (Madhu-sūdana = کشنده یا نابود کننده مدهو) ۱۵ - موکنده (Mukunda = نجات دهنده) ۱۶ - موراری (Murāri = دشمن مورا) ۱۷ - نره (Nara = انسان) ۱۸ - ناراین (Nārāyana = متحرك در آبها) ۱۹ - پنچاجوده (Pañcāyudha = مسلح به پنج سلاح) ۲۰ - پدم ناببه (Padma-nābha = نیلوفر ناف) ۲۱ - پیتامبره (Pitāmbara = پوشیده در جامه زرد) ۲۲ - پرش (Purusha = انسان، روح) ۲۳ - پروشوتما (Purushottama = بالاترین مردمان، روح اعلی) ۲۴ - سارنگی پانی (Sārngi-Pāni = کماندار) ۲۵ - واسودیو (Vāsudeva)، کریشنه پسر و سودیو ۲۶ - وارشنیه (Vārshneya = زاده ورشنی) ۲۷ - ویکنته ناتپه (Vaikuntha - nātha = خداوند بهشت) ۲۸ - یاجنس (Yajnesa) ۲۹ - یاجنسوارا (Yajneswara = خداوند قربانی)^۱.

مظاهر ویشنو (بشن): چنانکه باز نموده شد بنابر عقیده هندوان ویشنو دارای مظاهر مختلفی است که در هر زمانی به صورت مظهر (اوتار، Avatāra مشتق از Ava+tri) ظهور میکند، بشرح زیر:

الف - متسیه (Matsya = ماهی): داستان «اوتار» شبیه قصه نوح و طوفان اوست. بنابر داستانهای هندو در زمان مانوی هفتم که نوع بشر از او بوجود آمده است، طوفانی واقع شد. پیش از طوفان ماهی کوچکی به دست «مانو» (Manu) افتاد و او را مواظبت نمود. ماهی به زودی چنان بزرگ شد که تمام اقیانوس را دربر گرفت. آن گاه مانو دانست که او مظهر ویشنو است، و از اینرو پیرستش آن پرداخت، و بشن، مانو را از نزدیک شدن طوفان آگاه ساخت و به او بفرمود تا خود را برای مقابله با آن حاضر و آماده سازد. هنگامی که طوفان واقع شد، مانو به کشتی نشست و تخم همه موجودات را با خود برداشت و بشن در این موقع بصورت ماهی با شاخ بسیار بزرگی ظاهر شد. مانو کشتی خود را به شاخ او بست و چون طوفان فرو نشست با «ریشی»ها از کشتی سلامت پیاده شد، و آنچه هم با خود همراه

۱- نامها والقباب ویشنورا در ترجمه فارسی کتاب مهابهارت (جلد چهارم، صفحه ۱۷۳-۱۹۷) چاپ تهران سال ۱۳۵۹ هجری شمسی به اهتمام جلالی نائینی و دکتر شوکلا، بخوانید.

برده بود، همچنان درست و سلامت مانده بود.
 بنا بر آنچه در بهاگوت پورانا (Bhāgavāta—purāṇa) آمده است
 در یکی از شب‌های بره‌مایی هنگام استراحت «برهما» (Brahmā)،
 عفریتی بنام: «هی‌ه‌گریوه» (Haya—griva)، «وداها» (Vedas) را دزدید
 و در زیر آب پنهان کرد. مانو از بشن یاری خواست و ویشنو که
 بصورت ماهی ظهور کرده بود در آب فرو رفت و آن عفریت
 (= راکسس Rākṣasa) را کشت و «بید»ها را از آب بیرون آورد. و
 چون «برهما» از خواب بیدار شد بشن عفریت مذکور را کشته
 بود، و «وداها» را به «برهما» برگردانید و این اولین «اوتار»
 ویشنو بود.

ب - کورمه (Kūrma = سنگ‌پشت): تجسم دوم بشن،
 «کورمه‌اوتار» بود که به صورت سنگ‌پشت (= کشف) درآمد. در
 «شت‌پت براهمن» (Śatapatha — brāhmaṇa) چنین آمده است: بشن در
 عهد اول که ست جگ (Satya—Yuga) خوانده میشود، بصورت
 «کشف» ظاهر شد تا اشیای گرانبهای را که در طوفان گم شده بود
 پیدا کند. خدایان اقیانوس «محیط» را مانند کدبانویی که شیر
 را می‌جنباند و بهم میزند، تکان دادند تا از آن کرهٔ عنبر
 (امبروزیه، Ambrosia) بگیرند، و کوه: «مندر» (Mandara) را بسان
 شیرزنه برای بهم زدن اقیانوس بکار میبردند. چون آن کوه در
 گل و لای اقیانوس گم شده بود، خدایان، بشن را از خواب بیدار
 کردند و او بصورت لاک‌پشت در ژرفنای دریای شیر خوابید و کوه
 «مندر» را بر پشت خود قرار داد.

خدایان (فرشتگان) و دیوان، ازدهای واسک (Vāsuki) را آوردند و آنرا رسن ساختند و بدور کوه مندر بستند و به دو
 گروه منقسم شدند و هر دسته‌ای يك سر آنرا گرفت و آن قدر آن
 کوه را چون شیرزنه در بحر محیط بگردانیدند (یعنی: چرخانیدند)
 تا چیزهای ذیقیمت مفقود مورد نظر از دریا بیرون آمد. بنا بر
 اساطیر هندو چیزها و اشیای گرانبهای گم شده عبارت بودند از:
 ۱- امریت (Amṛita = آب‌حیات) ۲- دهن و نتری (Dhanvan—tari =
 طبیعت خدایان) ۳- لکشمی (Lakshmi = الههٔ اقبال و زیبایی و
 همسر بشن) ۴- سورا (Sura = الههٔ شراب) ۵- چندره (Chandra =

ماه، قمر) ۶- رمبها (Rambhā = دختر آبی بصورت زنی زیبا و محبوب)
 ۷- اچچیه سروس (Uchchaih - sravas = اسب نجیب) ۸- کوستوبه
 (Kaustubha = جواهری معروف) ۹- پاريجات (Pārijāta = درخت
 آسمانی) ۱۰- سوربهی (Surabhi = گاو فراوانی) ۱۱- ایراوت
 (Airavata = فیل عجیب) ۱۲- شنکبه (Śankha = صدف یا شیپور
 پیروزی) ۱۳- دهنوس (Dhanus = کمان مشهور) ۱۴- ویشه
 (Visha = زهر).

ج - وراهه (Varāha = خوک یا گراز): بنا بر آنچه در
 براهماناها آمده است تجسم سوم «بشن» بصورت گراز بود و وقتی
 او بصورت گراز درآمد که عفریتی (راکشس Rākṣasa) بنام:
 «هرن یا کشه» (Hiraṇyāksha) زمین را بقعر دریا کشیده بود. بعبارت
 دیگر هنگامی باین صورت ظاهر شد که روح شریر اهریمنی زمین
 را در زیر آب‌های دریای محیط حبس کرد، در این وقت ویشنو
 اوتار گرفت و با دیو مذکور پیکار کرد و آن اهریمن را با انیاب
 خود کشت و پس از هزار سال جنگ و ستیز، زمین را آزاد کرد،
 و از زیر آب بیرون آورد.

د - نرسینه (نرسنگه، Nara-sinḥa یا Nri-sinḥa = شیر و
 مرد): تجسم چهارم ویشنو بصورت نرسنگه اوتار وقتی بود که
 عفریتی خود را مانند خدا محل پرستش مردم قرار داد، و از اینرو
 «بشن» در چهاردهم ماه بها که هنگام شکل پکشه (Śukla-paksha)
 (شکل پچمه = نیمه روشن ماه، بدر) به صورت «مرد و شیر»
 درآمد تا جهان را از چنگال ظلم و ستم آن عفریت که «هرنیه
 کشیپو» (Hiraṇya-kaśipu، هرن کشیپ) نام داشت و توانسته بود
 لطف «برهما» را بخود جلب کند و در نتیجه در مقابل خدایان و
 انسان و حیوان شکست‌ناپذیر گشته بود، برهاند. پسر این دیو
 که «پرهلاد» (Prahāda) نام داشت، «ویشنو» را پرستش میکرد و
 چنان پدر خود را متأثر ساخت که خواست ویرا بکشد اما سوء-
 قصدش بی نتیجه ماند. وقتی «هرن کشیپو» با «پرهلاده» درباره
 قدرت مطلقه و همه‌جا حاضر بودن «بشن» مجادله میکرد، خواست
 بدانند که آیا «ویشنو» در ستون سنگی اطاق هم حاضر است یا نه
 و چون به آن ستون ضربه شدیدی وارد آورد، ویشنو برای دفاع از

پرهلاد و انتقام از توهینی که بمقام خود او شده بود به صورت «نرسنگه» (مرد و شیر) که نصف تنش به شکل «انسان» نیم دیگر به شکل «شیر» بود (یعنی سر و پنجه شیر و تن آدم داشت) از آن ستون بیرون جست و «هرن‌کشپیو» متکبر و بیدادگر را پاره پاره کرد.

بنابر اساطیر هندو چهار مظهر مذکور در دوره اول جهان (ست جگت، Satya-yuga) ظاهر گشته است.

ه - وامنه (Vāmana = خپله، کوتاه‌قد، کوتوله، کوزپشت): تجسم بشن به صورت «وامنه» هنگامی بود که پادشاه اسوراها که بلی (Bali) خوانده میشد سلطنت آسمان‌ها را به دست آورد و خدایان را از قلمرو خود بیرون راند.

اساس قصه این مظهر، سه گام «ویشنو» است که دزرگت-بید مذکور است به این معنی که در دوره دوم عمر جهان (تریتاجگت، Treta-yuga)، بلی (Bali) در اثر ایمان و ریاضت بر هر سه جهان مسلط گشت، و خدایان در آسمان‌ها از قدرت و جلال خود باز مانده بودند. برای بهبود و اصلاح وضع موصوف ویشنو که به صورت آدم کوتاه قدی از اجتماع «کشپیو»، و «ادیتی» (Aditi) به صورت کودکی یا آدم کوتوله‌ای بوجود آمده بود، تدبیری اندیشید و با قد کوتاه خود از محضر «بلی» درخواست کرد که آن قدر زمین باو بدهد که بتواند سه گام در آن راه برود. آن پادشاه کریم این خواهش را پذیرفت و بشن در دو گام آسمان و زمین را پیمود، اما با احترام اخلاق حمیده «بلی» در آنجا توقف کرد و سلطنت «پاتال» (Pātāla) یا نواحی زیرزمین به «بلی» بازگشت. بعبارت دیگر در دو گام ویشنو سلطنت زمین و آسمان‌ها از کف «بلی» خارج شد و فقط حکومت ناحیه پاتال برایش باقیماند. بنابر يك داستان دیگر هندو در دوازدهم ماه «بهادون» چون ویشنو در «شکل پچمه» بصورت «وامنه» اوتار گرفت، نزد «بل» آمد و سه گام زمین را درخواست کرد. بل چون این خواهش را قبول کرد «شکر» (Sūkra) (ستاره زهره) که مرشد و مربی عفاریت است او را از این عطا منع کرد و گفت: «بشن» است ترا خواهد فریفت. «بل» پاسخ داد اگر او از من دریوزگی کند چه بهتر از

این و چون بل سه گام زمین را عطا کرد ویشنو بیک گام زمین و بگام دیگر آسمان و به گام سوم از ناف «بل» برآمد و به او گفت: گام خود را کجا گذارم؟ بل سر خود را پیش آورد و بشن پا بر آن گذاشت و بدین صورت بل را زیر زمین فرستاد و اکنون او پادشاه زیر زمین است.

و - پرسرام (پرشورام، Parasu-Rāma، رام تبردار) در عصر تریتا جگ (Treta-yuga) بنا بر اساطیر هندو «رام» از صلب «براهمن جمداگنی» (Brahman Jamadāgni) و بطن: «رنوکا» (Renuka) بوجود آمد تا براهمنان را از سلطهٔ تکبر و نخوت آمیز طبقهٔ فرمانروا (کشتری) برهاند.

داستان مظهر ششم ویشنو در حماسهٔ معروف: «مهابهارت» (Mahā-Bhārata) و داستانهای قدیمی «پورانان»ها (Purānas) آمده است. بنا بر حکایت «مهابهارت»، «رام» فنون جنگ را به «ارجن» (Arjuna) آموخت و با «بهیشمه» (Bhishma) جنگید و هر دو به یک اندازه صدمه دیدند. وی در شورای بزرگ و مهم شاهزادگان «کورووان» (Kauravas) نیز حضور داشت. «پرسورام» بصورت ششمین اوتار ویشنو پیش از «رام چندر» که اوتار هفتم است در جهان ظاهر شد، اما هر دو هم عصر بودند و در یک زمان میزیستند و رام پیر تاحدی نسبت به رام جوان رشک و حسد می ورزید. هنگامی که «رام چندر» کمان «شیوا» را شکست، «پرسورام» که از پیروان شیوا بود؛ متغیر گشت و او را بمبارزه طلبید و در نتیجهٔ این مبارزه رام پیر مغلوب و از مقام خود در آسمان بیرون رانده شد.

بنا بر داستانها «پرسورام» در جوانی تحت حمایت شیوا بود و او را فنون جنگ آموخت و تبری (پرسو) بدو داد و از اینرو «پرسورام» نامیده شد.

اولین کار پرسورام آن بود که به دستور پدرش، مادر خود را که افکار ناپاکی داشت، کشت و پدر ازین فرمانبرداری پسر مسرور شد و خواست تا چیزی از او بخواهد. پرسورام از پدر خواهش کرد که مادرش را به یک زندگانی پاک برگرداند و نیز پسر را در جنگهای تن به تن غیر قابل شکست (رویین تن) بدارد و

عمر درازی به او ببخشد. و هر دو خواهش او اجابت یافت. پرسورام، برای ابراز دشمنی با طبقه فرمانروا که نمودار مجادله میان براهمن‌ها و کشتری‌ها در کسب تفوق است بیست و یکبار زمین را از وجود «کشتری‌ها» پاک ساخت و آنرا به دست براهمنان سپرد. آنگاه زمین را به «کشپ» (Kaśyapa) واگذاشت و خود در کوه: «مهندر» (Mahendra) (نام رشته کوه‌هایی که از گندوان، Gondvān، تا اوریسا، Orissa، شمال سیرکاس ممتد می‌باشد) عزلت گزید و در آنجا، «ارجن» با وی ملاقات کرد.

ز - رام چندر (Rāma—chandra) (رام ماه مانند، یا رام نجیب): این رام قهرمان حماسه مشهور و معروف راماین است. پدرش «دسرتیه» (Dasa—ratha) از شاهان «اجودهی» (Ayodhyā) و از نژاد یا سلسله آفتاب بود که در دوره دوم جهان بوجود آمد.

تجسم «بشن» بصورت «رام چندر» هنگامی رخ داد که عفریتی به نام «راون» (Rāvaṇa) که فرمانروای راکهسان (راچهان، راکشس‌ها، Rākṣassa)، لنکا (پادشاه «لنکا، Lan̄kā» یا سیلان) بود بر خدایان و آدمیان بشورید و بشن به صورت «رام» مجسم شد و «راون» را هلاک ساخت و خدایان و آدمیان را از آزار او رهانید. ح - کرشن (Kṛṣṇa = سیاه چرده): کرشن یکی از معروفترین مظاهر «ویشنو» و از خدایان مشهور دوران اخیر می‌باشد و بقدری اهمیت یافته است که پیروانش نه تنها او را مظهر، بلکه ظهور کامل «بشن» میدانند.

ظاهراً اوپانیشاد جهان‌دوگ (چهندوگیه Chāndogya) قدیمترین مأخذی باشد که در آن از کرشنا نامبرده شده است. در این اوپانیشاد مسطور است که «انگرس رکهپشر این قسم جگ (قربانی) را به کرشن پسر دیوکی چنین تعلیم داده است که در اندرون دل چنان مشغول شو که برهم است و بیرون به آکاس چنان مشغول شو که برهم است».

وقتی کرشن (در نظر هنود) تا این درجه به کمال خدایی ارتقاء یافته است، برادر ارشدش «بل رام» (Bala—rāma) که «بل بهدره» (Bala—bhadrā) و یا «بل دیو» (Bala—deva) نیز خوانده شده به صورت اوتار هشتم بشن درآمد است.

بنابر عقیده هندوان، کرشن در تمام ادوار و عوالم و حالات مختلف حیات، از طفولیت تا جوانی و مراحل عشق‌ورزی و جنگ‌آوری و فرمانروایی و نشر فلسفه و علوم اعلی و ادنی، انسانی کامل و تمام‌عیار است. او فلسفه کوشش و کار را به پیروان خود می‌آموزد و سعی و عمل را بمردان و زنان تعلیم می‌دهد. کتاب «بهگود گیتا» (Bhagavad-Gītā) (نغمه الهی یا نغمه خدای واحد) که فصلی از حماسه بزرگ مهابهارت می‌باشد مشتمل است بر هیجده فصل و بصورت مکالمه میان کرشن، و ارجن منظوم شده و کرشن شیوه زندگی و چگونه زیستن را در مراحل و موارد مختلف می‌آموزد.

ط - ظهور بودا (Buddha = بیدار، بیدار شده، زکی، حکیم، روشن شده) «گوتام ساکیامونی بودا» (Gautama Sakyamuni Buddha) بعنوان یک معلم و مربی و نجات دهنده موجب شد که بعضی از براهمنان بجای آنکه بودا را از مخالفین مذهب هندو بشمارند، وی را از مظاهر «بشن» محسوب دارند و گفتند ویشنو بصورت بودا ظاهر شد تا دیوان و آدمیان شریر را به دشمنی با «بیدها Vedas» و مخالفت با اصول طبقاتی و انکار وجود خدایان ترغیب کند و به دست خود آنها موجبات هلاکشان را فراهم سازد.

ی - کلکی (Kalki، کلکین، Kalkin = اسب سفید): بنابر معتقدات هندوان این مظهر ویشنو در انقضای عصر کلی (kali) یا عصر تاریک بر اسب سفیدی در حالی که شمشیر برهنه درخشانی بصورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد ظاهر میشود و شریران را هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید میکند و پاکی را برقرار خواهد کرد.

از مظاهر مذکور در بالا مظهر اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم صرفاً جنبه افسانه‌ای دارد، و مظاهر ششم و هفتم و هشتم واجد جنبه قهرمانی و پهلوانی است، اما مظهر نهم دارای جنبه مذهبی است. بگفته هندوان مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد. افسانه‌های مربوط بمظاهر ویشنو بعد از عصر ودایی بوجود آمده است.

۴- آدیتی‌ها (Ādityas) نام یک دسته از خدایان یا ایزدان

آسمانی است که بنا بر اساطیر هندو در بالاترین ناحیه آسمان منزل دارند، و حکومت میکنند. آدیتی‌ها فرزند «ادیتی» (Aditī) خوانده شده‌اند. اینان دسته‌ای از موکلان‌اند که شماره آنها را از هفت تا دوازده تا ذکر کرده‌اند. اما در پاره‌ای از مآخذ به دوازده برجی که آفتاب در سال طی میکند، تعبیر شده‌اند. و در برخی دیگر این کلمه را بصیغه جمع نام هفت خدا که وارونا بر آنها ریاست دارد، دانسته‌اند و عبارتند از: وارونا (Varuṇa)، میترا (Mitra)، اریمن (= ارجمان، Aryaman)، بهگه (Bhaga)، دکشه (Dakṣa)، انشه (Amsā)، و هفتم آنها ظاهراً سورج (= سوریه، Sūrya) یا سویتری (Savitri) است.

این دسته از ایزدان، از دسته و شودیوها (Viśvedevas) جدا و مشخص میباشند. در پاره‌ای از مآخذ تعداد آنها را هشت تا نوشته‌اند.

بنا بر پاره‌ای اساطیر هندو «ادیتی» مادر خدایان مذکور هشت فرزند زایید که هفت فرزند خود را به خدایان داد و هشتمین آنها را که مارتانده (Mārtaṇḍa = آفتاب) است، دور افگند. (یعنی زایید و مرد یا به تعبیر دیگری یعنی طلوع کرد و غروب کرد). در براهماناها (Brāhmaṇas) عده آنها به دوازده تا محدود شده است و نماینده خورشید در دوازده ماه سال شناخته گردیده‌اند.

باید دانست که بنا بر اساطیر هندو موکلان مذکور خود آفتاب و ماه و ستارگان و سپیده دم نیستند، بلکه خدایان زندگی درخشانی میباشند که در پس این پدیده‌ها وجود دارند.

برای شناختن شخصیت اولیه آنها باید از عقیده‌ای که بعداً نسبت به این خدایان و حتی در اشعار پهلوانی ذکر شده است، صرف نظر نماییم. بموجب این فرضیه اخیر آنها دوازده خدای آفتاب‌اند که مربوط به دوازده ماه سال میشوند، ولی آنچه از قدیمترین معنی این اسم آشکار میشود، آنها موجودات جاویدان مغلوب ناشدنی و از میان نرفتنی هستند.

ادیتی (Aditī) یا «ابدیت» اساس نگاهداری آنها است، و آنها نیز نگاهدار او میباشند. عنصر جاوید و غلبه ناپذیری که آدیتی‌ها در آن زندگی میکنند، و ذات آنها را تشکیل میدهد نور آسمانی

است. آدیتیه‌ها را که خدایان نور هستند به هیچ وجه نباید با اشکال مختلف نور که در جهان ظاهر میشود، یکی دانست. آنها – همانگونه که فوقاً باز نموده شد – نه خورشید، و نه ماه، و نه ستاره، و نه سپیده‌دم‌اند بلکه نگاهدارندگان این حیات روشن موجود میباشند، و بدین سان مافوق این پدیده‌ها شناخته شده‌اند. در ریگ‌ودا شش سرود تمام به آدیتیه‌ها خطاب شده است. در سرود ۲۷ از ماندالای دوم خطاب به آدیتیه‌ها، از میترا (Mitra) و اریمن (Aryaman) و بهگه (Bhaga) و وارونا (Varuna) و دکشه (Dakṣa) و انشه (Aṃsa) نامبرده شده است و بدینسان عدۀ آنها به همین شش ایزد محدود گردیده است.

در سرود ۱۱۴ ماندالای نهم تصریح شده که عدۀ آدیتیه‌ها هفت است.

در سرود ۷۲ ماندالای دهم پسران «ادیتی» (Aditi) به هشت تن محدود شده‌اند که یکی از آنها «مارتانه» (Martanda) است، اما هفت تن دیگر را به خدایان داده است.

در اتروا ودا (Atharva-veda) عدۀ پسران ادیتی هشت تن آمده است (۹/۸).

در تیتیریۀ براهمن (Taittirīya-brāhmaṇa) آدیتیه‌ها عبارتند از: میترا و وارونا و اریمن و انشه و بهگه و دهاتری (Dhatr) و اندرا (Indra) و ویوسوت (Vivasvat). در یک قطعه از شت‌پت براهمن (Śatapatha-brāhmaṇa) «مارتانه» بز عدۀ آنها افزوده شده و هشت – تا تصور شده‌اند؛ اما در دو قطعۀ دیگر (۳، ۱۱/۶؛ ۲ و ۱ و ۶) عدۀ ایشان به دوازده تا افزایش یافته است.

در اثر حمایت آدیتیه‌های تندرو، پرستندگان آنها از منزلگاه نوین و راحت بهره‌مند میشوند. آنها به ستایش‌کنندگان گوش فرا میدهند و ایشان را در بیگناهی و استقلال نگاه میدارند.

گاهی در ودا، آدیتیه‌ها، با ادیتی و میترا و اریمن و وارونا و اندرا و اگنی و دواشوین و ماروت‌ها و ریبهوها و بطور کلی همه خدایان یکجا ستوده شده، نگاهدارندگان جهان توصیف گردیده‌اند.

اینان خدایان همیشه جوان و نیرومند، و در همه‌جا حاضر،

و پیشوایان آسمان و فرزندان ادیتی هستند و پدر آسمان و مادر زمین، و برادر اگنی نامیده شده‌اند (۶/۵۱).

آدمیان دعای خود را به درگاه آدیتیه‌ها تقدیم می‌دارند تا لطف بی‌مانند و یاری آنان را برای آسایش و زندگی آبرومند به دست آورند. آنان حافظان شکست‌ناپذیرند، این خدایان پرستندگان خود را پناهی می‌بخشند که مردم را آزاد می‌سازد و تواناترین افراد توصیف شده‌اند و بفرزندان پرستندگان و اخلاف ایشان عمر دراز عطا می‌فرمایند. قربانی یادآور درونی آدیتیه‌هاست و تا پرستندگان خویش را پاداش ندهند آرام ندارند (۸/۱۸).

۵- رودرا (Rudra): خدای طوفان و پدر فرمانروای رودراها و ماروت‌ها تصور شده، او را موکل فنا (ایزد نابودی) خوانده‌اند. قلمرو حکومت و فرمانروایی او در جو است، بعبارت دیگر رودرا خدای جو می‌باشد. در ریگ‌ودا فقط سه سرود کامل به او خطاب شده و قسمت عمدهٔ یک سرود دیگر نیز راجع به رودرا است و در یک سرود هم نامش همراه سوما آمده و رویهمرفته در حدود ۷۵ جا در ریگ‌ودا نام این خدا تکرار شده است.

از این گذشته در وداها او را با اندرا، و اگنی مرتبط دانسته‌اند و گاهی رودرا را با کال (Kāla = زمان) که همه‌چیز در آن مستحیل می‌شود، یکی شمرده‌اند؛ ولی بطور کلی او را خدای ویرانی میدانند که با تیرهای هراسناک خود مردمان و حیوانات اهلی را هلاک می‌سازد یا بیمار می‌کند.

صفت نیکخواه یا رحم و شفقت نیز به او داده‌اند و حتی تصور شده که وی دارای نیروی شفابخش است.

کلمهٔ شیوا (Śiva) بصورت اسم خاصی در بیدها نیامده، ولی بعدها این نام را به رودرا اطلاق کرده‌اند و با این کیفیت رودرا رابطهٔ مخصوصش با طوفان قطع شده، بصورت ناموس ویرانی و اضمحلال و فنا درآمده است. و یک طبقه از موجودات دیگر که تعداد آنها را ۱۱ تا ۳۳ میدانستند به نام رودرا جای رودرا یا رودراها و یا ماروت‌های اولیه را گرفته‌اند.

در ریگ‌ودا رودرا خدای برومند و دانا و والا است و ادیتی لطف رودرا را به مردمان و اخلاف آنها و گاوان و گله‌هایشان

می‌رساند. پرستندگان از رودرا - خداوند قربانی و سرود و داروهای گوارا - شادی و تندرستی و نیرو می‌خواهند. رودرا همچون آفتاب با جلال میدرخشد و بسان زر درخشان روشن است. نیکو است و از همه خدایان بهتر شناخته شده. او اسبان پرستندگان را تندرستی میدهد و مردان و زنان و قوچان و میشان آنها را سلامت می‌بخشد (۱/۴۳). رودرا نیرومند است. او خداوند قهرمانان و دارای زلفان مجعد است. با رمه‌ها و مردمان مهربان، خوب است و آنها را شادی می‌بخشد و پرستندگان اندرا او را با احترام خدمت می‌کنند. او دانا و سیار و توانا و کامل کننده قربانی توصیف شده است. غضب خدایان را فرو می‌نشاند. و همه آدمیان در طلب لطف و یاری او می‌باشند. آن مجدموی سرخ‌فام با هیکل خیره‌کننده، گراز وحشی آسمان توصیف شده است. دست‌هایش پر از داروهای شاهوار است. پرستش‌کنندگان را حمایت می‌کند و امنیت خانه به آنان عطا می‌فرماید. رودرا پدر ماروت‌هاست. سرودهای خطاب به رودرا در رگ‌بید سرود‌های شیرین‌تر از هر شیرینی توصیف شده است که قدرت او را افزون می‌کنند. او جاوید است، تیرش مردمان و رمه‌ها را هلاک می‌سازد و در میان ماروت‌ها آوای ما را می‌شنود و همه آفریدگان و جانداران خواستار یاری نجات‌دهنده وی می‌باشند (۱/۱۱۴). رحمت رودرا - پدر ماروت‌ها - به آدمیان نزدیک است. با داروهای شفابخش خود عمر پرستنده را به صد زمستان (صد سال) میرساند، و بیماری را از همه نقاط دور می‌سازد. او در جلال بر همه تولد یافتگان برتر است. مانند اندرا به رعد مسلح و از همه توانایان، تواناتر می‌باشد. دفع‌کننده حمله‌ها و شرها است. او قهرمانان را با روغن‌های نیروبخش خویش برمی‌انگیزد و سرآمد و شهره همه پزشکان حاذق است. او خدای حنائی رنگ و درخشان و خوبروی و لطیف و تیزگوش است. آن نیرومند که ماروت‌ها پیرامونش هستند، با نیروبخش‌ترین غذاها نشاط می‌بخشد. دست لطف‌بخش او سلامت میدهد و آرامش می‌بخشد. رودرا برطرف‌کننده بلاهایی است که خدایان می‌فرستند. با پاهای استوار و اشکال گوناگون خود، آن نیرومند حنائی رنگ‌خویشتن را

با زینت‌های زرین و درخشان می‌آراید. نیروی خدایی هرگز از رودرا جدا نمیشود او سرور این جهان میباشد. تیر و کمان در دست و گردن‌بند رنگارنگ بر گردن دارد. دیوان را قطعه قطعه میکند؛ زیرا توانا تر از او کسی نیست. او سوار ارا به و جوان و مشهور و در عین حال درنده است و بسان حیوان دهشتناک و درنده، دشمنان را می‌کشد (۲/۳۳).

گاهی نام رودرا همراه سوما آمده و این دو خدا با هم مورد پرستش واقع شده‌اند. آن‌دو، سلطه خدایی خویش را استوار نگاه میدارند و هر يك از هفت گنج بزرگ خود را در خانه‌ای جای میدهند و چهارپایان و دوپایان را برکت می‌بخشند و با یاری یکدیگر بیماری را از همه‌جا میرانند و برای سلامت تن آدمیان همه داروهای مورد نیاز را فراهم میکنند تا پرستندگان را درمان بخشند. آنها نیریتی (Nirriti) الهه مرگ و نابودی را دور میسازند. هر دو به تیرها و سلاحهای تیز مسلح‌اند. پرستنده را از کمند و ارونا رها میکنند و با محبت مهرآمیز و لطف خویش او را از غم محفوظ میدارند (۶/۷۴) او خدایی قائم بذات و با خداوندی خویش به موجودات زمین می‌اندیشد. بر رودرای دانای پیروزمند که کمانش استوار و قوی و دارای تیرهای تندپرتاب بران است، هیچکس، غلبه نکرده است. تیر تابناکش که در آسمان پرتاب کرده به سوی زمین می‌آید و بی‌خطر از کنار پرستندگان میگذرد. او به میل خود به در خانه‌های مردم می‌آید و مردمان با سرود خوش‌آمد به او میگویند و همه بیماران را شفا میدهد. او هزاران دارو دارد. چون به خشم آید با کمند خود هر که در معرض خشم وی قرار گیرد، نابود می‌شود (۷/۴۶).

در پوران‌ها (Purānas) مذکور است که رودرا از پیشانی برهما پیدا شد و سپس بصورت موجودی نیمه‌زن و نیمه‌مرد درآمد. نیمه مذکر او بعداً به هفت رودرا تقسیم شد، بدین جهت رودراها را از مظاهر شیوا دانسته‌اند.

بنابر بعضی از مراجع هندو رودراها فرزندان کشیپ و سربهی (Surabhi) یا برهما و سربهی می‌باشند. در دوره‌های بعد غالباً رودرا را با شیوا یکی دانسته‌اند؛ به

این معنی، او را یکی از صور هشتگانه شیوا پنداشته‌اند. رودرا، تجسم نیروی نهفته در برق و رعد است و ابرها از بیم او باران می‌بارند و چون افشردۀ مخمر سوما بنوشد، شجاعت و جسارتش افزون میشود و بدین ترتیب با اندرا از این حیث ارتباط و نزدیکی دارد. او مظهر خشونت و غضب و کشنده قهرمانان می‌باشد و در عین حال میتواند انواع بیماری‌ها را از بین ببرد. او طبیب پزشکان نیز خوانده شده است.

ریشه لغت رودرا از نظر فقه‌اللغه چندان روشن نیست. بعضی این کلمه را از ریشه: «رود» (Rud) (فریاد کردن) دانسته‌اند. «گرسمن» (Grassmann) ریشه این واژه را از همان مصدر (Rud) بمعنی درخشیدن گرفته ولی «پیسچل» (Pischel) این واژه را به معنای خشونت دانسته است. رودرا با ماروت‌ها ارتباط بسیار نزدیک دارد. او پدر ماروت‌ها شناخته شده است (۱/۱۱۴ و ۲/۳۳)

در ادبیات قسمت‌های اخیر دوره ودائی «امبیکا» (Ambikā) نام همسر شیواست، ولی بنا بر بعضی منابع نام خواهر اوست. در «کین اوپانیشاد» (Kenopaniṣad) «اوما» (Umā) و «پاروتی» (Pārvatī) همسران «شیوا» خوانده شده‌اند.

۶- سویه (= سریه، سورج، Surya): آفتاب، خورشید یا خدای خورشید. در ریگ‌ودا، ده سرود به سوره خطاب شده و به ستایش وی اختصاص یافته؛ ولی در سرودهای دیگر در موارد متعدد نامش بمیان آمده است. او یکی از خدایان آسمانی است.

واژه هور (Hvare) مذکور در اوستا (= در ودا، سور Svar) با سوریه (Sūrya) از یک ریشه‌اند. در ریگ‌بید ماندالای اول سرود پنجاه، سوریه چنین توصیف شده است:

اشعه او از اوج خدایی را می‌آورند که همه موجودات تولد یافته را می‌شناسد، تا همه بتوانند آفتاب را بنگرند. هنگامی که خورشید عالم‌تاب نزدیک میشود، ستارگان چون دزدان می‌گریزند و شب سیاه به دنبال آن‌ها میرود.

اشعه او از دور میدرخشد و بر بسیاری از خانه‌های مردم می‌تابد، و بسان آتش سوزان در اوج شعله‌ور است. تندرو و

هویدا بر همه و به وجود آورندهٔ روشنی است. خورشید فضای درخشان را روشن میسازد. او به سوی جمع خدایان برمیخیزد، و بطرف نژاد بشر روی می‌آورد و همه نور آسمانی ویرا مینگرند. او با نور پاك کننده و حفظ کننده از بدی‌ها، جهان را مشاهده می‌کند. خورشید چون برفضای آسمان بزمیگذرد، روزها و شب‌ها را می‌بیند. مادیان‌های سرخ‌فام ارابهٔ او را میکشند، و او را به سوی آدمیان می‌آورند. او خدای دوربین و رخشان‌موی است. او هفت مادیان نورانی را که - دختران رخشان ارابهٔ او هستند - یراق کرده و با اسبانی که خود یراق نموده است، می‌تازند. از میان تاریکی آدمیان به او که بالاترین روشنی است، می‌نگرند. و به سوی خورشید که در میان خدایان بالاترین نور میباشد، پرواز میکنند. او رخشنده از نور رحمت است، و چون سر برمیزند به اوج آسمان میرسد. او بیماری را از دل پرستنده و زردی را از رخس می‌زداید. زردی روی پرستنده را به طوطیان یا ستارگان کوچک یا بدرخت «هری‌تاله» (Haritāla) منتقل می‌کند (۱/۱۰). او با آدیتی‌ها ارتباط نزدیک دارد و همچنین با اگنی نزدیک است. پدرش آسمان است (۱۰/۲۷ و ۱۰/۸۸).

سوریه یکی از خدایان سه‌گانهٔ اصلی ودایی می‌باشد. دو خدای دیگر یکی اگنی (آتش) در زمین و دو دیگر اندرا در جو است. ارابهٔ او را در آسمان هفت اسب یا مادیان میکشند. در اساطیر بعدی «سورج» (Sūrya) و «سویتر» (Savitar) یکی بشمار آمده و یکی از «آدیتیاها» (Ādityas) یا علامات خورشید در دوازده ماه سال می‌باشد، و ارابهٔ او را در آسمان «ارن» (Aruna) یا سپیده‌دم، میراند.

بنابر داستان‌ها خورشید، چه سورج خوانده شود و چه وی-وسوت (Vivasvat)، دارای چند همسر است. سورج در جایی فرزند «دیوس» (Dyaus = آسمان)، و در جای دیگر فرزند «ادیتی» (Aditī) = ابدیت شناخته شده است.

در قطعه‌ای، «اوشس» (Uṣas = سپیده‌دم) زن سورج، و در قطعهٔ دیگر دختر سورج توصیف شده است. پسران توآمان او دو «اشوین» (Aśvin) نامیده میشوند که از زنی به نام «اشوینی»

(Aśvinī) بوجود آمده‌اند.

در «راماین» (Rāmāyaṇa)، و «پوراناه‌ها» (Purāṇas) سورج پسر «کشپ» (Kaśyapa)، و «ادیتی» خوانده شده است. در همین رزمنامه که قدیمترین رزمنامه قوم آریایی هند و ایرانی شناخته شده، «سورج» پسر «برهما» (Brahmā) نیز بشمار آمده است. زن دیگر سورج، «سنگیا» (Saṃjñā) (دختر وشو. کرم، Viśva-karma) نامیده شده، و از او سه فرزند (مانو و یوسوت و یم (Yama) و الهه یمی (Yami) یا یمونا (= جمنا، Yamunā، الهه رودخانه جمنا) آورده است. بنا بر اساطیر هندو، در آغاز درخشندگی سورج بقدری زیاد بود که سنگیا همسرش تاب نیاورد و خدمتکار خود چهایه (Chāya = سایه) را به او داد و خود به جنگل پناه برد تا بعبادت پردازد؛ اما سوریه او را به صورت مادیانی پیدا کرد و خود به صورت اسبی درآمد و با او نزدیکی کرد و در نتیجه دو «اشوین»، و «رونته» (Revanta) و سنگیا (Sanjñā) بوجود آمدند^۱.

وشو کرم پدر «سنگیا»، نور خورشید را به چرخ تراش خود بست و یک هشتم آنرا برید و تمام تنش مگر پاهایش را بپیراست. قطعات نوری که از تن سورج جدا شد، به زمین افتاد، «وشو کرم» از آنها سلاح بشن (= ویشنو) و شیوا و «کوبر» (Kuvera) و نیزه کارتیکیه Karttikeya (پسر شیوا و پاروتی) و اسلحه سایر خدایان را تعبیه کرد.

در حماسه مهابهارت «کرنه» (Karna) فرزند نامشروع او، از «کنتی» (Kunti) معرفی شده است. «سوگریوه» (Sugriva) رئیس بوزینگان - از متفقین رام - و «سنی» (Sani) فرزندانش هستند. «ایکشواکو» (= ایچموک، Ikṣvaku) سرسلسله پادشاهان نژاد آفتاب (سورج و نش، Sūrya-vaṃsa) فرزند مانوی و یوسوت، و نوه سورج است. بنا بر برخی از اساطیر هندو عده کثیری از «راکشس‌ها» (Rākṣasas) بر سورج حمله کردند؛ اما در اثر اشعه

۱- رونته (Revanta): نام پسر سورج (= سوریه) از مادری به نام «سنگیا» رئیس «گوهیک»ها Guhyakas (یعنی موجودات ناپیدایی که از حیث رتبه و مقام کمتر از موجودات الهی‌اند - و به کوبر (Kuvera) در امر حفاظت گنج‌ها و خزاین‌یاری می‌دهند ولی هرگز دیده نمی‌شوند) زاده شده است. گوهیک: موجود پنهان یا پوشیده.

خورشید پراگنده شدند.

در «بشن پران» (Viṣṇu—purāṇa) سوریه با قامتی کوتاه و تنی به رنگ مس، و چشمانی قرمز توصیف شده است. هرچند سوریه از خدایان دوره ودایی است، ولی هنوز در هندوستان معابدی به نام خورشید موجود است که در آنها او را پرستش می‌کنند.

سورج اسماء و القاب زیادی دارد، از آن میانه است: «سویتری» (Savitri = غذا دهنده)، و «ویوسوت» (Vivasvat = درخشان) «بہشکر» (Bhaskara = روشن ساز)، «دینکر» (Dina — kara = روز ساز)، «اره پتی» (Arha—pati = خداوند روز)، «لوک چکشو» (Loka—cakṣus) «چشم جهان»، «کرم ساکشی» (Karma—sākṣi = شاهد کردار)، «گره راج» (Graha—rāja = پادشاه صور فلکی)، «گبهستیمان» (Gabhastimān = دارنده شعاع)، «سہسرکرن» (Sahasra—Kirana = دارای هزار شعاع)، یا (Sahasraśmi) «وی کرتن» (Vikarttana = شعاع چیده بوسیله شوکرم).

۷- سویتری Savitri (برانگیزنده، زاینده، زایا، متحرک، پیداکننده غذا، جانبخش، خدای آفتاب، نیروی حیاتبخش، آفتاب پیش از طلوع): در ریگ‌ودا یازده سرود تمام به سویتر خطاب شده و از اینرو سرودهای یازده گانه به این نام خوانده شده‌اند. در سرودهای ریگ‌بید ۱۷۰ بار ذکر نام سویتری و توصیف او آمده است.

او سوار بر گردونه خود در فلك تاريك در گردش است و میرندگان و بی‌مرگان را برمی‌انگیزد و به جهان‌های چندگانه ناظر می‌باشد و در راه نشیب و فراز با دو اسب سفید خود حرکت می‌کند. از راه دور می‌آید و همه گناهان را دور می‌سازد. گردونه‌اش با زیورهای گوناگون زرین مزین و یراق‌هایش طلائی است. اسبان سفید پا که با یوغ زرین به گردونه او بسته شده‌اند، روشنایی را به نوع بشر آشکار می‌کنند. همه مردم و آفریدگان در حضور سویتری‌اند. روشنان ابدی فلکی به او تکیه دارند، همان‌گونه که ارا به به‌میخ محور. هشت نقطه افق یا جهات اصلی و فرعی و سه عالم موجودات زنده و هفت رودخانه را روشن می‌سازد. او بیماری‌ها را دور می‌کند و به خورشید نزدیک می‌شود، و آسمان

را متناوباً با تاریکی و روشنی می‌پوشاند (۱/۵). او خورشیدوش و زردموی است و روشنایی جاوید را از سمت خاور پیش می‌فرستد. به امر او پوشان از پی وی روان است و بر همه آفریدگان نظارت دارد. در میان اسبان می‌نشیند و نوع بشر را می‌نگرد و زمین و فلک را از نور پر می‌سازد (۱۳۹/۱۰). او برپاخاسته و گردونه خود را برای اینکه پی‌درپی انگیزه تازه‌ای برانگیزد، می‌راند؛ زیرا انگیزه‌طلبی کار اوست. به خدایان گنج می‌بخشد و خوشبختی به خورنده نذور عطا می‌فرماید. آب‌ها از او پیروی می‌کنند و بادها در مسیرش از حرکت باز می‌ایستند. هنگامی که سویتری خوردن پیاموخت، مادر بهره پسرش را زیادتر داد. او مدام در جنبش است. اندرا و ورونا و میترا و اریمن و رودرا و حتی دیوان پلید امرش را گردن می‌نهند. خوشبختی می‌آورد و خرد و هوش را بیدار می‌کند و در اجرای مراسم مذهبی توفیق می‌بخشد (۲/۳۸).

سویتری دارای گنج‌های نیکو و پرکننده فضاست و در دست چیزهایی دارد که مردمان را شادمان می‌سازد و آفریدگان را با لالایی به خواب می‌برد و بیدار می‌کند. دست‌های زرین و عالی و سهل‌الحركة او تا کرانه آسمان منبسط است. او تابناک و در همه جا گسترده است و روزی به فنا شوندگان می‌رساند. زبانش شیرین و بازوانش پر و دست‌هایش زیباست (۷/۴۵). او خالق جهان و خدای همه کائنات است.

بنا بگفته «ساینه» آفتاب پیش از طلوع سویتری و پس از طلوع سوریه (سورج) خوانده می‌شود ولی معمولاً سویتری از سوریه مشخص است. در اساطیر او را دختر آفتاب معرفی کرده‌اند. او خدای گنج‌های بسیار و شادی‌آفرین است. او ثروت برای پرستندگانش می‌آورد و خوشبختی و فرزند به ایشان عطا می‌فرماید و غم و اندوه را از دل زایل می‌گرداند (۵/۸۲).

۸- پوشان (Pūṣan): این کلمه از ریشه Puṣ مأخوذ است و بمعنی خوراندن و غذا دادن و غذا دهنده و یکی از خدایان دوره ودایی (به احتمال زیاد قبل از دوره ودایی هم مورد پرستش بومیان هند بوده) است. پوشان ظاهراً ابتدا نام خورشید بوده و او را

ناظر بر همهٔ اشیاء و راهنمای سفر به جهان دیگر شناخته‌اند. گاهی او را با سوما و همچنین ماه که حافظ جهان است، مربوط دانسته‌اند. از این گذشته او حافظ گله و رمه و بخشنده رفاه و فراوانی است. بعدها یکی از دوازده آدیتیه‌ها شناخته شد. خدای فالگیران و غیبگویان است و چنین می‌پنداشتند که در پیدا کردن اشیای مسروقه یاری می‌دهد. او خدای مراسم عروسی نیز می‌باشد. بنابر اساطیر هندو دندان ندارد و به همین جهت ندور او از مواد آرد شده فراهم می‌شود. بنابر افسانه‌ها در اثر لگد شیوا یا به هنگام خوردن یکی از ندور قربانی دندانش شکسته شده است. در ریگ‌ودا ۱۲۰ بار نامش آمده و هشت سرود خطاب به اوست (پنج سرود در ماندالای ششم و دو سرود در ماندالای اول و یک سرود در ماندالای دهم). نامش چند بار همراه نام اندرا و سوما ذکر شده است (۲/۴۰).

از پوشان توصیف‌های مختلفی در ودا بعمل آمده، از آن جمله است «اسورا» (۵/۵۱) و قوی (۵/۵۴) و خشن (۸/۴) و چابک و فرزند (۶/۵۴) و توانا و مقتدر (۱/۱۳۸) و غیرقابل مقاومت (۶/۴۸) و فرمانروای قهرمانان (۱/۱۰۶) و حافظ جهان (۱۰/۱۷) و بیننده (۱۰/۲۶) و خردمند (۱/۴۲) و القاب و نامهای مختلفی دارد. روی‌هم‌رفته شخصیت اساطیری او چندان روشن نیست.

۹- اوشس (uṣas = فجر، سپیده‌دم، الهه بامداد پگاه یا صبحدم). در حدود ۲۰ سرود در ریگ‌ودا در توصیف او مندرج و بیش از ۳۰۰ بار نامش در سرودهای مختلف آمده است. او تجسم سپیده‌دم و دختر آسمان است که می‌آید و جلال خویش را با روشنایی نمایان می‌کند. دشمنان و تاریکی مذموم را پراکنده می‌سازد و راه‌ها را روشن می‌کند تا موجودات زنده از آن بگذرند. برانگیزندهٔ سعادت عظیم است. اشعهٔ شگفت ابدی سپیده‌دم زیبا، در اطراف جهان پراکنده میشود. شتابان از راه دور، سوار بر گردونهٔ همه‌سو روان خود پیش می‌تازد تا به پنج طبقه مردم روشنایی بخشد. دختر آسمان و عروس سوریه و بخشنده رزق و صاحب ثروت فراوان و گنج‌ها و اموال گوناگون است. با راستان،

راست و با بزرگان بزرگ، و با خدایان، الهی و با معبودان، معبود است. همه آفریدگان به ویژه گاوان مشتاق سپیده دم اند؛ زیرا که چراگاه گاوان را آشکار می سازد (۷/۵۱). او الهه بخشنده فراوانی و روشنایی است و با ثروت طالع می شود، آوای شادی را بیدار و بلند می کند، و چون نزدیک می شود همه افکار متوجه او می گردد. بسان مادری مهربان می آید و با دقت به هر چیز می نگرد و رسیدگی می کند. برای دیدارش همه آفریدگان زنده به احترامش سرفرود می آورند. چون بدرخشد دشمنان و بدخواهان را دور می سازد. تنفس و حیات هر موجود زنده از آن اوست. همه خدایان را از فلك فرو می آورد تا افشرد سوما بنوشند. و درهای دولنگه آسمان را می گشاید و به خاک نشینان منزلگاه فراخ و فارغ از دشمن عطا می فرماید. در گردونه درخشان زاده شده، (۷/۷۸). الهه درخشان و تابان است (۱/۲۳). او به آفتاب یاری می دهد و برای عبور خورشید راه ها را باز می کند (۱/۱۱۳). در قربانی های مربوط به اگنی و «سوریا» حضور دارد (۷/۷۸). اوشس خواهر «آدیتیه بهگه» و خویشاوند نزدیک (یامی Yami) و خواهر ورونا (۱/۱۲۳) و همچنین دختر و دختر بزرگتر آسمان (۱/۱۲۴) و (۱/۱۱۳) است و در همان آسمان بوجود آمده (۷/۷۵، ۱/۳۰) و همیشه در آسمان پیش از خورشید ظاهر می شود (۱/۱۱۳). برپهسپتی سپیده دم را کشف کرد (۲/۱۲). اوشس، خواهر آدیتیه ها، و دوست مردمان است و همیشه لبخند بر لب دارد، به هر خانه ای می رود. الهه جوان و جاوید است و سلامت و رفاه می آورد. «دیوس» پدر اوست. او را به نام های: «اهنا» (Ahanā) و «دیوتنا» (Dyotanā = روشنی) نیز می خوانند.

اوشس با آتش مقدس و خورشید هم ارتباط دارد و انوار خویش را (پیش از طلوع آفتاب) منتشر می کند. «سویتری» بعد از اوشس مردم را به کار می فرستد، چهارپایان و دوپایان باید فعال باشند و فعالیت آنها پس از سپیده دم و طلوع آفتاب آغاز شود. سپیده دم بی آنکه نظم و ترتیب آسمانی را برهم زند هر چند بار نسل بشر را کم می کند. در ناحیه خاور با جامه های نور هویدا می شود. او از راه نظم جهانی می گذرد و خسته نمی شود و چون

نواحی آسمان را نیکو می‌شناسد، وانمی‌ماند. از نزدیک مانند سینه فرد نورانی دیده میشود و مانند مگسی خفتگان را بیدار می‌کند. صبحدم مانند بانویی مهربان برای شوهر خود همیشه خندان است و با لباس نیکو از جمال خویش پرده برمی‌دارد. نزدیک بر آمدن آفتاب آن خواهر جایش را به خواهر ارشد (خورشید) خویش می‌دهد. و با جمال آراسته بسان بانوانی که به مجلس جشن رو می‌آورند با اشعه خورشید می‌درخشد. این دوشیزه جوان آسمان از شرق درحالی که یک جفت گاو سرخ و درخشان خود را یراق کرده، بر مردم می‌تابد (۱/۱۲۴).

الهه سپیده‌دم، دختر آسمان و خواهر «آدیتیه»‌ها و شب معرفی شده است.

۱۰- ویوسوت (Vivasvat) یا وی‌وسون (معمولاً او را ویوسوت، Vivasvata هم می‌خوانند): در ریگ‌ودا هیچ سرودی خاصه او سروده نشده ولی ۳۵ بار نامش در این کتاب آمده است. او پدر دو «اشوین» است (۱۰/۱۷) همچنین او را پدر «مانو» و نیای ابنای بشر دانسته‌اند. این نام ظاهراً با (Sūrya = خورشید) مترادف است. آدمیان زاده اویند. همسرش سرنیو (Saranyū) دختر «توشتری» است (۱۰/۱۷). در سرودهای ۱۰/۶۳ و ۶/۸ و ۱/۵۸ و ۴/۷ و ۸/۳۹ و ۱۰/۲۱ و ۵/۱۱ و ۱۰/۱۲ و ۳/۵۱ و ۱/۵۳ و ۳/۳۴ و ۱/۱۳۹ و ۸/۶ و ۲/۱۳ و غیر آن نامش آمده و با اندرا و اشوین‌ها رابطه نزدیک دارد. (و در ادبیات اوستایی وی و نهونت Vivanhvant معادل وی‌می‌باشد.)

۱۱- ورونا (Varuna): آسمان محیط پر همه چیز، خدای بزرگ هندو که پادشاه خدایان شناخته شده، خدای محافظ جانداران، خدای آب‌ها و قاضی الهی. نام یکی از «آدیتیه»‌ها که خدای شب است همان گونه که میترا خدای روز می‌باشد و غالباً بایکدیگر پرستش می‌شوند. ورونا یکی از خدایان قدیم قوم هند و اروپایی و هند و ایرانی است و ظاهراً معادل «اورانوس» یونانیان می‌باشد، اگرچه ورونا از اورانوس روحانی‌تر توصیف شده؛ گاهی او را پادشاه خدایان و پادشاه کیهان نیز خوانده‌اند. او را خدای دریا و رودخانه‌ها خوانده‌اند و در این حالت تقریباً با «نپتون» یونانیان شباهت پیدا

می‌کند. در «پوران»ها (Purāṇas) ورونا پادشاه آب‌ها شناخته شده است. در عین حال که وی موکل آب (خدای آب) است محافظ و نگاهبان جانداران هم می‌باشد. ورونا، گاهی به نام‌های «امبوراج» (Amburāja) و «جل‌پتی» (Jala-pati = خدای آب) و «کشا» (Kṣā = موی سر، گیس، زلف) و «اودام» (Uddāma = احاطه یا محاصره کننده) و «پاس بهرت» (Pāsa-Bhrit = خفت یا بند ارابه) و «ویلوما» (Vilomā) و «واری لوم» (Vāri-loma = موی آبدار) و «یاده پتی» (Yādahpati = پادشاه حیوانات آبی) نیز خوانده می‌شود. شمارهٔ سرودهایی که به ورونا خطاب شده، تعدادش کم است و از اینرو صفات و خصائل او در ودا چندان زیاد نیست. از مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ‌ودا فقط ۲۴ سرود خطاب به وروناست و در آنها غالباً میترا نیز مورد ستایش قرار گرفته است. بنا بر تصویری که در سرودها از «ورونا» ترسیم شده، او دارای صورت (چهره) و یک چشم و بازوان و دست‌ها و پاهاست. بازوانش را حرکت می‌دهد، راه می‌رود، پیش می‌راند، می‌نشیند و می‌خورد و می‌آشامد. شاعران ودایی پنداشته‌اند که پیش روی (انیکم Anikam)، «ورونا» از آن اگنی است. چشم میترا و ورونا آفتاب است (۱/۱۱۵ و ۶/۵۱ و ۷/۶۱ و ۶۳ و ۱۰/۳۷). «ورونا» دوربین (۱/۲۵) و هزار چشم است (۷/۳۴). ورونا و میترا با پاهای خود می‌شتابند (۵/۶۴).

او در عرش (خانه) خود (Pastyasu) نشسته، و همهٔ موجودات فانی را می‌بیند (۱/۲۵). جایگاه یا منزل (Sadas) وارونا و میترا عظیم است و هزار ستون بسیار بلند و برافراشته دارد (۵/۶۸) و خانهٔ آن دو دارای هزار در است (۷/۸۸). او مانند سایر خدایان ودایی افشرد سوما می‌نوشد (۴/۴۱). او روپوش (Drapī) زرین بر تن می‌کند و پیراهن درخشان می‌پوشد (۱/۲۵). میترا و ورونا در آسمان اعلیٰ بر گردونه‌ای که اسبان آنرا می‌کشند سوارند (۵/۶۲).

وارونا و میترا به اگنی (۴/۴) و «سوما» (۹/۷۳) و سایر خدایان نسبت دارند (۱/۳۳ و ۱۰/۱۰). ورونا به تنهایی و گاه با میترا بطور اشتراک پادشاه (Rāja) جهان خوانده شده و

خدایان عمده و «یم» (Yama) را دوست دارد. او پادشاه همه اعم از خدایان و آدمیان می‌باشد (۱۰/۱۳۲ و ۲/۲۷). او پادشاه همه جهان (۵/۸۵) و همه موجودات است (۷/۸۷). او فرمانروای خودمختار است (۲/۲۸)، و اندرا او را در این کار یاری می‌دهد. او و میترا سلطان جهان (Samrāj) اند و در این سمت با اگنی ارتباط و همکاری دارند. سه آسمان و سه زمین به میترا و ورونا سپرده شده است (۷/۸۷).

۱۲- میترا (Mitra) (ریشه این نام ظاهراً از فعل Mith/mit-tra یا Mid مأخوذ است): دوست، همراه، رفیق، موکل آفتاب، نام یکی از «آدیتی‌ها» که به عنوان نگاه‌دارنده زمین و آسمان پرستش می‌شده است. میترای در ودا، همان میثرای (Mithra) در اوستا است. در ودا معمولاً نامش همراه ورونا مذکور است و از ۱۰۲۸ سرود ریگ‌ودا، فقط یک سرود خطاب بدو است (۳/۳۹). میترا خدای روز و ورونا خدای شب معرفی شده‌اند. میترا ظاهراً شکل و صورتی از آفتاب می‌باشد. هرچند فقط در ریگ‌ودا یک سرود خطاب به او است ولی در سرودهایی که خطاب به ورونا و دیگر خدایان سروده شده بالغ بر ۵۹ بار نامش مذکور است.

میترا چون به سخن درآید، مردمان را به کار برمی‌انگیزد. او زمین و آسمان را نگاه می‌دارد. او نوع بشر را با دیده‌ای که بسته نمی‌شود، می‌نگرد. او حافظ «آدیتی‌ها» است. او با پادشاهی زاده شده و پادشاه بخشنده است. او یکی از «آدیتی‌های بزرگ» و نگاه‌دارنده نوع بشر است. همه پنج نژاد یا پنج طایفه آریایی به میترا توسل می‌جویند و بعلاوه نگاه‌دارنده همه خدایان توصیف شده و به خدایان و مردم زنده و به آن که علف مقدس را می‌گسترده روزی می‌دهد. او یکی از پسران «آدیتی» (Aditi) است و از جمله دوازده «آدیتی‌ها» می‌باشد (۳/۵۹). هم در ودا و هم در اوستا؛ میترا خدای آسمانی و خورشیدی است و صفاتشان مشابه می‌باشد. در ودا میترا خدای صلح و در اوستا خداوند اخلاق و حافظ صداقت و وفاداری شناخته شده است.

ویژگی‌های عمومی و طبقه‌بندی خدایان ودایی

پیش از این، تعدادی از خدایان ودایی و صفات و کارهای آنان را از نظر گذرانیدیم و مشخصات بارزشان را همان‌گونه که در سرودها، بر پایه تخیلات شاعرانه عصر ودایی آمده؛ بازگو کردیم، و خواندیم که غالب خدایان صفات مشابهی دارند. خدایان هندو متصف به پاره‌ای از صفات آدمیان‌اند و کارهای آنان کم و بیش شباهت به برخی از کارهای ابنای بشر دارد. بگفته ریشی‌ها خدایان بسان آدمیان و جانوران مخلوق‌اند، نه ازلی و ابدی و از نیستی به هستی گراییده‌اند و همچون آدمیان سر و دست و پا و چشم و شکم و دهان و بازو و دیگر اعضاء دارند و مثل آدمیان زن و فرزند و خدمتگزار و منزل و مال و دولت و سلاح و حشم دارند.

«یاسکا» (Yāska) مفسر متقدم نامی «بید»‌ها در تألیف مشهور خود موسوم به «نروکتا» در جایی که بحث از سرشت و فطرت خدایان می‌کند؛ فقط به ذکر چند ویژگی آنان پرداخته است (۷/۴). فی‌المثل، ویژگی مشترک سپیده‌دم و خورشید و آتش، درخشیدن و روشن کردن و از بین بردن تاریکی است. به عبارت دیگر «اوشس» (سپیده‌دم) چون از سمت خاور سر برزند، افق را بتدریج روشن می‌سازد و تاریکی را از بین می‌برد و هنگامی که به دنبال او خورشید طالع شود جهان را نورانی و روشن می‌کند و به همین‌گونه چون آتش برافروزند، روشنائی به همراه دارد و تاریکی را از میان می‌برد؛ از اینرو باید گفت بارزترین ویژگی‌های «اوشس» و «سوریا» و «اگنی» درخشیدن و روشن کردن و از بین بردن ظلمت می‌باشد.

شاعران ودایی که متفکران و بینندگان زمان خود بودند؛ پاره‌ای از امور کیهانی را به هرخدای برجسته‌ای نسبت داده‌اند. امر نگاهداری و محافظت یا پیدایی آسمان و زمین، در «ودا» به خدایان عدیده نسبت داده شده است. بر این اندیشه کار آفریدن دو جهان به ۱۲ خدا و پیدایی خورشید و تعبیه آن در آسمان و ساختن راهی که خط سیر و حرکت آنرا آسان کند به پیش از ۱۲

خدا منسوب داشته‌اند و نیز گفته‌اند ۴ یا ۵ خدای ودایی زمین و آسمان یا هر دو جهان را بگسترده‌اند و آنها را پهن و بسط دادند. خدایانی نظیر «سوریا» و «سویتری» و «پوشان» و «اندرا» و «پرچنیه» و گروه ایزدان «آدیتی»ها خدای هر که و آنچه که حرکت می‌کند و آنچه ثابت می‌باشد، توصیف شده‌اند. این گونه خصائص مشترك، ویژگی‌های خدایان ودایی را در پرده ابهام فرو می‌برد و تمایز آنان را از یکدیگر دشوار می‌سازد. «اگنی» که اصولاً خدای آتش زمینی است، دیوان تاریکی را دور می‌سازد، در حالی که این وصف خاص «اندرا» خدای جو شناخته شده بود که با آذرخش و حربۀ «وَجْر» خود دیوان ظلمت را مضمحل و نابود می‌کند. باز می‌نگریم که اگنی با نوشیدن افسرۀ «سوما»، دیو خشک‌سالی، یعنی: «وریترا» را نابود می‌کند و نیز او را برنده و به دست آورنده گاو و آب‌ها و خورشید و سپیده‌دم می‌خوانند، در صورتی که نخست این صفات و امور؛ جزئی از صفات و وظایف اندرا محسوب می‌شد.

غیر مشخص بودن شکل اجمالی خدایان ودایی که سببش خصوصیات و ویژگی‌های مشترك همراه با تمایل به از بین بردن وجوه تمایز پدیده‌ها و نیروهای طبیعی است؛ مشابهت و همانندی خدایان گونه‌گونه را با یکدیگر بسیار نزدیک می‌کند. این‌گونه شباهت‌ها و توصیف‌های مشترك در ریگودا زیاد است تا آنجا که يك شاعر ودایی در ستایش «اگنی»، می‌گوید: «ای اگنی! تو هنگام تولد، «ورونا» و چون برافروخته شوی، میترا و برای پرستش کننده، «اندرا»یی. ای پسر توانایی! همه خدایان در تو متمرکزاند» (۵/۳). در سرودهای متأخر عصر ودایی، این فکر دور می‌زند که خدایان گونه‌گونه فقط اشکال و مظاهر مختلف وجود مقدس واحدی می‌باشند. در سرود ۱۶۴ ماندالای اول ریگودا به روشنی چنین آمده است:

«او را اندرا، و میترا و ورونا و اگنی و حتی گروتمان – پرندۀ تیزبال آسمانی – می‌خوانند؛ دانایان وقتی که از «اگنی» و «یم» و «ماتریشون» سخن می‌گویند، يك واقعیت تنها را به‌چند

نام می‌خوانند» (۱/۱۶۸).

گویندگان اواخر عصر ودایی به يك توحيدگونه چندخدایی رسیده بودند. در چنین محیط و عصری، تصور اولیة خدایی را می‌نگریم که نه تنها نماینده همه خدایان است؛ بلکه نماینده فطرت نیز می‌باشد. آلهة «ادیتی» با همه خدایان و آدمیان و هرچه که بود و متولد خواهد شد و حتی هوا و آسمان، یکی شناخته شده است (۱/۸۹). «پرچاپتی» تنها يك خدای بالاتر و والاتر از همه خدایان نیست؛ بلکه همه چیز را در بر می‌گیرد (۱۰/۱۲۱). عقیده پرستش چند خدا در کتاب «اتهروا ودا» که، آخرین وداها و جدیدترین آنها می‌باشد، تکامل پیدا می‌کند و در ادبیات دوره‌های بعد به نحو صریح و روشن پذیرفته می‌شود (۱۰/۷). این امر که شاعران (ریشیان) ودایی، اوصاف خدای خاصی را مرتب بر می‌شمارند و درباره‌اش به مبالغه و حتی تناقض گویی می‌پردازند؛ فرضیه‌ای را به وجود آورده است که «ماکس مولر» به آن نام «مونوتهیسم» (Monotheism) یا (Henotheism) (ستایش چند خدا یکی پس از دیگری) داده است. بنابر این فرضیه، یعنی اعتقاد به خدایان فردی که به طور نوبتی مورد نیایش قرار گرفته‌اند، عالیترین خدا تلقی می‌شوند. شاعران ودایی ظاهراً خدایی را که به نوبت مورد پرستش قرار می‌دادند، در همان وقت نیایش بالاترین نیروی الهی را از آن او می‌دانستند و توصیفش می‌کردند و خدای برتر از همه بر می‌شمردند.

در برابر این فرضیه، می‌نگریم که نیرومندترین خدایان ودایی نیاز به یاری و مساعدت موکلان دیگر دارد؛ مثلاً «ورونا» و «سوریا» در سرودی مقامشان پایین‌تر از «اندرا» و زیر دست او بشمار آمده‌اند (۱/۱۰۱) و همچنین «ورونا» و دو «اشوین» تسلیم قدرت ویشنو شده‌اند (۱/۱۵۶) و نیز در سرودی میترا و ورونا و اریمن و رودرا تحت فرمان «سویتری» بر شمرده‌اند. در سرودهای خطاب به و شودیوها (همه خدایان) - بزرگ و کوچک - یکی پس از دیگری مورد ستایش قرار می‌گیرند. چون بخش بزرگی از سرودهای وداها در توصیف و نیایش «سوما»

است، شامل ستایش همهٔ خدایان نیز می‌شود. غالباً خدایان به صورت جمعی دو به دو یا سه به سه یا در گروه‌های بزرگتر ستایش می‌شده‌اند (۶/۶۷ و ۲/۲۸). بنابراین توحید نوبتی یا جمعی نمودی است برای روشن شدن يك حقیقت بی‌آنکه مشخص گردد چه خدایی سزاوار و درخور وصف یکتایی می‌باشد و بر سایر موکلان تقدم و ریاست و برتری دارد. انجا که در فرضیهٔ توحید نوبتی خدایی بالاتر و والاتر توصیف می‌شود، این برتری و والایی آنی و موقتی است نه‌دایمی. اندیشهٔ توحید نوبتی یا جمعی را می‌توان پیش‌درآمد گرایش برخی از شاعران ودایی به نوعی یکتاپرستی تلقی کرد.

خدایان ودایی هر يك آغازی و پایانی دارند و ابدی و ازلی محسوب نمی‌شوند. آنان فرزندان آسمان یا زمین و یا فرزندان خدایان دیگر معرفی شده‌اند و این خود مفهوم نسل‌های گونه‌گونهٔ خدایان را به دست می‌دهد. بعبارت دیگر خدایان عموماً از مرحلهٔ نیستی به هستی پیوسته‌اند؛ به این معنی که پیدایی نخستین خدایان ودایی زمانی آغاز می‌شود که از عدم پا به عرصهٔ وجود گذاشتند (۱۰/۷۲). دستهٔ متقدم و نخستین خدایان، «پورو» (Pūrva) نامیده شدند و می‌توان آنان را گروه «پیشینیان» یا خدایان متقدم خواند.

«اتهروا ودا» از ده خدا خبر می‌دهد که قبل از خدایان دیگر پیدا شدند (۱۱/۸). از آنچه گفته شد و در وداها مسطور است، خدایان هندو در اصل فناپذیر بودند و دستخوش مرگ و نیستی واقع می‌شدند و این حقیقت در «اتهروا ودا» بطور صریح و روشن بیان و گوشزد شده است (۴۱۱ و ۱۱/۵). در رساله‌های منشور «براهمن»‌ها نیز خدایان موجوداتی فناپذیر شناخته شدند (شت پت براهمن ۳ و ۱۰/۴). اندرا و اگنی و پرچاپتی فانی تصور شدند. در «ایتریه براهمن» هم قید شده که خدایان در اصل فنا-پذیر بودند (۸/۱۴). ریگودا، يك جا می‌گوید نعمت «جاودانی» را «سویتری» به خدایان بخشید (۳۳/۵۴ = v. s. ۴/۵۴). و در جای دیگر می‌گوید موهبت بی‌مرگی را «اگنی» به همهٔ خدایان عطا فرمود (A. V. ۴/۲۳ و ۶/۷). و نیز در سرودی آمده که

خدایان در اثر نوشیدن افشیره «سوما» بی‌مرگ شدند (۱۰/۵۳) و در حقیقت «سوما» آب حیات بود.

در این زمینه در جای دیگر عنوان شده که «اندرا» در اثر ریاضت آسمان را تسخیر کرد (۱۰/۱۶۷) و به مرگ فائق آمد. و باز گفته شده که خدایان از طریق ریاضت (Tapas) و پرهیزگاری مراتب تقدس را پیمودند و بر مرگ غلبه یافتند (تیتریه براهمن ۳ و ۳/۱۲). در «اتهروا ودا» آمده که «روهیتا» (Rohitā) نعمت فناپذیری و بی‌مرگی را به خدایان داد (۱/۱۳). در «تیتریه براهمن» مذکور است که خدایان با انجام دادن مراسم و تشریفات مذهبی بر مرگ پیروز شدند (تیتریه سنهیتا ۲ و ۷/۴).

در مورد «اندرا» و چند خدای دیگر ودایی گفته شده که همیشه جوان‌اند و پیری بر آنها عارض نمی‌شود (۳/۴۶) و غیر (آن). این امر که شاعران فناپذیری خدایان را قطعی و دائمی و ابدی تلقی کرده باشند، شاهدی ندارد و بعدها فناپذیری آنها را نسبی و محدود به یک دوره کیهانی دانسته‌اند و در قیامت کبری (Mahāpralaya) یعنی: در پایان هر «کلپ» (= Kalpa) دور یا عصر) همه موجودات نیست و نابود می‌شوند مگر ذات برهمن که بنا بر مآخذ متأخر هندو باقی می‌ماند و از نو آفرینش و خدایان و بیدها را می‌آفریند.

ظهور فیزیکی یا جسمانی خدایان ظاهراً برای قائل بودن شاعران به جنبه انسانی آنان می‌باشد، آن هم فقط به صورت سایه مانند که نمودار صورت مجازی و تشبیهی است. در این مورد تصور اعضای بدن برای خدایان از قبیل سر و چهره و دهان و پیشانی و زبان و چشم و شانه و شکم و دست و پا - به ویژه در رابطه با وسائل جنگ مثل نبرد «اندرا» که با حربه «وچر» خود، دیوان خشک‌سالی را منکوب و مغلوب می‌کند - بی‌تردید زاده پندار و تخیلات شاعرانه‌ای است که گویندگان سرودها جنبه انسانی برای خدایان قائل بودند، مثلاً وقتی از بازوان خورشید سخن گفته می‌شود اشعه او در نظر است و چشمانش نشان‌دهنده جنبه جسمانی و یا زبان و اعضای بدن «اگنی» معرف شعله‌های آتش می‌باشد و یا انگشتان «تریتا» (Trita) حکایت از آن دارد که

تهیه کننده «سوما» است و شکم فراخ «اندرا» ظرفیت و گنجایش و ولع او را بنوشیدن هرچه بیشتر این افشردۀ مخمر می‌رساند. در مورد دو یا سه خدا گفته شده که واجد همه اشکال و صور می‌باشند (Visvarūpa). در ریگودا ذکری از تندیس خدایان و یا معابد نشده است. در مورد بعض خدایان آمده که لباس می‌پوشند و در مورد آلهه طلوع گفته شده که لباس شوخ به تن دارد. برخی از خدایان آراسته به زره و «خود» اند. اندرا همیشه مجهز به «وَجْر» است؛ در حالی که خدایان دیگر تبرزین و تیر و کمان دارند. معمولاً هر خدایی گردونه‌ای دارد که اسب‌ها آنرا می‌کشند؛ اما اربابۀ پوشان را بزها و گردونۀ «ماروت»‌ها را شاید آهوان خالدار و نیز اسبان و اربابۀ «اوشس» را گاووان و همچنین اسبان می‌کشند و پیش می‌برند. خدایان در گردونه‌هاشان سوارند و چنان نشان داده شده‌اند که از دور می‌آیند تا در مراسم قربانی شرکت جویند و روی علف‌های مقدس بنشینند. «اگنی» (خدای آتش)، گاهی خدایان آسمانی را به حضور در قربانی‌ها در زمین می‌خواند و اوست که حصۀ هر خدایی را می‌دهد. نوشابۀ شادی‌افزای خدایان عموماً افشردۀ مخمر «سوما» است. خوراک یا غذای خدایان، خوراک‌هایی است که مورد پسند آدمیان قرار گرفته و در قربانی‌های مختلف به آنان تقدیم و نیاز می‌شود. موادی که در قربانی‌ها به خدایان اهدا می‌شود، غالباً شامل شیر به اشکال مختلف خود و کره و جو و برنج (شاید در قدیم‌ترین عصر ودایی برنج نبوده) و گاو و گوسفند است. حیوانات و احشام و اغنام زنده‌ای که به خدایان می‌دهند معمولاً باید با ویژگی‌های خاص هر خدایی رابطه داشته باشد؛ مثلاً گاو یا گاو میش که «اندرا» را با آن دو مقایسه می‌کنند؛ به اندرا تقدیم می‌گردد و او در پاره‌ای اوقات آنها را زنده می‌بلعد (۲۲). اسب‌های «اندرا» همچون اسب‌های کره زمین، حبوبات و علوفه می‌خورند.

منازل خدایان را آسمان یا آسمان سوم و یا بلندترین گام ویشنو می‌پنداشتند و در آنجاست که با افشردۀ نشاط‌بخش «سوما» زندگی خوشی را می‌گذرانند. از مجموع سرودهای ودایی چنین

برمی‌آید که معمولا خدایان در يك محیط مسالمت‌آمیز به سر می‌برند ولی آنان فارغ از تمایلات آدمیان نیستند و گاه‌گاه میانشان نزاع رخ می‌دهد و به جنگ و ستیز می‌پردازند. بیش از همه خدایان، «اندرا» سر جنگ دارد و ستیزه‌جویی می‌کند. او یکبار با خدایان شب و روز به نبرد برخاست (۴/۳۰). از این گذشته او پدر خود را کشت و مادر خویش را بیوه کرد (۲۲) و گردونه سپیده‌دم را درهم شکست (۲۰). همچنین گفته‌اند یکبار «ماروت»‌ها را که یاران و همراهان و متحدان وفادارش بودند، به مرگ تهدید کرد (۲۹).

خدایان نماینده نیروهای طبیعت از قبیل: آتش و خورشید و رعد و برق، در نظر هندوان آریایی‌نژاد پیروز و با نشاط عصر ودایی، موجودات صاحب کرم و بخشنده کامران جلوه می‌کردند. تنها خدای آسیب‌رسان «رودرا» شناخته می‌شد که به آدمیان خاکی آزار می‌رسانید.

هندوان عصر ودایی، وجود دیوان شریر و پلید را باور داشتند و آنان را به دو دسته دیوان کوچک و بزرگ در نظر مجسم می‌کردند.

دیوان کوچک، عامل آسیب‌ها و بدی‌هایی از قبیل: بیماری و عوارضی که با زندگی آدمیان ارتباط داشت، توصیف شده‌اند؛ ولی دیوان بزرگ مانند: دیو خشک‌سالی و تاریکی که سردهسته آنها و ریترا به‌شمار می‌رفت، بسیار خطرناک‌تر بودند.

خدایان بسان آدمیان بخشنده و مهربان‌اند و به آدمیان ثروت می‌بخشند و گاوان و گوسفندان و رمه‌ها را افزون می‌کنند و فرزندان - خاصه پسر - به ستایش و نیایش‌کنندگان خویش عطا می‌فرمایند و آنان را از آسیب دشمنان محفوظ نگاه می‌دارند. تمایل خدایان به قربانی بسیار زیاد است و از خواندن سرودهایی که هنگام گرفتن افشیره سوما با آهنگ می‌خوانند لذت می‌برند و نیازهایی را که در آتش قربانی می‌اندازند، دریافت می‌دارند و هر يك سهم خویشتن را می‌گیرد. خدایان دوستان قربان - کنندگان‌اند و با مردم با فتوت که به نیازمندان و درویشان و فقیران طعام و لباس می‌دهند مهربان می‌باشند؛ ولی از خشک

ناخنان و خسیسان، خشمگین و ناخشنودند. شخصیت خدایان ودایی اخلاقی نیز می‌باشد. غالب خدایان راستگو هستند و از فریب‌کاری بیزار. آنان دوست و سرپرست درستکاری و نیکوکاری بشمار می‌روند. البته به «اندرا» نسبت ارتکاب خلاف اخلاق حسنه داده شده و اعمالی مرتکب شده که در عرف مردمان پسندیده نیست. خدایان گروهی موسوم به «آدیتیه»ها - به ویژه «ورونا» - حامی اصلی قانون اخلاق می‌باشند و بدکاران را مورد خشم و نفرت قرار می‌دهند، ولی قهر و آشفستگی «ورونا» با تقصیرات و گناهان رابطه نزدیک دارد. از اگنی هم درخواست عفو و اغماض می‌شود. «اندرا» گناهکاران را به کیفر می‌رساند؛ لیکن این خصوصیت در مورد او بر سبیل مجاز است. معیار اخلاق مقدس در ریگ ودا در حقیقت يك مرحله ابتدایی تمدن را نشان می‌دهد؛ مثلاً وابستگی «ورونا» با اخلاق حسنه و نیکوکاری از نوعی نیست که او را از دست زدن به نیرنگ در قبال دشمن و فریبکار باز دارد؛ اما نسبت به نیکوکاران و پرهیزگاران وفاداری «ورونا» انحراف پذیر نخواهد بود. در قبال وفاداری ورونا نسبت به رعایت قانون اخلاق، «اندرا»ی ماجراجو و جنگاور گاهی حتی بی‌توجیه هدف خود، از بکار بردن حيله و نیرنگ ابا ندارد و اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارد. خدایان رویهمرفته، دارای قدرت و نیروی ماورای طبیعی‌اند و هرچه بخواهند می‌توانند انجام دهند. برآوردن آرزوها و امیال پرستندگان صرفاً در صلاحیت و توانایی آنان می‌باشد. خدایان بر همه مخلوقات سلطه و قدرت و فرمانروایی دارند و هیچ موجودی نمی‌تواند از فرامین ایشان سرپیچی کند و یا بیش از زمانی که مقدر شده است، زنده بماند.

همان‌گونه که قبلاً باز نموده شد، «ریگ ودا» و همچنین «اتهر ودا» شمار خدایان را ۳۳ تا ذکر کرده‌اند (۱۷/۱۰ و ۳/۹ و غیر آن) و این شمار ۳۳، چندین بار به صورت سه بار یازده (۸/۳۵ و غیره) تصریح شده است. در يك قطعه آمده که یازده خدا در آسمان و یازده در زمین و یازده در آبها (= جو، هوا) وجود دارند. «اتهر ودا» به همین‌گونه خدایان را به

ساکنان آسمان و جو و زمین تقسیم می‌کند؛ بی‌آنکه تعدادشان را معین و مشخص سازد. معدل ۳۳ خدا همه وقت جامع و کامل بشمار نیامده است؛ بلکه در پاره‌ای از ابیات (۳۹ و ۸/۳۵ و ۳۵ و ۱/۳۴) علاوه بر ۳۳ خدا به‌شمار بیشتری اشاره شده و حتی در جایی تعداد خدایان به رقم ۳۳۳۹ رسیده است (واجس نبی سنهیتا $۳۳/۷ = ۱۰/۵۲ = ۳/۹$).

در ریگ‌ودا، خدایان به سه دسته آسمانی و جوی و زمینی (۶۵ و ۱۰/۴۹ و ۷/۳۵ و ۶/۵۱) تقسیم شده‌اند. به عبارت دیگر آنجا که خدایان را به آسمان و زمین و آب‌ها ارتباط داده‌اند به تقسیم سه‌گانه‌ای قائل شده‌اند. در «براهمن»‌ها یعنی تفسیر-های منشور وداها شمار خدایان به ۳۳ حصر پیدا می‌کند. «شت پت براهمن» و «ایتریه براهمن» در تقسیم خدایان به سه گروه اصلی: هشت «واسو» و یازده «رودرا» و دوازده «آدیتی» همداستان‌اند؛ اما در نام دو خدای دیگر هم‌آهنگ نیستند. «شت پت براهمن» خدای آسمان (Dyaus) و خدای زمین (Prthivī) را بر جمع خدایان می‌افزاید $۲ + ۱۲ + ۱۱ + ۸ = ۳۳$ و رقم ۳۳ تکمیل می‌شود (۷ و ۴/۵)، در حالی که پرچاپتی در اینجا سی و چهارمین بشمار می‌آید؛ لیکن در «ایتریه براهمن» بر رقم ۳۱ دو نام «پرچاپتی» و «وشت کار» (Vasatkāra) افزوده شده و رقم ۳۳ به دست آمده است.

در سرود ۱۳۹ ماندالای اول ریگ‌ودا، آمده که منزل‌گاه یازده خدا در آسمان و جایگاه یازده خدا در زمین و مقام یازده خدا در آب‌ها (جو) است که با مسرت قربانی را می‌پذیرند. «ساینه» در تفسیر خود می‌گوید در این سرود فقط از سه خدا سخن رفته است که خدای زمین و جو و آسمان باشد و بقیه اشکال گونه‌گونه آن سه می‌باشند. به عبارت دیگر خدایان گروه‌های آسمانی و جوی و زمینی در واقع نماینده قدرت‌های مختلف خدای زمین و خدای جو و خدای آسمان تلقی شده‌اند. «یاسکا»، می‌نویسد پیشینیان او که ودا را تفسیر کرده‌اند، برین باور بوده‌اند که فقط سه خدا وجود دارد: اگنی، در زمین و «وایو» یا «اندرا» در جو و «سوریا» در آسمان.

در ریگ ودا، در بیتی چنین آمده است: باشد که «سوریا» از آسمان و «وات» از جو (هوا) و «اگنی» از زمین مناطق خاکی ما را حفظ کنند (۱۵۸/۱۰). شاید این نظر که فقط سه خدا وجود دارد، از بیت بالا ریشه گرفته باشد.

«یاسکا» برین باور است که هر یک از خدایان، بنا بر اعمال و کارهایشان به نام‌های مختلفی نامیده شده‌اند و این بیان «یاسکا» با گفته «ساینه» که قبلاً بدان اشاره شد مبین این امر است که خدایان گوناگون ودایی فقط صورت یا اشکال مختلف سه خدا شناخته می‌شدند که یکی در آسمان و دو دیگر در جو و سدیگر در زمین مقام دارند.

«یاسکا» در بخش «نیگنتوکه» (Naighantuka) که قسمت فقه‌اللفه کتاب «نروکتا» را تشکیل می‌دهد، علاوه بر ۳۳ خدا از خدایان کم‌اهمیت‌تر و اشیای ساخته شده‌ای هم نام می‌برد که رویهمرفته در هر یک از سه گروه زیادتر از یازده خدا می‌شود. بعبارت دیگر جمع خدایان از ۳۳ خدا افزون‌تر می‌گردد. در این فهرست اسامی خدایان نام «توشتری» و «پریتمیوی» در هر سه دایره یا جدول وجود دارد و اسم «اگنی» و «اوشس» در دایره زمینی و جوی هر دو ثبت آمده و نام «ورونا» و «یم» و «سویتری» فقط در دایره هوایی قید شده است.

ظاهراً دو خدای ودایی یکی «اندرا» و دو دیگر «ورونا» بر دیگر خدایان برتر و در رده اول قرار گرفته بودند. «اندرا» به عنوان خدای جنگجوی توانا و «ورونا» به عنوان فرمانروای عالی و برتر اخلاقی شناخته می‌شدند. چهره قدیمتر «ورونا» در ایران برای صفات برجسته اخلاقی او - در مذهب زردشت - به نام اهورا یا اهورامزدا نگریسته می‌شود ولی در هند «اندرا» خدای جنگجوی آریایی، معروفیت بیشتر یافت. ورونا وقتی بسیار برجسته و نمایان می‌گردد که مظهر قوانین متعالی جهان فیزیکی و اخلاقی در نظر گرفته می‌شود؛ اما نمی‌توان او را یک خدای مشهور و عمومی بشمار آورد.

از طرف دیگر محققان برین باورند که «ورونا» و «آدیتی»ها برترین خدایان عهد قدیمتر دوره ودایی بوده‌اند؛ اما بعداً شهرت

«اندرا» آن‌ها را از مقام نخستین تنزل داد. در هر حال شاهدی وجود ندارد که ثابت کند اندرا حتی در قدیمترین عصر ودایی مقام پایین‌تر داشته است. درست است که در «اوستا» اهورامزدا بالاترین خدا است و «اندرا» فقط يك دیو پلید؛ اما در عصر هند و ایرانی، «اندرا» در واقع با «ورونا» هم‌تراز و يك نیروی هماهنگ محسوب می‌شد، هنگامی که اصلاح‌مذهب اوستایی صورت گرفت و اهورامزدا بالاترین خدا بشمار آمد، «اندرا» در ایران به پشت صحنه افکنده شد.

پس از «اندرا» و «ورونا» ظاهراً دو خدای بزرگ ودایی «اگنی» و «سوما» می‌باشند. در مورد این دو و نیز «اندرا» که جمعاً سه خدای مشهور ریگ‌ودایی شناخته می‌شوند، مآخذ برتری آنها نسبت به دیگران فقط کثرت سرودهایی می‌باشد که به آنان خطاب شده است. بطور تقریب می‌توان گفت که سه پنجم سرودهای ریگ‌ودا در وصف ستایش این سه خدا است.

از نظر کثرت سرودها و تکرار نام‌خدایان در ریگ‌ودا می‌توان نام آنان را در چنین جدولی قرار داد:

- ۱- «اندرا» و «اگنی» و «سوما».
- ۲- «اشوین»‌ها و «ماروت»‌ها و «ورونا» و «پوشان».
- ۳- «اوشس» و «سویتری» و «بریهسپتی» و «سوریا»
- ۴- «وایو» و «دیاوا پریتھوی» (Dyāva - Prthivī = آسمان و زمین) و «ویشنو» و «رودرا».
- ۵- «یم» و «پرچنیه».

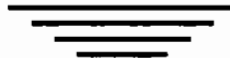
البته معیار این آمار می‌تواند تنها يك راهنما باشد. «ورونا» غالباً همراه «میترا» نامش در ودا آمده و مورد تجلیل قرار گرفته و رویهمرفته ۲۵۰ بار اسمش در ریگ‌ودا آمده، در حالی که دو «اشوین» فقط در بیش از پنجاه سرود مورد ستایش قرار گرفته‌اند و نام‌شان بیش از چهارصدبار ذکر شده است. با این‌همه نمی‌توان گفت آنها به عظمت و رونا رسیده‌اند. برجستگی نسبی اینان برای رابطه نزدیک‌شان با قربانی به‌عنوان خدایان نور صبحگاهی است. باز اهمیت «ماروت»‌ها برای همدمی و هم‌پیمانی با «اندرا» می‌باشد.

برای خدایان ودایی نمی‌توان يك طبقه‌بندی مسلمی را عنوان کرد؛ زیرا در ریگه‌ودا بطور صریح و روشن در این مقوله سخنی به‌میان نیامده است.

از آنچه پیرامون خدایان هندوان در این‌جا نقل شد، غالباً بر پایه‌ی اساطیر و یا وابسته به داستان‌های قدیمی است که بشر عصر ودایی درباره‌ی آفرینش و آفریدگار می‌اندیشیده است. وگرنه خداوند تبارک و تعالی یکی است و شريك و هم‌تا ندارد. او آفریننده‌ی آفرینش است و خالق همه‌ی موجودات. بهترین توصیفی که می‌توان از خدای تبارک و تعالی بر زبان راند، توصیفی است که در قرآن مجید (سوره‌ی اخلاص) خداوند خطاب به‌خاتم پیامبران حضرت محمد بن عبدالله فرموده است:

«قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا

احد».



گویندگان سرودهای ریگودا

در ادب هندو، معمولاً گوینده سرود ودایی را «ریشی» (Rṣi) خوانند. این واژه از ریشه مهجور، ورش، VRS. به جای درش (DRŚ) به معنی دیدن مأخوذ است و به همین جهت ریشیان را بینندگان نیز نامیده‌اند و در لغت سنسکریت به معنای ملهم، عارف، شاعر، سراینده سرودهای مقدس یا حکیم الهام یافته است. در رساله‌های «براهمن»ها نام هفت ریشی (Sapta-Rṣi) به اسامی ذیل آمده: ۱- گوتم (Gotama) ۲- بهردواج (Bharadvāja) ۳- ویشوامتر (Viśvāmitra) ۴- جمداگنی (Jamadāgni) ۵- وسیشته (Vasiṣṭha) ۶- کشیپه (Kaśyapa) ۷- اتری (Atri) و اینان را هفت پرچاپتی یا هفت ریشی بزرگ خوانده‌اند.

در حماسه مهابهارت نام‌های ریشیان بزرگ از این قرار است:

۱- مریچی (Marici = روشنایی) ۲- اتری ۳- انگیرس (Aṅgiras) ۴- پلمه (Pulaha) ۵- پلستیه (Pulastya) ۶- کرتو (Kratu) ۷- بسیشته.

در قانون مانو، برهما خدای آفریدگار معرفی شده و در عین حال او پرچاپتی است که جهان هستی را نگاهداری می‌کند.

در پاره‌ای ادبیات ودایی، مانوسویم بهوه (Manu-Svayam Bhuva) = قائم بالذات یا خودموجود) پسر برهما معرفی شده و دومین آفریدگار یا خالق است که ده پرچاپتی را بوجود آورد ولیکن در برخی مأخذ معتبر هندو، اولین خدایی که ذات مطلق او را بیافرید،

برهما بود و برهما ابتدا ده پرچاپتی یا ریشی بزرگ را به اسامی ذیل خلق کرد:

مریچی، اتری، انگیرس، پلستیه، پلکه (Pulaka)، کرتو، وسیشته، پرچتس (Prachetas)، دکشه (Dakṣa)، بهرگت (Bhṛgu)، و نارد (Narada). در مهابهارت یکجا تعداد پرچاپتی‌ها به ۲۱ تن افزایش پیدا کرده است.

بنابر آنچه ذکر شد عدهٔ ریشیان بزرگ هفت یا ده ریشی است که پرچاپتی نیز خوانده می‌شوند.

چنان که در مقدمه این کتاب قبلا اشاره شده است: در هیچیک از وداهای چهارگانه، به نام «برهما» (آفریدگار) بر نمی‌خوریم و نخستین بار در رساله‌های منشور براهمن‌ها - یعنی تفسیر وداها - نام برهما به عنوان آفریدگار آمده است.

پس از دورهٔ ودایی علاوه بر هفت ریشی یا ده ریشی به‌همهٔ گویندگان سرودهای ریگ‌ودا عنوان ریشی داده‌اند و هر سوکتایی به نام گویندهٔ آن ثبت و ضبط شده است.

بنابر فهرست مشهور و معروف «سروانوکرمنی» (Sarvanukramani) مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ‌ودا، اثر طبع ۴۰۷ ریشی است که در فهرست مذکور گویندهٔ هر سرودی معین و مشخص شده است و برای مزید اطلاع خوانندگان نام‌های ریشی‌های ریگ‌ودا به ترتیب حروف الفبایی در اینجا نقل می‌شود:

نامهای شاعران سرودهای ریگ ودا (بنا بر فهرست سروانوکرمنی)

INDEX OF THE RSIS OF THE R̥GVEDA ACCORDING TO THE SARVĀNUKRAMANI

- | | |
|---|---|
| 1- Amhomuk Vāmadevya | 24- Atri Bhauma |
| 2- Akratā Māsāh | 25- Atri Sāmkhya |
| 3- Aksa Maujavān | 26- Aditi |
| 4- Agastya Maitrāvaruna | 26- Aditi |
| 5- Agastya-Sisyāh | 27- Aditi Dāksāyani |
| 6- Agastya-Svasā | 28- Anānata Pārucchepi |
| 8- Agni Pāvaka | 29- Anila Vātāyana |
| 9- Agni Pāvaka Bārhaspaya | 30- Andhigu Syāvāsvi |
| 10- Agni Saucika | 31- Apālā Ātreyi |
| 11- Anayah Dhisnyā Aisvarāh | 32- Apratitaha Aindra |
| 12- Agnnyuta Sthaura | 33- Apsarasau Sikhandinqau
Kāsyapyau |
| 13- Agniyupa Sthaura | 34- Abhitapas Saurya |
| 14- Agnirghapatih Sahasah
Sutah | 35- Abhivarta Āngirasa |
| 15- Agnirpavisthah Sahasah | 37- Ambarisa Vārsāgira |
| 16- Agni Vaisvānara | 38- Ayāsyē Āngirasa |
| 17- Agni Cāksusa | 39- Aristanemi Tārksya |
| 18- Agni Tāpasa | 40- Aruna Vaitahavya |
| 19- Aghamarsana Mādhuccan-
das | 41- Arcanānas Ātrya |
| 20- Anga Aurava | 42- Arcan Hairanyastupa |
| 21- Angirasah Sahasram Vasu-
rocisah | 43- Arbuda Kādraveya Sarpa |
| 22- Ajamilha Sauhotra | 44- Avatsāra Kāsyapa |
| 23- Ajāh Prsnayah | 45- Avasyu Ātreya |
| | 46- Asvamedha Bhārata |
| | 47- Asvasukti Kānvāyana |

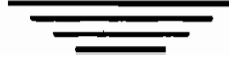
- | | |
|-------------------------------|--|
| 48- Astaka Vaisvāmitra | 89- Evayāmarut Ātreya |
| 49- Astrādanstra Vairupa | 90- Kaksivā Dairghtamas |
| 50- Asita Kāsyapa | 91- Kanva Ghaura |
| 51- Atmā | 92- Kata Vaisvāmitra |
| 52- Ayu Kānva | 93- Kapota Nairrta |
| 53- Āsanga Plāyogi | 94- Kaprikrata Vātarasana |
| 54- Ita Bhārgava | 95- Karnasrut Vāsistha |
| 55- Idhmavāha Dārdhacyua | 96- Kali Prāgātha |
| 56- Indra | 97- Kavasa Ailusa |
| 57- Indrapramati Vāsistha | 98- Kavi Bhārgava |
| 58- Indranmātarah Devajāmayah | 99- Kasyapa Mārica |
| 59- Indrasya Snusā | 100- Kutsa Āngirasa |
| 60- Indrāni | 101- Kumāra (Vatsa) |
| 61- Indra Muskavān | 102- Kumāra Ātreya |
| 62- Indra Vaikuntha | 103- Kumāra Yāmāyana |
| 63- Irimbithi. Kānva | 104- Kurusuti Kānva |
| 64- Isa Ātreya | 105- Kulamalabarisa Sailusi |
| 65- Ucathya Āngirasa | 106- Kusika Aisirathi |
| 66- Utkila Kātya | 107- Kusika Saubhara |
| 67- Upamanyu Vāsistha | 108- Kusidi Kānva |
| 68- Upastuta Vārstihavya | 109- Kurma Gārtsamada |
| 69- Uruksaya Āmahiyava | 110- Krtayasas Āngirasa |
| 70- Urucakri Ātreya | 111- Krun Bhārgava |
| 71- Urvasi | 112- Krsa Kānva |
| 72- Ula Vātāyana | 113- Krsan Āngirasa |
| 73- Usana Kāvya | 114- Ketu Āgneya |
| 74- Uru Āngirasa | 115- Gaya Ātreya |
| 75- Urdhvakrsana Yāmāyana | 116- Gaya Plāta |
| 76- Urdhvagrā Ārbudi | 117- Garga Bhāradvāja |
| 77- Urdhvanābhā Brāhma | 118- Gavīsthira Ātreya |
| 78- Urdhvasadmā Āngirasa | 119- Gāthi Kausika |
| 79- Rjivārsāgira | 121- Grtsamada Āngirasa Sauna-
hotra (after adoption-Grtsa-
mada Bhārgava Saunaka) |
| 80- Rjrāsva Vārsāgira | 122- Grhapati Sahasahruta |
| 81- Rnañcaya | 123- Gotama Rāhugana |
| 82- Rsabha Vairāja | 124- Godhā |
| 83- Rsabha Vaisvāmitra | 125- Gopavana Ātreya |
| 84- Rsabha Sākvara | 126- Gasukti Kānvāyana |
| 85- Rsayah Drstalingāh | 127- Gauriviti Sāktya |
| 86- Rsyasrnga Vātarasana | 128- Gharma Tāpasa |
| 87- Ekadyu Naudhasa | |
| 88- Etasa Vātarasana | |

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| 129- Gharma Saurya | 171- Dvita Mrktavāhas Ātreya |
| 130- Ghora Āngirasa | 172- Dharuna Āngirasa |
| 131- Ghosā Kāksivati | 173- Dhruva Āngirasa |
| 132- Caksu Saurya | 174- Nabhaprabhedana Vairupa |
| 133- Citavana Bhārgava | 175- Nara Bhāradvāja |
| 135- Jamadagni Bhārgava | 176- Nahusa Mānava |
| 136- Jaya Aindra | 177- Nābhāka Kāuva |
| 137- Jaratkarna Sarpa Airavata | 178- Nābhānedistha Mānava |
| 138- Jaritā Sārnga | 179- Nārada Kānva |
| 139- Jubu Brahmajyā | 180- Nārāyana |
| 140- Juti Vātarasana | 181- Nidhruvi Kāsyapa |
| 141- Jetā Mādhubchandasa | 182- Nipātithi Kānva |
| 142- Tapumurdhā Bārhaspatya | 183- Narmedha Āngirasa |
| 143- Tānva Pārthya (Pārtha | 184- Nema Bhārgava |
| 144- Tirasci Āngirasa | 185- Nodhas Gautāma |
| 145- Trasadasyu Paurukutsya | 186- Panayah Asurāh |
| 146- Trita Āptya | 187- Patanga Prājāpatya |
| 147- Trisiras Tvāsta | 188- Parasu Rāma Jāmadagnya |
| 148- Trisoka Kānva | (See Rāma Jāmadagnya) |
| 149- Tryaruna Trairsna | 189- Parāsara Sāktya |
| 150- Tvatā Garbhakatrā | 190- Parucchapa Daivodāsi |
| 151- Daksinā Prājāpatya | 191- Parvata Kānva |
| 152- Damana Yāyana | 191 Pacitra Āngirasa |
| 153- Divya Āngirasa | 193- Pāyu Bhāradvāja |
| 154- Dirghatamas Aucathya | 194- Punarvatsa Kānva |
| 155- Durmitra Kautsa | 195- Purumilha Āngirasa |
| 156- Duvasy Vāndana | 196- Purumilha Sauhotra |
| 157- Drlhacyuta Āgastya | 198- Pururavas Aila |
| 158- Devamuni Airammada | 199- Puruhanmman Āngirasa |
| 159- Devarāta Vaisvāmitra | 200- Pustigu Knva |
| 160- Devala Kāsyapa | 201- Putadaksa Āngirasa |
| 161- Devavāta Bhārata | 202- Purana Vaisvāmitra |
| 162- Devasravas Bhārata | 203- Pura Ātreya |
| 163- Devasravas Yāmāvana | 204- Prthu Vainya |
| 164- Devāh | 205- Prsadhra Kānva |
| 165- Devātithi Kānva | 206- Paura Ātreya |
| 166- Devāpi Ārstisena | 207- Pragātha Kānva |
| 167- Dyutāna Māruta | 208- Pracetas Āngirasa |
| 168- Dyumna Visvacarsani Ātreya | 209- Prajāpati Paramesthi |
| 169- Drona Sānga | 210- Prajāpati Vācyā |
| 170- Dvita Āptya | 211- Prajāpati Vaisvāmitra |

- 212- Prajāvān Prājāpatya
 213- Pratardana Kāsirāja Davodāsi
 214- Pratiksatra Ātreya
 215- Pratiprabha Ātreya
 216- Pratibhānu Ātreya
 217- Pratiratha Ātreya
 218- Pratha Vāsistha
 219- Prabhucasu Āngirasa
 220- Prayasvantah Atrayah
 221- Prayoga Bhārgava
 222- Praskanva Kānva
 223- Priyamedha Āngirasa
 224- Bandhu Gaupāyana Laupāyana
 225- Babhru Ātreya
 226- Baru Āngirasa
 227- Bāhuvrkta Ātreya
 228- Bindu Āngirasa
 229- Budha Ātreya
 230- Budha Saumya
 231- Brhaduktha Vāmadevya
 232- Brhaddiva Ātharvana
 233- Brhanmati Āngirasa
 234- Brhaspati Āngirasa
 235- Brhaspati Laukya or Āngirasa
 236- Brahmātithi Kānva
 237- Bhayamāna Varsāgira
 238- Bharadaāja Bārhaspatya
 239- Bharga Prāgātha
 240- Bhāvayavya
 241- Bhiksu Āngirasa
 242- Bhisak Ātharvana
 243- Bhuvana Āptya
 244- Bhutāmsa Kāsyapa
 245- Bhrigu Vāruni
 246- Matsya Sāmmada
 247- Mathita Yāmāyana
 248- Madhucchandas Vaisvāmitra
 249- ManuĀpsava
 250- Manu Vaivasvata
 251- Manu Sāmvarana
 252- Manyu Tāpasa
 253- Mayu Vāsistha
 254- Marutah
 255- Mātarisvan Kānva
 256- Māndhātā Yauvanāsva
 257- Mānya Maitrāvaruni
 258- Mudgala Bhārmyasva
 259- Murdhanvān Vāmadevya (or Āngirasa)
 260- Mrlika Vāsistha
 261- Medhātithi Kānva
 262- Medhya Kānva
 263- Medhyātithi Kānva
 264- Yaksmanāsana Prājāpatya
 266- Yajña Prājāpatya
 267- Yama Vaivasvata
 268- Yami Vaivasvati
 269- Yayāti Nāhusa
 270- Raksohā Brāhma
 271- Rahugana Āngirasa
 272 Rātahavya Ātreya
 273- Rātri Bhāradvāji
 274- Rāma Jāmadagnya
 275- Renu Vaisvāmitra
 276- Rebha Kāsyapa
 277- Rebhasunu Kāsyapau
 278- Romasā
 279- Laba Aindra
 280- Lusa Dhānāka
 281- Lopāmudrā
 282- Vatsa Āgneya (See Kumāra Āgneya)
 283- Vatsa Kānva
 284- Vatsapri Bhālandana
 285- Vamra Vaikhānasa
 286- Varuna
 287- Vavri Ātreya
 288- Vasa Asvya
 289- Vasistha Maitrāvaruni

- 290- Vasisthaputrāh
 291- Vasu Bhāradvāja
 292- Vasukarna Vāsukra
 293- Vasukrt Vāsukra
 294- Vasukra Aindra
 295- Vasukrapatni Indrasnūsā
 296- Vasukra Vāsistha
 797- Vasumanas Rauhidasva
 298- Vasurocisah Angirasah
 Sahasran (See Angirasah)
 299- Vasusruta Ātreya
 300- Vasuyavah Ātreya
 301- Vāk Āmbhrni
 302- Vātajuti Vātarasana
 303- Vāmadeva Gautama
 304- Viprajuti Vātarasana
 305- Viprabandhu Gaupāyana
 306- Vibrāt Saurya
 or Laupāyana)
 307- Vimada Aindra
 308. Vimada Prājāpatya
 309- Virupa Āngirasa
 310- Vivasvān Āditya
 311- Vivrhā Kāsyapa
 312 Visvakarmā Bhauvana
 313- Visvamanas Vaiyava
 314- Visvavārā Ātreya
 315- Visvasāman Ātreya
 316- Visvaka Kārsni
 317- Visvāmitra Cāthina
 318- Visvāsu Devagandharva
 319- Visnu Prājāpatya
 320- Vihavya Āngirasa
 321- Vitahavya Āngirasa
 322- Vrsa Jāna
 323- Vrsagana Vāsistha
 324- Vrsākapji Anindra
 325- Vrsanaka Vātarasana
 326- Vena Bhārgava
 327- Vaikānasāh Satam
 328- Vyasva Āngirasa
 329- Vyāghrapād Vāsistha
 330- Samyu Bārhaspatya
 331- Sakaputa Nārmedha
 332- Sakti Vāsistha
 333- Sankha Yāmāyana
 334- Saci Paulami
 335- Sataprabhedana Vairupa
 336- Sabara Kāksivata
 337- Sasakarna Kānva
 338- Sasvati Angirasi
 339- Sāryāta Mānava
 340- Sāsa Bhāradvāja
 341- Sibi Ausinara
 342- Sirimbitha Bhāradvāja
 343- Sisu Āngirasa
 344- Sunahsepa Ājigarti
 345- Sunahotra Bhāradvāja
 346 Syāvāsva Ātreya
 347- Syena Āgneya
 348- Sraddhā Kāmāyani
 349- Srutakaksa Āngirasa
 350- Srutabandhu Gaupāyana
 (or Laupāyana)
 351- Srutavid Ātreya
 353 Sarnvanana Āngirasa
 354- Samvarana Prājāpatya
 355 Samvata Āngirasa
 356- Sankusuka Yāmāyana
 357- Satyadhrti Vārūni
 358- Satyasravas Ātreya
 356- Sadāprna Ātreya
 360- Sadhvamsa Kānva
 361- Sadhri Vairupa
 362- Sapta Rsayh
 363 Saptagu Āngirasa
 364- Saptavadhdi Ātreya
 365- Sapti Vājāmbhara
 366- Sapratha Bhāradvāja
 367- Saramā Devasuni
 368- Sarvahari Aindra
 369- Savya Āngirasa

- | | |
|--|-------------------------------|
| 370- Sasa Ātreya | 386- Sumitra Kautsa |
| 371- Sahadeva Vārsāgira | 387- Surādha Vārsāgira |
| 373- Sārisrka (acc. to the <i>Anu-
kramani</i>) and Sārisrkva
(acc. to the <i>Mahā-Bharata</i>) | 388- Suvedas Sairisa |
| 374- Sarparājñi | 389- Suhastva Ghauseya |
| 375- Sikatā Nivāvari | 390- Suhotra Bhāradvāja |
| 376- Sindhuksit Praiyamedha | 391- Sunu Ārbhava |
| 377- Sindhudvipa Āmbarisa | 392- Suryā Sāvitrī |
| 378- Sukaksa Āngirasa | 393- Sobhari Kānva |
| 379- Sukirti Kāksivata | 394- Soma |
| 380- Sutambhara Ātreya | 395- Somāhuti Bhārgava |
| 381- Sudās Paijavana | 400- Stambarnitra Sāringa |
| 382- Suditi Āngirasa | 401- Syumarasmi Bhārgava |
| 383- Suparna Kānva | 402- Svastyātreya |
| 384- Suparna Tārksya | 403- Harimanto Āngirasa |
| 385- Subandhu Gaupāyana or
Laupāyana | 404- Haryata Prāgātha |
| | 405- Havirdhāna Āngi |
| | 406- Hiranyagarbha Prājāpatya |
| | 407- Hiranyastupa Āngirasa |



ریگودا و روابط دیرپای ایران و هند

ریگودا، برای ما ایرانیان، از سه نظر درخور اهمیت است، یکی بستگی آن کتاب به تاریخ جهان و دو دیگر تعلقش به تاریخ هندوستان و سدِ دیگر ارتباطش به تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران باستان.

ریگودا، تقریباً به همهٔ زبان‌های زندهٔ جهان برگردانده شده و سالیان دراز محققان هندی و غیر هندی برای تتبع و ترجمهٔ آن عمر خود را صرف کردند. در این ترجمه از تحقیقات و آثار مترجمان و مفسران هندی و غیر هندی از قبیل ارویندو، و ساینه، و پرساد، و ویلسون، و ساکس مولر، و گریفیث، و ماکدونل، و رت، و برگین، و گرسمن، و بنفی، و لویی رنو، و پول رنو و کسانی دیگر که نامشان در این کتاب آمده، استفاده شده است.

در اسفندماه سال ۱۳۴۰ هجری شمسی / مارس ۱۹۶۲ میلادی که به دعوت شورای روابط فرهنگی هند به آن سرزمین رفته بودم، بخشی از سرودهای این کتاب توسط راقم این سطور به زبان فارسی ترجمه شده بود و آنرا به نظر صائب دکتر تاراچند فیلسوف و مورخ و مؤلف متوفای معاصر رسانیدم و مورد پسند و قبول خاطر آن عالم بزرگ واقع شد. روز ۱۹ مارس همان سال که کتاب سِر اکبر (سِرْالأسرار)، ترجمهٔ فارسی پنجاه رسالهٔ اوپانیشاد به حضور جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند، در يك دیدار فرهنگی اهدا شد

نهر و از دیدن این کتاب بسیار مسرور شد^۱. هنگام معرفی او با سابقه دیدار و آشنایی، مرا شناخت و به دکتر تاراچند فرمود پیش از این باهم آشنا و دوست شده‌ایم. آنگاه دکتر تاراچند ضمن توصیف طبع انتقادی و تحقیقی «سِرّ اکبر» ترجمه دارا شکوه - دانشمند سده یازدهم هجری - بر زبان راند که نویسنده این سطور، گزیده‌ای از سرودهای ریگه‌ودا را به زبان فارسی برگردانده و آماده طبع است. جواهر لعل نهر و، گفته او را با حسن قبول تلقی کرد. همچنین روز بعد که مجموعه اوپانیشادها به دکتر رادها کریشنن معاون رئیس جمهوری هند هدیه شد، دکتر تاراچند همان مطلب را که با جواهر لعل نهر و گفته بود، بازگو کرد و او نیز مرا به چاپ ترجمه این کتاب ترغیب فرمود.

در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی / ۱۹۵۳ میلادی، دولت هند از چهار تن روزنامه‌نگار ایرانی برای يك بازدید شش‌هفته‌ای از هند بمنظور مشاهده پیشرفت‌هایی که در دوره بسیار کوتاه استقلال نصیب ملت هند شده بود، دعوت به عمل آورد و من یکی از اعضای این هیئت مطبوعاتی بودم^۱. ابتدا بر طبق برنامه از بمبئی به اورنگ‌آباد و از آنجا به حیدرآباد دکن که در آن وقت در آن شهر جلسات سالانه حزب کنگره ملی هند - حزبی که جماعات مختلف آن کشور را در راه کسب آزادی و استقلال هدایت و آماده و مجهز کرده بود - تشکیل یافته بود. اعضای هیئت مطبوعاتی ایران در حیدرآباد دکن با نهر و نخست‌وزیر و رئیس حزب کنگره و مولانا ابوالکلام آزاد و سایر زعمای آن حزب آشنا شدند. پس از پایان جلسات حزب کنگره، از حیدرآباد به دهلی نور رفتیم و در ایام بازدید از دهلی کهنه و نو، بر طبق برنامه از پیش تمپیه شده، یک روز ظهر اعضای هیئت مطبوعاتی مهمان رهبر هند آزاد شده بودیم^۲. درین

۱- در جلسه معارفه دکتر تاراچند و عبدالحسین مسعود انصاری سفیر ایران و محمود فضل‌ی رازین فرهنگی سفارت ایران حضور داشتند.

۲- اعضای هیئت مطبوعاتی عبارت بودند از: عباس مسعودی مدیر اطلاعات؛ عبدالرحمن فرامرزی مدیر کیهان؛ عمیدی نوری مدیر داد؛ و جلالی نائینی مدیر روزنامه کشور و سردبیر روزنامه باختر امروز.

ضیافت نهر و به عنوان میزبان و اعضای هیئت مطبوعاتی ایران، و بانو لکشمی (خواهر نهر و) و یک خانم دیگر، که معرفی نشد، حضور داشتند. نهر و اعضای هیئت را در باغ مقر نخست‌وزیری پذیرا شد. در آن وقت در حدود چهار سال از هنگام استقلال هند گذشته بود. در اثر سلطه ممتد و طولانی استعمار در هندوستان؛ ملت هند پس از بازیافت آزادی و استقلال خود، با مشکلات عدیده مواجه بود، از آن میان در اثر کمبود خواربار، موادخوراکی مورد نیاز عامه، جیره‌بندی بود. چون ما ایرانی بودیم و یکی از غذاهای ایرانیان برنج است، غذای اصلی درین ضیافت برنج بود. در سر میز ناهار خواهر جواهر لعل نهر و گفت مهمانان ایرانی ما تصور نکنند که ما هر روز برنج می‌خوریم؛ بلکه امروز برای دوستان ایرانی خود از جیره برنج خود استفاده کرده‌ایم. و بر کلام خود افزود: ما غذائی می‌خوریم که اکثریت افراد ملت هند می‌خورند و سعی شده در سراسر هند تمام طبقات جامعه از مزایای جیره‌بندی یکسان بهره‌مند گردند و کسی محروم نماند و سوء اداره‌ای در میان نباشد. پس از صرف ناهار و چای، نهر و بیش از یک ساعت سیاست دولت خود را در عدم وابستگی به دو بلوک غرب و شرق در وسط باغ خانه نخست‌وزیری توجیه و تجزیه و تحلیل کرد.

نهر و گفت: ما در امور داخلی هیچ کشوری مداخله نخواهیم کرد و نمی‌خواهیم و نمی‌گذاریم دیگران در امور داخلی ما دخالت کنند و خط‌مشی سیاسی هند را تعیین نمایند. غالب سخنان نهر و همان مطالب و اصولی بود که بیش از سی سال پیش در اعلامیه گردهم‌آیی پنج دولت غیرمتعهد در کشور اندونزی، جزو اصول همزیستی مسالمت‌آمیز مورد قبول قرار گرفت و منجر به تشکیل جبهه دولت‌های غیرمتعهد شد که هم‌اکنون در میان دو ابر قدرت، نیروی سوم محسوب می‌شوند و کم و بیش از اصل بی‌طرفی تبعیت می‌کنند و یا پاره‌ای از آنها تظاهر به تبعیت از اصل بی‌طرفی می‌نمایند. این بود سابقه آشنایی من با جواهر لعل نهر و که روز اهدای کتاب «سِرّ اکبر» اشاره بدان کرد و مرا مورد توجه و محبت و لطف خاص قرار داد.

این نکته لازم به یادآوری است که نهرو نسبت به ایران کمال حسن نظر داشت و در کتاب «کشف هند» خود یک فصل تمام به روابط دیرپای ایران و هند و نفوذ تمدن و فرهنگ ایران باستان و ایران اسلامی در هند اختصاص داده و بیانی شیوا و محققانه‌ای دارد که حقیقتی را روشن و مجسم می‌سازد. او می‌نویسد: «در میان ملت‌ها و نژادهای بسیار که با هندوستان تماس داشتند و در زندگانی و فرهنگ هند نفوذ کرده‌اند، قدیمترین و بادوام‌ترین آنها، ایرانیان می‌باشند»^۱.



با کسب آزادی و استقلال هند، دولت ایران به محض اعلام استقلال هند با کمال شادمانی و خوشوقتی استقلال آن کشور بزرگ را به رسمیت شناخت و جواهر لعل نهرو در پاسخ تلگرام شناسایی از سوی ایران، نامه‌ای به خط مولانا ابوالکلام آزاد به زبان فارسی با امضای خط اردویی جواهر لعل نهرو، به عنوان نخست‌وزیر وقت ایران، احمد قوام ارسال داشت. این نامه با یک بیت از خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی چنین آغاز می‌شد:

بیا تا گل‌برافشانیم و می‌در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی / ۱۹۶۹ میلادی که این کتاب انتشار یافت، مولانا ابوالکلام آزاد و نهرو هر دو به سرای دیگر شتافته بودند.

در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی / ۱۹۶۱ میلادی که ترجمه فارسی پنجاه اوپانیساد انتشار یافت، در مجامع علمی و فلسفی و عرفانی هر دو کشور ایران و هند با استقبال مواجه شد. در حقیقت انتشار این مجموعه فلسفی و عرفانی و کلامی هندو، باب هندشناسی را در عصر حاضر در ایران باز کرد و در هند نیز نظر محققان را به زبان و ادب شیوای فارسی که، میراث مشترک ده‌قرن گذشته دو ملت باستانی ایران و هند است، معطوف داشت.

۱- Discovery of India, London, 1946, P. I. 37 کتاب کشف هند تألیف جواهر

لعل نهرو به‌اهتمام شادروان محمود تفضلی به‌زبان فارسی در تهران ترجمه و چاپ شده است.

از آن گذشته، چون زبان فارسی، مفاهیم کلمات عرفانی و فلسفی هند را بهتر و رساتر از زبانهای اروپایی در قالب خویش جای می‌دهد، حائز اهمیت است. این مزیت نتیجه زحمات و مطالعات و بررسی‌های ممتد جمعی از دانشوران هندی و ایرانی است که به هر دو زبان سنسکریت و فارسی آشنا بودند و با ذوقی سرشار و اطلاعاتی ژرف که در زمینه‌های علمی و فلسفی و ادبی هر دو ملت داشتند، در طول قرون گذشته - از عصر علامه محمد بیرونی تا زمان حاضر - معادل پاره‌ای از لغات و اصطلاحات عرفانی و فلسفی و مذهبی و طبی و ادبی و رزمی موجود در زبان سنسکریت را در زبان فارسی یافتند و یا وضع کردند و در تضاعیف متون ترجمه‌هایی که از متن‌های سنسکریت به فارسی برگردانده شده است، جای دادند و بهترین نمونه‌های آنها را در ترجمه‌های فارسی کتب «یوگاوسیشته» (Yoga - Vasistha) و «مهابهارت» (Maha - Bharata) و «بهگودگیتا» (Bhāgavad - Gītā) و «راماینه» (Rāmāyana) و اوپانیشادها (Upaniṣads) و «تحفة الهند» (در علم موسیقی هندی) و کتاب‌های دیگری که از زمان زین‌العابدین پادشاه کشمیر و سلاطین دهلی و مغولی از متن سنسکریت به فارسی نقل شده است می‌توان یافت. از این گذشته مجموعه‌ای به اعتبار و قدمت مجموعه ترجمه فارسی «سراکبر» از متن سنسکریت که داراشکوه با همکاری و همیاری و راهنمایی سرآمد پندتان (Panditas) و سنیاسیان (Sam - Nyāsas) - یعنی: مرتاضان - به سال ۱۰۶۷ هجری قمری از سنسکریت به فارسی برگردانده است، در دست نیست. سراکبر به ما نشان می‌دهد که در سال ۱۰۶۷ هجری قمری رساله‌های اوپانیشاد نزد پندتان منحصر به پنجاه رساله بوده است و رسائل دیگری در دسترسشان قرار نگرفته و به این نکته در آخر کتاب سراکبر تصریح شده است.

هشت سال بعد از انتشار «سراکبر» یعنی در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی/ ۱۹۶۹ میلادی ترجمه ۱۳۹ سرود (Sukta) «ریگ‌ودا» با مقدمه دکتر تاراچند در تهران انتشار یافت. این ترجمه نیز به سهم خویش نظر دوستداران فرهنگ باستانی هند را که با فرهنگ اوستایی ایران قرابت دارد به خود جلب کرد و برای

نخستین بار بخشی از سرودهای ریگ‌ودا به زبان فارسی نقل شد و در دسترس همگان قرار گرفت و اینک طبع دوم آن با افزایشی در مطالب مقدمه و اضافاتی بر تعداد سرودها از نو چاپ و منتشر می‌شود.

با انتشار سراکبر به سال ۱۳۴۰ هـ / ۱۹۶۱ م و چاپ و انتشار گزیده سروده‌های ریگ‌ودا به سال ۱۳۴۸ هجری شمسی / ۱۹۶۹ میلادی، هیأت علمی و اجرائی دانشگاه بنارس، مرا به عضویت علمی آن دانشگاه برگزیدند و در ۳۰ مارس ۱۹۷۱ میلادی در چهل و سومین جلسه (Convocation) جشن سالانه خود با اعطای درجه دکترا در ادبیات و پذیرفتن این رهی در مجمع علمی خویش و عضویت آن دانشگاه مرا قرین افتخار بزرگی قرار دادند و در میراث کهن و پر ارجی که دانشگاه معتبر بنارس مظهر آن است، سهیم ساختند.

آنگاه در سال بعد، دانشگاه تهران، همگام با دانشگاه بنارس، از فیلسوف و مورخ کبیر هند دکترا چند تاراچند دعوت کرد که به ایران سفر کند و به ایراد چند سخنرانی علمی بپردازد. دکترا تاراچند با آنکه به سن کهولت رسیده بود به سبب تعلق خاطری که به زبان و ادبیات و فرهنگ و تمدن ایران داشت دعوت را اجابت کرد و چند سخنرانی در تهران ایراد نمود و دانشگاه تهران، در مراسم با شکوهی که در تالار دانشکده ادبیات برگزار کرد به وی دکترای افتخاری اعطا نمود و با این اقدام نشان داد بزرگانی که در اکناف جهان به فرهنگ و ادب ایران خدمت کرده‌اند، مورد احترام و تکریم جامعه حق‌شناس ایرانی هستند.

در حدود هشتصد سال زبان و ادب فارسی میان جوامع مختلف هند وسیله تفاهم و نفوذ و گسترش اسلام در هند بوده است و علما و نویسندگان هند در آن کشور در بسط این زبان کوشیده‌اند و صدها کتاب در رشته‌های مختلف - به زبان فارسی ترجمه یا تألیف و تدوین کرده‌اند و به علاوه کتب بی‌شماری به زبان فارسی در مراکز مختلف هند به زیور طبع آراسته شده و از اینرو لازم است این میراث ارزنده مشترک همچنان باقی و پایدار بماند و مردم هندوستان پاسدار زبان امثال امیر خسرو دهلوی و حسن

دهلوی و فیضی و بیدل دهلوی و دکتر اقبال لاهوری باشند و در گسترش و ترویج آن مساعی مجدانه‌ای مبذول دارند. بدیهی است متقابلاً دانشوران و استادان ایرانی هم جا دارد که در ادب و فرهنگ قدیم و جدید هند تحقیق و تتبع کنند.

* * *

در این جا لازم می‌دانم از شادروان علی اشرف شیبانی که در چاپ اول این کتاب نگارنده را یآوری فرمود و اکنون چهار سال است که روی درنقاب خاک کشیده و به رحمت ایزدی پیوسته است یاد کنم و از درگاه خدای تعالی مغفرت و شادی روح او را مسئلت نمایم.

از دوست ارجمند و هندشناس محترم آقای دکتر هاشم کاردوش که در هند و ایران در امر ترجمه و تحقیق این کتاب مرا تشویق فرمود و تسهیلاتی از قبیل تهیه کتب مورد نیاز برایم فراهم کرد و مهربانی‌های بسیار مبذول داشت، سپاسگزارم.

از دوست و محقق محترم آقای دکتر احمد محمدی که تصحیح نمونه‌های چاپی مقدمه این کتاب را به عهده گرفته و در تنظیم مقدمه این کتاب با اشاراتی مرا یاری داده است، تشکر می‌نمایم همچنین از کوشش آقای سیامک عاقلی که آخرین نمونه‌های این مقدمه را با دقت فراوان بازخوانی کرد بسیار ممنونم.

والسلام علی من اتبع الهدی. و من الله التوفیق و علیه التکلان.

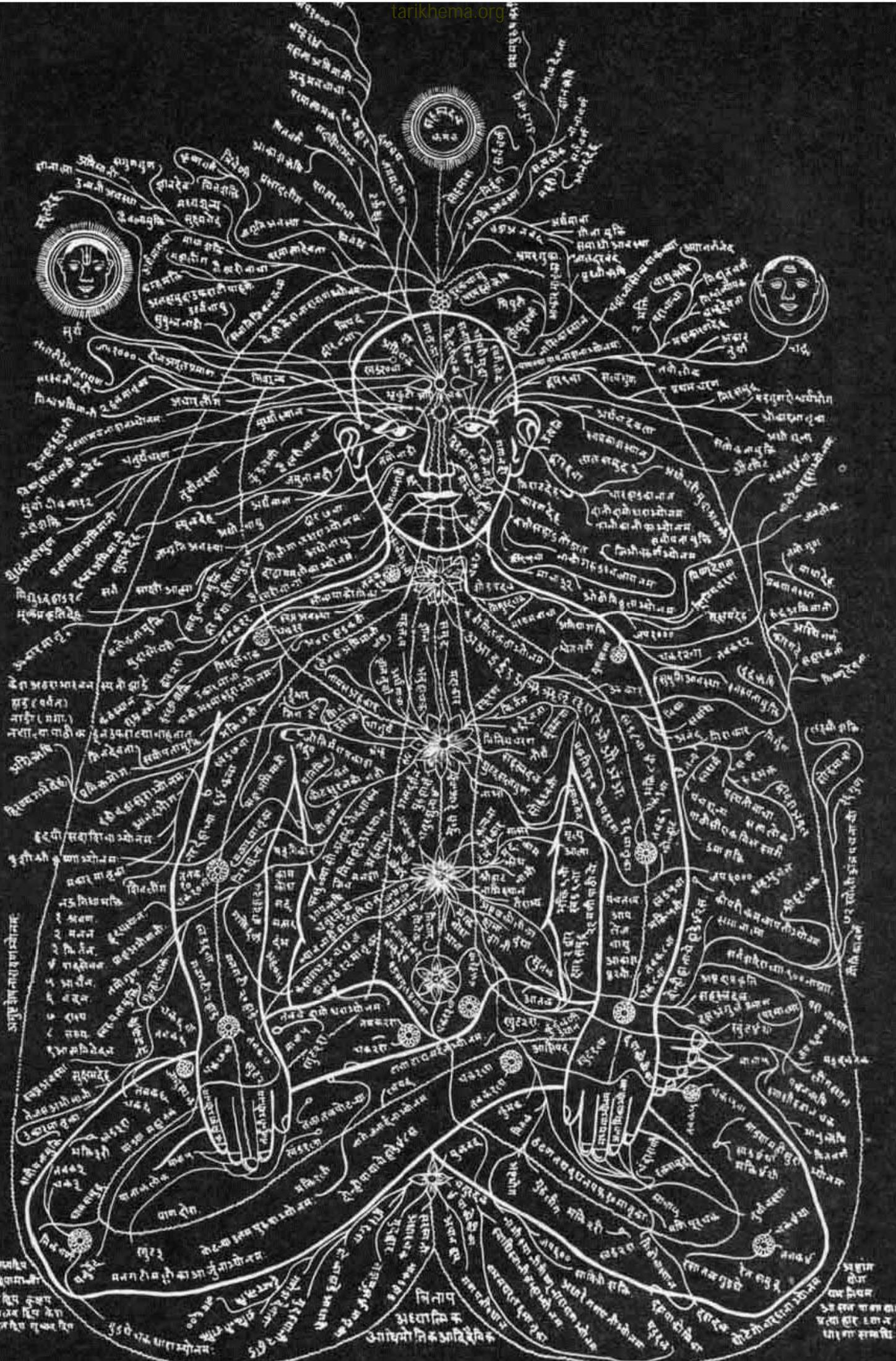
تهران - به تاریخ ششم اسفندماه ۱۳۶۵ هجری شمسی
برابر ۲۵ فوریه ۱۹۸۷ میلادی

سید محمدرضا جلالی نائینی

ترجمه فارسی سرودهای ریگ‌ودا

کریشنا و نی او، نقاشی حدود ۱۷۴۰ م. موزه هنرهای زیبای بستن.





समीक्षित
विद्यया-मृतम्
सामक विद्यया-मृतम्
विद्यया-मृतम्
विद्यया-मृतम्

अध्यात्मिक
उपाध्यायिक
आधिदैविक
विद्यया-मृतम्

گزیده

پست ودا

قدیمترین پرده‌های قوم آریایی هستند



NĀSADIYA

नासदासीन्नो सदासीत्तदानीं
 नासोद्रजो नो व्योमा परो यत् ।
 किमावरीवः कुह कस्य शर्म-
 नम्भः किमासीद्रहंनं गभीरम् ॥ १ ॥

न मृत्युरासीदुमृतं न तर्हि
 न राश्या अहं आसीत्प्रकृतः ।
 आनीद्वान्तं स्वधया तदेकं
 तस्माद्भान्यन्न परः किं चुनावस ॥ २ ॥

तम आसीत्तमसा गृहमग्रे-
 ऽप्रकृतं संलिलं सर्वमा इदम् ।
 तुच्छेनृभ्वपिहितं यदासी-
 त्तपस्तन्महिनाजायतैवम् ॥ ३ ॥

कामस्तदग्रे समवर्तताधि
 मनसो रेतः प्रथमं यदासीत् ।
 सतो बन्धुमसति निरविन्द-

न्हृदि प्रतीष्या कुवयो मनीषा ॥ ४ ॥

तिरश्चीनो विततो रश्मिरेषा-

मधः खिदासीरुपरि खिदासीरुत् ।

रेतोधा आसन्महिमानं आस-

न्स्वधा अवस्तात्प्रयतिः पुरस्तात् ॥ ५ ॥

को अद्धा वेदु क इह प्र बोचु-

त्कुत् आजाता कुत इयं विसृष्टिः ।

अर्वाग्देवा अस्य विसर्जनेना-

था को वेदु यत आवभूव ॥ ६ ॥

इयं विसृष्टिर्यत आवभूव

यदि वा दुधे यदि वा न ।

यो अस्याद्यक्षः परमे व्योम्-

न्त्सो अङ्ग वेदु यदि वा न वेदु ॥ ७ ॥ (१)

(१) سرود بالا با حروف لاتین در صفحه بعد درج میشود و سپس ترجمه فارسی آن از نظرخوانندگان میگردد.



1. Nāsadāsīnno sadāsīt tadānīm nāsīdrajo no
vyomā paro yat.
Kimāvarīvah kuha kasya Śarmannambhah
kimāsīdgahanam gabhīram.
2. Na mṛtyurāsīdamṛtam na tarhi na rātryā
ahma āsīt praketaḥ.
Anīdavātātam swadhayā tadekam tasmād-
dhānyanna parah kim canāsa.
3. Tama āsīt tamasā gūhvamagre praketaḥ.
salilam sarvamā idam.
Tucchyenābhvaphitam yadāsīt tapasastan-
mahināāyātaikam.
4. Kāmastadagre samavartatādhi manaso re-
tah prathamam yadāsīt.
Sato bandhumasati niravindan hṛdi pratīsyā
kavayo manīṣā.
5. Tiraścīno vitato raśmireṣā madhah svidā-
sīdupari svidāsīt.
Retodhā āsan mahimana āsan tsvadhā ad-
hastāt prayatih parastāt.
6. Ko addhā veda ka iha pra vocat kuta
ājātā kuta iyam viṣṣtih.
Arvāgdevā asya visarjanenā thā ko veda
yata ābabhūva.
7. Iyam viṣṣtir yata ābabhūva yadi vā dadhe
yadi vā na.
Yo asyādhyakṣah parame vyoman tso aṅga
veda yadi va na veda.



۱

سرود خلقت

- ۱- آن هنگام نه نیستی بود ، و نه هستی :
 نه هوایی (جوی) بود ، و نه آسمانی که از آن برتر است .
 چه پنهان بود ، در کجا ، در ظل حمایت کی ؟ آیا آب ژرف بی پایانی
 وجود داشت ؟
- ۲- آن هنگام نه مرگ بود ، و نه زندگی جاویدی ، و نه
 نشانه‌ای از شب و روز .
 به نیروی ذات خود ، فردی گانه بی حرکت (باد) تنفس میکرد ؛
 جزا و هیچ چیز وجود نداشت .
- ۳- در آغاز تاریکی در تاریکی نهفته بود .
 هیچ علامت مشخصی نبود ، همه جا آب بود .
 آن فرد به نیروی حرارت بوجود آمد .
- ۴- در ابتدا خواهش (خواستن) در آن فرد پیدا شد :

(۱) عنوان این سرود در بعضی از متون سانسکریت : «ناسدییه Nāsadīya
 (عدم وجود) است ، ولی ما به پیروی از برخی مترجمین دیگر ، آنرا سرود
 خلقت نامیدیم .

آن اولین بذر بود که فکر محصول آن است .
 دانشمندان که در دل خویش به نیروی دانش جستجو می‌کنند ،
 فید وجود را از عدم دریافته‌اند ،

۵- شعاع آنها روشنائی را در تاریکی گسترش داد :
 ولی آیا فرد یگانه در بالای آن بود ، یا در زیر آن ؟ قدرت
 خلاقه وجود داشت و نیروی ایجاد :
 در زیر قدرت بود ، و در بالا امر .

۶- کیست که بیقین بداند ، و کیست که آنرا در اینجا بیان
 کند؟

در کجا تولد یافت ، و در کجا این آفرینش بوجود آمد .
 خدایان بمداز خلقت جهان پیدا شدند ؟
 پس که میداند آفرینش از کجا سرچشمه گرفته است ؟
 ۷- هیچکس نمیداند که آفرینش از کجا برخاسته است ،
 و آیا او آنرا بوجود آورده ، یا نه ؟
 آن که بر عرش اعلی ناظر بر آن است ، تنها او میداند ، و
 شاید او هم ، نداند .

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۹)



۲

پدای جهان

۱- در آغاز «هرن کربه» بود ، چون بوجود آمد یگانه خداوند آفرینش بود .

اوزمین ، و آسمان را نگاه می داشت .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۲- بخشنده روح ، و دهنده نیرواست ، و فرمان اورا (حتی خدایان دیگر) به جا می آورند .

خداوند مرگ است ، و سایه او ابدیت است .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۳- (به او) که بزرگی خویش یگانه پادشاه جهان نفس کشنده و بیننده است ،

و بر مجموع دوپایان و چهارپایان حکم میراند .

پس ستایش و نذر خود را به چه خدایی تقدیم نمائیم ؟.

۴- آن که بعظمت او این کوه های پوشیده از برف موجود است ،

آن که مردم اورا مالک دریاها و رودخانه ها میدانند ؛

آن که این قسمتهای فضاء از اوست ، و آن که بازوان به او
تعلق دارد .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم؟
۵ - آن که به او آسمان محکم و زمین پا برجاست ؛ و آن
که به او آسمانها و کره آفتاب ثابت اند ، و آن که اندازه آب در
افلاك است .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم؟
۶ - آن که آسمان ، و زمین به حمایت او بوجود آمدند ، و
به روشنی درخشان است .

با فکر خود او را مینگرد ، و خورشیدطالع در او میدرخشد.
پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم؟
۷ - هنگامی که آبهای بی پهنای جهان را که شامل جرثومه
بود فرا گرفت ، و اگنی را به وجود آورد ، در آن زمان تنها نفس
خدایان پیدا شد .

پس ستایش و نذر خود را بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم؟
۸ - آن که بقدرت خویش آبها را در اطراف نگاه داشت ،
و شامل نیروی خلاقه بود ، و قربانی را بوجود آورد .
آن که در میان خدایان بالاترین خدای یکتا بود .

پس ستایش و نذر خود را بسوی چه خدایی تقدیم نمائیم؟
۹ - او که پدر زمین است ، و بی اشتباه جهان بر او متکی است،

و آسمان را به وجود آورده ، و آب های بی پهنای و ژرف و دل انگیز
را آفریده است ؛ باشد که او ما را گزندی نرساند .

پس ستایش و نذر خود را به سوی چه خدایی تقدیم نمائیم ؟
۱۰ - هیچکس جز تو ای « پرجاپتی » وجود را به همه این
موجودات نداده است .

باشد که حاجات ما که به منظور آنها برای تو قربانی میکنیم،
روا گردد .

باشد که صاحب ثروت شویم . (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۲۱)

(۱) سرود بالا خطاب به: « که (Ka) (Kah) است. این کلمه بمعنی « کی؟ »
است ، و از آن ظاهراً خدای نامشخصی منظور میباشد و احتمالاً نام پرجاپتی
یا دیگر خدایان است .



۳

دستایش اندرا

INDRA

- ۱ - من پیش از روزگار «مانو» بودم ، من «سوریه» بودم ،
 من «ککشیاوان» دانشمند ، وسرایندهٔ مقدس هستم .
 من بر «کوئسه» پسر «ارجونی» مسلط شدم .
 من «اوشان» خرمندم ؛ مرا بنگرید .
- ۲ - من زمین را به «آریه» بخشیدم ، وباران را به مردی که
 برای من نذر می آورد .
 من آب های خروشان را رهبری میکنم ، وخدایان بنخواهش
 من در حرکت اند .
- ۳ - درنشاط «سوما» من قلاع نودونه گانهٔ «شمبره» را ویران
 ساختم ؛
 و بفرجام صدمین منزلگاه را هنگامی که «دیوداس انهتکوه»
 را یاری می کردم .
- ۴ - این پرنده بالاتر از همهٔ پرندگان مقام دارد ،
 ای «مروت» ها ! این شاهین کشتی آسا بر همهٔ مرغان

شکاری سرور است ؛

زیرا این (پرنده) سخت چنگال بی آنکه هیچ کوشی، آوایش
را بشنود ، نذور خدا پسند را به سوی «مانو» آورد .
۵ - هنگامی که این پرنده ، آن نذر را آورد ، با حرکت
سریع آنرا در راهی فراخ فرستاد که به سرعت خیال در حرکت
بود .

بشتاب بر گشت و حلاوت «سوما» را بیاورد ، واز آن جا است
که این شاهین بکسب افتخار نائل آمد .

۶ - با حمل ساقه‌های (بوته‌سوما) آن شاهین نیز پر ، مرغی
که آن (گیاه) سرور آور را از دور می آورد ؛
دوست خدایان «سوما» را محکم گرفت و بیاورد ، «سوما» بی
که آنرا از بالاترین آسمان‌ها برگرفته بود .
۷ - آن شاهین که «سوما» را برگرفت و بیاورد ، هزار، بلکه
ده هزار نذر با خود داشت .

آن فرد شجاع که بدی‌ها را در پشت سر گذاشت ،
آن دانایی که در نشاط و سرور «سوما» ، نادان را فرو گذاشت .

(ماندالای چهارم - سرود ۲۶)



۴

خطاب به اوش

I SAS

- ۱- سپیده دم دختر آسمان برخاسته است؛ اومی آید، و جلال خویش را باروشنایی نمایان میسازد؛
 اودشمنان مارا و همچنین تاریکی مذموم را پراکنده میکند،
 و راههارا روشن مینماید تا (موجودات زنده) از آنها بگذرند .
- ۲- امروز بر ما موجب برکت بزرگ باش، ای «اوش» که
 (برانگیزنده) سعادت عظمی هستی .
 مارا ثروت بخش، و شهرت شگرف عطا فرما؛ ای نیکخواه الهی
 بشر به مردم فناپذیر اخلاف نرینه عطا کن .
- ۳- اشعه شکفت ابدی سپیده دم زیبا ظاهر میشود، و بمراسم
 پرستش پاک آلهی حیات می بخشد، و در اطراف پراکنده میشود، و
 فلک را پر میسازد .
- ۴- باهجاهده شتابان از راه دور پیش می آید تا به پنج طبقه
 مردم (روشنایی بخشد) (۱) .
- آن دختر آسمان، و نیکخواه موجودات زنده، افکار مردم را
-
- (۱) ظاهراً منظور از پنج طبقه مردم، پنج طایفه آریایی میباشد .



۶

دستایش داز

Dāna

- ۱- خدایان گرسنگی را وسیله کشتن قرار نمیدهند ،
مرگ بیشتر حتی به سراغ مردان سیر نیز میرود .
بخشنده نیکوکار هرگز از میان نمیرود ،
لثیم هیچگاه کسی را نخواهد یافت که بر او ترحم کند .
- ۲- آن که صاحب رزق فراوان است ، و حتی سائل پیر ، و
زمین گیر - و نیازمندی که از وابستگان سابقش باشد - و از او طلب
نان کند و دل خود را نسبت باو سخت نماید ، چنین مردی هم
کسی را نخواهد یافت که بر او ترحم کند .
- ۳- رادمرد آن است که به مستمندان ناتوان دوره گرد که در
طلب غذاست کمک کند ، و چون از او یاری جوید ، فوری بیماریش
بشکند ، و سپس او را در زمره دوستان خود قرار دهد .
- ۴- آن که مال خویش را از دوست یکدل و صمیمی دریغ دارد
دوست نباشد ، از چنین دوستی باید چشم پوشید ،
پناهگاهی نیست و باید برای کمک در جای دیگر دست به دامن

بیگانه‌ای شد .

۵- آن که توانگر است، باید به محتاجان ببخشد، و مدار زندگی آینده را در نظر آورد؛ زیرا که مال چون چرخ ارابه در گردش است، امروز دست یکی، و فردا دست دیگری خواهد بود .

۶- مردی که مهمان نواز نیست، بیهوده در پی غذاست؛ من به راستی میگویم: این مرگ او است؛ او نه «اریمن» و نه دوستی را عزیز میدارد، آن که تنها غذا میخورد جز گناهکار چیز دیگری نیست.

۷- گاو آهنی که زمین را میشکافد، محصولش ارزاق است؛

آنکه پای خود را بحرکت درمی آورد، سفر را پایان میرساند .

براهمن گویا بیش از براهمن خاموش نصیب میبرد،

دوست بخشنده از لئیم و خسیس بهتر است .

۸- آن که یک پا دارد، از دوپا پیشی گرفته است، و آن که دوپا

دارد، به سه پا، رسیده است .

مخلوقات چهارپا، وقتی که دوپاها آنها را میخوانند، می آیند،

و ایستاده به جایی که پنج تا گرد آمده اند، مینگرند (۱)

(۱) بعضی از مفسران: «ریگ ودا» بر آنند که منظور از عبارت: «ا که پاد (یک پا) خورشید میباشد، زیرا خورشید زنده جاوید یک پا Aja-êkapād» است. و مقصود از دوپا، «انسان»، و از سه پا، پیر مردی که با عصا راه میرود و قطعاً در پیمودن راه سرعتش از سرعت کسی که محتاج عصا نیست کمتر است. و مقصود از چهارپا، «سگ» است. معمولاً سگها در ابتدا مطمئن نیستند که صاحبشان در میان جمع باشد و مقصود از «پنج پا» چند نفرند که گرد هم آمده باشند .

۹- دو دست با یکدیگر شباهت دارند ، اما کارهای آنها
مختلف است .

مقدار شیر دو گاو (شیرده) که باهم خواهرند، متفاوت است،
حتی توأمان (دوقلو) در قدرت و نیرو باهم یکسان نیستند .
دو خویشاوند در ثروت باهم فرق دارند.
(ماندالای دهم - سرود ۱۱۷)



دستایش اشوین

- ۱ - ای «اشوین» های درخشان ! با اسب های نجیب خود بیایید،
و سرود خدمتگزار خویش را بپذیرید .
ای خدایانی که کارهای شگفت می کنید ، از این نذر که ما
برای تهنیت شما می آوریم ، لذت برید .
 - ۲ - شیره های شاد ببخش (سوما)، در پیش شما مهیاست ، بشتابید
و از نذر من بهره برگیرید .
از ضیافت دشمن ما بگذرید ، و ما را بشنوید .
 - ۳ - ای اشوین ها ! ارا به شما با صد کمک، شما را با سرعت خیال
در میان عوالم (نواحی) میگذرانند .
شما که دارای «سوریا» هستید، به سوی ما بشتابید .
 - ۴ - ای پرستندگان خدایان ! کی این سنگ (آسیای) شما
بحرکت در می آید ، و چون چرخشت سوما برای شما به صدا
در خواهد آمد ؟!
- باشد که روحانیون بوسیله نذر ای زیبایان ، شما را

بیاورند .

۵ - غذائی که شما دارید ، به راستی عجیب است ، شما آن را مانند مخزنی حیات بخش به « اتری » می دهید که چون در پیش شما عزیز است ، لطف شما را می پذیرد .

۶ - هدیه ای که همه می توانند به دست آورند ، شما به « چیه وانه » می بخشید وقتی که او پیر میشود ؛ آن که نذرهارا به شما تقدیم نموده است ، شما او را جمال ابدی بخشیدید .

۷ - آن هنگام که دوستان نا موافق « بهوجه » او را در میان اقیانوس رها کردند ، ای « اشوین » ها ، اسب شما او را نجات داد- آن که خدمتگزار باوفای شماست .

۸ - شما هنگامی که « وریکه » بکلی بی پا شده بود ، یاری نمودید ، وقتی که « شایو » (نیز) شما را میخواند ، به او گوش فرا دهید . شما شیر گاورا چون آب جاری ساختید ؛ ای « اشوین » ها ، شما (زن) نازاد را به نیروی خویش تقویت کردید .

۹ - این سراینده ، با سرود نیکوی خویش ، وقتی که در سپیده دم با افکارشاد بیدار میشود ، شما را پرستش میکند . باشد که گاو او را با شیر خویش غذا دهد ، و روزی بخشد ، ای خدایان ، ما را همیشه بابرکت خود حفظ فرمائید .

(مانند الای هفتم - سرود ۶۸)



۹

«تایش اکنی آتش»

Agni

۱ - برای «جات ویداس»، «سوما» را بفشارید؛ باشد که او ثروت بدخواه را از بین ببرد.
 باشد که «اکنی» ما را از میان مشکلات بگذارند، و مانند قایقی که از میان رودخانه میگذرد، ما را از میان غم عبور دهد.
 (ماندالای اول - سرود ۹۹)



۱۰

دستایش اندرا (بصورت پرنده)

Indra

- ۱ - باشد که هنوز (به آرامی) در لطف «ویشوانر» باقی بمانیم، آری او پادشاه والای همه موجودات زنده است. هر چه را که او بر آن نظر انداخته، حیات یافته است. «ویشوانر» رقیب: «سوریه» است.
- ۲ - «اگنی» در آسمان، و زمین همه جا حاضر است، همه گیاهانی که در زمین میرویند، تحت فرمان اوست. باشد که «اگنی»، باشد که «ویشوانر» با قدرت و حضور خود ما را شب و روز از دشمن حفظ فرمایند.
- ۳ - ای ویشوانر، حقیقت تو به سوی ما معطوف باشد، ثروت را گرداگرد ما جمع آور. این دعای ما را «ورونا»، «میترا»، و «ادیتی»، و «سندهو»، و «زمین»، و «آسمان» قبول فرمایند.
- (ماندالای اول - سرود ۹۸)



۱۱

«ستایش اگنی (آتش)»

Agni

- ۱ - ای اگنی ! آن که ترا برافروزد ، و با چمچه (ملعقه) برافراخته ، سه بار ترا غذا دهد ،
باشد که او در جلال تو ، بد پیروزی رسد، و با نیروی دفاعی تو دانا شود ، ای «جات ویداس» (داننده آفرینش)!
- ۲ - آن که با رنج و زحمت برای تو هیزم می آورد ، و بد جلال «اگنی» توانا خدمت میکند .
آن که ترا در شامگاه، و بامداد بر می افروزد ، کامگار و توانگر میشود ، و دشمنان خویش را هلاک میسازد .
- ۳ - «اگنی» سرور سلطنت عالی است ، «اگنی» خداوند نیرو و ثروت های عظیم است .
آن خدای قائم بنفس و برنا ، به آن فناپذیری که اورا ستایش میکنند ، گنج ها می بخشد .
- ۴ - ای خداوند جوان ! هر گناهی که ما در صورت ابنای بشر از راه بلاهت در این جا مرتکب شده ایم ، در حضور «ادیتی» ما را از

گناه پاک ساز ؛
 ای اگنی، از تقصیرات ما در گذر .
 ۵ - حتی با وجود گناهان بزرگ ، ما را از زندان خدایان ،
 و آدمیان ، آزاد کن .
 هرگز مبادا که ما دوستان تو رنجه شویم ، سلامت بزرگ و
 نیرو به اخلاف و فرزندان ما عطا شود .
 ۶ - ای خدایان اعلای مقدس ، همانگونه که شما گاوی را
 که پایش بسته بود ، رها ساختید ؛ ما را نیز از این رنج آزاد
 کنید .
 ای اگنی ، عمر دراز به ما بده .

(ماندالای چهارم - سرود ۱۲)



۱۲
درتایش اگنی

Agni

- ۱ - « اگنی » با نظر مرحمت به چشمهٔ ثروت‌های درخشان صبحگاهان نگریسته است .
- ای « اشوین » ها ، به منزل پرهیز کاران بیائید ، « سوریه » با فروشکوه خویش ، در حال طلوع است .
- ۲ - « سویترا » خداوند درخشش (اشعه) خویش را در افق‌اعلی انتشار داده است ، و رایت خود را چون قهرمانی که برای جمع غنائم میرود به اهتزاز درآورده است .
- « ورونا » ، و « میترا » راه ثابت خویش را می‌پیمایند، آن هنگام که آنها خورشید را در آسمان بالا می‌برند .
- ۳ - آن که به کمک آنان (ورونا - و میترا) ، تاریکی را دور می‌سازد، آنها که خداوند منزل‌های امن‌اند ، و در راه منظور خویش پا برجا میباشند .
- آن که برین جهان مینگردد ، خدای آفتاب هفت مر کب نیرومند جهان او را پیش می‌برند .

۴- نوچون با اسب‌های نیرومند خود می آئی و پرده (نورانی)
 خود را می گستری ،
 ای خداوند ، ردای سیاه‌فام را پاره میکنی، اشعه «سوریه» که
 بشدت میدرخشند تاریکی را چون مشک در آب فرومیبرند.
 ۵ - چگونه است که او بی هیچ حد و پایه‌ای ، و با آن که
 به‌سوی پائین متمایل است نمی‌افتد؟!
 باچه نیروی درونی در حرکت است؟
 کی او را دیده است؟
 او طاق سپهر را چون ستون برافراشته‌ای نگاه میدارد.
 (ماندالای چهارم - سرود ۱۳)



۱۳

دستایش اندرا

Indra

- ۱ - «اندرا»ی «شت کرتو» (صد نیرو) که فراوانی لطف و وسیع خویش را در همه جا می‌پراکندی ،
ای خداوند سلطنت نیکو ، و ای دوست همه مردم ، ثروتی با فروشکوه به ما عطا فرما .
- ۲ - غذائی که تو ای «اندرا»ی نیرومند، مالک آنی ، و درخور آوازه است ،
و شهرت و غلبه ناپذیر (تو) در همه جا معروف است ، ای زرین فام ، بطلب .
- ۳ - ای پرتاب کننده سنگها ، نیروهائی که بطوع از اراده تو پیروی میکنند- تو و آنها- هردو از خدا یانید ؛
شما فرمانروائی میکنید تازمین و آسمان را نگاه دارید .
- ۴ - ای کشنده «وریترا» ، از هر يك نیروهائی که بشاید ما را قدرت پهلوانی بخش ،
تو که نسبت به ما مانند بشر لطف داری .

۵ - در کنف حمایت تو ، با آن همه مساعدت‌های تو ، ای
خداوند صدنیرو ،

ای اندرا ، باشد که ما بخوبی در امان باشیم ،
ای قهرمان ، باشد که ما بخوبی حفظ شویم .

(ماندالای پنجم - سرود ۳۸)



۱۲

دستایش میترا

Mitra

- ۱ - «میترا» چون به سخن در آید ، مردم را به کار بر می انگیزد ، «میترا» زمین ، و آسمان - هردو - را نگاه میدارد .
«میترا» مردم را با چشمانی که بسته نمیشود ، مینگرد .
باروغن مقدس برای «میترا» نذر بیاورید .
- ۲ - آن که برای تو (میترا) غذا آورد ، برتر از همه باشد ، ای «میترا» ، آن که میکوشد تا قانون مقدس را نگاه دارد ، «آدیتیا» (است) .
آن که تو ، اورا یاری کنی ، هرگز کشته نشود ، و مغلوب نگردد ؛ هیچ رنجی از دور ، و نزدیک به او نرسد .
- ۳ - باشد که ما مسرور از غذای مقدس ، و فارغ از بیماری ، و با زانوهای خم شده بر سطح زمین گسترده ، و با پیروی دقیق از قوانین «آدیتیا» در رحمت لطف آمیز «میترا» باقی بمانیم .
- ۴ - این «میترا» ای قابل ستایش ، و متبرک ، با پادشاهی زاده شد ، پادشاه و بخشنده .

باشد که ما از لطف مقدس او بهره‌مند شویم، آری در مهربانی
محبت آمیز، و فراوان او باقی بمانیم.

۵- آن «آدیتیا»ی بزرگ که باید او را با پرستش خدمت
کنیم، و مردم را برمی‌انگیزد، سراینده را قرین لطف خویش قرار
میدهد.

به «میترا» که در خور والاترین ستایش است، نذری را که او
دوست دارد، در آتش تقدیم نمائید.

۶- لطف سودمند «میترا»، خداوند، و نگاهدارنده نوع
بشر، شهرت اعلی و بالاترین جلال می‌بخشد.

۷- میترا که جلال او در اقصی نقاط منتشر است، در نیرو از
آسمان در می‌گذرد، و در شهرت (خویش) از زمین فزونی می‌یابد.

۸- تمام «پنج نژاد» (۱) به «میترا» توسل می‌جویند که در یاری
نیرومند میباشد، چون او نگاهدارنده همه خدایان است.

۹- «میترا» به خدایان، و به مردم زنده، و به آن که علف
مقدس را می‌گسترده، در اجرای قانون مقدس روزی میدهد.

(ماندالای سوم - سرود ۶۰)

(۱) همه پنج نژاد: همه مردم آریائی (همه قبایل و طوایف آریائی).



۱۵

دستایش اگنی

Agni

- ۱ - فرستاده تو که مالک بر همه ، و جاویدان است ، و حامل عطایای تو میباشد ، بهترین پرستنده ، من او را باسرود می ستایم .
- ۲ - آن قادری که بنحوه اعطای ثروت آگاه است ، اعماق زوایای آسمان را میشناسد ، او خدایان را به اینجا خواهد آورد.
- ۳ - آن که خودش خداست ، میداند که چگونه خدایان (دیگر) را به خانه راستکار ، رهبری نماید .
- او حتی خزاینی را که مطلوب ما است ، می بخشد .
- ۴ - او پیشرو ، و خبیر است ، و پیغام خویش را به همه جا میرساند ، و به اعماق زوایای آسمان آشنا است .
- ۵ - باشد که ما از آنها باشیم که «اگنی» را با قربانی های تقدیمی خود اقناع مینمایند ، و او را عزیز میدارند ، و برمی افروزند.
- ۶ - آنها که «اگنی» را به احترام خدمت کرده اند ، در توانگری ، و اعمال قهرمانی مشهور ، و پیروزند .
- ۷ - باشد که همه روزه ثروتی که مورد آرزوی (مردم) بسیاری

است ، به سوی ما آید ؛ قدرت و توانائی برای ما بروید (بوجود آید).
۸ - آن سرایندهٔ مقدس به نیروی خویش تیرهای خود را
سریعتر از تندروترین تیرهای طوایف بشر یرتاب میکند .
(ماندالای چهارم - سرود ۸)



۱۶

دستایش اگنی

Agni

- ۱ - ای اگنی ، تو بزرگواری که بسوی این مرد پرهیزگار آمده‌ای ،
لطف فرما و برین چمن مقدس بنشین.
- ۲ - باشد که آن یاور جاویدان که فریفتن او در میان مردم بسیار مشکل است، پیامبر همه باشد.
- ۳ - آن گاه که رئیس روحانیون در تشریفات رسمی او را در دور قربانگاه برای پذیرائی راهنمایی مینماید ، یا هنگامی که روحانی پاک کننده او را مینشانند.
- ۴ - «اگنی» در آتش قربانی - چون خداوند کار خانه ، و یا مانند براهمن - جلوس مینماید .
- ۵ - تو مانند رهبر گروهی که قربانی را برپا میدارند ، و ندور مردم را می آورند ، می آئی .
- ۶ - تو بسان پیامبر آن کسی هستی که قربانی او را نیکو دوست داری ، و تقدیمی های مردم را به آسمان ، میبری .

- ۷ - مراسم رسمی ما را قبول فرما ، و از قربانیهای ما راضی باش، ای «انگیراس»، به ندای ما گوش فراده .
- ۸ - باشد که ارا به تخطی ناپذیر تو که با آن بخشندگان را حراست می فرمائی، از هر سو بجانب ما آید .
- (ماندالای چهارم - سرود نهم)



۱۷

دستایش سوماپونا

Soma Pavamāna

- ۱- باشد که «اندرا»ی «وریترا» کش در کنار (دریاچه) «سریه ناوان» (۱) سوما را بنوشد، تا در دل خود نیرو ذخیره کند، و برای کارهای قهرمانی آماده شود.
- ای «اندو» جاری شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.
- ۲- ای خداوند نواحی جهان، (۲) جاری شو.
- ای «سوما»، از سرزمین «آرجیکیه» (۳) بانشاط و با ایمان، و با سرور حقیقی قربانی .
- ای اندو جاری شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.
- ۳- دختر «سوریه» گوساله وحشی را که «پرجانیه» پرورش

(۱) سریه ناوان **Saryanāvān** : نام دریاچه ای واقع در ناحیه کروکشره.
 (۲) ظاهراً منظور چهار ناحیه آسمان حسب اعتقاد قدمای هند می باشد .
 (۳) بنا بر تفسیر «ساینه Sāyana»، «آرجیکیه Ārjīkya» همان کشور رجیکها **Rijikas** است .

داده، به اینجا آورده است .

« کند هر وه » ها آن را گرفته ، و شیره اش را در «سوما»
ریخته اند .

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو ،

۴ - ای صاحب جلال در (قلمرو) قانون ، ای اعلام کننده
قانون ، ای گوینده راستی، ای که در همه کارهای خود راستکاری،
ای بیان کننده ایمان.

ای «سوما»ی پادشاه ، تو ای سوما که سازنده تو، تو را زینت
داده است.

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو .

۵ - ای نهرهای آن فرد بزرگوار ، ونیرومند، باهم جاری
شوید، ای شیرۀ آن آبدار به هم پیوندید ، ای زرین فام که بادعا پاک
گشته ای.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو .

۶ - ای «پومانه» ، وقتی که روحانی دعای موزون را
میخواند ؛ و آنرا با سنگ به روی «سوما» میگذارد ، و با «سوما»
لذت می آورد .

ای اندو جاری شو ، برای خاطر اندرا جاری شو.

۷ - ای «پومانه» مرا در آن جهان بی مرگی و فنا ناپذیر جای
ده ، جایی که نور عرش برقرار است ، و روشنائی جاوید میدرخشد.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.
 ۸ - در آن کشوری که پسر «وی و سوان» پادشاه زندگی
 میکند، مرا زندگی جاوید بخش، آنجا که زیارتگاه نهان عرش
 است، آنجا که آب‌های تازه و شیرین هستند.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.
 ۹ - در آن سرزمین که آنها، همان گونه که ساکن اند، در
 حرکت میباشند، مرا زندگی جاوید بخش، در سومین کوه درونی
 آسمان، آنجا که عوالم روشن پراز نورند.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.
 ۱۰ - در آن سرزمین آرزو، و اشتیاق، و امیال نیرومند، مرا
 زندگی جاوید بخش، در کشور ماه درخشان، جایی که غذا و لذت
 به دست می‌آید.

ای اندو جاری شو، برای خاطر اندرا جاری شو.
 ۱۱ - در آن سرزمینی که شادی، و نشاط، و سرور، و برکت
 به هم می‌پیوندند، مرا زندگی جاوید بخش، در آنجا که آرزوهای
 دلخواه برآورده میشود.

ای اندو جاری شو، برای خاطر «اندرا» جاری شو.

(ماندالای نهم - سرود ۱۱۳)



۱۸

دستایش اوش

Uşas

- ۱ - ای اوشس ، ای نیرومند به نیرو ، ای صاحب دانائی ، ستایش سراینده را بپذیر ، ای بانوی ثروتمند ، ای الهه باستانی ، و جوان ، و مملو از دانش (خرد) ، تو که به رادی در حرکتی ، همان گونه که در قانون مقرر است .
- ۲ - ای صبح ، ای الهه نعمت ، در ارا به نورانی خویش که آوای دلنواز بیدار کننده دارد ، درخشان شو .
اسبهای رام برازنده زرین فام ، تورابه اینجا آورد .
- ۳ - تو ای صبح که بر هر آفریده ای رو می نمائی ، چون نشانه جاویدانی ، در اوج می ایستی .
تو که پیوسته به سوی يك مقصد روانی ، مانند چرخ ای نوزاد ، به اینجا بیا .
- ۴ - صبح بالکام های فروهشته می آید ، آن بانوی ثروتمند ، آن خانون خانه ها ، آن مبارك شگفت آور ، نور خویشتن را بر اطراف و اکناف زمین و آسمان گسترده است .

۵ - الهه درخشان صبح را بخوانید، و سرود ستایش خود را با احترام به سوی او ، آورید؛ او با پخش شیرینی روشنی خویش را در آسمان برقرار ساخته ، و با زیبایی جلالش را آشکار کرده است .

۶ - سرودها آن فرد مقدس را در آسمان ها بیدار ساخته اند، و آن بانوی ثروتمند با روشنایی به سوی دو جهان وارد شد .
ای آگنی ، چون صبح تابناک در آید، به سوی او رو ، و از او ثروت نیکو بخواه .

۷ - بر اساس استوار قانون، گاوی که راننده صبح ها است با قدرت وارد زمین و آسمان شده است .
بزرگ است نیروی « ورونا » ، و « میترا » که با درخشش جلال خویش را بر همه جا گسترده اند .

(ماندالای سوم - سرود ۶۱)



۱۹

دستایش اندرا

۱- تو که بانشاط بسیار «شمبره» (دشمن راجه) «دیوُداس»
را شکار کردی ،

این سوما برای تو مهیا شده است ، ای اندرا ، بنوش !

۲- جرعه شادی بخش آن («سوما»ئی) که از سرشاخه‌ها فرو
ریخته ، تو آنرا در میان و در پایان (۱) حفظ مینمائی .

این «سوما» برای تو مهیا شده است ، ای «اندرا» بنوش!

۳- تو که با نشاط فراوان گاوهائی را که در میان سنگ
به سختی بسته بودند، آزاد ساختی ،

این «سوما» برای تو تهیه شده است ، ای اندرا بنوش!

۴- این «سوما» که درشیره فرح بخش آن تو قدرت «مگهون»
را به دست می آوری ،

این «سوما» برای تو تهیه شده است ، ای «اندرا» بنوش !

(ماندالای ششم - سرود ۴۳)

(۱) بنا بر تفسیر «ساینه Sāyana» ظاهراً مقصود از میان و پایان نذور
ظهر و شب است که تقدیم خدایان میشده است .



۲۰

دستایش و دیکراس

Dadhikrās

۱ - من «ددهیکراس» را میخوانم که نخست شما را یاری دهد : « اشوین » ها .

« بهگه »، سپیده دم ، واگنی (آتش) نیکو بر افروخته میباشند ، اندرا ، و ویشنو ، پوشان ، برهمنسپتی ، آدیتیاها ، آسمان ، و زمین ، آبها ، و روشنائی .

۲ - چون به (اعمال) قربانی میپردازم (برمیخیزم) ، با پرستش به بیدار ساختن ددهیکراس میشتابم ، ای الهه « ایلا » که بر چمن مقدس نشسته ای ، بگذار تا اشوین های تیز گوش دانشمند را بخوانیم .

۳ - هنگامی که به بیدار کردن « ددهیکراس » میپردازم ، با اگنی ، وزمین ، و سپیده دم ، و سوریه سخن میگویم ؛ باشد که « ورونا » ی همیشه آگاه سرخ قهوه ای ، مارا از غم و رنج حفظ فرماید .

۴ - « ددهیکراون » بر همه مقدم است ، آن مرکب نیرومند در

پیشاپیش ارا به‌ها راه خود را بخوبی می‌شناسد؛
 با سوریه ، و بامداد ، و آدیتیا ها ، و انگیراس ها ، و واسوها
 متحد و متفق است .
 ۵ - باشد که ددیه‌کراس راه سفر ما را آماده سازد تا از جاده
 نظم بگذریم ؛
 باشد که اگنی ما را بشنود، و سپاه آسمانی شما افراد نیر و مند
 که هرگز فریب کسی را نمی‌خورید ، ما را بشنوید.
 (ماندالای هفتم - سرود ۴۴)



۲۱

خطاب سوما پوامانه (عصاره سوما)

Soma Pavamāna

۱ - به راستی افکار ما متفاوت است . راه های مردم مختلف است .

نجار در جست و جوی شکسته است ، و پزشك در اندیشه سانه .
و براهمن در فکر پرستش .

ای «اندو» برای «اندرا» جاری شو .

۲ - صنعت کار با هیمة خشك ، و بال پرندگان (برای باد زدن آتش) با سنگها و آتش سوزنده در پی ثروت زرین برای خود است .

ای «اندو» برای «اندرا» جاری شو .

۳ - من شاعرم ، تا تا (پدر) پزشك است ، و نانا (مادر) آسپارا می چرخاند .

هر يك با افکار مختلف به دنبال ثروت گاو ان میگردیم .

ای اندو ، برای اندرا جاری شو .

۴ - اسب می خواهد که ارابه سبکی را بکشد .

گروه عاشقان مشغول شوخی و خنده اند ،
وغورباغه در اندیشه استخر آب است ،
ای اندو ، برای اندراجاری شو .

(ماندالای نهم - سرود ۱۱۲)



۲۲

وستایش اندرا

۱ - من «اندرا»ی قهرمان را ستایش خواهم کرد که به نیروی خویش زمین، و آسمان را از یکدیگر جدا ساخت، و همه را وسعت می‌بخشد، و بشر را حمایت میکند و در بزرگی خویش از طوفان، و رودخانه‌ها پیشی می‌گیرد،

۲ - او «سوریه» است، در تمام عرصه پهناور (جهان) اندرا او را بسرعت چرخهای ارا به خواهد چرخانید، و مانند رودخانه است که هرگز نمی‌ایستد، و پیوسته در جریان است،

او با روشنائی خویش تاریکی سیاه رنگ را از بین برده است.

۳ - برای او دعای مقدس می‌سرایم، دعائی ناگستنی، نو، بی‌مانند، و برای - هردو- زمین، و آسمان.
«اندرا»ی شریف که همه موجودات زنده را می‌شناسد، و هرگز دوست را فرو نمی‌گذارد.

۴ - من سرود های خود را چون جریان ناگسستنی ، و بسان آب زیر دریا ، به سوی « اندرا » میفرستم ،
آن که در دو طرف ارا به خود آسمان ، و زمین را بسان دو سر محوری ثابت نگاه داشته است .

۵ - با بادها برمیخیزد ، همه را می لرزاند ، حمله میکند ، نیرومند و قوی است ، و به تیرها مسلح است .
«سوما» است ؛ درختان جنگل ، و بوته ها نمیتوانند با شباهت خویش « اندرا » را بفریبند .

۶ - «سوما» به سوی او جریان یافته است ، آن که هیچ چیز نمیتواند همسنگ او باشد ، نه زمین ، نه آسمان ، و نه فلک ، نه کوه ها .

چون به خشم آید ، غضب او هر (چیز) محکمی را خرد میکند ، و هر نیرومندی را درهم می شکند .

۷ - چون تبری که درخت را می اندازد ، «وریترا» را کشت ، قلعه ها را ویران ساخت ، و (بستر) رودخانه ها را کند (تغییر داد) . او مانند عصای (اهرم) آهنین تازہ سازی کوه ها را بشکافت .
« اندرا » با همراهان خویش گاو ان ماده را بیاورد .

۸ - تو دانائی ، تو گناه را کیفر میدهی ، ای « اندرا » ، شمشیر دست و پا را هرس میکند ، تو گناهکاران را درهم میکوبی ،
مردمی که قانون اعلا ی: ورونا ، و میترا را - مثل آن که همطراز

باشند - مورد ایذاء (تخطی) قرار میدهند .

۹- مردمی که زندگی شرارت آمیز دارند، و پیمان می شکنند و به «ورونا» ، و «اریمن» ، و «میترا» آزار میرسانند ، ای «اندرا» ی نیرومند، گاو آتش گونه خود را چون مرکب غضبناکی بر انگیز .

۱۰ - «اندرا» ، خداوند زمین ، و آسمان است ، «اندرا» سرو رآبها ، و کوه هاست ، اندرا خداوند کامیابان، و دانشمندان است ، «اندرا» را باید در حال راحت و هنگام کار بخواند .

۱۱ - پهناورتر از روز، و شب، بخشنده فزونی ، وسیعتر از فلک، و طوفان دریا ، پهنتر از گسترش زمین، و میدان باد، فراختر از رودخانه ها، و زمین های ما اندر است .

۱۲ - ای اندرا ، تیر سیری ناپذیر خود را چون پیک صبح به پیش پرتاب نما ، و چون سنگی که از آسمان فروافتد با گرمترین شعله کسانی که دوستان را فریب دهند، سوراخ کن .

۱۳ - به راستی ، اقمار ، کوهها ، درختان بلند، گیاهان ، و علفها او را پیروی میکنند .

هر دو جهان باشوق و عشق نزدیک شدند ، و آب ها وقتی که

- «اندرا» به وجود آمد به خدمت او کمر بستند.
- ۱۴ - کجاست آن تیر انتقام که تو ای اندرا ، دیو شورش و نخطی را با آن بشکافتی ؟
- آن هنگام که دیوان چون گله ای که در قربانگاه بخوابد ، در روی زمین خوابیده بودند .
- ۱۵ - آن ها که به دشمنی ما برخاسته اند ، (۱) ای اندرای نیرومند ، آن دشمنان ما را به تاریکی کور کننده گرفتار ساز .
و اینان (ما و دوستان ما) از نور درخشان روشنی یابند .
- ۱۶ - باشد که نذور فراوان مردم ، و خواندن ادعیه مقدس « ریشی » ها ، تو را خشنود سازد .
- با محبت این دعای همگانی ما را بشنو ، به سوی ما بیا ، و بر آن ها که تو را ستایش میکنند ، بگذر .
- ۱۷ - ای اندرا ، باشد که ما از این الطاف جدید که برای ما سود آور است ، بهره مند شویم .
- باشد که ما «ویشوامتر» ها با سرودن از روی شوق ، بوسیله تو ای اندرا ، به روشنائی روزنایل شویم .
- ۱۸ - ما «مکھون» ، «اندرا» ی نعمت بخش ، و بهترین قهرمان

(۱) در متن واژه: « او گانه ما Oganas » بکاررفته و احتمالاً نام مردان قبیله دشمن است .

را درجائی که غنائم جمع آوری شده است ، میخوانیم ،
 نیرومندی که میشنود، و در جنگ‌ها یاری مینماید، و «ویترا»
 را میکشد، و ثروت را به دست می آورد، و جمع میکند.
 (ماندالای دهم - سرود ۸۹)



۲۳

دستایش زمین

Prithivī

۱ - تو ای «پریتهیوی» (۱) به حقیقت سنگینی وزن کوه هارا با نیرومندی تحمل میکنی،

تو که صاحب جوی های فراوانی، ای توانا، خاک را برمی انگیزی.

۲ - سرود های ستایش ما با گل های سخن به گوش تو می آید.

ای پهناور که ابرهای منبسط را چون کشتی تندرو به پیش میرانی، ای درخشنده.

۳ - ای که به نیروی خویش درختان جنگل را بر روی زمین پا برجا نگاه میداری هنگامی که از برق ابرهای تو سیل باران از آسمان بر زمین فرو میریزد.

(ماندالای پنجم - سرود ۸۴)

(۱) در اینجا منظور از کلمه «پریتهیوی» الهه زمین یا شخصیت زمین نیست؛ بلکه بعقیده «ساینه»، خدائی از افلاک یا جو است. پریتهیوی دو صورت دارد، یکی: زمین؛ و دیگری: اسبابی است برای سوراخ کردن کوهها، یعنی اسبابی که به کوهها اصابت میکند و آنها را سوراخ میسازد و چشمه های آب را جاری مینماید، مثل: صاعقه، و قدرت دیگری که همان اثرات را داشته باشد.



خطاب آسمان زمین

Prithivī Dyaus

- ۱ - کدام يك مقدم ، و کدام يك مؤخر بود؟
چگونه بوجود آمد؟
ای دانشمندان ، کی میتواند بدانند؟
آنها (۱) به خودی خود همه وجود را دربردارند ،
شب و روز مانند چرخى در گردش است .
- ۲ - آن دوبي پا که حرکت نمیکند، بسیاری از جرثومه های
جنبنده، و دارای پارا دربردارند،
چون پسری در دامان پدر ، و مادر خویش؛
باشد که زمین ، و آسمان ما را از بدی هراسناك محفوظ
نگاه دارند.
- ۳ - من بخشش «ادیتی» (۲) را ستایش میکنم، بخششی که از
نفرت مبرا است ، و کاستی نمی پذیرد ، و آسمانی ، و شکست ناپذیر ،

(۱) ظاهراً منظور خدایان آسمان و زمین است.

(۲) منظور از بخشش ادیتی یا برکت ادیتی نعمت های تمام ناپذیر طبیعت

است . بنا بر تفسیر «ساینه» اینجا «ادیتی» بمعنی : «فلك» است.

و قابل پرستش است .

ای جهان ها ، چنین بخششی برای سراینده فراهم سازید .
باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناک محفوظ
نگاه دارند .

۴ - باشد که ما دو جهان را که هرگز رنجی نمی شناسند ،
خدمت کنیم ،

آنها که کمک میدهند و خدایان فرزندان شان هستند ، و خود
آن دو نیز از خدایانند ، و شب و روز را به توالی یکدیگر
می آورند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناک محفوظ
نگاه دارند .

۵ - آن دو دوشیزه که چون متحد شوند يك جفت میگردند ، و
دختران توأم که در دامان پدر و مادر خویش ناف جهان را نوازش
میدهند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناک محفوظ
نگاه دارند .

۶ - آن دو منزل بزرگ وسیع را من چنانکه باید ستایش
میکنم ،

آن دو پدر ، و مادر با حمایت خدایان ،
آن دو موجود زیبا که از آب حیات بهره ورنند ؛

باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۷ - آن دوفرد بزرگ وسیع، و پهناور را بادست و پای باسط من به وسیله این قربانی- از آن دوفرد بخشنده لطف بخش- مسلت دارم که درین قربانی شریک باشند ؛

باشد که آسمان و زمین ما را از بدی های هراسناك محفوظ نگاه دارند .

۸ - هر گناهی که ما به درگاه خدایان، یا ضد دوستان، و یا ضد رئیس خانواده مرتکب شده ایم ؛

باشد که این دعای ما موجب آمرزش آن گناهان گردد؛
باشد که آسمان ، و زمین ما را از بدی های هراسناك خود محفوظ نگاه دارند .

۹ - باشد که برکت هردو ، و مردم (و خدایان) ، مرا یاری کند؛ باشد که هردو به حفظ و کمک من پردازند،

فراوانی بیشتر نصیب بخشندگان باشد تا نصیب بی خدایان.
باشد که ما با سرور از غذا های فرح بخش بهره یابیم ، ای خدایان .

۱۰ - این مراسم رسمی (اعمال قربانی) را من دانشمند (فهمیده) به آسمان، و زمین بجا آورده ام تا نخست آنها بشنوند ،
باشد که آنها ما را از خطا و جنایت حفظ فرمایند، و چون پدر،

ومادری مارا با یاری خویش حمایت کنند .
 ۱۱ - ای آسمان و زمین ، باشد که این حقیقت باشد ،
 ای پدر و مادر ، آنچه من اینجا از شما خواستارم ، با کمک
 شما از نزدیکان خدایان میشوم .
 باشد که رزق گوارا ، وارد نگاه (چراگاه) پُر آبی نصیب ما
 گردد .

(ماندالای اول - سرود ۱۸۵)



۲۵

«ستایش اوشس» (فجر-سپیدم)

Ušas

- ۱- با سعادت مندی بر ما طالع شو، ای «اوشس»، ای دختر آسمان، با عظمت و جلال طالع شو، ای بخت بانو، ای بانوی روشنائی، با ثروت طالع شو، ای بخشنده فراوانی .
- ۲- آن‌ها که اسب، و گاو می‌آورند، و رفاه و ثروت می‌بخشند، بیشتر پیش تاخته‌اند تا ما را روشنی بخشند .
- ای اوشس، آوای شادی را برای من بیدار ساز، و ثروت و عظمت را به ما فرست .
- ۳- اوشس دمیده و اکنون نیز خواهد دمید، الهه راننده ارا به‌ها .
- آن که چون نزدیک شود، همه افکار متوجه او می‌گردد، مانند جویندگان افتخار در روی سیل .
- ۴- اینک «کنوه» رئیس قوم (نژاد) «کنوه»ها، افتخارات نام قهرمانان را با آوای بلند می‌سراید .
- شاهانی که چون تو ای اوشس نزدیک میشوی افکار خود را بد

سوی بخشش های راد مردانه متوجه میسازند .

۵- اوشس چون مادری مهربان می آید ، و بادقت به هرچیز رسیدگی میکند :

زندگی را بیدار میسازد ، وهمه آفریدگان پادار را برمی انگیزد ، وهمه مرغان هوا را بیرواز درمی آورد .

۶- او (اوشس) کارکنان را پیش میفرستد ، وهرکس را به کارخود مشغول میدارد ، وچون برپا خاست دیگر تأخیر در کار نمی شناسد .

ای توانگر درمال ، ونعمت ، پس ازدیدن تو مرغانی که به پرواز درآمده اند ، دیگر آرامش ندارند .

۷- این «سپیده دم» اسبان خود را به ارابه بسته است و به آن سوی مطلع خورشید می تازد .

سوار برصدها ارابه سپیده دم فرخنده در راه خویش به سوی مردم می تازد .

۸- برای دیدار او همه آفریدگان زنده سرفرود می آورند . آن سرور والا به وجود آورنده روشنائی است .

اوشس دختر آسمان ، و ثروتمند چون بدرخشد ، دشمنان ، و بدخواهان را دور می کند .

۹- ای «اوشس» ، ای دختر آسمان ، بانور درخشان خود بر ما بتاب .

گنج‌های نعمت و برکت را به ما ببخش ، و بر مراسم رسمی ما بتاب .

۱۰- چون تنفس ، و حیات هر موجود زنده‌ای از تو است، وقتی که تو ای فردا علی طالع میشوی ، سوار بر ارا به مجلل خود ، ای بانوی روشنائی، و ای صاحب ثروتهای شگرف، دعوت ما را بشنو .
۱۱- اوشس نیروی خود را که در میان مردم شکفت آور است ، به دست آور ، و با آن نیرو پا کدامنان را به اجرای مراسم مقدس و ادار ؛

آنها که چون روحانیون ستایش تو را می‌سرایند .

۱۲- ای اوشس ، همه خدایان را از فلک فرود آور تا شیرۀ «سوما»ی ما را بنوشند .

و چنان که هستی گاوان ، و اسبان ما را نگاهداری فرما ، و برای ستایش و نیروی قهرمانی از ما دیدن کن .

۱۳- باشد که اوشس که اشعه موهبت و برکت او در همه اطراف ساطع است، ما را ثروت‌های زیبا و شامل هر چیز نیک و بخشد؛ ثروتی که بتوان با کار آسان به دست آورد .

۱۴- ای فرد توانا که «ریشی» های عهد باستان تو را برای حمایت ، و یاری ما میخوانده‌اند ؛

ای «اوشس» ، سرودهای ستایش ما را از راه لطف بارفاه و روشنائی رخشان جواب بده .

۱۵- ای اوشس، همان گونه که امروز درهای دولنگه آسمان
 را باز کردی، مارا منزلگاهی فراخ، و فارغ از دشمن عطا فرما .
 ای الهه، مارا روزی (رزق) ، و گاو نصیب فرما .

۱۶- مارا به نعمت ، و فراوانی راهنمایی نما ، و رزقی کوآرا
 و فراوان، و گوناگون برای ما بفرست ،
 ای اوشس که پُر جلال و پیروز می باشی ، ای توانا ، ای آن
 که به نیرومندی درغنایم، و مال توانگری .

(ماندالای اول- سرود ۴۸)



خطاب به شردها (ایمان)

Śraddhā

۱ - با ایمان «اگنی» افروخته میشود ، و با ایمان ندور تقدیم میشود .

ما باستایش : «ایمان» ، و کمال سرور، جشن میگیریم .

۲ - ای «ایمان» ، مرد بخشنده را مبارک کن ، ای ایمان ، کسی که مایل است ببخشد ، برکت ده .
پرستندگان آزاده را مبارک فرما .

۳ - همان گونه که خدایان «ایمان» را در «اسوره» های نیرومند نگاهداشتند (حفظ نمودند) ،
این آرزوی گفته شده مرا در باره پرستندگان آزاده جامه حقیقت بخش .

۴ - ای خدایان ، و مردم که قربانی میکنید ، در تحت حمایت «وایو» به ایمان نزدیک شوید .

آدمی ایمان را از راه خواهش دل به دست می آورد ، و از ایمان به نعمت ، و ثروت میرسد .

(۱) در این جا «شردها» تجسم ایمان یا الوهیت شناخته شده است.

۵- ما «شردها» (تجسم ایمان) را در سپیده دم میخوانیم، و باز در
یامروز میخوانیم، و همچنین هنگام غروب آفتاب.
ای «شردها» (تجسم ایمان)، در این جهان «ایمان» را برای ما
الهام فرما.

(ماندالای دهم - سرود ۱۵۱)



دستایش اندرا

۱ - اندرا ، آوای مرا بشنو، و بدان بی اعتنا مباش ؛ باشد که ما در خور عطای گنجهای تو باشیم ؛

این ندور که به منظور به دست آوردن ثروت است ، و مانند رودخانه جریان دارد ، نیروی تو را افزایش می دهد .

۲ - ای اندرا ، ای قهرمان ، تو آب های عظیم را که «اهی» پیش از این دربند کرده بود ، آزاد ساخته ای ، و آن ها را پخش نموده ای ، و به نیروئی که سرودها به تو بخشید ه اند ، آن برده (۱) را که لاف جاویدانی میزد ، فرو انداخته ای .

۳ - ای اندرا ، ای قهرمان ، این (ستایش های) درخشان (به صورت) سرودها که تو از آن ها لذت میبری ، و این حمد و ثنای پرستندگان که تو را اقناع میکنند ، خطاب به تو است ، تا تو را (به سوی قربانی ما) بیاورد .

۴ - ما نیروی فروزان تو را با (حمد و ثنای) خویش تقویت

(۱) داسه Dāsa : غلام ، برده ، آریایی مردم بومی قدیم هندوستان را داسه

میکنیم، و صاعقه را در دست تو میگذاریم؛
 نوای «اندرا»ی درخشان که نیرویت در افزایش است، و آفتاب
 تو را (شجاعت می بخشد) قوم زیر دست (۱) را برای خاطر (خیر)
 ما مغلوب ساز.

۵ - ای اندرا، ای قهرمان، تو با دلیری خویش «اهی»^۲
 با عظمت را که در غاری مخفی شده بود و در پنهانی به سر می برد،
 و آب هائی که منزلگاهش بود، او را پوشیده بودند، و در آسمان
 (فضاء) مانع از ریزش باران بود، از میان بردی.

۶ - ای اندرا، ما (اعمال) نیرومند قدیم تو را تجلیل
 میکنیم، ما کارهای جدید تو را تجلیل میکنیم؛

ما صاعقه را که در دست های تو میدرخشد، می ستائیم، و ما
 اسبها را که علائم آفتاب (اندرا) است جشن میگیریم.

۷ - اسبهای تیزرو تو، ای اندرا، شیبه بلندی که باران را
 اعلام میدارد، بر آورده اند؛

زمین هموار به اشتیاق منتظر ریزش آن (باران) است؛ آن
 هنگام که ابرهای گرد آمده، گذشته اند.

۸ - ابری که (بوظیفه خویش) بی اعتنا نیست در آسمان
 (فضاء) معلق است، و خروشان از (آب های) مادری (سرچشمه) در

(۱) یعنی داسه ها Dāsa.

(۲) اهی Ahi: دیو خشکسالی - مار (ابر) - نام وریترا.

اطراف گسترده شده است ؛

بادها که صدا را در افق دور تقویت میکنند ، صدای «اندرا»
را منتشر ساخته اند .

۹ - «اندرا»ی نیرومند ، «وریترا»ی خطاکار ساکن در ابر
را خرد ساخته است ؛

آسمان و زمین می لرزید ، و از آذرخش فرستنده رگبار
هراسان بود .

۱۰ - آن هنگام که «اندرا»ی دوست مردم در اندیشه کشتن
دشمن بشر بود ، صاعقه رگبار فرستنده به آوای بلند می غرید ؛ او
(اندرا) شیرۀ «سوما» را نوشید، و نقشه های «دانوه»^(۱) خطاکار را بر هم زد.

۱۱ - ای اندرای قهرمان ، بنوش ، بنوش سومارا ؛

باشد که شیرۀ نشاط آور (آن) ، تورا لذت بخشد ؛

باشد که جناحین تورا منبسط سازد، و (شجاعت تورا) فزونی
دهد، و بدین گونه نذر مداوم، «اندرا» را خرسند کند .

۱۲ - باشد که ما پرستندگان پا کدل تو ، در (جوار) تو ساکن

گردیم، و با (نیروی) ایمان به تو نزدیک و از (اجر) عبادت خویش
بهره مند شویم .

در آرزوی حمایت تو ، ما در اندیشه تجلیل تو هستیم ؛ باشد

(۱) دانوه‌ها Dānavas : دسته‌ای از اهریمنان یادیه‌وان زادگان یا

فرزندان دانو.

که ما همیشه (درخور) بخشش گنج‌های تو باشیم .
 ۱۳ - باشد که ما (به لطف) تو ای اندرا ، مانند کسانی باشیم
 که در آرزوی حمایت تو (با ستایش خود) نیروی تو را افزایش
 میدهند .

ای «اندرا»ی الهی ، تو ثروت دلخواه ما را می‌بخشی (ثروتی
 که سرچشمه) نیروی عظیم و فرزندان (بیشمار) است .
 ۱۴ - تو به ما مسکن می‌بخشی ؛ توبه ما دوستان عطا می‌کنی ،
 تو ای اندرا ، به ما نیروی «ماروت» ها را میدهی ؛ بادهای مهربان
 و پیروزی که مقدار زیادی از اولین تقدیمی (شیرهٔ سوما) مینوشند .
 ۱۵ - آنان که مورد مهر تواند (به نذر) میل کنند ، و تو ای
 اندرا ؛ با اطمینان از «سوما»ی سیراب کننده بنوش ؛
 ای رهاننده (از بدی) ، به کمک (ماروت‌های) نیرومند قابل
 پرستش ، کامیابی ما ، و آسمان را فزونی بخش .

۱۶ - ای رهاننده (از بدی) ، آنان که تو را ای شادبخش با
 سرودهای مقدس عبادت میکنند، به زودی به بزرگی خواهند رسید .
 آنان که علف مقدس را (به افتخار تو) برمی افشانند ، مورد
 حمایت تو میباشند، و با خانوادهٔ خویش روزی (فراوان) به دست
 می‌آورند .

۱۷ - ای «اندرا»ی پهلوان ، به مراسم رسمی «تری کدرو که» (۱)

(۱) تری کدرو که **Trikadruka** : نام سه روز اول جشن ابهی پلوه

• Abhiplava

تفاخر کن ، و شیرۀ «سوما» بنوش ، و پی در پی آن را از ریش خود
بزدای ، و با اسبان خویش به خرسندی برای نوشیدن نذر روان
بازگرد .

۱۸ - ای اندرای قهرمان ، نیروئی را که با آن «وریترا»
فرزند عنکبوت مانند «دانوه» را مقهور ساختی ، نگاهدار ، و (دریچه)
روشنائی را به سوی «آریا» بکشا ؛
داسیو^(۱) در طرف چپ تو قرار گرفته است .

۱۹ - آن مردانی را که تحت حمایت تو بر رقیبان خود
پیشی گرفته اند ، همان گونه که «آریا» ها بر «داسیو» ها غلبه
کردند ، احترام نمائیم ؛ این را برای ما (توانجام داده ای) ، تو
«ویشوروپ» پسر : «توشر» را برای دوستی «تریته»^(۲) هلاک ساخته ای .
۲۰ - تو بتقویت (نذر) «تریته» تفاخر کنننده که «سوما» را به
تو تقدیم نمود ، «اربوده»^(۳) را معدوم ساخته ای ؛ «اندرا» با کمک
«انگرس» ها سلاح خویش را مانند خورشید که به دور چرخ خود
میگردد ، چرخانید ، و «وله»^(۴) را کشته است .

۳۱- آن بخشش فراوان که از تو ای «اندرا» ، منبعت میگردد ،

(۱) داسیو Dasyu: مردم بومی و ساکن سرزمین هندوستان پیش از ورود قوم آریائی

(۲) تریته Trita : یکی از خدایان قدیم دوره ودائی .

(۳) اربوده Arbuda : نام دیو فضاء (جو) .

(۴) وله Vala : زیر زمین ، زندان تاریک ، دیو خشکسالی . در اینجا

ظاهراً منظور برادر: «وریترا Vrita» یا خود «وریترا» میباشد .

بی گمان به آن که تو را ستایش میکند (آنچه را که آرزو دارد)
خواهد بخشید، آن را به ما که ستاینندگان توایم، عطا فرما؛
تو که مورد پرستش مائی (دعای ما را) نادیده مگیر تا ما که
ببرکت اخلاف لایق نایل شده ایم، تو را در این قربانی تجلیل نمائیم.
(ماندالای دوم - سرود ۱۱)



۲۸

دستایش ویئودوا

Viśvedevas

۱ - اشعه ساطع ، و روشن ، و فنا ناپذیر ، و زیبا ، و پاک خورشید ، به لطف «میترا» و «ورونا» ، طالع گشته است ، و چون زینت آسمان می درخشد.

۲ - آن که بر سه جهان قابل شناختن واقف است ، و دانشمندی که بر اسرار تولد خدایان (در آن سه جهان) اطلاع دارد ؛ و آن که بر نیک و بد کارهای آفریدگان ناظر است ، او (یعنی: خورشید، خداوند) نیت آن‌ها را آشکار میسازد.

۳ - ای «ادیتی» ، ای «میترا» ، ای «ورونا» ی نیک زاد ، ای «اریمن» ، و ای «بهگه» ، که حامی قربانی مقدس هستید؛ من شمارا ستایش میکنم؛ من جشن خدایانی را برپا میدارم که اعمال آن‌ها سستی نمی پذیرد ، و بخشندگان و عطا کنندگان پاک میباشند.

۴ - آنان که بدخواهان را منهزم ، و نیکان را حمایت میکنند ، و کسی را یارای مقاومت با آنها نیست ، خداوندان بانیرو ، و بخشندگان منازل نیکو (اند)؛

آنان که همیشه جوان، و نیرومند، و در همه جا حاضرند،
پیشوایان آسمان، فرزندان «آدیتیا» (هستند)؛
من به «ادیتی» که در اثر پرستش من، بر سر لطف آمده، پناه
می برم.

۵ - ای پدر «آسمان»، و ای مادر «زمین»، و ای برادر
«اگنی»، و شما ای «واسو» ها! ما را شادی بخشید؛ و شما همه ای
فرزندان آدیتیا ها، و تو ای «ادیتی» با خرسندی به ما برکت
بخشید.

۶ - شما ای خدایان قابل پرستش، ما را زیر دست راهزن،
و همسر او، و هر که قصد آزار ما را دارد؛ قرار مدهید؛
چون شما ناظم شخصیت، و نیرو، و سخن ما می باشید.

۷ - مبادا که ما برای گناه دیگران به کیفر برسیم؛ ای واسوها!
ما را از انجام دادن کارهایی که شما منع کرده اید، بازدارید.
ای خدایان جهانی که بر این جهان حکم فرمائید، کاری
کنید که آزارهای دشمن من به خود او برگردد.

۸ - تعظیم سزاوار (خدایان جهانی) تواناست، من تعظیم خود
را به آنها تقدیم میدارم، تعظیم (سزاوار) نگاه دارنده زمین، و آسمان
راست، تعظیم به خدایان باد، تعظیم بر همه آنها حاکم است، من
با تعظیم خویشتن را از هر گناهی که مرتکب شده باشم، پاک
می سازم

۹ - ای خدایان قابل پرستش ، من شما را که توانا اید، و قربانی خویش را منظم می سازید، و نیروی شما پاک است ، و در عبادت- گاه معتکف اید ، و مغلوب چیزی نمی شوید ، و رهبران دور بین (مراسم) میباشید، باسلام و احترام تعظیم میکنم.

۱۰ - باشد آن که جلالش در فزونی است ، ما را هدایت کند تا همه بیدادگری ها نابود (ناپدید) شود؛ آنها (یعنی: ورونا ، و میمرا ، و اگنی) که زیاد نیرومندند، و راستی را بجای آورند و به کسانی که همیشه آن ها راستایش میکنند، وفادارند .

۱۱ - باشد که آنها (یعنی : اندرا ، وزمین، وپوشان، و بهگه، وادیتی ، و آن پنج گروه^(۱)) موجودات منازل ما را فزونی بخشند. باشد که آنها به ما شادی، و روزی عطا فرمایند ، و به نیکی هدایت کنند، و مدافعان، و حافظان خوب ما باشند .

۱۲ - باشد که تقدیم کننده این نذر ، «بهردواج» همان گونه که از لطف شما ، ای خدایان استدعا دارد، هر چه زودتر به یک منر لگاه آسمانی برسد ؛ برپا دارنده این تشریفات (مراسم) بسا - همکاران نیکو کار خویش، در آرزوی ثروت، مجمع خدایان را تجلیل مینماید .

۱۳ - ای «اگنی»! دشمن شریر، و خطا کار، و بدخواه ما را دور

(۱) یعنی : پنج نژاد یا پنج دسته از مردم ویا پنج قبیله آریائی .

ساز، وای حامی نیکوکاران ما را برکت ده .

۱۴ - ای سوما ، سنگ های آسیای ما نگران دوستی تو است ؛ «پنی» خونخوار را هلاک کن ، چون براستی او گرگی است .
 ۱۵ - ای خدایان ، شما که جوانمرد ، و مشهورید ، با «اندرا» که سرور شما است در راه با ما باشید ، تا ما را حمایت کنید ، و شادی بخشید .

۱۶ - ما با کامیابی بی آن که مواجه با بدی شویم ، از این راه گذشته ایم ،
 آن راهی که از مخالفت احترام می شود ، و ثروت بدست می آید . (۱)

(ماندالای ششم - سرود ۵۱)

(۱) در متن اصلی وزن این قطعه با سایر قطعات این سرود فرق دارد و ظاهراً قطعه اخیر بمنزله دعا است .



۲۹

دست‌آیند ویشود و امان

۱ - ای «واجه» ها ، و «ریبهو کشن» ها ، ای خداوندان نیرو؛
باشد که ارابهٔ وسیع ، و قابل تمجید ، و بلا مانع شما ، شما را به
اینجا بیاورد؛

ای زیبا زرخان، از آن نذور مُرکب از سه چیز ، و «سوما» ی
فراوان که هنگام قربانی‌های ما برای نشاط شما (ریخته می شود)
سیراب شوید .

۲ - شما ریبهو کشن ها ، ناظران عرش (کنج‌های) گرانبهای
بی نقص را برای ما که (تقدیمی های قربانی را) جاری می‌سازیم
حفظ کنید ؛

شما که مالک نیرواید ، هنگام مراسم (ما) سیراب شوید ، و
بافکر (موافق) ما را ثروت بخشید.

۳ - تو ای «مکهون» که مُقسّم کم و بیش ثروت هستی، و هر دو
دست تو مملو از کنج است، و (وعده های) صمیمی کنج بخشی تو
مانع از آنها نیست .

۴ - ای اندرا، تو که «ریبهو کشن» هستی، وبه ویژه مشهوری،
و میل بغذا داری، و (آرزوهارا) بر آورده میسازی، به منزل گاه پرستنده
خود بیا .

ای خداوند اسبان سمند ؛ باشد که ما «واشیست» ها امروز
(تقدیمی هارا) به حضور تو آوریم، و برپا سازند گمان ستایش تو
باشیم .

۵ - ای خداوند اسبان سمند (تیزرو) ، توئی بخشنده (ثروت)،
فرو فرستاده به دهندگان (نذور) که با مراسم مقدس آن ها تو تعظیم
یافته ای ؛

آن گاه که تو به ما ثروت می بخشی ، و ما را با حمایت خاص
خویش در امان نگاه میداری .

۶ - ای اندرا ، در آن وقتی که تو ستایش ما را می پذیری ،
ما پرستندگان را در منازل خویش قرار میدهی ؛ اسب تیزرو تو (در
اثر) سجده های رسمی، ثروت، و فرزندان نرینه، و روزی به خانه های
ما بیاورد .

۷ ای اندرا ، ای نگاه دارنده سه جهان که نیریتی^(۱) الهی
به سلطنت او معترف است ، و سالهای بسیاری بر آن میگذرد ، و
موجودات فناپذیر به خانه او راه ندارند ، نزدیک میشود تا نیروی
ضعیف شده خویش را (تقویت نماید) .

(۱) نیریتی Nirriti الهه مرکب و ویرانی .

۸ - باشد که ثروت قابل ستایش «سویتری» بدسوی ما آید ،
 ثروتی که پاروتد^(۱) بخشنده آنست ،
 باشد که آن حامی آسمانی ، همیشه ما را حفظ کند ، و شما
 (ای خدایان جهانی) همواره ما را برکت بخشید.
 (۱۰ اندالای هفتم - سرود ۳۷)

(۱) پاروته، Pārvata : کوه نشین ، کوهستانی ، صاحب کوهستان ها بنا بر
 اساطیر هندو پاروته نام همسر شیوا دختر «هیمونت Himavanta» است



دست‌آیین خدایان مختلف

- ۱- ای «وایو»ی صاحب هزار ارابه، واسبان یراق کرده، بیا وشیره «سوما» بنوش.
- ۲- ای وایو به اسبان یراق کرده نزدیک شو، این (شیره) درخشان مورد قبول تو واقع شده است، چون توبه‌خانه تقدیم کننده نذر میروی.
- ۳- ای رهبران (مراسم)، ای «اندرا»، و «وایو»، خداوندان دسته اسبان، امروز بیائید واز مخلوط شیر، وشیره خالص «سوما» بنوشید.
- ۴- این نذر به شما تقدیم میشود، ای میترا، و ورونا، ای پرورندگان حقیقت؛ دعاها کنونی مرا بشنوید.
- ۵- ای شاهانی که نستم روا نمیدارید، در این تالار مجلل، و زرین ستون بنشینید.
- ۶- باشد که این دو سلطان جهان، خورندگان کره صاف شده، پسران: ادیتی، و خداوندان سخاوت، لطف خود را به

(پرستندگان) صمیمی خویش نشان دهند .

۷- ای اشوین ها که در شما هیچ خلاف حقیقتی نیست، ای «رودرا»ها ، از راه (مستقیم) به سوی قربانگاه بروید که (در آنجا نذر) حاضر میشود تا رهبران (مراسم مقدس) آنرا بنوشند، و در عوض (بتقدیم کننده نذر) گاو، و اسبان عطا شود.

۸- ای بارندگان ثروت ، چنان (مالی به ما عطا فرمائید) که بدخواه یا دشمن - خواه نزدیک ، و خواه دور - نتواند (آن را از ما) بگیرد .

۹- ای «اشوین»های مصمم، برای ما اموال از هر نوع، و ثروتی مَوْلَد (ثروت) بیاورید .

۱۰- باشد که «اندرا» همه خطرات بزرگ، و مقهور کننده را از میان بردارد؛ چون او مصمم است ، و حافظ همه میباشد.
۱۱- هرگاه «اندرا» به ما شادی بخشد، بدی در عقب ما نخواهد بود؛ (بلکه) خوبی در جلو ما خواهد بود.

۱۲- باشد که « اندرا » نگاه دارنده همه، و مغلوب کننده دشمنان از هر سو برای ما امنیت برقرار کند.

۱۳- ای خداوندان کیهانی ، به اینجا بیائید ، و این دعای مرا بشنوید ، و در روی این چمن مقدس بنشینید.

۱۴- این (شربت) تیز طعم خوشگوار، و شادبخش را «شونه هوترا»ها برای شما (حاضر کرده اند) ، آنرا برغبت بنوشید .

۱۵ - ای «ماروت» ها که «اندرا» سرور شما است، ای خدایانی که «پوشان» به شما نیکی میکنند، همه دعای مرا بشنوید .
 ۱۶ - ای «سرسوتی»، ای بهترین مادران، ای بهترین رودخانه‌ها، ای بهترین الهه‌ها، ماماوند گذشته شهرتی نداریم،^(۱) ای مادر، مارا نشخص عطا فرما.

۱۷ - ای سرسوتی که الهی میباشی، و در تو همه موجودات جمع شده است، ای الهه، در میان «شونه‌هوتر» ها شادی کن، و مارا ای الهه، فرزندان، و اخلاف عطا فرما.

۱۸ - ای سرسوتی، ای خداوند روزی فراوان، و آب فراوان؛ از این نذور که «گرتسمد» ها برای قبول تو تقدیم میکنند، و در پیش خدایان گرانبهاست، خرسند شو .

۱۹ - باشد که آن دو (آسمان، و زمین) که به قربانی نیکبختی می‌بخشند (به این قربانگاه) آیند، چون به راستی ما از هر دو شما و همچنین از «اگنی» حامل نذور خواهش می‌کنیم (باینجا بیائید).

۲۰ - ای آسمان، و زمین، امروز قربانی آسمان آرزوی ما را که وسیله بدست آوردن «سورگ» است، به سوی خدایان ببرید.

۲۱ - باشد که خدایان قابل پرستش که در آن ها بدخواهی نیست، امروز در نزد شما دو تا بنشینند و شیره «سوما» بنوشند .
 (ماندالای دوم - سرود ۴۱)

(۱) شونه هوترها Sunahotras از خانواده گرتسمد Gritsamada از جمله ریشی های دوره ودائی بوده اند .



۳۱

دستایش اندرا

۱- با تکرار آوای خویش و پیشگوئی آنچه اتفاق خواهد افتاد،
 («کپینجوله») جهت خاصی به صدای خود میدهد، همان گونه که
 سگاندار، کشتی را هدایت میکند.
 ای مرغ نیکبختی! فرخنده باش؛ باشد که از هیچ سو به تو
 صدمه نرسد.

۲- مبادا باشه و عقابی تورا بکشد؛ مبادا تیر صیادی بتو
 برسد:

چون در ناحیه پدران (نیاگان) آوا برمی آوری، پیک نیکبختی
 باش؛ ای اعلام کننده خوشبختی، در این هنگام با ما سخن بگوی.
 ۳- ای پرنده ای که پیام نیکبختی میدهی، و خبر خوش
 اقبالی میرسانی، از سمت جنوب منازل ما، آوا بر آر؛

(۱) بنابر گریه سونتراها Grihya - Sūtras این سرود هنگامی که
 صدای نا مطبوع مرغی شنیده میشود بطور خفی مکرر باید خوانده شود (شاید
 مقصود هنگام تطیر به بدی است). پرنده ای که در اینجا سرود به آن خطاب
 شده کپینجوله Kapinjala است.

باشد که دزد، و بد خواه بر ما بر نخیزد؛ ما که بر کت اخلاف
نیکو یافته ایم؛ باشد که تورا چنان که در خور است در این قربانی
ستایش کنیم.

(ماندالای دوم - سرود ۴۶)



۴۴

خطاب اندرا (بصورت پنده پینجده)

- ۱- مرغانی که در جستجوی طعمه اند، به تناسب فصل دوره کردی (ورود) خود را همچون برپا کنندگان (مراسم مقدس)، اعلام میدارند.
- او مانند خواننده «سام» - (۲) به دو آهنگ، «گایتری» ، و «تریشتب» - میخواند، و بشنوندگان لذت می بخشد.
- ۲- ای پرنده، تو چون «ادگاتر» ی که «ساماودا» می سراید، سرود میخوانی؛ تو چون «برهماپوتره» هنگام قربانی ها زمزمه میکنی.
- مانند اسبی که مادیان نزدیک میشود، توندای نیکبختی را ازهرسو (به آوای بلند) به ما میرسانی؛
- به آوای بلند، کامیابی را ازهرسو به ما اعلام فرما.
- ۳- وقتی فریاد بر می آوری، ای پرنده، نیکبختی را اعلام

(۱) نوعی کبک یا دراج.

(۲) منظور روحانی ادگاتر **Udgatri** یکی از ریشای چهاردسته براهمن است که سرودهای «ساما ودا» را با آهنگ و مراسم خاصی میخواند.

کن ، هنگامی که خاموش می‌نشینی ، اندیشه های مهربان نسبت
به ما پیروان ؛

چون هنگام پربدن می‌سرائی ، صدای توماوند چنگ باشد
تا ما بپرکت اخلاف نیکو برسیم ، و در این قربانی تو را بدان گونه
که سزاواری بستائیم .

(ماندالای دوم - سرود ۴۳) .



۳۳

دستایش استوشپتی

(۱) Vāstoshpati

۱- ای نگهبان خانواده ها ، ما را یاد کن؛ ما را بیمار مساز ،
 و به ما مدخل سرور عطا فرما .
 آنچه از تومی خواهیم ، بار غبت به ما عطا کن ، و چهار پایان
 و دو پایان ما را کامرانی بخش .
 ۲- ای حافظ خانواده ، ترقی دهنده ما باش ، ای « اندو » ،
 ثروت ، گاو ، و اسبان ما را افزایش ده .
 باشد که ما همواره در دوستی توجوان بمانیم ، همانگونه که
 پدری از پسران خود خوشنود است ، از ما خوشنود باش .
 ۳- با همراهی گرامی تو که سعادت می بخشد ، باشد که ما
 پیروز شویم ، ای نگهبان منزل شادمانی ، ما را هنگام آرامش ،
 و کار حفظ فرما !
 ای خدایان ، با برکت خود ، ما را نگاهداری نمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۵۴)

(۱) واستوشپتی Vāstoshpati : خدای حامی و محافظ خانه .



۳۴

دستایش و استوشپتی

Vāstoshpati

۱- ای واستوشپتی که بیماری ها را معدوم میسازی، و به هر صورتی درمی آئی ؛ دوست با موهبت ما باش .

۲- ای پسر: «سرما» (۱) وقتی که دندان های حنائی رنگ خود را نشان میدهی ،

مانند سرنیزه ها دردهان تو میدرخشد ،

هنگامی که میخواهی گازبگیری : به خواب رو .

۳- ای پسر «سرما» ، از راه خود بر گرد ، و به غارتگر، و دزد پارس کن .

تو به سرایندگان اندرا پارس میکنی ؟

چرا سعی داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

۴- مواظب گرازباش تا گراز از تو خبر دار باشد ، آیا تو به

سرایندگان «اندرا» پارس میکنی ؟

چرا سعی داری که ما را بترسانی ؟ به خواب رو .

(۱) سرما Saramā : تازی (سک خانگی) «اندرا» و مادر دو «سرمیه»

Sarameyas سکهای محافظ اندرا .

- ۵- ای مادر بخواب و بگذار پدر بخوابد ،
 ای سگک و صاحب‌خانه به خواب ،
 بگذار تا همه خویشاوندان بخوابند .
- ۶- مردی که نشسته ، و مردی که راه میرود ، و آن که مارا
 نگاه میکند ،
 ما چشم خود را از همه اینها می بندیم ، همانگونه که ما در
 این خانه را محکم میسازیم .
- ۷- آن گاوی که هزار شاخ دارد ، و از دریا برمی‌خیزد .
 بوسیله آن فرد نیرومند توانا ، ما مردم را آرام می‌کنیم ، و
 میخوابانیم (۱)
- ۸- زنانی که در حیات خوابیده اند ، یا در بیرون خفته اند ،
 یا در تخت خواب ها غنوده اند ،
 بانوان با عطر مطبوعشان ، اینها ، و همه را ما آرام میسازیم ، و
 میخوابانیم (۲)

(ماندالای هفتم - سرود ۵۵)

(۱) ظاهر منظور: از «گاو هزار شاخ» خورشید (با اشعه آن) است که وقتی
 غروب میکند، مردم میخوابند- و یا اینکه منظور آسمان پرستاره می باشد .
 (۲) بنا بر اساطیر هندو، هنگامی که «ویشته Vasiṣṭha» سه روز روزه
 گرفت و به امید غذا به خانه «Varuna» رفت ، سگک پاسبان به خانه او
 حمله برد و او با خواندن این چهار قطعه اخیر سگک را خواب کرد .
 دزدان و کسانی که بخانه ها دستبرد میزنند این دعا را میخوانند تا سکنه
 منزل از خواب بیدار نشوند .



۳۵

خطاب به غور باغچه

- ۱- غوکان همچون «براهمن» ها عهد خود را نگاه داشته‌اند، و همه سال را پرهیز کرده‌اند، و ستایش دلخواه «پرجنیه» را به آوای بلند می‌سرایند.
- ۲- وقتی که بر آن‌ها مانند پوست خشکی که در کف دریاچه گسترده شده باشد، رگبار (از) آسمان فرومیریزد؛ صدای غوکان باهم آهنگی بلند میشود، همچون گاوانی که همراه کوساله‌های خود صدامیکنند (۲).
- ۳- چون فصل باران فرا میرسد، و «پرجنیه» باران رامی‌بیند به صدا درمی‌آید، او را تبریک می‌گوید، مانند کودکی که با الفاظ بی معنی پدرش را بخواند.

(۱) پرجنیه Parjanya: خدای باران. در ریک و راه سرود خطاب به «پرجنیه» است.

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است: چون رگبار از آسمان بر رمل غوکان که در دریاچه (خشک) مانند مشک خالی خوابیده‌اند فروبارد صدای غوکان برمیخیزد، سان‌بع‌بع گاوان هنگامی که به کوساله‌های خود میرسند.

۴- یکی از این دو، دیگری را تبریک میگوید؛ چون هر دو از آمدن باران خوشنوداند.

غورباغه خالدار چون خیس میشود، به جست و خیز درمی آید، و با غورباغه سبزه تبریک گفتن میپردازد.

۵- آن گاه که یکی از شما صدای دیگر را تقلید میکند، همان گونه که شاگردی از معلمش؛

و آن وقت که با صدای بلند گفت و گو میکنید، و بالای آب ورمی جهید، آن هنگام بدن شما به رشد خود رسیده است.

۶- يك غورباغه صدای «گاو» دارد، و دیگری صدای «بز»؛ یکی خالدار است، و دیگری سبز:

اگرچه همه يك نام دارند؛ ولی در رنگ، و صدا متفاوت اند، و در نقاط مختلف خود را نشان میدهند.

۷- همان گونه که «براهمن»ها در گردکاسه لبریز نشسته و در مراسم سوما «اتی راتره» سخن میگویند؛

ای غوکان شما نیز در پیرامون دریاچه گردآمده اید و از همه سال امروز را احترام کنید که اولین روز فصل باران است.

۸- آنها به آوای بلند، مانند براهمنها که نذر «سوما» را برپا میدارند، و دعاهای سالانه را میخوانند، فریاد میکنند.

بسان روحانیون سراینده هنگام تقدیم «کهرمه» غوکان عرق ریزان (در سوراخهای خود) پنهان اند؛ ولی اکنون برخی از

آنها ظاهر میشوند .

۹- این رهبران مراسم شعائر خدایان را نگاه میدارند ، و فصول دوازده ماه را مراعات میکنند .

و چون فصل باران از نو فرامیرسد ، آنها که از تف حرارت سوخته‌اند ، (از پناهگاه خویش) رهائی می یابند .

۱۰- باشد که غوکان گاو آوا، و بز آوا، و خالدار، و سبزرنگ هر يك منفرداً مارا ثروت بخشند ؛

باشد که غوکان در فصل باران حاصلخیز صدها گاو به ما بخشند، و عمر (مارا) دراز کنند .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۳)



۳۶

دستایش دو «اشوین»

Asvins

ای «اشوین» های دراز دست پرورنده اعمال نیک، بادست های دراز شده، غذای (گوشت) قربانی را بپذیرید.

۲ - ای اشوین ها که کارهای بزرگ شما فراوان است، و راهنمای (پرستندگان) می باشید، و صبر، و تحمل به شما عطا شده است، با جمعیت خاطر، به ستایش های ما گوش فرا دهید.

۳ - ای اشوین های (۱) دشمن کذب، و عاری از ناراستی، و پیشرو سنگر قهرمانان، به سوی نذر مخلوط که به روی علف های مقدس درویده، و پاشیده شده است، بیایید.

۴ - ای «اندرا» ی بافر و شکوه، اینجا بیا، این نذور مطهر

(۱) در اینجا در متن سانسکریت بجای: «اشوین» نام دیگر آن «ناستیه» Nāsatya بصیغه جمع به کار رفته است. واژه «ناستیه» Nāsatya بگفته برخی از مفسران «ریک ودا» مشتق از Na + asatya (عاری از ناراستی) است و چون بصورت مفرد استعمال شود نام یکی از آن دو می باشد و نام «اشوین» دیگر بنا بر اساطیر هندو: «اشوین» بزرگترین «دسره» Dasra (صاحب اعجاز، کنسنده کارهای شگفت آور، زیبا، نابودکننده بدکار و شریر) است، اما چون این واژه بصیغه جمع Nāsatyah به کار رود اطلاق بر هر دو اشوین میشود.

که از فشار انگشتان (روحانیون) به دست آمده، در اشتیاق تو است.

۵ - ای اندرا که قوه فهم تو را می‌شناسند، ودانایان قدر تو را میدانند، نزدیک شو، و دعا‌های (روحانیانی) که هنگام تقدیم نذور میخوانند، قبول فرما.

۶ - ای اندرا، با اسبان سمند (کهر) خویش بتاز، و به اینجا بیا، و درین نماز و نذر غذای (تقدیمی) ما را بپذیر.

۷ - ای خدایان کیهانی^(۱) که حامیان و نگاهداران بشرید، ای بخشندگان اجر، در این نذور پرستنده خود حاضر شوید.

۸ - باشد که خدایان کیهانی تندرو، و بارندگان باران، در این نذر حاضر شوند، همان گونه که نور آفتاب با استقامت در روزها می‌تابد.

۹ - باشد که خدایان کیهانی بیزوال عالم و عاری از بدخواهی و صاحبان (ثروت)، این قربانی را قبول کنند.

۱۰ - باشد که «سرسوتی» پاک کنندۀ روزیبخش، پاداش دهندۀ عبادات بوسیله گوشت‌های تقدیمی ما بدین مراسم توجه فرماید.

۱۱ - سرسوتی الهام بخش مشتاقان حقیقت، و آموزندۀ درست

(۱) در متن سانسکریت واژه ویشودوا Visvedevāh (همه خدایان)

بسیغه جمع استعمال شده است.

اندیشان، قربانی ما را پذیرفته است .

۱۲ - سرسوتی با اعمال خویش رودخانه بزرگی پدیدار میکند

(و در صورت خویش) همه ادراکات را روشنی می بخشد .

(ماندالای اول - سرود ۳)



دستایش اندرا

۱ - ای دوستان (همکاران) بشتاب ، برای ستایش کرد آئید ،
و بنشینید، و ستایش «اندرا» را مکرر بسرائید (۱).

۲ - هنگامی که نذر ریخته میشود «اندرا» را که سر کوب
کننده دشمنان زیاد، و خداوند برکت ، و فراوانی است ، مکرر
ستایش نمائید .

۳ - باشد که او موجب رسیدن بمقصود خود گردد؛ باشد که
او باعث به دست آوردن نعمت شود ؛ باشد که او برای تحصیل دانش
به ما (کمک کند)؛ باشد که او با روزی (رزق) بسوی ما آید.

۴ - بسرائید برای اندرا که دشمنانش در نبرد منتظر او نشدند
تا اسبانش به ارا به بسته شوند .

۵ - این شیرهای «سوما»ی پاک و مخلوط با ماست برای
خرسندی نوشنده نذر ریخته میشود.

۶ - ای اندرا، ای کننده کارهای نیک، تونا گهان نیرومندتر

(۱) این بیت خطاب به سایر روحانیونی است که در مراسم قربانی شرکت
و همکاری دارند .

شده‌ای تا نذر را بنوشی ، و سروری خود را (بر خدایان دیگر)
حفظ فرمائی .

۷ - ای « اندرا » ی مورد ستایش ، باشد که این شیره‌های نافذ
سوما در (وجود) تو وارد شود و موجب افزایش هوش سرشار تو
گردد .

۸ - سرود های (سوما) تو را بزرگ ساخته است ، ای
« شت کر تو » ، سرود های (رگ بید) تو را والا (معظم) ساخته است ؛ باشد
که ستایش ما موجب عظمت تو گردد .

۹ - باشد که اندرا حافظ بی مانع ازین غذاهای (گوشتهای)
کونا کون (قربانی) که تمام خواص مردانگی در آنها نهفته است ،
لذت برد .

۱۰ - ای اندرا که مورد ستایشی ، مگذار که مردم آزاری
به شخص ما برسانند ، تو که نیرومندی ، ظلم (تعدی) را دور بدار .
(ماندالای اول - سرود ۵)



۴۸

دستایش اندرا

- ۱ - «اندرا» را خوانندگان با ستایش‌های بلند، «اندرا» را گویندگان با تمجیدهای خود، «اندرا» را دسته‌سرایندگان تجلیل میکنند (۱).
- ۲ - اندرا، مخلوط‌کننده همه‌اشیاء، به‌راستی با اسبهای (۲) خود که به فرمان او یراق میشوند، و دارای زینت‌های گرانبهاست و صاعقه را چون حربۀ در دست دارد، می‌آید.
- ۳ - اندرا، برای آن که همه چیز را امرئی سازد، خورشید را در آسمان برافراشت، و ابرها را از آب پر ساخت.
- ۴ - ای اندرای شکست‌ناپذیر، ما را در جنگ‌ها یاری فرما، آری در جنگ‌هایی که هزاران غنیمت از آن به دست می‌آید؛ با یاری‌های مبهوت‌کننده‌ای فرد با مهابت.

(۱) یعنی: نغمه‌سرایان سوما با سرودهای خویش، و خوانندگان «ریچ» Rich (سرودهای ریچ‌ودا) بادعاهای خود، و روحانیون «یاجوش Yajush» با متون کتاب، اندرا را ستایش میکنند.

(۲) در متن اصلی واژه: اروت Arvat (اسب، اسب کورس) بکار رفته است.

۵- ما «اندرا» را برای نعمت فراوان (و همچنین) برای مال اندک میخوانیم ، ای اندرا، ای متحدما که صاعقه را علیه دشمنان (ما) بکار میبری .

۶- ای فروبارنده باران ، ای بر آورنده همه آرزوها ، این ابرها را باز فرما ، تو که هرگز به (خواهش) ما بی اعتنا نبوده‌ای .
۷- هرگونه ستایش اعلی که به دیگر خدایان تقدیم می گردد، (متعلق) به «اندرا»ی رعد آسا نیز هست ، من ستایش سزاوار او را نمی شناسم .

۸- فروبارنده باران ، سرور توانا ، و آن که همیشه مجیب الدعوات است ، مردم را نیرو می بخشد بدان گونه که گاونر رمه گاو ان ماده را (حراست) میکند .

۹- اندرا ، آن که بر مردم، و بر ثروت‌ها، و نژاد پنج شاخه (جهان) فرمانرواست (۱) .

(۱) بعقیده : «بنفی Benfey» مقصود از «نژاد پنج شاخه» یا «پنج مردم» ، پنجه جناه Pañcha Janāh تمام ساکنان جهان است .
اما بنظر برخی از استادان هندی از عبارت چنین مفهوم میشود که منظور تنها کوچ نشین‌ها یا طوایف پنج قبیله آریائی هستند و نه مردم بومی سکنه هندوستان . پنج طایفه یا کوچ نشین شاید عبارت بوده اند از اتحادیه «توروشه‌ها Turvaśas» ، و «یدوها Yadus» ، و «انوها Anus» ، و «دروهبوها Drubhyus» و «پوروان Purus» .

بنظر «ساینه» منظور کسانی است که لیاقت سکونت را داشته‌اند و شامل «چهارکاست» و «نیشاده‌ها Nisādās» یا سکنه بومی می شدند. و بعضی گویند هنگامی که این سرود گفته شده هنوز اختلاف کاست‌ها وجود نداشته است .

۱۰ - ما اندرا را که همه جا در میان مردم حاضر است، برای
شما میخوانیم :
باشد که او منحصرأ از آن ما باشد، (واز دیگران دور شود).
(ماندالای اول - سرود هفتم)



۳۹

دستایش ویسودوا

Visvedevas

- ۱ - باشد که نیروی موهبت آمیز از هرسو به ما رو آورد ،
نیروی فریب ناپذیر و بی مانع و پیروز .
باشد که خدایان برای خیر ما همیشه با ما باشند ، و همه
روز از ما حفاظت کنند ، و توجه آنها گسستن نپذیرد .
- ۲ - باشد که لطف موهبت آمیز خدایان با ما باشد، و نعمت ،
و فراوانی خدایان راستکار بر ما نازل گردد.
ما با صمیمیت دوستی خدایان را خواسته ایم، باشد که خدایان
عمر ما را زیاد کنند تا زندگی کنیم .
- ۳ - ما با سرود باستانی خود آنها را والاتر میخوانیم ،
«بهکه» ، (۱) «دکشه» ی مهربان ، «میترا» ، «ادیتی» ،
«اریمن» ، «ورونا» ، «سوما» و «اشوین» ها .
باشد که «سرسوتی» با عنایت برکت (به ما) عطا فرماید .

(۱) بهکه Bhaga ؛ یکی از آدیتیاها ، خدای خوشبختی. «یاسکا» او را
از زمره خدایان کره اعلی می‌شمارد . در ودا او خدای بخشنده مال و بنیاد -
گذار زندگی و زناشوئی توصیف شده است .

۴ - باشد که باد آن داروی مطبوع را به سوی ما بفرستد، زمین که مادر ماست، و آسمان که پدر ماست، آنرا (یعنی: دارو) عطا فرماید، و آن سنگ‌های شادی که شیرۀ سوما را می فشارند .
ای اشوین‌ها که روح ما شایق شماست، این را بشنوید .
۵ - او را که با عظمت فرمانروائی میکند، و خداوند همه موجودات ثابت، و جنبنده است، و روان را الهام می بخشد؛ بیاری بخوانیم .

باشد که «پوشان» فزونی ثروت ما را افزایش دهد،
نگاهدارنده ما، و حافظ خطا ناپذیر خیر ما (باشد) .
۶ - آن که در اطراف و اکناف مشغول است، اندرا ما را کامیابی بخشد ؛

ای «پوشان» که خداوند همه ثروت‌ها هستی، ما را کامیاب ساز ؛
باشد که «تار کشیه»^(۱) با چرخ‌های صدمه ندیده، ما را موفق سازد:
ای بریهسپتی^(۲) سعادت ما را تضمین (تامین) فرما .
۷ - «ماروت» ها، پسران : «پریشنی» سوار بر اسبان ابلق که با جلال میگذرند و غالباً مراسم مقدس را تماشا میکنند.
دانشمندانی که زبان آنها «اگنی» است، و چون خورشید رخشانند .

(۱) تار کشیه Tārکشیا : معمولاً بصورت اسبی توصیف شده است و احتمالاً شخصیت خورشید است .

(۲) بریهسپتی Brihaspati : خداوند دعا و نماز .

باشد که همه خدایان برای نگاهداری ما به اینجا بیایند .
 ۸ - ای خدایان، باشد که ما با گوشهای خود آنچه نکواست بشنویم، و با چشمهای خویش آنچه را نکواست بنگریم، ای وجود های مقدس .

با دست، و پا و بدنهای استوار ، باشد که ما با تسبیح و تمجید به مدت عمری که خدایان برای ما مقدر کرده اند ، برسیم .

۹ - صدخزان درپیش روی ما است (۱) ، ای خدایان در طی این زمان شما بدنهای ما را خراب ، و فاسد میسازید ؛ در طی این زمان پسران ما به نوبت خود پدر میشوند ، عمر گذران ما را در نیمه راه مگسلید .

۱۰ - «ادیتی» (۲) آسمان است، ادیتی فلک است ، ادیتی مادر ، و پدر ، و پسر است .

ادیتی همه خدایان است ، ادیتی پنج طبقه (نژاد) مردم است، ادیتی تمام آنچه به دنیا آمده، و آنچه بعد به دنیا می آید است .

(مانندالای اول - سرود ۸۹)

(۱) در عبارت : «صدخزان در پیش ما است» ، طول عمر آدمی صدسال در نظر گرفته شده است.

(۲) ادیتی Aditi : بی نهایت ، بی کران ، طبیعت، لایتناهی .



۴۰

ستایش اگنی

۱ - مرا نیرو بخش ، ای اگنی ، چون تو مرا حامل «سوما»
 قرار داده‌ای که آنرا در قربانی تقدیم نمایم .
 من به خدایانی که حاضرند احترام میکنم، و سنگ را (برای
 فشردن شیره سوما) بر میدارم.
 من آن‌ها را بر سر آشتی می‌آورم، ای اگنی، شخص مرا حفظ فرما.
 ۲ - ای اگنی ، قربانی موفقیت آمیزی انجام داده‌ایم ، باشد
 که ستایش من آن گاه که تورا با هیزم و احترام پرستش میکنم ،
 موجب عظمت تو گردد .

خدایان آسمان خواهان عبادت پرهیز کارانی هستند که مشتاق

(۱) سرودهای ماندالای سوم به «ویشوامتر» «Visvamitra» و افراد خانواده
 او منسوب است. خود او بنا بر روایات هندوان لااقل گوینده «سوکتا Sūkta» ی
 اول و یازدهم است - در تاریخ ادبیات مقدس هندو ویشوامتر جای مهمی دارد .
 گفته‌اند او در یک خانواده : «کشتریه Kshatriya» (خانواده فرمانروایان)
 تولد یافت اما در اثر پیروی از تقوی و پرهیز کاری در زمره کاست «براهمن»
 درآمد . ماندالای سوم مشتمل است بر ۶۲ سرود .

ستایش (اگنی) نیرومند، و قابل پرستش می باشند .
 ۳ - خدایان اگنی زیبارا که در میان (آبهای) رودخانه‌های جاری (مخفی بود) بمنظور (اقامه) مراسم مقدس پیدا کردند .
 تولد اگنی هوشمند ، و پاک ، و قوی ، و مهربان ؛ به آسمان و زمین شادی بخشیده است .

۴ - هفت رودخانه بزرگ ، آن هنگام که اگنی مبارک ، و پاک ، و درخشان زاده شد ، بر نیروی او افزودند ، همان گونه که مادریان‌ها از کره نوزاد (مواظبت میکنند) ، خدایان بدن اگنی را گاه تولد پرورش دادند .
 ۵ - او (اگنی) با اندام فروزان در فلك گسترده شده است ، و مراسم را با هوشمندی (و نیروهای) پاک کننده مقدس برپا می سازد ، و شعاری از نور دارد ، و به پرستندگان خود روزی فراوان و کامیابی بزرگ و کاهش ناپذیر می بخشد .

۶ - اگنی در همه جا به (آبهای) نه بلعنده، و نه بلع شده باز میگردد ، هفت رودخانه جاویدان همیشه جوان که (زادگان) وسیع فلك اند، و با آن که پوشیده نیستند، برهنه نیز نمی باشند، از يك منبع سرچشمه گرفته اند، و اگنی را چون جرثومه مشترك خود به دست آورده اند .

۷ - اشعه او که در مشیمه آب ها مجتمع شده اند ، با طرف پراکنده می گردند ، و در همه اشکال درین جا هستند ، تا در سیلان

(شیره) شیرین مؤثر باشند .
مانند گاوان (شیرده) پُرستان (زمین و آسمان) نیرومند پدر
و مادر مناسب اگنی خوش اندام اند.
۸ - ای فرزند نیرو که همدنگاهداری تواند، با اشعهٔ فروزان
و سریع خود میدرخشی؛
آن هنگام که اگنی نیرومند در اثر ستایش عظمت می یابد،
رگبارهای باران شیرین فرو میریزد.
۹ - گاه تولد پستان مادر را می شناخت، و سیلابها و سخن
(رعد) از آن برخاست؛
کسی نبود که او را پیدا کند، بامصاحبان مبارك خود (بارها)
و بسیاری از (آبهای) فلک در لجه پنهان بود.
۱۰ - او جرثومهٔ پدر (فلک) و بوجود آورندهٔ (جهان) را
میپرورد؛ تنها او بسیاری از (گیاهان) نمو کننده را می بلعد؛
عروسان مصاحب آفتاب، (آسمان، و زمین) که به بشر
مهربانند - هردو - از خویشاوندان آن بخشندهٔ (برکت) پاک
می باشند (۱)؛

ای اگنی، همواره آن هارا نگاهدار .

۱۱ - اگنی بزرگ در (فلک) وسیع لایتناهی فزونی می یابد،
چون آبها غذای فراوان می آورند، و او به آرامی در زادگاه آبها

(۱) ظاهراً مقصود آسمان و زمین، یا شب و روز است .

میخواهد تا به رودخانه‌های خواهر خدمت کند.

۱۲ - اگنی شکست ناپذیر، حامی جنگاوران، بر همه پیدای، آن که به نور خورشید میدرخشد، بوجود آورنده (جهان)، جرثومه آبها، سرور پیشوایان، صاحب نیرو؛ اوست که آبها را برای تقدیم کننده نذور پیدا کرده (بوجود آورده) است.

۱۳ - آن تخته (قرص خورشید) مبارک جرثومه خوش اندام، و چند شکل، آبها و گیاهان را پدید آورده است.

خدایان با احترام به او نزدیک شدند، و چون زاده شد، (اگنی) قابل ستایش، و نیرومند را عبادت کردند.

۱۴ - خورشید های نیرومند، مانند برق های درخشنده با اگنی فروزان بزرگ در منزلگاه غار مانند خود همکاری نمودند، و آب حیات را در دریای وسیع بیکران میدوشند.

۱۵ - من برپا کننده مراسم با نذور خویش تورا پرستش میکنم، و در آرزوی لطف تو، دوستی تورا می طلبم (التماس میکنم)؛ با دیگر خدایان حمایت خویش را به آن که ترا می ستاید، عطا کن؛ با اشعه منظم خود ما را حفظ فرما.

۱۶ - باشد که با تقرب به تو ای اگنی نیکخواه، و با انجام دادن اعمال مقدس که سبب ثروت است، و با تقدیم نذور با صمیمیت و فراوانی طوایف دشمن (بد -

خواه) را که خدایی ندارند، مغلوب سازی.

۱۷ - ای اگنی ، تو خواننده ستوده خدایانی ، همه مراسم مقدس را می شناسی ،

و به آرامش و وقار در میان موجودات فنا پذیر منزل داری؛
و چون ارا بهرانی خدایان را دنبال می کنی (و خواهش آنان را)
انجام میدهی.

۱۸ - موجود جاویدان در منزل گاه فنا پذیران نشسته ، و
قربانی های (آنان را) بعمل می آورد:
اگنی دانا بر همه مراسم مقدس است ، و چون با کرة صاف
تغذیه میشود، حجمش فزونی می یابد ، و میدرخشد.

۱۹ - تو که بزرگ و در همه جا حاضری ، بادوستی و برکت
ویاری های نیرومند، بسوی ما بیا؛
و ثروت های بزرگ آسیب ناپذیر و خوش نام و مطبوع و مشهور
به ما عطا فرما .

۲۰ - ای اگنی باستانی، من این نیایش های ابدی و نوین را
به تو خطاب میکنم ،

این قربانی های مقرر ببخشنده نعمت ها تقدیم میشود ،
آن که در هر تولدی (در میان مردم) مستقر می گردد ، و
به همه موجودات داناست .

۲۱ - «جات ویداس» زوال ناپذیر که در هر تولد (در میان

مردم) مستقر میشود ، بوسیله «ویشوامتر»ها برافروخته شده است؛
 باشدما (که مشمول) لطف اوئیم ، همواره در مرحمت مبارك
 (خدای) قابل پرستش باقی بمانیم .

۲۲- ای اگنی نیرومند، (ای کننده) کارهای نیک، این قربانی
 نشاط آور مارا بسوی خدایان ببر .

۲۳- ای اگنی ، به خواننده خویش مانند رزق مقدس کله-
 های گاو عطا فرما که ثروت شگفت انگیز آن پایدار باشد .
 به ما پسری ببخش و اخلاف ما زیاد شود ای اگنی اراده
 مبارك تو دربارۀ ما چنین باشد (۱) .
 (ماندالای سوم - سرود اول)

(۱) باشد که در نژاد ما فرزندان ، و فرزند فرزندان بوجود آید ؛ و باشد
 که لطف تو پیوسته مشمول ما شود .



۴۱

دستایش آگنی

- ۱- خدا حتی ، « آگنی جات ویداس » نگریسته تا بامداد
پگاه را که باقر و شکوه میدرخشد ، دیدار نماید .
شما که سفرهای دور میکنید ، با ارابه خود به این قربانی
ما بیائید ، ای «ناستیه» ها .
- ۲- (خداوند) «سویتری» که جهان آفرینش را نورمی بخشد ،
درفش خویش را برافراشته است ، و بدینوسیله اشعه آفتاب حضور
خود را آشکار می نماید .
«سوریه» فلک ، و آسمان ، و زمین را پر ساخته است .
- ۳- صبحدم سرخ فام ، سوار بر روشنائی پیش تاخته ، و با
اشعه شادگون ، و نیرومند خود را نمایان ساخته است .
سپیده دم بر ارابه نیکوی آراسته خویش (یعنی :) الهه که
مردم را با سرود بیدار میکند ، نزدیک میشود .
- ۴- باشد که آن قویترین اسبان ، ارابه شمارا ، ای اشوین ها
در طلوع صبح به اینجا آورند ؛ در اینجا برای رفع عطش شما

شیره «سوما» حاضر است .
 ای نیرومندان در این قربانی ما شادی کنید .
 ۵- چگونه است که اوبی مهار وستون با آن که بسوی پائین
 مایل است ، فرو نمی افتد؟!
 با چه نیروی درونی (ذاتی) حرکت میکنند ؟
 که او را دیده است ؟
 او گنبد آسمان را نگاه میدارد - ستون نیکو برافراشته‌ای.
 (ماندالای چهارم - سرود ۱۴)



۴۳

دستایش وایو، واندرا،

Indra

۱- ای « وایو » (شیرهٔ سومای) درخشان و بهترین گوشت ها در این مراسم بتو تقدیم میشود .
 بیا ، وازین شیرهٔ سوما بنوش ،
 ای خداوند دلخواه (سوار) بر ارابهٔ خود که دو اسب آنرا میکشند ، بیا .

۳- ای « اندرا » ، وای « وایو » ، شما توأمان نیرومند که با یکدیگر میتازید ، و خداوندان قدرت میباشید ،
 با اسبان خویش به یاری ما آئید، تا شیرهٔ سوما را بنوشید .
 ۴- (با) آن اسبان دلخواهی که شما برای پرستندگان خود دارید ، ای قهرمانان ، به سوی ما روی آورید ،
 ای « اندرا » و ای « وایو » ، این قربانی بشما تقدیم میشود .

(ماندالای چهارم - سرود ۴۷)



دستایش اکنی

- ۱- اکنی با (بوسیلله) هیزم مردم بیدار میشود تا سپیده دم را که مانند گاوی (شیرده) ، می آید ، ملاقات کند .
مانند درختان جوان که شاخه های بلند خویش را بر می افرازند
شعله های او به طرف گنبد افلاک بر می خیزد .
- ۲- (مرد) روحانی بیدار میشود تا خدایان را پرستش کند .
بامدادان «اکنی» رؤف برخاسته است ؛
بر افروخته و نیروی رخشان او آشکار شده ، و آن خدای
بزرگ از ظلمت رهائی یافته است .
- ۳- آن گاه که صف ملازمان خود را بر انگیخته ، اکنی پاک
با شیر خالص تدهین شده است .
پس تقدیمی نیرو بخش مهیا گشته است ، و او ایستاده بازبان
منبسط آنرا مینوشد .
- ۴- ارواح پاکان هم به سوی اکنی متوجه است ، همان گونه
که همه چشم ها به سوی: «سوریه» .

آن هنگام که هر دو سپیده دم رنگا رنگ او را حمل میکنند
در آغاز روز بسان اسب سفید نیرومندی بر می‌جهد .

۵- در آغاز روز آن فرد شریف تولد یافته، و با رنگی سرخ
در میان هیزم نیکوچیده قرار گرفته است .

اگنی همچون روحانی ماهری در (مراسم) عبادت نشسته، و هفت
کنج پر مایه او (۱) در هر خانه‌ای وارد میشود .

۶- اگنی مانند روحانی ماهری در آغوش مادر خود که محل
معطری می‌باشد، نشسته است .

بُرنا، و وفادار، و دانشمند، و سرور بر عدهٔ بیشمار، در میان
جمعی که از آنها نگاهداری میکنند، بر افروخته است.

۷- این سرایندهٔ عالی هنگام قربانی‌ها (یعنی:) اگنی روحانی
را با نیایش تجلیل میکنند .

آن که قانون ابدی را در دو جهان پراکنده کرده است، او
را با روغن تدهین میکنند - مانند اسبی نیرومند که هرگز شکست
نمی‌خورد .

۸- آن دوست ستودهٔ خانواده در منزل خود ستایش شده
است، او را که مهمان محترم ماست، دانشمندان ستوده‌اند،

آن که نیروی گاو هزار شاخ دارد (۲)؛

ای اگنی، قدرت تو از همه برتر است .

(۱) یعنی: مال و دولت و هر نوع ثروتی .

(۲) در اینجا ظاهراً منظور از «اگنی»، «خورشید» است با اشعهٔ بیشمارش.

۹- ای اگنی ، تو باشتاب بر همه میگذری، و بر هر که ظاهر شوی ، از همه زیباتری .

زیبای شکفت آور ، قابل ستایش ، درخشان ، مهمان مردم ، و عزیز خلق .

۱۰- برای تو ای جوانترین خدایان ، برای تو ای اگنی ، مردم ازدور، و نزدیک خراج می آورند .

دعای او را که تو را بهترین وجهی ستایش میکند ، بشنو ، اگنی بزرگه والای مبارک پناهگاه تو است .

۱۱- امروز ای اگنی ، با جلال بر ارابه زیبای خود سوار شو ، و مقدسین در اطراف تو باشند .

تو که راه های هوایی فضای وسیع را میشناسی ، خدایان را به این جشن و ندور ما بیاور .

۱۲- به آن دانشمند قابل ستایش نیرومند قادر ، ما سرود های ستایش و بندگی خود را میسراییم .

« گویش تهره »^(۱) بادعا این (سرود) بلند آوای ساطع را بسان نور زرین که بر آسمان برخیزد به سوی اگنی بالا برده است .

(ماندلای پنجم - سرود اول)

(۱) «گویش تهره Gavishthira» : نام یکی از دو «ریشی» سراینده این «سوکتا Sukta» است ، و نام ریشی دیگر «بودهه Budha» پدر پوروس.



۴۴

«ستایش اگنی»

- ۱ - در شعاع نور، نیروی بزرگی نهفته است ، ستایش اگنی را بسرائید، ستایش آن خدا را .
آن که مردم او را مانند: «میترا» با مدایح خویش در بالاترین مقام جا داده اند .
- ۲ - آن که با جمال بازوان (دست‌های) خود روحانی هر مرد توانائی است .
اگنی نذر را مستقیم (به خدایان) میرساند، و مانند: «بهگه» نعمت‌ها و برکت‌های خود را می‌بخشد .
- ۳ - همه (چیز) بسته به ستایش و دوستی آن خدای دو لتمد شعله‌ور است ،
مردم نیروی بزرگی بدان بلند آوا داده‌اند، همانگونه که بردوستی وفادار.
- ۴ - پس باشد که اگنی با بخشش فراوان و نیروی پهلوانی ،
دوست، انسان باشد .

آری آسمان ، و زمین در شهرت و افتخار ازین فرد جوان
(اکنی) پیشی نگرفته است .

۵ - ای اکنی، با شتاب بسوی ما بیا، و با افتخار ثروت های
گران بها بیاور .

پس ما ، و این بزرگان ما ، برای خیر همه، جمع خواهیم شد.
در جنگ نزدیک باش تا ما را کامروا سازی .

(ماندالای پنجم - سرود ۱۶)



۲۵

دستایش اگنی

- ۱ - ای اگنی، نزدیکترین دوست ما باش ، ورهائنده مهر بان ،
و رفیقی رؤف .
 - ۲ - ای اگنی والاقبار ، بهما نزدیک شو ، و ما را ثروتی که
به نیکوئی مشهور باشد، عطا فرما .
 - ۳ - پس ما را بشنو ، و برین خواهش ما گوش فراده ، و ما را از
هر مرد گناهکار دور ساز .
 - ۴ - پس ما بسوی تو، ای رخشان تر از همه ، ای خدای منیر،
می آئیم تا برای دوستان خود شادمانی طلب کنیم .
- (ماندالای پنجم - سرود ۲۴)



دستایش اندرا و اگنی

- ۱ - مرد فنا پذیری را که شما دو نفر: اندرا ، و اگنی - در جنگ - یاری کنید، راه خود را بسوی ثروتی که به نیرومندی حفا میشود، باز مینماید؛ همان گونه که «تریتد»^(۱) راه خود را از میان نیزار باز میکند .
- ۲ - آن دو غلبه ناپذیر در جنگ را که سزاوار شهرت در آشوب و غوغا می باشند ، و خداوندان پنج مردم^(۲) اند (یعنی : اندرا ، و اگنی) ما میخوانیم .
- ۳ - قدرت آن ها شدید است ، و برقی که از اسلحه این دو نیرومند می جهد، شکافنده است که باشتاب با ارا به برای خاطر گاو ان بسوی کشنده «وریترا» میرود .
- ۴ - ای اندرا ، و اگنی ، ما هر دو شمارا بدینگونه میخوانیم

(۱) تریته Trita (تریته آپتیه Trita Āptia نام يك خدا با شخصیت الهی

دوره قدیم ودائی است که معمولاً با اندرا رابطه دارد .

(۲) ظاهراً منظور پنج قبیله مردم آریائی است .

تا ارا به های خود را بفرستید.

ای خداوندان نعمت زودرس (سریع الوصول)، شما که میدانید
و دستداران بزرگ سرود می باشید.

۵ - اینان که روز به روز فزونی می بخشند، و خدایانی که
با مردم حيله و تزویر ندارند، اینان که لایق اند؛
من بیش از همه این دو خدای شریک را برای اسب خود
تجلیل مینمایم.

۶ - بدین سان نذر نیرو بخش به اندرا، و اگنی تقدیم شده
است، مانند کره که بوسیله سنگ ها صاف شده باشد.
به پادشاهان ما شهرت عطا فرمائید،
و به آنها که ستایش شمارا می سرایند، ثروت بخشید،
و به آنها که شمارا ستایش میکنند، روزی بخشید.

(ماندالای پنجم - سرود ۸۶)



درتایش ماروت تا (مروت تا)

Maruts

- ۱- به «ویشنو»، به آن توانا که ماروت‌ها، از او پیروی میکنند سرودهای منظور خود را تقدیم نمائید، او یا مروت (۱)؛
به آن دسته نیرومند مهاجم که به بازوبند مزین میباشند، و با شادی حمله میکنند، و برای نیرو می‌خروشدند.
- ۲- آنها که باتوانائی نمایان اند، و از روی رغبت و به دانش خویش آن (حقیقت) را بیان کرده اند، او یا مروت.
- ای ماروت‌ها، این نیروی شما و رای ادراک دانش است، بواسطه عظمت بخشش آنها چون کوه‌ها پا برجا هستند.
- ۳- آنها که چون زبور می‌سرایند، از عرش اعلی شنیده میشوند؛
آن افراد نیرومند درخشان، او یا مروت؛

درمنز لگه‌ها آن‌ها قویتری نیست که آن‌ها را بیرون کند، برق

(۱) او یا مروت *Evayāmarut* : در معنی این کلمه اختلاف فراوانی میان مفسران ربگ و داست . بعضی آنرا نام سراینده این سرود دانسته اند، و بعضی دیگر بمعنی : ای «ویشنو» ، و ای «ماروت» ، و سدیگر آنرا : ای ماروت‌های شتابان معنی کرده اند . و برخی تصور نموده‌اند که «ماروت شتابان» صفت «ویشنو» است که رئیس «ماروت» ها میباشد و دسته‌ای برآتند که فریاد شادی در قربانی است .

های آنها چون آتش است که رودخانه های خروشان را به هیجان درمی آورد .

۴- آن که با قدم های قوی از منزل نگاه وسیع پیش می خرامد (۱)
 « او یا مروت » خانه آنها یکی است ؛

وقتی که او شخصاً اسبان قوی زیبای خود را در اوج لگام میزند، با قهرمانان پیش می آید ، و شادی می بخشد .

۵- مانند غرش عظیم شما (ابر) باران ریز برقزای نیرومند شتابان همه را به لرزه در آورده است ، او یا مروت ،

با آن شما پیروزمندان درخشان پیش می تازید، با لگام های قوی ، و براق زرین هجوم آور و مسلح .

۶- عظمت شما بی کران است ، شما ای صاحبان نیروی بزرگ ؛
 باشد که قدرت درخشان شما، پشتیبان ما باشد، او یا مروت ؛

چون شما یاران آشکارهنگام زحمت (سختی) می باشید ، بسان آتش افروزان ، ما را از شرمساری ، و توهین نجات بخشید .

۷- باشد که « رود را » های جنگاور نیرومند ، او یا مروت ،
 با رخسندگی زیبا مانند آتش حافظ ما باشند ؛

آنها که منزل نگاه زمینی ایشان پهن گسترده شده است ، و هیچکس بر آنها ظن گناه نمیبرد، و گروه آنها دارای کمال شجاعت میباشد .

(۱) ظاهراً منظور ویشنو است .

- ۸- ای مروت‌ها، چون روحی دوستدار به سوی ما آئید، وستایش
 آنرا که شمارا میخواند، بشنوید، او یا مروت؛
 بسان مردان ارا به سوار که با «ویشنو»ی توانا هم فکرند با
 اعمال شگفت آور خود دشمنی را از ما دور دارید.
- ۹- شما ای افراد مقدس، در (مراسم) قربانی ما بیایید، و آنرا
 برکت دهید، و دیوان را از آن دور نگاهدارید، صدای ما را
 بشنوید، او یا مروت؛
 شما که همچون کوه در میان فضای جوّ از همه والاترید، شما
 ای دانشمندان، به بدخواه این مرد بی امان باشید.
- (ماندالای پنجم - سرود ۸۷)



۲۸

خطاب پرنیہ

Parjanya

- ۱- سه کلمه را بگو (بخوان)، کلماتی که روشنائی بر آن مقدم است که این پستان را می دوشد .
به سرعت آشکار ساز ، گاوی که نعره بر آورده و جرثومه گیاهان، و کودك را به وجود می آورد (۱).
- ۲- ای نموّ بخشنده به گیاهان ، ای خدائی که بر آبها، و همه موجودات متحرك حکومت میکنی ،
پناهگاه سه حافظی برای ما مهیا ساز ، و روشنائی سه شاخه
برای کمک و دوستی ما (۲) .

(۱) بنا بر نوشته بعضی از مفسران ریگ ودا ، منظور از « سه کلمد » در این سرود متون « سهودا » (ریگ ودا ، یا جور ودا ، ساماودا) است ؛ و مقصود از « روشنائی » کلمه مقدس : « اوم OM » است که پیش از وداها می آید و قبل از تلاوت بیدها خوانده میشود. ولی بیشتر احتمال داده شده که در این سرود منظور از « سه کلمه » صدای « پرنیہ » یعنی : « رعد » است که در آسمان ، وجو ، و زمین می پیچد، و مقصود از عبارت « روشنائی » که بر آن مقدم است « برق » میباشد، و منظور از « پستان » ریزش باران مطبوع ازا بر ، و مراد از « گاو » « پرنیہ » است ، و منظور از « کودك » ، « اگنی » است که بصورت برق ظاهر میگردد .
(۲) ظاهرأ: « روشنائی سه شاخه » اشاره به تقسیمات روز و فصول سال است .

۳- گاه او عقیم است ، و گاه فرزندان می آورد ، حتی وقتی که اراده کند شکل خود را تغییر میدهد .

نطفه پدر بر مادر فرو می ریزد، و از آن پدر و فرزند تغذیه میشوند (۱) .

۴- از او همه موجودات زنده حیات خود را می یابند ، و سه آسمان با آب های جاری سه گانه .

سه منبع (مخزن) آب که ذخایر خود را فرو میریزند، نهر های شیرین خویش را با زمزمه در اطراف او جاری میسازند (۲) .

۵- باشد که این سرود من به دل پر جنیه خداوند خودرخشان نزدیک شود ، و موجب شادی او گردد .

باشد که ما رگبار های لذت زا به دست آوریم ، و گیاهانی که خدا آنها را حفظ فرموده با ثمرات نیکو .

۶- او «گاونر همه» (۳) است، و همه را آبتن میسازد، زندگی همه اشیا ی ثابت و متحرك به دست اوست .

(۱) برخی از مفسران رینگ ودا بر آنند که مراد از عبارت: «گاه او عقیم است» اینست که گاهی از ابر باران نمی بارد . و مقصود از «پدر» «آسمان» و از: «مادر»، «زمین» و از «نطفه»، باران است که موجب باروری زمین میشود و چون محصول زمین بصورت نذر در آید، دوباره با آسمان بر میگردد، بدین جهت میگوید که پدر و پسر از آن تغذیه میشوند .

(۲) گفته اند مراد از «سه مخزن» ابر های مشرق و مغرب و شمال است.

(۳) شاید مراد از «گاونر همه» در اینجا گیاهان باشد .

باشد که این مراسم ، مرا تا صدمین پائیز نجات بخشد (۱).
 ای خدایان ، مارا بابرکت بیش از آن نگاهداری فرمائید.
 (ماندالای هفتم - سرود ۱۰۱)

۱- در اینجا نیز طول عمر آدمی صدسال در نظر گرفته شده است.



۴۹

خطاب پرجنیه

Parjanya

- ۱- سرود، وستایش : «پرجنیه» ، پسر آسمان را به سرائیم که نعمت باران را می فرستد ؛
باشد که چراگاه ما را سیراب سازد .
- ۲- «پرجنیه» خدائی است که در ماده گاو ان ، و مادیان ها و گیاهان زمین ؛ و در زنان جرثومه حیات را تشکیل میدهد .
- ۳- در دهان اونذور پر شیرۀ لذیذ بریزید .
باشد که همیشه ما را روزی دهد .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۲)

(۱) پرجنیه Parjanya : ابر به ویژه ابر بارانی ، خدای طوفان ،
خدای ابر بارانی ، خدای باران .



۵۰

خطاب بیانیم (دانش)

Jnānam

- ۱ - وقتی «بریهستی» که به همه اشیا نام بخشید، نخستین و ابتدائی ترین تلفظ: «واک» را فرستاد، آنچه عالی و بی‌عیب در درون آن‌ها ذخیره شده بود، با محبت آشکار گردید. (۲)
- ۲ - هنگامی که مردم آرد را در غربال می‌بینند، دانایان در روح سخن (زبان) را آفریدند.
- دوستان علائم دوستی را می‌بینند، و تشخیص می‌دهند؛ سخن آنان علامت مبارک را در خود نگاه میدارد.
- ۳- با قربانی خط سیر «واک» را دنبال کردند، و جای او را در درون «ریشی»‌ها یافتند.

(۱) کیانم Jñānam (کیان Jñāna): در لغت سانسکریت بمعنی: «دانش» است، و در اینجا بنا بر عقیده: «ساینه Sāyana» این واژه بمعنی دانش حقایق عالیة مذهب Parama brahma Jnānam می‌باشد که بشر را ارفطرت خود او و طریق وصول به روح اعلی آگاه میکند.

(۲) واک Vāk: مقصود از «واک»، «صدا» یا «سخن» است، و در اینجا منظور و کلام مقدس، می‌باشد.

آن «واک» را آوردند، و در بسیاری از جاها قرار دادند، و هفت سراینده (خواننده) آهنگ های وی را به اتفاق به صدا درآوردند. (۱)

۴ - يك نفر هرگز «واک» را ندیده، مع هذا اورا می بیند، يك نفر اورا می شنود، ولی هرگز اورا نشنیده است.

اما به دیگری او خود را باجمال خویش می نمایاند، همان گونه که زن خوش لباسی به اشتیاق خود را به شوهر نشان میدهد. ۵ - یکی را کودن می نامند، و در دوستی بلیداست، هرگز او بکارهای را دمردی تحریر نمی کند.

او در خطای باصره بسی فایده سرگردان است؛ صدائی که او می شنود برایش کل، و میوه ای ندارد.

۶ - آن که دوست گرامی خود را رها ساخته، و حقیقت دوستی را نمیداند، سهمی از «واک» ندارد.

حتی وقتی آنرا (واک) می شنود، بیهوده گوش داده است، او چیزی از طریقه اعمال راستی نمیداند.

۷ - دوستانی که به آنها یکسان گوش، و چشم بخشیده شده

(۱) بنا بر گفته مفسران ریگ ودا مراد از عبارت: «دردرون ریشی ها یافتند» این است که مردم در طی قربانی درک کردند که تنها ریشی های الهام یافته معنی سخن را بمنطور مقاصد مذهبی می فهمند. و منظور از جاهاى بسیار روحانیون هوترها Hotars اند. بنظر «ویلسون» منظور از هفت خواننده، هفت بحر (وزن) گایتری Gāyatrī و غیره میباشد.

در روح خویش دارای سرعت‌های مختلفی هستند.
 بعضی چون صبح‌هایی می‌باشند که به‌دهان، و شانه‌میرسند،
 و دیگران بسان حوض‌های آبی‌اند که در آن تن‌را می‌شویند.
 ۸ - وقتی «براهمن»‌های مهربان بایک بارقه‌فکری که از قلب
 برخاسته است، بایکدیگر قربانی میکنند؛

آن‌ها در راه نیل بمقاصد خود یکی را عقب می‌گذارند، و
 بعضی که به‌صورت «براهمن» آمده‌اند در جای دیگر سرگردانند (۱).
 ۹ - آن مردانی که نه‌عقب می‌روند، و نه جلو می‌آیند، و نه
 براهمن‌اند، نه مهیا کنندگان ندور؛

و بطریق گناهکاران به «واک» رسیده‌اند، نخ خویش را مانند
 پیره‌دختران در نادانی میریسند. (۲)

۱۰ - همه‌دوستان از آمدن پیروزمندانۀ دوست خود که در
 اجتماع غلبه یافته‌است، شادی میکنند.

اوست که ملامت را از آن‌ها دور میکند، و آن‌ها را روزی
 می‌بخشد، و آماده، و در خور اعمال پهلوانی است.

۱۱ - یکی هم خود را دائماً صرف نشید اشعار میکند، و

(۱) برخی از بیدانان گفته‌اند مراد از عبارت: «بعضی که بصورت براهمن
 آمده‌اند»، کسانی هستند که ادعا میکنند «براهمن» اند.

(۲) به‌عقیده بعضی از مفسرین مقصود از عبارت: «مردانی که نه عقب
 می‌روند، و نه جلو می‌آیند» کسانی هستند که در مراسم و شعائر دینی شرکت نمی‌کنند.
 برخی بجای پیره‌دختران (دختران ترش شده)، «زنان ریسنده» ترجمه
 کرده‌اند.

یکی مزمور مقدس را در آهنگ: «شکوری» (۱) می‌سراید .
 دیگری که «براهمن» است داستان (افسانه) وجود را میگوید،
 وقواعد قربانی را وضع میکند. (۲)
 (ماندالای دهم - سرود ۷۱)

(۱) شك وری Sakvarī: یکی از بحور (در علم عروض) - نام نوعی اشعار با سرود بویژه اشعار ماها نامنی « Mahā Nāmnī » متعلق به «شا کور سامن Sākvara-sāman» .

(۲) مراد از عبارت: «نشید اشعار»، تلاوت سوکتهای Sūktas (سرودها) ربیک ودا که از جمله وظایف «هوتر»ها میباشد . مقصود از عبارت «مزمور مقدس» کایترا Gāyatra یا سامن Sāman است . و منظور از «سراینده آنها»، ادکاتر Udgātar یا خواننده هائی می‌باشند که یکی از چهار دسته اصلی روحانیون را تشکیل میدهند. و مراد از عبارت «داستان وجود» دانش بتمام کابنات است . مقصود از «وضع قواعد» دستور و ترتیب انجام دادن قربانی است که وظیفه «ادهورج Adhuvaryu» می‌باشد .

این سرود مشکل ترین سرودهای ربیک ودا میباشد و از نظر ادبی جنبه شاعرانه آن بسیار قابل توجه است.



۵۱

درستایش سویتری

Savitri

۱- اول من اگنی را به حمایت خود میخوانم ؛ (بعد) من میترا ، و ورونا را به حمایت خویش میخوانم ؛
 من «راتری» (شب) (۲) را که به جهان آرامش میبخشد ، میخوانم ؛ من سویتری الهی درخشان را برای حفظ خود میخوانم .
 ۲- سویتری الهی سوار بر ارباب خود در فلک تاریک در گردش است ، و میرندگان ، و بی مرگان را برمی انگیزد، و به جهان های (چند گانه) ناظر است .

۳- سویتری الهی در راه نشیب، و فراز در حرکت (سفر) است، و او که قابل پرستش است، با دو اسب سفید خود حرکت میکند،

(۱) سویتری (Savitar) Savitri : زنده کننده، برانگیزنده، زاینده ، پیدا کننده غذا- نام خدای آفتاب . نیروی حیات بخش، خدای آفتاب (آفتاب پیش از طلوع سویتری ، و پس از طلوع سوریه خوانده میشود) در ریگ ودا چند سرود خطاب به سویتری است اما معمولاً سویتری ، از سوریه Sūrya مشخص میباشد. خدای تمام کائنات (بصیغه مؤنث) - مادر. قطعه اول این سرود به وزن گایتری، و بقیه ابیات ببحر تریشته Trishtup است . قطعه اول درستایش اگنی، و ورونا ، و میترا و راتری Rātrī میباشد .
 (۲) راتری Rātrī : شب .

او از راه دور به اینجا می آید، و همه گناهان را دور میسازد.
 ۴- سویتری قابل پرستش پرشعاع که قادر است تاریکی را از
 جهان (بزداید) برارابه خویش که در آن نزدیکی ایستاده، سوار است .
 (ارابه او) با زیورهای گوناگون زرین بسیار مزین می باشد،
 و یراق های آن طلائی است .

۵ - اسبان سفیدپا که بایوغ زرین به ارابه او بسته شده اند،
 روشنائی را به نوع بشر آشکار میکنند .

همه مردم ، و همه آفریدگان (تمام نواحی) پیوسته در حضور
 سویتری الهی هستند .

۶ - سه کره (عالم) است که دوتا در جوار سویتری است ، و
 سدیگر مردم را به سرمنزل «یم» (جم) رهبری میکند .
 (روشانان) ابدی به سویتری تکیه دارند ، همانگونه که ارابه
 به میخ محور متکی میباشد .

آن که بر عظمت سویتری واقف است ، آنرا اعلام دارد .
 ۷- «سوپرنه» (شعاع آفتاب) (۲) حیاتبخش راست رو که در
 اهتزاز است ، سه ناحیه را روشن میکند ؛

اکنون سوپرنه (آفتاب) کجاست ؟
 که میدانند که اشعه اودر کدام کره تابیده است ؟

(۱) سه آسمان است .

(۲) سوپرنه Su-parṇa (زیبابال) : نام پرندگان گوسختخواری مانند
 عقاب و کرکس و لاشخور ، پرنده اساطیری بسان ؛ «کروره Garuda» ، شعاع
 آفتاب .

۸- اوهشت نقطه افق (۱) و سه عالم موجودات زنده، و هفت رودخانه را روشن ساخته است ؛

باشد که «سویتری» زرین چشم به اینجا بیاید و تقدیم کننده نذر را ثروت های دلخواه بخشد .

۹- سویتری زرین دست؛ ناظر بر همه، در میان دو ناحیه آسمان، و زمین در حرکت است ؛

بیماریها را دور میسازد، و به خورشید نزدیک میشود، و آسمان را متناوباً با تاریکی، و روشنی میپوشاند .

۱۰- باشد که سویتری زرین دست حیاتبخش راهنمای شادی انگیز دولت مند (درین قربانی) حاضر شود .

هر گاه این خدا را در شب پرستش کنند ، حاضر میشود ، و «راکشس» (۲) ها و «یانیدها» (۳) را دور میسازد .

۱۱- ای سویتری ، راه های تواز قدیم مهیا، و از غبار رفته شده ، و نیکو در فلک قرار گرفته است .

از آن راه های سهل العبور (بیا) ، و ما را امروز حفظ فرما .
ای خداوند ، با ما سخن بگو .

(ماندالای اول - سرود ۳۵)

(۱) منظور چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی است .

(۲) راکشس Rākshasa: دیوشبرو، یاشب خیز

(۳) یانیدها Yātud - hāna : روح پلید .



۵۲

«ستایش و لاج (واک)» (صورت یانغن مجنم)

(واک Vāk) Vāc

۱ - من با «رودرا»ها، و «واسو»ها، و «آدیتیا»ها به سفر میروم،
و بر همه خدایان میگذرم.

من (هردو) «ورونا»، و «میترا»، و «اندرا»، و «اگنی»، و دو
«اشوین» را بالا نگاه میدارم.

۲ - من «سوما»ی سرشار، و «تو شتر» را عزیز میدارم، و
نگاهداری میکنم،

من از «پوشان»، و «بهکه» حمایت مینمایم.
من به آن قربانی کننده پر حرارت که شیرۀ (سوما) را
می‌ریزد، و نذر را تقدیم میدارد، ثروت می‌بخشم.

۳ - من شهبانو (ملکه)، و گرد آورنده گنج‌ها میباشم، من

(۱) واج Vāc (یا واک Vāk) : «سخن مجسم» یا «صوت» یا «کلمه»

نخستین مخلوق و نماینده روح و فکر واسطه ارتباط بین خدایان و بشر.

در دو سرود در مانند الای دهم مورد ستایش واقع شده، یکی در سرود

۷۱، و دیگری در این سرود.

از همه متفکر ترم ، و از نخستین افرادی هستم که در خورپرستش اند.
 از اینرو خدایان مرا در نقاط بسیار مستقر داشته‌اند، و منازل
 فراوان به من داده‌اند که در آنها وارد شوم و اقامت گزینم.
 ۴ - تنها بوسیله من ، همه (جانداران) ، تمام رزق مقسوم
 خود را می‌خورند .

هر کسی کلمات ملفوظ را می‌بیند، و نفس می‌کشد ، و می‌شنود؛
 بی آنکه بدانند در کنار من زندگی میکنند ، همه ، و هر
 يك حقیقت را که من اعلام میدارم ، بشنوید .

۵ - من ، و به راستی من آن کلامی را که به وجود خدایان، و
 مردم بطور یکسان خوش آیند خواهد بود ، بیان می‌کنم .
 من مردمی را که دوست دارم فوق العاده نیرومند می‌سازم ، او
 را به (مقام) دانشمندی، و «ریشی»، و «براهمنی» میرسانم .

۶ - من کمان « رودرا » را زه میکنم تا با تیر خود دشمن
 ایمان را بزنم، و نابود سازم .

من جنگ را برای مردم بر می‌انگیزم ، و تنظیم میدهم ،
 من در آسمان و زمین نفوذ کرده‌ام .

۷ - در نقطه‌اعلای جهان من پدر را بوجود آوردم؛ خانه من در
 میان آبهای دریای اعظم است (۱).

(۱) در اینجا ظاهراً منظور از: «پدر»، آسمان است .

واز آنجا من همه موجودات را در زیر سلطه خود دارم، و پیشانی
 خود را بر آن آسمان بلند می‌سایم .
 ۸ - من با نفسی قوی چون باد ، و طوفان تنفس می‌کنم ، و در
 عین حال تمام کائنات را مجموع نگاه میدارم .
 فروتر از زمین ، و برتر از آسمان ها من در عظمت خویش
 نیرومند گشته‌ام .
 (ماندالای دهم - سرود ۱۲۵)



۵۳

دستایش وایو

Vāyu

۱ - نیروی ارابهٔ « وایو » را اعلام نما که چون میگذرد ،
همه چیز را درهم می شکند .
آوایش رعد آسا است.

چون پیش می تازد، به آسمان میرسد ، و (ابرها را) برافروخته
می سازد ، و چون به زمین جولان میکند ، تودهٔ غبار را بر آسمان
برمی انگیزد .

۲ - تندبادهای باد(وات) در دنبال او برمی خیزند ، و مانند
زنانی که به سوی انجمنی روان باشند ، به سوی او رو می آورند .
به اتفاق آن ها در همان ارابه ، خداوند ، پادشاه، همهٔ جهان
می شتابد .

۳ - چون راه خود را در میان هوا باشتاب می پیماید ، هرگز
آرام نمی پذیرد .

دوست آبها ، نخست زاد ، قانون پذیر .
او در کجا تولد یافته است؟
واز کجا برخاسته است؟

۴- نفس (آتمن) خدایان ، جرثومه جهان ، این خدا به اراده خویش روان است .

غرش او شنیده میشود ، اما شکل او (دیده) نمیشود .
این «وات»^(۱) را با تقدیم نذور پرستش کنیم .

(ماندالای دهم - سرود ۱۶۸)

(۱) وات Vāta : باد - خدای باد.



دستایش و رونا و اشوین با

Varuna

۱- خرد جوهر ذاتی اوست ، بزرگی شایسته ذاتی است که آسمان ، و زمین وسیع را از هم جدا ساخت ، و به این هر دو عالم کومک میکند

اوست که سقف آسمان ، و ستارگان را در کمال بلندی بر افراشت ، و زمین را چون بستری پهن بگسترده .

۲- (روی سخن به گوینده سرود است) من نمیدانم کی از توسعادت خواهم یافت تا مورد عنایت مخصوص « ورونا » واقع شوم (در دل او جا بگیرم) ؟

آیا نیاز مرا بی ترشروئی (درندگی) خواهد پذیرفت ؟

من چه موقعی میتوانم اطمینان و احسان او را جلب کنم ؟

۳- ای ورونا ، من خود را درقبال تقصیری که کرده‌ام مخاطب مینمایم ، و مورد باز خواست قرار میدهم .

من به خداوندی که عالم غیب و پوشیده هاست نزدیک می‌شوم .

دانا یان قوم به من اطلاع داده اند که ورونا نسبت به من

خشمگین است !

۴- ای ورونا^(۱)، مگر چه خطائی (کناهی) از من سرزد که راضی شدی سراینده ، و دوست خود را از دست بدهی ؟
 مرا از این لغزش (کناه) بپاگاهان ، ای سرور می گساران (سوم آشامان) مقدس ، مرا آگاه کن تا از صمیم قلب واحترام از کرده (کناه) خود پوزش بطلبم .

۵- از کردار بد نیاگان ، و نیز از نا فرمانی هائی که ما خود گره ایم، در گذر.

ای پادشاه ، همان گونه که از کناه دزد ، و غارتگر اغنام و احشام در میگذری ، از لغزش (کناه) «وسیشته»^(۲) (سراینده این سرود) در گذر ، و همانطور که از گردن گوسال دیوغ بر میداری و او را آزاد میسازی ، مرا از کناه سبکبار کن .

۶- ما به خواهش و اراده خود مرتکب کناه نشدیم ، فریب و اغوی، مستی، نادانی ، قمار یا خشم باعث شده است .
 لغزش از خردان، و عفو از بزرگان: خواب (رویا) او را از بی عدالتی طرد نمیکنند. (۳)

۱- ورونا Varuna خدائی با دانش و نیرومند است . او هنگام غروب آفتاب پرستش میشود. قلمرو فرمانروائی وی شامل تمام عالم است .

(۲) وسیشته Vasistha . (۳) «گریفیت» این قطعه را چنین ترجمه کرده است: «ای ورونا، اراده ما، به ما خیانت نکرد ، بلکه فریب و اغوی ، بی فکری ، شراب و قمار یا خشم . پیران نزدیک است که جوانان را گمراه سازند : حتی خواب بدکاری را دور نمیکنند.»

بعضی قسمت اخیر این قطعه را اینطور ترجمه کرده اند: «اقویا ، ضعیفان را گمراه سازند» .

۷- من میخوامم بنده وار بتو خدمت کنم، همانطوری که غلام
به آقای خود خدمت مینماید .

تو خداوند خردمندی ، و من (بنده) عاری از خطا .
ای خدا ، ای سرور ، تو به ما آنچه نمیدانستیم آموختی ،
ای خردمندان، تو مردم جاه طلب را به سوی ثروت راهنمایی میکنی
۸- ستایش فراوان من به درگاه ورونا ، خواجه می کساران
(سوم آشامان)!

خوشبختی ما را در زمان صلح و همچنین هنگام جنگ تأمین کن.
ما را در پناه خود محفوظ بدار ، و زندگی ما را از خیر و برکت
سرشار فرما. (۱)

(ماندالای هفتم - سرود ۸۶)

(۱) این قطعه را «گریفیت» چنین ترجمه کرده است :
«ای خداوند، ای ورونا ، باشد که این ستایش بنزدیک تو آید ، و در روح
تو قرار گیرد. ای خدایان ما راهمیشه با برکت حفظ فرمائید ؛ باشد که راحتی و
کارما قرین خوبی گردد.»



ستایش ورونا و اشوین با

Varuna

۱- ستایش (خود) را به « ورونا » ی توانا ، و دانشمند ترین « ماروت » ها تقدیم دارید .

این « ورونا » با کار های خود مردم را محافظت مینماید همان گونه که (چوپان گله را) .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۲- آن « ورونا » را که در مجاورت رودخانه ها بر میخیزد ، و در میان آن ها هفت خواهر دارد . (۱)

با چنین ستایشی ، و با ستایش پدران (خویش) ، و با مدایح

(۱) بنظر ماکس مولر Max Müller مراد از «هفت خواهر» رودخانه «سند Indus» ، و سرسوتی Sarasvatī و پنج رودخانه پنجاب («پنج آب» یا پنج رودخانه) یعنی رودخانه های ویتستا Vitasā و آسیکنی Asiknī ، و پروشنی Parushnī ، و وپاس Vipās ، و شونودری: Sutudrī است . اما «لس Lassen» و لودویگ Ludwig رودخانه «کوبهآ Kubhā» را بجای «سرسوتی» جزو هفت رودخانه محسوب داشته اند . در ربیک ودا چندجا (از جمله ماندالای اول سرود ۳۲) اشاره به هفت رودخانه شده است .

«نا بها که» (من ستایش میکنم) (۱)

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۳- آن که شب ها را در بردارد ، و دارای بشره نیکو است ،

وسریع الحر که میباشد ؛

آن که با اعمال خود بر دنیا احاطه دارد ؛

تمام کسانی که خواهان (لطف او هستند) ، با کمال مراقبت

در مراسم سه گانه روزانه، او را ستایش می نمایند .

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند (۲).

۴- او که بر روی تمام زمین هویدا است ، و چهار بخش آسمان

(نقاط افق) را برپا داشته است ، و مساحت (جهان) است ،

آن جا که منزلگاه باستانی «ورونا» است که مابه آن دسترسی

داریم ، مانند نگاهدارنده گله ، او خداوند ماست .

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

(۱) این قطعه را کریفیت چنین ترجمه کرده است : من او را باسرودها

وتهلایل هائی که پدران ما می سرائیدند ستایش میکنم ، وبامدایح هفتگانه که

آن که در سرچشمه رودخانه ها منزل دارد وخواهران هفتگانه اش او را احاطه

نموده اند .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

برشب احاطه دارد، وصبح رابا هنر جادوی خویش برقرار میسازد ، وبر روی

همه پدیدار است .

عزیزان او (مقصود شبها است که تبدیل بصبح میگردند) در اطاعت ازقانون

او سه سپیده دم را (مقصود صبح و ظهر وغروب است) برای او کامیاب ساخته اند.

بگذار که همه دشمنان ما بمیرند .

۵- او که نگاهدارنده جهان هاست، و نام های نهفته، و اسرار اشعه صبحگاهی را میداند :

او دانش ، و دانشمندی را بسیار عزیز میدارد ، همان گونه که آسمان صور مختلف آن را بوجود می آورد .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۶- آن که همه اعمال تقوی بر او متمرکز است ، همانگونه که ناف (درمیان) چرخ همانگونه که سوراخ محور درمرکز چرخ قرار دارد (۱) .

برای ادای احترام به «تربت» (۲) بشتابید ، همان گونه که گاووان برای جمع شدن در «گاوخانه» می شتابند .
حتی مثل آنان که اسبان را برای یوغ گذاری ، گردمی آورند .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۷- او این نواحی را چون جامه ای میپوشد ؛ او همه طوایف خدایان ، و همه سخنان مردم فنا پذیر را زیر نظر دارد .
در قبال منزلگاه ورونا ، همه خدایان از دستور او پیروی میکنند .

(۱) این قطعه را کریفیت چنین ترجمه کرده است :

تمام دانش بسوی او بر میگردد همان گونه که محور درمیان چرخ قرار دارد برای تجلیل تربته بشتابید همان گونه که گاووان برای جمع شدن در گاوخانه می شتابند حتی مانند آنها که اسبان را یوغ میزنند .

(۲) مقصود از «تربت» Trita ورونا است که در سه جهان منزل دارد .

۸- او اقیانوسی نهفته (بسیار دور دست) است ، او باشتاب بر عرش صعود میکند ، همان گونه که (آفتاب) در آسمان .

چون او قربانی رادر نواحی افلاک قرار دهد ، با اشعه درخشان خود حیل‌های (اسوراها را) نابود میسازد .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۹- حکم فرمائی که اشعه درخشان دور رس او تمام زمین‌های سه گانه را در بر گرفته ، و سه کشور اعلاى آسمان را پر ساخته است .
جایگاه ورونا پا برجاست ، و او به هفت (رودخانه) چون پادشاهی حکومت میکند .

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .
۱۰- آن که بر حسب دستورش « تاریکان »^(۱) از جامه‌ای نور پوشانده شده اند ،

آن که منازل قدیم را پیمود .
آن که هر دو جهان را جدا گانه ستون زد .
و همان گونه که تولد نیافته است ، آنرا نگاه میدارد .
باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

(ماندالای هشتم - سرود ۴۱)

(۱) مقصود شب‌هائی است که «ورونا» آن‌ها را به‌روز تبدیل میکند.



۵۶

دستایش اندرا

- ۱- آنها که در اطراف او ایستاده اند ، هنگامی که برای یراق کردن آن اسب کلگون درخشان حرکت مینمایند ، روشنی‌ها در آسمان میدرخشد (۱) .
- ۲- آنان (ارابه ران ها) دو اسب دلخواه سرخ رنگ با نشاط خاصه را بطرف ارابه او بسته اند .
- ۳- تو که نور را بوجود آوردی ، در جائیکه نور نبود ، و شکل نبود ، ای مردمان : جایی که شکل نبود ، تو با سپیده دم توأمان به دنیا آمدی .

(۱) بعقیده «ساینه» ، مقصود از : «آنها که در اطراف او ایستاده‌اند» موجودات زنده سه جهان» اند . *Loka Traya Vartinah prāninah* لوکه تریه ورتینه پرائینه « شاید هم منظور «ماروت» ها باشند که پیوسته درمازمت اندرا هستند .

مراد از : اسب کلگون درخشان (بردنم اروشم . *Bradhnam arusham*) آفتاب است که «اندرا» غالباً با آن مربوط است .

بیت بالا را با توجه به تفسیر ساینه چنین نیز میتوان تعبیر و ترجمه نمود : ساکنان آفاق (سکنه موجود سه جهان) با (اندرا) و (خورشید) نیرومند و (آتش) خاموش ناپذیر و (باد وزان) و روشنائی که در آسمان میدرخشد، انبازند .

۴- بعد از آن چنانکه عادت آنهاست، وضع کودکان تولدنیافته را از خود دور ساختند، و اسامی قربانی بخود گرفتند.

۵- به اتفاق «ماروت» های مقاله که بر نقاط صعب الوصول میگذرند.

نوای «اندرا» گاوه‌های پنهان شده درغارها را پیدا کرده‌ای.
۶- این ستایشگران (لشکر ماروت‌های) نیرومند را که برای آنها جشن گرفته میشود، و از نیروی ثروت بخشی آگاه اند، ستایش میکنند، همان گونه که آنها رایزن (مشاور) اندرا را (تجلیل مینمایند).

۷- ای ماروت‌ها، باشد که شما در ملازمت «اندرا» ی دلیر در حال نشاط با جلال و مساوی دیده شوید.

۸- این مراسم برای پرستش «اندرا» ی نیرومند، و دسته (ماروت‌های) مهربان، و آسمان عاری از ملامت انجام یافته است (۱).

۹- پس‌ای همه جا گذرندگان (گروه ماروت‌ها)، از نواحی آسمان یا از کره آفتاب به اینجا بیایید (۲)؛ چون در آن مراسم (روحانی) ستایش کامل شما را می‌سراید.

۱۰- ما «اندرا» را میخوانیم که خواه از این ناحیه ارضی بیاید

(۱) کربفیت، این عبارت را چنین ترجمه نموده است:

بامیزبانان محبوب اندرای بی‌عیب‌شتابان بسوی آسمان قربانی‌کننده فریاد برمی‌آورد.

(۲) عبارت: «به اینجا بیایید» یعنی: به کره زمین بیایید.

یا از ناحیه (عالم) آسمان بالا ، و یا از فلک پهن در آید ، و ما را
ثروت بخشد .

(ماندالای اول - سرود ۶)



دستایش سوما

Soma

- ۱- شیره‌های تصفیه شده سوما جاری میشوند ، و ثروت فکر می‌بخشد (۱).
 - ۲- ای اندو (برای ما) افزایشنده نعمت های آسمان ، وزمین و خداوند رزق باش .
 - ۳- ای سوما ، برای تو باد ها لطف آمیزند ، و رودخانه ها در جریان اند ، و عظمت را افزایش میدهند .
 - ۴- ای سوما ، روزی نیکو، یاب ، و نیرو از هر سو به جانب تو آید ، و (بخشنده) قدرت در جنگ باش .
 - ۵- ای (سومای) حنائی رنگ ، گاوها برای تو گوساله (کره) می‌آورند، و شیر تمام نشدنی میدهند، آن را بر بالاترین قله جای ده (۲) .
 - ۶- ای اندو ، ای خداوند موجودات ، ما دوستی با تو را خواهیم ، ای نیکو سلاح دار .
- (ماندالای نهم - سرود ۳۱)

(۱) این قطعه را کریفیت چنین ترجمه کرده است : قطره‌های سومای نیکوکار که تصفیه شده است ، فرو میریزد و ثرونی که بر همه آشکار است می‌بخشد .
 (۲) والاثر از والاثرین بلندی ها .



درستایش وایو

- ۱ - باشد که «وات» نفس شفا بخش در قلب ما بدمد؛ تا ما را شادی باشد؛
باشد که عمر ما را دراز کند.
 - ۲ - نو «وات»، هم پدرمائی، و هم برادر، و هم دوست ما، سببی ساز که ما زنده باشیم.
 - ۳ - آن مخزن رزق حیات جاودانی که در خانه است - ای «وات»، از آن به ما عطا فرما.
- (ماندالای دهم - سرود ۱۶۸)



۵۹

دستایش اندرا

۱ - بر خیز و پاره‌ای از (نذر) «اندرا» را که در خور این فصل است بنگر ؛

اگر (نیاز) پخته باشد، آنرا تقدیم نما ، و اگر ناپخته باشد او را (با ستایش) اقناع کن .

۲ - ای اندرا ، با شتاب به سوی نذری که پخته شده است برس خورشید به میان راه خود نزدیک شده است .

دوستان تو با قدیمی‌های خویش در اطراف تو نشسته‌اند .
تو که حافظ خانواده‌ها هستی ، بر رئیس کوچ کننده این
خاندهای (نظر فرما) .

۳ - من (نذر) را مشاهده میکنم ، مانند زن که در پستان گاو

(۱) «ریشی» قطعه اول این سرود را «شیری Shiri» پسر اوشی Ushinara گفته‌اند ، و «ریشی» قطعه دوم را «پرانردنه Pratardana» پادشاه «کاشی Kashi» دانسته‌اند ، و «ریشی» قطعه سوم را و سومنه Vasumana فرزند روهی دشوه Rohidashva خوانده‌اند .

قطعه اول به وزن (بحر) «انوستپ Anushtup» ، و دو قطعه دیگر ببحر «تريشتپ Trisht p» میباشد .

پخته شده است ،

من آن (نذری) را که در آتش پخته است ، می بینم ؛
 من این نذر خالص تازه خوب پخته را ملاحظه میکنم ،
 ای دارنده سلاح آذرخش ، ای کننده کارهای فراوان ، بالذت
 از دوغ قربانی نیمروز بیاشام .

(ماندالای دهم - سرود ۱۷۹)



دستایش اندرا

- ۱ - ای اندرا ، که مردم بسیاری تو را میخوانند ، و تو بر-
دشمنان خویش پیروز میشوی ،
ای که در نیروی خویش برتری داری ؛ باشد که درین هنگام
جود خود را به ما بنمائی ، و با دست راست خویش خزاین را بیاوری ؛
تو که خداوند رودخانه های ثروت بخش هستی .
- ۲ - تو که چون شیر تازنده در کوهستانها هراسناکی ؛ از
(جهان) دور دست بیا ، و با اسلحه شدید خویش که آنرا نیکو
بران کرده ای ، دشمنان ما را هلاک ساز ،
ای اندرا ، دشمنان ما را بگریزان .
- ۳ - ای اندرا ، تو با قدرت حفظ کننده و نیکو بوجود
آمده ای ،
تو که به نوع بشر مهربانی ، او را که دوستدار مانیست ،
دور می سازی ،
تو ناحیه وسیعی برای خدایان مهیا میکنی .
(ماندالای دهم - سرود ۱۸۰)



«ستایش بریهسپتی»

Brihaspati

- ۱ - باشد که «بریهسپتی» رافع مشکلات ، (همه گناهان را) دور سازد؛
 باشد که سلاح مفتری دروغزن را دور کند ؛
 باشد که (دشمن) بی آبرو را به زمین زند ، و بدخواه را منکوب نماید.
 و قربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد.
- ۲ - باشد که «نراشنسه» (۱) ما را هنگام مراسم : «پریاجه» حفظ فرماید (۲) ،
 باشد که او مانند : «انویاجه» (الوهیت) هنگام نذر ، ما را برکت دهد.
- باشد که بریهسپتی (دشمن) بی آبرو را بر زمین زند ، و بدخواه

(۱) نراشنسه (Narāsansa) : لقب و عنوان : اکنی .

(۲) پریاجه Prayāja : پیش نذر ، پیش نیاز یا اولین قسمت نذور که در مراسم قربانی «سوما» تقدیم می شود ، و قسمت آخر را : «انویاجه Anuyāja» (بعد از قربانی ، پایان قربانی) خوانند .

رامنکوب کند،

وقربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد .

۳- باشد که « نیورمور دهن » (۱)، « را کشس » های دشمن

براهمن ها را از میان بردارد ، و (رئیس) بدخواه آنان را بکشد .

باشد که « بریهسپتی » (دشمن) بی آبرو را بر زمین زند ،

و بدخواه را منکوب کند ،

وقربانی کننده را سلامت و سعادت بخشد .

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۲)

(۱) نیورموردهن **Tápurmûrdhan** (شعله‌ور سر ، برافروخته سر)

لقب اگنی یا بریهسپتی .



۶۲

خطاب قربانی کنند

Yajamāna

۱ - [زن سخن میگوید:] من تو را در اندیشه خویش می بینم که با (مراسم مقدس) در گفت و گوئی. از ریاضت بوجود آمده ای ، و به ریاضت مشهوری؛ درین جهان از کثرت فرزند ، و ثروت کامیابی؛ تو که نسل را دوست داری ؛ پس نسل (و فرزندان) بوجود آور .

۲ - [یجمانه پاسخ میدهد:] من تو را در فکر خود می بینم که (به جمال) میدرخشی ، و (نزدیکی شوهر خویش را) به بدن خود

(۱) قطعه اول این سوکتا (Sukta = سرود) درباره قربانی کننده است .
قطعه دوم مربوط است به زن او ، و قطعه سوم راجع است به روحانی هوتری .
Hotri

(۲) در این سرود «الوهیت» قربانی کننده ، و همسر او ، و روحانی هوتر مورد نظر است .

بنا بر عقیده «ساینه» همسر «قربانی کننده» Yajamāna، گوینده قطعه اول ، و خود «یجمانه» (قربانی کننده) گوینده قطعه دوم ، و روحانی «هوتر» گوینده قطعه سوم این سرود میباشد .

در موسم معهود خواستاری؛
 باشد تو که جوانی به سوی من آئی ، تو که اولاد دوست داری؛
 پس فرزند به دنیا آور .
 ۳ - [هونری سخن میگوید:] من بذر رادر گیاهان میگذارم،
 و لطفه را به موجودات زنده میدهم؛
 من توالد و تناسل را در زمین پیدا میکنم ،
 من زنان دیگر را باردار می سازم.
 (ماندالای دهم - سرود ۱۸۳)



درتایش ادیتے

Aditi

- ۱ - باشد که «ویشنو» زهدان را بسازد ، و «توشتری» اندام‌ها را بوجود آورد ؛
- باشد که پرجاپتی (۲) (دانه) را آبیاری کند ، ودهاتری (۳) جرثومه را پیرورد .
- ۲- ای «سینی‌والی»، (۴) جرثومه را نگاهدار ؛ ای «سرسوتی»، نطفه را نگاهداری فرما ؛
- ۳ - ما جرثومه تو را که اشوین‌ها با چوبهای زرین بهم

(۱) ادیتی Aditi : بی‌کران ، بی‌نهایت ، لایتناهی ، طبیعت ، مادرخدایان .
موضوع این سرود برکت و یا تبرک نطفه است ، و خدایان مختلفی نیز در آن نام برده شده‌اند .
ریشی این سوکتا (سرود) «توشتری» سازنده نطفه‌ها یا «ویشنو» پسر پرجاپتی است .

(۲) پرجاپتی Prajāpati : خدای آفرینش یا آفریدگان .

(۳) دهاتری Dhātri : سازنده ، آفریدگار ، مبدع ، بنیادگذار .

(۴) سینی‌والی Sinivālī : آفریدگار (زیبا انکشت ، زیبا دست)

نام الهه‌ای .

زده‌اند ، میخوانیم ؛

باشد که تو در ماه دهم آن را به دنیا آوری .

(ماندالای دهم - سرود ۱۸۴)



۶۴

درتایش اوستی

- ۱ - باشد که حمایت درخشان شکست ناپذیر آن سه گانه (سه خدا): «میترا»، و «اریمن»، و «ورونا» (به من داده) شود.
 - ۲ - مبادا که دشمن بدخواه آنها بر منزل ها، و راه ها، و حصارها تسلط یابد.
 - ۳ - آن موجود فانی که پسران «ادیتی» او را نور ابدی (حیات) بخشیده اند؛ باشد که زندگانی کند.
- (ماندالای دهم - سرود ۱۸۵)



ستایش سوما پوما

Soma Pavamāna

- ۱ - شیرۀ «سوما»ی ماهر (هوشمند) بسان موج آب، و مانند گاومیشانی که به سوی جنگل میروند، پیش می‌تازد.
- ۲ - آن شیره‌های حنائی رنگ (قرمز رنگ) درخشان با شتاب با جوئی از آب حیات به سبوها (کوزه‌ها) میریزد، و ازین عصاره‌ها روزی (رزق) همراه با کله گاوان سیلان می‌یابد.
- ۳ - نذوری که داده میشود به سوی: اندرا، و وایو، و ورونا، و ماروت‌ها، و ویشنو، میرود.
- ۴ - روحانیون سه متن مقدس را میخوانند^(۱) و گاو (شیرده) به صدا درمی‌آید، و «سوما»ی سبزرنگ زمزمه کنان (به اطراف) میرود.
- ۵ - سرودهای مقدس متعدد مادران قربانی ستایش می‌فرستند، آنها (سومای) فرزند عرش را پاک می‌سازند.
- ۶ - از هر سو ای «سوما» چهار اقیانوس ثروت بر ما فروریز، و ما را هزاران آرزو عطا فرما.

(ماندالای نهم - سرود ۳۳)

(۱) بنا بر تفسیر «ساینه» منظور از عبارت: « Trividhâ Stutih »

سه نوع ستایش از سه ودا میباشد.



دستایش سوما پوما

- ۱ - قطرات عصاره سوما وقتی که روحانیون آنرا می فشارند به سوی صافی های پارچه ای جاری میشود ، و با نیروی خود نقاط محکم را پاره میکند .
- ۲ - چون شیره سوما گرفته میشود ، به سوی اندرا، وایو، وورونا، وویشنو، و ماروت میرود
- ۳ - «سوما»ی خرد شده را که عصاره ای از آن جاری است ، در میان سنگ های عصاره می فشارند ، و با عمل آوردن شیره آن را می نوشند .
- ۴ - «سوما»ی شادببخش را باید (برای قربانی) «تربته» ، (۱) و برای آشامیدن اندرا صاف کرد .
آن شیره سبز رنگ با دیگر اجزاء مخلوط گشته است .

(۱) تربته Trita (سوم ، سومین) : نام یکی از خدایان دوره ودائی که نامش درودا معمولا همرا ، با ماروت ها ، وایو ، و اندرا آمده و مثل نوشتاری با وریترا و سایر دیوان در جنگ وجدال است . او تهیه کننده سوما ی بهشتی یا آسمانی است .

۵ - پسران پریشنی (۱) در قربانگاه شیرهٔ سوما را امیدوشند،
و آن زیباترین و حقشناسترین نذر (به خدایان است).
۶ ستایش‌های آرام، و قلبی ما به او نزدیک میشود، و او با
صدای خود گاوان شیرده را خوش آمد میگوید.
(ماندالای نهم - سرود ۳۴)

(۱) گیاه «سوما» بخودی خود عناصر رئیسهٔ قربانی را تشکیل میدهد.
پریشنی *Prisni* (خالدار ، لكلكي) در اینجا بمعنی : مادر ماروت
Maruts ها میباشد .



۶۷

دستایش سوما

- ۱- ای یاک کننده ، از مجرائی که بهما روشنائی می بخشی ، ثروت فراوان برما فرو بار.
- ۲- ای اندو ، ای راننده آبها ، ای مغلوب کننده همه (دشمنان ما) ؛ با نیروی خود مانند حافظ ثروت به سوی ما جریان یاب .
- ۳- با تو ای (سومای) دلاور، چون قهرمانان ، مادشمنان خود را مغلوب می سازیم؛
(ثروت های) دلخواه بهما عطا فرما .
- ۴- ای اندو ، ای روزی رسان ، ای بیننده ، به پرستنده (عبادت کننده) روزی فرست؛
آن که رغبت خویش را با آشنائی به مراسم و اسلحه مقدس نشان میدهد .
- ۵- ماسومارا که الهام بخش ستایش، و منزه ، و شبان مردمان است؛ با ستایش های خود می پوشانیم.

۶ - آن که افکار همه مردم متوجه پرستش اوست، خداوند
اعمال نیک (خداوند قانون مقدس) ، منزله ، و صاحب ثروت فراوان.
(ماندالای نهم - سرود ۳۵)



دستایش سوما

- ۱ - ای «سوما»ی تندرو که به خدایان دلبسته‌ای ، ورا کشس
ها را در پرویزن معدوم میکنی ، رزق فراوان بهما عطا فرما .
- ۲ - آن هنگام که جوی‌های صد گانه مراسم دوست (سوما) ،
دوستی «اندرا» را به دست می آورد ؛
سوما ، مارا روزی می‌بخشد.
- ۳ - ای سوما، ده انگشت تورا مدح میگوید، همان گونه که
دختر عاشقش را ؛
تو پاک شده‌ای تا (بهما ثروت) بخشی.
- ۴ - ای اندو که با طعم شیرین از جانب «اندرا» ، و «ویشنو»
روانی ، عبادت کنندگانی را که تو را ستایش میکنند ، از گناه
حفظ فرما .

(ماندالای نهم - سرود ۵۶)



دستایش سوما

- ۱- جوی‌های جداگانه تو ، مانند رگبارهای آسمان بسوی رزق بی کران (برای ما) پیش می‌رود.
 - ۲- سوما ی سبز قام ، با اندیشیدن به همه اعمال مقدسی که منظور خدایان است ، به سوی (قربانی) می‌تازد ، و سلاح خود را (ضد راکتس‌ها) بجزکت درمی‌آورد .
 - ۳- او که مورد مراقبت مقدس است ، و روحانیان او را پاک ساخته‌اند ، و چون پادشاهی بیباک است ؛ مانند شاهبازی بر روی آن‌ها (گیاهان سوما) نشسته است .
 - ۴- ای اندو^(۱) ، هنگامی که تو پاک (تصفیه) شوی همه خزاینی که در آسمان ، و زمین است برای ما بیاور.
- (ماندالای نهم - سرود ۵۷)

(۱) اندو = Soma



۷۰

دستایش کشن

Keśīnaḥ

۱ - (خورشید) رخشان اگنی را (نگاه میدارد) ؛ آن ذات درخشان آب را نگاه میدارد ؛ آن ذات تابناک (درخشان) آسمان ، و زمین را نگاه میدارد ؛ آن ذات درخشان دید در تمام (جهان) منتشر (منبسط) است .

این نور ذات درخشان نامیده میشود .

۲- مونی های (۲) پسران «واترشنه» (لباسهای پوست درخت) زرد

(۱) کشن **Keśin** : بلند مو ، دارای موی بلند و زیبا یا پریشان ، دارای سر و نوک (اشعه خورشید یا شعله یا زبانه آتش) ، یال (اسب اندرا واگنی) . هر يك از قطعات هفتگانه این سرود منسوب به یکی از هفت مونی **Muni** (دانا، حکیم مقدس ، مرتاض) پسران : «واترشنه **Vātarasna**» است بنامهای مذکور در ذیل : **Jūti** (متحرك باراننده) ، وات جوتی **Vātajuti** ، وریشنگه **Vrishnaka** ، کریکنه **Karikata** ، اتشه **Etasha** ، وریشیرینگه **Rishyasharinga** نام هفت ستاره دبا کبر که آنها را مونی های آسمانی میخوانند .

(۲) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

مونی ها (مرتاضان) که با باد کمر بسته اند جامعه گل آلود زرد رنگ می پوشند ، آنها که جریان سریع باد را می پیمایند به جایی میروند که خدایان رفته اند .

چرکین پوشیده‌اند ، و راه بادها را دنبال میکنند ، آن هنگام که آن‌ها (نیروی) خدایان را به دست آورده‌اند .

۳ - ما که از تقدس «مونی»ها به وجد آمده‌ایم ، بر بادها سوار شده‌ایم ، ای مردم فناپذیر (ای میرندگان) ، صور ما را (در آن‌ها) بنگرید .

۴- مونی (مرتاض) در میان فلک بیرواز می‌آید ، و همه اشیاء را نورانی میکند ؛

دوست هر یک از خدایان بر کارهای نیکو گماشته شده است (۱).
۵ - مرکب باد ، دوست : «وایو» ، مونی که از طرف خدایان بر انگیزته شده است به هر دو دریای خاوری و باختری گذر میکند . (۲)

۶- (خورشید) رخشان که در معبر: «آپسار»ها ، و «گندهروه»ها ، و جانوران وحشی میگذرد ، و همه چیزهای قابل دانستن رامیداند ، نیکوترین دوست شیرین (من است) .

۷ - وقتی که (خورشید) رخشان با «رودرا» با جام خویش آب می‌نوشید ، «وایو» آن را برای او برهم میزد ، و (رعد) کثری -

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

مونی در کار مقدس هر یک از خدایان شرکت دارد ، و در حالی که بر اشکال گوناگون مینگردد ، در اطراف وجوانب هوا (جو) در طیران است .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

مونی اسب وات (باد) را که دوست «وایو» است در کنار خدایان میتازد ، او در هر دو اقیانوس - دریای مشرق و دریای جنوب - منزل دارد .

ناپذیری آنرا آسیا میکرد (۱) .

(ماندالای دهم - ۱۳۶)

(۱) قطعات ۶ و ۷ این سرودچنین نیز ترجمه شده است :
 درحالی که جاده حیوانات جنگل ، کندهر و هاه ، و آیسارها را می پیماید ؛
 او با کیسوان بلند خود آرزو را می داند ، و دوست شیرین دل انگیزی است .
 (۲) وایو برای او (آبها را) متلاطم ساخته است ، اوسخت ترین اشیاء
 را فرو کوفته تا خم شدند ؛
 وقتی که او با کیسوان بلند پریشان با رود را آب را از جام نوشیده
 است .
 این سرود ظاهراً نخستین اشاره است به طریقه عملی ریاضت (یوکی) .



۷۱

درتایش سوتس

- ۱- سوتیری خورشیدوش ، و زرد موی ، روشنائی جاوید را از خاور پیش فرستاد .
و به امر او « پوشان » دانشمند ، و نگاهدارنده از پی آن روان است ، و بر همه آفریدگان نظارت میکند .
- ۲- در میان آسمان می‌نشیند ، و نوع بشر را می‌نگرد ، وزمین ، و فلک را از (نور) پُر می‌سازد ؛
او (همه جهات فضای) بی‌کران را ، و (نقاط میانه) پهناور درخشان را ، و علائم ادنی و میانه واقصی را روشن میکند .
- ۳- آن اصل ثروت ، و به چنگ آورنده کنج‌ها ، با اعمال خود همه اشکال (مرئی) را روشن می‌سازد .
سوتیری مانند خدائی که صفت او راستی است همچون اندرا در چنگ در راه (جمع) ثروت پایداری میکند .
- ۴- خدای خورشید (« کندهروه ویشواوسو ») ^(۱) برسوما نظر

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از « ویشواوسو Visvvasu » ، (کندهروه آسمانی) خدای خورشید است .

می‌افکنند ، و آب‌ها بوسیلهٔ قربانی روان میگردد .
 اندرا که آنها را بحرکت در می‌آورد ، این (پیش‌آمد را)
 میدانست ، و از کنارهٔ خورشید می‌نگریست .
 ۵ - باشد که رئیس‌گندهروه (ویشواوسو) پیمایندهٔ
 آب‌ها (آب‌ها) آنچه راست است ، و آنچه ما نمیدانیم ، به ما اعلام‌دارد ،
 و ستایش‌های ما را بپذیرد .
 (ای‌ویشواوسو) قربانیهای ما را حمایت فرما .
 ۶ - (اندرا) ابرها را در ناحیهٔ رودخانه‌ها کشف کرد ، و دروازهٔ
 (آبها را) که در ابرها جا دارد ، باز نمود .
 اندرا به صورت گندهروه (ویشواوسو) آب‌های حیات را اعلام
 داشت (۱) .
 او بر قدرت اژدهاها واقف است .
 (ماندالای دهم - سرود ۱۳۹)



دستایش ویثودوا

Viśvedeva

۱ - باشد که قربانی ما به خدایان خرسندی بخشد ، ای «آدیتیا»ها ، بر سر لطف آئید و حسن نیت شما به سوی ما متوجه باشد ؛ همان گونه که چشمه فراوانی از رنج برای بیچارگان .

۲ - باشد خدایانی که مورد ستایش سرودهای «انگرس»ها هستند ، برای حفاظت ما به اینجا آیند ؛

باشد که « اندرا » با گنج های خود ؛ و «ماروت»ها ، با بادهای حیانی (۱) ؛ و «ادیتی» با «آدیتیا»ها بیایند و به ما برکت بخشند .

۳ - باشد که اندرا ، و ورونا ، و اگنی ، و اریمن ، و سویتری ، به ما روزی (رزق) بخشند ،

و باشد که میترا ، و ورونا ، و ادیتی ، و دریا ، و زمین ، و آسمان ، آن را (برای ما) حفظ فرمایند .

(ماندالای اول - سرود ۱۰۷)

(۱) همه بادهای ما هم ، یا «ماروتها» با بادهایشان و طوفان.



خطاب آسمان زمین

- ۱ - در جشن‌ها من آسمان و زمین توانا و دانا و نیرو بخشندگان قانون را با قربانی‌ها می‌ستایم .
آنها که بوجود آورنده خدایانند ، به اتفاق خدایان با دانشی شکفت آفرین ، گزیده‌ترین نعمت‌ها را می‌بخشند .
- ۲ - با خواندن دعاها من درباره فکر آن پدر با موهبت و نیروی بزرگ ملازم آن مادر، تعمق مینمایم .
آن والدین بارور جهان زندگی را بوجود آوردند، و برای فرزندان خویش جاودانی پهناور را در همه سو.
- ۳ - این فرزندان شما با مهارت در کار و نیروئی شکفت آور نخست آن دو مادر بزرگ را حیات بخشیدند .
برای نگاهداشت حقیقت همه چیزها که پابرجاست و همه آنها که در حرکت اند شما مقام پسر خویش را که عاری از مکر است، حفظ میکنید (۱) .

۴ - آنها با کمال مهارت و دانائی تمام آن دو را که در تولد
و مسکن بایکدیگر متفق هستند، پیموده‌اند.

آن دانشمندان درخشان در آسمان، آری در عمق دریا تاری
تنیده‌اند که همیشه نو و تازه است (۲).

۵ - امروز این نیکوترین هدیه سویت‌ری است؛ این فکر ما
است و اینک خدا ما را ترقی می‌دهد.

آسمان و زمین با عاطفتی مهر آگین ما را ثروت و دولت‌هایی
مختلف و گنجی هزارگانه می‌بخشند.

(ماندالای اول - سرود ۱۵۲)

→ (۱) منظور از عبارت: «دومادر بزرگ»، زمین و آسمان است و مقصود از
عبارت: «پسر عاری از مکر» آفتاب میباشد که نشانه راستی شناخته شده است.
(۲) ظاهراً مقصود از عبارت: «آن دو» زمین و آسمان و منظور از عبارت:
«در عمق دریا» Samudra Antah جو " هوا یا اقیانوس آسمانی است.



درتایش خورشید (سوریه)

Sûrya

- ۱ - اشعه او از اوج خدائی را می آورند که همه موجودات تولد یافته را می شناسد، تا همه بتوانند آفتاب را بنگرند .
 - ۲ - هنگامی که خورشید عالمتاب نزدیک میشود، ستارگان چون دزدان می گریزند ، و شب سیاه به دنبال آنها میرود؛
 - ۳ - اشعه و تابش او (خورشید) از دور میدرخشید و بر بسیاری از خانه های مردم تافت ، و مثل آتش سوزان در اوج شعله و راست .
 - ۴ - تندرو ، وهویدا بر همه ، توئی بوجود آورنده روشنی ، ای خورشید که فضای درخشان را روشن می سازی .
 - ۵ - تو به سوی جمع خدایان بر میخیزی ، و به طرف نژاد بشر :
- و به جانب همه تا بتوانند نور آسمانی تو را مشاهده کنند .

۶ - با آن نوری (چشمی) که نوای پاک کننده ، و حفظ کننده از بدی ها بدین جهان آفرینش مینگری.

۷ - ای خورشید ، چون بر فضای آسمان بر میگذری ، روزها و شبها را مشاهده میکنی ،

۸ - تمام مادیان های سرخ فام که ارابه تورا میکشند ، تو را به سوی ما می آورند ، ای خدای دورین ، ای «سوریه» (سورج) رخشان مو.

۹ - خورشید هفت مادیان نورانی را که دختران رخشان ارابه او هستند ، یراق کرده ، و با اسبانی که خود یراق نموده است ، می تازد .

۱۰ - از میان تاریکی ما به او که بالاترین روشنی است می نگریم .

و به سوی خورشید که در میان خدایان بالاترین نور است ، پرواز میکنیم.

۱۱ - رخشنده از نور رحمت امروز که سر بر میزنی و به اوج آسمان صعود مینمائی ، ای خورشید ، بیماری را از دل من ، وزردی را (از رخ من) بزدای.

۱۲ - زردی روی من به طوطیان یا به ستارگان كوچك یا

به درخت هری تاله (۱) منتقل گردد .

۱۳ - این «آدیتیا» که با تمام نیرو و برخاسته ، رقیب مرا هلاک

می سازد ؛ چون من تاب مقاومت با دشمنم را ندارم .

(ماندالای اول - سرود ۵۰)

(۱) هری تاله **Haritāla** : نوعی کبوتر زرد فام سبزرنگ، تیغه شمشیر، روز چهارم (یا سوم) بدر در شهر بهادره **Bhādra**، (ر که با خط در آسمان - جو - زردی زرنیخ، و نیروی تخمی یا نطفه ای) .

درختی بنام هری تاله وجود ندارد و معمولاً زردی زرنیخ، و هریدروه **Haridrava** نوعی زردی گرد نبانی است .



۷۵

دستایش اندرا

۱ - این منم که نخستین خداوند ثروتم، من همه کنج‌ها را پی در پی
گشوده (و بتصرف در آورده) ام .
این منم که آفریدگان مرا پدر خود میدانند،
منم که در میان پرستندگان خود تخم (وسیله) شادی (و تمتع)
پراکنده‌ام .

۲ - من اندرای مدافع و روحانی و نگهبان آتشم ،
برای «تریته» یار خود پنجه‌های ازدهارا آفریدم .
این منم که نیروی مردی دیوان را از ایشان ربودم، و کله‌های
گاو «ماتریشون»^(۲) و «ددهیاچ» را به ایشان باز گردانیدم .

(۱) سراینده این سرود ریشی بنام: «اندرا ویکنته Indra Vaikuntha» .
است . اما سرود خطاب به خدای اندرا میباشد .
(۲) ماتریشون Mātarisvan : نام دیگر اکنی ، باد (وایو Vayu)
یا آورنده اکنی از آسمان است .

در اینجا بنا بر تفسیر «ساینه» ، منظور ماتریشون پسر «ددهیاچ»
Dadhyanch است . و «ددهیاچ» پسر : «اتهرون Atharvan» (. آذربان)
میباشد .

۳ - به خاطر من است که « تو شتر » صاعقه آهنین را ساخت .

خدایان در من نیرو دمیده‌اند ،
نگاه من ، مانند : « آفتاب » غیر قابل تحمل است .
مرا بخاطر آنچه کرده‌ام ، و آنچه خواهم کرد « آریائی »
نامند (۱)

۴ - این منم که برای پرستندگانم کله‌های بزرگ گاو ، و اسب گرد می‌آورم (درست میکنم) ، و چون از عصاره سوما ، و نوای سرودها سرمست شدم ، با پیکانم برای آنان طعمه به دست می‌آورم ، و اموال بسیار زیاد برای ایشان جمع میکنم .

۵ - هرگز شکست ، و مرگ به من (اندرا) دست نیافته است .

هنگامی که (شما عصاره) سوما را می نوشید ، از من ثروت بخواهید .

ای « پورووان » (۲) ، شما در دوستی با من ، هرگز زیان نخواهید کرد .

۶ - این جفت (نرو ماده) هائی که نفس زنان میخورشیدند ،

(۱) اندرا خدای ویژه مردم آریائی و حامی این طایفه (نژاد) است .
(۲) ویلسون، واژه «پورووان» یا پوروها Purus را که نام افراد یکی از قبایل آریائی است به «مردان» یا «آدمیان» تعبیر نموده است.

و اندرا ، و صاعقه اش را به زد و خورد بر می انگیزتند ، و آنها را
بمبارزه می طلبیدند ، من با زبان خشن (زنده) با يك ضربه
شکست دادم.

من در برابر آن هائی که تسلیم می شدند، هرگز تسلیم نشدم ،
و نرزش نشان ندادم .

۷ - من تنها فرمانروای این (عالم) هستم ،

دو یا سه رقیب چه آسیبی میتوانند به من برسانند؟

من عدهٔ بیشماری از آنان را مانند خوشه های گندم که باد اس
درو میکنم، میکوبم؛

دشمنانی که از حمایت اندرا محروم شده اند، چرا دشنام میدهند؟

۸ - من « ایت هیگوه » (۱) را به « کنگو » ها (۲) (قومی) که

تحت حمایت من (اندرا) بودند، تحویل دادم،

من فاتحان و غلبه یافتگان بر « وریترا » را هنگامی که با کشتن

« پرنیه » (۳)، و « کرنجه » (۴) افتخار به دست آوردم مانند يك قربانی

به طوایف دادم.

(۱) ایتهگوه *Atithigva* : نام دیو داس *Divodāsa* پسر: « ایتهگوه

. « *Atithigu* » .

(۲) کنگوها *Gungus* نام قبیله یا قومی غیر آریائی که مشخصات آنها

به خوبی روشن نیست .

(۳) پرنیه *Parnaya* : نام دیوی .

(۴) کرنجه *Karanja* : نام دیو درختی یا اسورائی که اندرا او را

کشت .

۹ - «سپیه نامی»^(۱) در خوردن و آشامیدن با من شریک بود، و با من برای غارت گاوها پیمان بسته بود، و چون در گیرودار جنگ پاداش باو دام، و سلاحی برنده به وی عطا فرمودم، او را سزاوار مدح و سرود نیز دانستم.

۱۰ - نیمه اول (ماه) درون (ظرف) سوما نمایان است، در نیمه دیگر شبان استخوان هایش را نشان میدهد، کسی که میخواست گاو نر تیز شاخ مرا شکست بدهد، در اعماق بدبختی و اندوه باقیمانده است.

۱۱ - من تأسیسات خدایان آدیتیاها، و وسوها، و رودراها را ویران نمیکنم،

من (خداوند) تأسیسات خدایان دیگر را از میان برنمیدارم، آنها برای من یک قدرت فرخنده تشکیل دادند، من شکست ناپذیرم، هیچکس بر من چیره نمیکردد، و هرگز رام و تسلیم نمیشوم.

(ماندالای دهم - سرود ۴۸)



درتایش سویتے

۱ - این سویتری الهی است که برپا خاسته ، و ارا به خود را ، برای آنکه پی در پی انگیزه نازه ای برانگیزد میراند ؛ زیرا انگیزه طلبی کار اوست ،

اوست که به خدایان گنج می بخشد، و اوست که خوشبختی به خورنده نذور عطا می فرماید.

۲ - سویتری الهی باسطالید برخاسته ، و دست های خود را برای شادی همه می گشاید .

آبها از او تبعیت میکنند، و بادها نیز در مسیرش از جنبش بازمی ایستند .

۳ - آدمی که براسب تندرو (سمند) سوار بود، اینک از حرکت بازمی ایستد، و از مرکب پیاده می شود.

او (سویتری) مسافر رهگذر را از رفتن بازمیدارد،

او نیش مارهای موزی را می بندد ،

زیر سلطه و فرمان سویتری رستگاری به دست می آید .

۴ - جولاکار گاه بافندگی خود را - در حالی که کارش ناتمام
(نیمه تمام) بود - جمع کرد ،
پیشه‌وران دست از کار کشیدند ،
سویتری بی‌خواست ، و خود را بگسترده ،
او بطور کامل زمان را از هم جدا ساخت ،
سویتری الهی فرارسیده ، و کاملاً حاضر است . (۱)

(۱) کیفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است:
آنچه گسترده شده او دوباره می‌بافد ، آن بافنده ماهر کار خود را نیمه
تمام میگذارد ، او از استراحت برخاسته است و فصل‌ها را از یکدیگر جدا
می‌سازد . سویتری خدای مقدس فکر آشکار شده است .
«ویلسون» بمتابعت از «ساینه» عبارت را تغییر داده و آنرا چنین تخریف
کرده است : او (شب) دنیا را در خود مستور ساخته است همان گونه که زنی
(جامه) بپوشد (برتن ببافد) .

مرد عاقل کاری را که میتواند (انجام دهد) ناتمام میگذارد و چون خورشید
مقدس خستگی ناپذیر که فصول را از یکدیگر جدا می‌سازد دوباره آشکار
میگردد ، همه از خواب برمیخیزند .

«روت Roth» کلمه : «ارمتی Arámatih» (مذکور در متن اصلی
سانسکریت) را که «کیفیت» بصورت صفت و بمعنی : «مقدس فکر» ترجمه
نموده است ، بصورت اسم گرفته و آنرا بمعنی روح عبادت و پرستش دانسته
و این قطعه را چنین ترجمه نموده است :

«آن بافنده (ارمتی Aramati) دوباره آنچه رشته (تارهای عبادت و
قربانی) به سوی خود کشیده است . مرد با ایمان در میان کار خود (بواسطه
فرا رسیدن شب) وامانده است ، آن گاه ارمتی Aramati دوباره برمیخیزد
(طلوع میکند) و فصول را مرتب می‌سازد . سویتری الهی حاضر است (یعنی :
صبح می‌گردد) .

۵ - ساکنان خرد، و کلان به منزل های جداگانه باز می کردند،

آتش بوجود آمد، و گرمی آن نمایان شد، هنگامی که سویتری خوردن پیاموخت، مادر بهره پسرش را بهتر داد (۱).

۶ - جنگ آوری که برای پیروزی در عرصه کارزار بیرون رانده بود، به خانه خود بازمی گردد؛ زیرا همه موجودات جنبنده میل به خانه دارند.

هنگامی که وظیفه سویتری الهی (متوقف می شود)، کارگر (با فنده) کار نیمه تمام خویش را رها می کند و بنخانه بر می گردد.

۷ - توای خدائی (سویتری) که قلمرو زندگانی موجودات دریائی را در آب قرار دادی؛

حیوانات وحشی به امر تو به چراگاه رو آوردند، و جنگلها بفرمان تو مسکن پرندگان شد. هیچکس نمی تواند از این کارهای سویتری الهی جلو گیری کند.

۸ - ورونا بمتابۀ خدای آب با هوشیاری و مراقبت دایم بنطفه آبگون تا جائی که خواست، عزیمت کرد، و هنگام خواب نیز از کار باز نمی ایستد؛

(۱) ظاهراً منظور از «مادر»، «اوشس Usas» یا «سپیده» دم است.

کوشش را بر کار برتری میدهد؛
 او مدام در جنبش و ارتعاش است،
 تمام پرندگان، (همه) جانوران به لانه‌های خود میروند،
 سویتری به تمام موجودات جاندار، جایگاه مناسبی اختصاص داده
 است (۱).

۹- او (سویتری) را- که اندرا، و همچنین ورونا، و میترا،
 و اریمن، و رودرا، و حتی دیوان و نفوس خبیثه تابع امرش هستند-
 مورد نیایش قرار میدهیم، و با کمال خضوع برای سلامت و رستگاری
 خود از وی یاری می طلبیم (۲).

۱۰- اوست که خوشبختی ما را تأمین میکند، و خرد و هوش ما را
 بیدار می‌سازد، و به ما در اجرای مراسم مذهبی توفیق عظامی فرماید.
 باشد که الهه «نرا شنسه» (آن محبوب الهی) به ما کمک کند،
 و ما مورد عنایت، و محبت سویتری قرار بگیریم، تا نیکی، و خیر، و

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

ورونای همیشه رو، جای خنک و دل‌انگیز و سهل‌الوصول بهمه جنبندگان
 می‌بخشد وقتی که چشم‌های سویتری بسته میشود هر پرنده و چهارپائی به لانه
 خود پناه میبرد؛ و همه موجودات را در جهات مختلف پراکنده می‌سازد.

این قطعه باین تقریب ترجمه شده است:

من با سلام آمیخته با احترام برای خیر خود سویتری الهی را بدین مکان
 میخوانم. اندرا، و وارونا، و میترا، و اریمن، و رودرا و دشمنان (خدايان)
 از کارهای او نمیتوانند جلوگیری کنند.

برکت ، و ثروت به سوی ما روی آورد (۱).

۱۱ - ثروت دلخواهی که توای سویتری به ما بخشیده‌ای ؛
باشد که از آسمان ، و آب، و زمین به دست آید ، و شادمانی مردمی
(نژادی) که تورا ستایش میکنند ، شامل من که پیوسته مدح تو را
میخوانم، گردد .

(ماندالای دوم - سرود ۳۸)

۳

(۱) این قطعه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

«او که مورد پرستش مردم است، و زنان (خدایان را) حفظ می‌فرماید ؛
باشد که مارا وقتی که او را نیایش میکنیم نگاهداری کند. او که بخشنده نعمت
است و موضوع تفکر است، و دانای مطلق است باشد که ما محبوب سویتری الهی
باشیم تا در جمع ثروت و به دست آوردن مواشی (کامیاب شویم)».



خطاب پروش

Purusha

- ۱- «پروش» هزار سر ، و هزار چشم ، و هزار پا بود .
او تمام زمین را از همه جوانب فرا می گرفت، و در آن سوی
پهنای ده انگشت قرار داشت . (۱)
- ۲- پروش درحقیقت تمام این (جهان مرئی) است ، و آنچه
بود ، و آنچه خواهد بود .
او خداوند ابدیت است ، و به سبب حرارت (قربانی) بدانسو
نمّو میکند. (۲)
- ۳- چنین است بزرگی او ، پروش حتی از این هم بزرگتر
است .

(۱) این قطعه برای این تقریب نیز ترجمه شده است :

پروش که هزار سر دارد و هزار چشم و هزار پا، زمین را در همه جوانب
میپوشاند و از آن به اندازه ده انگشت فزونی دارد .

(۲) پروش درحقیقت تمام این (جهان مرئی) است ، هر آنچه امروز هست
و هر آنچه خواهد بود ، همچنین او خداوند ابدیت است او از (وضع شخصی
خود) برای رزق (جهت موجودات زنده) بالاتر میرود .

همه موجودات يك چهارم اوست، و سه چهارم ديگر او جاويداني است در آسمان .

۴- سه چهارم پرورش به بالا صعود کرد، و يك چهارم ديگر که درين جهان باقيماند مکرر در مکرر گسترش يافت و به اشکال کونا کون درآمد، و به تمام آفرينش جاندار، و بی جان منتهی شد (۱) .

۵ - از او «ويراج» به وجود آمد ، و از «ويراج» پرورش او بمحض تولد آشکار شد ؛ بعد زمين را آفرید ، و سپس صور مادی را . (۲)

۶ - وقتی خدايان (اعمال) قربانی را با پرورش برپا داشتند ، بهار روغن آن ، و تابستان هیزمش ، و پائيز خودنذر بود . (۳)

۷ - آنها (خدايان) پرورش را که پيش از (آفرينش) تولد يافته بود ، بصورت قربانی در روی علفزار مقدس ذبح کردند ، و با او خدايانی

(۱) اين قطعه چنين ايز ترجمه شده است :
سه چهارم پرورش به بالا برخاست ؛ يك چهارم (ديگر آن) در اينجا (زمين) ماند ؛ سپس در همه جوانب منبسط شد بطوری که به آنچه خورنده است و آنچه خورنده نيست منتهی شد .

(۲) اين قطعه نيز چنين ترجمه شده است :
از او ويراج پيدا شد ، و از ويراج پرورش ، و او وقتی بوجود آمد که از پشت تا پيش زمين گسترش يافت .

(۳) اين قطعه چنين نيز ترجمه شده است :
وقتی که خدايان بصورت تقدیمی با پرورش قربانی ميکردند بهار روغن آن ، و تابستان هیزمش ، و پائيز مايع آن بود .

که «سادهیه» بودند، و آنها که «ریشی» بودند قربانی کردند. (۱)
 ۸- از آن قربانی که در آن نذرجهانی تقدیم شد، مخلوط دوغ
 و کره به دست آمد، و از آن مخلوقات هوایی، و حیوانات اهلی، و وحشی
 را بیافرید.

۹- از آن قربانی که در او نذرجهانی تقدیم شد، «ریج»ها و
 آهنک‌های «سامن» بوجود آمد، و بحور عروض پیدا شد، و دستور اعمال
 قربانی (ججر بید) نیز پیدا آمد.

۱۰- اسبان از آن بوجود آمدند، و آنها که دارای دو رشته
 دندان اند، و کله‌های گاو از آن هستی یافت، و همچنین بز،
 و گوسفند.

۱۱- وقتی «پروش» را ذبح کردند، آنرا به چند قطعه
 تقسیم نمودند:

دهان او چیست؟ بازوانش کدام؟ ران‌ها، و پاهایش را چه
 نامیدند؟

۱۲- دهان او براهمن بود، و دو دستش «راجنیه»، و ران‌هایش
 «ویشیه»، و «شودر» از پاهایش بوجود آمد (۲).

(۱) این قطعه این طور هم ترجمه شده است:
 پروش که در آغاز تولد یافت چون قربانی را به روی علف‌های برافشانده
 می‌پاشیدند با او (پروش) خدایان (سادهیه‌ها) و دانشمندان (ریشی‌ها) قربانی کردند.
 (۲) این قطعه ناظر به تقسیم اجتماع هند و به طبقات چهارگانه: براهمن،
 کشتریه (راجنیه)، بیش (ویشیه)، و شودر است.

۱۳ - از فکر (مغز) او ماه پیدا شد ، و از چشمش خورشید ،
از دهان او «اندرا» ، و اگنی بوجود آمدند ، و از نفس او باد
وزیدن گرفت . (۱)

۱۴ - از ناف او فلک ، و از سراو عرش ، و از پای او زمین ، و
از گوش او جوانب و اطراف (عالم) پیداشد ، و بدینسان جهان
(هستی) تکوین یافت .

۱۵ - این قربانی را هفت دیوار بود ، و سه بار هفت^۱ کننده
برای هیزم آن تهیه شده بود ، (۲)
وقتی که خدایان مراسم قربانی را انجام میدادند ، (دست و پای)
پروش را بسته بودند .

۱۶ - با این قربانی خدایان او را که در همان حال قربانی
شده بود ، پرستش کردند .

آنها مراسم و تکالیف اولیه بود ، آن بزرگان در عرش شریک
(او) شدند ، جائی که خدایان باستانی - یعنی : سادهییه ها - منزل دارند .
(ماندالای دهم - سرود ۹۰)

(۱) این قطعه چنین هم بترجمه درآمده است :
از روح او ماه تولد یافت ، و از چشم او آفتاب ؛ از دهانش اندرا ، و
اگنی پیدا شدند ، و از نفس او وایو (باد) پدید آمد .

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه گردیده است :
چوب های او که آتش را احاطه کردند هفت عدد بود ، و هیزم های او
سه بار هفت وقتی خدایان قربان را بگسترده ، دست و پای پروش را چون فدیه قربانی
بستند .



دستایش اندرا و رونا

- ۱ - ای پادشاهان (اندرا ، و ورونا) شما را به این قربانی ، و نذر با ستایش دعوت میکنیم .
این (ملعقه) روغن ریز که در دست ماست ، بیدرنک (نذررا) به شما که دارای اشکال متعدد هستید ، تقدیم میدارد .
- ۲ - کشور پهناور شما ، (جهان را با باران) اقناع میکند ، شما که (گناهکاران را) با بندهائی غیر از طناب (رشته) مُقید می‌سازید (۱) ؛
باشد که غضب ورونا از ما بگذرد (نسبت بهما فرو نشیند) ، و باشد که اندرا برای ما فضای وسیعی مهیا نماید .
- ۳- قربانی را که در منزل گاه ما تقدیم میشود ، با ثمر گردانید و دعاهائی را که پرستندگان میخوانند کامیاب سازید (بر آورید) ؛
باشد که ثروت هائی را که خدایان می‌فرستند بهما برسد ، و

(۱) ظاهراً منظور رشته‌های معنوی و اخلاقی است ، و نه مادی .

شما - دوتا (ورونا، و اندرا) - با حمایت دلپذیر خود ما را فزونی
بخشید .

۴ - ای اندرا ، و ورونا ، ثروت‌هایی که دلخواه همه است با
مسکن و رزق فراوان به ما ببخشید .

«آدیتیا» ی (۱) قهرمان موجودات خالی از حقیقت را جزا
میدهد ، و (به مؤمنان) گنج‌های بی‌شمار می‌بخشد .

۵ - باشد که این ستایش‌من که با صمیمیت تقدیم گشته‌است،
به اندرا ، و ورونا برسد، و پسران، و نوادگان را نگاهداری کند.
ما که نعمت فراوان داریم ، غذا به خدایان تقدیم نمائیم ، و
شما (ای خدایان) همواره ما را برکت عطا فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۸)

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از «آدیتیا» همان «ورونا» است .



۷۹

رستایش اگنی

- ۱ - اگنی (آتش) را می ستایم که سرپرست والای قربانی است، الهی و انجام دهنده مراسم است ، ندور را به خدایان تقدیم میدارد، و دارنده ثروت وافر است،
- ۲ - اگنی که در خور تعظیم «ریشی» های قدیم، و جدید است؛

(۱) - این سرود، اولین سرود ماندالای اول ریگ ودا (رک بید) است. و در تقسیم سرودهای ریگ ودا به ده «ماندالا»، این کتاب باین سرود باین عبارت آغاز میشود :

۱ - اگنیم اله پورو هیتم یجنه سیه دیوم، ریتویجم هوتارم رتنه دهانم *agnim ile purohitam yajnyasya devam hotaram ratnadhātamam .*

(۲) - اگنیه پورو بهیر رشیبهیر ایدینو نوتنیر اوتا ، سه دو ان ایه و کشتی *agnih pūrvebhir rsibhir idyo nūtanair uta , sa devān eha vaksati .*

بیشتر از یک چهارم سرود های ریگ ودا در ستایش اگنی (خدای آتش) است. اگنی واسطه بین زمین و آسمان است. او در ریتویج «Ritvij» (قربان کننده در فصول یا زمان معین) و روحانی و سرپرست والای قربانیها و هوتر - **Hotar** است و خدایان را برای شرکت در مراسم قربانی دعوت میکند و واسطه بین خدایان و مردم است و ندور را به خدایان میرساند .

باشد که خدایان را به اینجا بیاورد .

۳ - بوسیلهٔ اگنی ، پرستنده نعمتی می‌یابد که روز به روز در افزایش است ، و سرچشمهٔ شهرت ، و زیاد کنندهٔ نوع بشر است .

۴ - ای اگنی ، این قربانی بی‌مانع که از هر سو تو نگهبان آنی ؛ بی‌شک به خدایان خواهد رسید .

۵ - باشد که اگنی تقدیم کنندهٔ ندور ، و به دست آورندهٔ دانش که حق است ، و مشهور است ، و الهی است با خدایان به اینجا بیاید .

۶ - ای اگنی ، هر نیکی که بتوانی به تقدیم کنندهٔ (این ندور) برسان که در حقیقت «انگرس» ها (۱) آنرا به تو برمیگردانند.

۷ - ای اگنی ، ما با تو واضع آمیخته به احترام ، در فکر خود هر صبح ، و شام به تو تقرّب می‌جوئیم .

۸ - تو ای رخشنده ، ای حافظ قربانی ها ، ای آشکار کنندهٔ پا برجای حقیقت ، و ای آن که در منزلگاه خود در افزایشی (۲).

(۱) انگرس Angiras در اینجا بمعنیدهٔ بعضی از مفسران رگ‌بید نام اگنی است ،

(۲) کیفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

فرمانروای قربانی‌ها ، پاسدار قانون ابدی (ازلی) ، ذات رخشنده ، وای آن که در مقام خود در افزایشی .

۹- ای اگنی ، به آسانی به ما نزدیک باش ، همان گونه
که پدر به پسر نزدیک است .
همیشه پیش ما حاضر باش تا بهمانیکی برسد.
(ماندالای اول - سرود ۱)



۸۰

دستایش اندرا

۱ - ای اندرا ، من به خشم اول تو ایمان دارم که بوسیله آن «وریترا» را کشتی، و عمل دوستانه نسبت به انسان بر عهده گرفتی ؛ هنگامی که زمین ، و آسمان - هر دو - سر تعظیم در برابر تو فرود آوردند، و فلک از نیروی تو لرزان بود ، ای که سلاح تو صاعقه است .

۲ - ای اندرا ، برتر از ملامت که با فکری متمایل به افتخار با اندیشه خویش «وریترا» ی حيله گر را کشتی، عبادت کنند و وقتی که در جستجوی گله (کم شده) خویش است ، تو را انتخاب میکنند ، و در تمام قربانی های توأم با ادعیه (تورا میخوانند) .

۳ - ای اندرا که زیاد تورا میخوانند ، برین «سوری» ها (۱) مروت فرما که به راهنمایی آن ها فرد توانا را موقع قربانی پرستش میکنند تا پسر، و نوه (پیدا کنند)، و آرزوهای آنها برآورده

Sūri : آموزگار یا معلم آئین قربانی، دانا .

شود، و ثروت شرافتمندان به (به دست آورند).

۴- آن که مطالعه میکند تا شاد ببخشی سریع اندرا را پیشرفت دهد، ثروتی نیک یافته به دست خواهد آورد.
مفتخر به لطف تو ای «مکهون» با بریا ساختن قربانی با سرعت از طریق روحانیون قربانی کننده رزق و نعمت به دست می آورد.

۵- ای مکهون، به بزرگی ستوده قدرت خویش را منتشر فرما، و (مارا) ثروت ببخش.
ای اندرای زیبا که مانند: «میترا»، و «ورونا» دانائی و بخشنده (نعمتی)، ما را روزی ده.

(ماندالای دهم - سرود ۱۴۷)



۸۱

دستایش و رونا و اشوین با

۱ - مالك همه ثروت ها ، و رونای نیرومند، آسمان را بر پا داشته است .

او چون پادشاهی عالیقدر برین جهان حکومت میکند . این ها است اعمال و رونا .

۲ - پس و رونای قادر را تجلیل نمائید ؛

نگاهدارنده آب حیات (امریت) را تکریم کنید .

باشد که او ما را منزلگاهی سه پناهه بخشد ؛

باشد که آسمان و زمین را حفظ نماید تا در مجاورت آنها

منزل کنیم .

۳ - ای و رونای الهی ، به این اعمال مقدس من که در پرستش

تو انجام میگیرد ، جان بخش .

باشد که ما برین کشتی سلامت سوار شویم تا از میان همه

مشکلات بگذریم .

۴ - سنگ‌های مقدس ، اشوین‌ها ، پرستندگان پرهیزکار
 «نستیه»ها برای (شرکت در) اعمال مقدس خویش فرود آمده‌اند ،
 (تاشمارا) بنوشیدن (شراب)سوما (تحریرص) کنند ؛
 باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۵ - همانند «اتری» با تقوی که شما را ای اشوین‌ها باسرود
 های خود میخواند ، من (شمارا) ای نستیه‌ها بنوشیدن سوما
 (دعوت میکنم) ؛

باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

۶ - همان‌گونه که مردم دانا ، شما را به حمایت خود
 میخوانند ، من شما را ای نستیه‌ها بنوشیدن سوما دعوت میکنم .
 باشد که همه دشمنان ما هلاک شوند .

(ماندالای ششم - سرود ۴۲)



۸۴

دستایش یم (جم)

Yama

۱ - فرمانروای کشور ارواح مردگان ، آن که از کنار سلسله کوه‌های نیرومند گذشته است ، و مسیر بسیاری از مسافران را زیر نظر دارد ؛

پسر «ویوسوت» و گردآورنده مردم.

ای «یم» پادشاه، ما نذور را برای تو تقدیم میکنیم (۱).

۲ - راه ما را نخست «یم» برای ما پیدا کرد،

این چرا گاه هرگز از ما گرفته نخواهد شد .

جائی که نیاگان سلف ما رفتند ، و آن ها که بعد به دنیا

(۱) یم Yama : خدای مردگان یا خداوند ارواح مردگان . پسر ویوسوت Vivasvat (ویوسوان Vivasvān) پادشاه بهشت است که اشخاص دیندار و خیر پس از مرگ به آنجا میروند . «یم» نخستین شخصی است که به بهشت راه یافت . بنابر اساطیر هندو «یم» اولین شخصی است که مرد و راه خانه مرگ را به دیگران نشان داد (نظیر قصه «هاروت» پسر آدم ابوالبشر) .

آمدند از راه خود رفتند (۱).

۳- «متالی» با «کویه» ها کامیاب می‌شوند؛ «یم» با اخلاف «انگرس»؛
«بریهسپتی» با «ریکون» (۲) ها:

تجلیس کنندگان خدایان، خدایان آنها را تجلیس
کرده اند؛

بعضی از ستایش، و بعضی از نذور شادی میکنند.

۴- ای یم، برین علفزار مقدس بنشین، ویدران ما و «انگرس»
هارا با هم متحد ساز.

اورادی که دانشمندان می‌خوانند، به سوی تو آید،

(۱) آن جا که نیاگان قدیم ما به آنجا شدند، و کسانی که بعد پا
بمرصه وجود نهادند به راههای جداگانه رفتند.

‘Yatra nah pūrva pitarah pareyur enā jajnānāh pathyā
anu svāh ’

(۲) متالی Matāli : موجودی الهی. بعضی گفته اند که «متالی» همان
«اندرا» است که نام ارا به رانش «متالی» میباشد.

کویه Kavya: خیرات یا نذوری که هنگام مراسم تشییع جنازه یا دفن اموات
برای آمرزش ارواح نیاگان یا مردگان میکنند.

کویهها kavyas : نام طبقه از ارواح نیاگان یا مردگان (Manes)
که ارواح نژاد قدیمی مقدس بوده اند.

ریکونها Rikvans (سرایندگان) نام طبقه از ارواح یا موجودات الهی
که «بریهسپتی» را ستایش می‌کردند.

ای پادشاه، از این نذر شادی کن (۱) :

۵ - ای یم ، با انگرس های مقدس، و پسران «ویروپه» اینجا
بیا، و شادی کن .

ما «ویوسوت» را که پدر تو است - وقتی که در این مراسم در
روی گاه ها نشسته است، میخوانیم (۲).

۶- انگرس ها پدران ما، «نوگوه» ها، «بهرگو»، و «انهرون» های
سوما دوست.

باشد که ما همواره در لطف و مرحمت این دانشمندان
مقدس بیائیم (۳).

۷ - برو ، برو ، از آن راههای قدیمی که پدران ما
رفتند ؛

(۱) انگرس ها **Angrasas** : اولین قربانی کنندگان . ریشه لغوی این
کلمه (انگرس **Angras**) مبهم است ، و شاید از «اگنی» (آتش) که لفظاً
با این کلمه شبیه است ماخوذ باشد . و ظاهراً بهمین جهت کلمه «انگرس» یکی از
القاب اگنی است. در ادب هندو انگرس و اخلاف او تجسم اشیای نورانی و نمونه
نخستین قربانی کنندگان بشمار آمده اند.

(۲) ویروپه **Virūpa** (رنگارنگ ، مختلف الشکل، زشت) نام ریشی ،
نام یکی از انگرس ها : بصیغه جمع : نام خانواده وروپ **Virūpa** ، نام شاخه یا
دسته کوچکی از انگرس ها . در اینجا منظور از «پسران وروپه» دسته یا شاخه ای
از خانواده انگرس ها میباشد.

(۳) انگرس ها **Angrasas** ، و نوگوه ها **Navagvas** ، و بهرگوها
Bhrigus سه خانواده روحانی قدیمی بوده اند .

و در آنجا تو - دو پادشاه: و رونای خداوند - و «یم» را خواهی دید که بر نذورشادی میکنند.

۸ - به پدران، و به یم ملحق شو با پاداش اعمال نیک خویش در عرش اعلی.

به خانه برگرد، در حالی که همه نواقص را دور ساخته ایم، و با تن خویش با نیروی تمام ملحق شو (۱).

۹ - دور شو، از اینجا برو، پراکنده شو:

پدران این منزل را برای او آماده کرده اند.

یم اینجا را به او بخشیده است تا در آن زندگی کند، جایی در کنار آبها که روزها، و شبها در آن مشخص است. (۲)

۱۰ - در راه خود مستقیم به پیش بدو، و از آن دو سگ چهارچشم قهوه‌ای رنگ ابلق که فرزندان «سرما» هستند بگذر، و سپس به پدران نیکو کار که در محضر «یم» شادی می‌کنند، نزدیک شو.

۱۱ - ای پادشاه، این مرده را به دست آن دو بسپار، آن دو که سگ‌های محافظ تو میباشند.

(۱) این قطعه و بعضی از قطعات دیگر این سرود در تشییع جنازه مردگان برای آمرزش ارواح در گذشتگان خوانده می‌شده است.

(۲) بنا بر گفته: «ساینه» این قطعه خطاب است به: پی‌ساج‌ها Pisāchas (دسته‌ای از دیوان) و دیگر ارواح پلید.

ای یم، آن دو چهار چشم که گذرند کان را مینگرند، و معبر را
حراست مینمایند، برین مرده سلامت، و نعمت عطا فرما.

۱۲ - فرستادگان یم قهوه‌ای رنگ، و پهن بینی حریص به جان
در میان مردم سرگردان؛
باشد که امروز زندگی فرخنده به ما باز دهند تا آفتاب
را ببینیم .

۱۳ - برای یم شیرۀ سومارا به فشار، و نذر را به «یم» تقدیم
کن :

قربانی نیکو ساخته بوسیله اگنی به سوی «یم» می‌رود .
۱۴ - نذر پُر روغن را به پیشگاه یم تقدیم کن، و قدم پیش
گذار که او مارا به سوی خدایان رهبری کند؛
باشد که مازندگی درازی داشته باشیم .
۱۵ - به سوی یم پادشاه (فرشتگان) این نذر شیرین چون
عسل را تقدیم نما:

این است بندگان برای بزرگان قدیم، سازندگان
باستانی راه .

۱۶ - یم سه قربانی (نری کدروکه)^(۱) را به دست می‌آورد .
شش زمین، و یک (دنیای متحرک) بزرگ ؛

(۱) نری کدروکه Tri-kadruka : (سه ظرف سوما) در اینجا
منظور نخستین روز از سه روز عید ابهی پلوه Abhi-plava میباشد .

«گایتیری»، «تریشتهپ»، و تمام بحور مقدس (علم عروض) در
«بیم» متمرکز میگردد.

(ماندالای دهم - سرود ۱۴)



دستایش اندرا و خدایان دیگر

۱- (یکی از خوانندگان میگوید :) این است راه قدیمی که مورد آزمایش قرار گرفته است، و بدان طریق خدایان بوجود آمده‌اند.

از این راه خدایان که به حد رشد رسیدند باید قدم بعرضه وجود نهند تا هنگام ولادت به مادر آن‌ها آسیبی نرسد.

۲- (پاسخ : اندرا) من از این راه خارج نمی‌شوم، این راه بدی است، من می‌خواهم بطور اریب از پهلوی مادرم خارج شوم. (۱)

(۱) این مکالمه که میان اندرا و مادرش صورت می‌گیرد مانند بیشتر مکالمه های ریک ودا بدوی و ناقص است. در میان گفتگوی آن دو، خواننده ای نیز وارد شده است و مطالبی را بیان می‌کند.

شرح ولادت غیر عادی این خدا (یعنی : اندرا) در این سرود باز نموده میشود و به اعمال خود سرانته او که در مواقع مختلف صورت گرفته- و پدر کشی یکی از آنهاست- اشاره شده است. نسبت به این عمل اتسافی اندرا اعتراض بعمل آمده، اما مادر اندرا، و خود او این اتهام را رد مینمایند- با تعبیر و تفصیلی که از این سرود بعمل آمده اصالت آن در نظر برخی از ارباب تحقیق مورد تردید واقع شده است.

من به انجام دادن کارهایی دست زده‌ام که تاکنون سابقه وقوع نداشته است .

من با یکی جنگیدم ، و با دیگری ساختم .

۳ - (پاسخ خواننده) او نظری به جانب مادر خود (اندرا) که مشغول طی طریق بود افکند ، و گفت : من این راه را نخواهم پیمود . اندرا در خانه توشتر شراب سومائی نوشید که یکصد گاو ارزش داشت ، از آن مشروبى که بوسیلهٔ هاون (تخته) فشرده شده و بدست آمده بود .

۴ - چرا او را بصورت منحرف بوجود می‌آورند؟ چرا او هزار ماه، و هزار پائیز در رحم من باقی ماند؟

هیچ آفریده‌ای از آفریدگان که پیدا شده‌اند، و هیچ موجودی از موجودات که (از این پس) بوجود خواهند آمد، به بزرگی او نخواهد بود .

۵ - او (اندرا) از وجود مادرش ننگ دارد ، و چون مادر محرمانه او را زائید، قهرمانی با ارزش بود .

او هنگام ولادت بی‌خواست، و جامه پوشید، و این نوزاد عالم (اندرا) آسمان و زمین را از وجود خود پر کرد .

۶ - (مادر اندرا) این آب‌های صاف جریان دارند ، و صدائی از حرکت آنها بسان آواز زنائی که با یکدیگر فریاد میکشند، برمی‌خیزد .

ای اندرا، از این آب‌های روان پیرس کدام کوه را می‌خواهند
از میان بردارند، و کدام سد را بشکنند؟!
۷ - این آوا آبا برای ستایش و تقدیس تو است، و یا اینکه برای
بدنامی (ننگ و عار) است؟!
این پسر من بود که با کشتن «وریترا» آب رودخانه‌ها بگریان
افتاد، و آزاد شد.

۸ - قصد من این نبود که تو مورد آزار قرار بگیری، اگر زن
جوانی تو را باین ورطه خطرناک افکند، و اگر کوشوا (۱) تو را در
سینه خود غرق نمود و فرو برد، این نتیجه عمل من است؛ زیرا آبها
نسبت به نوزادان رأفت و شفقت مخصوصی دارند.
در نتیجه عمل من اندرا با کمال نیرو و بپاخاست.

۹ - اگر «وینسه» (۲) را مجروح کرد، این کار مربوط به من
نیست، ای بخشنده، من گناهی ندارم، هر چند فگین تو مجروح شد،
و تو زخم برداشتی، اما از آن عفریت نیرومندتر بودی، و سرش را
با سلاح جانگزای خود بکوفتی.

(۱) کوشوا Kushavā : بنا بر گفته : ساینه «کوشوا» نام را کشس
یا عفریت ماده‌ای است که اندرا هنگام تولد او را بلمید، اما بنظر «فن روت Von Roth»
این کلمه (کوشوا) نام رودخانه‌ای است.
(۲) وینسه Vyansa : دیو خشکسالی.

۱۰ - (پاسخ خواننده) گوساله ماده، گاو نر بزرگی را بوجود آورد که گاو نر ماده را برمی انگیزد، این ورزاب زورمندی که کسی را یارای مصاف با او نیست، اندر ای گردنکش است که مادرش بی آنکه گوساله خود را بلیسد، آزاد گذاشت تاراه برود، و مسیر خود را انتخاب کند.

۱۱ - آن گاه مادرش بجانب این گاو نر خم شد، و گفت: فرزندم خدایان تورا یاری نکردند.

ای دوست من «ویشنو»، جلو بیا، و زودتر برو، آن کیست که مادر خود را بیوه کرد؟! (۱)

۱۲ - کی خواست تو را بکشد، در حالی که تو خواب بودی، یاد در حال حرکت بودی؟

کیست آن خدائی که نسبت به تو رحمت آورد هنگامی که پدر تو پایت را گرفته بود، و به زمینت زد.

۱۳ - (پاسخ اندرا) در آن (روز) بدبختی من روده های سگ را پختم.

این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

(۱) مادر بفرزند نیر و مند خویش رونمود و گفت: «این خدایان تورا فراموش کرده اند، آن گاه اندرا که میخواست وریترا را بکشد چنین گفت: ای دوست من ویشنو با گامهای بلند شجاعانه پیش تاز». اشاره به داستان پدر کشی اندرا میباشد.

از میان خدایان هیچکس به من کمک نکرد.
 من به چشم خود پستی (ننگ) زنم را دیدم.
 در این هنگام عقاب برایم شراب گوارای (شیرین)
 سوما آورد (۱).

(ماندالای چهارم - سرود ۱۸)

(۱) کربفیت این قطعه را اینطور ترجمه کرده است :
 در اندوه ژرف من روده‌های سگ را میجوشانم ، در میان خدایان یکی
 را نمی‌یابم که مرا تسلی دهد ، همسر خود را حقیر شمردم ، آن گاه عقاب برای
 من سوماى لذیذ آورد .



۸۴

دستایشع ریه (خورشید)

Surya

۱ - حضور درخشان خدایان ، چشم میترا ، و ورونا ، و اگنی .
(سوریا) روح همه جنبندگان و غیر جنبندگان را برانگیخته .
آفتاب ، جو (هوا) ، و زمین ، و آسمان را پُرساخته است (۱)
است .

۲ - مانند (پسر) جوانی که دختری را دنبال نماید ، خورشید
الهه درخشان صبح را (دنبال کرده است) .
آن جا که مردم پرهیزکار اخلاف خود را در حضور آن فرد

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

صورت عجیب خدایان و چشم میترا ، و ورونا ، و اگنی بالارفت ، سوریا
روح هر چه حرکت میکند و هر چه ثابت است ، میباشد ، (او) زمین و آسمان و ناحیه
بین آن دو را پرمیکند ،
عبارت سانسکریت این است :

**Citram devānām udaḡād anikam caksut mitrasya
varuna- syāgmeh āpra dyāvāprthivi antariksam sūrya ātmā
jagatas tasthusas ca.**

متبارك برای ثروت و سرور منبسط ساخته است (۱)

۳- اسبان کُرنگ فام خورشید که برکت می بخشند با درخشندگی، و الوان متغیّر برای فریادهای پیروزی ما کرد- می آیند،

و درحالی که دعاهای ما را بر گرفته اند، بنقطه اعلای آسمان بالامیروند، و دریک آن، بدور زمین، و آسمان میگردند.

۴- این است خداوند، این است نیروی سوریا: او (نور خود را) از روی کارهای ناتمام بر میگیرد.

وقتی که او اسبان خود را از محلشان رها میسازد، شب ردای خویش را بر همه جامی گسترد (۲).

(۱) چون معنی این مصراع درست روشن و معلوم نیست بجای اخلاف ممکن است گاو آهن نیز ترجمه شود زیرا در این فصل از خدایان درخواست میشود که زراعت را برکت دهند.

این قطعه چنین ترجمه شده است:

سوریا مانند جوانی که دختری را (دنبال میکند) سپیده دم درخشنده را تعقیب مینماید، جایی که مردان علاقمند به خدایان یوغ ارباه را ثابت میکنند تا از یک خوشبختی، به خوشبختی دیگر برسند.

عبارت سانسکریت اینست:

Pra sa mitra marto astu Prayasvān. yas ta āditya siksati vratena. na hanyate na jiyate tvoto nainam amho asnoty antito na dūrāt.

(۲) منظور از مصراع اول این قطعه اینست که وقتی آفتاب غروب میکند، کشاورزان (کارگران و ارباب حرف دیگر) کارهای خود را ناتمام میگذارند.

۵ - در دامن سوریه (آفتاب) خورشید این صورت را بخود
 میگیرد تا ورونا ، ومیترا بتوانند او را بنگرند .
 اسبان^۱ کرنکش نیروی او را جاودانی نگاه میدارند؛ زمانی با
 درخشش ، وزمانی دیگر بتاریکی .
 ۶ - امروز ای خدایان ، هنگامی که سوریا برمیخیزد، ما را
 از زحمت و بی شرفی نجات بخشید.
 باشد که این دعای ما را ورونا ، ومیترا، وادیتی، وسندهو ،
 و زمین ، و آسمان اجابت فرمایند .
 (ماندالای اول - سرود ۱۱۵)



۸۵

درتایش ویشنو

Vishnu

- ۱ - من اعمال نیرومند «ویشنو» را اعلام خواهم داشت، آن که نواحی زمین را ببیمود،
 آن که بالاترین محل تجمع (خدایان) را نگاهداشت، و در کامهای بلند خویش سه نوبت پای خود را فرود آورد (۱).
- ۲ - ویشنو بجهت نیرویش ستوده میشود؛ (او) مانند جانوری سهمناک که در کمین شکار است در کوهها زندگی میکند و باطراف میگردد.
- در فواصل سه قدم وسیعش همه موجودات زنده سکنی دارند (۲).

(۱) ظاهراً منظور سه نوبت روز یعنی: هنگام طلوع آفتاب، ظهر، و غروب است.

(۲) عبارت اصل سانسکریت چنین است:
 «پره ند ویشنوستهوت ویرنه مریگونه بهیمه کو کرو گریشتهه یسیوروشو
 تریشو ویکرو منشوه ادهی کریشینتی بهورانی ویشوا»

**Pra tad visnuh stavate viryena mrgo na bhīmah kucaro
 giristhāh yasyorusu trisu vikramanesv adhiksiyanti
 bhuvanāni visvā».**

- ۳ - این سرود مانند قدرت به سوی ویشنو بالا رود ، آن گاو
بزرگ گام که در کوه‌ها سکنی دارد .
آن که تنها با گامهای سه گانه خود این منزلگاه طویل و
وسیع را پیموده است .
- ۴ - آن که سه مقام او باشیرینی و سرور جاودانی آکنده است ،
آن که بحقیقت جهان سه گانه یعنی : زمین ، و آسمان ، و
همه موجودات زنده را نگاه میدارد .
- ۵ - باشد که من بدان منزلگاه مطبوع که مردم مؤمن به
خدایان در آنجا شاد مانند ، برسیم ؛
زیرا در نزدیکی آن بلند گام چشمه انگبین در بالاترین
قدمگاه ویشنو میجوشد .
- ۶ - ما باشادمانی به منزلگاه او - جایی که گاو ان ظریف
هستند - میرویم ،
زیرا منزلگاه عالی آن گاو بلند گام به نیرومندی بر ما
میدرخشد .
- (ماندالای اول - سرود ۱۵۴)



۸۶

دستایش ویثودوا

Visvadevas

- ۱- باشد که ورونا - باهدایت مستقیم میترا - مارار هبری کند، آن که میداند، و «اریمن» با موافقت سایر خدایان .
- ۲- زیرا آنها دهندگان ثروت اند، و قدرت آنها را نمی فریبد، همیشه قوانین مقدس را حفظ نمائید .
- ۳- باشد که آنها ما را پناه دهند، خدایان جاوید به مردم فناپذیر، دشمنان ما را برانند .
- ۴- باشد که آنها راه ما را به سوی شادمانی نشان دهند، اندرا و ما روت ها، و پوشان، و بهگه - خدایانی که قابل پرستش اند .
- ۵- آری پوشان، و ویشنو، شما که در راه خویش روانید، سرودهای ما را با گاوان ثروتمند سازید؛ و ما را با کامیابی تمام برکت دهید .

۶ - کسی که برای خود نظم اخلاقی بخواهد ، بادها شیرین‌اند . برای ورودخانه‌ها به شیرینی جریان دارند ؛ حتی باشد که گیاهان برای ما شیرین باشد .

۷ - باشد که شب شیرین باشد ، و سپیده دم هم ؛ باشد که ناحیه زمین (جو) شیرین باشد ؛ باشد که آسمان پدرها بر ما شیرین باشد .

۸ - باشد که آن درخت بلند برای ما پُر از شیرینی باشد ؛ باشد که آفتاب نیز پُر از شیرینی باشد، و گاو ان ماده بر ما شیرین باشند .

۹ - ای میترا ، بر ما لطف فرما ، و شما «ورونا» ، و «اریمن» ، و «اندرا» ، و «بریهسپتی» ، بر ما مهربان باشید . و همچنین تو ای «ویشنو» ی قوی کام .

(ماندالای اول - سرود ۹۰)



دستایش اندرا

- ۱ - همه روزمانیکی کنندهر را به حمایت خویش میخوانیم (۱)
همان گونه که دوشنده گاو شیرده نیکو (زیبا) ، برای دوشیدن شیر او .
- ۲ - ای نوشنده شیر «سوما» در مراسم (روزانه) ما حاضر شو ، و از نذر ما بنوش (۲) ؛ چون خرسندی (تو که) بخشنده نعمتی به راستی موجب اعطای گله (رمله) است .
- ۳- ما تورا در میان درست اندیشان که در قرب جوار تواند ، می شناسیم ، به سوی ما بیا ، واز ما مگذر .
- ۴- ای پرستنده ، به سوی اندرای دانا و صدمه ناپذیر که بهترین (برکت) به دوستان تومی بخشد ، روی آور .
- ۵- آیا کسانی که مارا استهزا می کنند میگویند به جای دیگر بروید ؟

(۱) یعنی : «اندرا» نیکوکاران را به حمایت خویش میخواند .
(۲) منظور خدای «اندرا» است که صاحب سوما و رئیس نوشندگان «سوما» است .

- ما که جز اندرا دیگری را خدمت نمیکنیم .
- ۶ - ای نابود کننده دشمنان ، کاری بکن که دشمنان ما ، ما را سعادتمند بدانند ، و مردم (به ما تبریک بگویند) ؛ باشد که ما پیوسته در سایه برکت اندرا ساکن باشیم (۱).
- ۷ - شیرهای را که (در هر سه مراسم) حاضر است ، و لطف قربانی می باشد ، و بشر را نشاط می بخشد ، و عمل را کامل میسازد ، و مطلوب (اندرا) است ؛ به اندرا تقدیم نمائیم ؛ آن که بتقدیم کننده ، ثروت می بخشد.
- ۸ - ای «شت کرتو» (۲) ، چون تو ازین (شیره سوما) بنوشی ، کشنده «وریتره» ها (۳) میشوی ؛

(۱) این قطعه را کیفیت چنین ترجمه کرده است :
آیا ای خدای اعمال شگفت آور همه مردم حقیقی ما ، ما را مبارک میخوانند ؛ باشد که ما هنوز مورد توجه اندرا باقی بمانیم .

(۲) شت کرتو Satakratu ؛ لقب : «اندرا» خدای صدمه مراسم یا صد نیرو .
«ساینه Sāyana» در توضیح خود در این باره مینویسد: منظور از کلمه «صد» بسیاری از اعمال یا مراسم مذهبی است (Bahukarmayukta) که بهم بستگی دارد .

(۳) وریتره ها Vritras ؛ دشمنان یا دیوان بیدادگری و ویرانی اند و خشکسالی که در جو مانع ریزش باران میشوند و از باریدن ابرها جلوگیری میکنند . این دشمنان (دیوان خشکسالی و تنگی) بناهای مختلف خواننده میشوند در تیره Vritra ، اهی Ahi ، شوشنه Sushna ، نموچی Namuchi پیپرو Fipru ، شمیره Sambara ، اورنه Urana و غیره . اندرا با حربه خود با آنها جنگ میکند و مانع خشکسالی میشود .

- به مرد جنگنده در این نبرد کمک کن .
- ۹ - ای «شت کرتو» ی نیرومند ، در جنگ ، ما غذای قربانی
به تو تقدیم میداریم تا (اندرا) ما را ثروت بخشی .
- ۱۰ - بنام اندرا که حامی ثروت است و نیرومند است و کننده
اعمال نیک است و دوست تقدیم کننده نذر است ، بسرائید .
(ماندالای اول - سرود ۴)



۸۸

دستایش اپام نپات

Apām-napāt.

- ۱ - در اشتیاق غنائم من سخنان خود را بیان میکنم : باشد
 که فرزند طوفانها سرودهای مرا با مرحمت بپذیرد .
 آیا پسر شتابنده آبها ، آنها را زیبا نخواهند ساخت ، چون
 اوست که باید از آنها لذت برد ؟
- ۲ - سرود نیکو ساخته ای را که ازدل برمی آید ، به او خطاب
 کنیم ، آیا آنها نخواهد فهمید ؟
 فرزند (پسر) مهربان آبها بعظمت خداوند همه چیز را
 بوجود آورده است .

(۱) اپان نپات Apām-napāt یا (نواده آبها) اپام نپتری Apām-naptri
 یا اپام کرببه Apām-garbha با اپونپتری Apo-naptri یکی از نامها با القاب
 «اگنی» (آتش) است .

این خدا صورتی از آتش است که در آب متولد شده و در آب زندگی
 میکند. گفته شده که او جوانی (کودکی) است مورد علاقه دختران نارپستان که
 در اطرافش می ایستند و از او نگاهداری میکنند .

۳ - بعضی سیل‌ها باهم یکی میشوند، وسیل‌های دیگر به آنها می‌پیوندند.

رودخانه‌های خروشان انبار (وادی) مشترک‌ی را پرمی‌سازند، سیل‌های درخشان از هر سوزاده رخسند و باشکوه آب‌ها را احاطه کرده‌اند.

۴ - دختران جوان بی‌تبسم (یعنی: آب‌ها) در پیرامون این جوان می‌ایستند، و او را روشن و درخشان می‌سازند. او با شعله شفاف خود نور می‌بخشد و بی‌هیزم در آب با جامه آغشته به روغن می‌تابد (۱).

۵ - به آن خدای ثابت، سه بانوی آسمانی غذایی دهند، گویا او به سوی مادرش در آب‌ها کشیده میشود، او شیرینی آسمانی (بهشتی) از دست آن‌هایی می‌خورد که

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است:

آب‌های افسردگی ناپذیر و دختران جوان آراسته در خدمت آن جوان (پسر آب‌ها) هستند، او با اشعه درخشان خویش با جمال و زیبایی در آب‌های آغشته به روغن (کره پخته) بی‌هیزم می‌تابد.
متن اصل سانسکریت اینست:

بهکه پرنتر بهکه ستیه رادهوبهه کام‌دهیم اد او د دن نه. بهکه پره
نه جنیه کوبهیراشویر بهکه پره تر بهپیر نروننه سیامه

**Bhaga pranetar bhaga satyarādho bhagemām dhiyam
ud avā dadan nah. bhaga pra no janaya gobhir asvair
bhaga pra nrbbhir nrvantah syāma .**

اورا نخست به دنیا آورده‌اند. (۱)

۶ - اسب در اینجا تولد یافت؛ نور آفتاب از آن او بود.
پادشاهان ما را از حمله ستمگران حفظ فرما.
او در منزلی خراب ناپذیر در قلعه دور و ناساخته مسکن
دارد، و ارواح پلید به او نمیرسند (۲).

۷- او گاوهای شیرده در منزل دارد و آب حیات خدایان
را فراوان می‌سازد، و گوشت‌های نیکو می‌خورد،
پسر آب‌ها که از آب‌ها نیرو می‌گیرد برای پرستنده خود
میدرخشد تا گنج‌ها را بدو ببخشد.

(۱) کریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است:
سه بانو برای او غذا می‌آورند - الهه‌های خدائی که هیچکس نمیتواند
به او صدمه برساند - در میان آب‌ها اوفشده شده و شیر آنان را که برای اولین
دفعه مادر شده‌اند مینوشد.
عبارت متن سانسکریت اینست.

**Bhaga eva bhagavān astu bevās tena vayan bhagavantah
syām. tam tvā bhaga sarva ij jhavitī sa no bhaga puraetā
bhaveha.**

ظاهراً مقصود از سه بانو، «ایلا Ilā»، و «سرسوتی Sarasvatī» و «بهارتی
Bhāratī» است که تجسم مقدس دعا و پرستش میباشند.
(۲) معلوم نیست که در اینجا منظور خورشید است یا برق. بهر حال معنی
آن مشکوک بنظر میرسد. بعقیده لودویگ Ludwig منظور تولد اسب طبیعی
از نژاد اسب آسمانی است.

۸ - او که در آب‌ها با الوهیت خالص خود به پهناوری می‌درخشد
و مطیع قانون و جاویدان است ؛

جهان‌های دیگر بحقیقت شاخه‌های اوست ، و گیاهان، و آنچه
از آنها می‌روید همه از او برخاسته است .

۹ - فرزند آب‌ها بپاخاسته و با جامه‌ای از نور به میان
اب‌های پُریچ و خم بالا رفته است ؛

و جلال عالی خویش را در میان آن نوجوانان زرین فام که در
اطرافش در حرکت‌اند، آشکار می‌سازد (۱).

۱۰ - او زرین شکل است ، و چون به او بنگری چون طلا
است ، رنگش زرین است ، پسر آب‌ها است .

وقتی که تازه در زادگاه زرین خود نشسته است، آنها که
طلای خویش را تقدیم می‌دارند ، برایش غذا می‌آورند .

۱۱ - این نام زیبای او ، و این جنبه دل‌آرای پسر آب‌ها
در پنهانی در افزایش است ،

آن که دختران جوان با هم (برای او) در اینجا (آتش)
می‌افروزند ، غذایش روغن مقدس زرین فام است .

۱۲ - او را که از نزدیکترین دوست عده زیادی است ما با

(۱) ظاهراً منظور از عبارت: «نوجوانان زرین فام» رودخانه‌ها یا آب‌های
جوی (هوائی) اقیانوس است .

قربانی و احترام و نذر پرستش میکنیم (۱).
 من موجب درخشش پشت او را فراهم میسازم و به او همیشه میدهم.
 من او را غذا میدهم و با سرودهای خود تجلیل مینمایم (۲).
 ۱۳ - گاو نر نطفه حیات خویش را در میان آنها نهاده است،
 او چون کودکی شیر آنها را مینوشد، و آنها او را میبوسند،
 او - فرزند آبها - بارنگ پریدگی ناپذیر در اینجا در بدن
 دیگری وارد شده است .

۱۴ - هنگامی که او در اینجا به عالیترین وضعی منزل دارد
 و با اشعه فنا ناپذیر میدرخشد ؛
 آبها روغن می آورند تا فرزند خود را غذا بخشند ، آن
 نوجوانان در اطراف او می چرخند .

۱۵ - اگنی، من به مردم پناه میبخشم، و به شاهزادگان مهیّا
 ساختن (شعائر قربانی) .

آنچه مورد لطف خدایان است مبارک است ؛ باشد که مابا
 قهرمانان در محفل بلند سخن گوئیم (۳).
 (ماندالای دوم - سرود ۳۵)

(۱) ظاهر منظور از عبارت: «از نزدیکترین دوست عده زیادی» آنست که
 چون او از همه خدایان از حیث مکان پائین تر میباشد، به مردم نزدیکتر است .
 (۲) منظور اینست که چون همیشه و همیزم در آتش بیندازند موجب شعله ور
 شدن آتش میشود و بهتر و بیشتر زبانه میکشد .
 (۳) مقصود آنست که اگنی در اثر سرودهای من، مردم ما را حفاظت
 میکند، و ثروتمندان ما را موفق میسازد که قربانیهای نیکو تقدیم دارند.



۸۹

دستایش اگنی (آتش)

- ۱ - اینان که ستایش را تکرار میکنند ، مدح اگنی دانای آفریننده را بیان مینمایند ، آن قربانی کننده (پرستنده) ای که وقفه در کارش نیست .
- ۲ - ای اگنی ، ای «جات ویداس» (ای اگنی جات ویداس) ، برای تو ای تقدیم کننده نذور کریم ، ای ناظر بر همه چیز ، من صمیمانه ستایش تو را تکرار میکنم .
- ۳ - شعله‌های سرکش تو ، ای اگنی ، جنگل را نابود میکنند ، همان گونه که حیوانات وحشی با دندان‌های خود (گیاهان را) از میان برمیدارند .
- ۴ - آتش‌های دودزای معدوم کننده ، سوار بر باد ، در همه جوانب فلک پراکنده میشوند ،
- ۵ - این آتش‌ها که هر یک جدا گانه بر افروخته شده است ، مانند علامات سپیده دم بنظر می آیند .

(۱) ریشی این سرود وروبه Virupa از اخلاف انگریس است.

- ۶ - وقتی جات ویداس به حرکت درمی آید ، و چون اگنی در زمین منتشر میشود ، غبار سیاه از قدم‌های او برمیخیزد .
- ۷ - اگنی که گیاهان را طعمه خویش میسازد ، و آنها را می بلعد ، هرگز سیر نمیشود؛ بلکه باز (بربوته‌های) جوان می‌افتد.
- ۸ -- (درختان را) بازبان خویش (شعله‌ها) خم مینماید ، و با جلال میدرخشد ، اگنی در جنگل‌ها تابان است .
- ۹ - ای اگنی ، مقام تو در آب‌ها است ، تو به گیاهان می‌چسبی و جرثومه آنها میشود ، و دوباره تولد می‌یابی .
- ۱۰ - درخشش تو ، ای اگنی ، وقتی که روغن (نذر) تقدیم میشود ، در حال اشتعال از دهانه ملعقه تابان است ،
- ۱۱ - ای اگنی ، ای بخشنده (آرزوها) ، ای خورنده گاو ، ای خورنده مغز استخوان که در پشت تو نذور ریخته میشود و تورا پرستش می‌کنیم (۱) ،
- ۱۲ - ای اگنی ، ای احضارکننده (خواننده) خدایان ، ای انجام دهنده مراسم مقدس ، ما با نذور و هیزم از تو التماس داریم .
- ۱۳ - ای اگنی مقدس که نذور به تو تقدیم میشود ، ما همان گونه که «بهرگو» ، و «مانو» ها ، و «انگرس» ها تو را پرستش میکردند ، تورا عبادت میکنیم .
- ۱۴ - ای اگنی ، تو را اگنی برافروخته است ، چون دانشمند
-
- (۱) در متن سانسکریت عبارت Soma paṣṣiṭhāya بکار برده شده است .

- دانشمندی را ، و مقدسی مقدسی را ، و دوستی دوستی را .
- ۱۵ ای اگنی ، بتقدیم کننده پا کدامن (نذر) ثروت بی پایان ، و روزی ، و فرزندان نرینه عطا فرما ،
- ۱۶ - اگنی ، ای برادر که به نیرو نمایان گشته ای ، و خداوند اسبان سرخ میباشی ، و (انجام دهنده) مراسم پاک هستی ، ازین ستایش ما خرسند باش .
- ۱۷ - ستایش های من به سوی تو می شتابند ، ای اگنی ، همان گونه که گاوان به گاوخانه (آغل) خویش میروند تا کوساله های تشنه خود را شیر دهند .
- ۱۸ - به تو ای اگنی که سرور انگرس ها هستی ، همه مردم فرد فرد برای نیل به آرزوهای خویش رومی آورند .
- ۱۹ - دانایان ، خردمندان ، و هوشیاران با قربانی اگنی را خشنود می سازند تا به روزی خود برسند .
- ۲۰ - ای اگنی ، ای نیرومند ، ای حامل (نذور) ، ای احضار کننده خدایان ، (پرستندگان) که قربانی را در منازل خود مهیا ساخته اند ، تو را پرستش میکنند .
- ۲۱ - تو خداوندی ، تو همه مردم را در همه جایك سان می بینی پس ما در جنگ ها تو را میخوانیم .
- ۲۲ - آن اگنی را که چون روغن به دو تقدیم شود بارو شنائی می تابد ، و دعا های ما را می شنود ، عبادت نمائیم .

- ۲۳- ای اگنی ، ما تورا میخوانیم، تو که «جات ویداس» هستی و (ستایش ما را) میشنوی ، و دشمنان ما را از میان برمیداری .
- ۲۴- اگنی پادشاه مردم ، شکفت انگیز ، سرور اعمال مقدس ، من او را ستایش میکنم ؛ باشد که مرا بشنود .
- ۲۵- ما مانند اسبی آن (اگنی را) که نیرویش در همه جا حاضر است ، تقویت مینمائیم ؛ آن که شریف ، وقوی ، و خیر است .
- ۲۶- ای اگنی ، با درخشش بتاب ، بدخواهان را هلاک ساز ، و دشمنان ما را (دور کن) ، و در همه جا «راکشس» ها را از میان بردار .
- ۲۷- ای سرور «انگرس» ها (اگنی) که (تورا) مردم مانند : «مانو» ها برمی افروزند ، سخنان مرا بشنو .
- ۲۸- ما با ستایش تورا میپرستیم ، ای اگنی که در آسمان ، و آب ها تولد یافتی ، و در اثر نیرو پدیدار گشته ای .
- ۲۹- همه خلائق ، و ساکنان (زمین) یکایک غذا (قربانی) برای تناول ، و لذت تو تقدیم میدارند .
- ۳۰- ای اگنی ، باشد که ما بوسیله تو که در قربانی مهارت داریم ، و در تمام ایام خود مردم را می بینیم ، از (همه) مشکلات بگذریم .
- ۳۱- ما با (سرودهای) شادبخش ، و فرح انگیز اگنی سرور کننده را که پیش بسیاری گرامی است ، و با درخشش پاک کننده ای

در قربانی قرار دارد ، میخوانیم .

۳۲ - ای اگنی ، در آن هنگام که تو چون خورشید طالع
میدرخشی، و قدرت خویش را بوسیله اشعه خود مینمایانی، ظلمت را
معدوم میسازی .

۳۳ - ای اگنی نیرومند ، ما آن ثروت دلخواه که در بخشش
تو است ، و هرگز زوال نمی‌پذیرد ، از تو التماس داریم .
(ماندالای هشتم - سرود ۴۳)



دستایش سوما

Soma

۱ - (عصاره) سوما را تصفیه کنید، شیرین ترین مشروب، سُکر آورترین شراب سرشار را با فشردن (گیاه سوما) به دست آورید ، برای اینکه اندرا بنوشد .

۲ - اندرا (خداوند) کشنده دشمنان (دیوان) ، حفیظ و حافظ دوستان (اقوام بشر) در مقر خود (در عرش علیین) قرار گرفته است و ظرف پولادین در دست دارد تا از نایبچه، ولوله آن شراب سوما را بنوشد .

۳ - ای خدا ، فضای حیاتی ما را وسیعتر گردان ، بخشندگی بیشتری بمانشان ده .

ای قاتل اهریمنان (ای وریتر اُکش)، بزرگان ما را از حمایت، و یاری خود بهره مند، و برخوردار فرما .

۴ - ای سوما جاری شو، و از شیرۀ خود مهمانی خدایان را رونق بخش ، و وسیله دسترسی بافتخارات نظامی ، و تحصیل غنایم و مالی را که در جنگ از دشمنان بدست می آید ، فراهم ساز .

۵ - ای اندو^(۱)، بواسطه کسب این نعمت‌هاست که ما روز به روز به جانب تو رومی آوریم، ای شراب آسمانی (ای شراب طهور) ادعیه ما را بپذیر .

۶ - دختر خورشید (سوریه) ^(۲) شیرۀ پاك ، و روشن تو را در پرویزی که نور آن غربال ازپشم تا بیده بافته شده است ، تو را صاف کرده ، پالش میدهد .

۷- ده دوشیزه^(۳) از تو در روز بزم ، و رزم استفاده میکنند ،

خواهران ^(۴) در روز پیکار قطعی از او یاری می طلبند.

۸ - دختران با کره (و عقیق) ^(۵) شیرۀ تو را میگیرند، و آواز خوشی از آن برمی خیزد .

این شراب مقدس در حکم زره سه لائی و سطر است .

۹ - گاوان شیرده (که شیر آنها با سوما آمیخته میشود) با تو گوساله‌های خود را مسح میکنند (تدهین میکنند).

۱۰ - اندرای سرمست شراب سوما ، همه و ریتراها را کشت و در نتیجه سرمستی و سُکری که از عصاره سوما حاصل میشود دلاوران از بزرگواری و بخشندگی او (اندرا) جدا کثر استفاده را مینمایند .
(ماندالای نهم - سرود اول)

(۱) منظور «سوما» است .

(۲) ظاهرأ مراد از دختر سوریه، شراده *Śrāddhā* است .

(۳) مراد انگشتان خدام دین است .

(۴) منظور همکاران و همدینان است .

(۵) منظور خدمتگزاران دین‌اند.



۹۱

دستایش اگنی

۱ - تو شعله بزرگ سنن و مراسمی ، بی تو موجودات ابدی فرح و انبساط ندارند.

بیا با ارابه خود با سایر خدایان و همراه آنان، و اینجا بنشین. ای اگنی، تو اولین پیشوای مذهبی ما هستی .

۲- تو آن (خدای) سریع و چالاکی که بشر به او نذوراتقدیم میکند، و به درگاهش بطور مدام التجا میجوید ، و واسطه میان آدمیان و سایر خدایان است .

ای اگنی ، بر آن که تو با خدایان (دیگر) بر روی چمن مقدس اومی نشینی روز کار را مبارک ساز^(۱).

۳- ای اگنی، برای مردی (موجود فناپذیری) که تو را ستایش میکند، سه بار در روز^(۲) ثروت بوسیله تو ابراز میشود .

(۱) کربفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« مردم پیوسته بوسیله نذوراتو استدعا دارند ، ای تیز رو که وظیفه سفیر را انجام می دهی آن که بر روی چمن مقدس او تو با خدایان می نشینی ؛ ای اگنی روز کار را بر او فرخنده فرما .»

(۲) منظور از سه بار در روز : صبح ، ظهر ، شب یا سه مجمر آتش است.

برای خدایان اینجا قربانی کن ، همان گونه که « مانو »
قربانی کرد .

ای اگنی ، تو واسطهٔ میان ما و خدایانی، تو ما را از بد کوئی
بداندیشان در پناه خود قرار میدهی .

۴ - ای اگنی به آئین و مناسک مذهبی پادشاهی کن، ای اگنی
در تمام (مراسم اهدای) ندوز که تدارک دیده میشود بر ما حکومت
کن .

خدایان تورا باین سمت شناخته و قبول کرده‌اند، تو واسطهٔ
رسانیدن قربانی‌ها هستی که ما برای خدایان میکنیم .

۵ - ای اگنی ، خدایان را در مراسم اهدای نذور فراخوان
تا در اینجا آنها با اندرا - خدای بزرگتر - جشنودشوند .

این قربانی ما را به خدایان در آسمان برسان ،

ما را همیشه در پناه خیر و برکت خود قرار ده .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۱)



۹۲

دستایش وایو

Vayu

- ۱ - ای «وایو» ی نیک منظر ، نزدیک شو ، این «سوما» برای تو مهیا شده است ،
از آن بنوش ، دعوت ما را بشنو (بپذیر) .
- ۲ - ای وایو ، ستایشگران تو که شیرۀ سوما را ریخته اند ، و موسم (مناسب) را می شناسند ، تو را با ستایش های مقدس تمجید میکنند .
- ۳ - ای وایو ، سخنان موافق تو به پرستش کنندگان (تقدیم کنندگان ندور) ، و به بسیاری (دیگر) که تو را بنوشیدن شیرۀ «سوما» میخوانند ، میرسد .
- ۴ - ای وایو ، وای اندرا ، این ندور برای شما ریخته شده است ، باغذا (خوراک) برای ما به اینجا بیائید ؛
به درستی قطره های شیرۀ سوما در انتظار هر دوی شما است .
- ۵ - ای اندرا ، وای وایو که در مراسم قربانی حاضرید ، و به

این نذر واقف اید- هر دو- به شتاب به اینجا بیائید .

۶- ای اندرا ، وای وایو ، به مراسم این قربانی بیائید ، چون بدین طریق مردم به سرعت به کمال این مراسم خواهند رسید .

۷- من «میترا»ی پاک نیرو ، و «ورونا»ی دشمن خوار را میخوانم که (با یکدیگر) آب را به زمین عطا نمودند .

۸- ای میترا ، و ای ورونا ، ای افزاینده آبها ، وای مُقسَم آبها ، شما این مراسم کامل را به (اجر) حقیقی آن متصل میسازید .

۹- ای میترا ، و ورونای دانا ، قربانی ما را قرین سعادت فرمائید ، و نیروی ما را فزونی بخشید .
شما برای خیر بسیاری مردم زائیده شده اید ، و شما ملجاء جمعیت میباشید .

(ماندالای اول - سرود دوم)



دستایش اگنی

۱ - ای اگنی، ای باران (رحمت) تو که خداوندی، تو که با همه آفریدگان می آمیزی، تو که از جای پای «ایلا» شعله ور گشتی؛ ما را به ثروت برسان (۱).

۲ - با هم ملاقات کنید، و با هم صحبت بدارید، و افکار شما با یکدیگر موافق باشد،

همان گونه که خدایان باستانی با یکدیگر سهم خود را از قربانی قبول می کردند.

۳ - نماز (دعای) همه (جمع ستایش کنندگان) یکی باد، حاصل همه یکی باد، مقصود همه همگانی باد، آرزوی همه متفق باد.

من يك دعای همگانی برای شما تکرار می کنم، من يك نذر همگانی به شما تقدیم مینمایم.

(۱) این قطعه را کریمیت چینین ترجمه کرده است :

«تو ای اگنی نیرومند که آنچه گرانبهاست برای دوستان، گردمی آوری، آن هنگام که در محل نذور برافروخته ای، برای ما تمام کنج هارا بیاور.»

۴ - (ای ستایش کنندگان) قصد شما همگانی باد،
(خواهش) دل‌های شما یکی باد،
افکار شما یکی باد، تا آن که اتحاد کامل در میان شما
باشد .
(ماندالای دهم - سرود ۱۹۱)



۹۶

دستایش اندرا

- ای اندرا، ثروتی بیاور که لذت بخش است، ثروت پیروز مندی
 که همیشه غالب است ،
 ای بالاتراز همه ، یارما باش .
- ۲ - تا بوسیله او (اندرا) مادشمن را در جنگ تن به تن (جنگ
 دست به دست) عقب برانیم ،
 و تو ما را با ارا به یاری نمائی .
- ۳ - به یاری تو ای اندرای صاعقه اسلحه، ما نیزه را برمی
 افراشیم (بلند می کنیم) ،
 و همه دشمنان را در جنگ مغلوب می سازیم .
- ۴ - با تو ای اندرا، و به اتفاق قهرمانان زوبین انداز ؛
 باشد که ما دشمنان خود را در میدان جنگ بشکنیم
 (مغلوب کنیم) .
- ۵ - اندرا قادر است ، اندرا برتر است ، عظمت او راست ،
 رعد آسا است ،

- قدرت خود را به پهنای آسمان بسط میدهد.
- ۶ - به آنها کمک مینماید که پسر پیدا کنند تا چون
قهرمانان به جنگ آیند (۱) ،
یا سرایندگان افکار مقدس زیباشوند.
- ۷ - شکم او با نوشیدن لاجرعهٔ سوما مانند اقیانوس آماس
می کند ،
همچون رودخانهٔ پهناوری از طاق آسمان.
- ۸ - بدین گونه نیز او در علؤ خویش بزرگ، نیرومند، و دارای
رمه‌های گاو (است) ،
و مانند شاخهٔ رسیده‌ای برای پرستندگان خود میباشد .
- ۹ - چون به حقیقت نیروهای توانای تو ای اندرا ، یاوری‌های
نجات دهنده،
وفوری برای پرستنده‌ای چون من میباشد.
- ۱۰ - و (با) همین گونه هدایای زیبای او، حمد و ستایش اندرا
سروده شود تا او شیرۀ سوما را بیاشامد .
(ماندالای اول - سرود ۸)

(۱) یعنی : اندرا به پرستندگان خود یا قوم آریائی کمک میکند تا
فرزندان نرینه پیدا کنند.



دستایش اندرا و رونا

۱ - فعالیت های سریع مشهور قدیم شما نیاز بمحرّکی از طرف خدمتگزار باوفای شما نداشت.

ای اندرا - و رونا، کجاست اکنون آن قرّ و شکوهی که بوسیله آن از دوستداران خود حمایت می کردند؟ (۱)

۲ - این مرد (۲) بسیار دقیق که در جستجوی ثروت است، لاینقطع شمارا بیاری میخواند.

ای «اندرا» - «ورونا»، با «ماروت» ها، و آسمان، وزمین دعا های مرا بشنوید .

۳ - ای اندرا - و رونا، این گنج ها از آن ما باشد، ثروت از آن ما باشد، ماروت ها ،

(۱) این سرود مشتمل است برشش سه بیت (Trichas) .
 خدایانی که در این سرود مورد ستایش واقع شده اند جدا جدا عبارتند از :
 ۱ - اندرا - و رونا ۲ - بریهسپتی ۳ - پوشان ۴ - سویتتری (سویتتر Svitar) ۵ - سوما ۶ - میترا - و رونا .

(۲) مقصود از عبارت : « این مرد » ستایش کننده یا پرستش کننده است .

- با تمام دستۀ قهرمانان.
- باشد که «وروتری»^(۱)ها با پناه خویش مارا یاری کنند، و «بهارنی»، و «هوترا» با بامدادان.
- ۴ - از نذور ما خشنود باشید، توای محبوب همه خدایان، ای «بریهسپتی»:
- بر آن که برای تو تقدیمی آورد، ثروت بخش.
- ۵ - در قربانی‌ها با سرودهای خود «بریهسپتی» پاک‌رپرستش کنید.
- من برای نیروئی دعا می‌کنم که کسی نتواند بر آن (نیرو) خم وارد آورد.
- ۶ - نرگاو انسان که کسی نمیتواند او را فریب دهد، و به هر شکلی که میخواهد درمی‌آید، بریهسپتی اعلیٰ علیین.
- ۷ - ای پوشان درخشنده الهی، این سرود نوین ثنای تورا، ما برای تومی سرائیم.
- ۸ - این سرود ما را با مرحمت بپذیر، و بر فکر (خیال) جدی لطف بر ما، حتی مانند داماد بر عروس.

(۱) وروتتری‌ها varūtris : الهه‌های نکهبان .

۹ - باشد آن که همه زندگان را می بیند ، آن ها را با يك نظر بنگرد؛

باشد که او (پوشان) یاور ما شود.

۱۰ - مادر باره درخشندگی قابل پرستش سویتری رخشان زندگی بخش تفکر می کنیم:

باشد که او افکار ما را روشن (تهییج) نماید (۱) .

(۱) این «قطعه» یا «آیه» مقدس ترین آیات ریگ ودا بلکه قطعات و آیات همه وداهاست و بهمین جهت قسمتی از دعاهای روزانه روحانیون هندو میباشد . نخستین بار سرویلیام جونز ترجمه تحریف شده ای از این آیه را انتشار داد . این ترجمه بامتن اصلی سانسکریت چندان انطباقی ندارد . این آیه را گایتری Gayatri خوانند .

گایتری بمعنی اعم نام یکی از اوزان یا بحر (در علم عروض) معروف و قدیم سانسکریت دارای ۲۴ مقطع (مقطع $24 = 3 \times 8$) است که بسیاری از سرودهای ریگ ودا باین بحر ترکیب و تنظیم شده است .

گایتری بمعنی اخص نام مقدس ترین آیه ریگ ودا میباشد و وظیفه هر براهمن است که در نمازهای صبح و شام آنرا از بر بخواند . این آیه خطاب به آفتاب یا سویترا (خالق) است و باین جهت «سویتری» نیز خوانده می شود.

متن سانسکریت این آیه این است:

«تت سویتور و ریتم بهر گو دیوسیه دهی مهی دهیو یونه پر چودیات

Tat savitur varrenyam bhargo devasya dhimahi dhiyo
yo nah pracodayāt.»

ترجمه دیگری از این آیت :

« زمین، و آسمان ، و بهشت ؛ به این ها تفکر کنیم، و بنور اعلی ، و نیروی

خورشید رخشان بخشنده راد تا او عقل ما را راهنمایی کند» .

۱۱ - با معرفت استوار از خدای سویتز ، سهم خود را از موفقیت مسئلت داریم .

۱۲ - مردمان سراینده خدای سویتز (سویتی) را با سرود، و مراسم مقدس پرستش میکنند ، و افکار آنها مشوق آنان است .

۱۳ - «سوما»ی پیروز بخش پیش می‌رود، و بمحل اجتماع خدایان میرسد، تا او را بر جایگاه قانون بنشاند .

← آیه کایتی باین تقریب نیز ترجمه شده است:

«ما بنور مطبوع سویتی الهی که در مراسم پاکدامنی ماموثر است ، تفکر میکنیم» .

در «بشن پران (ویشنو پورانه «Vishnu Purāna») - یکی از هیجده پران - این آیه چنین ترجمه شده است:

«ما بنور اعلای خورشید الهی تفکرمی کنیم ، تا او افکار ما را روشن سازد» .

این آیه را کیفیت چنین ترجمه کرده است :

«باشد که ما بجلال والای خدای سویتز نائل آئیم ، تا باشد که اودعاهای ما را برانگیزد» .

ترجمه پنجمین آیه کایتی برین تقریب است:

«باشد که درخشش با شکوه این خالق و این خدا که اعمال ما را فرین سعادتمی سازد، به ما برسد» .

هندوها این آیت را جوهر کاینات می‌پندارند و در تقدس آن بحدی غلو میکنند که نویسندگان متعصب هندو حتی از استنساخ آن خودداری میکنند . آیه مذکور شخصیت و تجسم یافته است و بصورت الهه: «ساویتی» در آمده که همسر برهما و مادر چهار ودا (چهاربید) ، و همچنین مادر سه طبقه (سه کاست) اول هندو است .

۱۴ - باشد که «سوما» به ما ، و رمه‌های ما روزی (رزق) سالم
بخشد - به دو پایان و چهار پایان.

۱۵ - باشد که سوما نیروی حیات ما را تقویت کند ، و
دشمنان ما را مغلوب سازد، و در انجمن ما بنشینند.

۱۶ - باشد که «میترا» و «ورونا» - آن زوج دانا چراگاه
ما را باروغن سقایت نمایند- با انگبین نواحی جو.

۱۷ - شما که فرمانتان در همه جا رواست ، و چون ستایش
شوید شادمان می گردید ، با نیروی همایون خویش حکومت
کنید ،

باقوانین پاک جاودانی.

۱۸ - ای ممدوحین سرود «جمداگنی»، در جای قانون مقدس

بنشینید:

سوما بنوشید ، شما ای تقویت کنندگان قانون (۱).

(ماندالای سوم - سرود ۶۲)

(۱) بنظر: «ساینه» در اینجا «جمداگنی Jamadāgni» یکی از القاب:
«ویشوامتر Visvāmītra» و بمعنی افروزنده آتش است ولی بعضی از مفسرین
عقیده دارند که جمداگنی نام: «ریشی Rishi» میباشد که گوینده این
سرود است .

ماندالای سوم مشتمل بر ۶۲ سرود میباشد، و این سرود آخرین سرود این
ماندالا است .

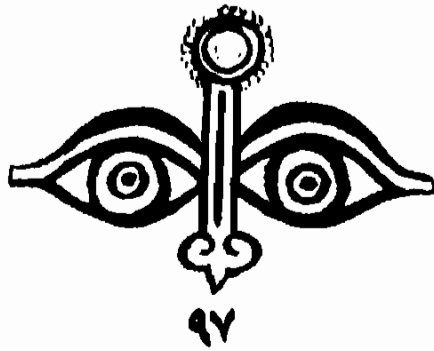


۹۶

دستایش اگنی

- ۱ - با عمیق ترین احترام به جوانترین (خدایان) که چون درمنزلگاه خویش برافروزد - میدرخشد - نزدیک شویم، آن که در میان زمین، و آسمان شکفت و ار شعله ور است، و چون با خلوص خوانده شود به همه جا می آید (۱).
- ۲ - اگنی که عظمت او بر همه بدی ها غلبه دارد، و در حجره (قربانی) مانند: «جات ویداس» موردستایش است؛ باشد که وقتی او را با ندور روان (سیال) تجلیل مینمائیم، ما را از گناه، و سرزنش حفظ فرماید.
- ۳ - ای اگنی، تو «ورونا» هستی، تو «میترا»ئی، «وشیست» ها تو را بیشتر ستایش میکنند؛ باشد که ثروتی که در تو (نهان) است، سخاوتمندانه توزیع شود، و ما را همیشه برکت دهید.
- (ماندالای هفتم - سرود ۱۲)

(۱) منظور از جوانترین خدایان، اگنی (خدای آتش) است.



دستایش ویشودوا

۱ - این روحانی مهربان پیر خدا کستری رنگ ، برادر وسطی - ازسه برادر - او برق است .

برادر سوم اوست که روغن بر پشتش می افشانند .
 من در اینجا رئیس را با هفت فرزند نرینه اش مینگرم (۲) .
 ۲ - آن اسب تیز تک که هفت را به ارا به یك چرخ بسته است؛ آن تنها اسب تیز تک که هفت نام دارد ، آن (ارابه) را میکشد .

(۱) این سرود یکی از سرودهای کلان ریگ ودا و از جمله سوگناهای معروف این کتاب میباشد . در این سرود ضمن اشاره به خدا یان مختلف وستایش آنها ، در آیه ۴۶ بنوعی بکتاپرستی اشاره شده است .

(۲) منظور از روحانی ، « آدیتیا Aditya » (یعنی : خورشید است) .
 و مقصود از برادر سوم برق است که صورتی دیگر از اگنی (آتش) میباشد . و برادر سوم : « اگنی گر هپتیه Agni gārlhapatya = آتش مقدس غربی » است که در هر خانه نگاهداری میشود و آنرا با کره تصفیه شده تغذیه مینمایند .
 ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« من خدای مردم را با سه پسرش دیده ام ؛ و این (خدای) شاد بیخش و خیر که مورد خطاب ماست یك برادر وسطی دارد که در همه جا حاضر است و یك برادر سوم که از روغن (نذر) پرورش می یابد » .

آن چرخ را سه نافی است که سالم و فساد ناپذیر می باشد ، و در روی آنها تمام این عوالم موجودات قرار گرفته اند . (۱)

۳ - آن هفت که بر اربابه هفت چرخ سوارند و آنها را به پیش میبرند ،

هفت خواهر باهم سروردهای ستایش را میخوانند که در آنها نام هفت گاو ذخیره گشته است (۲).

۴ - کی فرد نخستین را هنگام تولدش دیده است ؟
آن بی جسمی که اجسام را بوجود می آورد کیست ؟

(۱) مقصود از کلمه هفت ، هفت روحانی است ، و مقصود از اربابه يك چرخ ، خورشید است ، و مقصود از هفت نافی ، شاید شعاع آفتاب باشد . و منظور از سه نافی گویا سه فصل یعنی : فصل گرما ، و باران و سرماست .
و یلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« آنها هفت (اسب) را به اربابه يك چرخ می بندند ؛ يك اسب که نام او هفت است آنرا میکشد ؛ آن چرخ سه محوری هرگز خراب نمیشود و هیچگاه از جای خود باز نمیگردد ، و در آن تمام این نواحی جهان منزل دارند .

(۲) مقصود از کلمه هفت در این «Padal» شاید هفت شعاع آفتاب یا هفت تقسیم سال که عبارتست از : انقلاب ، فصل ، ماه ، پانزده روز ، روز ، شب ، و ساعت . هفت چرخ اربابه و هفت اسب نیز شاید اشعه آفتاب باشند . مقصود از هفت خواهر ، هفت رودخانه آسمانی است که نشانه حاصلخیزی است و اسم گاوهارا دارد .

و یلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :

« آن هفتی که برین اربابه هفت چرخ ریاست میکنند هفت اسبی (هستند) که آنرا میکشند . هفت خواهر باهم بر آن سوارند ، و هفت شکل تلفظ در آن قرار گرفته است . »

نفس و خون از زمین است، ولی روح از کجاست؟
 کی پیش دانیان رفته است که این را بپرسد؟ (۱)

۵ - با فهم نارسا و عقل ناقص من این چیزها را میپرسم که
 حتی برخدایان نیز پوشیده است.
 آن هفت ریسمان چیست که دانشمندان گسترده اند تا
 خورشید را احاطه نماید، و همه چیز در آن قرار دارد؟!
 ۶ - من نادان از دانشمندی که (حقیقت را) میدانند سؤال
 میکنم تا دانش را (به دست آورم) (۲).
 آن فرد یگانه کیست که این شش کره را بصورت توگد
 نیافته نگاه داشته است؟
 ۷ - آن که (این حقیقت را) میداند اظهار نماید. این مقام
 محکم بنیان این مرغ زیبا از سر او گاوان شیر میدوشند، و لباس
 او را پوشیده باپاهای خود آب را نوشیده اند (۳).

(۱) گریفت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
 «وقتی که ادب وجود آمد کی او را دید و چه کسی مشاهده کرد که این موجود بی
 استخوان موجودات استخواندار را حمل میکند ؟
 خون زمین، و حیات، و روح او کجاست ؟ کی میتواند به مردی که میداند
 نزدیک شود و از او بپرسد؟!» .
 (۲) یعنی : من مانند کسی که نمیداند از دانشمندی که میدانند سؤال
 میکنم تا دانش را به دست آورم .
 (۳) ظاهر منظور از مقام مرغ زیبا، منزل خورشید (آفتاب) است.
 و مقصود از سر او گاوان شیر میدوشند اشعه آفتاب میباشد که عوامل فرستادن باران اند
 و دوباره آنرا جذب میکنند .

۸ - مادر (زمین) پدر (آفتاب) را جهت مراسم مقدس برای خاطر آب پرستش میکند ، اما او که (خواهش مادر) را در فکر خود از پیش میدانسته است و به سبب خواهش فرزندان او (مادر) از شبنم آ بستنی پر شده و در انتظار فراوانی کلمات (تبریک) را ادا میکند (۱).

۹ - مادر به مالبند ارا به گاو نعمت بسته است ، در طبقات مرطوب ابر فرزند قرار گرفته است .
آن گاه گوساله به صدا در آمد ، و به مادر نگریست ، گاوی که در سه جهت به همه اشکال درمی آید (۲).

(۱) کریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
«مادر به آن بزرگوار سهم او را از نظم می بخشد ؛ نخست با تدبیر آن مادر با او در روح ازدواج میکند . آن بانوی آزر مگین که از شبنم باروری آکنده گشته است ، مردم با پرستش به ستایش او رومی آورند . »
بنا بر گفته مفسران مقصود از مادر زمین ، و از بزرگوار ، آسمان است که زمین سهم بزرگ خود را در باروری جهان به آسمان میدهد . و مقصود از شبنم باروری باران سودمند است .

(۲) مقصود از مادر زمین و از فرزند خورشید جهان و از گوساله صدا درمی آید ابر رعد خیز و خروشان است . و مقصود از سه جهت : زمین ، آسمان ، و جو - میان آن دو - میباشد .

این آیه را ویلسون چنین ترجمه کرده است :

«مادر (آسمان) در (حمل) بار آورنده امسال (زمین) شریک شد . نطفه (آب) در (رحم) ابرها باقی ماند . گوساله بر آن بفرید و گاو همه شکل را در سه ترکیب بدید . »

- ۱۰ - آن فرد یگانه (خورشید) که سه پدر و سه مادر دارد ،
در اوج بایستاد، و هیچ چیز او را خسته نمیکنند،
(خدایان) در اوج آسمان راجع به او به زبانی که شامل همه
است - (ولی) به همه نمیرسد - مشورت میکنند (۱) .
- ۱۱ - چرخ دوازده پره (خورشید) حقیقی در دور آسمان در
گردش است، و هرگز خراب نمیشود .
هفتصد و بیست و نوزده جفت به جفت اگنی در آن ساکن اند (۲) .
- ۱۲ - آن پدر پنج پای دوازده شکل را «پروشین» خوانده اند
وقتی که در آن نیمکره آسمان است ، و دیگران او را «ارپیتا»
میخوانند وقتی که در این (قسمت آسمان) است ، و با ارباب هفت
چرخ خود که هر يك (هر چرخ) شش پره دارد میدرخشد (۳) .
- ۱۳ - تمام موجودات درین چرخ گردنده پنج پره ساکن اند،

(۱) کریفیت این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
در زیر بار سه پدر و سه مادر او استوار ایستاده است ، آنها هرگز او را
خسته نمی سازند . در قله آسمان آنها با یکدیگر سخن میگویند با کمال
دانائی و بدون هیچ فشار و اجبار .
در توجیه مفهوم این قطعه گفته اند : منظور از سه مادر و سه پدر :
سه زمین و سه آسمان است .

(۲) ظاهراً منظور ۳۶۰ روز و ۳۶۰ شب در يك سال میباشد .

(۳) بنا بر عقیده ساینه منظور از عبارت « پنج پا » ، پنج فصل
سال است که فصل مرطوب (بارانی) و فصل سرما يك فصل بشمار رفته است ،
و منظور از عبارت : « دوازده شکل » دوازده ماه سال است .

آن محور سنگین بار هرگز گرم نمیشود، و هرگز سائیده نمیکردد.

۱۴- این چرخ زوال ناپذیر هموار چنبر مکرر در گردش است. ده کانگان (۱) در سطح بالای این (چرخ) متحد گشته (جهان) را حمل مینمایند.

جرم خورشید که آب در آن است به پیش میرود، و همه موجودات در آن قرار دارند.

۱۵- از همه آنها که باهم تولد یافته اند، دانشمندان هفتمین را نوزاد یگانه خوانده اند، چون شش تای دیگر توأم اند، و در حرکت میباشند و از خدایان بوجود آمده اند (۲).

خصایص مطبوع آنها جدا جدا در منزل خاص آنان قرار دارد، و دارای اشکال مختلف اند، و (برای) آن یکی که ثابت است، در حرکت میباشند.

۱۶- این هارا زنان پاکدامن نامیده اند؛ نرها آن که چشم دارد می نگرند، شخص کور از دیدن عاجز است (۳)،

(۱) بعضی از مفسران ریک ودا مقصود از عبارت: «ده کانگان» را با احتمال ده ناحیه فضاء و یا آلت حس یا پنج نگاهبان جهان و یا پنج طبقه مردم و یا چیز دیگر دانسته اند.

(۲) منظور از آنها که باهم تولد یافته اند، ظاهراً سال، و ماه، یا شش فصل (هر فصل دو ماه از سال) میباشد.

(۳) در اینجا يك موضوع دستور زبان است که اشعه خورشید که از نظر دستور زبان مذکور است در اینجا زن (ماده) نامیده شده است.

آن که فرزند دانشمندی است این را میفهمد، و آن که تمیز میدهد پدر پدر است .

۱۷ - در زیر عالم بالا، و در بالای این عالم پائین گاو بر خاسته و گوساله خود را در بردارد ،

از کدام سو ، و بکجا رفته است؟ کجا گوساله خود را زائیده است ؟ در میان این رمه نیست . (۱)

۱۸ - آن که حافظ این (جهان) را می شناسد، مانند کهنتری است که مصاحب مهتر است یا مهتری که مصاحب کهنتر میباشد، او دانشمند است ولی چه کسی در این جهان میتواند بیان کند که کی فکر الهی در 'سمو خود بوجود آمده است (۲) ؟

۱۹ - آنچه را که (دانشمندان) نزولی خوانده اند ؛ آن را صعودی نیز خوانده اند، و آنچه را که صعودی نامیده اند نزولی هم نامیده اند .

(۱) ویلسون این قطعه را چنین ترجمه کرده است :
 «کاو گوساله خود را با دو دست در زیر (شکم خود) نگاه داشته ، و سپس بادو پای خود بیالا رفته است .
 کجا رفته است ؟ در نیمه راه بکه بر گشته است ؟ کجا بچه زائیده است ؟
 در میان کله نیست .»

(۲) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :
 آن که پدر این گوساله در زیر عالم بالا و بالای عالم زیرین او را می بیند و خویش را دانشمند نشان داده ، باشد که اعلام دارد روح خدا مانند از کجا برخاسته است .

و آن (مداراتی) که تو سوما و اندرا ساخته‌ای در میان جهان‌ها
مانند (گاوانی) هستند که به ارابهٔ بسته شده‌اند.

۲۰ - دو پرنده در مصاحبت هم و دوست یکدیگر، در یک درخت
پناه گرفته‌اند.

یکی از آنها انجیر شیرین را می‌خورد، و دیگری از غذا
خودداری دارد و فقط نگاه می‌کند. (۱)

۲۱ - جایی که اشعهٔ نرم رو، و واقف (بر وظایف خویش)
قسمت ابدی آب حیات را تقطیر مینمایند،

در آنجا خداوند و حافظ پا بر جای موجودات مرا رخصت

(۱) در اوپانیشاد «مُنْدَک» (مندکیه *Mundakya*) در توضیح جنبهٔ فلسفی
این مطلب چنین بیان شده است:

دو پرنده خوب‌اند و هر دو همنشین و یکدیگر یار و در یک درخت
میباشند. یکی از آن دو، میوهٔ آن درخت را شیرین دانسته می‌خورد، و
دیگری هیچ نمی‌خورد و می‌بیند.

(مراد از این دو پرنده‌ای که یکی می‌خورد و دیگری نمی‌خورد و می‌بیند

اینست:

آن که می‌خورد: «جیو آتما» است، و آن که نمی‌خورد و می‌بیند «پرم آتما»
است. و مراد از درخت بدن، و مراد از میوهٔ آن درخت که شیرین دانسته
می‌خورد نتیجهٔ اعمال است).

و آن پرنده‌ای که میوهٔ آن درخت می‌خورد بسبب نادانی از حقیقت
خود واقف نیست و از همین جهت در فکر و آزار است، وقتی که بر حقیقت
پرنده‌ای که نمی‌خورد و می‌بیند مطلع شود، او هم (از خوردن باز ماند و)
مثل او شود (یعنی: از قید عمل فارغ و بی‌فکر و بی‌اندوه میگردد).

داد(هرچند در دانش) کامل نیستم.

۲۲ - در درختی که (اشعه) آرام رو ، و رزق بخشندگان (محصول) شیرین وارد میشوند ، و دوباره روشنی را به همه می بخشند ؛

این میوه را شیرین مینامند ، اما آن که حافظ (جهان) را نشناسد ، از آن برخوردار نخواهد بود.

۲۳ - کسانی که منزلگاه اگنی را در روی زمین بشناسند ، منزلگاه وایو - که از افلاك ساخته شده است - و مقام خورشید را - که در آسمان است - جاودانی به دست می آورند .
۲۴ - او دعا را به وزن (بحر) «گایتري» می سازد ، و با دعا «سوما» را میسازد ؛ و به وزن «تريشتپ» سرودهای دو یا چهار مصرعی را (میسازد).

و با بیت (مثلث) سرودهای دو یا چهار مصرعی را میسازد ، و از مقطعها هفت وزن را میسازد.

۲۵ - با قطعاتی در بحر: «جگتی»^(۱) او باران را در آسمان ثابت کرد ، و بر خورشید در «رتهنتره»^(۲) (سامن) نظارت نمود.

(۱) جگتی Jagatī : یکی از بحرهای علم عروض مرکب از ۱۲ × ۴ مقطع .

(۲) رتهنتره Rathantara : نام یکی از مهمترین و بزرگترین سرودهای سام بید .

وزن گایتری را دارای سه قسمت دانسته‌اند، و بدین جهت در نیرو، و شکوه از (بقیه بحور) افزونتر است .

۲۶ - من گاو (شیرده) را که به آسانی میتوان دوشید، میخوانم تا دوشنده شیر او را بدوشد .

باشد که سویتتری این نذر مایع عالی ما را بپذیرد ، و گرمی او افزایش یابد، و بدین منظور است که من بجد او را میخوانم .

۲۷ - او (آن گاو) بعبع کنان می آید ، و ثروتش فراوان است، و در اندیشه (فکر) خویش گوساله خود را میخواهد .
باشد که این گاو شیر خود را به « اشوین » ها ببخشد ؛
باشد که او برای سود بزرگ ما کامیاب گردد.

۲۸ - این گاو برای گوساله خود که چشمانش چشمک میزند، صدا میکند ، و بعبع کنان پیش میرود تا پیشانی او را بلیسد .
با نگرانی فریاد میکشد ، و رطوبت گوشه های دهان او را (گوساله) می بیند، و او را با شیر خود غذا میدهد.

۲۹ - گوساله نیز صدا میکند ، و گاو صدا های بی معنی بیرون می آورد، و چون گوساله به دور او میگردد ، گاو بطرف « گاوخانه » خود میرود،

و در اثر غریزه های خویش مانند فرد بشری رفتار میکند، و درخشندگی طبیعت خود را آشکار میسازد.

۳۰ - حیات ذی نفس با شوق (در انجام وظایف خویش) پای
برجا در میان منزلکاههای خود آرام میگیرد.
حیات بدن فناپذیر که بوسیله قالب فانی شناخته میشود به
کماک نذور جاودانه باقی میماند.

۳۱ - من حافظ خستگی ناپذیر جهان را دیده‌ام، خورشید که
در فراز و نشیب راههای مختلف در حرکت است .
ودارای روشنی مجتمع و منتشر میباشد ، در میان آن نواحی
در گردش است .

۳۲ - آن که (این اشیاء را) ساخته است آن را نمیفهمد ؛
آن که آنرا دیده است نیز بر او پنهان است ،
او در حالی که در رحم مادر خود قرار دارد ، موضوع
چندین تولد است و بر بدی وارد شده است .

۳۳ - آسمان پدر و بوجود آورنده من است ؛ ناف (زمین)
خویشاوند من است ، زمین وسیع مادر من است .
مشیمه (همه آفرینش) در میان دو ملعقه (ملاقه) برافراشته
قرار دارد ، و پدر نطفه (باروری) دختر را در آن فرو ریخته
است .

۳۴ - من از تو (ای آموزگار مراسم) میپرسم که انتهای
زمین کجاست ؟

من از تو میپرسم که ناف جهان کجاست ؟

من از تو میپرسم که نیروی باروری هر کب باران ریز چیست ؟
 من از تو میپرسم که آسمان اعلاى سخن (مقدس) چه میباشد؟
 ۳۵- این قربانگاه انتهای زمین است، این قربانی ناف جهان است.
 این شیرۀ سوما نیروی باروری هر کب باران ریز است ،
 این براهمن آسمان اعلاى سخن مقدس است .

۳۶- هفت (نگاهدارندۀ) جرثومه (باران) برای نصف سال (عنصر)
 باروری جهان بموجب فرمان در وظایف مختلف «ویشنو» قرار دارد.
 بوسیله هوش خویش در افکار اطراف خود نافذاند چون آنها
 هشیار و ساطع میباشند (۱).

۳۷- من در واقع چه هستم؟ خودم به خوبی نمیدانم؛ اسرار آمیز
 و مقید در فکر خویش سرگردانم .

وقتی که نخست زاد (ادراکات) حقیقت به من میرسد ،
 بیدرنگ قسمتی از (معنی) آن کلمه (مقدس) به دست من خواهد آمد (۲).

۳۸ - جاویدان خویشاوند فنا پذیر در اثر (میل به) لذت
 به سوی (منطقه) اعلی، یا اسفل میرود ،

(۱) بنظر : «لودویگ Ludwlg» این آیت سراسر نامفهوم است . بگفته
 ساینه منظور از هفت، هفت شعاع آفتاب است و ازویشنو، خورشید است. این بند باین تقریب
 نیز ترجمه شده است: «هفت بذرنا رسیده هنوز جرثومه بارور آسمان است. آنها به امر
 «ویشنو» حافظ وظایف خویش اند، و اندیشه آنها از همه سو حاضر و بر ما احاطه دارند» .
 (۲) قسمت اخیر این ماده چنین نیز ترجمه شده است : «وقتی که
 نخست زاد قانون مقدس به من نزدیک شد، آن گاه من از این سخن طرفی به دست آوردم».

اما (مردمانی که آن ها را می بینند) با تفاق یکدیگر (درین جهان با یکدیگر) همه جا میروند ، (و در جهان های دیگر با هم) همه جا میروند ، یکی را شناخته و دیگری را نشناخته اند .

۳۹ - همه خدایان در جای خود برین عرش اعلائی فنا ناپذیر (متن) «ودا» قرار گرفته اند ،

آن که این را نداند، ودا (بید) به چه کار او خواهد آمد؟ اما آن ها که این را میدانند، کامل اند.

۴۰ - ای گاو باشد که شیر تو در اثر علوفه فراوان زیاد شود تا ما نیز (در فراوانی) غنی گردیم .

در همه فصول علف بخور (و به میل خود بگرد) و آب پاک بنوش .

۴۱ - صدای ابرها برخاسته است ، و آب ها را ساختند ، و يك پا و دوپا و چهار پا و هشت پا و نه پا و بی نهایت در عرش اعلائی بودند .

۴۲ - از آن ابرها باران فراوان فروریختند که موجب حیات (مردم) اقطاع اربعه جهان گردید .

از آن رطوبت (به دانه ها) منتشر میشود و جهان بدان زنده است .

۴۳ - من در نزدیک (خود) دود (سوخت) تپاله های گاو را

مشاهده نمودم ، و از آن وسیله (معلول) منتشر پی بعلت (آتش) بردم
روحانیون گاو سومارا آماده ساختند چون این اولین وظیفه
آن‌ها بود (۱).

۴۴ - آن سه تا با گیسوان زیبای خود در فصول مخصوص
به خویش بر زمین مینگرند (۲).

یکی از آنها وقتی که سال به آخر میرسد (زمین را) دور میکند ،
و یکی با اعمال خویش بر جهان ناظر است ،
و سومی مسیرش دیده میشود ، ولی شکلش نه .

۴۵ - سخن را چهار درجه مُشخّص است : «براهمن» ها که دانا
هستند آن‌ها را میدانند .

سه درجه آن در نهان است ، و هیچ معنی بر آن مترتب نیست ؛
مردم به درجه چهارم سخن میگویند.

۴۶ - او را اندرا ، و میترا ، و ورونا ، و اگنی ، و حتی
«گروتمان» - پرنده تیزبال آسمانی - میخوانند.

یک واقعیت مفرد را دانایان به چند نام میخوانند : وقتی که از

(۱) این آیه را گریه فیت این طور ترجمه کرده است : «از دور من دود سوخت
را که با پیچ و تاب در بالای آنچه در زیر واقع است بر می خاست مشاهده نمودم . مردان
نیرومند آن نر گاو ابلق را پوشانند ؛ اینها از رسوم ایام گذشته بود . منظور از
دود سوخت دودی است که از سوختن تباله گاو بر خیزد و مقصود از مردان نیرومند
خدایان و قهرمانانند . «نر گاو ابلق» سوما است . بعضی از مفسران احتمال داده اند
روی هم رفته این آیت در وصف جمع شدن ابرهای بارانی باشد .
(۲) مقصود آتش ، و آفتاب ، و باد است .

«اگنی» و «یم» ، و «ماتریشون» سخن میگویند (۱).

۴۷ - پرنده‌گان (دانه‌های باران با اشعه خورشید) آرامرو -
آبهارا با ابر تیره پوشیده‌اند و به سوی آسمان بالا میروند و دوباره
از منزلگاه باران فرود می‌آیند و فوری زمین از آب مرطوب
میشود .

۴۸ - دایره‌های چرخ دوازده تا است ، و چرخ یکی است ،
و محور سه تا ، ولی که این را میداند ؟
در میان آن سیصد و شصت پره (جمع) شده‌اند، و در آن حال
متحرك، و غیر متحرك میباشد .

۴۹ - ای سرسوتی ، آن سینه خواب آلود که منشاء لذت
هاست و تو با آن همه خوبی‌ها را می‌بخشی که گنج نعمت است، و
مقسم ثروت، و بخشنده خوشی (خوشبختی)؛ در این فصل آن سینه را
برای ارتزاق ما بگشای (۲) .

(۱) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

نام او (یا خورشید) را اندرا ، میترا ، ورونا و اگنی خوانده‌اند و او
گروتمت خوش بال آسمانی است. روحانیان دانشمند وقتی از اگنی ، و یم
و ، ماتریشون سخن میگویند یکی را بچندین نام میخوانند .

(۲) کربفیت این بند را بدین صورت ترجمه کرده است: «پستان تو که
هرگز خشک نمیشود چشمه لذت است که با آن همه اشیای برگزیده را غذا میدهی
ای ثروت بخش ، ای گنج یاب ، ای بخشنده آزاد ، آن سرسوتی را بیاور تا باشد
که ما از (پستان) آن بنوشیم» .

۵۰ - خدایان قربانی میکنند چون این اولین وظیفه آنان است .

آن افراد توانا در عرش گرد می آیند-جائی که خدایانی که باید خشم آنها فرو نشانده شود(بوسیله مراسم مقدس) منزل دارند .

۵۱ - آب یکنواخت در فراز و نشیب گردش ایام در جریان است .

ابرها به زمین شادی می بخشند ، و آتشها آسمان را مسرور میسازند .

۵۲ - من برای حفظ و حمایت خود (خورشید) آسمانی نیکو بال تیزرو بافر و شکوه را میخوانم.

آن که جزئومه آب هاست ، و نشان دهنده گیاهان است ، و غمخوار دریاچه هاست ، و بر که (غدیر) هارا دوباره با باران پر میکند.

(ماندالای اول - سرود ۱۶۴)



۹۸

دستایش اگنی

۱ - آتش بزرگ در آغاز سپیده دم برخاسته، و از تاریکی با رخشندگی بیرون تاخته است .

اگنی فروزان تن بمحض تولد همه منزلگاه‌ها را با نورتابنده خود پر می‌سازد .

۲ - ای اگنی ! چون تو تولد یافتی جرئومه آسمان، وزمین شدی ، در گیاهان جا گرفتی ، رنگارنگ شدی ، کودکانه شدی ، سیاهی شب را پراکنده کردی، و باغرش بلند از سرچشمه‌های مادری بیرون آمدی .

۳ - ویشنوی والا که با کمال دانشمندی ظاهر می‌باشد، مقام اعلائی خویش را خود حفظ میکند .

وقتی که شیر شیرینی را به دهان او تقدیم نموده‌اند ، همه هم آهنگ ستایش او را می‌سرایند (۱).

(۱) این قطعه را ویلسون باین تقریب ترجمه کرده است :
آن که چون پیدا شود وسیع و داناست ، و تو که در همه جا حاضری
از (من) دفاع کن . سومین (ظهور) او هنگامی که ستایندگانش بادهان خویش
آب او را می‌طلبند و برای يك منظور برانگیخته شده اند ، او را درین جهان
می‌سرایند .

۴ - مادران که از آنجا غذا برداشته‌اند ، برای دیدار تو می‌آیند ؛ و برای تو غذا می‌آورند (۱) .

ای آن که غذا را فزونی می‌بخشی ، اینان در شکل تغییر یافته خود باز تو را دیدارمینمایند (۲) .

تو روحانی خوانده شده خانه‌ها و مردمی .

۵ - ای روحانی مراسم مقدس با ارابه رخشان ، ای رایست

نورانی هر یک از اعمال پرستش ،

ای آن که با هر یک از خدایان در قدرت و جلال شریکی،

حتی اگنی مهمان مردم ، من تو را میخوانم (۳) .

۶ - ملبس به لباسهای فاخر ، اگنی در ناف زمین منزل دارد،

ای اگنی شاهوار که میدرخشی، و در جای پای «ایلا» (۴) تولد یافته‌ای،

(۱) ظاهراً منظور از کلمه : « مادران » نباتات است که حیات را غذا

می‌بخشند .

(۲) منظور از «شکل تغییر یافته» ، چوب خشک است که اگنی بصورت

آتش آنرا طعمه خویش میسازد .

(۳) این آیت بدین گونه نیز ترجمه شده است :

« (ما) اگنی را برای کامیابی (میستائیم) ؛ تو که احضار کننده

خدایانی ، تو که رنگارنگ و رساننده قربانی ها (به خدایان) هستی، تو که

پرچم تابان هر نذری ، و در نیرو از هر خدای دیگری افزونی ، تو که مهمان

مردمانی .»

(۴) ایلا : الیه دعا یا نماز .

ستایش را در اینجا چون «پروهیتا» به خدایان تقدیم نما (۱) .
 ۷ - تو ای اگنی همان گونه که پسر پدر و مادر خود را
 (نگاه میدارد) زمین و آسمان را همواره نگاه میداری .
 ای جواترین (خدایان) به حضور آنها که مشتاق تو اند ،
 بیا ،

ای فرزند نیرو ، خدایان را بدین جا بیار .
 (ماندالای دهم - سرود ۱)

(۱) کریفیت این بند را چنین ترجمه کرده است :
 « بدین گونه در مرکز ترین مقام زمین ایستاده است ، و جامه های
 مزین دربر دارد .
 و در آن هنگام که مردم نذور را می ریزند ، با رنگ قرمز تولد یافته
 است .
 ای پادشاه ، بصورت رئیس روحانیان خدایان را بدین جا بیاور . »



خطاب بیم

Yama

۱ - بر فراز درختی که دارای شاخ و برگ زیباست، «ویم» (پادشاه مردگان) در حضور سایر خدایان به می‌گساری (نوشیدن شراب سوما) مشغول بود، آن‌جا پدر من داوطلب شد که به نیاگان خود ملحق شود (۱).

۲ - دیدن این منظره برای من اندوهگین و غم‌انگیز بود، و خوشحال نشدم وقتی او را در این راه دشوار و زشت دیدم؛ چه من آرزو داشتم از تجدید دیدارش بهره‌مند شوم.

۳ - ارابه تازه وارد، ای پسر من، این ارابه تو چرخ ندارد، تو آنرا نمی‌بینی؛ تو آن (ارابه) را در فکر خود مجسم ساخته‌ای، و بمنزله (طلایه و) پیش قراول (مردگان) است که به هر سو، رو می‌آورد. (۲)

(۱) کریفیت این بند را باین تقریب ترجمه کرده است:

«در آن درختها که با برگ‌های نیکو پوشیده شده است، جایی که بیم با خدایان مینوشد آن پدر-سرور خانواده - نیاگان ما را مورد مهر قرار میدهد.»
 (۲) ای کودک تو بر آن ارابه تازه وارد بی‌چرخ سواری هر چند تو آنرا نمی‌بینی، تو آن (ارابه) را در فکر خودت مجسم ساخته‌ای که دارای یک محور است ولی به هر سو می‌چرخد». (در این‌جا خطاب به تابوت پسر جوانی که در گذشته است، خدای مرگ (بیم) میگوید:)

۴ - تو بی آن که بدانی به کجا میروی براین مرکب سوار شدی ، و آنرا به حرکت در آوردی؛ يك آهنگ (۱) از عقب تو را مشایعت میکند؛ تو براین کشتی سوار شدی ، و به جانب ساحل دیگر که دیار نیستی است ، و آرامگاه نیاکان است رهسپار گشتی ، و باین جا رسیدی .

۵ - کی تو را بوجود آورد ؟

کی این ارابه را به اینجا هدایت کرد ؟

آیا کسی هست که به ما بگوید امروز تو در این سفر چه زاد و توشه ای همراه آوردی ؟ (۲)

۶ - در این هنگام قسمت بالاتر و بلندتر ارابه (۳) به جلو

(۱) یعنی : آهنگ سوکواری و مانم .

کریفیت این آیه را چنین ترجمه کرده است .

«ارابه ای که تو آنرا روان ساخته ای که از دانشمندان دور شود، ای کودک (آهنگ) « سامن » از نزدیک در دنبال آن روان است و باهم در کشتی قرار داده شده اند» .

(۲) منظور همان « تابوت » است .

(۳) این قطعه چنین نیز ترجمه شده است :

« وقتی که تقدیمی تشییع در جای خود قرار گرفت بلافاصله (بیدرنک) نقطه شعله هویدا گشت ، ژرفائی در جلو گسترش یافت ، و معبری در عقب باز گشت» .
ظاهراً مقصود از «معبر» راهی است که خاکسترها را از آن راه میبرند .

(۳) این بند چنین نیز ترجمه شده است :

«پدر این کودک که بود ؟ کی این ارابه را روان ساخت ؟ کی امروز به ما اعلام خواهد کرد که تقدیمی تشییع (جنازه) چگونه ساخته شده است ؟»

پیشرفت، و قسمت دیگر آن پائین آمد، و راهی برای خروج (میت) باز شد .

۷- این جاست عرش برین مقرریم، جایگاه خدایان که کودکان در گذشته به آنجا وارد میشوند ،
این نئی خدایان است که مینوازند و آوازهای روحانی از هر سو شنیده میشود، و باین محیط زیبایی خاص میدهد (۱) .
(ماندالای دهم - سرود ۱۳۵)

(۱) این آیه را باین تقریب نیز ترجمه کرده اند :
این جاست مکانی که « یم » در آن جا زندگانی میکند ، و آنرا خانه خدایان می نامند .
این جا خنیاگران برای او در نی میدمند .
در اینجا او را با سرودها تجلیل میکنند .



۱۰۰

«ستایش اندرا، سوریا و اتری»

Atri . Sūrya . Indra

- ۱ - بیا به نزد آنچه سنگ ها فشرده اند ، سومارا بنوش ،
ای خداوند سوما ،
ای اندرا ، ای بهترین کشنده و ریترا ، ای نیرومند ، با
نیرومندان (۲) .
- ۲ - سنگ (عصاری سوما) نیرومند است ، و عصاره نیرومند
است ، و این سومای فشرده شده نیرومند است .
ای اندرا ، ای کشنده و ریترا ، ای نیرومند ، با نیرومندان .
- ۳ - ای نیرومند من تورا به نیرومندی میخوانم ، ای رعد
سلاح ، با یاران مختلف ،

(۱) ابیات این سرود یکنواخت نیست و به دو قسمت منقسم میشود :
قسمت اول مشتمل بر چهار آیت اول خطاب به اندرا میباشد و موضوع قسمت
دوم کسوف آفتاب است بوسیله : « Svarbhānu » یا « اتری Atri » .
(۲) منظور از نیرومندان ماروتها Maruts (بادها) هستند .

ای اندرا ، ای بهترین کشنده وریترای نیرومند ، با
نیرومندان .

۴- ای شتابنده ، ای خروشنده ، ای کوبنده زورمندان ،
ای پادشاه ، ای قادر ، ای کشنده وریترا ، ای نوشنده سوما ،
باشد که او با اسب کُرنگ یراق شده خویش به اینجا آید؛
باشد که اندرا را این نذر نیمروز مسرور سازد .

۵- ای سوریا ، آن گاه که « سوربهانو » (۱) - از نژاد
اسورا - تورا با تاریکی سوراخ سوراخ کرد.
همه آفریدگان حیرت زده مینگریستند، چون نمیدانستند او
در کجا ایستاده است .

۶- ای اندرا در چه وقت تو جادوی « سوربهانو » را که در
زیر آسمان گسترده است فرو میکوبی با چارمین دعای (نماز) مقدس
خویش .

« اتری » ، « سوریا » را که در تاریکی پنهان شده و از کار فرو
مانده بود، پیدا کرد.

۷- مگذار که ستمگر با چنین خوفی مرا با خشم بیلعد ،
چون من از آن توام ، ای اتری .

(۱) بنا بر اساطیر هندو سوربهانو Svarbhānu : اسورا یا دیوی است که
موجب خسوف و کسوف ماه و خورشید میگردد . بعدها این دیو بنام Rāhu خوانده
شده است . در ریگ ودا جز در این سرود باین نام بر نمیخوریم .

ای میترا ، توئی که فرستندهٔ نعمت‌های حقیقی میباشی ؛ تو ،
 و «سوربهانو» - هردو - مرا یاری کنید .
 ۸- بر همین اثری چون باستایش و پرستش در خدمت خدایان
 سنگ‌های سوما فشار را مرتب می‌کند .
 در آسمان چشم سوری را برقرار می‌سازد ، و سبب می‌شود که
 جادوی «سوربهانو» بر طرف گردد .
 ۹ - اثری ها خورشید را باز می‌یابند که سوربهانو او را
 - از نژاد اسورا - با تاریکی خویش سوراخ کرده بود .
 جز او کسی چنین قدرتی ندارد .
 (ماندالای پنجم - سرود ۴۰)



۱۰۱

دستایش ورونا و خدایان دیگر

۱ - اکنون او کیست ؟

کدام خدا از میان جاودانیان است که بنام مبارک او

بیندیشیم ؟

(۱) این سرود خطاب به: ورونا، پر جاپتی، اکنی، سویترا، وبهگه است و اولین سرود از آن دسته سرودهایی است که به «شونه شپه Sunahsepa» پسر: «اجیگرته Ajiarta» نسبت داده شده است، و حکایت آن بشرحی است که در «ایتیره براهمانا Aitareya Brāhmaṇa» نوشته شده و بقراردزیر میباشد: پادشاهی به نام: «هریشچند Harischanda» از «ورونا» مسئلت نمود تا به او پسری عطا فرماید و نذر کرد که نخست زاده خویش را در راه آن قربانی کند. این دعا اجابت یافت و پسری آورد که او را «روهیتا Robita» نام نهادند اما پادشاه قربانی او را بتأخیر انداخت تا «روهیتا» بزرگ شد و وقتی پدرش به او اعلام داشت که باید قربان شود، روهیتا تسلیم نشد و چندین سال دور از خانه در جنگل میزیست. هریشچند با کمال دلتنگی با دانشمندی به نام: «اجیگرته» ملاقات نمود و این موضوع را در میان نهاد و او شاه را تشویق کرد که پسر دوم خود یعنی: «شونه شپه» را به جای «روهیتا» - پسر اول - برای ورونا قربانی کند. وقتی شونه شپه را برای قربانی حاضر کرده بودند به نصیحت و راهنمایی: «ویشوامترا Visvāmitra» - یکی از روحانیان مأمور قربانی او - به خدایان ملتجی شد و آزاد گردید.

کیست که مارا به «ادیتی» توانا باز رساند تا باشد که من پدر
و مادر خویش را ببینم .

۲ - اگنی الهی (خداوند) در میان جاویدانیاں اول است، - به نام
مبارک او بیندیشیم .

او مارا به «ادیتی» مقدس باز خواهد رسانید ؛ تا باشد که من
پدر و مادر خویش را ببینم .

۳ - به سوی تو، ای سویترا، ای خداوند چیزهای گران بها
که پیوسته مارا مدد می فرمائی، ما برای سهم خویش می آئیم .

۴ - ثروت که ستوده بود ولی به زودی مورد ملامت قرار
گرفت، بی هیچ تنفری در دست تو قرار دارد .

۵ - در سایه حمایت تو باشد که ما حتی به اوج جریانیه که
«بهگه» (۱) برای ما قراردادده است برسیم .

۶ - این مرغانی که در هوا در پروازند، هرگز به منزلگاه
عالی، و توانائی، و روح تو نخواهند رسید؛

و نه این آبها که همیشه در جریان اند، و نه کوهها که غضب باد
را فرو می نشانند .

۷ - ورونا پادشاه نیروی مقدس، تنه درخت را در ناحیه بی پایه
برافراشته نگاه میدارد .

(۱) بهگه Bbaga : بخشنده ثروت یا بخت و تقدیر .

اشعه او که ریشه‌های آن در بالاست به سوی پائین روان
است .

باشد که به سوی ما فرود (اشعه) آید و پنهان گردد.
۸ - شاه ورونا جاده پهن‌آوری ساخته تا خورشید از آن
بگذرد .

جائی که راهی نساخته بود قدم خود را گذاشته و از دور بر
آن چه روح را رنجه میداد اخطار نمود (۱) .
۹ - صد بوی خوش از آن تو است ، ای پادشاه ، بلکه
هزار ؛

باشد که الطاف تو بر ما نیز ژرف و پهن‌آور باشد .
ویرانی خویش را از ما دور ساز - بسیار دور .
و گناهایی که ما مرتکب شده‌ایم ، از ما بر گیر .
۱۰ - وقتی که روز پایان می‌پذیرد ، و صور فلکی در آسمان اعلی
بالای سر ما میدرخشد ؛

قوانین مقدس ورونا بقوت خویش باقی میماند ، و ماه باشکوه
خود از میان شب در حرکت است .
۱۱ - من با این دعای پرستش از تو خواهانم : پرستنده تو

(۱) یعنی : اعلام خطر کرد .

با این نذر خویش از تو تمنی دارد، ای ورونا در اینجا بمان و خشمناک
مباش؛

زندگی ما را از ما بگیر، ای حاکم بر همه .

۱۲ - شب، و روز همه به من همین يك چیز را میگویند، و افکار
قلب من نیز همان را تکرار مینماید .

باشد که « شونه شیء » به زنجیر کشیده او را پرستش کند
و ما را نجات بخشد (۱).

۱۳ - « شونه شیء » اسیر که به سه پایه بسته شده است از
« آدیتیا » چنین التماس مینماید که وارونای توانا او را آزاد
سازد .

آن که هیچ وقت فریب نمیخورد بندهائی که او را بسته است
بگشاید .

۱۴ - با تعظیم و نذر و قربانی، ای ورونا، ما غضب تو را فرو
مینشانیم .

ای اسورا (۲) ی دانا، تو ای پادشاه ملک پهناور، بندهای
گناهان را که ما مرتکب شده ایم، از ما بگشا .

۱۵ - ای ورونا، بندهائی که مرا بسته است بگشا، بندهای

(۱) یعنی : وارونای توانا .

(۲) اسورا Asura : در زند، اهورا : موجود الهی . در ادبیات هندو
بعدها این نام به دیوان اطلاق شده است .

بالا، وبندهای میان، و بندهای پائین را بگشا تا در قانون مقدس
 تو ما بیگناه شویم و در ملک ادیتی در آئیم.
 ای «آدیتیا» (۱).

(ماندالای اول - سرود ۲۴)

(۱) آدیتیه *Āditya* : در اینجا مراد همان ورونا یکی از پسران «ادیتی»
 میباشد.



۱۰۲

دست‌آیند و شویو

Visvedevas

- ۱ - باشد که ما با اندرا ، و خدایان (دیگر) کیهانی همه این عالم‌ها را مالک شویم .
- ۲ - باشد که «اندرا» با «ادیتی» ها قربانی ما، و بدن‌های ما، و فرزندان ما را کامل نماید .
- ۳ - باشد که اندرا با ادیتی‌ها که «ماروت» ها در ملازمت آنانند، حامی بدن‌های ما باشند .
- ۴ - وقتی که خدایان بعد از کشتن «اسورا» ها (به‌خانه) برگشتند، آن خدایان حافظ الوهیت خود بودند .
- ۵ - با نیروی توانای خویش خورشید را بدینجا آوردند ، و با الوهیت نیرومند خود باطراف خویشتن نگریستند (۱) .
(ماندالای دهم - سرود ۱۵۷)

(۱) قسمت آخر این قطعه را « ویلسون » از قول : « ساینه » اینطور ترجمه کرده است : « آن گاه مردم باران شدید را در اطراف خود مشاهده نمودند ».



۱۰۳

دستایش اگنی

- ۱ - من سرود خویش را به سوی اگنی میفرستم، به سوی او
که گاو همه مردم است ؛
باشد که او مارا از دشمنان بگذراند (۱).
- ۲ - او که از مساحت دور از میان نواحی بایر به روشنی
میدرخشد ؛
باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند .
- ۳ - آن گاونر که با شعله های درخشان برافروخته خویش،
دیوان (راکشس ها) را کاملاً میسوزاند ؛
باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند .
- ۴ - آن که به همه موجودات مینگرد ، وبا نظر خویش بر
همه آنها واقف است ؛

(۱) این قطعه باین تقریب نیز ترجمه شده است :

« برای اگنی نیکوکار بشر (دوست) سرود بسرای ؛ باشد که او صدای
مارا دور از (دسترس) آنها که از ما نفرت دارند ، بشنود » .

باشد که او مارا از میان دشمنان بگذراند .
۵ - اگنی نورانی که در دورترین ناحیه جو، به دنیا آمد ؛
باشد که او مارا از دشمنان بگذراند .
(ماندالای دهم - سرود ۱۸۷)



۱۰۴

خطاب سوماپومانه

۱- ای اندرا مگذار که ما از این راه دور افتیم ، از قربانی فشار دهندهٔ سوما ، مگذار که بدخواهی در ما جای گزین گردد .
 ۲- باشد که ما آن ریسمان را که برای رسیدن به خدایان رشته شده است ، و کامل ساخته شده به دست آوریم ، آن که قربانی را کامل میسازد.

۳- ما با سوما روح اسلاف خود را به اینجا میخوانیم ، آری با سرود مقدس پدران^(۱).

۴- روح تو دوباره برای دانائی، و نیرو، و حیات به تو باز گردد تا تو بتوانی مدت‌ها خورشید را بنگری .

۵- ای پدران، باشد که ساکنان آسمان ، روح ما را به ما برگردانند تا ما با آنها که زنده‌اند باشیم .

(۱) ظاهراً مقصود از «روح» در اینجا ، روح مرده‌ای است که مراسم سوگواری او برگزار میشود . و مقصود از «اسلاف» مردمانی هستند که بصورت خدائی درآمده‌اند . و مقصود از پدران روح‌های برکت یافته میباشد .

۶- ای سوما ، با روحی که هنوز در ماست ، و با باروری ،
وزیادی فرزندان برکت یافته است ؛
باشد که ما به قانون تو مشغول باشیم .
(ماندالای دهم - سرود ۵۷)



۱۰۵

خطاب به مانس (روح)

Manas

۱ - روح تو که به سوی «یم» و (به سوی پسر) «وی و سون»
رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی
و در اینجا زندگی کنی .

۲ - روح تو که بسیار دور گشته است ، و به زمین و آسمان
رفته ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در اینجا
زندگی کنی .

۳ - روح تو که بسیار دور رفته است و به چهار گوشه زمین
رسیده ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی و در
اینجا زندگی کنی .

۴ - روح تو که به چهار ناحیه جهان رفته است، ما سبب میشویم
که تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۵ - روح تو که بسیار دور رفته و به دریای متلاطم رسیده
است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد ، و تو زنده باشی و در

(۱) این سرود خطاب به روح شخصی است که در حال احتضار میباشد .

اینجا زندگی کنی .

۶- روح تو به سوی اشعه نور که میدرخشد و جریان دارند رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۷- روح تو که بسیار دور رفته و به آبها و گیاهان رسیده است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۸- روح تو که بسیار دور رفته و خورشید و سپیده دم را دیده است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۹- روح تو که بسیار دور رفته ، و به قله کوه بلند رسیده است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۱۰- روح تو که به سوی آن (همه) که حیات و جنبش دارد رفته است ، ما سبب میشویم که به تو باز گردد و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۱۱- روح تو که به کشورهای بسیار دور بیرون از دانش ما رفته است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی و در اینجا زندگی کنی .

۱۲ - روح تو که به سوی آن چه هست ، و آنچه باید باشد
رفته است، ما سبب میشویم که به تو باز گردد، و تو زنده باشی و در اینجا
زندگی کنی .

(ماندالای دهم - سرود ۵۸)



۱۰۶

خطاب به اندرا

- ۱ - آنکه بمحض تولد، با نیرو و توانائی خدای بزرگ روح اعلی شد؛ حافظ خدایان گردید.
- آن که دو جهان در برابر نفس او از عظمت شجاعتش بلرزه درآمد، ای مردم او اندراست (۱).
- ۲ - آن که زمین لرزان را محکم و ثابت ساخت، و آن که کوههای پرهیجان را آرایش بخشید،
- آن که این جو پهناور میانین را به پیمود، و آسمان را نگاه داشت، ای مردم او اندراست.
- ۳ - آن که اژدها را بکشت و هفت رودخانه را آزاد ساخت، و گاو را از غار بالا بیرون آورد،

(۱) این قطعه را Macdonell چنین ترجمه کرده است :
 « آن که بصورت خدای اصلی و پراز روح تولد یافت ، و در دانائی بحد زیادی از سایر خدایان پیش افتاد و درقبال جلال و قدرت مردانگی او ، هردو جهان بلرزه درآمد ، ای مردم ، او اندراست ».

آن که آتش را از میان دوسنگک پدید آورد، و غنیمت برنده از نبرد جنگجویان میباشد، ای مردم او اندراست (۱).

۴ - آن که این جهان را بلرزه درمی آورد، و آن که طایفه دیوان پست فطرت را براند، آن که مانند قمارکننده‌ای مرده‌های خود را جمع مینماید، ثروت دشمنان را بر بود، ای مردم، او اندراست.

۵ - آن وحشتناکی که میپرسند او کجاست، یا آن که میگویند که او نیست، او مانند مرغان اموال دشمنان را می رباید، بر او واثق باشید (اعتقاد داشته باشید)، چون او ای مردم اندراست (۲).

۶ - او که بیچارگان و افتادگان و روحانی، و کمک روحانی که ستایش او را میسرآید، بکار و امیدارد، آن نیک‌صورت (آن زیبارو) که بر فشارنده و حاضرکننده سوما لطف می‌فرماید، ای مردم او اندراست.

(۱) مقصود از آتش میان دوسنگک، ظاهراً برق میان زمین و آسمان است.

(۲) این قطعه را «مکدونل Macdonell» به این تقریب ترجمه کرده است: «راجع به آن قهار میپرسند «او کیست»؟ فی الحقیقه درباره او میگویند: او وجود ندارد. ثروت رؤساء را مانند گرو قماربازان او کم میکنند. به او ایمان بیاورید، چون او ای مردم اندراست».

۷ - آن که اسبان و همهٔ ارا به‌ها، و دهات و رمه‌های گاو در
تحت سلطهٔ عالی اوست،

آن که به خورشید و صبحگاهان وجود بخشید، آن که آب‌ها
را رهبری میکند، ای مردم او اندر است (۱).

۸ - آن که دو لشکر در صف مصاف که دشمن یکدیگرند و
یکی قوی‌تر و دیگری ضعیف‌تر است، به سوی او فریاد برمی‌آورد،
آن که دو شخص بر روی یک ارا به‌ریک برای خویش او را میخوانند،
ای مردم او اندر است (۲).

۹ - آن که بی یاری او مردم ما هرگز پیروز نمی‌شوند،
آن که در جنگ همه او را بیاری خویش میخوانند،

آن که تمام این جهان در نظر او جز ماسورهٔ نخی (گلولهٔ
نخی) بیش نیست، آن که اشیای ساکن را بحرکت درمی‌آورد،
ای مردم او اندر است.

۱۰ - آن که بسیاری از گناهکاران شریرا قبل از آن که به
خطر واقف شوند با سلاح خویش هلاک میسازد، و آن کس را که
بجسارت او را متغیر مینماید هرگز نمی‌بخشد، آن که «داسیو» (۳) را

(۱) منظور از رهبری آب‌ها، بارانهای فصلی است.

(۲) منظور از عبارت هر دو لشکر از او استمداد میکنند و منظور از عبارت:

آن که دو نفر در روی یک ارا به‌ریک برای خویش او را می‌خوانند، پهلوان و
ارابه‌ران اوست.

(۳) داسیو Dasyu : دیو - غیر آریائی.

میکشد، ای مردم او اندر است .

۱۱ - آن که در چهلمین پائیز «شمبره» را که در میان کوهستان زندگی میکرد پیدا نمود ، و اژدها را که قدرت خویش را آشکار می ساخت ، و دیوی که در آن بود بکشت ، ای مردم او اندر است .

۱۲ - آن که با هفت مهار (زامام) آن گاونر، آن قادر، هفت سیلاب بزرگ را آزاد ساخت تا به میل خویش روان گردند ، آن که چون آسمان میگذشت و به رعد مسلط بود «روهینه» را پاره پاره ساخت، ای مردم او اندر است (۱).

۱۳ - حتی آسمان و زمین در برابر او خم میشوند (سر تعظیم فرود می آورند) و در مقابل نفس او کوهها بلرزه درمی آیند، آن که بدسوما آشام مشهور است، سلاح او رعد میباشد، و ضاعقه را در دست دارد ، ای مردم او اندر است .

۱۴ - آن که زیر نظر سوما و تهیه کننده آن، و قربانی کنند و سرود خوان (سراینده) از سر مرحمت یاری هینماید، آن که در نماز تجلیل میشود ، و سوما را برای او میریزند ، و این تقدیمی ها برای بزرگداشت اوست ، ای مردم او اندر است .

۱۵ - براستی تو ، قوی و حقی و بر آن مردی که نذر را

(۱) هفت زمام را هفت شعاع درخشان نیز گفته اند که منظور هفت اندرا باشد . روهینه Raubina : نام دیو خشکسالی .

تهیه نموده و میریزد، نیرو میبخشی؛ باشد که ما دوستان تو ای
اندرا همیشه با صدای بلند در این مجمع با قهرمانان خویش سخن
گوئیم (۱).

(ماندالای دوم - سرود ۱۲)

(۱) منظور از قهرمانان ظاهراً فرزندان شجاع آنها است.



۱۰۷

خطاب شهباز (پربرهم در صورت شهباز)

۱ - من وقتی که در رحم (مادر) بودم ، همه نسل‌های این
 خدایان را بترتیب می‌دیدم .
 صد دژ آهنین مرا محبوس میداشت ، اما من (ازهریک آنها)
 چون شهبازی با سرعت زیاد پرواز کردم (۱).

(۱) متن سانسکریت این آیت چنین است :

« garbhe nu Sann anv esam avedam , aham devānām
 Janimāni Visvā, Satam mā pura āyasir araksanu, adha
 Syeno Javasā nir adiyam » .

پرفسور لانگلو *Langlois* « قطعه بالارا باین تقریب ترجمه کرده است :
 اندر را ملقب به «شینه Syena» .

اندرا میگوید : « هنوز من به دنیا نیامده بودم ، اما با دقت تولد پی
 درپی همه خدایان را دنبال میکردم . صد شهر آهنین مرا نگاهداشته بودند
 و من بصورت شهبازی با سرعت زیاد از آن خارج شدم » .

گرفیت این قطعه را باین تقریب ترجمه کرده است :
 « من وقتی که در رحم بودم همه نسل‌های این خدایان را بترتیب ملاحظه
 کردم . صد قلعه آهنین مرا محبوس میداشت ، ولی من چون شهبازی با سرعت
 زیاد پرواز نمودم » ←

۲ - او به میل آزاد خود مرا بوجود نیاورد، او با نیرو، و دلاوری پیروز گردید.

تویلسون این بند را چنین بترجمه در آورده است :
« هنوز در حال جرثومه بودم که از تولد این خدایان و ترتیب آنان
واقف شدم . صد تن آهنین مرا مقید ساخته بود ولی بصورت شهباز من باشتاب
به پیش ناختم ».

« Rolt » تحت تأثیر تصور خود عبارت آخر « پادا » ی چهارم
« nir Adiyam » را تحریف نموده و آنرا « nir adiyat » دانسته است .
« کولیکوسکی Koulikovski » این آیت را چنین ترجمه کرده است :
(سوما سخن میگوید) : « هنگامی که در شکم (مادرم) بودم ، همه نسل های
این خدایان را شناخته ام . صد شهر (کوچک) فولادین مرا حمایت میکرد ؛
اما من (بسان) شهباز با چالاکی پریدم » ،

بنظر گرسمن Grassmann در این آیت شهباز الهی چنین سخن میگوید :
« وقتی که هنوز در بیچه دان بودم ، همه این نژادهای الهی را شناختم ام
صد قلعه آهنین مرا نگاه میداشتند ، اما من (عقاب) بسرعت با بال (خود) پرواز
کردم » .

ظاهراً معنی آیت اینکه گوینده (سوما یا اندرا - اگنی) میگوید :
وقتی در شکم مادرم بودم تمام تولدهای پی در پی را (از نظر اصل تناسخ) شناختم
پیش از تولد فعلی صد ذر آهنین مرا احاطه کرده بودند ؛ (یعنی: چون در زندان
تن اسیر بودم از معرفت روح بازمانده بودم) تا آن که بسان شهبازی از زندان تن
همچون مرغی که از قفس پرواز نماید پریدم و آزاد شدم و در نتیجه بحقیقت
روح اعلی (روح خدایان ناشی از روح اعلی است) واقف گردیدم .

بنظر لودویگ Ludwig در این آیه «سوما» سخن میگوید و آنرا بدین
تقریب ترجمه کرده است : « وقتی که هنوز من در زهدان بودم بتولدهای همه
این خدایان واقف شدم . صد قلعه روئین مرا محبوس میداشت ، آنگاه با سرعت
بصورت شهبازی پرواز کردم » .

آن فرد شجاع مستقیماً دیوان را پشت سر گذاشت و چون از
بادها میگذشت هر لحظه قوی تر می گردید (۱).

۳ - وقتی که با فریاد های بلند آوا ، شهباز با شتاب فرود
می آمد، آن فرد شجاع را بوجود آورد . آن گاه کریشانوی تیر انداز
که وحشیانه در فکر خویش بغضب آمده بود ، او را هدف گرفت و
زه را کشید تا او را بزند (۲).

(۱) این قطعه را هریک از مترجمان ریگک بید با اختلاف زیاد
ترجمه کرده اند . عبارت متن سانسکریت اینست :

‘ Na ghā sá mām ápa josam Jabhārābhīm āsa tváksasā
viryéna, ĭrmā púramdhir ajahād árātir utá vātān atarac
sūsu vānah ’.

بنا بر گفته Bergaigne در این آیت «سوما» همچنان برسخن خود ادامه

میدهد .

(۲) متن سانسکریت این آیت چنین است :

Áva yác syenó asvanīd adha dyor vi yád yádi vāta
ūhuh puramdhir,

Srjád yád asmā áva ha ksipáj jyām krsānur ástā
mánasā bhuranyán.

مترجمان ریگک بید در ترجمه این آیت و فهم آن اختلاف دارند .

ویلسون این آیت را چنین ترجمه کرده است :

« وقتی که شهباز از آسمان فرود آمد و فریاد میکشید (حافظان سوما)
مشاهده نمودند که او سوما را (برده است) ، آن گاه کریشانوی تیر انداز
او را با سرعت خیال تعقیب نمود و کمان خویش را زه کرد و تیری بسوی او
پرتاب کرد . » . کریشانو Krisānu : حافظ سومای آسمانی .

۴ - شهباز راست پرواز سوما را از بالای آسمان پهناور ببرد، همانگونه که (اشوین‌ها) «بهوجیو» را از کشور «اندرا» و از میان پرندگان که درین منازعه زخم برداشته بود پری بیفتاد (۱):

۵ - واکنون «مگهون» صراحی سفیدپر از شیر و پراز مشروب درخشان را بپذیرد؛

بهترین نوشابه شیرین که روحانیان تقدیم میداشته‌اند؛ (۲)

(۱) کربفیت این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است: «شهباز او را از نقطه اعلای آسمان حمل نمود، همان گونه که از ابه دوست اندرا «بهوجیو» را حمل میکرد؛

آن گاه يك پراز آن مرغ درحالی که با شتاب به سفر خویش ادامه میداد پایین افتاد

متن سانسکریت چنین است:

‘Rjipyá im indrāvato ná bhujyum Syeno Jabhāra Brhato ádhi Snoh,

antáh patat patatry ásyā parnám ádha yāmani prāsitasya tād reh. ’

(۲) ویلسون این آیه را باین تقریب ترجمه کرده است:

«اینک باشد که مگهون این غذای خالص مقوی (قربانی) را در ساگری سفید رنگ که شیر و ماست در آن مخلوط شده و روحانیون تقدیم داشته‌اند بپذیرد؛ قسمت بالای آن (نوشابه) شیرین که برای نوشیدن نشاط آوراست؛ باشد که آن قهرمان قبول کند و برای نشاط (خویش) بیاشامد.» ←

باشد که آن قهرمان آن را بگیرد و با نشاط خویش
بیاشامد .

(ماندالای چهارم - سرود ۲۷)

← متن سانسکریت چنین است :

‘ ádha Svetám Kalasam gobhir aktam āpipyānam maghavā
Sukram andhah, adhVaryubhih prayatam madhvo ágram
indro mādāya prāti dhat pibadhyai sūro madāya prāti dhat
pibadhyai ’.

مکھون Maghavan : خداوند بخشش ، اندرا ، درهمه جا حاضر .



۱۰۸

خطاب به کراوان

Grāvānas

۱ - ای سنگ‌ها، باشد که خداوند سویترا شمارا بر طبق قانون
به حرکت در آورد.

به تیر و چرخست بسته شوید.

۲ - ای سنگ‌ها، بدبختی را از ما دور سازید، بدخواهی را از
ما برانید، و گاوان را داروی ما قرار دهید (۱).

۳ - سنگ‌های روئین (بالایی) که به نر گاوی نیروی گاوی

(۱) متن سانسکریت چنین است :

**pra Vo grāvānah Savitā devāh Suvatū dharmana,
dhūrsu yujyadhvam Sunuta.**

(۲) متن سانسکریت اینست :

**« Grāvāno apa dusumān apa sedhata durmatim, Ustrāh
Kartana bhesajam. »**

منظور از : « گاوان » روشنی صبح است که چون نزدیک شود دزدان و

دیوان میگریزند .

میبخشند باغروور بر آن‌ها که در زیرند، می‌نگرند (۱).
 ۴ - ای سنگ‌ها، باشد که خداوند سویترا شما را بر طبق
 قانون برای آن که قربانی میکند، و شیره را می‌ریزد، به حرکت
 در آورد (۲).

(ماندالای دهم - سرود ۱۷۵)

(۱) بنابر نظر بعضی از مفسران «ریک بید» مقصود از: «نر کاو»
 سوما است.

متن سانسکریت اینست:

Grāvāna Uparesvā mahiyante Sajosasah, vrsne

dadhato vrsnyam.

(۲) منظور سنگ آسیاهائی است که برای خرد کردن گیاه سوما و گرفتن
 شیره آن مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

بنظر کرسمن و رت Roth گراون **Grāvan** سنگ آسیائی است که برای
 خرد کردن گیاه سوما و یا گرفتن شیره آن بکار میرفته است. بعضی احتمالاً این
 واژه را مشتق از «گیره **gira**» (**Jira**) (سریع، جاری، روان) که با اضافه
 پسوند «ون **Van**» بصورت: «**giravan** یا **Jirāvan** و یا **grāvan**» درآمده
 است، دانسته‌اند.

متن سانسکریت اینست:

grāvāna savitā nu vo devah suvatu dharmanā,

yajamānāya sunvaté.



۱۰۹

دستایش میترا و ارونا

- ۱ - چون آفتاب سر برزند ، من با سرود شما را میخوانم، ای میترا و ارونا که فکر شما مقدس است، قدرت الهی، و زبردست جاویدان شما (میترا - ارونا) با مرحمت به هر که شما بخواهید میرسد (۱).
- ۲ - چون آن‌ها خدایان مهربان آسوراها هستند - هر دوی شما زمین‌های ما را بسیار ثمر بخش نمائید (۲).
- ای ارونا، و ای میترا ، باشد که ما از شما (این لطف را) بدست آوریم که هر جا آسمان و زمین و روز است ما را برکت دهید .
- ۳ - بند نهند گناهکاران چندین کمند دارند؛ مرگ پذیران گناهکار به سختی میتوانند از آنها برهند.

(۱) ظاهراً منظور از قدرت (نیروی) الهی **Asuryám** در اینجا قدرت مشترک میترا و ارونا است .
 (۲) مقصود از خدایان مهربان آسوراها ، خدایان اعظم یا حاکم بر همه موجودات الهی میباشند .

ای وارونا ، ای میترا؛ باشد که طریق نظم شما مارا چون قایقی
که از آب میگذرد، از زحمت‌ها بگذراند .

۴ - ای وارونا، و ای میترا ، بیائید و از نذور ما بچشید ، و
مرتع ما را روزی (رزق) شیرین و فراوانی بخشید.
آب آسمانی نیکوی مصفای خویش را بفراوانی بر مردم فرو
بارید.

۵ - ای وارونا ، و ای میترا ، این سرود مانند شیرۀ سومای
درخشان برای : «وایو» به شما تقدیم می‌گردد.
سرودستایش ما را مورد لطف قرار دهید ، اندیشه و روان را
بیدار سازید ، و پیوسته ما را ای خدایان با برکات خود حفظ
فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۶۵)



۱۱۰

خطاب باروت

۱ - آمدن شما شکفت انگیز باشد ، با یاری های عجیب ،
ای بخشاینندگان ،

ای «ماروت» ها که با اشعه مار مانند میدرخشید (۱) .

۲ - ای «ماروت» های بخشاینده ، تیر شتابنده شما از ما
دور باد ؛

سنگ هائی که پرتاب میکنید از ما دور باد .

۳ - ای بخشندگان سخاوتمند ، ای ماروت ها ، مردم
«ترینشکنده» را لمس ننمائید ؛

مارا برخیزانید تا بتوانیم زندگانی کنیم (۲) .

(ماندالای اول - سرود ۱۷۲)

(۱) منظور از اشعه مارمانند برقی است که بعد از طوفان بوجود می آید
و میدرخشد .

(۲) ترینشکنده *Trinaskanda* : ظاهراً اسم طایفه یا رئیس قبیله
میباشد . در جای دیگر از ریگ ودا باین نام بر نمی خوریم . ویلسون به پیروی از
«ساینه» ، «پادای» آخر این بند را چنین ترجمه کرده است :
«مردم مرا که از علف ناچیز ترند حفظ فرما» .



۱۱۱

دستایش عصاره سوما

Soma pavamāna

۱ - خداوند شیره را که در اثر شوق و احساسات آنی این مرد صاف شده است، به خدایان میرساند .

او (سوما) روان و سراینده به سوی صافی در جریان است (می رود) مانند روحانی که با گاوان بطرف نشستگاه مدرج (پله پله) رود (۲) .

۲ - در لباسی زیبا که لایق پوشیدن در جنگ است ، چون دانشمندی نیرومند در حال خواندن ادعیه به سوی پارچ (مشر به) هائی که پاک کرده اند روان شو .

در جشن (بزم) خدایان همه جا دیده میشود و پاسداری .

(۱) در میان ۱۰۲۸ سرود ریگ وید این سرود کلاسیکترین آنهاست . و گفته اند ریشی های مختلف گوینده مجموع ابیات این سرود هستند .

(۲) منظور از عبارت : «با گاوان بطرف نشستگاه مدرج رود» محل هائی است که برای قربانی تهیه و آماده میکردند و قربانی هارا در آنجا میگذاشتند . در اینجا صدای جریان شیره سوما بسرود خوانی روحانیونی که متون مقدس را میخوانند تشبیه شده است .

۳ - آن گرامی، در قلعه پشمین مانند میدرخشد، در میان ما شاهزاده‌ای است از همه اشراف (نجباء) شریفتر.

چون تورا صاف میکنند، غرش نما و به پیش بشتاب و ما را بیش از همیشه با برکت خویش حفظ فرما.

۴ - بگذار تا ستایش خدایان را بسرائیم - به آوار بلند بسرائیم - و سومارا برای ثروت‌های نیرومند به سوی تو فرستیم.

بگذار تا آن شیرین طعم از صافی بگذرد، و آن (سومای) مقدس ما در مشربه (پارچ) بماند.

۵ - تا دوستی خدایان را به دست آورد، «این دو» در هر از جوی روان است که آنها را شاد سازد.

آن که برسم آئین باستان از طرف مردم ستایش شده و برای سعادت ما نزدیک آمده است به سوی «اندرا».

۶ - ای زرین فام، چون خود را صاف سازی، روان شو که سراینده را غنی سازی و شیرتو به سوی اندرارود تا موجب نگاهداری او باشد.

برای فراوانی به همراه خدایان نزدیک آی و ما را بیش از پیش با برکت‌های خود حفظ فرما.

۷ - خدا نسل‌های خدایان را اعلام میدارد، همان گونه که «اوشان» حکمت عالی را بیان میکند.

باخویشاوندی درخشان آن گراز تقدیس کننده و حا کم بر همه
جاسر و دخوان باین جاها پیش می آید. (۱)

۸ - غاز (قو) ها ، «وری شکنه» ها از نزدیکی ما روح بی آرام
خویش را به منزلگاه ما آورده اند.

ای دوستان به «پومانه» برای ستایش گرد آئید، و در نعمات
مقاومت ناپذیر آن ها هم صدا شوید (۲).

۹ - او حرکت سریع آن بلند گام را دنبال مینماید، گاو ان
چنان که بودند برای آن که به میل خود تفریح کنند ، به صدا
درمی آیند ؛

او با شاخ های تیز خویش فراوانی می بخشد، سیمین فام در شب ، و
ز رین فام در روز میدرخشد. (۳)

۱۰ - ایندوی نیرومند که به شیر آغشته شده به سوی اندرا
روان است، سومای نیروبخش که او را شاد سازد.

(۱) منظور از خداوند در اینجا «سوما» است که پدر خدا بان شناخته شده
است . صدای جریان «سوما» به تلاوت سرودی که «اوشان» دانشمند معروف و
شاعر مقدس دوره ودائی میخوانده است تشبیه شده است . مقصود از «گراز»
سومای تندرو و روشن میباشد، و شاید منظور آن باشد که صدای ریزش قطرات
شیره سوما مانند صدای پای گراز وحشی است .

(۲) منظور از غازها سرودخوانانی اند که از اخلاف ورشکنه **Vrishagana**
دانشمند عصر ودائی میباشدند .

(۳) در این بند «سوما» به «ماه» تشبیه شده است و برای آن دوشاخ تصور
کرده اند .

اوبدخواهی‌ها را آرام می‌سازد، ودیوان را میکشد، پادشاه پُر
نیرو که ما را راحتی می‌بخشد.

۱۱ - آن گاه در جوئی جاری میگردد که از سنگ‌های
چرخشت تراوش کرده، با شیرینی درآمیخته، و از پرویزن پشمین
میگذرد.

ایندو در عشق اندرا شادی میکند، خداوندی که برای حفظ آن
خدا سرور می‌بخشد (۱).

۱۲ - چون صاف میشود گنج‌ها را او فرو میریزد، خدائی که
شیره‌خویش را (چون شبنم) به دیگر خدایان می‌بارد.

ایندو به تناسب فصول لباس گوناگون می‌پوشد، بر آن
پشم (پرویزن) برافراشته ده انگشت سریع درکارند (۲).

۱۳ - نرگاوسرخ خروشان به سوی ماده گاوان پیش میرود، و
آسمان وزمین را به نعره و غرش درمی‌آورد.

صدای او چون نعره اندرا در جنگ، شنیده میشود تا دانسته
شود که اوبدین سو درشتاب است.

۱۴ - آمیخته با شیر، و مملو مزه‌های شیرین از آن گیاه پُر
آب‌نوبیرون می‌آیی،

و چون ترا صاف میکنند خروشان جاری میشوی، توای سوما،

(۲) ایندو Indu (قطره) نام دیگر سوما.

(۱) یعنی روی پرویزن یا صافی ده انگشت کار میکند.

در آن هنگام برای اندرا روان شو.

۱۵ - پس با شادی روح بخش روان شو، و تیرهای مرگبار بسوی آن که مانع جریان آبها میشود پرتاب کن .
به سوی ما با آن رنگ درخشان خویش روان شو، ای سوما در اشتیاق گاوان جاری شو (۱).

۱۶ - ای ایندو ، از ما خرسند باش، و چون در مجرای سهل و نیک خود روانی فضای وسیع و راحتی‌ها برای ما بفرست؛
و بر طبق معمول با گرز (چماق یا عصا) بدبختی‌ها را پراکنده ساز، و برو به روی صافی.

۱۷ - باران آسمانی تندرین فرح بخش سلامت‌زا و فراوانی‌ده بر ما ببار.

ای ایندو روان شو، و این بادها را که خوبشاوندان زیرین تواند بفرست ، و آن‌ها را چون طره‌های موی نابسته آزاد ساز.

۱۸ - ای سوما، چون صاف میشوی رفتار شایسته و ناشایسته را که بیکدیگر پیچیده و گره خورده‌اند جدا کن.

مانند اسب قرمز رنگ (کهر) لجام کسینخته شیهه بکش، ای خداوند، ای خانه‌خدا چون جوانی بیا.

۱۹ - برای خدمت خدایان، برای شادی، ای ایندو ، از روی

(۱) مراد از : مانع جریان آب شدن در اینجا «*Vritra*» دیو خشکسالی است .

- بلندیها و از فراز آن قلعه پشمین جاری شو (۱).
- در هزارجوی خوشبوی شکست ناپذیر برای تحصیل قدرتی که
بر قهرمانان پیروزی می یابد جاری شو.
- ۲۰ - بی ارا به، و بی زمامی که آنها را رهبری کند مانند اسبان
یوغ بر گرفته که بمسابقه می روند،
این قطرات درخشان شیر سووماییش می تازند، شما ای خدایان
پیش آئید تا آنها را بنوشید.
- ۲۱ - پس برای این جشن خدایان ما، ای ایندو باران آسمان
را در این ظرف ها بریز ؛
باشد که سووما مارا ثروتی که مشتاق و در طلب آنیم، و قدرت و
قهرمانان بسیار عطا فرماید.
- ۲۲ - آن گاه که سخن مهر آمیز روح او را بموجب قانون اعلی
علیین خداوند همه رزق ها قرار داده است ، در آن هنگام گاو ان
نعره کشان به سوی ایندو آمدند ، آن خداوند مختار محبوب در
مشر به .
- ۲۳ - آن دانشمند آسمانی آزاده نعمت بخش چون جاری
میشود، شیر خالص را برای آن حقیقت شعار می پیماید.
آن پادشاه که منبع و نگاه دارنده قدرت است بوسیله ده زمام

(۱) مراد از قلعه پشمین ، پروبزی است که پارچه آن از پشم تهیه
شده است .

(مهار) روشن راهنمایی میشود (۱).

۲۴ - آن که مردمان را مینگرد و از پرویزن صاف گشته است ، پادشاه والای خدایان و فناپذیران است.

از ایام قدیم او گنجور ثروت هاست، او (ایندو) نظم نیکو و مرتب را عزیز میدارد.

۲۵ - مانند اسبی بدسوی پیروزی و افتخار به مجلس اندرا، و وایو بشتاب.

مارا روزی فراوان - هزار برابر - عطا فرما، ای سوما چون ترا صاف میکنند یا بنده ثروت ها باش.

۲۶ - سوماهای خدا پسند که ما آن هارا می فشاریم چون جاری میشوند، برای ما خانه باش جاعان شریف می آورند.

با نعمت های فراوان مانند روحانی و نی که لطف (خدایان) را تحصیل مینمایند پرستند گان آسمان بهترین تمجید کنند گان.

۲۷ - پس ای خداوند، برای خدمت خدایان جاری شو، ای نوشابه خدایان ، ای سوما برای فراوانی روزی جاری شو .

چون ما به جنگ نیرومندان میرویم با صاف شدن خویش آسمان و زمین را برقرار فرما .

۲۸ - تو که مردان نیرومند ترا یوغ بسته اند، مانند اسب می

(۱) منظور از شیرۀ خالص برای حقیقت شعار ، سوما برای اندرا است .
مراد از ده زمام یا ده مهار ده انگشت است که شیره را می فشارد .

خروشی (شیهه‌میزی) واز (سرعت) خیال سریعتری ، مانند شیری
مهیّب .

از راهائی که بدینجا منتهی میشود، واز راست‌ترین آنها، ای
ایندو ، وقتی که صاف میشوی سرور را به سوی ما بفرست.

۲۹ - از سر چشمه خدایان صدها بلکه هزاران جوی جاری
میشود که دانشمندان مهیا ساخته و آنها را صاف مینمایند.
اسباب پیروزی را از آسمان برای ما بیاور ، ای ایندو تو که
پیشا هنگک ثروت‌های فراوانی.

۳۰ - جویبارهای روز چنان که باید از آسمان فرو میریزد ،
پادشاه دانا بادوست خود به نامهر بانی رفتار نمیکند.

مانند فرزندی که خواسته‌های پدر را دنبال میکند، این خانواده
را سلامت و سعادت بخش (۱).

۳۱ - اینک جویبارهای تو با همه شیرینی جاری میشوند، چون
صاف شوی از پرویزن میگذری.

نژاد گاو ای «یومانه» ، از [دولت] بخشش‌های تو است .

چون تو بوجود آئی سوریارا درخشان میسازی.

۳۲ - چون با روشنی و غرش از راه نظم میگذرد، مانند صورتی

از زندگی جاوید میدرخشی.

(۱) بگفته بعضی از مفسران منظور از جویبارهای روز ، نذور سوماست

که روزانه تقدیم میشود .

چون روان می‌شوی مانند نوشابه فرح بخش اندرایی، و صدای
خود را با سرود دانشمندان توأم می‌سازی.

۳۳ - چون جوی های خود را در جشن خدایان و خدمت
آنان جاری می‌سازی، تو ای سوما بسان عقاب آسمانی بنظر
می آئی .

ای ایندو، در صراحی (مشربه) سوما فرود آی، و باغرش بشعاع
سوریا نزدیک شو .

۳۴ - آن اسب راسه آوا (شیهه) است، او از فکر دعا و از قانون
نظم سخن می گوید:

گاوها برای پرستش به سوی آن خداوند گاو می آیند؛ سرودها
با اشتیاق زیاد به سوی سوما می شتابند.

۳۵ - گاوان به سوی سوما می آیند، گاوان شیرده با اشتیاق
با سرودهای خود پرستش کنان به جانب دانشمندان سوما (می آورند).

(شیره) سومای فشرده صاف و مخلوط شده است، سرودها، و
آواهای «تریشتب» ما در سوما بیکدیگر می پیوندند. (۱)

۳۶ - ای سوما، چون ما تورا در ظرف‌ها می ریزیم، صاف شو،
و برای نیکبختی ما روان شو .

(۱) تریشتب *Trishtup* (تریشتب *Tri-shtubh*) : یکی از اوزان
عروض دارای چهار بار یازده 11×4 مقطع .

باغرشى نىرومند، به سوى اندرابگذر، صدارا بلندساز و فراوانى
بوجود آور .

۳۷ - سوما سراينده سرودهاى حقيقى (راستى) ، و هميشه
پاسدار وقتى اورا صاف ميکنند در ملعقه (ملاقه) ها قرار گرفته است .
اورا «ادهورج»^(۱) هاى بهم پيوسته و مشتاق پىروى ميکنند ،
رهبران قربانى و دارنده دستهاى ورزیده «ماهر» .

۳۸ - بدان گونه که در نزديک خورشيد، اوصاف شده است
مانند آفريدگار زمين و آسمان را بتمامى پرنموده ، و آنها را آشکار
ساخته است .

او که بوسيله يارى ارجمندش مردم همه خواسته هاى خویش
را به دست مى آورند، جايزه هاى گرانمايه اى به پىروى زمند خواهد
بخشيد .

۳۹ - سوماى نىرو بخش و فزاينده، و فراوانى ده چون صاف شد ما
را با درخشش خویش يارى فرمود .

(درخششى که) با آن اسلاف قديم ما که رډپاها را ميدانستند،
روشنى يافته و رمة گاورا از کوهستان ر بودند .

۴۰ - در طاق اعلاى فلک، اقيانوس به آواى بلند مى نرود، پادشاه
همه موجودات، خالق همه آفريدگان،

(۱) ادهورج (adhvaryu) : روحانى که تشریفات قربانى
«Adhvara» را انجام ميدهد .

ای سوما، بر پرویزن پشمینه برافراشته جاری شو، قطره
چکیده نیرویش افزایش یافتد است (۱).

۴۱ - سومای گوساله چون فرزند آب‌ها خدایان را انتخاب
کرد ، و آن عمل بزرگ را بجای آورد.
او (پومانده)، اندرارانیرو بخشید؛ و او (اینندو) به «سوریا» روشنی
داد (۲).

۴۲ - «وایو» را برای زیادتى و فراوانى شادساز، و «وارونا» ، و
«میترا» را که ترا صاف میکنند، مسرور نما (۳).
خدایان را سرور بخش ، و جمع «ماروت» هارا خوشحال فرما،
آسمان وزمین را به شادی وادار، ای خداوند، ای سوما.

۴۳ - ای کشنده دادگر شیران، روان شو، و دشمنان و بیماری
های ما را بیرون ران،

شیر خویش را با شیری که گاوان میدهند ممزوج کن ، ما
دوستان توئیم ، و تو دوست «اندرا»ئی .

۴۴ - چشمه‌ای از شیر و عسل برای ما جاری ساز ، و منبعی از
گنج‌ها، و ما را پسری قهرمان و ثروتمند شادی بخش بفرست.

چون ترا صاف میکنند برای اندرا شیرین باش، و باران ثروت

(۱) ظاهراً منظور از : اقیانوس ، سوما میباشد .

(۲) پومانده Pavamāna : عصاره سوما . اینندو Indu : قطره ، سوما .

(۳) وایو Vāyu : خدای باد .

از اقیانوس بر ما بیار .

۴۵ - سومای نیرومند چون فشرده شود مانند اسبی نیز تک روان میگردد - بسان سیلی که در سر اشیب جاری باشد. چون صاف شد در خانه چوبین خود قرار گرفت؛ «ایندو» باشیر، و با آبها روان گشت.

۴۶ - این سومای نیرومند، ودانا برای کسانی که شوق آمدن اورا دارند، در اینجا به سوی کاسهها روان می گردد ای اندرا، آن ارا به سوار، و خورشیدسان و براستی توانا، مانند اشتیاق مردم پرهیز کار ریخته شده است.

۴۷ - آن که بقدرت حیاتی باستانی صاف گردیده بر تمام اشکال و صور دختر خویش نافذ است، چون پناهگاه سه گانه خود را در آبها می یابد مانند روحانی سراینده به سوی محافل می شتابد (۱).

۴۸ - اینک ای ارا به سوار به جانب ماروان شو، ای خداوند سوما، چون صاف شوی در این پشقابها جاری شو، شیرین ترین آبها، و پراز شیر و عسل، و مقدس، خداوندمانند سویتراست اندیشه است.

(۱) ظاهراً مقصود از عبارت «تمام اشکال و صور دختر خویش نافذ است» آنست که تصور می شده سوما قدرت غذائی خود را به علف و بوته و لیم درختها می بخشد، زیرا این سه شکل از زمین که دختر اوست، میروید.

۴۹ - برای جشن او در میان سرود و آواز به سوی «وایو» جاری شو، و چون صاف شوی به سوی وارونا و میترا روان گرد ، به سوی آن قهرمان ارا به سوار سرور انگیز، به سوی اندرای نیرومند که رعد را چون سلاحی در دست دارد جاری شو.

۵۰ - جامه‌هایی که ما را به برازندگی بپوشاند، بر ما فرو ریز ، و گاو ان شیرده پاک و پر شیر بفرست .
ای سوما، برو ، و ما را اسبان ارا به کش که بتوانند گنج‌های درخشان زرین برای ما آورند بفرست .

۵۱ - جوئی از ثروت‌های آسمانی به سوی ما روان ساز ، و چون صاف شوی آنچه زمین شامل بر آن است ، به سوی ما بفرست ،

تا بوسیله آن ما بطریقه «جمداگنی» مالکیت و دانشمندی به دست آوریم. (۱)

۵۲ - اینک که صاف میشوی، ثروت به ما فرو فرست، به سوی دریاچه زرد^(۲) روان شو ، ای ایندو .
در اینجا نیز آن سرخ‌فام بادپای دانشمند به آن که با شتاب می‌آید ، پسری عطا خواهد کرد .

۵۳ - ای که سزاوار افتخاری، اینک که صاف میشوی برای

(۱) جمداگنی Jamadāgni : نام ریشی مشهور دوره باستانی.

(۲) معنی واژه : Mānschatvé درست معلوم نیست .

ما به سوی آن گذرگاه مشهور روان شو.

باشد که آن دشمن کوب شصت هزار گنج برای پیروزی ما
فرو فرستد، همان گونه که درخت میوه رسیده را می تکاند (۱).

۵۴ - برای آن دو پیروزی که در جنگ در کنار آن
دریاچه آبی و «پیشنه» به دست آمد، ما با اشتیاق نیایش میکنیم.
او دشمنان ما را خواب کرد، و هلاک ساخت و آن دیوانگان
نامهربان را دور نمود (۲):

۵۵ - نواز سه صافی گسترده میگذری، و در حالی که ترا صاف
میکند از میان آنها می شتابی (بسرعت روانی).

توئی بخشنده هدایای «بهکه»، و «مکهون» برای بزرگان
آزاده، ای ایندو (۳).

(۱) ظاهراً مقصود از گذرگاه مشهور نقطه بوده است که در آن جا جنگی
واقع شده و تصور نموده اند که باز هم در آن نقطه نبردی آغاز خواهد شد و از
سوما کمک میخواهند.

(۲) بعقیده «لودوبیک»، «پیشنه Prisana» نام محلی است، ولی «ساینه»
دریاچه آبی یا دریاچه زرد را به جنگ سواره، و «پیشنه» را به جنگ تن به تن
تعبیر کرده است.

(۳) ظاهراً مقصود از سه صافی، آتش و باد و آفتاب است که اضافه بر صافی
مصنوعی پشمین میباشد.

بهکه Bhaga: خدای بخشنده - خداوند محترم (به خدایان به ویژه
به «سویتر» اطلاق میشود). نام یکی از آدت ها که بخشنده ثروت و
سرپرست عشق و عروسی است. خدای زفاف. (یاسکا yaska او را از خدایان
طبقه اول شناخته است).

مکهون Maghavan: نجیب، بنیاد گزار یا بانی قربانی - خدای نیکوکاری -
لقب اندرا.

۵۶ - این سومای دانشمند همه‌دان مانند پادشاه کائنات در راه خود روان می‌گردد ،

وقطرات را در محفل‌های مامیراند.
«ایندو» تماماً از صافی پشمین می‌گذرد.

۵۷ - تجاوز ناپذیران بزرگ «ایندو» را می‌بوسند (مینوشند)،
و مانند دانشمندان مشتاق در جای او (ایندو) می‌سرایند (۱).
مردان دانا او را باده انگشت جلد بیرون می‌آورند، و با گوهر
آب‌ها شکل او را می‌آرایند .

۵۸ - ای سوما، باشد که ما باتو بصورت «پوما نه» با هم غنائم
جنگی خویش را توده نمائیم،

ای «ورونا» و ای «میترا» ، و ای «ادیتی» ، و ای «سیندهو» ،
و ای زمین ، و ای آسمان این نعمت (برکت) را برای ما حفظ
فرمائید (۲).

(ماندالای نهم - سرود ۹۷)

(۱) منظور از تجاوز ناپذیران ، خدایان میباشد .

(۲) سیندهو (سندھه Sindhu) : نام رودخانه سند Indus و حوزه آن

رودخانه . رئیس رودخانه‌ها .

این واژه که بطور مطلق به معنی رودخانه و جریان آب است ، نام وارونا

خدای دریاها و آب‌ها و نام پادشاهان کندهر و هاهم میباشد .

این سرود، یکی از سرودهای کلان (از حیث کمیت) ریگ ودا می‌باشد.



۱۱۲

درتائیس سپیدم

Usas

۱ - صبح درخشان آن هنگام که آتش (مقدس) برمی افروزد،
و خورشید سر بر میزند، انوار خویش را منتشر میسازد.

خداوند سویترا ما را به کار می فرستد، هر چهارپا، و هر دوپا باید
فعال باشد (۱).

۲ - بی آنکه نظم و ترتیب آسمانی را برهم زند، هر چند
نسل های بشر را کم میسازد،

آخرین صبح های بی نهایت که گذشته اند، و اولین آنها که

(۱) ظاهراً منظور از «آتش»، آتش قربانی است که صبح ها آنرا روشن مینمودند.
متن سانسکریت این آیت چنین است :

**Usa Usantī Samadhāné agna Udyant Surya Urviyā Jyotir
asret**

**devo no atra Svita nvartham prāsavid dvipart pra
Catuspad Ityat.**

بعضی از مفسران رکبید گفته اند کلمه «Urviya» بمنزله قیدی است
که معنی «دور» از آن مستفاد میشود و مشتق از کلمه «Ur» (وسیع، گسترده،
پهن) میباشد.

می آیند، سپیده دم بدروشنی میدرخشد (۱).

۳ - در ناحیه خاور ، دختر آسمان با جامه هائی از نور
هویدا میشود .

براستی او از طریق نظم (جهانی) میگردد، و از این کار
وانمی ماند ، چون نواحی آسمان را نیکومی شناسد.

۴ - از نزدیک دیده میشود مانند سینه آن فرد نورانی ، و
مانند سرود سراینده جدیدی اشیای شیرین را آشکار میسازد (۲).

اومی آید و چون مگسی خفتگان را بیدار میکند، و از همه
بانوانی که برمیگردند راستکارتر و پابرجاتر است.

۵ - در نیمه شرقی ناحیه آب آلود مادر گاوها نشانه خود را
نموده است .

(۱) منظور از عبارت : «نسل های بشر را کم میکند manusya yugāni» ،
آنست که گذشت عمر مقدر بشر را معین میسازد .
متن سانسکریت این بند چنین است :

**aminatī daivyāni Vratāni praminatī manusya yugāni
īyusinam Upamā Sasvadinām aryatīnām prathamosa
Vy adyaut .**

(۲) پادای اول و دوم این بند چنین نیز ترجمه شده است : « الهه
صبحدم مانند سینه (بک فرد) نورانی ظاهر شده؛ و بان ند هس همه اشیای مطبوع
را روشن ساخته است » .

ندهس **nodhas**: نام یکی از ریشی های دوره ودائی است .

بیشتر و بیشتر او منبسط میشود و دامن پدر و مادر خویش را
کاملاً پُر مینماید. (۱)

۶ - بتحقیق چون در اطراف منبسط میشود ، خویش و بیگانه
را از رؤیت خود باز میدارد ،

و مغرور از شکل بی‌عیب خود به روشنی میتابد ، و از ضیاع و
شریف رونمی‌تابد. (۲)

۷ - مانند کسی که برادر ندارد در جستجوی مردم است ،

(۱) عبارت سانسکریت چنین است :

**Pūrve árdhe rájaso aptyasya gavām Janitry akṛta prá
Ketum, Vy u prathate Vitaram Varīya Oblā prnántī pitror
Upasthā**

ظاهراً منظور از ناحیه آب آلود ، آسمان مه آلود و مقصود از گاوها ،
اشعه نور میباشد .

(۲) عبارت متن سانسکریت این آیت چنین است :

**Evéd esā purutámā drsé Kam na Jāmim na pári vṛnakti
Jāmim, arepasa tanvā sasadānā**

nārbhād isate ná mahó Vibhātī

کلدر، و Kaegi پادای چهارم را باین تقریب ترجمه کرده‌اند :
«اونور خود را نه در بالا و نه در پائین دور ورها نمیکند، اما «لودویگ»
آنها چنین ترجمه کرده‌است: «در تافتن او (نور خویش را) از ضعیف و قوی دریغ
نمیدارد» .

و بر ارابهٔ خود سوار میگردد که گوئی در فکر جمع ثروت
میباشد .

صبحدم چون بانوئی مهربان برای شوهر خود متبسم ، و با
لباسی نیکو از جمال خویش پرده بر میدارد . (۱)

۸ - آن خواهرجایش را بد خواهر ارشد خود میسپارد ،
و چون او را مینگرد ، دور میشود .

او جمال خود را زینت میدهد ، و با اشعهٔ خورشید میدرخشد ،
چون گروه زنانی که به مجلس جشن رومی آورند . (۲)

۹ - به دنبال همهٔ این خواهران که اینک ناپدید شده اند ،
هر روز دیگری می آید ؛

پس باشد که چون زمان گذشته و روزهای شادی بخش
صبحگاهان جدید با ثروت بر ما بتابند .

۱۰ - ای ثروتمند ، وای بخشندهٔ راد ، برخیز و بگذار تا خسیسان
در خواب خود خفته بمانند .

ای ثروتمند ، ای صبح شادمان ، به فراوانی به آنها که ترا

(۱) عبارت سانسکریت چنین است:

abhrātevá punsa eti prarici gartāruḡ iva Saṇāye
dhanānām, Jāyēva pātya usati Suvāsā Usa hasréva ni rinite
apsah.

(۲) ظاهراً مقصود از خواهر ارشد ، روزاست . و شب جای خود را به-

روز میدهد.

پرستش میکنند، بتاب،

براین سراینده (که عمرش در گذر است)،

۱۱ - این دوشیزه جوان از شرق بر ما تافته، جفت گاو ان سرخ

درخشان خود را یراق کرده است،

او به پیش خواهد تابید، و روشنی بدینجا خواهد شتافت، وا گنی

در هر خانه حاضر خواهد بود (۱).

۱۲ - بسان مرغان که از آشیانه خود میپزند ، مردم نیز با

ذخایر رزق هنگام طلوع تو بر خواهند خاست ،

آری بر آن مرگ پذیران آزاده که در خانه خود می مانند ،

ای الهه صبح تو خوبی فراوان می آوری (۲).

(۱) عبارت سانسکریت اینست :

**aveyam asvaid yuvatih purástād yunkté gāvām arun-
ānām ánikam, Vi nūnám Uchād ásati prá Ketur grham
grham Upa tisthāte agnih.**

کلندر و گرسمن واژه «anika» را به «دسته» یا «گروه» تعبیر

نموده اند .

(۲) عبارت سانسکریت در این آیت اینست :

**Ut te Vayas Cid Vasatér apaptan náras Ca yé pitubhāJo
vyustau, amā sate Vahasi bhūri Vāmam uso devi dasuse
martyāya.**

کلندر Geldner و Kaegi و گرسمن Grasmann پادای اول و دوم

را چنین ترجمه کرده اند :

«وقتی تو میدرخشی ، پرندگان از لانه خود میپزند ، و آدمیان روزی

خویش را جست وجو میکنند» .

۱۳ - شمارا که در خورستایش آید، من با نیایش خود تمجید
مینمایم، شما ثروت ما را افزونی بخشیده‌اید.
ای صبحگاهان که ما را دوست میدارید، ای خدایان؛
باشد که ما از لطف شما ثروتی یابیم که صدها بلکه هزاران
از آن سخن گویند.

(ماندالای اول - سرود ۱۲۴)



۱۱۳

دست‌آیین و شویوها

Vivsedevas

۱ - باشد که سی‌وسه خدا در روی چمن مقدس بنشینند ؛
باشد که (تقدیمی) ما را بپذیرند و ما را هر دو (نوع ثروت)
عطا فرمایند (۱).

(۱) از مجموع ۱۰۲۸ سرود ریگ ودا فقط درسرودهای ۴۵ و ۳۴ و ۱۳۹ ماندالای اول و سرود ۶ ماندالای سوم و سرودهای ۲۸ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۹ ماندالای هشتم و سرود ۹۲ ماندالای نهم و سرود ۹ « والکیلیه Vālakhilya » به ۳۳ خدا و یا سه یازده خدا اشاره شده است .

بعقیده یاسکا Yaska این خدایان محدود به سه دسته میشوند.

۱ - خدایانی که منزلگاه آنها در زمین است «پریتهیوی استهان Prithivishāna»
۲ - خدایانی که مقام آنها در جواست : « مدیه استهان Madhyasthāna »
یا فضای میان زمین و آسمان «انتریکشا استهان Antarikshasthāna»
۳ - خدایانی که در آسمان جادارند «دیوس استهان dyusthāna» . اگنی،
سوما ، بریهسپتی و رودخانه‌ها از خدایان دسته اول، و اندرا و آپام نپات ، و رودرا،
و ایو-وات، پرجنیه ، آپه Āpah و ماتریشون Matarisvan از خدایان دسته
دوم . و دیوس Dyuus ، و وارونا ، و میترا، و سوریه ، و سویتری ، و یوشان،
و ویشنو ، و آدیتیها ، و اوئس (صبحدم) و دواشوین از زمره خدایان دسته
سوم اند .

در اوپانیشاد قدیمی : « برهدارنیکه » در بارهٔ عدهٔ خدایان چنین آمده
است: «ویدگدهه . Vidagdha» پسر «شاکل Sākala» از «جاگنوالکیا -
Yajñavalkya» پرسید چند خدا وجود دارد ؟

۲ - باشد که ورونا ، و میترا ، آریمن ، واگنی ها با بانوان خود تقدیم کنندگان (نذر) را جلال بخشند و خطابه قربانی به آنها خطاب شود .

۳ - حامیان ما باشند، وقتی که با ملازمان خویش از مغرب، و شمال ، و جنوب ، و مشرق می آیند .

۴ - آنچه خدایان میخواهند ، به ناچار شدنی است، هیچکس مقاومت با آن نتواند کرد؛ و هیچ وجود فانی تقدیمی (به آنها) منع نتواند نمود .

۵ - نیزه های آن هفت (دسته ماروتها) هفت است ، وزینت آنها هفت ، و هفت افتخار عالی پوشیده اند .

(ماندالای هشتم - سرود ۲۸)

← گفت : سیصدوسه ، سه هزاروسه . باز پرسید چند خدا هست ؟
- گفت : سیوسه .

باز پرسید از این سه ضروری تر چند است ؟ گفت : دو .

باز پرسید از این دو کدام ضروری تر است ؟ گفت : یک و نیم .

باز پرسید که از این ضروری تر که به غیر او چاره نباشد ؟ گفت : یکی .

بعد دوباره پرسید: پس آن سیصدوسه و سه هزاروسه کدام اند ؟ جاگنوالکیا پاسخ

داد: آنها مظاهر نیروی خداوندی هستند و گرنه فقط سیوسه خدا هست و آنها

عبارتند از: هشت واسو *Vāsu* ، یازده رودرا *Rudra* ، دوازده آدیتیا *Āditya*

که مجموعاً سیویک میشوند و اندرا *Iodra* ، و پرجاپتی *PrajāPati* بترتیب

سی و دومین و سی و سومین آنها میشوند . و در باره هر یک از اینها تعبیراتی شده

است . بنگرید به کتاب ترجمه فارسی « اوپانیشاد *Upanishad* » (سر اکبر)

بمصحیح دکتر ناراجند و جلالی نائینی (نویسنده این سطور) چاپ تهران - سال

۱۳۴۰ هجری شمسی صفحه ۵۶-۵۷ .



۱۱۴

خطاب به شودیوها

- ۱ - یکی (سومای) قهوه‌ای رنگ ، و رهبر مطلق شب‌ها ،
و همیشه جوان (خویشمن را) با زیورهای زرین می آراید .
- ۲ - یکی (اگنی) هوشمند نورانی در میان خدایان در جای
خود (قربانگاه) نشسته است .
- ۳ - یکی (نوشتری) که در میان خدایان نشسته و کسی نمیتواند
او را بجنباند ، تبر آهنین خود را در دست گرفته است .
- ۴ - یکی (اندرا) صاعقه را در دست گرفته و با آن و ریتراها
را هلاک می سازد .
- ۵ - یکی (رودرا)ی درخشان ، و وحشتمناک (و در عین حال)
بخشنده داروهای شفا بخش تیغ بر آن خود را در دست دارد (۱).
- ۶ - یکی (پوشان) مانند راهزنی راهها را زیر نظر دارد، و از

(۱) رودرا Rudra : خداوند فنا کننده .

کنج‌های نهفته آگاه است .

۷ - یکی (ویشنو) با قدم‌های بلند هر سه جهان را که خدایان در آن‌ها شادی میکنند ، پیموده است (۱).

۸ - دو (اشوین) با (اسبان) تیز رو بایک (عروس سوریا) مانند مسافران کشورهای خارج در حرکت اند .

۹ - آن دو که در جمال و جلال سلطنت یکسان اند (میترا ، و ورونا) ، و با نذور روغن صاف شده پرستش شده‌اند ، در مقام خود در عرش جا گرفته‌اند .

۱۰ - بعضی (اتری‌ها) که چون عبادت شوند ، «سامن» بزرگ را بیاد می‌آورند ، و با آن خورشید را روشن می‌سازند (۲).
(ماندالای هشتم - سرود ۲۹)

(۱) ویشنو Vishnu .

(۲) گروهی از مفسران ربیک بید منظور از کلمه «بعضی» را در اینجا انکراس‌ها دانسته‌اند .



۱۱۵

خطاب به شودیوها

- ۱ - در میان شما خدایان ، یکی نیست که کودک یا جوان باشد ،
براستی همه شما وجود کامل (بزرگ) هستید.
- ۲ - نابود کننده دشمنان، خدایانی که «مانو» شما را میپرستند.
شما سی و سه تن هستید ، و بهمین گونه در سرود خوانده شده‌اید. (۱)
- ۳ - ما را نگاهداری کنید ، و از ما حمایت فرمائید، و ما را
(به خوبی) دلالت نمائید ، ما را از راه‌های پدرانمان « مانو » دور
مسازید ؛ و نه از راههائی که از آنها دورتر است.
- ۴ - خدایانی که در این جا حاضرید ، و این قربانی کامل به
شما تقدیم میشود، سرور و خوشبختی مشهور، و کله‌های گاو و اسبان
به ما عطا فرمائید .
(ماندالای هشتم - سرود ۳۰)

(۱) بنگرید صفحه ۳۱۵ این کتاب را .



۱۱۶

دستایش خدایان مختلف

۱ - آن که نذور را (به خدایان) تقدیم میکند ، به آنها تقدیم میکند ، او نذرهای مایع را فرو میریزد ، (و نان مقدس را) تقدیم میدارد .

او از تکرار ستایش واقعی اندرا لذت میبرد .

۲ - اندرا آن کس را که به او نان (مقدس) تقدیم میکند و سومای آمیخته باشیره پیشکش مینماید ، از گناه حفظ می فرماید .
 ۳ - ارا به درخشانی که خدایان فرستاده اند ، به سوی او می آید ، و با آن همه دشمنی ها را از میان بر میدارد ، و کامیاب میشود .

۴ - در خانه او نعمت ابدی توأم با کثرت اولاد (موجود است) و گاوان شیرده را شب و روز میدوشند .

۵ - خدایان ممکن است زن و شوهری باشند که با يك فکر نذرها را تقدیم کنند ، و آنها را پاک سازند ، و با سومای آمیخته باشیر (خشم شما را فرو نشانند) .

۶ - آن‌ها که پیوسته با هم‌اند؛ باشد که گوشت (قربانی) مناسب به دست آورند؛ باشد که بتوانند قربانی تقدیم کنند؛ مبادا که هرگز بی رزق (که خدایان میدهند) بمانند.

۷ - آن‌ها (و عده خود را) به خدایان نمی‌شکنند، و از ستایش شما، خود داری نمی‌نمایند؛ بلکه غذای فراوان (در قربانی) تقدیم میدارند.

۸ - برکت فرزندان جوان و بالغ به آنها عطا گردیده، و هر دو بازیورهای گران آراسته شده؛ همه زندگانی خود را (به شادی) میگذرانند.

۹ - قربانی‌های قابل قبول تقدیم میکنند، و ثروت دلخواه خویش را به دست می‌آورند، و (نذور) اقناع‌کننده (به خدایان) تقدیم میدارند تا ابدیت به دست آورند و از اتحاد شخصی لذت ببرند، و آن‌ها (زن و شوهر) خدایان را عبادت نمایند.

۱۰ - ما آن شادمانی را که کوه‌ها، و رودخانه‌ها و ویشنو (می‌بخشند) و با (خدایان) پیوسته است، آرزو مندیم.

۱۱ - باشد که پوشان قابل پرستش و خداوند نعمت و نیک‌خواه -
ترین سرور همه، بامیمنت بیاید.

باشد که راه پهن‌آوری به سوی سعادت ما باز شود.

۱۲ - همه کسانی که فکر (با ایمان) دارند، از (ستایش -
کنندگان) خستگی ناپذیر آن خدای قاهر (پوشان) میباشند، بر استی

(او) بیگناه (ترین) «آدیتیا»ها است .

۱۳ چون «میترا» و «اریمن» ، و «ورونا» حامیان ما هستند ؛
باشد که بدآسانی از راههای قربانی بگذرند .

۱۴ - من باستایش اگنی الهی پیشرو شما (خدایان) را پرستش
میکنم (بخاطر) ثروت پرستندگان (او را عزیز میدارند ، آن که)
چون دوستی حامی بخشایشگر قربانی است .

۱۵ - ارا به پرستنده با ایمان به سرعت (تسلط می یابد) همان
گونه که قهرمان در انواع جنگها ؛ برپادارنده قربانی که میخواهد
نظر خدایان را بخود معطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند
مغلوب می سازد .

۱۶ - مؤمن به خدایان ، وریزنده نذور برای آنان تو ای
پرستنده هلاک نخواهی شد ؛ برپا دارنده قربانی که میخواهد نظر
خدایان را بخود معطوف دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب
میسازد .

۱۷ - هیچکس مانع اعمال او نخواهد بود ، او را هرگز (از
مقامش) بیرون نخواهند راند ، او هرگز (از خانواده خود) جدا نخواهد
شد ؛ برپادارنده قربانی که میخواهد نظر خدایان را بخود معطوف
دارد ، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب میسازد .

۱۸ - او در این نشأه حیات فرزندان برومند خواهد داشت ،

ورمدهای اسبان تندرو .

برپا دارنده قربانی که میخواست نظر خدایان را بخود معطوف
دارد، کسانی را که قربانی نمیکنند مغلوب میسازد .
(ماندالای هشتم - سرود ۳۱)



۱۱۷

درستایش و شنو

- ۱ - مردم سودجوئی که هدیه خویش را به سوی بشن بلند گام می آورد ، هرگز توبه نمیکنند،
آن که او را با تمام جان خویش پرستش مینماید ، برای خود نیکخواه بزرگی به دست آورده است.
- ۲ - تو ای بشن که در طریق خویش مستقر میباشی، به مردم حسن نیت و سرودی جاوید عطا فرمودی، تا ما را به سوی راحتی های فراوان و ثروتی عالی با اسبان زیاد رهبری فرمائی.
- ۳ - این خدا با تمام عظمت خود این زمین درخشان را با صد شکوه سه مرتبه به قدم خویش پیمود.
ویشنو از همه برتر باد، و قویتر از همه نیرومندان، چون نام او که برای همیشه زنده است پرافتخار میباشد. (۱)
- ۴ - بشن با قدم نیرومند خویش بر این زمین گام نهاد، و حاضر بود که آن را برای منزل لگام به «مانو» ببخشد.

(۱) مقصود از زمین بنظر یکی از مفسرین ریگک بید ، زمین و فلك و عرش است .

اعتماد مردم فروتن برای امن و سلامت بدو است ، او که بشرف تولد یافته منزلگاههای فراخی برای آنها (مردم فروتن) ساخته است .

۵ - امروز من این نام را ای «شیپی ویشته» ستایش می‌نمایم، من کدر (فهم) قوانین ماهرم ، نام‌تورا ای شرافتمند .

آری من بیچاره ضعیف ترا ای نیرومند که در کشوری ورای این ناحیه مقام‌داری ستایش می‌کنم .

۶ - چه سرزندی بر تو بود ای بشن هنگامی که گفتم : منم

شیپی ویشته ؟

این صورت را از ما پنهان مساز ، و آنرا مخفی مکن چون تو شکل دیگری در نبرد بخود گرفتی . (۱)

۷ - ای ویشنو ، لب‌های من به سوی تو فریاد « وشت » برمی آورد ! باشد که این تقدیمی من ترا ای « شیپی ویشته » خوش آید .

باشد که این سرود های مدیح من تو را تجلیل نماید ، ای خدایان همیشه ما را بابرکت خود حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۰)

(۱) معنی این بند روشن نیست . بعضی آنرا چنین تفسیر کرده‌اند که بشن در جنگ با « ویشته Vasishtha » شکل مصنوعی بخود گرفته بود و به این جهت ریشی که او را شناخت لقب: «شیپی ویشته» که بمعنی پوشیده از نور است به او داد . شاید بتوان ریشه اعتقاد هندوان را به مظاهر مختلف ویشنو در این سرود جستجو کرد . (۲) وشت، کلمه ندائیه‌ای که لحظه تقدیم و اهدای نذیر به آتش همراه شگفتی ادا می‌شود .



۱۱۸

اندرا و ورونا

۱ - منم آن پادشاه فرمانده که پادشاهی از آن من است ، و من که بر همه حیات فرمان می-رانم ، همه جاوید ها از آن من اند .

خدایان از ورونا فرمانبرداری و پیروی خواهند نمود .

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم .

۲ - منم پادشاه ورونا که همه قدرت های عالی موجود آسمانی به من اعطا شده است .

خدایان از ورونا فرمانبرداری و پیروی خواهند کرد .

من پادشاه بالاترین پوشش مردمم .

۳ - منم ورونا ، منم اندرا ، این دو ناحیه زرف نیکو ساخته در عظمت خویش ، و این دو نیمه جهان از آن من است ،

حتی مانند توشتی همه موجودات را که بر یکدیگر متصل و ملحق گردیده اند ، میشناسم .

۴ - من آب‌های رطوبت خیز را به جریان انداختم، و آسمان را
به قوت در جایگاه نظم برقرار ساختم .

من پسر «ادیتی»، و حافظ قانون، بموجب قانون جهان رادر سه
پیمایش گسترده‌ام (۱).

۵ - قهرمانان با اسب‌های نجیب جنگجو، و جنگ آزمايان
برگزیده در نبرد مرا میخوانند.

من اندر ای مکھون جنگ را برمی افروزم، و خاک را برمی -
انگیزم؛ من خداوند نیروی برترم .

۶ - همه این‌ها را من کرده‌ام، و قدرت مغلوب کننده
خدایان هرگز مانع من نمیگردد، و کسی بسا من رو برو
نمیشود.

وقتی ستایش‌ها و شیرۀ سوما مرا به نشاط می‌آورد، و هر دو
ناحیه نامحدود به‌هراس می‌افتند. (۲)

۷ - همه موجودات این کارهای تو را میشناسند، تو این را به
ورونا میگوئی، تو ای بخشنده بزرگ .

توئی که بکشتن «وریترا»ها مشهوری. توئی که سیلاب‌های
فروسته را روان ساختی . (۳)

(۱) در چهاربند اول این سرود ورونا سخن میگوید . منظور از « پسر
ادیتی » واورنا میباشد .

(۲) گوینده در این دو آیت (۵ و ۶) اندراست .

(۳) در این بند خود شاعر گوینده است .

۸ - پدران ما این‌ها بودند، هفت‌ریشی (دانشمند) در آن وقت که پدر «دورگه» در بند (اسیر) بود، آن‌ها (ریشی‌ها) برای آن زن بوسیلهٔ قربانی «ترسه‌دسیو» را به دست آوردند که چون نیمه خدائی مانند اندرا، مغلوب‌کنندهٔ دشمنان بود. (۱)

۹ - همسر «پرو کوتسه» با بندگی نذور را به شما تقدیم داشت، ای اندر - وارونا ،

پس آن گاه شما «ترسه‌دسیو» شاه را به او عطا فرمودید - آن نیمه خدائی که دشمن را هلاک ساخت .

۱۰ - باشد که اموال زیاد لذت از ثروت، و خدایان در نذور، و گاوها در چراگاه ،

و گاو شیرده که از شیر دادن خودداری ننماید، ای اندرا - وارونا روزانه به ما اعطا فرمائید. (۲)

(ماندالای چهارم - سرود ۴۲)

(۱) معنی این آیت تا حدی مبهم است و ظاهراً بنا بر گفتهٔ بعضی از مفسران رکت بید از اینقرار می‌باشد که چون «پورو کوتسه Purukutsa» پسر «دورگه Durgaha» به اسارت افتاد زن او از آن هفت‌دانشمند (هفت‌ریشی) استدعای فرزند کرد و آنها با مساعدت اندرا و وارونا پسری به نام ترسه‌دسیو Trasadasyu برای او بوجود آوردند .

(۲) منظور از گاو شیرده، ثروت است . سرود بالا مکالمهٔ است میان وارونا و اندرا و خود شاعر (ریشی) .



۱۱۹

خطاب به ورونا

Varuna

۱ - سرود عالی و موثر بسرائید در حقشناسی از ورونای شکوه مند و فرمانروای همه،

آن که زمین را چون پوستی درپیشگاه سوریه بگسترده است مانند کسی که قربانی را ذبح میکند .

۲ - آن که هوا را به نوک درختان رسانیده ، و گاوآن را شیر بخشیده ، و اسبان را سرعت قوی عطا فرموده است ،
عقل را در دل ها نهاده ، و آتش را در آب ها ، و سوریه را در آسمان ،
و سوما را در کوهستان . (۱)

۳ - ورونا آن صندوق بزرگ را که به سوی پائین گشوده است ، از میان آسمان ، و زمین ، و جو میانین عبور میدهد ،
و با آن فرمانروای کیهانی زمین را سیراب میسازد ، همان
گونه که رگبار باران بر جو می بارد .

(۱) عبارت : « نوک درختان » ، Vāneshu را ساینه Vrikshagreshu در برابرها تفسیر نموده است .

۴ - آن گاه که ورونا در آرزوی شیر است، آسمان، زمین و خاک را تا بنیاد آن تر میسازد،

آن گاه کوه هارا راست میسازد و آن ها را با ابر باران میپوشاند، در هنگامی که قهرمانان به قدرت خویش آن هارا متزلزل ساخته اند. (۱)

۵ - من این عمل توانای سحر آمیز ورونا ی شکوه مند، و خداوند جاوید را اعلام خواهم نمود، (۲)

آن که در فلک ایستاده و زمین را با خورشید چون پیمانهای پیموده است.

۶ - هیچ کس بتحقیق موجب ویا مانع این عمل سحر آمیز و توانای آن خداوند داناتر از همه نگشته است.

چنان که رودخانه های زلال (صاف) با تمام طغیان های خود یک دریا نیز که آب های خود را در آن میسریزند، پر نمیسازد.

۷ - اگر ما در باره آن که مارا دوست دارد گناهی کرده و

(۱) مقصود از عبارت: «در آرزوی شیر است»، شاید این است که برای نذر شیر میخواید یا آن که منظور از شیر باران حاصلخیزی است که از ابرها می بارد. و مراد از قهرمانان ماروت هاست که پای بست کوهها را بلرزه در آورده اند. ظاهراً در اینجا منظور از «زمین» الهه زمین یا زمین مجسم نیست بلکه منظور خدای جومیا نه یا فلک است.

(۲) سحر آمیز = Mäyäm

یا نسبت به برادر و یادوست یا رفیق یا همسایه‌ای که با ما است یا
بیگانگان خطائی مرتکب شده‌ایم، ای ورونا ، این تقصیر را از
ما بردار .

۸- اگر ما چون قماربازان در بازی قلب کنیم یا قلب کرده‌ایم
یا ندانسته یا دانسته گناه نموده‌ایم ،
همه این گناهان را مانند غل و زنجیر از ما دور ساز ، وای
ورونا ما را مورد مهر شخص خویش قرار بده.
(ماندالای پنجم - سرود ۸۵)



۱۳۰

دستایش ویشواکرمن

Visvakarman

۱ - پدر چشم ، داناروان ، هر دو جهان را غرق در فربهی بیافرید .

سپس هنگامی که انتهای شرقی استوار گردید ، آسمان و زمین گسترش یافت.

۲ - ویشواکرمن در فکر، ونیروقوی است، سازنده ودهنده و الاثرین حضرت.

تقدیمی های آن ها با شیر^(۱) فراوان شادی میکنند، وقتی که آن ها آن یگانه را ارزش بگذارند، آن ذات یگانه بالاتر از هفت ریشی .

۳ - پدری که ما را به وجود آورد ، آن که چون تمشیت دهنده ای همه نژاد ها ، و همه چیزهای موجود را می شناسد .

حتی تنها او، نام گذارانده خدایان ، سایر موجودات برای کسب اطلاع در جستجوی اویند.

۴ - کنج هارا در راه او فدیبه میدهند - ، ریشی های باستانی

(۱) منظور عصارة سوماست .

در گروه‌های متعدد، سرود میخوانند،
آن که در نواحی دور و نزدیک و سفلی اشیائی را که موجود
است، مهیا ساخت .

۵ - آن که پیش از این زمین و آسمان وجود داشت ؛ پیش
از آن که «اسورا» ها و خدایان بوجود آیند ،
جرثومه نخستین که به آب‌ها داده شد، و همه خدایان با هم
دیده شدند چه بود ؟

۶ - آب‌ها جرثومه نخستین را گرفتند که در آن تمام خدایان
با هم گرد آمدند ،

آن بر روی ناف تولد نیافته خود قرار گرفت، آن یگانه‌ای که
همه چیزهای موجود در آن قرار دارند.

۷ - کسی که این موجود را آفریده است شما نخواهید یافت،
چیز دیگری در میان شما بر خاسته است.

پوشیده شده در ابرهای نمناک بالبائی لوزان ، سرود خوانان
باعدم رضایت سرگردانند . (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۸۲)

(۱) منظور از عبارت : «چیز دیگری» ، بنظر بعض مفسرین موجود
متفاوتی است که باشما افراد دارای احساسات و وجدان های فردی و غیره فرق
دارد .

بعض دیگر عبارت را چنین تفسیر کرده‌اند : شما که در فکر لذایذ دنیوی
و اخروی هستید تحت تأثیر دانش دروغین و نادانی واقع گشته‌اید و از دانش حقیقت
محروم‌اید . ولی برای مطابقت دادن این تفسیرها بیکدیگر هیچگونه اماره و
نشانه‌ای در میان نیست .



۱۲۱

خطاب منیو

Manyu

۱ - آن که تورا تجلیل کرده است ، ای منیو ، ای صاعقه نیست کنند ، برای خویش نیروئی غلبه کننده تهیه نموده است . «آریه» و «داسه» را ما بایاری توای پیروزمند باغلبه و غلبه سریع ، مغلوب خواهیم ساخت .

۲ - منیو ، اندرا بود ، آری آن خدا منیو بود ، منیو ، «هوتر» ، ورونا ، و «جات ویداس» بود .

اقوام نوع بشر منیو را پرستش میکنند و بروفق جلادت (حرارت) خود ، ای منیو ما را حفظ فرما .

۳ - ای منیو ، ای نیرومندتر از نیرومندان ، این جا بیا ، و با جلادت خویش مانند متحدی دشمنان ما را بران . (۲)

ای کشنده دشمنان ، و وریترا ، و داسیو ، همه گونه ثروت و

(۱) منیو (منیوج Manyu) : جسم غضب و غیظ ، غضب .
 (۲) در متن اصلی واژه : « تپسا Tapasā » بکار رفته که بمعنی جلادت یا گرمی و حرارت است .

کنج برای ما بیار.

۴ - چون توئی منیو، با قدرتی متجاوز و شکننده و دشمن کش
و موجود بخویش .

ای پیروز مند، ای غالب که همه مردمان از تو سهمی دارند ،
نیروئی زبردست در جنگ به ما عطا فرما .

۵ - ای خدای دانا، من به اراده تو ، ای توانا، بی آن که سهمی
دریافت دارم، رفته ام .

ای منیو، من که ارزشم در پیش تو ، مردضعیفی است، من خود
به سوی تو آمده ام تا مرا نیرو بخشی .

۶ - به اینجا بیا ، من همه از آن توام چون تو پیش آئی بسوی
من رو کن، ای پیروز مند، ای حافظ همه .

به سوی من آی، ای منیو؛ ای که رعد را چون سلاحی به دست
داری، در فکر دوست خود باش و داسیوها را هلاک ساز .

۷ - نزدیک شو، و در دست راست من مقام ساز تا ما جمعی از
دشمنان را بهلاک رسانیم .

بهترین شیر و عسل را برای نگاهداری تو تقدیم مینمایم ؛
باشد که ما اولین کسانی باشیم که به آرامی از آن بنوشیم .

(ماندالای دهم - سرود ۸۳)



۱۲۲

درتایش ویشنو

Vishnu

۱ - مردم نتوانند بجلال تو که ازهر حدی گذشته است، نزدیک شوند، و تنها (آن جلال) به اندازه اندام (من) تو است. ما ای ویشنو، هر دو ناحیه زمین تو را می شناسیم، و نوای خداوند اعلیٰ علین آنرا نیز میدانی. (۱)

۲ - ای خداوند بشن، هیچکس که تولد یافته، یا تولد یابد، بعد اعلای عظمت تو نتواند رسید.

گنبد پهن اور بلند آسمان را تو نگاه داشته ای، و مناره مشرق زمین را تو محکم بر افراشته ای.

۳ - غذای شیرین تو فراوان باد، و گاو های شیرده تو با چراگاه های حاصلخیز، بر آن باش که مردم را خدمت کنی ای ویشنو.

(۱) ظاهراً منظور از دو ناحیه زمین، زمین و فلک است که دو ناحیه فرو دین میباشند و در حد ادراک ماست، و ناحیه سوم از آن بشن است که - بنا بر اساطیر هند و - با کام سوم خود بدان رسیده است.

تو این دو جهان را از یکدیگر جدا ساخته‌ای ، وزمین را
با گل میخ‌هایی (چوبین) در پیرامون آن استوار نموده‌ای.
۴ - ما هجلی فراخ برای قربانی با وجود آوردن سوریا ، و
سپیده‌دم ، واگنی مهیا کرده‌ایم.

ای قهرمانان ، شما در نبردهای خود حتی جادوئی و پستی‌های
داسه گاو پوزه را مغلوب ساخته‌اید. (۱)

۵ - توای اندرا ، و توای بشن ، کوشک‌های نود و نه دیواره
«شمبره» را ویران ساخته‌اید.

شما دوشخص هزار قهرمان غلبه‌ناپذیر (بی‌امان) ورچین‌شاهی
را صد مرتبه فرو کوفته‌اید. (۲)

۶ - این است سرود شیوای ستایش خداوندان قوی گام‌نیرومند
والامقام .

ای بشن ، من ترا با سرودهای روحانی (رسمی) می‌سرایم ، ای
اندرا ، در لشکر گاه (اردو گاه) های ما رزق فرو ریز.

۷ - ای ویشنو ، لب‌های من به سوی تو فریاد «وشت» (۳)
بر می‌آورد ! باشد که این تقدیمی من ترا ای «شیپی ویشته» (۴)

(۱) گاو پوزه یا «دری‌شه‌شپره» Vrīṣhasipra نام داسه Dāsa (وحشی)
(۲) ورچین Varchin : دیوی که اندرا ، او و پسران و پیروانش را
کشت . وحشی . غیر آریایی .
(۳) وشت Vashat لفظی است که هنگام تقدیم نذوبرزبان می‌آورند.
(۴) شیپی ویشته Sipivishṭa (پوشیده از نور) لقب بشن .

خوش آید؛

باشد که این سرودهای مدیح من ترا تجلیل نماید.
ای خدایان همیشه ما را با برکت خود حفظ فرمائید (۱).

(ماندالای هفتم - سرود ۹۹)

(۱) واژه «ویشنو» از فعل : « ویش Vish بمعنی نفوذ و تسلط و مستولی بودن است . در رگ بید ویشنو از خدایان طراز اول نیست، بلکه مظهر نیروی آفتاب است که در سه گام از هفت ناحیه جهان میگذرد و کلیه اشیاء و موجودات را از گرد نور خود احاطه میکنند . بعضی از مفسران ریگ ودا این سه گام را مظاهر سه کانه نور که آتش و برق و خورشید باشد تعبیر کرده اند . بعضی دیگر آنرا سه وضع خورشید یعنی موقع طلوع و هنگام ظهر و وقت غروب دانسته اند . در بعضی از سرودهای ریگ بید نام ویشنو با وارونا، ماروت ها ، اریمن ، رودرا، وایو، و آدیتیاها آمده است . ویشنو امروز نیز پرستش میشود. این خدا بنا بر عقیده هندوان در اتمار مختلف به صورت مظاهر مختلف Avatara آشکار میگردد .



یم و یَمی

Yamī Yama

۱ - آرزو دارم که از دوست خویش ، دوستی مهرآمیز به

(۱) « یم Yama » ، و « یمی Yamī » پسر و دختر « ویوسوت Vivasvat » اند که ریشی‌ها می‌باشند و در عین حال خدایان این سرودند که در واقع مکالمه بین آن‌هاست .

بعقیده « فن رت Von Roth » ، « یم » و « یمی » بطوری که از نام آن‌ها پیداست خواهر و برادر توأمی (دوقلو) میباشند که زوج اول نوع بشرند و نوع بشر از آن‌ها پیدا شده‌است .

نظر « یهود » که خلق « حوا » را از پاره تن « آدم » میدانند شبیه به این فکر هندوان است که آن‌ها را توأم میدانند . در این سرود این عقیده از زبان « یمی » بیان شده بدین شرح که میگوید : « حتی در رحم نیز ما را خالق زن و شوهر آفرید » . و وقتی « یمی » از « یم » تقاضای ازدواج کرد « یم » بگذرگناه بودن ازدواج خواهر و برادر آن تقاضی را رد نمود .

پروفسور « میلر Müller » معتقد است که « یمی » شب ، و « یم » روز است . « میلر » در جای دیگر میگوید که حتی در یک جا ازودان نیز اشاره بدان نشده‌است که « یم » و « یمی » « آدم » و « حوا » ی‌هندیان باشند . اگر « یم » اولین بشر مخلوق می‌بود حتماً سرایندگان سرود های ودا این موضوع را مسکوت نمیگذاردند ، معهذا در اتهر و اودا Atharva - Veda (سرود ۱۳ و ۳ و ۱۸) آمده است که « یم » پسر « ویوسوت Vivasvat » جمع‌کننده مردم اولین بشری بود که مرد و نخستین کسی بود که به دنیای آسمانی رفت .

دست آورم ؛ باشد که دانشمند از میان اقیانوس پهناور هوا
بیاید.

زمین و ایام آینده را به خاطر داشته، پسری به دست آورد که
خلف پدرش باشد. (۱)

۲- دوست تو، آن گونه دوستی را که بموجب آن ، آنکه
خویشاوند نزدیک است بیگانه میداند، نمی پسندد .

پسران «اسورا»ی نیرومند، قهرمان حمله آسمان ها، اطراف
خود را می بینند. (۲)

۳- جاویدها با اشتیاق این را از تو میخواهند : فرزندان
تنها موجود فانی .

پس بگذار روح من و تو بیکدیگر بپیوندد ، و چون شوهری
مهربان همسر من شو. (۳)

۴- آیا باید کاری کنیم که هرگز نکرده ایم ؟
ما که از تقوی سخن میگوئیم ، آیا اکنون از پایدی سخن
گوئیم ؟

(۱) در این آیت « یمی » سخن میگوید . منظور « یمی » اینست که از
« یم » پسری پیدا کند ؛ زیرا بی آن زمین بی سکنه بشری خواهد ماند .
(۲) آیت دوم جواب « یم » است به « یمی » و منظور از بیگانه زنی از
خانواده دیگر است که بتواند زوجه قانونی باشد .
(۳) در این آیت « یمی » سخن میگوید .

کند هرب (۱) در طوفان‌ها با آبی آب‌ها، این است رابطه ما،
این است بالاترین خوبشاوندی ما. (۲)

۵ - حتی در رحم خداوند نوشتری زندگی بخش، و سازنده
همه اشکال، و آفریننده، مارا همسر یکدیگر ساخته است.
هیچکس از قوانین مقدس او تخطی نمی‌کند؛ آسمان و زمین
معترف است که ما از آن اوئیم. (۳)

۶ - کی آن روز نخست را که از آن سخن می‌گوئی میداند؟
که او را دیده است؟
که میتواند آن را اعلام نماید؟
بزرگ است قوانین «ورونا»، و «میترا».
چه لاطا ثلانی به مردم خواهی گفت تا آن‌ها را اغوی
کنی؟! (۴)

۷ - عشق «یم» بر من که «یمی» هستم مسلط است تا بتوانم در
کنار او بربیک بستر بیارامم.
من چون زنی خود را تسلیم شوهرم می‌نمایم، مانند چرخ‌های ارا به

(۱) کند هرب (کند هروه Gandharva) : مطربان بهشتی یا آسمانی.
(۲) یم سخن می‌گوید.
(۳) یمی سخن می‌گوید.
(۴) یم سخن می‌گوید.

بشتا بید تا بیکدیگر برسیم. (۱)

۸ - نکهبانان خدا یان که پیرامون ما در حرکت اند، هرگز آرام نمیگیرند، و چشم خود را نمی بندند .

مرا (واگذار) ای لا ابالی (بی بندوبار) و به سوی دیگر بشتاب،
و چون چرخ ارا به سرعت بگیر تا بدو برسی. (۲)

۹ - باشد که چشم «سوریا» باش و روز بر او ببخشد، و نور آن در پیش پای او (یم) بتابد.

در آسمان و زمین آن جفت خویشاوند بهم می پیوندند . عمل
نابردارانه «یم» به کردن «یمی» باشد. (۳)

۱۰ - بر استی ایامی متوالی خواهد آمد که برادران و خواهران
کارهائی نه در خور خویشاوندی انجام دهند.

اما من (اهل آن نیم) ای زیبا، - شوهر دیگری بجوی و بازوی
خود را بالش همسر خویش ساز. (۴)

۱۱ - آیا وقتی که هیچ سروری برای زن باقی نماند باز هم

(۱) در این آیت یمی سخن میگوید .

(۲) یم در جواب یمی میگوید .

(۳) یمی در این آیت دز پاسخ «یم» سخن میگوید . منظور از این بیت آن است که اگر در این کار گناهی باشد نتیجه آن کردن کیر «یمی» میشود و مجازات آن که کوتاهی عمر است گریبانگیر «یم» نباشد ظاهراً، مقصود از جفت خویشاوند، شب و روز است.

(۴) در این بندیم در پاسخ حرف یمی میگوید .

برادری برجاست ؟

آیا وقتی ویرانی می آید باز هم او خواهر است؟
عشق من، مرا بگفتن این سخنان ناگزیر میسازد، نزدیک آی،
و مرا تنگ در آغوش گیر. (۱)

۱۲ - من دست خود را به دور تن تو حلقه نخواهم
کرد ، و وقتی کسی بخواهر خویش نزدیک شود ، آن را گناه
میخوانند .

من (اهل آن نیستم) ، حفظ خویش را برای دیگری آماده
ساز ، برادر تو آن را از تو نمیخواهد، ای زیبا. (۲)

۱۳ - دریغ ای «یم» تو بر استی ضعیف هستی، ما در تو اثری از
دل و روح نمی یابیم .

همان گونه که (گیاه) پیچک به درخت می پیچد و بالا میرود ،
دیگری چون کمر بندی به کمر تو خواهد چسبید. (۳)

۱۴ - کس دیگری را در آغوش گیر ای «یمی» ، بگذار تا دیگری
مانند پیچک که بر درخت می پیچد ترا در آغوش گیرد.
دل او را به دست آور، و بگذار که او عشق تو را تحصیل نماید ،

(۱) تمایل یمی به یم در اینجا ظاهر میشود و در جواب یم میگوید

(۲) در این آیت یم جواب میدهد .

(۳) در این بند یمی پاسخ میدهد .

واوباتو پیوند مقدسی بوجود آورد. (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۰)

(۱) تفسیر ساینه از این سرود مشکل در چند مورد با ترجمه اختلاف دارد. درباره این سرود عده از ارباب فن مثل ویلسون، وپاندیت‌های زمان او، و دکتر موئر Muir و دکتر اهنی Ehni و غیر آنها سخن گفته‌اند. یم و یمی که در بعضی از ادبیات مقدس هندو برادر و خواهر ویاپدرومادر اولین بشر خوانده شده‌اند، همان یم (جم) Yima و Yimāka مذکور در اساطیر ایرانی است.



۱۲۵

شکومیان پوروراوسه و اوشی

(Urvasī , Purū-ravas)

۱ - هلا ای همسر من ، ای بانوی سخت دل ، بایست تا با یکدیگر مجامعه کنیم .

(۱) این سرود مکالمه است بین « پورو راوسه » و « اوروشی » ، این دو جدا گانه ربشی هائی هستند که قطعات مختلف را در این سرود بیان میکنند . این مکالمه که در بعضی از قسمت ها بکلی نامفهوم میباشد شامل نکات اولیه داستانی است که در « شت پت براهنم » Satapatha-Brāhmana بیان شده ، و بعداً نیز در « مهابهارت Mahābharata » ، و « پورانا Puranas » ها نقل گردیده است . این حکایت اساس نمایشنامه « ویکرا موروشی Vikramorvasi » یا قهرمان و پری زاد میباشد . بموجب این داستان « اوروشی » که یکی از « اپ چهرا (اپسارا Apsaras) » ها یا « پریان آسمان » است به زمین تبعید شد و موافقت نمود که با « پورو راوسه » شاه زندگی کند مشروط بر اینکه آن پادشاه از دو قوج مورد علاقه او نگاهداری کند و بملاوه هرگز آن پادشاه را برهنه نبیند . مدت چهار سال « اوروشی » با « پورو راوسه » بسر برد و آن گاه « کندهرب ها Gandharvas » (« مطربان آسمانی ») مصمم شدند که او را به آسمان برگردانند . بدین منظور یکی از قوج ها را شبانگاه می دزدند . پورو راوسه از رختخواب خویش بیرون می جهد و کندهرب ها شعاعی از نور سحر آمیز براوی تابند ، و « اوروشی » شوهر خود را برهنه می بیند و یکی از شرایط ادامه همسری آنها شکسته میشود و آن پری زاد ناپدید میگردد . « پورو راوسه » بعدها او را می بیند و بی ثمر تمنای بازگشت او را میکند . بساری دل سخت او کمی نرم میشود و پسری از آنها بوجود می آید .

افکار چون افکار ما که در ایام گذشته نا گفته مانده، هیچ آرامشی برای ما نیاورده اند (۱).

۲ - من اکنون با این گفتار تو چه توانم کرد؟ من مانند صبح اول از پیش تو رفته ام .

ای پوروراوسه، به منزل خویش باز گرد، به دست آوردن من بسان (بستن) بادمشکل است (۲).

۳ - بسان تیری که برای افتخار از ترکش رها کردد، یا سب تیزتکی که برای سبقت از هزاران گاو بحرکت آید، آن نور بدرخشید، همان گونه که آن بُزدلان طرح آنرا ریخته بودند، آن مطربان چون گوسفندی که دچار زحمت باشد، صدا میگردند (۳).

۴ - او شوهر خود را زندگی و ثروت بخشید، از آن منزلگاه نزدیک، آن گاه که عاشقش از او خواسته بود. (۴)

(۱) در این بند «پوروراوسه» هنگام ملاقات «اوروشی» بعد از ناپدید شدن او سخن میگوید .

(۲) اوروشی جواب میدهد .

(۳) پوروراوسه سخن میگوید و اوروشی را بیاد او ضاعی که موجب ناپدید شدن او بوده است، می اندازد .

(۴) دربندهای چهارم و پنجم « اوروشی » سخن میگوید . شاید منظور از زندگی و ثروت، اولاد و اخلاف باشد .

او خانه‌ای که لذت خویش را در آن یافته بود ، جستجو می‌کرد ، و شب و روز آغوش خداوندگار (شوهر) خود را می‌پذیرفت.

۵- روزی سه بار همسر خود را در آغوش می‌گرفت ، هر چند که او نوازش‌های مشتاقانه‌ی تو را به سردی می‌پذیرفت .

ای پوروراوسه ، من به امیال تو تسلیم گشتم چون تو پادشاه بودی ، ای قهرمان تن من .

۶- دختران : سوجورنی ، شرنی ، سومن آپی ، چرنیو ، کرنه‌هینی ، و هر دچکشوس .

اینان مانند گاوان قرمز ، آن افراد نورانی را پیش‌رانند ، و چون گاوان شیرده به صد در آمدند. (۱)

۷- چون تولد یافت ، بانوان گرد او نشستند و رودخانه‌ها با قهرمانی ، و رادی او را غذا دادند ؛

و سپس ای «پوروراوسه» خدایان قدرت تو را در جنگ افزون

(۱) سوجورنی *Sujūrñī* ، شرنی *Šrenī* ، سومن آپی *Sumne - āpī* ، چرنیو *Charanya* ، کرنه‌هینی *Granthinī* ، و هر دچکشوس *Harde* ، *chakshus* نام‌های شش‌پ چهرامیباشد . این قطعه بنا بر قول «ساینه» از زبان «پوروراوسه» است که در اینجا نام پریانی را که هنگام پریدن «اوروشی» همراه او بوده‌اند ذکر میکند و آنها را به گاوهای قرمز شبیه می‌نماید . شاید منظور درخشیدن برق است که با صدای غرش رعد توأم می‌باشد .

ساختند تا «دسیو» هارا از میان برداری (۱)

۸ - چون من مرک پذیر هم آغوشی این دختران آسمانی را که جامه خویش را کنده ، و چون مار برهنه بودند طلبیدند ، با ترس از من بگریختند ، مانند اسبانی که ارا به آنها اصابت کرده باشد (۲) .

۹ - وقتی مردی که این موجودات جاوید را دوست دارد ، و این پریان به او اجازه صحبت میدهند ،

مانند قو زیبایی اندام خویش را بر او می نمایند ، و بسان اسبان بازیگوش او را می مکند و گاز میگیرند (۳) .

۱۰ - آن که مانند برق فروجهنده به روشنائی میدرخشید ، مرا هدایائی نیکو از آبها بیاورد ؛

(۱) اوروشی سخن میگوید ، و « پوروراوسه » را یادآور میشود که چگونه بانوان آسمانی که موقع ولادت او حضور داشتند ، او را مورد لطف قرار دادند و رودخانهها برایش دایگی کردند و خدایان او را نیرو بخشیدند . تفسیر دیگری از قسمت اول این قطعه آنست که « اوروشی » پسری را که بعداً برای « پوروراوسه » بدنیا خواهد آورد ، پیش بینی میکند .

(۲) در این قطعه پوروراوسه از آزر پریانی که در قطعه ششم نام برده و مصاحبت آن ها را برای تسلی خود خواسته است ، شکایت میکند . ظاهراً مقصود از عبارت مرک پذیر ، آن است که چون او خدا نبوده این وضع پیش آمده است .

(۳) اوروشی در این بند جواب میدهد و میگوید که پریان با مردم فقط ناز و کرشمه دارند .

باشد که اکنون پهلوان جوان نیرومندی از طوفان بوجود آید؛
باشد که عمر «اوروشی» تا ابد باقی بماند. (۱)

۱۱- تولد تو، مرا شیر گاو ان زمینی نوشانید، این نیرو را
تو ای «پوروراوسه» به من بخشیده‌ای.

من میدانستم، و تو را در آن روز خبر کردم، تو
سخن مرا نشنیدی، اکنون چه می‌گویی که هیچ چیز برای تو
فایده ندارد (۲).

۱۲- چون آن پسر بوجود آید، در جستجوی پدر خویش
خواهد بود، و مانند سوگواران وقتی که او را شناخت خواهد
گریست.

کیست که زن و شوهر موافق را از یکدیگر جدا سازد
در آن هنگام که آتش در نزد پدر و مادر همسر تو شعله ور است؟ (۳)
۱۳- من او را که اشک میریزد، تسلی خواهم داد؛ برای مهر بانی

(۱) پوروراوس سخن می‌گوید. مقصود از طوفان، «اوروشی» است که
از نواحی آب خیز آسمان می‌آید.

(۲) اوروشی سخن می‌گوید. قسمت اول این قطعه را به پیروی «ساینه»،
ویلسون، و کرسمن Grassmann و گلدنر Geldner باین تقریب ترجمه
کرده‌اند: «توبه دنیا آمده‌ی تازمین را محافظت کنی».

(۳) پوروراوسه سخن می‌گوید. مقصود از عبارت: وقتی که او را شناخت
خواهد گریست، آن است که چون از حکایت او (پدر) خبردار شود خواهد
گریست. و مقصود از عبارت تا وقتی که آتش شعله ور است اینست که تا هنگامی که
پدر و مادر شوهر زنده‌اند و با این همسری موافق می‌باشند.

که او را مبارك میسازد گریه و ناله نخواهد کرد.
آن چه از آن تو است در میان ما من برای تو خواهم فرستاد،
ای دیوانه، به خانه خود باز گرد، تو دیگر مرا به دست نخواهی
آورد (۱).

۱۴ - عاشق تو امروز برای همیشه خواهد گریخت، و بی آن
که باز گردد به دورترین نقطه خواهد رفت،
آن گاه بگذار تا خوابگاه او در آغوش هلاک باشد و گرگان
درنده خونخوار او را طعمه خود سازند. (۲)

۱۵ - نه ای پوروراوسه نمیر، واز میان مرو، و مگذار گران
بدخواه ترا فرو بلعند.
باز نان هیچگونه دوستی پایداری نیست، دل های گفتاران مانند
دل های زنان است. (۳)

۱۶ - زمانی که با صورتی مبدل من در میان مردم میزیستم، و
در چهارپائیز شب ها را در میان آنان بسر میبرد،
من شبانه روز تنها يك قطره گره می چشیدم و اینك حتی برای

(۱) اوروشی جواب میدهد. مراد از عبارت آنچه از آن تو است در میان ما،
ظاهرأ فرزند مشترك است.

(۲) در این آیت پوروراوسه او را بخود کشی تهدید میکند.

(۳) اوروشی در بندهای ۱۵ و ۱۶ سخن میگوید.

همان محکوم شده‌ام (۱).

۱۷ - من که بهترین عشق او (هستم) ، اوروشی را میخوانم که مرا دیدار نماید ، آن که هوا را پر ساخته و این ناحیه را تمام پیموده است .

اجازه فرما تا این هدیه که با پا کد امنی فرستاده شده به تو نزدیک گردد ، به سوی من باز گرد ، دل من در اضطراب است. (۲)

۱۸ - خدایان این گونه با تو سخن میگویند ، ای فرزند ایلا ، چون مرگ تو را در چنگال خود گیرد .

پسران تو با نذور خویش خدایان را خدمت خواهند کرد ، و تو در «سورگ» شاد خواهی بود (۳) .

(ماندالای دهم - سرود ۹۵)

(۱) یکی از شرایط همسری پوروراوسه ، و اوروشی آن بوده است که اوروشی روزانه فقط مقدار بسیار کمی روغن Ghrita بخورد .

(۲) در این قطعه پوروراوسه صحبت میکند .

(۳) بین بند ۱۷ و ۱۸ ظاهراً افتادگی هست که ادامه ترتیب را بهم

میزند . در آیت ۱۸ « اوروشی » ، پوروراوسه را دلداری داده است و به او وعده میدهد که بعد از مرگ او ، پسرانش برای خدایان قربانی کنند و او برکت یافته

وارد بهشت Svarga شود . فرزند « ایلا Ailā » یا فرزند ایلا Ilā دختر مانو

بوده اسم پوروراوسه است . بنظر لودویگ Ludwig ترتیب بندهای این سرود

باید تا حدی پس و پیش شود باین ترتیب : ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۶ و ۶ و ۷

و ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۱۸ .



۱۲۶

اندرا واندرانی

Indrāni — Indra

۱ - مردم از ریختن شیرۀ (سوما) خودداری نموده‌اند، و اندرا را خدا نمی‌شمارند.

(۱) در این سرود خدا، اندراست. بگفته و یلسون ریشی بندهای ۱ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ تا ۲۲ اندراست و ریشی بندهای ۲ و ۶ و ۹ و ۱۰ و ۱۵ - ۱۸ اندرانی میباشد، و ریشی آیت ۳ و ۷ و ۱۳ وری شاکپی Vrishākapi. بحر این سرود پنکٹی Pankti مرکب از پنج پادا Pada است. بنظر «ساینه Sayana» بند اول از زبان اندراست. و یلسون از نظر ساینه تبعیت کرده است، ولی دیگران آنرا از زبان اندرانی میدانند. وری شاکپی که در این سرود نامبرده شده خود کلمه بمعنی سناس قوی یا سناس (میمن) نر است و ظاهراً موجودی بین دیو و فرشته بوده است. ساینه او را پسر اندرا دانسته و یلسون نیز همین نظر را تأیید کرده است. بعضی هم او را آفتاب هنگام غروب دانسته‌اند که ابخره را بخود جذب میکند و تبدیل به باران مینماید. بنابر گفته برگین Bergain او قربانی کننده افسانه‌ای است. در این سرود گفته میشود که وری شاکپی نذورات و تقدیمی هائی را که به اندرا تقدیم شده تصاحب کرده و آنها را بخویشتن اختصاص داده است.

در آن جا که دوست من «وری شا کپی» از مخزن پرستندگان
(مؤمنین) خویش را سیراب کرده است .
اندرا بر همه سرور است .

۲ - تو ای اندرا ، بایی اطلاعی بر آن چه «وری شا کپی»
بدنهاد کرده است میگذری ، و حال آن که در جای دیگر محلی
برای آشامیدن شیرۀ (شراب) سوما نمی یابی .
اندرا بر همه سرور است . (۱)

۳ - چه کرده است که تو را رنج رسانیده است این حیوان
حنائی رنگ وری شا کپی نام که تو چنین بر او خشمگینی ؟
مخزن پررزق (پرتوشه) مؤمنین چیست ؟
اندرا بر همه سرور است . (۲)

۴ - زود باشد سگ تازی که گرازان را شکار میکنند، او را
گرفته و گوشش را گاز گیرد ،
ای اندرا، آن «وری شا کپی» که تو او را چون دوستی حمایت
میکنی .
اندرا بر همه سرور است . (۳)

(۱) در این آیت اندرانی ، اندرا شوهر خود را برای بی حالی ملامت
میکند .

(۲) اندرا سخن میگوید .

(۳) در این آیت ودویاسه بند بعد اندرانی سخن میگوید .

۵ - بوزینه اشپای زیبارا ضایع ساخته است - چیزهایی که با مهارت ساخته شده و موجب شادی من بود.

من سراورا خرد خواهم کرد : سهم گناهکاران بدبختی است. اندرا بر همه سرور است. (۱)

۶ - هیچ بانوئی بیش از من زیبایی ندارد، و نه ثروتی بیشتر از لذایذ عشق.

هیچ کس با گرمی بیشتری جمال خویش را در آغوش سرور (شوهر) خود تقدیم نمی نماید. اندرا بر همه سرور است .

۷ - مادری که محبت او به زودی به دست می آید، من میگویم که برستی چه خواهد بود؟

ای مادر، سینه من، و سر من، و هر دو سرین من می لرزد . اندرا بر همه سرور است. (۲)

(۱) منظور از اشپای زیبا بنظر ساینه، نذور است که پرستندگان اندرانی تهیه کرده اند، ولی بیشتر ممکن است که « وری شاکپی » به شخص اندرانی صدمه وارد آورده باشد .

(۲) ساینه این بندرا از زبان « وری شاکپی » میداند و بسیار نامفهوم است . اما بنظر لودویگک این قطعه از زبان اندرانی است که خشم خویش را نسبت به بی حیائی و بی آزر می وری شاکپی اظهار میدارد .

۸ - ای بانو که تورا دستان ، و بازوان زیبا ، وچین و شکن
زلف پریشان و سُرین های فر به است ،

چرا ای همسر فهردمان ، تو نسبت به «وری شاکی» ما
خشمگینی؟

اندرا بر همه سرور است . (۱)

۹ - این مخلوق موزی ، مرا بدان چشم مینگرد که از عشق
فهرمان خود محروم مانده ام ، و حال آن که من پسرانی
فهرمان دارم؛ من دوست «ماروت» ها ، و ملکه اندرا.

اندرا بر همه سرور است . (۲)

۱۰ - از ایام قدیم مادر بانو به جشن ها ، و قربانی های همگانی
میرود.

مادر فهردمانان ، ملکه اندرا ، و آمر بر مراسم را تجلیل
می نمایند.

اندرا بر همه سرور است .

۱۱ - من سخن اندرانی را شنیدم ، آن که در میان این بانوان
خوش اقبال ترین خوانده شده است؛

زیرا هرگز همسر او در ایام آینده در گردش روزگار نخواهد
مرد .

(۱) اندرا سخن میگوید .

(۲) در این آیت و بند بعدی اندرانی سخن میگوید .

اندرا بر همه سرور است. (۱)

۱۲ - ای اندرانی ، من هرگز بدون دوستم «وری شاکی» شاد
نبوده‌ام.

آن که تقدیمی خوش آیند او چون با آب صاف شود، به سوی
خدایان می‌رود.

اندرا بر همه سرور است.

۱۳ - ای «وری شاکی» دولت‌مند که با پسران و همسران
پسران خود مبارک گشته‌ای .

اندرا گاوهای تو را خواهد خورد ، نذر عزیز تو را که بسیار مؤثر است .
اندرا بر همه سرور است. (۲)

۱۴ - پانزده عدد، پس برای من بیست عدد گاو آماده ساخته‌اند
و من فربه‌ترین آنها را می‌بلعم ،
آنها شکم مرا با غذا پر می‌سازند .
اندرا بر همه سرور است. (۳)

(۱) در این بند و آیت بعدی اندرا سخن می‌گوید .

(۲) این آیت ظاهراً از زبان «وری شاکی» خطاب به زنش «وری شاکی»

« Vrishākāpāyī » است که سپیده دم یا شفق می‌باشد .

(۳) در این آیت اندرا صحبت می‌کند . ویلسون قسمت اول این بند را

چنین ترجمه کرده است : « پرستندگان برای من پانزده [و] بیست گاو ...

بنظر بعضی از مفسران ریگ وید منظور پانزده نفر قربانی کننده است

که باوری شاکی و زنش و فرزندانش بیست نفر میشوند . بنظر بعضی دیگر

مقصود اینست که پانزده بداضافه ۲۰ گاو تهیه میکنند .

۱۵ - مانند گاوی باشاخ های تیز و غُرّان در میان کله ،
این آشی که او برای تو میریزد به دل تو شیرین است .
اندرا بر همه سرور است .

۱۶ - مردی که عنین است ، نسلی بوجود نمی آورد ، بلکه آن
که دارای قوّت است .
اندرا بر همه سرور است .

۱۷ - آن که دارای قوّت است ، نسلی بوجود نمی آورد ، بلکه
آن که عنین است .
اندرا بر همه سرور است .

۱۸ - ای اندرا ، این «وری شاکی» حیوان وحشی کشته
یافته ، با ظرفدان ، و دیگی نو ساخته ، و کارد ، و ارابه پُر از
چوب .

اندرا بر همه سرور است . (۱)

۱۹ - «داسه» و «آریا» را از یکدیگر تشخیص داده بر همه نظر
کرده میروم .

(۱) در این بند اندرانی سخن میگوید . منظور از عبارت «حیوان وحشی»
ظاهر آخر وحشی «پرسونتم Parasvantam» است و در واقع منظورش تحقیر قربانی
است .

کلمه که ظرفدان ترجمه شده ممکن است به تخته قصابی (سلاخی) هم
ترجمه شود .

من بر عاقلان (بالطف) مینگرم، و شیرۀ سومای پرستنده ساده
دلرا مینوشم .

اندرا بر همه سرور است. (۱)

۲۰ - بیابان هموار، و سرایشب های تند، فرسنگ ها
گسترده اند،

نزدیکترین خانه ها برو، ای «وری شاکپی»، بمنزل
خود برو .

اندرا بر همه سرور است. (۲)

۲۱ - ای «وری شاکپی»، برگرد، ما باهم شادمانی خواهیم
آورد .

تو به سوی خانه خود برو تا از راهی که به خواب منتهی
میگردد .

اندرا بر همه سرور است.

۲۲ - وقتی شما اندرا، و وری شاکپی به سوی خانه خود سفر
کردید، آن حیوان موزی کجاست؟

(۱) منظور پرستنده ساده دل، پرستنده است که نذر خود را با صمیمیت

روح و ایمان تقدیم میدارد. این بند و دو بند بعد از زبان اندراست .

(۲) ظاهراً وری شاکپی در فکر است که از اندرانی خشمگین بگریزد

و به بیابان های دوردست فرار نماید. اندرا او را از این فکر باز میدارد و وعده
میدهد که او را با اندرانی آشتی دهد.

بکجارت آن حیوان که مردم را رنج میرساند؟
اندرا بر همه سرور است (۱)

۲۳ - دختر مانو پر شو در يك زادن بیست فرزند بوجود
آورد .

براستی سهم او شادی بود ، هر چند بارش موجب غم او
شد . (۲)

اندرا بر همه سرور است .

(ماندالای دهم - سرود ۸۶)

(۱) این قطعه و آیت بعدی ظاهراً از زبان اندرانی است .
(۲) معنی این قطعه مبهم است و هیچگونه ارتباط مشهودی با سایر
بندهای این سرود ندارد .
دختر « مانو Manu » بوجود آورنده نوع بشر است . درباره : « پرشو
Prasu » اطلاع مهمی در دست نیست . این کلمه بمعنی : « دنده » میباشد .
قسمت اعظم از این سرود قابل تفسیر نیست . بنظر « برگین Bergaigne »
منظور از وری شاکپی دوست اندرا ، « سوما » و منظور از « اندرانی » همسر
اندرا ، نماز است . و این افسانه عجیب این فکر را مجسم میسازد که اغلب گفته اند
اندرا ، سوما را بدون نماز ، و نماز را بی سوما دوست نمیدارد . گلدنر معنی
دیگری کرده است . ویلسون بندبالارا باین تفریب ترجمه کرده است :
« دختر مانو بنام پرشو دريك نوبت بیست فرزند زائید ، شاید خوشبختی .
ای خدنگ اندرا ، او را نشانه ساز که چنین شکم زائوئی دارد .
اندرا بر همه سرور است » .



۱۲۷

آفرینش

۱ - قربانی را از هر سو بارسمانی با (بوسیله) صدویک روحانی مقدس کشیده اند .

این پدران بافنده اینجا آمده اند ، در کنار نار (چله) نشسته اند و فریاد میکنند ، از جلو بیافید ، از عقب بیافید .

۲ - بشر آن را گسترش میدهد ، بشر آنرا باز میکند ، حتی آنرا تا طاق آسمان بافته است .

این میخها بد جایگاه پرستش کوبیده شده اند ، آنها سرودهای سومارا مَکوک بافندگی خود قراردادند .

۳ - قاعده و نظم و نمونه چه بود ؟ چهارچوب و دفتین چه بود ؟ سرود و آواز و انشاء چه بود وقتی که خدا و همه موجودات الهی عبادت می شدند ؟

۴ - « گایتیری » با « اگنی » بسیار با یکدیگر نزدیک

(۱) این سرود در ردیف سرودهایی است که در آفرینش جهان سروده شده است .

بودند ، و « سویترا » ، و « اوشینیه » بیکدیگر پیوسته اند .
 « سومنا » که با « او کتهه » ها میدرخشید به « انوشتب » پیوست ،
 « بریهتی » صدای (آوای) « بریهسپتی » را مدد میکرد (۱) .
 ۵ - « ویراج » به « ورونا » ، و « میترا » چسبیده بود ، در اینجا
 « ترشتب » سهم روز به روز اندرا بود ،
 « جگتی » به همه خدایان با هم وارد گشت ، و با دانستن آن مردم
 بمقام ریشی ارتقاء یافتند . (۲)

(۱) گایتری *Gāyatri* (موزون) یکی از بحر های عروض در زبان
 سانسکریت دارای ۲۴ مقطع (مقطع $۲۴ = ۸ \times ۳$) . سویترا *Savitar* یا
 سویتری *Savitri* (برانگیزنده) خدای آفتاب . « اوشینیه *Ushinih* » یکی از
 اوزان شعر در ادب سانسکریت دارای بیست و هشت مقطع . او کتهه *Uktha*
 (سرود ستایش) انوشتب *Anu-shtebh* یکی از اوزان شعر در ادب سانسکریت
 مشتمل بر ۳۲ مقطع (مقطع $۳۲ = ۸ \times ۴$) . بریهتی *Brihati* یکی از
 اوزان یا محور عروضی دارای ۳۶ ($۸ + ۸ + ۱۲ + ۸$) مقطع . بریهسپتی
Brihaspati : (خدای گویائی) *Brahmanaspati* خدای دعا و نماز
 (۲) ویراج *Vi-rāj* : وجود الهی . صورت کل عالم . بنا بر یکی از
 روایات هندو اولین مرحله خلقت بوسیله « برهما *Brahma* » که جوهر خود را
 میان مذکر و مؤنث تقسیم کرد ، پیموده شد . برهما جوهر خویش را
 میان نر و ماده منقسم ساخت و از مؤنث نیروی مذکر یعنی : « ویراج » بوجود
 آورد. آن گاه ویراج ، مانوی اول را پیدا کرد و سپس ده پرچاپت آفریده شدند .
 در روایت دیگر نصف مذکر برهما ، مانو ؛ و نصف مؤنث او ، شتروپا
 خوانده شده است و دیگر ذکری از ویراج نیست .

ویراج بصورت خالق دوم گاه با « پرچاپتی » و گاهی با « برهما » ، و ←

۶ - بدینگونه با دانستن آن مردم بمقام ریشی ارتقاء یافتند وقتی که قربانی قدیم برخاست ، پسران مارا بوجود آورد .

من گمان میکنم که با چشم عقل آنان را که این قربانی پرستش بجا آوردند ، می بینم .

۷ - آنان که در مراسم و آهنگها و سرودها و قواعد مهارت داشتند ، ریشی های هفتگانه الهی بودند .

آن دانشمندان با نگرستن طریق قدماء ، مانند ارا به بانان زمام هارا به دست گرفتند . (۱)

(ماندالای دهم - سرود ۱۳۰)

« اگنی » و « پرورش » و بعد ها با « ویشنو » ، و « کریشنا » یکی شناخته شده است ولی در رگ بید (سرود ۱۶۴ - ماندالای اول) مذکور است که ویراج از پرورش و پرورش از ویراج پیدا شد .

بنا بر قانون مانو ، موجود اعلی ابتدا آب را بوجود آورد و در آن جرثومه قرار داد . این جرثومه بصورت تخم زرین و درخشانی بود که همچون ستاره هزاران شعاع از آن برمیخاست و میدرخشید و در آن تخم موجود اعلی خود بخود پرهما را که نیا و آفریدگار کائنات است بوجود آورد .

(۱) منظور از هفت ریشی ظاهراً در اینجا انگراس ها نیستند ، بلکه « بهردواج Bhardvāja » ، و « کشیبه Kasyapa » ، و گوتما Gotama ، و انری Atri ، و ویشث Vasishta ، و ویشوامتر Visvāmītra ، و جمدهگنی Jamadagni میباشد .



عروسی سوریا

Surya

۱ - حقیقت پای بستی است که زمین بر آن قرار دارد ؛
و «سوریا» آسمان‌ها را نگاهداشته است .

« آدیتیا » ها بر قانون مستقرند ، و «سوما» جای خود را در
آسمان نگاه میدارد . (۲)

۲ - «آدیتیا» ها به «سوما» نیرومندند ، و زمین به «سوما»
قوی است .

و چنین است که «سوما» در میان صور فلکی جای

(۱) موضوع اصلی این سرود مر کب که از حیث زمان ظاهراً بر بسیاری از
سرود های ریگ ودا مؤخر است ، تشریفات عروسی بطور عموم میباشد ، و
بالاخص عروسی سوریا دختر آفتاب که نام دیگری از سپیده دم است و در واقع
عروس مطلق میباشد ، در این سرود ذکر شده است . این سرود یکی از سرودهای
کلان ریگ ودا بشمار میرود .

(۲) حقیقت یا واقعیت که « Satyam ستیم » خوانده میشود گاهی
با کلمه « ریتام Ritam » که قانون و ناموس جهان است نیز مترادف میباشد .

دارد. (۱)

۳ - وقتی که گیاه (سوما) را میکوبند، شخص خیال میکند که شیرۀ «سوما» را آشامیده است؛
آن را که براهمن‌ها بحقیقت «سوما» میشناسند، هیچکس
نچشیده است. (۲)

۴ - سوما که وسیله قواعد پناه دهنده مستقر است، و سرود
های: «بریهتی» او را حفظ مینمایند،
تو ایستاده ای و به سنگ ها گوش میدهی از کسانی که در
زمین سکنی دارند هیچکس تو را نمی‌چشد. (۳)
۵ - هنگامی که آن ها نوشیدن تو را آغاز میکنند، ای
خداوند تو از نو فر به میثوی.

(۱) منظور از سوما، قدرت خدای سوماست که نفوذ آن بر کلیه آفرینش
تسلط دارد، و آنرا بحرکت می‌آورد و از او نگاهداری مینماید. در قسمت دوم
این آیت، «سوما» بمعنی ماه (قمر) است و منظور از صور فلکی، منازل قمر
نکشترها *Nakshatras* میباشد.
(۲) ظاهراً در قسمت های اخیر این بند «سوما» بمعنی ماه (قمر) میباشد
که تنها غذای خدایان است.
(۳) منظور از سرودهای «بریهتی *Brihati*» سرودهایی میباشد که به
بحر «بریهتی» سروده شده است. معنی کلمه «*Bārhatāih*» مذکور در متن
سانکریت کاملاً معلوم نیست. بنا بر گفته «ساینه» «بارهته ها *Bārhatas*»
هفت محافظ سوما هستند بنام های: *Svāna*، و *Bhrāja*،
Anghāri، و غیره. بعضی ها این کلمه را مربوط به بحر بریهتی
دانسته اند.

وایو خداوند حافظ سوماست ، قمر آنست که سال ها را
صورت می بخشد. (۱)

۶ - «ریبھی» دوست عزیز عروسی بود، و «ناراسنسی» عروس
را به خانه راهنمایی نمود ،
لباس سوریا زیبا بود ، او بجائی آمد که «گاتها» آنرا
زینت داده بود. (۲)

۷ - اندیشه بالش بستر او بود ، و بینش مرهم چشمش ؛
وقتی که سوریا به سوی خداوند (شوهر) خویش رفت، زمین و
آسمان گنج او بود. (۳)

۸ - سرودها تخته های ارا به ؛ وزن شعر «کوریره» ، پوشش
ارابه بود ؛
دو «اشوین» همراهان عروس ، و اگنی رهبر دسته
بود .

(۱) ظاهراً مقصود از آنها ، خدایان ، و منظور از تو ، ماه است که غذای
خدایان در اوست و وقتی که در ایام تنزل قمر خدایان از آن می نوشند ، مجدداً
ماه شروع بترقی مینماید .

(۲) در پنج بند اول خدا ، سوماست . عروسی سوریا موضوع بند های
۱۷ - ۶ میباشد . «ریبھی Raibhi» و «ناراسنسی Nārāsansi» ، و «گاتها
Gāthā» اشعار مراسم اند که بصورت مدیحه میباشد و در حکم سرودهای ودائی
نیستند .

(۳) کلمه : «کوشه Kośah» که «گنج» ها ترجمه شده ممکن است بمعنی
صندوق های جهاز عروس هم باشد .

۹ - سوما از دختر خواستگاری می کرد، واشوین ها ساق -
دوش داماد بودند.

در آن هنگام سویتری خدای آفتاب سوربای متمایل خود را
به شوهر میداد.

۱۰ - روح او (عروس) ارا به عروسی بود، و پوشش آن
آسمان:

اسبانی که او را میکشیدند، درخشان بودند، در آن هنگام
که سوریا به خانه شوهر خود نزدیک می شد.

۱۱ - اسبان تو با استقامت، واشعار مقدس، و سرود سام آنها
(اسبان) را در جای خود نگاه میداشت،

چرخ های ارا به تو همه گوش (۱) بودند، و معبر تو در آسمان
لرزان بود.

۱۲ - چون می رفتی چرخهای تو پاك بودند، و باد محوری
بود که آنها را بیکدیگر متصل میساخت،
سوریا که به سوی شوهر خود میرفت بر ارا به روح مانند
سوار بود.

۱۳ - موكب عروسی سوریا که سویتر به راه انداخته بود،
پیش میرفت،

(۱) در متن کلمه « شروت رم Srotam (يك گوش) بکاررفته است ولی
ساینه معنی میکند: « شروت (دو گوش) Srotre (دو گوش) .

در ایام « مکها » گاوها ذبح شدند و در « ارجونی » عروس را دست به دست دادند. (۱)

۱۴ - وقتی شما ای اشوین ها با ارا به سه چرخ خود برای خواستگاری و عروسی سوریا آمدید ، همه خدایان با پیشنهاد شما موافقت کردند ، « پوشان » چون پسر شما را بسان پدران انتخاب نمود .

۱۵ - ای دو خداوند درخشش ، وقتی شما به مجلس خواستگاری سوریا آمدید ، یک چرخ ارا به شما کجا بود ؟ در کجا با انتظام امر خداوند خود ایستاده بودید ؟

۱۶ - ای سوریا ، برهمنان در فصل های خود دو چرخ تورا می شناسند .

چرخ دیگر که پنهان است ، تنها کسانی آنرا می شناسند که در حقائق عالیهمهارت دارند. (۲)

(۱) مکها. Maghā و ارجونی Arjunī! از منازل فرزند . پوشان Pūshān : خدای آفتاب .

(۲) مقصود ازدو چرخ ظاهراً زمین و آسمان ، و چرخ سوم عالم نامرئی اسرارآمیز و رای آنهاست .

تمام آیات یا ابیات این سرود در یک « بحر » سروده نشده است. بندهای ۱۴ و ۱۹ تا ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۴ بیحری و آریات ۱۸ و ۲۷ بوزن جگتی و بید ۳۴ به بحر اوژبریهتی Urobrīhati و بقیه به بحر انوشتب میباشد .

- ۱۷ - به سوریا ، و خدایان ، و میترا و وارونا که آن شیء موجود را بدرستی میدانند، این ستایش را تقدیم میدارم .
- ۱۸ - اگر این دو توأمان به نیروی خود حرکت متوالی را دربر دارند، مانند کودکان بازی کننده دور قربانی میچرخند ، یکی از این دو همه اشیای موجود را می نگرذ ، و دیگری فصل‌ها را مقرر میدارد، و دوباره تولد می‌یابد. (۱)
- ۱۹ - او از نور تولد می‌یابد، و تا ابد نو به نو میشود، به نشانه روزها او پیشاپیش صبح میرود .
- چون می‌آید سهم خدایان را دستور میدهد . ماه (قمر) ایام وجود ما را طولانی میکند .
- ۲۰ - براین (ارابه) چندشکل زرین فام زرین چرخ که از «کینشیکه» ، و «شالملی» ساخته شده و سهل الحركه میباشد ، ای سوریا سوار شو ،
- و به سوی جهان زندگی جاوید برو، و برای شوهر خود يك سفر عروسانه شادمانی . (۲)

(۱) از این بند به بعد که ارتباط آن باقیه سرود کم است سوریا آفتاب و سوما ماه (قمر) است .

(۲) بندهای ۲۰ تا ۳۳ شامل مجموعه از اورداد است که عروس باید هنگامی که به ارابه سوار میشود و به خانه شوهر میرود و در موقع ورود بنخانه شوهر و نیز در صبح روز بعد بخواند . کینشوکه Kimsuka : چوب درخت مخصوصی است ، شالملی Salmali : درخت ابریشم

سوریه Surya به هر عروسی خطاب میشود ، زیرا عروس مطلق اوست .

۲۱ - از این جا برخیز ، این دختر شوهر دارد ، من «ویشوا»
وسو» را با سرودها و بندگی می‌سرایم.

در خانه پدر او ، زیبای دیگر بجوی ، و حصه خود را که از قدیم
برای تو گذاشته شده است ، بیاب. (۱)

۲۲ - از این جا برخیز ای «ویشوا وسو» با احترام ما تورا
میپرستیم .

دختر دلخواه دیگر بجوی ، و عروس را برای شوهرش
واگذار .

۲۳ - راهی که دوستان ما به سوی عروس می‌پیمایند ، راست
و مستقیم ، و بی‌خار باشد.

«اریمن» و «بهگه» ما را رهبری کنند، ای خدایان، اتحادزن
و شوهر کامل باشد .

۲۴ - اینک تورا از کمند «ورونا» آزاد میسازم ، کمندی
که «سویتری» متبارک تورا بدان بسته بود .

در جایگاه قانون به جهان اعمال پاکی (پا کدامنی) من تورا

(۱) ویشواوسو *Viśvāvasu* : یکی از گندهرب ها *Gandharvas* است
که حافظ دختران بکر میباشد . در این جا به او خطاب میشود که چون عروس
دیگر محتاج به محافظت او نیست ، او را ترك نماید و حمایت خود را شامل
دختران دم بخت که هنوز شوهر پیدا نکرده‌اند ، بنماید .

صدمه نادیده به همسرت تسلیم مینمایم. (۱)

۲۵ - از این جا، ولی نه از آنجا، من تورا آزاد می فرستم، آن
آن جا تورا به نرمی مقید میسازم، (۲)

ای اندر ای نعمت بخش، باشد که او (این دختر) در میان بخت
و فرزندان خویش بابرکت زندگی کند.

۲۶ - بگذار تا «پوشان» دست تورا بگیرد، و تورا راهنمایی
کند؛ باشد که دواشوین در اراه خود تورا ببرند.

به خانه شوهر خود برو، و یار او باش، و چون بانوئی بر جمع
کسان خویش سخن گوی.

۲۷ - شاد زی، و با فرزندان خود در این جا کامیاب باش،
آزیر باش تا بر خانواده خویش در منزل خود حکومت کنی،
تن خود را با این مرد که شوهر تو است، بنزدیکی متحد
ساز تا شما در ایام کهولت با جمعیت خویش سخن گوئید. (۳)

(۱) کمند « ورونا » عبارت از کمر بندی است که عروس بعد از استحمام
و شانه زدن و لباس پوشیدن برای تشریفات عروسی به کمر می بندد . بنظر :
« لان من Lanman » مقصود از این کمند بستگی دختر به پدر تا قبل از عروسی
میباشد . منظور از عبارت « جایگاه قانون » محل قربانی یا قربانگاه است .
بندهای ۲۴ تا ۲۶ و ۳۲ و ۳۳ را در موقعی که عروس میخواهد خانه
پدر را ترک کند ، میخوانند .

(۲) منظور از این جا ، خانه پدر ، و از آن جا ، خانه شوهر است .
(۳) این آیت به عروس و داماد موقع ورود به خانه داماد خطاب میشود .

۲۸ - رنگ او آبی و قرمز است ، دیوی که به سختی چسبیده بود، رانده شده است، خویشاوندان این عروس کامروا باشند. این شوهر بایوندهای محکم بسته شده است.

۲۹ - جامهٔ پشمین را دور ساز ، و به روحانیون براهمن گنج بخش .

آن ماده دیو دور شده است ، و چون همسری در خدمت شوهرش میباشد . (۱)

۳۰ - تن او (داماد) وقتی از آن دیو پلید میدرخشد نامطبوع است ، در آن هنگام که شوهر دست و پای خود را با لباس زنش میپوشاند .

۳۱ - بیماری‌ها را از مردمی که موکب درخشان عروس اند ، ای خدایان دور سازید ،

و آن‌ها را بمحلی که از آن جا آمده‌اند ، باز گردانید.

۳۲ - دست راهزنانی که در سر راه کمین کرده‌اند ، از این جفت همسر دور باد.

بطرق نیکو از این خطر برهند ، و دشمنان دور گردند .

۳۳ - علامات نیک بختی بر عروس است ، بیائید و اورا تماشا

کنید ،

(۱) یعنی: ماده دیو ، یا جادوگر ، یا روح پلید به وجود آورندهٔ خود بر گشته است .

برای او کامرانی آرزو کنید ، و به خانه های خود برگردید^(۱).

۳۴ - این بدطعم است ، این تلخ است ، و چون به نیش های نیروزهر آلود شده لایق بکار بردن نیست.

براهمن که سوریا را میداند ، مستحق لباس عروس است . (۲)

۳۵ - حاشیه (لباس) و پارچه ای که سراو (عروس) را پوشانده و آن لباس سه چارک ،

رنگ هائی که سوریا پوشیده است بنگر ، براهمن این ها را پاک خواهد ساخت . (۳)

۳۶ - من دست تورا برای نیک بختی در دست خود میگیرم ؛ باشد که تو بامن (شوهرت) به پیری برسیم.

خدایان ، «اریمن» ، «سویتری» ، «پورندهی» تورا داده اند تا بانوی خانه من باشی . (۴)

(۱) ظاهراً در سر راه عروس به خانه داماد ، این آیت را خطاب به تماشاگران میخوانند .

(۲) لفظ «این» در اول آیت اشاره بلباس عروس است و منظور از سوریا در این قطعه سرود سوریا میباشد .

(۳) ویلسون جمله اخیر را چنین ترجمه کرده است : «براهمن آن ها (لباسها) را بر میدارد .

(۴) این خطاب داماد به عروس است . پورندهی: Purandhi نجم

سرزندگی و باهوشی

۳۷ - ای پوشان ، اورا با بالانترین موهبت‌ها بفرست، آن که باید در همه‌لذایذ و خوشی‌ها شریک من باشد.

آن که باید دستهای مهربان خویش را بگردن من افکند و عشق و آغوش مرا بپذیرد .

۳۸ - برای تو با موکب عروس ابتدا سوریا را به خانه‌اش همراهی کردند ،

ای اگنی در عوض تو به شوهر ، زنی فرزندان عطا فرما .
۳۹ - اگنی دوباره عروس را شکوه و عمر دراز عطا فرموده است .

آن که شوهر اوست نیز دیر پاید و صد خزان زندگی کند. (۱)

۴۰ - سوما نخست اورا به دست آورد ، سپس گند هرب شوهر او بود .

اگنی همسر سوم تو است ، و اینک شخصی که از زن زائیده شده، شوهر چهارم تو است . (۲)

(۱) معلوم میشود حد اعلای عمر در هندوستان در عصر ودائی صد سال بوده است ، و از اینرو درخواست شده که صدسال شوهر زندگی کند .

(۲) چون سوریا که عروس مطلق است ابتدا با سوما ازدواج کرده ، پس هر دختر جوانی پیش از همه به سوما تعلق دارد و سپس به گندهرب که حافظ بکریت است و بعد به اگنی که آتش مقدس میباشد ، و شوهر واقعی شوهر چهارم است .

۴۱ - سوما به کندهرب ، و کندهرب به اگنی داد، واگنی
این زن مرا با نعمت و پسران به من بخشید.

۴۲ - از هم جدا شوید، در این جا زندگی کنید، و بعد
اعلای زندگی بشری برسید .

با پسران و نوادگان و خوشی و بازی و در منزل خویش شادمان
باشید . (۱)

۴۳ - باشد که « پرچاپتی » ما را فرزندان بخشد ، باشد که
« اریمن » ما را تا گاه پیری زینت دهد،

نحوست با تو به خانه شوهرت وارد نکردد ، برای دو پایان
و چهار پایان ما برکت بیاور .

۴۴ - نه چشم زخم ، و نه کشنده شوهرت ، برای رمه نیکی
بیاور، ای رخشنده، ای مهربان دل،

ای دوست دارنده خدایان ، ای فرح انگیز ، ای قهرمان زان،
برای چهار پایان و دو پایان ما برکت بیاور .

۴۵ - ای اندر ای عطا بخش، این عروس را با پسران و خوشبختی
برکت ده.

اورا ده پسر ببخش که شوهرش مرد یازدهم آنها باشد .

(۱) قطعات ۴۲ تا ۴۷ موقی که عروس و داماد به خانه داماد
برگشته اند خوانده میشود و قربانی تقدیم میشود و به عروس و داماد این قطعات
از خطاب مینمایند ، و سپس عروس برکت داده میشود .

۴۶ - بر پدر شوهرت و بر مادر شوهرت مسلط باش.
 و بر خواهر و برادران شوهرت فرمانروائی کن .
 ۴۷ - باشد که خدایان جهانی ، و باشد که آبها دلهای ما
 را متحد سازد ،
 باشد که «ماتریشون» و «دهاتر» ، و «دشتری» ما را بیکدیگر
 به پیوندند . (۱)
 (ماندالای دهم - سرود ۸۵)

(۱) بند ۴۷ را داماد به خودش و به عروس خطاب میکند . ماتریشون
Mātarisvan : باد یا آتش (اگنی) و یا آورنده اگنی از آسمان .
Dhatar : خالق ، آفریدگار ، سازنده .
Deshtri : دشتری که بمعنی آموزگار است يك خدای زن است
 که در جای دیگر از ریگ ودا ذکر نشده است . این سرود ریشه شاعر و مراسم
 و تشریفات مذهبی هندو در امرزناشوئی میباشد و دربراهماناها اعمال و آداب آن
 توضیح و تفسیر شده است .



۱۲۹

خطاب ویشنو

Vishnu

۱ - ای «میترا» مانند که نور تو به همه رسیده، و آوازه‌ات (شهرت تو) گسترش یافته است، و در راه‌عادی خود روانی، و از روغن مدد میگیری، یاور ما باش.

پس، ای «ویشنو» که حتی دانایان باید سرود ستایش تو را بسرایند، و آنکه نذورات را داده است، مراسم رسمی را به تو تقدیم دارد.

۲ - آن که هدایا برای آن فرد قدیم ابدی یعنی: ویشنوی فرمان دهنده و همسر او تقدیم میدارد،
و آنکه از تولد عالی آن فرد اعلی سخن میگوید، در جلال بحقیقت از همگنان خویش در خواهد گذشت.

۳ - ای سرایندگان، شما او را خرسند ساخته‌اید، و میدانید که او حتی از هنگام تولد جرثومه نخستین نظم بوده است.

شما که اسم او را میدانید، آنرا بر زبان رانده اید؛
باشد که ما ای ویشنوی قادر از لطف تو بهره مند
گردیم.

۴ - سلطان ورونا ، واشوین‌های دوگانه در انتظار اراده
اویند که جمع «ماروت»‌ها را رهبری نمایند .
«ویشنو» دارای نیروی عالی و قدرتی است که روز را یافته و با
دوست خود گاوخانه را میگشاید .

۵ - حتی آن فرد آسمانی که برای همراهی آمد، ویشنو به
اندرا خدائی به‌خدائی‌تر که سازنده صاحب تخت درسه‌جهان مردم
آرین را کمک میکند و پیرستنده سهمش را از قانون مقدس
می‌بخشد .

(ماندالای اول - سرود ۱۵۶)



۱۳۰

دستایش میترا و ارونا

- ۱ - با سرود های الهام شده ، به ورونا و میترای خویش بسزائید .
آن خدایان قادر قانون اعلی هستند.
- ۲ - چشمه های پر فراوانی پادشاهان فرمانروا ورونا و میترا خدایان توأم که در میان خدایان مفتخرند .
- ۳ - ما را با ثروت ، ثروت های عظیم زمینی و آسمانی یاری فرمائید.
سلطه شما در میان خدایان گسترده شده است .
- ۴ - با حفظ قانون بوسیله قانون با توجه کامل آن ها بقدرت نیرومند خود نائل شده اند.
آن دو خدای مبرا از فریب در ترقی اند .
- ۵ - با آسمان های باران ریز ، وسیله های روان ، آن خداوندان نیروی نعمت بخش ، به جایگاه عالی رسیده اند.

(ماندالای پنجم - سرود ۶۸)



دستایش میترا و ارونا

۱ - سه کرة نور ای ورونا ، و سه آسمان ، و سه فلک را در بر
دارید، ای میترا .

با فزونی نیروی ما شکوه فرمانروائی را نگاه میداریم ، و
قانونی را که تا ابد دوام دارد ، محافظت میکنیم .

۲ - شما ورونا گاوانی دارید که رزق می بخشند ؛

ای میترا ، طوفان (سیل) شما آب های شیرین می بارد .

آن سه مرکب در شکوه و درخشش ایستاده و سه کاسه جهان
را بارطوبت ناب پر میسازند. (۱)

۳ - در سپیده دم من الیه «ادیتی» را میخوانم، و در نیمروز و
هنگام فرو رفتن آفتاب.

(۱) مقصود از سه مرکب « اگنی » بصورت آتش زمینی در زمین ، و
« وایو Vāyu » بصورت باد در فلک ، و « سوریا Sūrya » بصورت آفتاب در
آسمان است . و مقصود از رطوبت ناب . باران حاصل بخش میباشد .

ای میترا - ورونا ، من برای سلامت و ثروت و داشتن فرزندان
 در ایام راحت و زحمت نیایش میکنم.
 ۴ - شما که این ناحیه (و) کره درخشش را برافراشته‌اید ، و
 کشور زمین را نگاه میدارید ،
 ای «ادیتی» های الهی ، ای خدایان جاویدان ، ای ورونا و
 میترا ، هرگز به قوانین جاودانی خود صدمه نرسانید.
 (ماندالای پنجم - سرود ۶۹)



دستایش میترا و وارونا

- ۱ - ای ورونا ، و میترا ، لطف شما در طول و عرض گسترده است .
باید که من حسن نیت مهربان شما را به دست آورم .
- ۲ - از نیکی شما خدایان باشد که ما روزی فراوان برای نگاهداری خود به دست آوریم .
ای «رودرا» ها باشد که ما چنین باشیم. (۱)
- ۳ - ای «رودرا» ها ، ما را با پاسداران خود محافظت فرمائید ،
و ما را نجات دهید شما که در نجات بخشی ما هر یب .
باشد که ما خودمان «دسیو» هارا مطیع سازیم .
- ۴ - و گر نه ما ای نیرومندان عجیب ، هرگز از جشن رسمی دیگران بهره نخواهیم یافت .
نه ما ، و نه فرزندان ما ، و نه اخلاف ما .
(ماندالای پنجم - سرود ۷۰)

(۱) در اینجا منظور از «رودراها Rudras» ، ورونا و میترا میباشد .



۱۳۳

دستایش میترا و ارونا

- ۱ - ای ورونا ، و میترا که دشمن را میکشید، با نیرو به این قربانی نیک ما بیائید .
 - ۲ - زیرا شما ، ورونا و میترا که دانشمند و فرمانروای بر همه هستید، سرودهای ما را پُر سازید . چون شما بر آن قادرید. (۱)
 - ۳ - به سوی این عصیر که ما فشرده ایم ، بیائید.
- ای ورونا و میترا ، بیائید ، و از این سوهای پرستندگان بنوشید .

(ماندالای پنجم - سرود ۷۱)

(۱) منظور از « عبارت سرودهای ما را پُر سازید » اینستکه در نتیجه سرودهای ما فرادانی بوجود آید .



دستایش میترا و ارونا

۱ - این سرودها را به ورونا و میترا تقدیم می‌داریم ، همان گونه که «اتری» (تقدیم) کرد . در این سبزه زار مقدس بنشینید، و از شیرۀ سوما بنوشید. (۱)

۲ - به دستور و قانون شما در صلح پایدار بسر می‌برید، مردم را برمی‌انگیزید .

بر این سبزه زار مقدس بنشینید و از شیرۀ سوما بنوشید.

۳ - باشد که ورونا و میترا برای یاری ما این قربانی را

بپذیرند .

بر سبزه زار مقدس بنشینید و از این شیرۀ سوما بنوشید.

(ماندالای پنجم - سرود ۷۲)

(۱) یعنی: بطریق «اتری Atri» .



۱۳۵

خطاب به شودیوها

Visvedevas

- ۱ - به آن قابل پرستش قادر ، این سرود نیرو بخش و بی انقطاع را آنها که برای شوری جمع شده اند ، تقدیم داشته اند .
باشد که «اگنی» با شکوه ساده خویش ما را بشنود .
ای ذات (فرد) جاوید با درخشش آسمانی ما را بشنو (۱).
- ۲ - به آسمان وزمین قادر من به صدای بلند میسرایم ، آرزوی من بمیل و شناختن هر دو پیش میرود ؛ و در شورای بلند آواز و لطف آمیز آنها خدایان با زنده فانی شادی مینمایند (۲).
- ۳ - ای آسمان وزمین ، باشد که قانون بزرگ شما وفادار باشد و شما به سود بزرگ ما رهبران ما باشید .
به زمین و آسمان من این بندگی خود را با غذا تقدیم میدارم ،
ای اگنی من برای ثروت دعایمکنم .

(۱) ظاهراً منظور از شوری مجالس قربانی است که برای پرستش تشکیل میشده ، و منظور از اگنی هم آتش زمینی است که برای قربانی درست میکنند و هم آتش خانگی که برای قربانی برمی افروزند و هم آتش آسمانی بصورت خورشید.
(۲) ظاهراً منظور از شناختن هر دو ، تشخیص عظمت آسمان و زمین است ، و منظور از زنده فانی ، مردم پرستنده میباشد .

۴- آری ای آسمان و زمین مقدس ، دانشمندان باستان که سخنان آنها همیشه برحق است، نیروی آنرا داشته اند که شمارا بیا باند؛ و مردم را در جنگی که قهرمانان پیروز میگردند ، شجاعت بخشند . ای زمین ترا بخوبی می شناسیم و ترا احترام مینمائیم .

۵- چه راهی به سوی خدایان میرود ؟

که حقیقت آنرا میداند ؟

و کی آنرا اعلام خواهد کرد ؟

تنها منازل سفلی آنان دیده شده است ، ولی آنها در نواحی دور و نهانی میباشد (۱).

۶- دانشمندی سیراب شده که نوع بشر را مینگرد، و بر آنها نظر کرده است، در مقرّ نظم شادی میکند .

آنها خانه ای مانند آشیانه مرغان ساخته اند ، و هر چند از هم جدا شده اند ، با همان اراده خود را باهم خواهند یافت . (۲)

(۱) منظور از منازل سفلی ظاهراً صور فلکی است .

(۲) ظاهراً مراد از دانشمند فرد بصیر و عالم است ، و منظور از «آنها» زمین و آسمان است ، و سیراب شده یعنی از آب های بالای فلك و باران سیراب شده است . و مقصود از عبارت : «در مقرّ نظم» جائی که نظم ابدی کیهان برای آنها مقرر داشته است میباشد، و مراد از قسمت اخیر این بند آنست که آنها مثل آشیانه مرغان بایکدیگر فاصله دارند ولی یکدیگر را می بینند .

۷ - شریکانی که هر چند با فاصله‌های زیاد از یکدیگر جدا هستند ، هر دو در مکان محکمی ایستاده‌اند ، و همیشه ناظرند و همواره جوانند، و چون دو خواهر یکدیگر را به نام های متحد می‌خوانند. (۱)

۸ - همه موجودات زنده را از یکدیگر جدا ساخته و جدا نگاه میدارند، و هر چند خدایان قادر را حمل مینمایند ، لغزش و نوسان ندارند .

بر هر ثابت و بر هر جنبنده و نیز بر آنچه راه میرود و بر هر آنچه میپرد ، و بر تمام این آفرینش رنگ-ارنگ فقط یکی فرمائروائی میکند. (۲)

۹ - من از دیر باز درباره آن قدیم تفکر میکنم، خویشاوندی ما با اسلاف پدر نیرومند ما ،

(۱) منظور از نامهای متحد ظاهراً کلماتی است که به هر دو اطلاق میشود مانند «اروی Urvī» ، دو فرد وسیع یا «دیاوپریتھیوی Dyāvāprithivī» ، زمین - آسمان ، وغیره .

(۲) قسمت اخیر این بند چنین نیز ترجمه شده است : « يك فردكلی خداوند همه اشیای ثابت و متحرك است و آنچه راه میرود و آنچه میپرد و این آفرینش بسیار شکل ، و در تفسیر آن گفته‌اند مقصود از فردکلی که در این سرود ذکر شده ، آن جوهر سرمدی است که دنیا از آن پیدا شده است . و این همان « اجا Aja » یا فرد تولد نیافته است که در سرود ۱۶۴ ماندالای اول بدان اشاره شده است . و این فرضیه اساس عرفان بعدی و فلسفه اوپانیشادی شده که علت و معلول را یکی دانسته‌اند .

در آنجا که خدایان بر حسب عادت در آن معبر فراخ ممتد
ایستاده‌اند، ستایش میسر ایم. (۱)

۱۰ - من این ستایش را به شما ای آسمان وزمین اظهار میدارم
آن مهربان دلی که زبانش اگنی است ،
ای پادشاهان فرمانروای جوان ، ای ورونا و میترا، وای
«آدیتیا»های دانای شکوه‌مند.

۱۱ - سویتری شیرین زبان زرین دست ، سه نوبت از آسمان
می آید تا خداوند مجمع ما باشد.

این سرود ستایش را به سوی خدایان بر، وای سویتری امن و
سلامت کامل و جامع برای ما بفرست. (۲)

۱۲ - کارگران ماهر چیره دست و مساعد مقدس ، باشد که
خدای «تو شتری» این چیزها را برای مساعدت به ما عطا
فرماید .

شما «ریبهو» ها که به «پوشان» پیوسته‌اید ، لذت خود را
بر گیرید ، شما تشریفات را با منظم ساختن سنگ ها آماده

(۱) منظور از قسمت آخر این سرود اینست که ما چون با پدر خود
«دیوس Dyaus» یا آسمان بستگی داریم خدایان بوجوداو (آسمان) شهادت
میدهند .

(۲) ظاهراً منظور از سه نوبت ، قربانی روزانه در هر صبح و ظهر و
عصر است .

ساخته‌اید . (۱)

۱۳ - ماروت های نیزه‌دار ، جوانان چابك آسمان ،
پسران نظم ،

مقدسان ، و « سرسوتی » سوار برارابه های تیزرو ، مارا
بشنوید ؛ شما ای توانایان ، مارا ثروت و فرزندان نجیب عطا
فرمائید .

۱۴ - ستایش‌ها و سرودها که سزایندگان درراه «بهبکه»
میسرایند، به‌سوی «ویشنو»ی شکفت‌انگیز می‌رود.

سرورقدم‌های توانا که مادران او - بانوان جوان بسیار - هرگز
اورا به بی‌اعتنائی نمی‌نگرند . (۲)

۱۵ - اندرا که به نیروهای قهرمانی خویش بر همه حکم
فرماست ، زمین و آسمان را با جلال خود پُرساخته است .
ای خداوند لشکر های شجاع ، ای قلعه شکن ، ای

(۱) ظاهراً منظور از این چیزها ، اشیائی است که برای آن‌ها دعا
می‌کنند .

(۲) منظور از عبارت : راه بهبکه، راه خوشبختی و نعمت است .
مقصود از سرور قدم های توانا ویشنو میباشد .

و منظور از مادران نواحی مختلف فضا است که همه اشیاء را بوجود می‌آورد.
و با این تفصیل قسمت آخر این بند بدین گونه ترجمه شده است که از فرمان او
نواحی متعدد درهم آمیخته فضا که بوجود آورنده همه اشیاء هستند سرپیچی
نمی‌نمایند .

کشنده و ریترا، کله های گاوان را جمع نموده برای ما
بیاور .

۱۶ - «ناستیه» ها پدران من اند که بخویشاوندان مهر بانند،
خویشاوندی «اشوین» ها عنوان افتخار آمیز است.

چون شمائید که ما را گنج های ثروت می بخشید، شما
داده های خود را بدون فریب سخاوتمندان حفظ می کنید. (۱)

۱۷ - ای دانایان، این برای شما عنوان بزرگ و پر
شکوهی است که همه شما موجودات الهی، در اندرا منزل
دارید .

ای دوست که با «ریبهو» های عزیزت بسیار خواننده
شده اید، سرود ما را برای ما سودمند ساز. (۲)

۱۸ - «اریمن»، «ادیتی» درخور ستایش است، قوانین «ورونا»
هرگز شکسته نمیشود .

ای بلای بی فرزندی از ما دور شو، و بگذار تا طریق ما مملو
از گاوان و فرزندان باشد .

(۱) منظور از عبارت بدون فریب سخاوتمندان آنست که مردمی آزاده
مانند ما هرگز شمارا فریب نخواهد داد.

(۲) منظور از عبارت: «در اندرا منزل دارید» آنست که فی الواقع همه
آنها جزء آن مبداء الهی کیهانی اند چنانکه تمام صفات فردی در خدای مطلق
فانی میگردد .

۱۹ - باشد که فرستادهٔ خدایان (اگنی) که باطراف فرستاده میشود، مارا بی گناه اعلام دارد.

برای سلامت کامل ما، باشد که زمین و آسمان، و آفتاب، و آبها، مارا بشنوند و فلک پهناور و صور فلکی.

۲۰ - ای کوهها که قطرات باران را تقطیر نموده و پابرجا ایستاده از رطوبت فرح بخش شادمانی می نمائید، باشد که «ادیتی»، و «آدیتیا»ها، مارا بشنوند، و ماروتها ما را پناهی موهبت آمیز بخشند.

۲۱ - راه ما همیشه هموار باشد، و پر رزق با شربتی گوارا، ای خدایان علفها را سیراب سازید.

ای اگنی، باشد که در دوستی تو سعادت من در امان باشد. باشد که من بسر منزل ثروتهای پر رزق برسم. (۱)

۲۲ - از این تقدیمی محظوظ شو، نیروی خویش را بر ما بتاب، برای خوبی ما همه گونه افتخار را در هم آمیز. ای اگنی، همهٔ این دشمنان را در جنگ مغلوب کن، و همه روز ما را از لطف مهر آمیز خود روشن ساز.

(ماندالای سوم - سرود ۵۴)

(۱) منظور از شربت گوارا، باران فرح بخش میباشد.



۱۳۶

خطاب به بنویس

(Svanaya)

- ۱ - صبح زود آمده و گنجش را می بخشد، عاقل او را پذیرفته
 و از وی پذیرائی مینماید.
- و از آنجاست که وی و فرزندانش خود را افزایش داده و بایسرانی دلیر
 و ثروتمندی فراوان می آید. (۱)
- ۲ - او در طلا، و گاو، و اسبان توانگر خواهد بود. اندر
 او را قدرت حیات بزرگ می بخشد،
- آنکه چون تو می آئی، ترا در گنج خویش متوقف
 می سازد، مانند شکاری که در دام افتد، ای زود آینده. (۲)
- ۳ - با اشتیاق من با ارا به پیر از ثروت امروز صبح به سوی آن

(۱) این سرود مکالمه است میان یک روحانی فقیر هندی دوره کرد یا
 (ککشی وان Kakshīvān) سرگردان و شاهزاده عاقل و متقی بنام : « سونیه
 . « Svanaya

گنج یعنی ثروتی که پس از قربانی به دست می آید. عاقل اشاره به شاهزاده است.
 در بند اول ککشی وان سخن میگوید .
 (۲) در این بند سونیه سخن میگوید .

پسر قربانی پا کدامن آمدم.

اورا شیرۀ ساقۀ شاد ببخش بنوشان، با سرودهای شادی خداوند
قهرمانان را کامیاب ساز. (۱)

۴ - جوی های سلامت بخش مانند گاووان شیرده جاری
شوید تا به کسی که او را عبادت کرده، و او را عبادت خواهد کرد
سود رسانید .

به سوی او که به آزادگی میبخشد، و از همه سو جوی های
فراوانی را پر می سازد جاری شوید، و او را مشهور سازید.
۵ - بر کناره بالای آسمان باشکوه می ایستد، آری به سوی
خدایان می رود، آن بخشندۀ گشاده دست.

جوی ها (نهرها)، و آبها با فراوانی برای او جاری میشوند،
برای او این پاداش همواره فراوانی می آورد.

۶ - تمام این جلالها برای کسانی است که پاداش های
گرانمایه میدهند .

برای آنها که پاداش های گرانمایه میدهند خورشیدها در
آسمان میدرخشند .

بخشندگان پاداش های گرانمایه جاوید میشوند؛ بخشندگان
اجر زندگی خود را دراز می سازند.

(۱) در این آیت ککشی وان سخن میگوید. منظور از شیرۀ ساقۀ شاد ببخش،
عصارۀ سوماست .

۷- آزادگان را مگذار که در گناه و غم فرو روند، و خداوندان
 پا کدامن و پرستش کار را هرگز هلاک مساز!
 و هر مردی حافظ آنها باشد، و عذاب را بر خسیسان فرود
 آور. (۱)

(ماندالای اول - سرود ۱۲۵)

(۱) ظاهراً در بند های ۶ و ۷ ککشی وان مستمند سخن میگوید و دعا
 به بخشندگان و نفرین به لیمان و خسیسان میکند.



۱۳۷

خطاب به شواکرمن

Visvakarman
(آفریننده جهان)

۱- آنکه بصورت روحانی «هوتر» نشست دانشمند (ریشی) پدرا ماهمه موجودات را تقدیم نمود .
اودر حالی که در آرزوی خویش تملک (مالکیت) بزرگی را جستجو میکرد ، بصورت فردا اول در میان مردم در روی زمین ظاهر شد (۱) .

۲- جایی که بر آن مقام کرد کجا بود ؟

هوتر Hotar (هوتری Hotri) قربان کننده ، روحانی مأمور قربانی های سوختنی که به آتش تقدیم میشود . این روحانی که بوسیله او نیاز به آتش تقدیم میگردد هنگام قربان سزودهای رگک بید را میخواند .

منظور از عبارت : « تمام اشیای موجود » اینست که تمام آنها در تقدیمی وشو کرمن داخل بودند . عبارت در آرزوی خویش یعنی درخواست یا میل به آفرینش : کلمه : « پرنهه مچهد Prathamachhad » که بفردا اول ترجمه شده معنی بسیار مبهم است . بنظر ساینه تعبیر یا مفهوم آن اولین ظاهر شونده است ولی «لودویک» عقیده دارد بمعنی پرستش کننده میباشد . ویلسون این کلمه را بمعنی «اولین بار که دنیا را به اگنی سپردند» میدانند .

در زیر پای او چه بود؟ (۱)

چگونه بود؟

در آن هنگام که «ویشوا کرمن» همه را میدید، و زمین را بوجود می آورد، با نیروی عظیمی آسمان‌ها را آشکار ساخت.

۳- آن که در تمام اطراف خویش دارای چشم است، و در هر سو يك دهانی دارد، و دست‌های او در همه جوانب است.

او که خدای یگانه است، و زمین و آسمان را بوجود آورد، و آنها را بادست‌های بال مانند خود بیکدیگر می‌پیوندد.

۴- چه درختی بود، و بر آستی چه چوبی بوجود آورد که از آن زمین و آسمان را ساختند؟

شما ای مردان متفکر در روح خویش پی‌جویی کنید که او وقتی همه اشیاء را مستقر می‌ساخت، بر (روی) چه ایستاده بود؟

۵- طبیعت قربانی‌کننده و بالاترین و پائین‌ترین تو، و اندرون تو در اینجا، ای ویشوا کرمن،

دوستان خود را در قربانی‌تعلیم‌بده ای مبارک، و تو نیز با جلال

(۱) جمله بالا را «کی اورا حمل کرد؟» نیز میتوان ترجمه کرد.

بپرستش ما بیا (۱).

۶- ای ویشوا کرمن ، خود را که بانذور جلال یافته‌ای بیاور
زمین و آسمان عبادت کنند .

بگذار مردم دیگری که در اطراف ما هستند احمقانه زندگی
کنند ، ولی ما را سروری دارا و آزاده عطا فرما (۲).

۷- امروز خداوند سخن ، ویشوا کرمن نیز فهم را بخوانیم که
ما را در کارمان یاری فرماید .

باشد که او به مهربانی صدای ما را بشنود ، آنکه همه را برای
یاری شادی می‌بخشد ، و آنکه کارهایش راست است (۳) .
(ماندالای دهم - سرود ۸۱)

(۱) قسمت اول این بند چنین نیز ترجمه شده است :

« صورت قربانی سان تو بالاترین و پائین ترین با جلال به سوی عبادت
ما بیا و باشادمانی خویشتن را قربان کن » .

بنظر : مهیدهره Mahidhara ، تفسیر این بند آنست که بشر بصورت
خویش صلاحیت عبادت خالق را ندارد و آفریدگار باید خودش خودش را
پرستش کند .

(۲) تعبیر قسمت اول این قطعه آنست که خود را برای عبادت بیاور یا
خود را برای آسمان و زمین قربان کن .

(۳) منظور از عبارت : کارمان، کار قربانی است ، ولی بعضی ، آنرا به نبرد
تعبیر کرده اند .



۱۳۸

خطاب به شب

- ۱- الهه شب با همه چشمان خود به پیش مینگرد ، و بنقاط
زیادی نزدیک میگردد .
- او همه جلال خویش را بر خود پوشیده است ،
- ۲- آن الهه جاویدان خلاء را پر نموده و بالا و پائین را مملو
ساخته است ،
- او باروشنی خود بر تاریکی غلبه میکند .
- ۳- آن الهه چون می آید خواهر خود سپیده دم را به جای
خویش می نهد ،
- و خود در تاریکی ناپدید میگردد .
- ۴- پس امشب بر ما لطف فرما ، ای توئی که راههای ترا ما
دیدن کرده ایم ،
- مانند مرغان بر آشیانه خویش بر درخت .
- ۵- روستایان در جستجوی خانه های خویش اند ، و تمام
روندگان و پرندگان حتی شهبازها که مایل بشکارند .

- ۶- گرگ فرومه را بازدار ، ای « اورمیا » ، و دزدان را
دورساز ،
عبور ما از تو آسان باشد (۱).
- ۷- آن که تاریکی را باغنی ترین رنگ هامی پوشاند ، بروشنی
نزدیک من آمده است .
ای صبح آنرا مانند قرص (وام) هازمیان ببر .
- ۸- من اینهارا مانند گاو ان برای تو آورده ام ، ای شب ، ای
فرزند آسمان بپذیر این مدیحه پیروزی را (۲).
(ماندالای دهم - سرود ۱۲۷)

(۱) اورمیا *Urmyâ* : موج بانوسان کننده ، ولی اینجا بمعنی شب است .
(۲) اینها ، یعنی : این اشعار .



۱۳۹

خطاب آشین بای

Asvins

- ۱ - ای خدایان که دانش سرمدی به شما داده شده است ، با ارابه خود باشتاب بیائید ، ای مقدسین .
 با قدرت نیرومند خویش بیائید ، ای «ناستیه» ها ، به اینجا بیائید و این نذر سوّم را بنوشید (۲) .
- ۲ - موجودات الهی حق شعار، آن سی و سه دیدند که شما به پیش راستکار ابدی نزدیک میشوید،

(۱) این سرود یکی یازده سرودی است که مجموع آنها « بالکیلا » (والکیلا *Vālakhilya*) خوانده شده است و معمولاً در ترتیب متن به ده ماندالا یازده سرود والکیلا را بین ماندالای هشتم و ماندالای نهم ریگک ودا قرار میدهند (بعضی تعداد آنها را از ۶ تا ۸ سرود نیز گفته اند) و یا آن که بعد از سرود ۴۸ ماندالای هشتم قرار داده میشوند . بعضی از ناشران ریگک بیدسرودهای بالکیلا را جداگانه نیز چاپ نموده و آنرا متمم ریگک بید شمرده اند .
 بالکیلا نام طبقه از ریشی هاست که بنابر اساطیر هندو تصور شده طول قامتشان باندازه انگشت شست و عده آنها شصت هزار نفر بوده است و از بدن برهما بوجود آمده و اطراف ارابه خورشید را احاطه مینموده اند .
 (۲) ناستیه ها *Nāsatyas* در اینجا یعنی : افراد راستکار .

ای اشوین‌های درخشان از آتش، این ستایش و نذر ما را قبول
کنید و سومارا بنوشید. (۱)

۳ - ای اشوین‌ها که اعمال شما در خورشکفتی است، گاو
آسمان و زمین بناحیه وسط هوا،
آری و هزاران وعده شما در جنگ به همه اینان بنزدیک ما
بیائید، و در کنار ما بنوشید. (۲)

۴ - این است سهم شما که به شما اختصاص داده شده، شما ای
مقدسین، شما (برای شنیدن) سرودهای ما بیائید، ای
«ناستیه» ها،

و در میان ما این سومای پر از شیرینی را بنوشید، و به نیروی
خود مردمی که شما را ستایش میکنند، یاری کنید
(سرود نهم والکیلا)

(۱) سی و سه بار بازده. در ریگ وداخدایان به سی و سه محدود
شده‌اند.

(۲) ظاهراً مقصود از گاو، خورشید است.



دستایش ویسودوا

Viśvedevas

- ۱ - آن که روحانیون برای او بطرق مختلف با توافق یکدیگر قربانی را مرتب مینمایند، به اینجا بیاور، کسی را که بعنوان براهمن دانشمند معین شده است، اطلاع قربانی کننده از او چیست؟ (۱)
- ۲ - در نقاط زیادی بر افروخته شده ولی باز اگنی یکی است؛
- «سوریا» یکی است هر چند از بالا بر همه می تابد و همه را روشن میکند؛ ولی «اوشس» (هم) یکی است.
- آن که یکتاست بصورت همه گسترش یافته است.
- ۳ - ارا به درخشان نورانی با سه چرخ و نشیمنی راحت، و گنج آکنده و سبک رو،

(۱) این سرود ظاهراً مشتمل بر قطعاتی است که ارتباطی با یکدیگر ندارد و مفهوم این بند هم چندان روشن نیست.

آن زن که دارای تمول شکفت انگیزی است تولد یافته تا
آن را مهار نماید.

من این اربابۀ شمارا می خوانم ، آنچه باقی است بنوشید (۱)

(سرود دهم والکیلا Valakylya)

(۱) ظاهرآ منظور از زن، اوشس Ushas (سپیده دم) میباشد. اربابۀ اشوین ها
پیشاپیش سپیده دم میرود. بجای عبارت: « تولد یافته تا آنرا مهار نماید »
پروفسور کاول Cowel عبارت را چنین ترجمه کرده است: « هنگام براق کردن
آن سپیده دم به دنیا آمده است » .



۱۲۱

دستایش آگنی

- ۱ - ما آگنی را انتخاب میکنیم که احضار کننده ، وهمه دان و پیامبر و انجام دهنده خواست این قربانی است .
- ۲ - به خداوند آفریدگان ، حامل پیشکش های ما ، محبوب عدۀ بسیار، به هر شعله ای که قربان کنندگان با سرودهای احضار خدایان اورا میخوانند . آن فردی که در او بسیار چیزهای گرامی است .
- ۳ - ای آتش تو که در اینجا تولد یافته ای، خدایان را برای قربانی کننده که جایگاه مقدس را میگسترده ، بیاور، توئی روحانی مطلوب احضار کننده ما .
- ۴ - ای آتش، چون بعنوان فرستاده ما میروی، آنها را که مایل به (تقدیم) ندور هستند، بیدار ساز .
- در روی علف مقدس پهلوی خدایان بنشین .
- ۵ - ای آتش، تو که بوسیله این تقدیمی های پاک کننده خواننده میشوی ، تو ای درخشنده ، با آن بدخواهان که (مردم را) مقید

میسازند، مخالفت کن، و آنها را بسوزان.

۶ - آتش بوسیله آتش کاملاً روشن شده است، آن بیننده، آن خداوند خانه، آن جوان، آن حامی نذور که دهان او نذر را می پذیرد.

۷ - به آن شعله الهی، آن بیننده که قانون هستی او حقیقت است، به آن درخشان، به آن نابود سازنده همه بدیها نزدیک شو و سرود ستایش او را بسرای.

۸ - ای شعله، ای پیامبر الهی، ای خداوند نذور؛ آن که در خدمت تو است، حامی او باش.

۹ - آنکه با این نذور بقدرت الهی به نیروی الهی نزدیک میشود برای تولد خدایان، ای پاک کننده بر او لطف فرما.

۱۰ - ای شعله درخشان تو که پاک کننده ای، خدایان را به این نذور و این قربانی ما بیاور.

۱۱ - تو که با آهنگ «گایتری»، تازه ما پرستش میشوی، برای ما برکت و نیروی پراز قدرت فهرمانی بیاور.

۱۲ - ای آتش، با درخشش سفیدخویش و همه سرودهای الهی خود که خدایان را احضار مینمائی، بیا، و این سرود را که ما تقدیم میکنیم، بپذیر.

(ماندالای اول - سرود ۱۲)



۱۴۲

دستایش اگنی

- ۱ - ای سرور جمعیت‌های بسیار که به سوی الهیت در کارند ، ما ترا با کلماتی مملو از بیان میجوئیم .
ای اگنی که دیگران نیز در همه جا مشتاق تواند.
- ۲ - مردم اگنی را چون فزاینده نیرو در خود نگاه میدارند، ما این قربانی را باندور برای تو برپا میداریم ؛
پس تو امروز به ما توجهی تمام فرما، و حافظ دارائی مادر اینجا باش، ای تو که حقیقت وجودی.
- ۳ - ما ترا بعنوان پیامبر خویش، و روحانی نذر که دارای دانش کیهانی است، برمی گزینیم،
هنگامی که تو در خود افزایش می‌یابی ، شعله‌های تو گسترده میشوند و درخشش تو به آسمان‌ها میرسد .
- ۴ - خدایان - حتی ورونا، و میترا، و اریمن - ترا بشدت برمی‌افروزند، ای پیامبر باستانی.
تمام ثروتی را که آدمی بوسیله تو به چنگ می‌آورد، ای اگنی

کی به تو داده است ؟

۵ - توئی روحانی شادیبخش این قربانی، و سرور این خانه ، و فرستاده آفریدگان؛

در تو تمام قوانین پا بر جای عمل که خدایان بوجود آورده اند، مجتمع میگردد.

۶ - در (وجود) تو است ای اگنی جوان قادر که هر نذری تقدیم میشود، زیرا تو در شادی غنی میباشی؛

پس امروز ، و از این پس با فکر کامل و نیروی تمام به خدایان تقدیم فرما.

۷ - اوست که مانند فرمانفرمای قائم بخویش مردمی که بتسلیم نائل شده اند، او را پرستش می نمایند.

با بزرگی نذر مردم اگنی را بتمامی برمی افروزند، وقتی که آنها مخالفین خود را درهم شکسته اند .

۸ - آنها و ریترا ی پوشنده را درهم کوفته و از دو فلک گذشته و آن کشور پهناور را منزل خود ساخته اند .

باشد که آن فرد قادر در «کانوه» نیروی درخشانی شود که نذور آن را غذا دهند هنگامی که اسب زندگی در چراگاه گاوان شیهه میکشد. (۱)

۹ - در جای برپا ساخته خویش مستقر شو تو که پهناوری، در

(۱) کنوه Kanva نام یکی از ریشی های مشهور عصر ودائی .

پاکی خویش بدرخش ، والوهیت را کاملاً آشکار ساز.
 دودقرمز فعال احساسات خود را از این قربانی برافراش، تو که
 در همه جاهویدائی ؛ و پُر از بینائی میباشی .
 ۱۰ - حتی تورا که خدایان برای انسان مانند نیرومندترین
 (فرد) جهت قربانی برپا داشته اند.

ای حامل نذور که «کنوه - مدهیا تیتھی» بعنوان کسیکه
 ثروت مطلوب او را برایش بدست آورد برقرار ساخته است و «اندرا»ی
 نیرومند و همه آنها که با سرودستایش او را برپا میدارند (۱).
 ۱۱ - حتی آن اگنی را که مدهیا تیتھی کنوه به بلندی بر روی
 حقیقت افروخته است، باشد که ضربان های او بدرخشد.
 باشد که او را این کلمات انجام دهند (توصیف کنند) حتی اگنی
 را باشد که ما فزونی بخشیم.

۱۲ - ای تو که بوجود خویش ثابتی، نعمت های ما را کامل ساز،
 چون ای اگنی فعالیت در خدایان از تو است.
 تو بر ثروت دانش الهام شده حکومت مینمائی، پس مرحمت خود
 را بنما، تو بزرگی.

۱۳ - بمنتهای بلندی برای تو ما بر خیز، مانند خدای «سویتری»
 از آن مقام های بالاست که تو نجات دهنده اموال میشوی وقتی که ما
 تورا میخوانیم .

(۱) مدهیا تیتھی Medhyātithi : بعقیده «ساینه» این کلمه در اینجبالقب

«کنوه» است و بعضی آنرا نام خانوادگی «کنوه» دانسته اند .

۱۴ - ای بلند مقام، مارا از شرّ فکر درآ که حفظ کن، آنچه وجود مارا میخورد تمام بسوزان، مارا نیز برای عمل و برای زندگی برافراز، فعالیت مارا در میان خدایان بخش فرما.

۱۵ - ای اگنی، مارا از «راکھس» ها حفظ فرما، مارا از شرّ ناخوش محفوظ بدار، مارا از آن که حمله میآورد، و از آن که مارا میکشد نگاهدار، ای گسترده نور، وای قادر جوان.

۱۶ - با ضربات شکننده تمام نیروی ناخوش آیندرا پراکنده ساز، ای بلعنده قدرت آنها و آن که مارا خواهد رنج رساند یا هر موجود فناپذیر دیگری که از حدّت عمل از ما درگذرد و باشد که او مانند دشمن بر ما تسلط نیابد.

۱۷ - اگنی قدرت فهرمانی و برکت به «کنوه» بخشیده است، اگنی دوستان مارا یاری کرده، و به «مدهیاتیهی» و «اوپاستوته» در پیروزی یاوری نموده است (۱)

۱۸ - ما «اوگره دوا»، و یادو، و «توروشه» را از راه دور بوسیله اگنی میخوانیم (۲).

(۱) اوپاستوته Upastuta : ظاهراً نام یکی از ریشی های دوره ودائی

است .

(۲) اوگره دوا Ugradeva : نام یکی از سران قبیله آریائی میباشد.

یادو Yadu: نام رئیس وعضویکی از قبایل بزرگ آریائی نژاد است. نام

« توروشه Turvaśa » با اسم «یادو» غالباً باهم ذکر میشوند و ظاهراً اشاره

بطوایقی بهمان نامهاست . «نوه و استوه Navavāstva » که نمیدانیم کیست در

اینجا شاعر بازگشت او را درخواست میکند تا خانها را که مورد حمله «داسیوه»

ای اگنی، «نوه واستوه»، و «پریهدرتیه»، و «تورویتی» را بیاور
که دشمن را مطیع سازند.

۱۹ - ای اگنی، مانو تورا چون نوری برای نوع بشر برقرار
کرده است.

← «Dāsyus» دشمنان باراهزان و دیوان واقع شده حفظ نماید. شاید هم منظور
آنست که با توسل به روح فهرمانان از دنیا رفته، دعای خویش را تقویت کند.
در ادبیات دوره بعد از عصر ودائی-بنابر اساطیر هندو- درباره «یادو» و
«توروشه» چنین آمده است:

«دیوجانی (دوایانی Devayāni) دخترشکره «Sukra» (روحانی «دایتیه»
ها) عاشق «کچ Kaca» پسر «برهسپت» مرید و شاگرد پدرش شد اما کچ او را
از خودراند، از اینرو «کچ» را لعنت کرد و در برابر «کچ» هم او را نفرین نمود
که هر چند دختر براهمن است با «کشتری» زناشوئی کند. دیوجانی دوست
«سرمیشتها Sarmishthā» دختر پادشاه «دایتیه» ها بود، روزی کنه با هم
آبتنی میکردند «وایو» موکل باد (خدای باد) جامه‌های آنها را عوض کرد،
و چون لباس پوشیدند متوجه این تعویض شدند و با یکدیگر بزود خوردپرداختند
و دیوجانی بحدی باخسونت و بی ادبانه گفتگو کرد که «سرمیشتها» سیلی بصورتش
زد و او را در چاه خشکی انداخت و بعد «ججانی yayāti»، دیوجانی را از چاه بیرون
آورد و به خانه پدرش برد و او پدر خود شکر را واداشت که از پادشاه دایتیه‌ها
جبران ماجرا را بخواهد و آن پادشاه تقاضایش را پذیرفت و مقرر داشت هنگامی که
دیوجانی شوهر کند، سرمیشتها را بعنوان خدمتکار به او بدهد، دیوجانی با
ججات که از طبقه کشتری بود زناشوئی کرد و سرمیشتها خدمتکار او شد. بعدها
ججات با سرمیشتها روابط عاشقانه پیدا کرد و از او پسری بیاورد و این موضوع
بحدی دیوجانی را خشمگین ساخت که شوهر خود را رها کرد و به خانه پدر
بازگشت و در آنجا دو پسر دوقلو (نوامان) یکی به نام «یادو» و دیگری «توروشه»
یا «توروسو Turvasu» بزایید. (بنگرید صفحات ۶۸۱ - ۶۸۲ و ۷۰۷
لغت‌نامه کتاب سر اکبر - چاپ تهران - سال ۱۳۴۰ به تصحیح دکتر تارا چند
و جلالی نائینی).

زاده شده از قانون ، ومدد گرفته از روغن، تو برای «کنوه»
 درخشیده ای ، تو که مردم ترا احترام می کنند .
 ۲۰ - شعله های اگنی که پراز شکوه و قدرت اند، هراسناک
 میباشد، ونباید به آنها نزدیک شد.
 دیوان و جادوگران را برای همیشه بسوزان ، و هر عفریت
 بلعنده ای را بسوز .

(ماندالای اول - سرود ۳۶)

← ماکس مولر چهار بیت مذکور را باین تقریب ترجمه کرده است:
 ۱۷ - اگنی نیروی تمام برای «کنوه» بدست آورده و لذت کامل حاصل
 شده است .
 اگنی برای او تمام اشیاء دوستانه را حفظ می فرماید ، اگنی همیشه
 مدهیاتینتهی را که وی را با سروردهای ستایش ستوده است سلامت نگاه میدارد.
 ۱۸ - ما بوسیله اگنی «توروشه» و «یادو» (۱) را از کشورهای
 اعلی می خوانیم .
 اگنی «بریهدرتهه» و «تورویته» را بمنزل گاه نوین رهبری نموده است -
 نیروئی برضد دشمن.
 ۱۹ - مانو(انسان) ترا در درون خویش مستقر می سازد، ای اگنی، مانند
 نور تولد جاودانی ؛
 باشد که تو با درخشش برای «کنوه» بسوزی ودر راستی هویدا شوی و
 وجود تو افزایش یابد ، ای که درپیش تو مردان عمل سر فرود می آورند
 ۲۰ - ای اگنی شعله های تو سرکش و قوی و هراسناک است . و نمیتوان
 بدانها نزدیک شد.
 همیشه تو قدرت هائیرا که مفید می سازند ، نیروهائیکه جایگاه رنج اند
 میسوزانی، آری هر بلعنده ای را.



۱۶۳

دستایش اگنی

۱ - وقتی باد به اگنی وارد میشود، آتش او را که کامل و به همه خدایان مربوط است به جنبش در میآورد.

آنها (خدایان) او را در مسا کن (فناپذیران) قرار داده اند، همان گونه که خورشید شگفت آور درخشان را بر آن داشته اند که شکل (او را) بخود بگیرد.

۲ - آنها (۱) بخشنده نیرو (خورشید) را مغلوب نساخته اند ، اگنی عمل حمایت کارانه خورشید را خوش آمد گفت، همه کارهای آن کارگر (خورشید) فعال را میستایند ، آن که دریافت کننده ستایش است .

۳ - خدایان الهی او (خورشید) را در مقرر جا ویدایش نگاه داشته و با ستایش های خود (او را در ناحیه وسطی) جا داده اند.

اسیر کنندگان او را با کمال دقت مانند اسبهای تندروی که به ارابه بسته شده باشند ، بسوی قربانی راهنمایی نموده اند . (۲)

(۱) آنها یعنی دشمنان، یا تاریکی.

(۲) یعنی ؛ سوار را به مقصدش میرسانند.

۴ - آن فرد شکفت آور (اکنی) بسیاری را در شعله خویش
 میسوزاند، و آن فرد درخشان در آب (در ناحیه وسطی) میدرخشد.
 باد همه روز از میان شعله او چون تیری که از (چله) کمان تیر -
 انداز رها شده باشد، میگذرد.

۵ - او را هنگامی که هنوز در نطفه است نه دشمنان (تاریکی)
 و نه آزارهای زیان رساننده میتوانند گزند رسانند .
 تاریکی کوه جلال او را سر کوب نمیسازد، چون او را ترقی
 دهندگان پابرجا دفاع مینمایند.

(ماندالای اول - سرود ۱۴۸)



۱۴۴

خطاب به اندرا - ماروت

- ۱ - بر چه جلالی ماروت‌ها بطوریکسان چنگ زدہ اند؟
با چه افکاری و از کجا آمده اند؟
آیا این قهرمانان نیروی خویش را میسر ایندو در آرزوی ثروتند؟ (۱)
- ۲ - جوانان دعا‌های که را قبول نموده اند؟
کی ماروت‌ها را بقربانی خویش متوجه ساخته است؟
با چه خواهش نیرومندی میتوانیم آنها را نگاه داریم؟
آنها که مانند باز در جَو هوا شناورند .
- ۳ - ای اندرا ، توبه تنهایی از کجا می‌آئی؟ تو که قادری، ای خداوند آدَمیان ، به توجه رسیده است؟
تو چون به (ماروت‌های) درخشان نزدیک میشوی ، درود میفرستیم؛
پس به ما بگو که توبه اسب‌های کُرنگ خویش بر (ضد) ما چه داری؟ (۲)

(۱) در این سرود اندرا و ماروت‌ها مکالمه و گفتگو میکنند.
در ذوبیت اول ظاهراً اندرا سخن میگوید .
(۲) در اینجا ماروت‌ها خطاب به اندرا گفتگو میکنند .

۴ - سرود های مقدس از آن من اند ، و دعاها ؛ نذور شیرین اند ، نیروی من برمی افرازد و صاعقه من به پیش میتازد . آنها مرا میجویند ، و سرودها برای من سروده میشود . اسب های من اینجا هستند و مرا به اینجا میآورند. (۱)

۵ - از آنجادر ملازمت دوستان نیرومند خویش بدن های خود را زینت داده و اینک آهوی بخور رنگ خویش را با تمام نیروی خود یراق کرده ایم ؛ چون تو ای اندرا بر طبق عادت آمده ای تا با ما باشی (۲) .

۶ - ای ماروت ها، پس این عادت شما کجا بود و قتیکه مرادر کشتن «اهی» تنها گذاشتید ؟

من برآستی و هشتنا کم ، نیرومندم، قوی پنجه ام؛ من ضربه های هر دشمنی را رد کرده ام (۳) .

۷ - وقتی ما در ملازمت تو بوده ایم ، کارهای زیاد انجام داده ایم ، ای قهرمان ، بگذار که مائیز با شجاعتی مساوی کارهای زیاد بکنیم .

تو ای اندرا، ای نیرومندترین (خدایان) آنچه ما ماروت ها در فکر خود بخواهیم (۴) .

(۱) در این بند اندرا سخن میگوید .

(۲) ماروت ها سخن میگویند .

(۳) اندرا خطاب به ماروت ها این سخن را میگوید .

(۴) ماروت ها در اینجا سخن میگویند .

۸ - ای ماروت‌ها، من وریترا را با قدرت (خویش) گشتم، من به نیروی خود قوی شده‌ام، من که صاعقه را در دست دارم، این آبهای تمام‌روشن را برای مردم به آسانی جاری ساخته‌ام (۱).

۹ - هیچ چیز ای خداوند قادر در برابر تو قوی نیست. هیچیک از میان خدایان شناخته نشده‌است که بانو برابری کند. هیچ فردی که اکنون تولد یافته نزدیک نمی‌آید، و نه آنکه سابقاً تولد یافته است. آنچه می‌خواهی بکن، تو که چنین قوی گشته‌ای (۲).

۱۰ - نیروی قدرت و توانائی تنها از آن من است، و آنچه در دل خویش جرأت نمایم میتوانم انجام دهم. چون براستی ای ماروت‌ها من بد هشتنا کی شناخته شده‌ام بر تمام آنچه فرو می‌فرستم. من که اندرا هستم خداوندم.

۱۱ - ای ماروت‌ها، اینک من از ستایش شما خشنودم، سرود افتخاری که برای من ساخته‌اید، شما ای مردم برای من، برای اندرا برای قهرمان شادمان مانند دوستانی برای دوست، برای خاطر خودتان و به کوشش خود (۳).

(۱) اندرا سخن میگوید.

(۲) ماروت‌ها خطاب به اندرا سخن میگویند.

(۳) در بند دهم و یازدهم اندرا سخن میگوید.

۱۲- برآستی آنها به سوی من میدرخشند و افتخار نکوهش ناپذیر و غذا میآورند .

ای ماروت‌ها هر جا که من شمارا جستجو کرده‌ام باشکوهی نورانی بر من ظاهر شده‌اید ، اکنون نیز بر من ظاهر شوید.

۱۳- ای ماروت‌ها کی شمارا در اینجا بزرگ داشته است؟ ای دوستان به سوی دوستان خویش به اینجا بیایید . ای ماروت‌های نورانی ، این دعاها را بپذیرید، و این مراسم مرا در نظر آورید(۱).

۱۴- دانش « مانیه » مارا به اینجا آورده است تا مانند شاعری که انجام دهنده قربانی را یاری میکند، یاری دهد(۲).
ای ماروت‌ها به شتاب به اینجا آید، بسوی دانشمند، سراینده این نیایش‌ها را برای شما بیان کرده است.

۱۵- ای ماروت‌ها ، باشد که این ستایش شما و این سرود « مانداریه » فرزند « مانه » شاعر برای ما فرزندان بارزق بیاورد؛ باشد که مایائی‌زی‌نیرو بخش و بارانهای بسیار داشته باشیم(۳).
(ماندالای اول - سرود ۱۶۵)

۱- در این بند قربانی کننده سخن میگوید و مکالمه خاتمه می‌یابد.

۲- مانیه Mānya : نام پسر مانه Māna است

۳- مانداریه Māndarya : ظاهراً نام يك شاعر است .



۱۴۵

خطاب بباروت با

۱- « ماروت » های شکار کننده با نیزه های درخشان و سینه های زرین نیروی بزرگی به دست آورده اند و با اسبانی تند رو ، و نیک پرورده درحرکت اند .

وقتی آنها بسوی پیروزی شتافتند ، ارابه ها در دنبالشان روان بودند .

۲- شما چنانکه میدانید خود قدرت را به چنگ آورده اید ، شما بزرگان به روشنائی و فراخی میدرخشید؛ آنها حتی آسمان را به نیروی خویش پیموده اند .

وقتی آنها بسوی پیروزی شتافتند ، ارابه ها در دنبالشان روان بودند .

۳- آن قهرمانان قوی که باهم تولد یافته و باهم تغذیه شده اند ، به جمال حقیقی نمو کرده اند ، بسان شعاع آفتاب به روشنی میدرخشند .

وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند ، ارابه ها در دنبالشان روان بودند .

۴- ای ماروت ها ! عظمت شما در خور احترام است ، مانند دیدار آفتاب باید مشتاق آن باشند ؛ مارانیز در جاودانی قرار دهید .
وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند ، ارا به ها در دنبالشان روان بودند .

۵- ای ماروت ها ! شما باران را از دریا برانگیخته اید و بر زمین می بارید ، ای دهقانان ! گاوان شیرده شما ، ای معدوم کنندگان هرگز معدوم نمیشوند .

وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند ارا به ها در دنبالشان روان بودند .

۶- وقتی که شما آهوان را مانند اسبان به تیرها ملحق ساختید ، و خویشتن را جامه زرین پوشانیدید ، آن گاه ای ماروت ها ، شما همه دشمنان را پراکنده میسازید .

وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند ، ارا به ها در دنبالشان روان بودند .

۷- کوه ها ، و رودخانه ها سدره شما نمیشوند ، ای ماروت ها هر کجا را که ببینید ، بدان جا میروید ، شما حتی پیرامون آسمان وزمین می گردید .

وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند ، ارا به ها در دنبالشان روان بودند .

۸ - ای ماروت ها ، (آن) چه کهنه باشد و (آن) چه نو ، ای

دواسو، ها (هر) چه به زبان آید و (هر) چه بیان گردد، شما همه را
میدانید.

وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند، ارابه‌ها در دنبالشان
روان بودند.

۹- ای ماروت‌ها، بر ما رحمت فرمائید، ما را مزیند، حمایت
همه‌جانبه خود را بر ما گسترش دهید، ستایش و دوستی را بیاد
آورید.

وقتی آنها به سوی پیروزی شتافتند، ارابه‌ها در دنبالشان
روان بودند.

۱۰- ای ماروت‌ها، ما را بسوی ثروت بزرگتری رهنمائی
کنید، و چون شما ستایش میشوید، ما را ازرنج برهائید. ای ماروت
های درخور ستایش، تقدیمی ما را قبول فرمائید، و ما را خداوند
کنج‌ها سازید.

(ماندالای پنجم - سرود ۵۵)



۱۴۶

دستایش ماروت

- ۱- ای اگنی ، به سوی لشکر نیرومند (ماروت ها) مجهز به زنجیرها و زیورهای زرین ؛
امروز من لشکر ماروت‌ها را از نور آسمان میخوانم .
- ۲- تو (ای اگنی) به آنچه در دل خویش به آن می‌اندیشی ، آرزوهای من نیز به سوی آن میرود. ای ماروت‌های مهیب، دیدار را که به ندای تو بسیار نزدیک می‌آیند نیرومند ساز.
- ۳- چون بانوئی بخشنده ، زمین لرزان و شادی کنان به سوی ما می‌آید . حمله شما ای ماروت‌ها مانند خرس قوی و چون گاو وحشی سهمناک است.
- ۴- آنها که به نیروی خویش و حشیانه مانند گاوانی که از یوغ گریزانند ، پراکنده میشوند ، آنها با حرکت خویش سنگ آسمانی و کوههای صخره‌را می‌لرزانند^(۱).
- ۵- برخیزید ، چون من اکنون با سرود خود لشکر این ماروت‌ها را که باهم نیرو یافته و متحد و بیمانندگشته‌اند ، میخوانم؛

(۱) ظاهراً منظور ابرها میباشد .

مانند کسی که گله گاوها را بخواند .

۶- مادیان های سرخ را به ارابه ببندید، اسب های کهر را به ارابه بندید ، آن دو اسب کهر را که برای کشیدن یوغ آماده اند، و برای کشیدن یوغ از همه قوی ترند، یراق کنید.

۷- و این اسب سرخ بلند شیهه نیز که در اینجا قرار دارد - و دارای دیداری زیباست- موجب تأخیر حرکت شما نشود، ای ماروت ها ، او را با ارابه های خویش به پیش رانید .

۸- ما ارابه شکوه مند ماروت ها را که «روداسی»^(۱) نیز بر آن ایستاده و هدایای مسرت انگیزی در میان ماروت ها در دست دارد ، به سوی خویش میخوانیم .

۹- من جمع شما را بدینجا میخوانم ، شما که بر ارابه های سهمناک و پر جلال (قرار دارید) که در میان آنها بانوی نیک زاد و خوش اقبال و بخشنده نیز در میان ماروت ها تعظیم شده است .

(ماندالای پنجم - سرود ۵۶)

(۱) روداسی Rodāsī : نام همسر « رودرا » و مادر « ماروت » ها.



درستایش ویشنو وندرا

Vishnu - Indra

۱ - بر آن قهرمان بزرگ که خواستار ستایش است ، و بر «ویشنو» هنگام فشردن شیرۀ (سوما) به آواز بلند - باسرود - ستایش نمائید .

خدایان فساد ناپذیر که بر اسبان نجیب سوارند ، و بر بالای کوههای بلند ایستاده‌اند .

۲ - سوما آشام شما حمله قهر آلود شما را دور نگاه میدارد ، ای اندرا و ویشنو ، در آن هنگام که شما با تمام نیروی خود می آید ،

تیر «کریشنا نو» می کماندار که انسان فناپذیر را بخوبی هدف قرار داده ، شما آنرا دور می سازید (۱) .

۳ - این تقدیمی ها ، نیروی قدرت و مردانگی اورا می افزاید ، او هر دو پدر و مادر خود را می آورد تا از این جریان خالص سهم برد .

(۱) منظور از عبارت: «سوم آشام شما» ظاهراً پرستنده است . «کریشنا نو Kṛisānu» یکی از نگهبانان آسمانی «سوما» است که ظاهراً دیو خشکسالی میباشد و نمیکندارد آدمی از باران حیات بخش برخوردار شود .

هرچند او پسر است ، بالاترین نام پدر را پائین می آورد ،
و سومین آنست که در نور اعلاى آسمان میباشد . (۱)

۴ - ما این نیروی مردانگی آن فرد قادر را میستائیم که
حافظ و بی‌ضرر و بخشنده و نیکو است .
آن که با قدم‌های وسیع در سه گام تمام کشورهای زمین را
برای آزادی و حیات می‌پیماید .

۵ - آدمی مرگ پذیر وقتی که دو گام او را که بر نور چشم
دوخته است می‌نگرد ، از شگفتی بی‌آرام میشود ،
اما به گام سوم او کسی را یارای نزدیکی نیست ، حتی مرغان
پردار هوا که با بالهای خویش در پروازند (۲) .

۶ - در زیر چهار نام (چهار فصل) او مانند چرخى مدور نود
پژه را بحرکت در آورده است .

گسترش یافته است در شکل خویش با آنها که ستایش را

(۱) منظور از عبارت «هر دو پدر و مادر خود» بنا بر نظر بعضی از مفسران
ویدوانان ، آسمان و زمین است . و مقصود از عبارت : «جریان خالص» شیرۀ سوم
و نفور قربانی مایع میباشد .

ظاهر مقصود از عبارت «پادای» اخیر اینست که ویشنو با اینکه پسر آسمان
Dyaus میباشد در این قربانی مقدم بر او است ، و اکنی مقام سوم را دارد .

(۲) معنی عبارت ظاهراً اینست که قدم اول ویشنو در زمین و قدم دوم
او در فلك در حیطه دید بشر است ، ولی قدم سوم در آسمان قابل رؤیت نیست .

میسرایند بصورت جوان ونه كودك ، بدعوت مامی آید (۱).

(ماندالای اول - سرود ۱۵۵)

(۱) بنظر «ساینه» ، وبه پیروی او «ویلسون» ، در اینجا کلمه «ویشنو» مترادف «زمان» است که از نود و چهار دوره تشکیل میگردد و عبارتند از : دو انقلاب صیفی و شتوی ، پنج فصل ، دوازده ماه ، بیست و چهار نیم ماه ، سی روز ، هشت پاس ، و دوازده علامت منطقه البروج . «کریفیت» مصراع اول را باین صورت معنی کرده است : «مانند چرخ مدور اونود اسب دونده خویش را با آن چهار با سرعت بحرکت درآورده است». و بنا بر این معنی و تعبیر ظاهراً منظور از نود اسب یا نود پره ، نود روز هر فصل سال شمسی است .



۱۲۸

خطاب باروت با (خدایان طون)

Maruts

- ۱ - برای آن گروه تهمت‌نار و پیشتازان نیرومند (اندرا) بزرگی باستانی آنها را اعلام داریم .
ای ماروت‌های بلند آواز ، شما ای قهرمانان نیروی خویش را در حرکت آشکار سازید - مانند : مشعل داران و خداوندان شمشیر .
- ۲ - بسان پدر و مادری که لقمه لذیذی برای فرزندان خود می‌آورند ، (ماروت‌های وحشی) با نشاط در این قربانی بازی میکنند .
«رودرا»ها با حمایت خویش پیرستش کنندگان میرسند و با نیرومندی خود از این قربانی بی بهره نمی‌مانند .
- ۳ - برای کسی که نگهبانان جاودانی کمال ثروت را بدو بخشیده‌اند ، و او خود تقدیم کننده نذورات است ، ماروت‌ها که مردم را با شیر (باران) مسرور می‌سازند، همچون دوستان ابرهای فراوان فرو ریخته‌اند .

۴ - شما که ابرها را به توان خویش برانگیخته‌اید ، اسبان شما به راهبری خود پیش‌تاخته‌اند ، همه کسانی که در خانه‌ها منزل دارند از شما میترسند و حرکت شما با نیزه‌هایی که به پیش‌بر - افراخته‌اید ، میدرخشد .

۵ - آنها که حرکتشان دهشتناک است ، وقتی صخره‌ها را بلرزه می‌آورند یا هنگامی که ماروت‌های مردوار پشت فلک را بحرکت درآورده‌اند، هر يك از خداوندگان جنگل از تاختن شما در هراس است و هر بوته از راه‌شما گریزان می‌باشد و مانند چرخهای ارابه در گردش است.

۶ - ای ماروت‌ها، شما که هرگز صفتان شکسته نمی‌شود، با مرحمت دعای ما را بر آورده فرمائید .

هر کجا برق سپید دندان شما فرود آید ، همچون تیر (۱) که درست به نشانه خورده است ، رمه‌ها را خرد می‌سازد .

۷ - ماروت‌ها که بخشش آنها همیشه پابرجاست و نعمت آنها هیچگاه قطع نمی‌شود ، و هرگز دشنام نمی‌دهند ، و در قربانی‌ها به بزرگی ستایش میشوند .

سرودهای خود را برای نوشیدن عصاره شیرین (سوما) می‌سرایند؛ آنها نخستین کارهای مردانه قهرمان (اندرا) را می‌شناسند .

۸ - ای ماروت‌ها کسی را که در پناه خود گرفته‌اید ، او را با

(۱) ظاهراً منظور صاعقه است .

- حصارهای صدگانه از آزار و بدی (شر) حفظ نمائید .
- مردی را که شما ای سرایندگان نیرومند هر اسناک با (بخشیدن) اخلاف سعادتمند در برابر ملامت حفظ کرده اید.
- ۹ - ای ماروت ها، در روی ارا به های شما همه چیزهای خوب، سلاح های قوی در کنار یکدیگر توده شده است .
- وقتی که در سفرید حلقه ها را در روی شانه های خویش عمل مینمائید و محور شما هر دو چرخ را با هم میگرداند .
- ۱۰ - در دست های مردانه آنها بسیاری چیزهای نیکو است، در روی سینه های آنها زنجیرهای زرین ، در روی دندانهای تیز چرخ های آنها پوست های آهوی خالدار است ، مانند پرندگان که بالهای خود را می کشایند - آنها جلال و شکوه را در دنبال خویش میگسترانند .
- ۱۱ - ماروت های قادر به قدرت ، و نیرومند به نیرو ، آشکارا از دور همچون آسمان پرستاره خوش آهنگ و نرم گفتار، سراینده با دهان خویش و متحد با اندرا در همه اطراف آوا برمی آورند .
- ۱۳ - این است عظمت شما ای ماروت های نیک زاد ، نعمت شما چون سلطه : «آدیتی» باطراف گسترده است ، حتی اندرا در نفرت خویش نمیتواند به نعمتی که شما برای اعمال نیک به کسی بخشیده اید ، صدمه رساند .
- ۱۳ - خویشاوندی شما (باما) است ، ای ماروت ها ، شما ای

جاویدها که در سال‌های گذشته بیشتر این سراینده را حفظ فرموده‌اید. چون در اثر این دعا شنوائی به انسان بخشیده‌اید، همه این قهرمانان با هم با اعمال شجاعانه خویش مشهور گشته‌اند .

۱۴- تا ما از نعمت شما ای ماروت‌ها برای دیر باز کامیاب شویم، ای تازندگان نامردان ما در این لشکر گاه پراکنده شوند ؛ پس بگذار تا من تشریفات این تقدیمی را بجای آورم .

۱۵- ای ماروت‌ها ، باشد که این ستایش ، این سرود «مانداریه» (۱) فرزند «مانه» (۲) شاعر از شما رزق برای فرزندان و خود بخوایم؛

باشد که ما پائیز نیرو بخش با باران‌های تند بارداشته باشیم .

(ماندالای اول سرود - ۱۶۶)

(۱) مانداریه Māndārya نام یکی از شاعران باستانی عصر ودائی .

(۲) مانه Māna نام یکی از ریشی‌های عصر ودائی است .



دستایش میترا و ارونا

- ۱- ای میترا و ارونا، قادر مساعد، شما را با احترام و نذور خویش میپرستیم، تا آن که هر دوی شما را که پشتتان روغن آلود است، ما (با روحانیون) بوسیلهٔ سرود و روغن یاری نمائیم.
- ۲- ستایش شما مانند نیروئی قوی است - بسان انگیزه‌ای - به شما خدایان دو گانه سرود نیکو شکلی تقدیم میشود، در آن گاه که (روحانی) شما نیرومندان را در مجالس تجهیز میکنند، و شاه شما را برای برکت پرستش مینماید (۱).
- ۳- ای میترا و ارونا، ادبیتی گاو شیرده برای این مراسم، و برای جمعی که نذر می‌آورند، جاری میشود (۲)، وقتی که در مجلس آنکه عبادت میکنند شما را برمی‌انگیزد، مانند روحانی با هدایای تقدیمی.

(۱) مقصود از کلمهٔ «شاه» در اینجا ظاهراً مرد توانگری است که قربانی را برپا میدارد.

(۲) منظور از عبارت: «ادبیتی گاو شیرده» احتمالاً منبع پادشاهای پرهیزکاران و پاکدامنان است.

۴- باشد که گاوان و آبهای آسمانی شربت شیرین خود را در
خانواده‌هایی که شما را خوشحال می‌سازند فرو ریزند ؛
باشد که او آن خانه خدای باستانی این را به ما بخشد.
از نوشیدن شیری که گاو می‌دهد ، لذت برید (۱).
(ماندالای اول - سرود ۱۵۳)

(۱) منظور از عبارت : «خانه خدای باستانی» ظاهراً «آکنی» (آتش) میباشد
که حافظ خانواده تصور می‌شده است .



۱۵۰

خطاب گئی یاروت

۱ - ای اندرا ، یاری هائی که به ما کرده ای به هزار میرسد ، ای راننده (اسبان) کَرنگ نیکوترین ارزاق تواز هزار میگذرد. باشد که هزار گنج لذت بخش و کالاهای هزار گونه به سوی ما آید .

۲ - باشد که ماروت ها با یاری به سوی ما آیند، آن نیرومندان، یا با بهترین کمک ها از آسمان بزرگ اینک که دورترین اسبان آنها در ساحل دور دریا به پیش تاخته اند .

۳ - پیوسته (چسبیده) به ماروت ها کسی حرکت میکند، مانند همسر مردی (برق) ، و بسان نیزه ای درخشان و زرانود که نیکو گرفته شده و بعقب برده شده باشد .

۴ - همچنین «واک» (۱) (صدای رعد) با آنها است مانند زنی فصیح و خوش بیان در افاق دور؛ ماروت های درخشان خستگی ناپذیر به دختر جوان خویش پیوسته اند چنانکه کوئی او متعلق به همه

(۱) واک Vāk یا واک Vāc : بمعنای سخن است ولی در اینجا بمعنی صدای

رعد است .

آنها است ولی آن هراسناکان «روداسی» (برق) را از خود دور نمیراند، چون میخواهد که او نیز دوست آنها باشد (۲).

۵ - هنگامی که «روداسی» الهی با زلفان آشفته و فکری مردانه خواست که به دنبال آنها رود، مانند «سوریا» (۳) (سپیده دم) با نگاهی ترسناک و با قدم ابرها به ارابه خویش رفت.

۶ - ای ماروت‌ها، به محض آنکه شاعر بانزور سرود خویش را بر قربانی سرائید، و «سوما» را فرو ریخت، آن مردان جوان (ماروت‌ها) دختران جوان را (بر ارابه خویش) نشانند، مانند رفیق خود برای پیروزی و قادر در جمعیت‌ها.

۷ - من آنچه قابل ستایش است میستایم، عظمت واقعی آن ماروت‌هایی را که آن فرد (روداسی) نیرومند مغرور مردانه فکر با آنها به سوی مادران برکت یافته است، میراند.

۸ - آنها میترا و وارونا را از آن ناچیز حفظ مینمایند، و «اریمن» نیز آن فرومایه را پیدا میکند.

حتی آنچه پابرجا و تکان ناپذیر است به لرزه درمی آید، اما آنکه گنج می‌بخشد ای ماروت‌ها (قدرتش) افزون میگردد.

۹ - هیچ مردمی خواه آنها که به ما نزدیک‌اند، یا دوردست به حقیقت هرگز بیایان قدرت شما نرسیده‌اند، ای ماروت‌های نیرومند!

(۲) روداسی Rodāsī : همسر ماروت‌ها ، برق .

(۳) سوریا Sūrya : بمعنی آفتاب میباشد اما در اینجا سپیده دم منظور

است .

ماروت‌ها با قدرت دلاوری، مانند دریا شجاعانه خویش را در میان گرفته‌اند.

۱۰ - باشد که ما امروز، و باشد که ما فردا در جنگ بهترین محبوبان اندرا خوانده شویم.

ما در سابق چنین بودیم، و باشد که بر استی روز به روز چنین باشیم، و باشد که خداوندگار ماروت‌ها با ما باشد.

۱۱ - ای ماروت‌ها، باشد که این سرود ستایش «مانداریه» فرزند «مانه» شاعر رزق و اولاد برای ما از شما بخواهد.

باشد که ما پائیزی نیروزا، و با باران‌های سیل آسا داشته باشیم.
(ماندالای اول - سرود ۱۶۷)



۱۵۱

خطاب اندرا (بصورت پنده پینجه)

- ۱ - ای نیرومند! اسبان کُرنگک تورا این جا آورند تا از افشیره سوما بنوشی - آنها که مانند خورشیدها درخشانند - ای اندرا .
- ۲ - در این جا دانه ها به روغن آلوده شده است، اسبان کُرنگک اندرا را در راحت ترین ارا به اش به این جا آورند ..
- ۳ - اندرا را در بامداد پگاه میخوانیم ، اندرا را در مراسم قربانی (می طلبیم) ، تا از شیرۀ سوما بنوشد .
- ۴ - ای اندرا ! با اسب های بلندبال خویش به این جا آی ، به این افشیره ای که مامی ریزیم؛ ما ترا میخوانیم وقتی که شیره ریخته میشود .
- ۵ - به این سرود ستایش ما بیا ، و این نذر که برای توریخته شده است ؛ مانند آهوی تشنه ای از آن بنوش .
- ۶ - این ها فطرات شیرۀ سوما است که بر روی علف مقدس فشرده شده است ، ای اندرا، از آن بنوش تا نیروی تو افزایش یابد .

- ۷ - این سرود ما برای تو خیرمقدم باشد ، و به قلب اعلای تو برسد ، پس از این شیرهٔ سوهای فشرده شده بنوش .
- ۸ - بر سر هر شیرهٔ فشرده شده، اندرای کشندهٔ وریترامی آید تا سوها را با لذت بنوشد .
- ۹ - ای «شت کرتو» ! همه آرزوهای ما را با اسبان و گاوان برآورده ساز ،
با افکاری مقدس ما ستایش تو را میستائیم (۱).
- (ماندالای اول - سرود ۱۶)

(۱) شت کرتو Šatakratu : خدای صدنیرو (اندرا)



۱۵۲

خطاب به ریهوا

RIBHUS

۱ - ای مردم ! خویشاوندان روحی شما در این جا هستند ، آنها با خزانه‌های ثروت با اشتیاق بدین مراسم مقدس آمده‌اند ، با هنرهای شکفت‌انگیز و با نقشه‌ای که با هر نیازمندی مقابله شود، شما ای پسران «سودهن‌ون» ! سهم خود را از قربانی به دست آورده‌اید (۱).

۲ - با نیروی قادری که با آن ساغرها را ساختی و فکری که با آن گاو را از پوست بیرون کشیدی ، و عقلی که با آن ، آن دواسب^۱ کُرنگه را بکار انداختی، با این‌ها (ای) «ریبهو» توبه الوهیت رسیدی .

۳ - دوستی اندرا را ریهوها بطور کمال به دست آورده‌اند، آنها که نوادگان «مانو» هستند ، با مهارت این کار را برانگیخته‌اند.

(۱) شاید منظور از عبارت: «با خزانه‌های ثروت» مهارت زیاد، و منظور از عبارت: «هنر شکفت‌انگیز» ابیات این سرود باشد .

سودهن‌ون Sudhanvan : نام‌پدر ریهوها . و ریهوها Ribhus سه‌پسر سودهن‌ون از اعقاب انگرس Angiras میباشند که هر يك جدا گانه ریهو، و ویهو و واج نامیده شده‌اند .

فرزندان «سودهنون» برای آنها زندگی جاوید به دست آورده‌اند.

با خدمت در مراسم مقدس و تقوی با اعمال نیک.

۴ - در ملازمت اندرا، به سوی شیرۀ (سوما) بیایید، و سپس شکوهمندانۀ آرزوهای شما بر آورده خواهد شد.

ای روحانیون، اعمال نیک شما، و کارهای قهرمانی شما هیچیک با ریبهوها - پسران: «سودهنون» - قابل مقایسه نیست.

۵ - ای اندرا، با ریبهوها و نیرومند شیرۀ سوما فشرده شده و نیکو ممزوج را از هر دو دست فرو ریز.

ای «مگهوان»^(۱) که در خانه تقدیم کننده این نوشابه با سرودها تشویق گشته‌ای، با قهرمانان - با پسران سودهنون - شادی نما.

۶ - با حضور «ریبهو»، و «واج» ای «اندرا» با «ساجی» ستایش شده در این شیرهای که ما می‌ریزیم، وجد و شادی نما^(۲).

این خانه‌ها که ما در آن زندگی میکنیم، بسوی تو رو - آورده‌اند.

(۱) مگهوان Maghavan: خدای نیکوکاری، نام اندرا.

(۲) ساجی Sachī تجسم نیرو، و همسر اندرا (اندرائی Indrānī) میباشد. در ریگ‌ودا فقط پنج مورد نام «اندرائی» همسر اندرا آمده است. در «تیتیریۀ براهمن Taittirīya-Brāhmana» مذکور است که اندرا، اندرائی (که او را ساجی نیز خوانده‌اند) همسر خود را از میان الهدهای دیگر باین جهت انتخاب کرد که جنبۀ شهوانی او از دیگر زن‌هایش افزون‌تر بوده است. اندرائی چندان بعنوان الهه مورد احترام واقع نشده است.

اخلاص به خدایان را بسان قوانین مردم امر فرما .
 ۷ - ای اندرا ، با ریبهوهای نیرومند به سوی ماییا ، و بایاری
 خویش ستایش مقدس این سراینده را تقویت فرما .
 با صد دعوت مشتاقانه به سوی مرد زنده بیا و با هزار هنردر
 عمل قربانی حاضر باش (۱) .
 (ماندالای سوم - سرود ۶۰)

(۱) منظور از عبارت : «مرد زنده» عبادت کننده است .



۱۵۳

خطاب اگنی-یاروت

- ۱ - ای «جات ویداس» تیزهوش و تندرو، ما «گوتمه»ها تورا
بهخاطر جلالت باسرودهای مقدس تجلیل مینمائیم .
- ۲ - ترا چنانکه هستی «گوتمه» در آرزوی ثروت با سرود
خویش میپرستد .
ما ترا برای جلالت میستائیم .
- ۳ - بدین سان مانند «انگرس» ما ترا که بهترین به دست آورنده
غنایمی ، میخوانیم .

(۱) جات ویداس Jatavedas = داننده همه ، متصرف همه . لقب ودائی
آتش (اگنی) است . این اصطلاح (یعنی : کلمه «جات ویداس») را پنج
معنی کرده اند:

- ۱ - داننده جمیع آفریدگان ۲ - صاحب یا آفریننده همه موجودات
- ۳ - شناخته شده همه کائنات ۴ - صاحب ثروت بیدها (وداها) ۵ - صاحب دانش
بیدها . تعبیرات دیگری نیز از این کلمه کرده اند و فقط دو تعبیر از آن در متون
وداها قابل قبول است .

ما ترا برای جلال میستائیم (۱) .
 ۴ - تو بهترین کشنده و ریترا (هستی) که دشمنان («داسیو»)
 ما را دور ساخته‌ای .
 ما ترا برای جلال میستائیم ،
 ۵ - ما پسران «راهو گنه» ، سرود سرور انگیزی برای اگنی
 سروده‌ایم .
 ما ترا برای جلال میستائیم .
 (ماندالای اول - سرود ۷۸)

(۱) کوتاهه Go-fama: نام ریشی دوره و دائی منسوب به خانواده «انگرس Ahgiras» با نام خانوادگی « راهو گنه Rāhu-gana » که سرودهایی چند از ریک ودا و از جمله همین سرود به او منسوب است . بصیغه جمع اخلاف کوتاهه . این نام را نباید با نام «کوتمه» مؤسس مکتب فلسفی «نیایه Nyāya» که «دشاننده Satānanda» هم خوانده شده و بعد از عصر او پانیشادها میزیسته است اشتباه کرد.



۱۵۴

خطاب بانذراوبریهسپتی

- ۱ - ای اندرا، و ای بریهسپتی مشهور درستایش این تقدیمی در دهان شما عزیز است، این افشرد شادیبخش.
- ۲- این سومای مطبوع برای شما، ای اندرا، و ای بریهسپتی فشرده شده است تا از آن بنوشید و شادی کنید.
- ۳ - ای اندرا، و ای بریهسپتی (و اندرا) مانند سومانوشان به خانه ما آید و شیرۀ سوما بیاشامید .
- ۴ - ای اندرا، و ای بریهسپتی، ثروت‌های صدچندان برای ما تأمین فرمائید . با رمة اسبان هزار گانه .

(۱) بریهسپتی **Bṛihaspati** (وریهسپتی **Vṛihas-pati**) : خدای تجسم اعمال پرستندگان یا خدائی که عبادت و پرستش و تقوی در او تجسم یافته است. خداوند گویائی، خدای دانش. در ریگ ودا این کلمه با کلمه « برهمنسپتی **Brahmanaspati** » غالباً مترادف آمده و بجای یکدیگر استعمال شده است و هر دو کلمه نام خدائی است که تجسم اعمال پرستندگان میباشد. او دعا کننده و قربانی کننده و کاهن و واسطه بین خدایان و مردمان است و بدین ترتیب میتوان ویرا «کاهن اول» و همچنین «کاهن خانوادگی» جامعه خدایان شمرد. در دوره های اخیر ودائی بریهسپتی در ردیف یکی از ریشی‌ها در آمده است.

- ۵ - ای اندرا، و ای بریهسپتی، وقتی که نوشابه (سوما) ریخته میشود، ما با سرود شما را میخوانیم تا از شیرۀ سوما بنوشید .
- ۶ - ای اندرا، و ای بریهسپتی سوما را در خانه تقدیم کننده بنوشید، و از ماندن در آن جا محظوظ شوید .

(ماندالای چهارم - سرود ۴۹)



۱۵۵

خطاب بهاویویه

Bhāvayavya

۱ - با دانائی من این ستایش‌های نشاط آور «بهاویه» را که در ساحل «سیندهو» منزل دارد ، تقدیم میدارم ؛ چون آن پادشاه شکست‌ناپذیر در آرزوی افتخار هزار قربانی برای من مهیا ساخته است .

۲ بخواهش آن پادشاه صدطوق ، و صد اسب پیشکشی من پذیرفتم ، و هزار گاو از آن خداوندگار - من «ککشویان» هستم - ؛

افتخار جاودانی او تا به آسمان گسترش یافته است .

۳ - اسبان تیره رنگ کنار من ایستاده‌اند ، و ده ارابه و ده مادیان‌هائی که آنها را میکشند ، بخشش «سونیه» است . شصت هزار -

(۱) این سرود جنبه مذهبی ندارد بلکه شاعر یکی از پادشاهان مشهور زمان خود را بنام «سونیه Svanayā» که قلمرو سلطنتش حوزه رودخانه سند (Sindhu Indus) بوده ، مدح گفته است . در سرود ۱۲۵ ماندالای اول نیز این پادشاه مورد مدح و تمجید همین ریشی قرار گرفته (بنگرید ذیل صفحه ۳۹۳-۳۹۱ همین کتاب را) ولی در این سرود «سونیه» بنام پدرش «بهاوه Bhāva» یاد بهاوه یویه Bhāvayavya خوانده شده است .

گاو در دنبال آنها می‌آمد .
 ککشویان، وقتی روزها به آخر میرسید ، آنها را به دست
 آورد (۱) .
 ۴ - چهل اسب کُرنک خداوندگار در ارا به پیشاپیش هزار
 (گاو) مراسم طولانی را رهبری مینمایند .
 پسران ککشویان و «پجره» با نشاط و شادی اسبها را با براق
 گوهر نشان نگاهداری میکردند.
 ۵ - پیش از آن نیز هدیه برای شما پذیرفتم، هشت ماده گاو
 شیرده و سه اسب با سازوبرگ .
 ای «پجره» ها که با ارا به های خویش و با خویشاوندان بزرگ
 خود بسان افواج رعایا در اشتیاق افتخار بوده اید .
 (ماندالای اول - سرود ۱۲۶)

(۱) ککشویان **Kakshivān** یا «ککشویات **Kakshivat**» : نام یکی از
 ریشی های دوره ودائی و گوینده این سرود و تعدادی دیگر از سرودهای رگ
 بید است . نام پدرش «دور گهه تمس **Durgha-tamas**» و نام مادرش «اوسیج **Usij**
 است . گاهی او بنام : «پجریه **Pajriya**» برای آنکه از نژاد یا اخلاف «پجره
Pagra» - نیای خانواده ای از روحانیون - خوانده میشود . سرود ۱۲۵ را
 درباره آزادگی و تفوای «سونیه» شاه انشاد کرده است . او بخواهش پادشاه
 صدنیشکه «**Nishkas**» یا طوق زرین و همچنین صد اسب و صد گاو و هزار گاو
 ماده و ده ارا به که همه ارا به ها را چند اسب میکشیدند پذیرفت .



۱۵۶

خطاب آسمان زمین

۱- این آسمان و زمین همه را کامیابی می بخشند، نگاهدارندگان ناحیه ، افراد مقدس و خردمند ،

دوجام شریف فطرت درمیان این الهه های خداوند، خورشید درخشان بقانونی ثابت در سفر است (۱) .

۲- آن زوج پر کنجایش و نیرومند که هرگز از کار نمی مانند، آن پدر و آن مادر همه آفریدگان را سلامت نگاه میدارند .
دو نیمه جهان روحانی و زیبا (اند)، زیر ا پدر (۲) آنها را به اشکال نیکو آراسته است .

۳- فرزند این والدین، آن روحانی که دارای قدرت طهارت است ، دانشمندی که جهان را با قدرت غالب خویش مقدس میسازد، برای شیر روشن او در تمام روز ماده گاو ابلق و نر گاو بارور را

(۱) منظور از عبارت : «دوجام» ظاهراً تشبیه دو نیم کرده است.

(۲) مقصود از کلمه: «پدر» ظاهراً «آسمان Dyaus» یا نوشتری Tvashtri

میباشد .

دوشیده است (۱) .

۴ - در میان خدایان ماهر او از همه با مهارت تر است، آنکه
دو نیمه جهان را آفریده تا همه کامیابی بخشند.
آنکه با دانش بزرگ هر دو ناحیه را پیموده است و برای
آنهاستون هائی برافراشته که هرگز فناپذیرند.
۵ - ای آسمان و زمین که با سرود تجلیل شده‌اید ، ای
زوج (جفت) نیرومند ، ما را افتخاری بزرگ و سلطه عالی و شاهوار
بخشید تا بوسیله آن ما بتوانیم خود را بر مردم گسترش دهیم و ما
را قدرتی فرستید که درخور ستایش مردمان باشد .
(ماندالای اول - سرود ۱۶۰)

(۱) ظاهراً مقصود از عبارت : «فرزند این والدین»، خورشید است که بعقیده
آنها زاده آسمان و زمین میباشد ، و منظور از عبارت : « شیر روشن » شب‌نم
است که از مادرش زمین برخاسته و نوری است که از پدرش آسمان به دست آمده است.



۱۵۷

درستایش رودرا

RUDRA

- ۱ - برای رودرای نیرومند نعمت بخش دانای والاچه بسرائیم که دردل او گرامی باشد ؟
- ۲ - باشد که « ادیتی » لطف « رودرا » را به مردم ما ، به گاوان ما ، و به رمه‌های ما ، و باخلاف ما عطا فرماید (۲).
- ۳ - باشد که « میترا » و « وارونا » ، و « رودرا » ما را بیاد آورند ، آری همه خدایان باتفاق.
- ۴ - از رودرا خداوند قربانی و سرود ، و داروهای گوارا ، شادی و تندرستی و نیرو مسئلت مینمائیم .
- ۵ - او مانند آفتاب در جلال میدرخشد ، و بسان زر درخشان روشن است ، نیکو است و از میان همه خدایان بهتر میباشد .
- ۶ - باشد که او اسبان ما را سلامت دهد ، و قوچان ، و میشان ما را سعادت بخشد ، و همچنین مردان و زنان و گاوان را . (۳)

(۱) رودرا در این سرود خدائی نجیب و مهربان وصف شده است که مخصوصاً بر گیاهان داروئی حاکم میباشد .

(۲) ظاهراً منظور از « ادیتی Aditi » در اینجا زمین است .

(۳) در این بند رودرا خداوند حافظ رمه‌هاست .

۷- ای «سوما» افتخار صد مرد را بر ما مستقر دار و شهرت رئیسان
توانارا.

۸- مگذار که بدخواهان، و آنها که سومارا مشوش میدارند
مانع شوند،

ای ایندو مارا سهمی از قدرت ببخش (۱).

۹- ای سوما! ای سر کرده، وای نقطه مرکزی، اینهارا دوست
بدار؛ ای سوما! اینها که ترا خدمت میکنند بشناس، فرزندان تو
ای جاویدان، در بالاترین مقام قانون مقدس (۲).

(ماندالای اول - سرود ۴۳)

(۱) منظور از عبارت: «آنها که سومارا مشوش میدارند» شاید مردم کوه نشین
اند که مانع چیدن و جمع آوری بونه‌های گیاهان سوما میشدند.
بعضی گفته‌اند کلمه «ایندو» Indu «از همان ریشه «Indra اندرا» است
که باران بار باشد، این اسم به ماه، و به سوما نیز که با آن یکی است داده
شده است.

(۲) مقصود از عبارت: «در بالاترین مقام قانون مقدس» ظاهراً محلی است
که قربانی باید انجام بگیرد.



۱۵۸

دستایش رودرا

- ۱ - به سوی رودرای نیرومند ما این سرود های ستایش را پیش می آوریم ،
به سوی او که خداوند قهرمانان، و دارای زلفان مجعد است،
تا او بارمه و مردم ما خوب باشد، تا در این دهکده همه تندرست و
سیر باشند .
- ۲ - به ما مهربان باش ای رودرا ، و ما را شادی بخش ، ترا ای
خداوند قهرمانان با احترام خدمت خواهیم کرد .
هر آنچه سلامت و نیرو که پدر ما « مانو » با قربانی به دست
آورد ، باشد که ما تحت رهبری تو به دست آوریم .
- ۳ - با پرستش خدایان باشد که ما لطف ترا ای فردبخشنده ،
ای رودرا ، ای پادشاه مردم دلاور به دست آوریم .
به خانواده های ما بیا ، و برکت خویش را برای آنها بیاور
تا ما که قهرمان هایمان صدمه ندیده اند ، این تقدیمی های مقدس
را برای تو آوریم .

۴- ما در اینجا از آن دانا ، از آن سیّار، از رودرای توانا ،
از آن کامل کننده قربانی، یاری میجوئیم.

باشد که او غضب خدایان را از ما دور سازد، براستی ما طالب
لطف مساعد او هستیم .

۵- ما با احترام آن مجعد موی را میخوانیم، آن گراز وحشی
آسمان ، آن سرخ رنگ ، آن هیکل خیره کننده ،

باشد که او دست های پراز داروهای شاهوار ما را حمایت کند
و پناه و امنیت خانه به ما عطا فرماید .

۶- این سرود خطاب به پدر «ماروت» ها است تا قدرت رودرا
را بیفزاید، سرودهای شیرین تر از هر شیرینی.

ای فرد جاوید، ما را غذائی که فناپذیران میخورند عطا کن ،
به من مهربان باش ، به نخمه من، و اخلاف من.

۷- ای رودرا ، به خرد و کلان ما آزار مرسان ، پسر رشد
کننده را آزار مکن، و مرد رشد یافته را آزار مفرما .

بزرگی را از ما مکش. و مادری را در این جا هلاک مساز ، و
بدن های عزیز ما را ای رودرا زحمت مرسان.

۸- ما را در نخمه و اخلاف ای رودرا آزار مده ، زنده ها و
کاوان و اسبان را کزند مرسان، قهرمانان ما را در شدت خشم خویش
مکش. ما با آوردن ندور بیشتر ترا میخوانیم.

۹- حتی مانند شبانی من سرود های ستایش را به سوی تو

می آورم، ای پدر «ماروت» ها، ما را شادمانی بخش ،
 مساعدترین نیکوئی های تو مبارک است، پس برستی ما خواستار
 یاوری نجات دهنده تو هستیم .

۱۰- نیر تو که مردم ورمه را هلاک میسازد دور باد ، رحمت
 تو بر ما باد، تو ای خداوند قهرمانان .
 بر ما مهربان باش ای خداوند، و ما را برکت ده، و ما را حمایتی
 دو برابر نیرومند عطا فرما .

۱۱- ما در طلب یاوری سخن گفته ایم و او را پرستش نموده ایم،
 باشد که رود را در میان ماروت ها آوای ما را بشنود .
 باشد که این دعای ما را «وارونا»، و «میترا» و « ادیتی » ، و
 «سیندهو» ، و زمین، و آسمان اجابت فرمایند.

(ماندالای اول - سرود ۱۱۴)



۱۵۹

دستایش رودرا

- ۱- ای پدر «ماروت»ها، رحمت تو به ما نزدیک شود، ما را از نگریستن نور خورشید محروم مدار .
آن قهرمان به مرکب تازنده مالطف فرماید، ای رودرا، باشد که ما در فرزندان خود ظاهر شویم .
- ۲- باشد که بانجات بخشنده ترین داروهائی که تو میدهی .
ای رودرا، من به صد زمستان برسم .
دشمنی و نفرت را از ما دور دار و بیماری و زحمت را از همه نقاط (۱) .
- ۳- تو در جلال بر همه تولد یافتگان سروری، ای رودرا که به رعد مسلحی و از همه توانایان تواناتری ،
ما را از زحمت به رفاه رسان و حمله‌ها و شرور را از ما دفع فرما .
- ۴- ای رودرا ، مگذار که ما ترا با عبادت به غضب آوریم - با

(۱) کوبندگان سرود های ربیک و واحد اعلاى سن مردم زمان خود را یکصد سال میدانستند و آرزو میکردند که صد زمستان بزیزند .

ستایش ناپسند - ای خداوند نیرومند یا بادعاهای مخلوط .
 قهرمانان مارا باروغن های نیروبخش خویش برانگیز، من
 میشنوم که تو از همه پزشکان به سر آمدی شهره‌ای (۱) .
 ۵- باشد که من با سرودهای ستایش لطف رودرا را به دست
 آورم، آنکه با تقدیمی‌ها و دعاها پرستش میشود.
 باشد که آن خدای حنائی رنگ خوب روی و لطیف و تیز گوش
 هرگز ما را بدین قصد ناپسند تسلیم ننماید (۲) .
 ۶- آن نیرومند (رودرا) که ماروت‌ها در پیرامون او هستند
 مرا با نیروبخش ترین غذاها نشاط بخشیده است.
 در حال التماس بسان کسی که در آفتاب سوزان سایه‌ای می‌یابد،
 باشد که من بدون آزار رحمت رودرا را به دست آورم.
 ۷- دست لطف بخش تو کجاست ای رودرا ، دستی که سلامت
 میدهد و راحتی می‌آورد ،
 ای بر طرف کننده بلائی که خدایان به ما می‌فرستند ، ای فرد
 نیرومند، با مهربانی بر من بنگر .
 ۸- برای آن نیرومند بزرگ حنائی رنگ خوب چهر، من
 سرود توانای ستایش را میسرایم ،
 ما آن خدای درخشان را خدمت میکنیم ، ما نام شکوهمند

(۱) مقصود از « عبادت » ، عبادت ناقص و نارسا است ، و منظور از عبارت :
 « دعا های مخلوط » ، ادعیه است که سایر خدایان در آن‌ها مورد نظر و توجه اند .
 (۲) ظاهراً مقصود از عبارت : « قصد ناپسند » ، بدخواهی دشمنان است .

رودرا را تجلیل مینمائیم .

۹- با پا های استوار و شکل گوناگون، آن نیرومند حنائی رنگ خویشان را با زینت های زرین درخشان می آراید.
نیروی خدائی هرگز از رودرا جدا نمیشود، او که سرور این جهان و تواناست .

۱۰- با برازندگی تو تیر و کمان خویش را در دست داری ،
کردن بند رنگارنگ و محترم تو برازنده است .
با برازندگی تو هر دیوی را قطعه قطعه میکنی . توانا تر از تو کسی نیست، ای رودرا .

۱۱- آن ارا به سوار و جوان و مشهور و درنده را که بسان حیوان دهشتناک جنگل میکشد، ستایش کنید .

ای رودرای ستوده ، به سراینده مهربان باش، لشکر تو از ما بگذرند و (قوم) دیگری را بزنند.

۱۲- چون تو نزدیک می شوی، من به تو تعظیم میکنم ای رودرا، حتی مانند پسری در برابر سروری که او را درود میفرستد .

ای بخشنده نیکوئی ها، ای خداوند شجاعان، من ترا میستایم ،
مارا دارو بخش، همانگونه که ترا تحمید میکنیم .

۱۳- ای ماروت های توانا، از داروهای خالص شما آنها که از همه سالمتر و سلامت بخش تر است ، و از آنها که پدر ما « مانو » برگزیده است، من از رودرا برای سود خود و سعادت خویش درخواست

مینمایم (۱).

۱۴- باشد که تیرهای رود را از ما دور شود، و ما را وا گذارد،
و غضب آن فرد توانا از ما بگذرد،

ای خداوند رحیم، کمان قوی خویش را از شاهزادگان (۲)
(بزرگان) ما بگردان، و به فرزندان و اخلاف ما مهربان باش.

۱۵- ای نرگاو حنائی رنگ، اینگونه که فطرت خویش را
آشکار میسازی، نه خشمگین شو، و نه ما را ای خداوند هلاک ساز.

ای رود را، در اینجا دعاها را ما را بشنو، باشد که ما با قهرمانان
در انجمن به آوای بلند سخن گوئیم.

(ماندالای دوم - سرود ۳۳)

(۱) ظاهر مقصود از عبارت: «آنها که پدر ما، مانو بر گزیده است، بنا بر
رزم نامه داستانی: «Mahābhārata مهابهارت» دانه گیاهان است که
«مانو Manu» در زمان طوفان بموجب اساطیر و روایات هندو با خود به کشتی
برد.

(۲) مقصود از عبارت: «شاهزادگان ما» اربابان نروتمند و یابریا کنندگان
قربانی میباشند.



خطاب به سوما - رودرا

Soma-Rudra

۱- ای سوما- رودرا، سلطهٔ خدایی خویش را استوار نگاه دارید،
و بگذارید که این قربانیهای ما به شتاب به شما برسد.

هر یک از هفت گنج بزرگ خود را در خانه‌ای جای بدهید، و
چهارپایان و دوپایان ما را برکت بخشید (۱).

۲- ای سوما و ای رودرا، بیماری را که به منزل‌های ما روی
آورده است از همه جا برانید.

«نیرییتی» را دور سازید، و ما را افتخارات عالی و سرور آمیز
بخشید (۲).

۳- ای سوما-رودرا، برای بدن‌های ما همه داروهای مورد
نیاز را فراهم سازید که ما را درمان و شفا بخشد.

گناه مرتکب شده را که هنوز در شخص ما باقی است، رها
کنید و دور نمائید.

(۱) منظور از عبارت: «چهارپایان و دوپایان»، حیوان (چهارپایان) و
انسان است.

(۲) نیرییتی Niriti: الههٔ مرگ و خرابی است.

۴- ای سوما وای رود را که به تیرها و سلاحهای تیز مسلح آید،
 با محبت و مهربانی به ما لطف فرمائید.
 ما را از کمند «وارونا» رها کنید و با محبت مهر آمیز و لطیف
 خویش ما را از غم محفوظ دارید (۱).
 (ماندالای ششم - سرود ۷۴)

(۱) وارونا Varuna خدا و حاکم اخلاقی جهان است و او را در تصویرها با کمندی نشان میدهند که بوسیله آن بدنهادان و شریران را میگیرد و هلاک میسازد.



ستایش اندرا-ویشنو

Indra-Vishnu

- ۱- ای اندرا و ویشنو، من در انجام کارخ-ویش، شما را باغذا و خدمت مقدس تشویق مینمایم.
- این قربانی را قبول نمائید و ما را ثروت بخشید، و ما را در راهی بی مانع رهبری کنید.
- ۲- ای اندرا و ویشنو، شما که همه سرودها را الهام میکنید، شما که ظروف افشردن سوما هستید؛
باشد که سرودهای ستایشی که ما اکنون میسراییم، بگوش شما برسد، تحمیدهایی که سرایندگان انشاد میکنند.
- ۳- ای خداوند گار جرعهای فرح بخش، ای اندرا و ویشنو، بیائید و گنجها را برسوما هدیه کنید.
اشعه درخشان سرودها و ستایشهای سروده و تحمیدات مکرر شما را زیب و زیور بخشد.
- ۴- باشد که اسبان دشمن کوب شما، شما را به اینجا آورد، ای اندرا و ویشنو که در این جشن شرکت دارید.

از همه سرودهای ما این دعاها را قبول فرمائید؛ نمازهای مرا بشنوید و به سرودهایی که من میسرایم گوش فرا دارید.

۵ - این عمل شما ای اندرا ویشنو، باید ستوده شود، شما که در شادی شورانگیز سوما گام‌های بلند بر میدارید.

شما که فلک پهناور را ساخته‌اید، و نواحی را برای هستی‌ما وسعت بخشیده‌اید.

۶ - ای اندرا ویشنو که با تقدیمی‌های مقدس قوت یافته‌اید، ای اولین خوردگان که نذربه شما تقدیم شده است، و روغن مقدس را نوشیده‌اید،

ثروت‌های ما را حفظ فرمائید، شما دریاچه و ظرفی هستید که سوما در آن قرار دارد.

۷ - ای اندرا، از این نوشابه بنوش، تو و ویشنو؛ سوما را سیر بنوشید، ای کنندگان کارهای شکفت آور.

آن عصاره شیرین فرح بخش به شما رسیده است، دعا‌های مرا بشنوید و به ندای من گوش فرا دهید.

۸ - شما توأمان (دشمن را) مغلوب کرده‌اید، و هرگز مغلوب نشده‌اید؛ هرگز یکی از این دو توأم (از خصم) شکست نپذیرفته‌است. شما اندرا، و ویشنو وقتی که جنگ می‌کردید، این لانه‌ایت را در سه قسمت بوجود آوردید.

(ماندالای ششم - سرود ۶۹)



۱۶۲

دستایش اندرا

- ۱ - کدام دوست بشر ، و خدا دوست، و مشتاق به آن ، در این روز از دوستی اندرا محظوظ گشته است؟
کی باشعلۀ برافروخته، و سومای روان ، او را برای یاری حفظ کننده اش ستایش نموده است؟
- ۲ - کی با دعا در پیش سوما دوست سرفروده آورده است؟
و کدام مرد پرهیز کار اشعۀ بامدادی را لباس می پوشاند؟
کی در طلب عهد و دوستی و برادری با اندرا است؟
کی برای یآوری از آن دانشمند مدد می خواهد؟
- ۳ - کی امروز حمایت خدایان را ادعا میکند ، و از «ادیتی» یا «آدیتیا» ها روشنی می طلبد؟ از ساقۀ فشرده شده سومای او «اشوین» ها ، و «اندرا»، و «ویشنو» با روحی شائق می نوشند .
- ۴ - اگنی «بهارت» او را پناه خواهد داد، اوزمان درازی بر خاستن آفتاب را خواهد نگریست ،
آنکه میگوید بگذار تا افشره را برای اندرا دوست بشر ، و

مردانه‌ترین قهرمان شجاعان بفشاریم. (۱)

۵ - او را نه عده معدود ، و نه عده زیادی از مردم مغلوب خواهند ساخت؛ «ادیتی» او را پناه وسیعی خواهد بخشید.
پرهیزکاران و مخلصین درپیش اندرا عزیزند؛ عزیزند مشتاقان و گرامی‌اند سوما آوردگان .

۶ - این قهرمان قدرت‌را برای مشتاقان مهار می‌سازد؛ اندرا تنها مالک افشرد صاحب چرخشت است.
او برادر و خویشاوند و دوست کسی که (سوما) نمی‌ریزد نیست ، و هلاک‌کننده کنگی است که در مقابل او مقاومت می‌ورزد (۲).

۷ - با آن فرومایه دولتمند که سوما نمی‌ریزد اندرای سوما نوش پیمان همبستگی نمی‌بندد.
ثروت او را می‌گیرد و او را برهنه میکشد، دوست کسی است که ندور را تقدیم‌میدارد .

۸ - (طبقه) اعلی و اسفل، و مردمی که در میان این دو (گروه)

(۱) «اگنی بهارت» (اگنی بهارته Agni Bhārata) خدای ویژه خانواده یا قوم «بهارت» میباشد . بهارت دیگر آتش خدای مخصوص خانواده آریایی بهارت است .

(۲) منظور از کلمه «کنگ» کسی است که خاموش است و ستایش نمی‌کند .

فرار دارند، میروند و میآیند و در خر سندی میزیند.
آنان که چون به جنگ تحریر شوند، قدرت خویش را آشکار
میسازند - اینان کسانی هستند که - از اندرا یاوری می طلبند.
(ماندالای چهارم - سرود ۲۵)



۱۶۳

ستایش اندرا

- ۱ - باشد که اندرا برای پشتیبانی به سوی ما آید؛ بر آن
 قهرمان که در جشن ما شریک است، ستایش باد؛ او که نیروهایش
 بسیار و قدرتش در فزونی است.
 باشد که مانند آسمان کشور خویش را گرامی دارد.
- ۲ - کارهای قهرمانانه بزرگ او در این جا تعظیم میشود، ای
 فرد ذوالجلال که مردم را به نعمت‌های خویش توانگر میسازی.
 آن که اراده او در جمعیت بسان فرمانروا است که بر مردم
 حکومت می‌کند، پیروزمند و از همه برتر است.
- ۳ - اندرا از زمین و آسمان بدین جا آید، و از فلک یا از اقیانوس
 با سخن به اینجا آید؛
 با ماروت‌ها از دیار روشنایی به یاری ما آید، یا از راه دور و
 مقام نظم (۱).

۴ - در اجتماعات خود اندرا را تحمید خواهیم کرد، آنکه

(۱) بنابر تفسیر بعضی مفسران هندو احتمالاً منظور از عبارت: «از راه دور و مقام نظم»، سرحدنیای منظم یا نواحی ابرهاست.

خداوند ثروت‌های بزرگ و پابرجاست،
 پیروزمند با «وایو» در آن جا که رمه‌ها گرد می‌آیند، آنکه
 شجاعانه به سوی دولت‌های بالاتر رهبری می‌کند. (۱)
 ۵ - باشد که «روحانی» خداوند برکت‌های بسیار که در حال
 مجاهده است، واحترام را بر احترام افزوده و آواز بر آورده، و
 مردم را بعبادت تشویق می‌کند، اندر ارا با ستایش به سوی خانه‌های ما
 بیاورد. (۲)

۶ - در آن حال که در منزل «اوشیجه» نشسته و در مراقبه عمیق
 فرورفته‌اند، سنگ چرخش را بکار می‌اندازند،
 باشد او که خشمش شدید است، و آن حمل‌کننده نیرومند،
 بسان روحانی صاحب‌خانه به منازل ما در آید. (۳)
 ۷ - قدرت «بهاروره»ی نیرومند، بطور حتم همواره بنگاهداری
 سراینده مدد خواهد کرد.

آنچه در منزل «انسیجه» پنهان است برای حظ بردن و پرستش

(۱) ظاهراً منظور از عبارت: «آنجا که رمه‌ها گرد می‌آیند، نقاطی است
 که جایزه فیروزی فراوان است.

(۲) منظور از کلمه «روحانی» ظاهراً «اکنی» است.

(۳) اوشیجه *Aušija* (آرزومند، مشتاق) : نام خانوادگی ریشی ککشین
 و دیگران است. شاید هم منظور بر پاکننده قربانی باشد. معنی این آیت
 تاریک است.

کردن پیش آید. (۱)

۸ - آن هنگام که میان کوه هارا می شکافد ، و با طوفان های خود سیلاب هارا به جنبش درمی آورد ،
او گاو میشان ، و گاو های وحشی را در گاوخانه هایشان می یابد ، وقتی که دانایان او را به سوی بهره برداری قوی رهبری می کنند (۲).

۹ - ای اندرا ، دست های تو موهبت بخش است ، و بازوان خوش اندام تو به ستایش کنندگان نعمت می رساند .
این چه کاهلی است ، چرا شادی نمی کنی ؟
چرا از بخشش حظ نمی ببری ؟

۱۰ - بدینسان اندرا خداوند حقیقی گنج است . با کشتن «وریتره» به بشر آزادی بخشید .

(۱) بهاروره Bhārvara : ظاهراً نام اندرا میباشد که نگارنده جهان یا «پر جاپتی» است. بنظر: «گرسمن» منظور از این کلمه «اگنی» است، ولی «لودویگ» «بهاروره» را با «اوشیجه» یکی می داند. معنی صحیح این آیت مشکوک است و در هر صورت «بهاروره» هر که باشد دارای ثروت یا قدرتی است که بوسیله آن از عبادت کنندگان حمایت میکند و او را در انجام دادن وظایف مذهبی یاری مینماید.
(اوشیجه در صفحه قبل غلط چاپی و صحیح آن «اوشیجه» میباشد).

(۲) ظاهراً منظور از «کوه ها» ، ابرها است که باران در آنها زندهانی شده است. و مقصود از گاو میش و گاو وحشی دو نوع گاو است بطور عموم. و تفسیر این آیت، اینست که اندرا در یافتن این حیوانات از آنها بعنوان قربانی گوشتی برای خودش یا برای خوراک پرستندگان استفاده می کند، زیرا دست کم عده ای از پرستندگان او را بخوردن گوشت گاو وحشی ندارند .

ای بسیار ستوده بانیروی خود مارا به ثروت یاری کن ؛ باشد
 که من از لطف الهی تو سهمی ببرم .
 ۱۱- اینک ای اندرا که با ستایش تجلیل و تکریم شده ای ،
 برای سراینده قدرت را بسان رودخانه‌ای که طغیان کند افزایش ده.
 برای تو ای خداوند اسبان کُرنگ، سرودی تازه ساخته شده
 است ؛

باشد که ما زحمتکشان بوسیله سرود همیشه پیروز باشیم.

(ماندالای چهارم - سرود ۲۱)



۱۶۴

خطاب سویترا

- ۱- باشد که خدای سویتری (سویترا) دارنده گنج‌های نیکو و پرکننده فضاء، سوار بر مرکب‌ها به اینجا آید، آنکه در دست خود چیزهایی دارد که مردم را شادمان می‌سازد و آفریدگان را بالالائی بخواب میبرد و برمی‌خیزاند.
- ۲- دست‌های زرین و عالی و سهل‌الحرکه او تا کرانه‌های آسمان منبسط است.
- اینک توانائی او را ستایش خواهیم کرد، حتی «سورا» با قدرت فعال خود به او تسلیم میشود (۱).
- ۳- باشد که خدای سویترا نیرومند و قادر و خداوند ثروت‌های گرانبها گنج‌هایی به ما بخشد.
- او که تابناکیش در همه جا گسترده است؛ باشد که ما را رزق بخشد، روزی که بفنا شوندگان میرساند.

(۱) سورا Sura : خورشید . فرق سورا Sura با Sūrya با سویتری

Savitri (یا سویترا Savitar) آنست که سویترا خورشید پیش از طلوع است .

۴- این سرود ها در ستایش سویترا است که زبانش شیرین
میباشد ، او را ستایش کنید که بازوانش پر، و دستهایش زیباست .
باشد که قدرت حیات عالی و چند گانه به ما بخشد،
ای خدایان، پیوسته ما را بابرکت حفظ فرمائید.

(ماندالای هفتم - سرود ۴۵)



۱۶۵

خطاب رودرا

- ۱- این سرود هارا برای رودرا بیاورید که کمانش محکم و قوی می‌باشد، و خدایی قائم بذات و دارای تیرهای تند پرتاب است. آن دانای پیروزمند که هیچکس بر او غلبه نکرده و دارای سلاح‌های بُرّان است؛ باشد که دعوت ما را بشنود.
- ۲- او بوسیلهٔ خداوندی خویش به موجودات زمین می‌اندیشد، و با سلطهٔ والای شاهنشاهی خود در فکر موجودات آسمانی است. ای رودرا، با میل به در خانه‌های ما بیا که با سرود به تو خوش آمد گوئیم، و همهٔ بیماران خانواده‌های ما را شفا عطا فرما.
- ۳- باشد که تیر تابناک تو که آنرا در آسمان پرتاب کرده‌ای، و به سوی زمین می‌آید، بی‌خطر از ما بگذرد.
- تو ای خداوند بسیار مهربان، هزاران دارو داری، هیچگونه بدی به پسران و اخلاف ما مرسان.
- ۴- ما را مکش، و ما را ترك مفر ما ای رودرا، و چون بخشم آبی کمندت بر ما نیفتد.

علفزار پیراسته ، و شهرت در میان زندگان به ما عطا کن ،
ای خداوند ، مارا پیوسته بابرکت حفظ فرما (۱).

(ماندالای هفتم - سرود ۴۶)

(۱) عبارت : «علفزار پیراسته (Barhishi) به ما عطا کن» یعنی : « در
فرمانی شرکت کنیم. جمله: «شهرت در میان زندگان»، حکومت بر مردم Jivasana
جلب توجه با ستوده در میان مردم نیز تعبیر شده است .



۱۶۶

خطاب آب

Āpali

۱- ای آب‌ها، باشد که امروز از شما ما موج رزق نیروبخش خالصی به دست آوریم که پاک دامنان در گذشته نوشابه و یثره اندرا را - که روشن و پاک (بی لکه) و مملو از شیرینی و چربی‌های روان بود - می‌ساختند (۱).

۲- باشد که زاده طوفان‌ها که سیری سریع دارد، آن موج را که مملو از شیرینی است حفظ نماید، ای آب‌ها، آن، «اندرا»، و «واسو» هارا شادمان خواهد ساخت؛ باشد که ما پاک‌دامنان امروز این را از شما به دست آوریم.

۳- الهه‌های پاک‌کننده همه چیز، و شادمان در فطرت خویش، در راه خدایان پیش می‌روند.

هرگز قوانین اندرا را نمی‌شکنند. این تقدیمی پر نعمت را به رودخانه‌ها تقدیم کنید.

(۱) ظاهراً منظور از عبارت: «موج رزق نیروبخش خالص»، شیره شیرین زمین می‌باشد که گویا شیره سوما است و از زمین به دست می‌آید.

۴- آنهاکه «سوریا» با اشعه درخشان خویش جذب کرده و
اندرامعبری برای حرکت آنها حفر کرده است؛
باشدکه این رودخانه ها جای وسیع و آزادی به ما بخشند.
شما ای خدایان بابرکت ما را پیوسته حفظ فرمائید .

(ماندالای هفتم - سرود ۴۷)



۱۶۷

خطاب به ربهوها

- ۱- شما ای قهرمانان آزاده، ای «واجه»ها، وای «ریبهو کشن» ها بیائید و از سومای روان لذت برید .
- ای «ویبهو» ها، چون برای ملاقات ما می آید قدرت شما ارا به شمارا که برای مردم سود می آورد بدین سو بگرداند (۱).
- ۲- باشد که ما مانند: «ریبهو» با «ریبهو» های شما نیرو را با نیروی خویش مغلوب سازیم، بسان «ویبهو» ها با «ویبهو» ها .
- باشد که «واجه» در جنگ برای غنیمت ما را یاوری کند و بیاری اندرا دشمن را مغلوب سازیم (۲) .
- ۳- چون آنها با تسلط عالی بر بسیاری از طوایف فرمانروائی میکنند و بر همه دشمنان خویش در جنگهای مغلوبه پیروز میگردند،

(۱) واجه Vāja، ریبهو Ribhu، ریبهو Vibhu نام سه پسر داستانی «سود هنون Sudhanvan» است که بمقام الوهیت رسیده و در خور ستایش و پرستش قرار گرفته اند. واجه ها یعنی: واجه و برادرانش ریبهو کشن ها Ribhukshans = Ribhukshanas .

(۲) مقصود از قسمت آخر این بند این است که ما مانند ریبهوها و مانند دسته ویبهوها که نام دیگری برای ریبهوهاست نیرومند باشیم .

باشد که اندرا، وریبهون، و واجه، وریبهو کشن هر یک به نوبه
خوبش دلیری دشمن بدخواه را از میان بردارد.
۴- اینک ای خدایان، مارا جای وسیع و آزادی عطا فرمائید،
همه باتفاق نگهبان ما باشید،
بدین سان «واسو» ها مارا نیرو و توانائی بخشند.
ای خدایان، مارا بابرکت پیوسته حفظ کنید (۱).
(ماندالای هفتم - سرود ۴۸)

(۱) واسو ها Vāsavaḥ بگفته ساینه در اینجا یکی از القاب ریبهو ها
Ribhavaḥ است.
واجه Vāja بصیغه مفرد نام یکی از ریبهوها است. بصیغه جمع به واجه
وبرادرانش اطلاق میشود.
ریبهوها Vibhus (وریبهون Vibhavan) بصیغه جمع نام دیگر ریبهوها.
ریبهو کشن ها بصیغه جمع همان ریبهوها هستند.



۱۶۸

خطاب اندرا سوما

۱ - اندرا و سوما ، دیو بد خواه را بسوزانید و هلاک کنید
و فرود آورید ،

شما ای گاو ان ، آنها را که غم برغم می افزایند .

احمقان را نابود سازید ، و آنها را بکشید و بسوزانید ، آنها را
از ما برانید و آن موجودات شکم باره را سوراخ کنید (۱).

۲- ای اندرا و ای سوما ، گناه را در پیرامون شیران بجوش
آورید ، بسان دیگی که در میان شعله های آتش قرار دارد.

بر دشمن نماز و بلعنده (= فرورنده) گوشت خام و دیو بد خواه

(۱) این سرود خطاب به اندرا و سوما و دیگر خدایان برای دوری و
نابودی راکشسها **Rakshasas** و یاتودهانها **Yātudbānas** (دیوان، جادوگران)
و عفریتها و پریان سروده شده است و ظاهراً بمنزله حرز است و با خواندن آن
عفاریت و دیوان و اجنه (به پندار آنها) دور می شدند و محو و نابود میگردیدند.
ظاهراً منظور از عبارت: «دیو بد خواه» (دشمن) راکشهها **Rākshah** :
(راکشها) و دیوان و عفریتها و اجنه ای هستند که می پنداشتند در شب می آیند
و قربانی مردمان با ایمان را برهم می زنند و حتی مردم را می بلعند و بطور کلی دشمن
نوع بشرند. اینگونه موجودات خیالی را در فارسی و عربی ارواح خبیثه میخوانند.

- تیز چشم نفرت خود را پاینده دارید (۱) .
- ۳- ای اندرا وای سوما، شیران را در ژرفا فرو برید، آری،
آنها را در تاریکی که پایانی ندارد در اندازید ،
بدان سان که هیچیک از آنها نتواند برگردد تا قدرت غضبناک
شما بر آنها چیره شود و آنها را مغلوب سازد .
- ۴- ای اندرا وای سوما، خدنگ مرگبار کوبنده خود را از
آسمان وزمین به سوی دیوان شریر پرتاب کنید.
آری، زوبین آسمانی خود را از کوهها بسازید، و با آن نسل
دیو فزون یاب را تا به مرگ بسوزانید .
- ۵- ای اندرا وای سوما ، تیرهای سنگی سوزان خود را با
شعله های آتشین از آسمان فروریزید ،
ای تیرهای سوزنده جاودانی، موجودات شکم باره را در درون
ژرفا فرو برید تا بی هیچ صدائی غرق شوند .
- ۶- ای اندرا و سوما، این سرود - هر دوی - شمارا مهار کند
حتی همان گونه که تنگ، دواسب قوی را احاطه میکند .
سرود ستایش را که من با دانایی به شما تقدیم میدارم ، شما
مانند خداوندان بشر این دعا های مرا حیات بخشید .
- ۷- باروش سریع خویش - هر دو - بدان اندیشید که این موجودات

(۱) عبارت : « دیو بدخواه » که بجای کلمه: کیمیدین Kimīdine بکار
رفته است در اینجا اطلاق بردسته ای از ارواح پلید میشود .

شریبرا بر اندازید و دیوان خیانتکار را هلاک سازید.
ای اندرا وسوما، بدخواه که همیشه بر ما با شرارت حمله میکند،
خوشی نبیند.

۸- هر کس مرا با سخنان دروغ متهم سازد، هنگامی که من
راه خود را با روح عاری از خطا دنبال میکنم؛
باشد که آن گوینده دروغ، ای اندرا، چون آبی گردد که در میان
دست تپی فشرده میشود.

۹- آنها که بعبادت خویش ساده دلان را نابود میسازند، و با
طینت (= فطرت) بد خویش، راستکاران را آزار میسازند؛
باشد که «سوما» آنها را به مار بسیار دیا آنها را در دامان «نیریتی»
قراد دهد (۱).

۱۰- ای اگنی، دیوی که حیل می کند تا به جوهر رزق و گاوان
و اسبان و تنهای ما آسیب رساند؛
باشد که آن مخالف و دزد و غارتگر در خراب و بوار افتد، هم
خود او، و هم اخلافش.

۱۱- باشد که او و فرزندانش بر انداخته شوند؛ باشد که سه زمین
اورا در زیر خویش بفشارند.

ای خدایان، باشد که جلال شکوفان او که شب و روز در آرزوی

(۱) ظاهراً مقصود از «مار» مرگ یا نیش مار است. نیریتی Nirriti
مرگ و نابودی میباشد.

نابودی ما است، مضمحل شود .

۱۲- عاقل به آسانی راست را از دروغ باز می شناسد، کلام آنها بر ضد یکدیگر است.

از این دو آنچه راست و امین است، سوما حفظ می کند، و دروغ را به نیستی می سپارد .

۱۳- سوما هر گز شیر را یاری و راهنمایی نمی کند، و نه او را که به دروغ عنوان جنگاور بر خود می بندد .

او دیورا می کشد و آنکه به ناراستی سخن می گوید، هر دو در کمند اندرا اسیرند (۱) .

۱۴- مگر من خدایان دروغ را پرستش کرده ام، یا افکار بیهوده ای درباره خدایان اندیشیده ام، ای اگنی؛ چرا بر ما خشمگین شده ای، ای «جات ویداس»؟ آنها که بر ضد تو دروغ گویند، دردوار افتند .

۱۵- اگر من زندگی کسی را تهدید کرده ام، یا بدخواه (دیو) باشم؛ همین امروز بمیرم .

آری، آنکه بازبان دروغزن مرا «یاتودهانه» خوانده است، داغ هرده فرزند خویش را ببیند (۲) .

(۱) منظور از عبارت: «عنوان جنگاور»، ظاهر آطبقه کشتریه Kshatriya یا ارتشتاران است .

(۲) یاتودهانه Yātudhāna : شاید بمعنی جن یا جادوگر باشد . بنا بر تفسیر ساینه این کلمه مترادف یا نزدیک بمفهوم کلمه را کشس است . را کشس عفریت شکم باره تندخو است .

۱۶- باشد که اندرا با سلاحی نیرومند او را بکشد، و آن پست‌ترین همه آفریدگان را هلاک سازد.

آن عفریتی که خود را پاک خطاب میکند و مرا دیو می‌خواند، و حال آن که من از فطرت دیوی بری هستم.

۱۷- آن زن که بسان جغد همه شب در گردش است و تن خویش را در میان شرارت و بدخواهی خود مخفی می‌سازد، باشد که اودرغارهای بی‌پایان فرو افتد؛ باشد که سنگ‌های آسیا با غرشی بلند دیوان را نابود سازند.

۱۸- ای «ماروت»ها، پراکنده شوید، و در میان مردم به جست‌وجو پردازید، را کشس‌ها را بگیرید و آنها را خورد سازید. آنها که بصورت پرنندگان درآمده و شب‌هنگام پرواز کرده‌اند و عبادت مقدس ما را آلوده و پلید می‌سازند.

۱۹- ای اندرا، زو بین سنگی خویش را از آسمان بر آنها فرو-انداز، ای «مگهون»، آنها را تیز کن، «سوما» آنها بُران ساخته است. از پیش و از پشت و از زبر و از زیر دیوان را با سلاح سنگی خویش فرو کوب.

۲۰- آنها در پروازند، آن سگ دیوها که مایل بشرارت‌اند، و آرزو دارند که «اندرا» ی شکست ناپذیر را صدمه رسانند.

«شکره» سلاح او را برای (زدن) شریران تیز می‌کند، اینک نیزه خویش را بر جادوگران دیو صفت پرتاب نماید (۱).

(۱) شکره. Śakra (توانا، نیرومند) لقب اندرا است.

۲۱- اندرا همیشه هلاك كنده عفریت هائی بوده است که
ندور خداپرستان را ضایع می‌سازند .

آری ، « شکره » مانند تبری که چوب را می‌شکافد بر آنها
حمله برده است و مثل ظروف سفالین آنها را درهم می‌شکند .

۲۲- دیوی را که بصورت جغد یا بوم درآمده نابود ساز ،
آنها را که بصورت سگ یا کواکوست ، نیست کن .

و آنها را که بصورت عقاب یا کرکس است معدوم نما ، ای اندرا ،
دیوان را در زیر سنگ خورد ساز .

۲۳- مگذار که عفریت جادوگر به ما رسند ، باشد که
سپیده دم آن زوج « کیمدین » را دور سازد (۱) .

زمین ما را از بلاها و آفات زمینی مصون دارد ، و از غمی که از
آسمان میان هوا می‌آید حفظ فرماید .

۲۴- ای اندرا ، نردیورا بکش ، و دیوماده را که در هنر جادویی
پیروزی و شادی می‌جوید ، هلاك ساز .

بگذار تا خدایان ابلهان با گردن‌های خمیده بیفتند و هلاك شوند
و دیگر آفتاب را که طلوع می‌کند ، نبینند . (۲)

(۱) کیمیدین‌ها **Kimīdines** : ارواح خبیثه .

(۲) بنظر ساینه مقصود از عبارت « خدایان ابلهان » کسانی هستند که
کشتن را بازی و تفریح خویش قرار میدادند - ولی در لغت نامه سن پترزبورگ
« مانه دیواہ **Mātadevāh** » دسته‌ای از دیوان واجنه توصیف و معنی شده است .
کلمه « دیو » در ادب فارسی همان موجود بدخواه و شریر و دشمن آدمی است
و در اینجا و موارد مشابه به همین معنی بکار برده شده است و نباید آنها را با دیوا **Deva**
که در زبان سنسکریت بمعنی خدا و موجودی آسمانی و نورانی است اشتباه کرد .

۲۵- هر يك بدین جا بنگرید ، و بر اطراف نظر اندازید ، ای
اندرا وسوما، نیکو پاسبانی کنید .
اسلحه خویش را به سوی دیوان نشانه کنید ، و خدنگ خود را
به جادوگران پرتاب نمائید .
(ماندالای هفتم - سرود ۱۰۴)



۱۶۹

خطاب اوشس (سپیده دم)

UŞAS

- ۱- ارابه پهن : « دکشینا » یراق شده است ، خدایان جاوید
براین ارابه سوار شده اند .
آن ارابه نجیب فعال از تاریکی بیرون آمده است تا به خانه
های مردم روشنی بخشد . (۱)
- ۲- او پیش از همه جهان زنده بیدار شده است ، آن فرد والا
کنج‌ها را به دست آورده است و توده می‌کند .
سرزنده و همیشه جوان از اوج می‌نگرد . نخست سپیده دم
پیرستش بامدادی آمده است .

(۱) بنظر عده‌ای از مترجمین منظور از عبارت : « ارابه دکشینا
Dakshinā ، « ارابه اوشس » (یعنی ارابه الهه سپیده دم) میباشد، ولی «برکین
Bergaigne ، معنی واقعی کلمه « دکشینا » با « ارابه دکشینا » را حق‌الزحمه
با دستمزدی دانسته است که صاحب قربانی به روحانی انجام دهنده تشریفات
قربانی میپرداخته است - و در اینجا منظور آنست که حق‌الزحمه حاضر برای
پرداخت میباشد .

« ساینه **Sāyana** ، کلمه « دکشینا » را وصف **Ushodevatāyāh** میداند
و بطوریکه مذکور شد بمعنی الهه اوشس یا ارابه اودانسته است. امالودویکه آنرا
«دوستانه» و «گرسمن» «دولت» ترجمه کرده اند .

- ۳- اگر تو ای سپیده دم ، ای الهه نیک زاد ، در این روز به نسل میرندگان دولت می بخشی ، باشد که خدای سویترا-دوست خانواده- مارا در برابر خورشید بیگناه بخواند .
- ۴- هر روز که میگذرد صورت عادی خویش را نشان میدهد ، و با افشاندن نور از هر منزلگاهی دیدن می کند .
در اشتیاق پیروزی ، باشکوهی درخشان می آید . سهم او بهترین گنج های نیکو است .
- ۵- خواهر «وارونا» ، و خواهر «بهکه» ، اول در میان همه بسرایید ، ای صبح شادمان .
نیروی آن که بدی میکند ، ناتوان (= ضعیف) باد ؛ باشد که او را با اربابه دستمزد خویش مغلوب سازیم . (۱)
- ۶- سرودهای شاد و افکار مقدس ما به بالا گراید ، زیرا شعله های سوزنده درخشان صعود نموده اند .
بامداد های رخشان گنج های زیبارا که تاریکی پنهان کرده بود ، آشکار می سازند .
- ۷- آن یکی می رود ، و آن دو دیگر می آید ؛ دو نیمه مختلف اللون روز در پی یکدیگر در گذرند .

(۱) بنا بر تفسیر و تعبیر بعضی از بیدادانان مقصود از عبارت : «ارابه دستمزد» آنستکه مبلقی که سخاوتمندانه برای انجام دادن مراسم قربانی پرداخت میشود مانند اربابه جنگی است که بوسیله آن بتوانیم بر آنها که مارا زیان میرسانند ، غلبه کنیم .

یکی غم‌های والدین (- پدر و مادر) احاطه کننده را پنهان می‌نماید . سپیده دم بر بالای ارا به درخشان خود می‌درخشد .
۸- امروز در همان شکل ، و فردا هم در همان شکل ، آنها هنوز قانون ابدی و ارونا را نگاه میدارند .

فکوهش ناپذیر بنوبه خود از سی ناحیه میگذرند ، و از میان روح دریک آن پرتاب میشوند . (۱)

۹- آنکه بفطرت روز نخست داناست ، با درخششی سپید از میان تاریکی زاییده شده است .
آن دوشیزه قانون نظم را نمی‌شکند ، و همه روز به محل معهود می‌آید .

۱۰- باغروزیبائی مانند دوشیزه‌ای ، توای الهه به سوی خدائی که شائق به دست آوردن تو است ، می‌خرامی .
و چون با جوانی و لبخند (- تبسم) در برابر او بر روشنی میدرخشی ، سینه خویش را آشکار می‌سازی .

۱۱- همچون عروسی زیبا که مادرش او را آراسته است ، تواندام خود را می‌نمایی تا همه ترا بنگرند .

ای او شس (سپیده دم) تو مبارکی ، پهناورتر بدرخش . هیچ

(۱) مقصود از عبارت « سی ناحیه » بگفته : « بر کین » تمام جهان است . ویلسون شرح مفصل‌تری در ترجمه خود داده است .
مصراع دوم این بیت بسیار تاریک است شاید بعدها دانشمندان گروه‌های موجود را بتوانند با تحقیقات عمیق‌تری باز کنند .

سپیده دم دیگری به آنچه تونائل شده‌ای ، نرسیده‌است -
 ۱۲- صاحب گاو ان ، و اسبان ، و همه گونه گنج های نیکوی
 فراوان ، و همیشه در کار با شعله آفتاب سپیده دهان می روند و بازمی آیند
 و شکل عادی خود را که نوید دولت شادی میدهد ، نگاه میدارند .
 ۱۳- در اطاعت زمام قانون ابدی هر يك از ما را اندیشه ای بخش
 تابیشتر و بیشتر ما را برکت دهد .
 امروز بر ما بتاب ، ای سپیده دم نیز شنو . ثروت از آن ما ،
 و از آن سرانی (- رؤسائی) باشد که عبادت میکنند .

(ماندالای اول - سرود ۱۲۳)



۱۷۰

درتایش آدیتیاها

Ādityas

اینک فناپذیران دعای خویش را تقدیم دارند تا لطف بی مانند «آدیتیاها»، ویاری آنان را برای گرامی داشت زندگی به دست آورند.

۲- چون هیچ دشمنی راهی را که آدیتیاها می سپارند، تباہ نخواهد ساخت؛ حافظان شکست ناپذیر که ما را درشادمانی تقویت می کنند.

۳- اینک بهگه، سویتری، وارونا، میترا، و آریمن ما را پناهگاه پهناوری که تمنای آنرا داریم، بزودی ببخشند.

۴- ای الهه «ادیتی» که مراقبت های مادرانه ترا هیچ چیز مانع نمیشود، باخدایان بیا؛ تو که در نزد بسیاری عزیز، با خداوندانی که ما را حفظ میفرمایند، بیا.

۵- چون این پسران ادیتی خوب میدانند که (باید) دشمنی هارا دورنگاه دارند، بی رقیبانی که جای فراوان می بخشند، آنها را از بلاء می رهانند.

۶- ای ادیتی ، گله ما را در روز حفظ فرما ، و در شب ای ادیتی
بری از عیب . ای ادیتی پیوسته نیرو بخش ، ما را از غم نجات ده .

۷- و در روز سرود ما این است : باشد که ادیتی برای یاری
نزدیک آید ، و با عطف مهر آمیز ما را به روزی بخشد ، و دشمنان ما را
براند .

۸- و باشد که اشوین ها ، آن زوج الهی حکیم (= طیب)
ما را سلامت فرستند ؛ باشد که آنها ستم را بر اندازند ، و دشمنان ما را
دور سازند .

۹- باشد که اگنی ما را با آتش های خویش برکت دهد ، و
«سوریا» بالذت ما را گرم سازد .

باشد که نسیم پاک به شیرینی بر ما بوزد ، و دشمنان ما را دور
سازد .

۱۰- بیماری و مجاهده را دور سازید ، بدخواهی را دور کنید ؛
ای آدیتیا ها ، ما را همیشه از بدبختی های تلخ دور نگاه
دارید .

۱۱- تیر را از ما دور سازید ، قحطی را از ما دور کنید ؛

دشمنی ها را از ما برانید ، ای خداوندان همه ثروت ها .

۱۲- اکنون ای آدیتیا ها ما را پناهی بخشید که مردم را آزاد

می سازد ؛

آری جن گناهکار را از گناهش شما ای خدایان پر برکت! (سزا دهید)

۱۳- هر میرنده‌ای که به نیروی دیوان در فکر آزار ما است؛
باشد که او از اعمال خویش آزار بیند .

۱۴- باشد که گناه دشمن بشری ما را فرا گیرد، آن که سخنان
ناروا میگوید ؛

آن که موجب بدبختی ما است ، ودلش ناراست است .
۱۵- ای خدایان، شما با ساده دلان هستید، شما هر میرنده‌ای
را در دل خویش می‌شناسید ؛

شما «واسو» ها دروغ را از راست بخوبی بازمی‌شناسید .
۱۶- ما در آرزوی داشتن یابوری پناه دهنده کوهها و آبهای
سیل آسا هستیم .

ظلم را از ما دور دارید ، ای آسمان و زمین ،
۱۷- پس با یابوری پناه دهنده و موهبت آمیز ای «واسو» ها ،
ما را سوار بر کشتی خویش از میان همه آزارها و بدبختی‌ها عبور
دهید .

۱۸- ای آدیتیاها ، ای توانا ترین افراد ، به فرزندان ما، و به
اخلاف آنها ، دوران زندگی دراز عطا فرمائید تا ایام زیادی زنده
باشند .

۱۹- ای آدیتیاها ، قربانی یادآور درونی شما است، مهربان
باشید ، چون در بند خویشاوندی ما بسته شما ایم (۱).

(۱) منظور از عبارت : « یادآور درونی شما » ظاهراً اینست که این
خدایان تا پرستندگان خود را پاداش ندهند، آرام ندارند .

- ۲۰- یاوری عالی حمایت کنندۀ «ماروت» ها ، اشوین ها ، و خدایی که نجات می بخشد ؛
 (ای) میترا ، و وارونا ، ما از شما التماس بهروزی داریم (۱).
- ۲۱- مارا خانه‌ای بخشید سه پناهه ؛ باشد که ای آریمن، وای میترا ، و ای وارونا ، و ای ماروت های تهدید نشده برای ستایش کرد آید ، و پر از مردم (۲).
- ۲۲- ای آدیتیاها ، ما افراد بشری را که بسته مرگیم ، با مرحمت، زندگی مارا دراز فرمائید تا زنده بمانیم (۳).
- (ماندالای هشتم - سرود ۱۸)

(۱) مقصود از عبارت: «خدائی که نجات میدهد» ظاهراً اندراست که خدای نگاهدارنده قوم آریائی میباشد .
 (۲) معنی عبارت : «سه پناهه» احتمالاً آنست که سه بار از آن دفاع شود ، یا حفظ شده در برابر گرما و سرما و رطوبت ، و یا دارای سه طبقه .
 (۳) عبارت : «بسته مرگیم» یعنی : برای مرگ زاده شده ایم .



۱۷۱

خطاب به اندرا

۱- کدام و چگونه او قربانی روحانی را نیرومند ساخته است،
و در سوما و سرچشمه آن شادی میکند؟

آن فرد والا که از افشرد لذت برده و به اشتیاق آنرا مینوشد،
برای ثروت های عالی افزایش یافته است (۱).

۲- کدام قهرمان شریک جشن او شده است؟ و کی در مهربانی
لطف آمیز او انباز است؟

ما از اعمال عجیب او چه میدانیم؟ چند مرتبه او برای یاری
زحمتکش پرهیزکار و تسریع او می آید؟ (۲)

۳- اندرا دعا های تقدیم شده را چگونه میشنود؟ و چون

(۱) معادل کلمه: سرچشمه (منبع) بطور تحت اللفظی « پستان » است
و این عبارت بدان معنی است که قربانی که سوما از آن جریان می یابد، بسان
شیری میباشد که از پستان گاو بیرون تراود.

معنی عبارت: « برای ثروت های عالی افزایش یافته است » اینست که
نیروی او فزونی یافته است تا ثروت عالی به قربانی کننده ببخشد.

(۲) ظاهراً معنی این « پادا » اینست که هیچکس اجازه ندارد از تقدیمی
هائی که به اندرا میشود سهمی بردارد یا منویات نیکخواهانه او را بداند.

- خواهش‌های دعا کننده را می‌شنود، آنرا چگونه در نظر می‌گیرد ؟
 اعمال پر برکت باستانی (= قدیمی) او چیست ؟ به چه سبب
 او را فردی می‌خوانند که درس‌اینده ساری می‌شود ؟
 ۴- چگونه آن روحانی که کار می‌کند ، همیشه مشتاق است
 برای خویش ثروتی را که مالک می‌باشد ، به دست می‌آورد ؟
 باشد که آن خدا ستایش‌های حقیقت‌آمیز مرا مشاهده فرماید
 و آن احترامی را که شائق او است ، دریافت دارد .
 ۵- چگونه و کدام پیوند دوستی را با میرنده‌ای آن خداوند
 در این صبح طالع بر گزیده است ؟
 چگونه و کدام محبت را او برای دوستداران خویش دارد ؟
 آنان که دوستی استوار خویش را بدو پیوسته‌اند .
 ۶- پس آیا این دوستی تو با دوستانت نیرومند ترین است ؟
 - برادری تو با ما - چه وقت می‌توانیم آنرا بگوییم ؟
 جوی‌های شیر بسان عجیب‌ترین شعاع آفتاب روان است ،
 جمال آن فرد زیبا برای جلال^(۱).

(۱) معنی و درك مفهوم این بیت بسیار مشکل است . ظاهراً در اینجا
 به پیوستگی اندرا با خورشید اشاره شده است و بنظر پروفیسور « لودویگ -
 Lodwig » معنی کلی آن، اینست : « چون تو مانند خورشید طلوع میکنی ،
 در آن گاه ما برادری تو را با خود اعلام میداریم ، یا بعبارت دیگر جمال اندرا
 مانند نور آفتاب مشهور است .

ساینه واژه « سرگام Sargāh » را بصیغه جمع بمعنی کوشش‌ها تفسیر
 و تعبیر کرده است ، (اودیو گاه Ud-yogāh) ، Goh ، کوشش و جنبش (اندرا) .

۷- او سلاح بُرّان خود را نیز میکند تا آن پتیاره اندرا
ناشناس مُخرّب را بزند و هلاک سازد .

بوسیله آن نیرومند- هر چند وام مارا مطالبه می کند - صبح
های دور را که ما نمی شناسیم پیش میراند^(۱).

۸- قانون جاودانی (ریتا) رزق نیرو بخش را متنوع ساخته است ؛
فکر قانون جاودانی تخطی و تجاوز را بر طرف میسازد .

سرود ستایش قانون جاودانی چون برخاست و درخشید، گوش
های سنگین (= کر) زندگان را باز نمود^(۱).

۹- پای بست های قانون جاودانی استوار و پابرجاست ؛ و در
صورت زیبای او جمال عالی هویدا میباشد .

از برکت قانون مقدس دیرپای، خوراک برای ما می آورند ،

(۱) پتیاره (دروه Druh) یا شبح ماده دشمن و بدخواهی است که به
خدایی اندرا اعتراف ندارد . معنی مصراع دوم بدین تقریب است:
هر چند اندرا گناهان مارا کیفر میدهد اما اجازه نمیدهد که ارواح
پلید (ارواح خبیثه) مارا معدوم سازند بلکه مانند خورشید طلوع خویش را
ادامه میدهد و صبح های متوالی را میراند تا در نور آنها دیوهای شب ناپدید
گردند .

(۱) در اینجا بنظر : « ساینه Sāyana » کلمه : « ریتا Rita » بمعنی:
« آدیتیا Aditya » یا اندرا و یا قربانی است و معنای آن درد و قطعه بعد کمی
تفسیر پیدا میکند ، اما در همه جا فکر اصلی که نظم و ترتیب یا قانون ابدی
می باشد، آشکار است .

واز برکت قانون مقدس گاوان پیرستش ما می آیند^(۱)
 ۱۰- او (اندرا) که قانون جاودانی را مقرر داشت ، آنرا حفظ
 می کند ، قدرت قانون بسرعت حرکت می کند ، وغنیمت را بچنگ
 می آورد .

زمین وسیع و عمیق و آسمان : از آن قانون است ، گاوان
 شیرده علوی شیر خود را به قانون تقدیم میدارند^(۲).

۱۱- اینک ای اندرا که باستایش تحمید و تجلیل شده ای ،
 بگذار تا قدرت بسان رودخانه ها برای سراینده طغیان کند .
 برای تو ای خداوند اسبان کُرنگ ، سرود تازه ای ساخته
 شده است ؛ باشد که ما سوار بر ارابه بوسیله سرود پیوسته پیروز
 باشیم .

(ماندالای چهارم - سرود ۲۳)

(۱) ظاهراً منظور از عبارت : «گاوان پیرستش مامی آیند» ، گاوهای
 است که بعنوان هدیه وحق الزحمة انجام دادن مراسم و تشریفات قربانی میان
 روحانیان تقسیم میشوند.

(۲) ظاهراً منظور اینست که مقرر دارنده قانون دیرپای وابدی نگاه-
 دارنده و اجراکننده آن نیز هست .



۱۷۲

خطاب به اندرا

۱ - چه ستایش برازنده ای اندرا فرزند قدرت را پیش ما خواهد آورد تا ما را دولت بخشد.

چون آن قهرمان بسراینده گنجها میدهد؛ او خداوندی است که به ما هدیه میفرستد، شما ای مردم^(۱).

۲- آن اندرای نیکو ستوده، ما را نعمت حقیقی می بخشد تا در جنگ با «ورنیرا» او را بخوانیم و بسراییم .
باشد که «مگهون» برای مرد دینداری که ندور را می ریزد ،
در گاه هجوم رفاه آورد .

۳- مردم در جنگ بحقیقت او را میخوانند، و جان خویش را
بخطر می اندازند، و او را حامی خود قرار میدهند .

هنگامی که قهرمانان چون دشمن به دشمن تن خویش را بخطر
می اندازند، هر طرف برای فرزندان و اخلاف خود می جنگند .

۴ - ای خدای توانا، مردمان باجبار نیروی خود را آشکار

(۱) عبارت «فرزند قدرت» ، یعنی : فرد توانا .

میسازند ، و با هم در کشاکش جنگ مجاهده می کنند .
 هنگامی که گروه جنگندگان با هم روبه رو میشوند ، در میان
 جنگ تن به تن برخی بسان اندرا خود را ترك می نمایند (۱) .
 ۵ - از این رو بسیاری قدرت اندرا را پرستش می کنند؛ پس
 بریان بعد از نذر بلغور بیاید .

سوما کسی را که سوما نمی ریزد از میان دورسازد ، حتی در
 آن هنگام من در تقدیم نیایش به آن فرد قوی شادمانی میکنم (۲)
 ۶ - اندرا به کسی که بحقیقت سوما را از روی شوق برای او
 می فشارد رفاه عطا می فرماید ،

و بی آنکه بی اعتنا باشد این مرد را که دارای روحی صمیمی
 است چون دوست خویش در جنگ برمی گزیند .

۷ - آنکه در این روز سوما را برای اندرا می فشارد ، گوشت
 پخته را آماده میکند ، و دانه های جورا برشته می سازد ،
 اندرا که سرود های آن خدمتکار صمیمی را دوست میدارد ،
 باشد که او را نیروی قهرمانی بخشد .

۸ - وقتی که آن رئیس چابک به نبرد رفت و خداوند بر آن

(۱) بنظر ویلسون معنی عبارت چنین است: «خود را به اندرا می سپارند» .
 (۲) ظاهراً منظور از عبارت : بریان بعد از بلغور بیاید اینستکه بعد از
 قرص نان قربانی گوشت پخته (و بطور کلی نذورات مختلف پشت سر هم و سرعت) تقدیم
 میگردد . معنی عبارت : «سوما کسی را که سوما نمی ریزد از میان دور سازد»
 اینستکه آنهایی که نذر سوما را برای اندرا تقدیم نمیکنند ، دور باشند .

جنگ طولانی می نکرد ،

بانوی خانه خداوند توانا را میخواند که فشارندگان سوما
در منزل او را تشویق نموده اند (۱).

۹- او بهای کمی برای شیء گرانمایه ای پیشنهاد میکند ؛ من
راضی شدم که خریده نشده برگردم .

او پیشنهاد غیر کافی خویش را افزایش نمیدهد . ساده وزیرك
هر دو از پستان شیر می نوشند (۲) .

۱۰- کی بقیمت ده گاو شیرده ، این اندرا را که از آن من
است خریداری می کند ؟

هنگامی که او « وریترا » را کشت خریدار او را به من پس
بدهد .

(۱) ظاهراً معنی این بیت این است : هنگامی که رئیس قبیله به جنگ
رفته است زنش اندرا را میخواند تا شوهرش را حفظ کند . بنظر ساینه منظور از
عبارت « رئیس چابك و خداوند » اندرا است که همسرش او را میخواند تا افسره
سوما را که مردم برای او تهیه کرده اند ، بنوشد .

(۲) ظاهراً عبارت : « من راضی شدم که خریده نشده برگردم » از زبان
اندراست . منظور از عبارت : « ساده وزیرك هر دو از پستان شیر می نوشند »
آنست که خریدار ساده لوح یا نیازمند و فروشنده زیرك یا زرنگ نمیتوانند
بایکدیگر چانه میزنند . مقصود از خرید و فروش اندرا توافق بر سر دستمزدی
است که باید به روحانی پرداخته شود تا نظر مساعد اندرا را در قربانی بدست
آورد . بنظر پروفیسور کریسمن بند های ۹ و ۱۰ این سرود اصیل نیستند .

۱۱- اینک ای اندرا که با ستایش تحمید و تجلیل شده ای، بگذار
تا ثروت مانند رودخانه ای برای سراینده به طغیان در آید .
برای تو ای خداوند اسبان کُرنگ سرود تازه ای ساخته
شده است ؛ باشد که ما سوار بر ارا به بوسیله سرود پیوسته پیروز
باشیم .

(ماندالای چهارم - سرود ۲۴)



۱۷۳

دستایش ویثودوا

Viśvedevas

- ۱- ماه با بال‌های زیبا در آسمان از میان آب‌ها میگذرد؛ شما ای برف‌های دارای چرخ زرین، مردم نمیتوانند منزلگاه شما را بیابند.
- ۲- مردم نمئی میکنند و به یقین به آرزوی خویش میرسند. زن شوهر خود را تنگ در آغوش میگیرد، و در آغوش یکدیگر نعمت عشق را به هم میدهند و میگیرند.
- ای زمین و آسمان این پریشانی مرا بنگرید.
- ۳- ای خدایان، باشد که آن روشنی هرگز از جای خویش در آسمان فرو نیفتد. و هرگز ما از آنچه بسان سوما شیرین است، و چشمه شادی ماست، محروم نشویم.
- ای زمین و آسمان این پریشانی مرا بنگرید.
- ۴- من از آن آخر قربانی درخواست میکنم، او همچون سفیری باید این را بگوید:
- قانون الهی باستان کجاست؟ اکنون انتشار دهنده جدید آن کیست؟

ای زمین و آسمان این پریشانی مرا بنگرید (۱).
 ۵ - شما ای خدایان که در آن دورها درسه کشور روشن
 آسمان مقام دارید، چه چیز را راست، و چه چیز را ناراست می‌شمارید؟
 دعوت قدیم من از شما کجا است؟

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۲).
 ۶ - پشتیبانی قوی شما از قانون چیست؟ چشم نیز بین و ارون چیست؟
 ما چگونه میتوانیم در راه «اریمن» نیرومند از شریران
 بگذریم؟

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۳).
 ۷ - من آنم که وقتی سوما جاری میشد، بسیاری از سرودهای
 ستایش قدیم را سروده‌ام.
 اما باز رنج‌های جانکاه مرا همانند گرگی که به آهوی تشنه‌ای
 حمله کند، آزار میدهد.

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید.

-
- (۱) منظور از عبارت: «آخر قربانی»، ظاهراً جوانترین یا آخرین خدایان
 است که «اگنی» باشد، چون تولد او بقفیده هندوان پیوسته تجدید میشود.
 (۲) بنا بر عقیده هندوان قدیم دنیا به سه قسمت زیر: زمین، آسمان،
 و عرش تقسیم میشود و هر یک از این سه نیز گاهی به سه ناحیه تقسیم میگردد.
 (۳) منظور از عبارت: «راه اریمن» شاید «راه کهکشان» باشد که راه آسمان
 شمرده میشود. ظاهراً مقصود از پرسش‌های این آیت و دو آیت قبل این است که آیا
 بین راستی و ناراستی تفاوت و اختلافی نیست و هیچ حکومت اخلاقی در جهان وجود
 ندارد و اگر غیر از این است، پس چرا من که پرستنده با ایمانی هستم باید از این
 پریشانی و بدبختی ناسزاوار رنج ببرم؟

۸- بسان زنان رقیب از هر سو، دنده‌ها مرا به سختی می‌فشارند.
ای «شت کرتو»، رنجهای گزنده مرا می‌بلعند، مرا که سراینده
ستایش تو هستم مانند موش‌هایی که نخ‌های بافنده را بی‌لعند .

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۱).

۹- در آنجا که هفت شعاع میدرخشد، خانه و خانواده من
گسترده شده است .

این «تريتآپتیه» نیکو میداند که برای برادری سخن می‌گوید.
ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۲).

۱۰- باشد که آن پنج نر گاو که در آن بالا در میان آسمان
نیرومند ایستاده‌اند، وستایش‌های مرا باشتاب بسوی خدایان می‌برند،
برگردند .

ای زمین و آسمان این پریشانی مرا بنگرید (۳).

(۱) ظاهراً مقصود از «دنده‌ها»، دیوارهای چاهی میباشد که «تريتآ -
Trita» در آن زندانی بوده‌است . معنی عبارت «نخ‌های بافنده شیشنا Sīnā» درست
معلوم نیست .

(۲) منظور از عبارت: «هفت شعاع»، خورشید یا شاید شعله‌ها یا زبان‌های اگنی
است و مراد این است که با پرستش اگنی من و تمام افراد خانواده‌ام بهم پیوسته‌ایم.
تريتآ آپتیه Trita Āptya : نام يك موجود افسانه‌ای است که در دور -
ترین نقطه آسمانها منزل دارد و مبداء آسمانی نوع بشر را میداند .

(۳) منظور از عبارت : «پنج نر گاو» شاید ستاره‌های یکی از صور فلکی
باشد . بنظر «ساینه»، اندرا، وارونا، اگنی، اریمن، و سویترا؛ یا آتش، باد،
آفتاب، ماه، و برق میباشدند . واژه «اوکشنه Ukshana» (نرگاوها) سودبخش
نیز معنی شده است .

۱۱- در آن بالا، در میان اوج آسمان، آن مرغان زیبا بال
نشسته‌اند.

و آن کرک را که می‌خواهد از میان طوفان های بی‌امان
بگذرد، برمی‌گردانند.

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۱).

۱۲- این سرود ستایش نوساخته پابرجاست، ای خدایان گرد
آیید تا آنرا بشنوید.

جریان سیل‌ها قانون است، حقیقت نور گسترده آفتاب است.
ای زمین و آسمان این پریشانی مرا بنگرید (۲).

۱۳- ای اگنی، آن خویشاوندی که تو با خدایان داری قابل
ستایش است.

همانند آدمی در اینجا بنشین - ای دانایان از همه - و خدایان
را برای قربانی بیاور.

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید.

۱۴- اگنی دانایان از همه که بسان مردی در اینجا نشسته

(۱) ظاهراً مراد از عبارت: «مرغان زرین‌بال»، ستاره‌ها است، و مقصود از
کرک، تاریکی یا خسوف ماه میباشد.

(۲) کلمه: «ریتام Ritam» که «قانون» ترجمه شده است، بمعنی نظم
جاوید است و اطلاق آن به دنیای مادی شاید توالی شب و روز است که بنا بر عقیده
هنود از حرکت منظم خورشید بوجود می‌آید و یا حرکت بی‌تغییر باران است که
از آسمان فرو میریزد و بصورت نهرها در مجاری خود جاری میشود.

مانند يك روحانی نذورمارا باشتاب بسوی خدایان خواهد برد ،
آنکه هوشیار است .

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید .

۱۵- وارونا دعای مقدس را می سازد ، به آن کسی که راه را
می یابد، ما نیایش میکنیم .

او اندیشه خویش را در دل آشکار می کند ، پرستش مقدس
از نو برافرازد .

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید .

۱۶- معبر خورشید در آسمان برای آن ساخته شده است که
به بزرگی تجلیل شود، و برای آن نیست که مورد تجاوز قرار گیرد .

ای خدایان، ای میرندگان، شما آنرا بنگرید .

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۱)

۱۷- هنگامی که «تريتانا» در میان چاه دفن شد ، خدایان را

بیاوری طلبید.

«بریهسپتی» آواز او را شنید، او را از گرفتاری رها کنید .

(۱) مراد از عبارت : «معبر خورشید» بمقیده : « بنفی Benfey » طریقه
راستی و درستی و نظم جاوید است ، ولی بگفته : «لودویگ Ludwlg» منظور مدار
خورشید در میان دو مدار راس السرطان و راس الجدی میباشد . چون بنظر «ساینه»
خدایان نباید به مدار خورشید بی اعتنا باشند، زیرا هستی آنها منوط به خورشید
میباشد که منظم کننده فصلها است که در آنها قربانیها تقدیم میگردد و بطریق
اولی مردم که گناهکارند نباید به آن بی اعتنا باشند .

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۱).
 ۱۸- گرگی قرمز رنگ (= خونین) در آن گاه که در راه
 خویش می رفتم، مرا دید، و بسان نجاری که پشتش درد کند، خمیده
 فرار کرد.

ای زمین و آسمان، این پریشانی مرا بنگرید (۲).
 ۱۹- باشد که ما باتفاق اندرا بوسیله سرود خویش و با همه
 پهلوان هایمان در جنگ پیروز شویم.
 باشد که این دعای مارا وارونا، میترا، وادیتی، وسیندهو،
 و زمین و آسمان بر آورده سازند .
 (ماندالای اول - سرود ۱۰۵)

(۱) بریهسپتی **Brīhaspati** : خدای نماز و دعاست .
 (۲) تشبیه «گرگ» به «نجار» در این جا بهیچوجه روشن نیست .
 ساینه پیشنهاد می کند این عبارت بطور دیگری تعبیر شود . یعنی : واژه
 « وریکه **Vrika** » که بمعنی گرگ است به ماه تعبیر، و عبارت : « مرادید » به
 « سازنده ماه ها، ماسکریت **Māsakrit** » به جای « **Mā Sakrit** » خوانده شود .



۱۷۴

خطاب به شودیوها

Visṣvedevas

- ۱- برای نوشیدن سوما ، ای اگنی بیا بمراسم سرود خوانی ما - با همه خدایان بیا - و آنان را پرستش کن .
- ۲- «کنوا» ها تورا خوانده‌اند، آنان ای سراینده سرودهای ستایش را بسرای ؛
ای اگنی ، با خدایان به اینجا بیا (۲).
- ۳- اندرا ، وایو، بریهسپتی ، میترا، اگنی ، پوشان ، بهکه ، آدیتیاها ، و گروه «ماروت» ها (۳).

(۱) کلمه «دیو» که در زبان «ساکریت» تلفظ آن «دوا Deva» و تلفظ «اوستائی» آن «دایو Daeva» و فرس قدیم «دیو Daiva» میباشد در بیدها (دوداها) بمعنی خداست ولی در ایران قدیم آنرا موجودی شریر و بدخواه و دشمن آدمی میدانستند و شاید یکی از دلایل وجهات جدائی دو قوم آریاهای ایران و هند همین اختلاف مذهبی بوده است که یکی دیو را شریر و دیگری آنرا خدا و موجود آسمانی و نورا میدانسته است .

(۲) کنوا (کنوه‌ها Kanvas) : پسران یا اخلاف کنوه، افراد خانواده‌ای که خداوند سرود هستند . کنوه از ریشی‌های معروف رگه بید است . بعضی وی را جزو هفت ریشی دانسته و بخانواده انگریس منسوب داشته‌اند .

(۳) این اسامی به حالت مفعولی ذکر شده اند ، و در واقع شرح کلمه «آنان» در بند اول این سرود است که کنوه‌ها، ایشان را خوانده‌اند .

۴- این افشرد های شادی بخش نشاط آور برای شما ریخته شده است .

این قطره های شراب عسل که در این جام است .

۵- پسران کنوه آرزوی یاوری تورا پرستش می کنند، و در روی علفزار تقدیمی ها وهمه چیزهای آماده شده پراکنده اند.

۶- اسبان نیز روکه مرکوب تو اند و یوغ خیال (اندیشه) بر آن ها گذاشته شده است، وروغن مقدس را میریزند ، خدایان را به سوی این سومای فشرده بیاورند .

۷- معبود ها و تقویت کنندگان قانون، ای اگنی آنها را با بانوانشان متحد ساز، و شراب عسل به آنها بنوشان، ای روشن زبان (۱).

۸- ای اگنی، آنان را که در خور پرستش و ستایش اند ، با زبان خویش این شراب عسل را در قربانی رسمی بنوشان .

۹- دور از کشور روشن خورشید، روحانی دانی دعوت کننده همه خدایانی را که با سپیده دم بیدار میشوند، خواهد آورد (۲).

۱۰- باهمه خدایان، با اندرا، با وایو، و با جلال میترا، ای اگنی این شیرۀ سومای گوارا را بنوش.

۱۱- به امر « مانو » که روحانی ماست، توای اگنی که در هر

(۱) منظور این است که خدای اگنی سایر خدایان را با همسرهایشان به قربانگاه بیاورد .

(۲) مقصود اگنی است که خدایان را دعوت میکند .

يك از تشریفات می‌نشینی، این قربانی ما را تقدیس فرما .
۱۲- ای خداوند، مادیان های سرخ و کمرنگ و شعله‌ور را به
ارابه خویشت بیند، و با آنها خدایان را بدینجا بیاور.

(ماندالای اول- سرود ۱۴)



۱۷۵

در ستایش اندرا (بصورت پنده)

- ۱- ای اندرا ، بیا و از این افشرد در تمام جشن های سوما لذت ببر ،
ای حامی نیرومند قدرت .
- ۲- برای اندرا افشرد فعال فرح زا را بریزید ،
آن خداوند شادبخش آفرید کار همه .
- ۳- ای خداوند همه مردم ، ای زیبا گونه ، از این ستایش های فرح زای حاضر در تقدیمی های آشامیدنی شادی کن .
- ۴- سرودها به سوی تو نثار (= ریخته) شده اند ای اندرای نیرومند، ای خداوند حافظ، و بانارضائی برخاسته اند (۱).
- ۵- نعمت های گوناگون که درخور آرزوی ماست، بر ما فرو فرست ، ای اندرا ، چون قدرت عالی تنها از آن تو است.
- ۶- ای اندرا ، خواهش ما را برای ثروت بنحو جاء طلبانه

(۱) بنظر بعضی از مفسران ریگ وید عبارت: بانارضائی برخاسته اند، (آجوشاه *Ājoshāh*) بمعنی «دعاهای همیشه نو» است ، اما لودویگ عقیده دارد که کلمه مذکور که در اینجا به نارضائی ترجمه شده است اصل صحیح آن «ساجوشه *Sājoshah* در «سام بید» ضبط است، و در این صورت بمعنی «اتفاق آراء» میباشد .

برانگیز، و با جلال ای اعلی تر از همه .

۷- ای اندرا، ما را شهرت عالی و پنهانور و ثروت در رمه و نیرو عطا فرما تا در تمام دوران زندگی ما باقی بماند و از میان نرود .
 ۸- ما را شهرتی عالی عطا فرما ای اندرا ، و ثروتی عظیم بخش که هزاران میوه های نیکوی زمین بار برابر ا به به سوی خانه باشد (۱).
 ۹- با سرود های ستایش، آن درخور ستایش را که به یاری ما می آید، میخوانیم ،

اندرا آن خداوند گنج ثروت .

۱۰- اندرای والارا که در هر نذری حاضر است، مرد پرهیز کار با صدای بلند و با سرودی نیرو بخش می سراید .
 (ماندالای اول - سرود ۹)

(۱) عبارت: «میوه های نیکوی زمین بار برابر ا به به سوی خانه باشد» ترجمه جمله است که در اصل متن سانسکریت بعدی خلاصه و مرخم است که بدون تفسیر آزاد نمیتوان چیزی از آن فهمید .

عبارت سانسکریت چنین است: « Tā Rathinir Ishah » و معنی آن تنها کاربرهای گوشت است که بنظر ساینه منظور مواد غذایی از قبیل برنج ، جو ، و سایر غلات و حبوبات است که در ارا به از محل زراعت به خانه آورده میشود . هنوز هم در هند معمول است که کشاورزان چون محصول خود را از زمین می چینند و نوده میکنند ، با گاری به خانه می آورند . معنی کلمه « Rathinir » چندان روشن نیست .



۱۷۶

دستایش اندرا

۱- خوانندگان ترا سرود میگویند ، آنها که کلام ستایش میگویند ترا بزرگ میدارند .

روحانیون ترا ای « شت کرتو » مانند تیری به بلندی برافراشته‌اند (۱).

۲- چون او از کوه به کوه بالا میرود، و بر آن کارپر مشقت می‌نگرد، اندرا این خواهش او را می‌نگرد و قوچ به سوی گروه می‌شتابد (۲).

(۱) معنی عبارت : « Twā ... Ud Vansam iva Yemire » تاریخ و مبهم است . ترجمه آن بنظر : « شولیاست Scholiast » بر این تقریب است : « آنها بسان اکروبات‌ها (بند بازها) اندرا را چون خیزرانی برافراشته و در بالای آن عملیات آکروباسی می‌پردازند » با با در نظر گرفتن کلمه « و نشه Vansa » برخی چنین معنی کرده اند : « افراد جاه طلب خانواده خویش را با موفقیت بالا برده اند » .

(۲) عبارت: «بالا رفتن از کوه به کوه» یا از «قله به قله» را « شولیاست Schollast » اینگونه تکمیل میکند که این جمله مربوط به «بجه مانه Yajamāna» است یعنی : کسی که صاحب قربانی است یا او را انجام میدهد و مخارج آن را می‌پردازد و به کوهستان میرود تا گیاه سوما و هیزم جمع‌آوری نماید . اما بنظر «لودویگ» فاعل این جمله، «اندرا» است که از یک بلندی به بلندی دیگر برمی‌خیزد و معینا در آمدن به سوی قربانی تأخیر نمیکند . منظور از « قوچ » ، «اندرا» است و گروه او «ماروت‌ها» هستند . و عبارت: «می‌شتابد» یعنی: باعجله به سوی قربانی می‌آید.

۳- (يك) جفت اسب گرنک نیرومند خویش را که بدن‌های آنها تنگ‌ها را پر می‌سازد، یراق کن .

وای اندرا، ای سومانوش، بیاتاسرودهای ستایش ما را بشنوی.
 ۴- به اینجا بیا، سرود را جواب گوی، و پذیرش آنرا بسرای و بصدای بلند، آواز بر آر،
 ای اندرای نیکو، دعای ما را بر آورده کن، و این قربانی را کامیاب ساز

۵- اندرا را باید تحمید گفت تا او که به آزادگی می‌بخشد، تقویت شود تا «شکره» از دوستی ما سرور گردد، و تقدیمی‌ها را بنوشد (۱).
 ۶- اورا برای دوستی ما می‌جوئیم، اورا برای ثروت، و برای نیروی قهرمانی،

چون اندرا که «شکره» است، ما را یاری خواهد کرد و در عین حال ما را ثروت می‌بخشد .

۷- غنائمی را که تو می‌بخشی به آسانی میتوان برگرداند و براند، گاوخانه را بگشای و ما را ثروت بخش، ای رعد اسلحه! (۲).

(۱) شکره Sakra از فعل «شک Sak» (توانستن، قادر بودن) که بمعنی نیرومند میباشد اسم معمولی اندر است .

(۲) ظاهر مصراع اول اشاره به اینست که چون منظور از غنائم جنگی در ریک ودا بیشتر رمه بوده است، بیاری اندرا میتوان جلو آنرا به آسانی گرفت و جهت حرکت آنرا تغییر داد و از دست دشمن در آورد .

معنی مصراع دوم این است که ابرهای ضخیم را که در آب را نگاه داشته‌اند بگشا و کشتزارهای ما را با باران باور فرما .

۸- آسمان و زمین نمیتواند ترا با حالت غضبناکت در خود جای دهد، برای ما آب هارا از آسمان به دست آور و گاوان فراوان برای ما بفرست .

۹- تو که گوشت تیزاست، آوای مرا بشنو، و سرود های مرا برای خود بگیر. ای اندرا بگذار تا این ستایش من حتی از دوست تو به تو نزدیکتر آید (۱).

۱۰- ما ترا از همه نیرومندتر می شناسیم که در جنگ هاصدای مارا می شنوی، از تو ای نیرومندترین، ما یاری می طلبیم که هزاران از آن منشعب میشود .

۱۱- ای اندرا ، فرزند «کوشیکه» نذر مارا با لذت بنوش، عمر مارا باز دراز فرما، و کاری کن که این پیامبر هزار هدیه بدست آورد (۱)

۱۲- ای دوست دارنده سرود ، باشد که این سرود های ما از

(۱) شاید منظور از دوست تو صاعقه باشد که ملازم و متحد جدا نشدنی اندرا است .

(۱) کوشیکه *Kuśika* : پدر یا پدر بزرگ « ویشوا متر *Viśvāmitra* » است که او به نوبه خود پدر شاعر یا پیامبر این سرود است . اندرارا از آنرو پسر «کوشیکه» خوانده است که خدای اصلی با خدای مخصوص خانواده گوبنده این سرود بوده است .

هر طرف بسوی تو روی آورد ، و ترا بازندگی دراز تقویت نماید .
و باشد که آنها برای تولدت های گرامی باشند (۱).

(ماندالای اول - سرود ۱۰)

(۱) ظاهراً در اینجا منظور از زندگی دراز ، ابدیت است.



۱۷۷

دستایش اندرا

۱- تمام سرود های مقدس ، اندرا را بسان دریای پهناور و بزرگ ساخته اند ، بهترین جنگنده اژابه سوار ، خداوند واقعی نیرو (۱).

۲- به نیروی دوستی تو ای اندرا ، ای خداوند نیرو و توان ، ما هیچ ترسی نداریم ، ما باستایش های خود ترا تجلیل میکنیم ، ای پیروز شکست ناپذیر .

۳- بخشش های اندرا از قدیم ، و کمک های نجات دهنده او ، هرگز بی اثر نمی ماند .

هنگامی که سراینندگان ستایش را ثروت هائی مملو از گاووان می بخشد .

۴- قلعه کوب ، وجوان ، ودانا ، و با نیرویی بیرون از اندازه او تولد یافته است . اندرا حافظ همه تشریفات مقدس و رعد آسا و بسیار

(۱) شاید منظور این باشد که اندرا در همه جا هست .

تمجید شده (۱).

۵- ای خداوند رعد، تو غار «وله» را که پر از گاو است شکافتی،
خدایان بشتاب به سوی تو آمدند، و فارغ از بیم ترا یاری کردند (۲).

۶- ای قهرمان، من از میان بخشش‌های تو به سوی طوفان آمده
و ترا خطاب میکنم. ای دوست دارنده سرود، سرایندگان در اینجا
ایستاده و آنرا به تو شهادت میدهند (۳).

۷- «شوشنه» ی‌شریر (= بد) را تو ای اندرا، با قدرت‌های
شکفت آور خویش برمی‌اندازی. دانا این عمل ترا بدید، اینک از
حدود مدیحه آنان در گذر (۴).

(۱) منظور از عبارت قلعه کوب یا خراب کننده قلعه‌ها از هم پاشنده
ابرهاست که مانع ریزش باران میشود و آنها را قلعه و مأمن «ورتیرا» و سایر
نیروهای بدخواه میدانسته اند.

(۲) وله Vala : برادروریترا یا خود اوست که گاو‌های خدایان را دزدید
و در غاری پنهان کرد و تعبیرش این است که روشنی و آب را در ابرهای سیاه حبس
و زندانی کرد.

(۳) عبارت : « به سوی سیلاب (طوفان) » یعنی: به سوی اندرا که شط یا
دریای بخشش است.

(۴) شوشنه Sushna : نام دیوی است که اندرا او را کشت. معنی لغوی
این کلمه خشک کننده است، و منظور از آن، گرمای شدیدی است که پیش از فصل باران
موجب خشکی میگردد، و اندرا به آن پایان میدهد.

عبارت « اینک از حدود مدیحه آنان در گذر » دو تعبیر دارد یکی آنکه
اعمال تو درخور ستایش‌های بیشتری است، و دیگر آنکه ستایش‌های تو پایدار بماند.

۸- سرودهای ستایش ماندرا را که به نیروی خویش سلطنت
میکنند تجلیل میکند و هدیه‌های گرانبهای او هزار هزار می‌آید،
آری از آن هم بیشتر.

(ماندالای اول - سرود ۱۱)



۱۷۸

دستایش اگنی

- ۱- ای اگنی نیک افروخته، خدایان را، برای آنکه این هدایای مقدس را تقدیم میکند، بیاور .
ای پاک کننده، ای روحانی، آنها را ستایش کن (۲).
- ۲- ای زاده خویش، ای دانا، قربانی ما را امروز به خدایان تقدیم کن تا با آن شیرین طعم جشن بگیرند (۳).
- ۳- ای «نراشنسه»ی عزیز شیرین زبان، و دهنده نذور، من ترا بدین قربانی خود میخوانم (۴).

(۱) این سرود یکی از سرود هائی میباشد که ضمن ستایش اگنی خطاب به يك سلسله از اشیائی است که به آنها جنبه الوهیت داده شده است و گفته میشود که در آغاز قربانی حیوانی آنرا میخوانده اند. بعقیده «ساینه» اشیائی که در این سرود به آنها خطاب گردیده است اشکال مختلف اگنی (آتش) هستند.

(۲) منظور از عبارت: آنکه این هدایای مقدس را تقدیم میکند، بر پا کننده قربانی است .

(۳) فرزند خود (زاده خویش) = «تنونپات» *Tanūnapāt* نام اگنی است و منظور آنست که آتش غالباً بدون احتیاج به آتش دیگری روشن میشود، مانند برق و امثال آن .

(۴) نراشنسه *Narā Śaṁsa* : یکی از القاب اگنی است .

۴- ای اگنی با راحت ترین ارا به خویش و با شکوه مندی
خدایان را به اینجا آور .

«مانو» ترا بعنوان روحانی معین کرده است (۱).

۵- ای دانایان، علف مقدس را که به روغن آغشته شده است
بتریب بگسترید، در آنجا که آن جاوید دیده میشود (۲).

۶- درهای الهی گشاده باد تا بی محابا در این جشن حضور یابند،
برای این قربانی در این روز ، و در این حال (۳).

۷- من شب زیبا، و سپیده دم را دعوت میکنم تا در این قربانی
رسمی ما، بر علف مقدس بنشینند.

۸- من آن دو دعوت کننده دانا ، و الهی و شیرین زبان را
میخوانم تا این قربانی ما را برپا دارند (۴).

۹- «ایلا»، سرسوتی، ومهی، سه الهه خوشی آفرین با آرامش

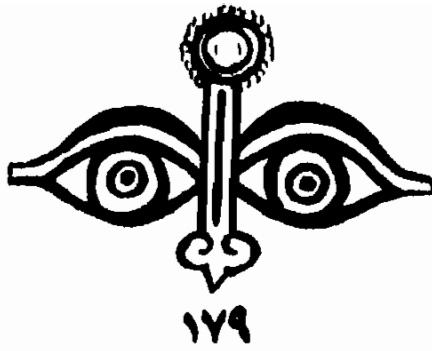
(۱) بنا بر بعضی مآخذ هندو، مانو (Manu) فردا کمال و نماینده و پدر نوع
بشر است که تصور شده نخستین برپا کننده قربانی ها و تشریفات مذهبی بوده است .
(۲) بعقیده ساینه منظور از کلمه «جاوید» (فنا ناپذیر a - mrita) کره
کداخته یا اگنی است .

(۳) ظاهراً مقصود از عبارت : «درهای الهی» ، درهای اطافی است که ندور
را در آن تقدیم می کنند. معنی کلمه : «Asaschatah» بی محابا، در این متن روشن
نیست و ساینه نیز آنرا در هر جا به شکلی ترجمه و معنی کرده است .

(۴) معنی عبارت : «دعوت کننده» یا روحانی (هوتار Hotar) معلوم
نیست که آیا اگنی و آدیتیا ، یا اگنی و وارونا ، و یا وارونا و آدیتیا میباشد .

- بر روی علف (مقدس) بنشینند (۱).
- ۱۰- من تو شتر مُقدم زاد را که به هر شکلی که بخواهد درمی آید، میخوانم تا فقط و فقط از آن ما باشد (۲).
- ۱۱- ای خداوند جنگل ، این نذر ما را به خدایان تقدیم کن، و دهنده را نام آوری بخش (۳).
- ۱۲- با سواها این قربانی را در خانه تقدیم کننده به اندرا هدیه کنید . من خدای را به اینجا میخوانم (۴).
- (ماندالای اول - سرود ۱۳)

-
- (۱) ایلا IIā : الهه گفتار و کردار مقدس است .
 مهی Mahi (بزرگ) : ظاهراً با «بهارتی Bhārati» یکی است و او نیز الهه سخن است.
- (۲) تو شتر Tvashtar در واقع «ولکان vulcan» خدایان هند است که که او فرد اکمل هنرمندی و افزارمند الهی و ماهرترین کارگران است که در اغلب کارهای عجیب و شگفت آور مهارت دارد.
- (۳) ونسپتی Vanaspati (خداوند جنگل) معمولاً به درخت بزرگ خطاب میشود و در اینجا خطاب به اگنی است ، چون چوب آن بمصرف سوختن میرسد . شاید هم تیری است که هنگام قربانی نصب میشود .
- (۴) سواها Svāhā : کلمه مقدس یا بانگی است که هنگام ریختن نذیر در آتش ادا میشود، ولی در اینجا «سواها» ممکن است اسم دیگری از اگنی باشد .



خطاب ریتو

Ritu

- ۱- ای اندرا، افشرد سو مارا با «ریتو» بنوش، بگذار تا قطرات شاد ببخش که در اینجا برقرار شده اند، به داخل فرو روند (۱).
- ۲- ای ماروت ها، با ریتو از جام پالاینده بنوشید، این تشریفات را برکت و تقدس بخشید، چون شما بخشندگان هدایای گران بها هستید (۲).
- ۳- ای «نشتر»، با بانویت این قربانی را قبول فرما، و با ریتو بنوش، چون توئی بخشنده ثروت (۳).
- ۴- ای اگنی، خدایان را بیاور، و آنها را بر سه محل مشخص

(۱) ریتو Ritu در لغت بمعنی دوره و عصر و فصل است که يك ششم سال هندوان باشد ولی در اینجا به او شخصیت داده شده بعنوان خدایی مخاطب گردیده است.
 (۲) جام پالاینده، یکی از ظرف های قربانی پوتر Potar است که بوسیله آن نذور را بنام ماروت ها به آتش میریزند. «پوتر» یکی از روحانیون تصفیه کننده یا پالایش است.

(۳) نشتر Neshtar: یکی از سران روحانیانی است که قربانی را برپا میدارند و اوست که همسر صاحب قربانی را در تشریفات شرکت میدهد. در اینجا «نشتر» نام خدای «نوشتری» است، چون این خدا نیز گاهی وظایف نشتر را انجام میدهد.

بنشان ، و آنها را احاطه کن و باریتو بنوش (۱).

۵- پس از ریتو ها از (دست) بخشنده « براهمن » حل نشده بنوش، ای اندرا، پیوند دوستی تو است (۲).

۶- ای میترا، وای وارونا که طریق شما پابرجاست، و نیرویی که هیچکس آنرا فریب نمیدهد با ریتو شما به این جشن (مراسم) رسیده اید.

۷- فشارندگان سوما در طلب ثروت ، ثروت بخش را در این مراسم ستایش می کنند، و در قربانی ها خدا را ستایش می نمایند (۳).

۸- باشد که بخشنده ثروت ما را دولت هائی دهد که همه جا مشهور باشد .

این چیزها را ما از میان خدایان به دست می آوریم (۴).

(۱) عبارت: «سه محل مقدس» اشاره به سه آتش قربانی است که عبارتست از:

۱- کاره پتیه **Gārha- Patya** یا آتش مقدس خانواده که بزرگ خاله آنرا نگاهداری میکند و محافظت این آتش برای هر خانواده لازم است .

۲- آهوانیه **Āhvaniya** یا آتش خاوری که بسمت مشرق بر می افروزند و از آتش جاوید خانواده برداشته میشود تا نیاز را در آن بسوزانند .

۳ - دکشینه **Dakshina** یا دکشناگنی **Dakshināgni** آتشی که بسمت جنوب بر می افروزند .

(۲) براهمن **Brhāman** در اینجا گفته شده که یکی از شصت روحانی است که قربانی را انجام میدهند .

(۳) فشارندگان سوما کسانی بوده اند که سنگ ها را در دست داشتند و از گیاه سوما آب می گرفتند .

(۴) منظور از عبارت: بخشنده ثروت **Dravinodās** اگنی است .

۹- ثروت بخشنده با ریتوها، در طلب نوشیدن از کاسه «نشر» است .

بشتابید و تقدیمی خویش را بگذارید ، و بروید .

۱۰- چون ما برای چهارمین بار ، ترا ای بخشنده ثروت با ریتوها احترام می کنیم ، نسبت به ما بخشنده ای سخاوتمند باش (۱).

۱۱- ای اشوین های درخشان شعله ور که اعمال شما پاک است ، از این شراب عسل بنوشید، و باریتوها این قربانی را قبول کنید .

۱۲- باریتو از میان آتش خانواده ، تو ای بخشنده مهربان قربانی را رهبری میکنی ،

خدایان را برای این مرد پرهیزکار پرستش کن (۲).

(ماندالای اول - سرود ۱۵)

(۱) بعضی گفته اند مراد از عبارت : «چهارمین بار»، شاید این باشد که در این سرود بجای سه بار (تریچه Tricha ، باسه بیئی) در چهار قطعه (بند) از اگنی نامبرده شده است؛ یا آنکه بنا بر عقیده لودویگک منظور مرتبه چهارم است ، چون بعد از اندرا، ماروت ها ، وتوشر قرار دارد.

(۲) آتش خانواده، آتش مقدسی است که بطور دائم در خانه نگاهداری میشده است، و آتش های قربانی را از آن روشن میکرده اند.



۱۸۰

خطاب برهنسپتی

Brahmanaspati

۱- برهنسپتی به آنکه سومارا می فشارد جلال می بخشد، حتی ککشیون اوشیجه (۲).

۲- آن دولت مند شفا دهندۀ بیمارانی که ثروت می بخشد، و نعمت را می افزاید، آن شتابنده ؛ باشد که او هنوز با ما باشد (۳).

(۱) هر چند مقام و وظائف این خدا درست معلوم نیست اما بنا بر گفته «روت Roth» که از نظر فقه‌اللفه نیز قابل قبول است، او خدای دعا‌های مقدس یا شاید متن «ودا» است، در اینکه آیا اوشخصیت جداگانه‌ای دارد یا صورتی از خدایان دیگر و بویژه اکنی است محل شك میباشد، صفات ثروت بخشی، و شفا دادن و افزایش روزی (رزق) خاص او نیست، و چون نامش توأم با اسم اندرا، و سوما ذکر شده است، ظاهرآ باید یکی از اشکال اولیه اکنی باشد. ارتباط او با دعاها در سرود چهلم از همین ماندالا بهتر آشکار است.

(۲) ککشیوان اوشیجه *Kakshivân Ausija* (ککشیوت *Kakshivat*) پسر دور کهه تماس *(Durgha - tamas)* و مادرش «اوشیج *Usij*» یکی از ریشی‌های مشهور است که بزرگ خانواده «پجره *PaJra*» بوده است و چند سرود از ریگ و دابه او منسوب میباشد و بویژه پرستش کنندۀ اشوین‌ها شناخته شده است. او در دو سرود راجه سونیه را مدح گفته است، بنگرید صفحات ۳۹۱-۳۹۳ و ۴۳۳-۴۴۴ این کتاب را (۳) منظور از عبارت: دولت مند و شفا بخش بیمارانی، برهنسپتی است.

۳- لعنت دشمن، و حمله هیچ فناپذیری به ما نرسد. ای بر همنسپتی،
ما را حفظ فرما.

۴- به قهرمان میرنده ای (= فنا پذیری) که از اندرا ، و
بر همنسپتی ، و سوما بمرحمت الهام می یابد ، هرگز آزار نخواهد
رسید .

۵- توای بر همنسپتی، با اندرا، و سوما، و دکشینه این فناپذیر
را از مصیبت نگاهدار (۱).

۶- به خداوند عجیب مجمع، به دوست زیبای اندرا که بخشنده

(۱) سوما Soma خدایی است که نماینده وزندگی بخش شیرۀ گیاه سوما
میباشد. در ادوار نخستین او مانند : دیونی سوس Dionysus و باکوس Bacchus
روم و یونان خدای شراب آریاهای هندی بوده است ، پروفیسور وایتنی Whitney
میگوید : مردم آریایی ساده دل که مذهب آنها پرستش قوی و نیروها و پدیده های
شگفت آور طبیعت بود ، چون مشاهده کردند که این نوشابه (شیرۀ سوما) دارای
نیروی است که روح را برمی انگیزد، و نوعی شور و هیجان موقت ایجاد میکند که
در اثر آن شخص تحریک میشود و قادر بانجام دادن اموری می گردد که خارج از
قدرت طبیعی اوست، آنرا دارای یک خاصیت خدایی پنداشتند. و سوما را خدایی دانستند
که چون وارد بدن شخص شود به وی نیروی خدایی می بخشد. گیاهی که این نوشابه
از آن گرفته میشود پادشاه گیاهان شناخته شد و طریقه آماده ساختن آن بصورت
یک قربانی مقدس درآمد . از اشاراتی که در « اوستا Avesta » به آن شده است
قدمت زیادش معلوم و روشن میشود .

دکشینا Dakshinā : در واقع هدیه است که پس از پایان قربانی به روحانیون
تقدیم میدارند. ولی در اینجا «دکشینا» بصورت الهای مجسم شده است.

- دانش است، من به دعا نزدیک شده ام (۱).
- ۷- آنکه بدون او هیچ قربانی، حتی از آن مرد خردمندترین موقبت نمی‌گردد،
- سلسله افکار را برمی‌انگیزد.
- ۸- او نذور را برکت می‌دهد، و جریان قربانی را پیش می‌برد.
- صدای ستایش ما به سوی خدایان می‌رود.
- ۹- من «نرشنسه» را دیدم که از همه مصمم‌تر و مشهورتر است، مانند آنکه روحانی خانواده آسمان بود (۲).
- (ماندالای اول - سرود ۱۸)

(۱) سدسپتی *Sadasaspati* (خداوند عجیب‌مجمع): رئیس و حامی مجمع روحانیون است، ولی در اینجا یکی از القاب اگنی می‌باشد.

(۲) نرشنسه *Narāśansa*: یکی از اسامی اگنی است. مفهوم قسمت آخر این سرود چنین است: بوسیله دعا و ستایش من به خدایان رسیده‌ام، و با چشم جان اگنی را در آسمان دیده‌ام.

عبارت: «روحانی خانواده» ترجمه کلمه *Sadmamakbasam* است. اما «ساینه» این کلمه را درخشان مانند آسمان، معنی کرده است. «لودویگ» عبارت را در چنین ترجمه کرده است: «مانند کسی که برای بدست آوردن مقامی در آسمان در تلاشی است».



۱۸۱

خطاب اگنی-ماروت

۱- به این قربانی بیا ، برای نوشیدن این عصاره شیر مانند خوانده شده ای.

ای اگنی ، با ماروت‌ها، بیا.

۲- هیچ آدم فناپذیری، و هیچ خدایی بر نیروی فکری توفزونی نیافته است .

ای فرد توانا، ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا.

۳- همه خدایان بی عیب که ناحیه نیرومند میان هوا را می‌شناسند،

ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا.

۴- آن دهشتناکان که سرودخویش را میسرایند، و نیرویی بر آنها غلبه نمی‌کند،

ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا .

۵- درخشان و مهیب شکل، قادر، و بلعندگان دشمنان خویش،

ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا .

۶- آنان که مانند خدایان آسمان در بالای کره نورانی طاق
فلك نشسته اند،

ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا .

۷- آنها که ابرها را در آسمان، و دور از دریای متلاطم، پراکنده
میسازند،

ای اگنی، با مارت‌ها، بیا .

۸- آنها که با اشعه روشن، با نیروی خود آنها را در روی دریا
می‌پراکنند،

ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا .

۹- برای تو، برای آنکه اولین جرعه تو باشد، من این سومای
آمیخته به شربت عسل را می‌ریزم،
ای اگنی، با ماروت‌ها، بیا .

(ماندالای اول - سرود ۱۹)



خطاب ریبهو

Ribhus

- ۱- برای نژاد آسمانی ، این سرود ستایش که سخاوتمندانه ثروت می بخشد، بوسیله لب های سرایندگان ساخته شده است (۱).
- ۲- آنها که با فکر خویش برای اندرا اسب‌هایی ساخته، و با يك کلمه آنها را مهار کردند، و در اثر اعمال به (انجام دادن) قربانی نائل شدند. (۲)

۳- برای دو «ناستیه» ارا به سبکی که به همه جامیرفت، ساختند. آنها گاوی که شیرش غذای خدایان بود، بوجود آوردند .

(۱) نژاد یا نسل آسمانی *Devāya Janmane* طبقه یا نسل الهی ریبهوها است که سه پسر «سودهن ون *Sudhanvan*» هستند که از اخلاف انگریس *Angiras* بود. واسامی شخصی آنان: ریبهو *Ribhu* و ریبهن *Vihhan* و واجه *Vāja* است، و روی هم بمناسبت اسم برادر بزرگتر، ریبهو خوانده میشوند. بر اثر اعمال نیکی که اینان انجام داده اند (بنا بر عقیده هندوان) بمقام الوهیت رسیده اند و درخور ستایش و پرستش قرار گرفته اند. مقام آنها در فلک خورشید شناخته شده و تشخیص آنها از اشعه آفتاب مشکل است، و به هر حال این امر مؤید آنست که در هند قدیم معتقد بوده اند که بشر ممکن است بمقام الوهیت برسد .

(۲) ناستیه ها *Nāsatyas* : همان اشوین ها هستند .

- ۴- ریبهوها بوسیله دعا های مؤثر، و عمل مداوم درستکاری، پدر و مادر خویش را دوباره جوان ساختند. (۱)
- ۵- قطره های شادبخش پیوسته به اندرا با رشته ماروت ها آمد. با آدیتیاها، و با پادشاهان (۲).
- ۶- چمچه قربانی که جدیداً به دست خدای «نوشر» ساخته شده است، شما از آن چهار چمچه ساخته اید (۳).
- ۷- برای ما و برای آنکه سه مرتبه هفت نذر می ریزند، آری برای هر يك ثروت را تأمین کنید. از مدیحه های ما خرسند شوید و ثروت بخشید (۴).
- (ماندالای اول، سرود ۲۵)

- (۱) مقصود از عبارت: «پدر و مادر»، آسمان و زمین است که خداوندان فصول هستند، و پی در پی جوان میشوند.
- (۲) این قطعه چنین تعبیر شده که نذور در سومین قربانی (شامگاه) به اندرا و آدیتیاها و ریبهوها و بریهسپتی و وشودیوها تقدیم گردیده است.
- (۳) بنا بر اساطیر هندو نوشری نجار یا افزارمند خدایان است و بعقیده ساینه، ریبهوها هم شاگردان او میباشند. ساختن چهار قاشق (چمچه) از يك قاشق شاید اشاره به تغییری است که در لوازم قربانی داده شده و تنها منظور آن نیست که از يك قاشق چوبین چهار قاشق ساخته شده است. نیتی منجری Niti-Manjari میگوید: چون اگنی در قربانی حاضر شد، و در ردیف یکی از ریبهوها در آمد، «چمچه» را چهار برابر کردند تا هر يك سهم خود را ببرد.
- (۴) عبارت: «سه بار هفت» ممکن است مربوط به ثروت یا جواهر «رتنانی ratnāni» نیز باشد.

فهرست موضوعی کتاب

یکی از خصائص کتاب ریگ‌ودا، این است که مطالب سرودهای آن - به استثنای ماندالای اول و دهم - معمولاً باهم یکنواخت است. محتوای این کتاب مجموعاً ۱۰۲۸ سرود است. موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده بطور تقریب از این قرار است:

خدایان سپیده‌دم و صبح‌گاهی و خورشیدی

سرودهای ۴۸ و ۴۹ و ۹۲ و ۱۱۳ و ۱۲۴ ماندالای اول و ۶۱ ماندالای سوم و ۵۱ و ۵۲ ماندالای چهارم و ۷۹ و ۸۰ ماندالای پنجم و ۶۴ و ۶۵ ماندالای ششم و ۷۵ تا ۸۱ ماندالای هفتم و ۱۷۲ ماندالای دهم در ستایش سپیده‌دم (اوشس)

دواشوین

سرودهای ۳۴ و ۴۶ و ۴۷ و ۱۱۲ و ۱۱۶ تا ۱۲۰ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۸۰ تا ۱۸۴ ماندالای اول و سرود ۳۹ ماندالای دوم و سرود ۵۸ ماندالای سوم و سرود ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ ماندالای چهارم و سرود ۷۳ تا ۷۷ ماندالای پنجم و سرود ۶۲ و ۶۳ ماندالای ششم و ۶۷ تا ۷۴ ماندالای هفتم و سرود ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۲۲ و ۲۶ و ۳۵ و ۶۲ و ۷۴ و ۷۶ ماندالای هشتم در ستایش دو اشوین.

والکیلیه

سرود نهم والکیلیه و سرود ۳۹ تا ۴۱ و ۱۰۶ و ۱۴۳.

ددهی‌کراون

سرود ۳۸ تا ۴۰ ماندالای چهارم و سرود ۴۴ ماندالای هفتم در توصیف ددهی‌کراون (تجسم خورشید).
اگنی خدای آتش، از جمله خدایان بامدادی است (ماندالای چهارم سرود ۱۳ و ۱۴).

ورونا و خدایان عالم هستی

سرود ۲۴ و ۲۵ ماندالای اول و ۲۸ ماندالای دوم و ۸۵ ماندالای پنجم و

۸۶ و ۸۹ ماندالای هفتم و ۴۱ و ۴۲ ماندالای هشتم در توصیف مظاهر خورشیدی.

میترا

سرود ۵۹ ماندالای سوم و سرود ۴۱ ماندالای هفتم در توصیف میترا.

ورونا و میترا و اریمن

سرود ۴۱ ماندالای اول. میترا و اریمن در توصیف خدایان مذکور.

میترا و ورونا

سرود ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ ماندالای اول و سرود ۶۲ تا ۷۲ ماندالای پنجم و ۶۷ ماندالای ششم و ۶۰ تا ۶۶ ماندالای هفتم و ۲۵ ماندالای هشتم و ۱۳۲ و ۱۸۵ ماندالای دهم در توصیف میترا و ورونا.

آدیتیه‌ها

سرود ۲۷ ماندالای دوم و ۵۱ و ۵۲ ماندالای هفتم و ۱۸ و ۴۷ و ۵۶ ماندالای هشتم در ستایش خدایان گروهی «آدینیه»‌ها.

سوریا

سرود ۵۰ و ۱۱۵ ماندالای اول و ۳۷ و ۱۵۸ و ۱۷۰ ماندالای دهم، در ستایش «سوریا».

سویترا

سرود ۳۵ ماندالای اول و ۳۸ ماندالای دوم و ۵۳ و ۵۴ ماندالای چهارم و ۸۱ و ۸۲ ماندالای پنجم و ۷۱ ماندالای ششم و ۳۸ و ۴۵ ماندالای هفتم و ۱۳۹ و ۱۴۹ ماندالای دهم در ستایش «سویترا».

پوشان

سرود ۴۲ و ۱۳۸ ماندالای اول و ۵۳ و ۵۶ و ۵۸ ماندالای ششم و ۲۶ ماندالای دهم در ستایش «پوشان».

ویشنو

سرود ۱۵۴ و ۱۵۶ ماندالای اول و سرود ۹۹ و ۱۰۰ ماندالای هفتم در ستایش «ویشنو».

یشواکرمن

سرود ۸۱ و ۸۲ ماندالای دهم در ستایش ویشواکرمن.

ون

سرود ۱۲۳ ماندالای دهم در ستایش ون (Vena).

ویبراج (Vibhraj)

سرود ۱۷۰ ماندالای دهم.

تارکشیه (Tarkṣya)

سرود ۱۷۸ ماندالای دهم در توصیف ویراج.

سارپراگنی (Sārparājñi) یا سوریا

سرود ۱۸۹ ماندالای دهم در ستایش سارپراگنی یا خورشید.

پیدایی خدایان

«ریبهو»ها: سرود ۲۰ و ۱۱۰ و ۱۱۱ ماندالای اول و ۶۰ ماندالای سوم و ۳۳ تا ۳۷ ماندالای چهارم و ۴۸ ماندالای هفتم درباره پیدایی ریبهوها.

آسمان و زمین

سرود ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۸۵ ماندالای اول و سرود ۵۶ ماندالای چهارم و سرود ۷۰ ماندالای ششم و ۵۳ ماندالای هفتم درباره کیفیت پیدایی آسمان و زمین.

پریتیهوی

سرود ۸۴ ماندالای پنجم راجع به پیدایی «پریتیهوی» (زمین).

سرسوتی

سرود ۶۱ ماندالای ششم و ۹۵ و ۹۶ ماندالای هفتم در کیفیت پیدایی الهه «سرسوتی» (الهه رودخانه‌ها).

آبها Āpoḥ

سرود ۴۷ و ۴۹ ماندالای هفتم و سرود ۹ ماندالای دهم در توصیف آبها.

آبها یا گاوها

سرود ۱۹ ماندالای دهم در پیدایی آبها یا گاوها.

اپان‌نپات

سرود ۳۵ ماندالای دوم در پیدایی اپان‌نپات (پسر آبها).

سوما

سرود ۹۱ ماندالای اول و ۴۸ و ۶۸ ماندالای هشتم و ۳۵ ماندالای دهم در پیدایی «سوما».

خدایان گروهی**وشودیو (همه خدایان)**

سرود ۱۴ و ۸۹ و ۹۰ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۲۲ و ۱۳۹ و ۱۸۶ ماندالای اول

و ۲۹ و ۳۱ ماندالای دوم و ۵۴ تا ۵۷ ماندالای سوم و ۵۵ ماندالای چهارم و ۴۱ تا ۵۱ ماندالای پنجم و ۴۹ تا ۵۲ ماندالای ششم و ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۲ و ۴۳ ماندالای هفتم و ۲۷ تا ۳۰ و ۲۲ ماندالای هشتم و ۲۱ و ۳۵ و ۳۶ و ۶۳ تا ۶۶ و ۹۲ و ۹۳ و ۱۰۰ ماندالای دهم در توصیف و ستایش همه خدایان.

دواشویین و سویترا و اگنی و آسمان و زمین و ویشنو

در سرود ۲۲ ماندالای اول توصیف و ستایش شده‌اند. وایو و اندرا و میترا و ورونا و ویشودیوها و پوشان و آب‌ها و اگنی در سرود ۲۳ ماندالای اول با هم مورد نیایش قرار گرفته‌اند.

آسمان و زمین و اندرایی و وروقانی و راکا (الهه روز ماه تمام که قرص قمر کامل و پر است) و گنگ و سرسوتی و سیننی‌والی Sini_Vālī (الهه روز اول ماه قمری و روز اول ماه قمری) در سرود ۳۲ ماندالای دوم ستایش و توصیف شده است.

اندرا و وایو و میترا و ورونا و دواشویین و ویشودیو و سرسوتی و دیوس و پریتهیوی در سرود ۴۱ ماندالای دوم ستایش شده است.
ستایش اندرا و ورونا و بریسهپتی و پوشان و سویترا و سوما و میترا و ورونا در سرود ۶۲ ماندالای سوم.
ستایش میترا و ورونا و آدیتیه‌ها و دواشویین و وایو و سوریا و پومانه و گاو در سرود ۹۰ ماندالای هشتم.

اگنی (جات ویداس و ویشوانر)

ستایش اگنی در ماندالای اول سرود ۱ و ۱۲ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۶ و ۴۴ و ۴۵ و ۵۸ تا ۶۰ و ۶۵-۷۹ و ۹۴-۹۹ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۳ - ۱۵۰ و ۱۸۹ و ماندالای دوم سرود ۱ و ۲ و ۴-۱۰ و ماندالای سوم سرود ۱ و ۵-۲ و ۹-۱۱ و ۱۳-۲۸ و ماندالای چهارم سرود ۱-۱۲ و ۱۵ و ماندالای پنجم سرود ۱-۴ و ۶-۱۱ و ۱۳-۲۸ و ماندالای ششم سرود ۱-۱۶ و ۴۸ و ماندالای هفتم سرود ۱ و ۳ و ۴-۱۷ و ماندالای هشتم سرود ۱۱ و ۱۹ و ۲۳ و ۳۹ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۶ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۳ و ۶۴ و ۷۳ و ۹۱ و ۹۲ و ماندالای دهم سرود ۱-۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۲۰ و ۲۱ و ۴۵ و ۴۶ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۷ و ۸۸ و ۹۱ و ۱۵۵ و ۱۱۸ و ۱۲۲ و ۱۴۰ و ۱۴۲ و ۱۵۰ و ۱۵۶ و ۱۷۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸.

اندرا (شت‌گرتو و شکره و منیو)

ستایش اندرا در ماندالای اول سرود ۱-۱۱ و ۱۶ و ۳۰ و ۵۴-۵۷ و ۶۳-۶۱ و ۸۴-۸۰ و ۱۰۴-۱۰۰ و ۱۲۱ و ۱۲۹-۱۳۳ و ۱۳۵ و ۱۶۹ و ۱۷۳-۱۷۸ و ماندالای دوم سرود ۱۱-۲۲ و ۳۰ و ماندالای سوم سرود ۳۰-۳۲ و ۳۴-۵۲ و ماندالای چهارم سرود ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۵ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۴۶ و ماندالای پنجم سرود ۲۹-۳۹ و ماندالای ششم سرود ۱۷-۲۶ و ۲۸-۴۷ و ماندالای هفتم سرود ۱۹-۳۲ و ماندالای هشتم سرود ۱-۴ و ۶ و ۱۲-۱۷ و ۲۱ و ۲۴ و ۳۲-۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۵ و ۴۶ و ۵۰-۵۵ و ۵۷ و ۵۹ و ۶۵-۶۷ و ۶۹ و ۷۱ و ۷۹-۷۷ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۴-۸۸ و والکیلیا ۱-۶ و ماندالای دهم سرود ۲۲-۲۴ و ۲۹ و ۳۲ و ۴۴-۴۲ و ۴۷ و ۵۰ و ۵۴ و ۵۵ و ۷۳ و ۷۴ و ۸۹ و ۹۶ و ۱۰۴ و

و ۱۰۵ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۶-۱۲۰ و ۱۳۱ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۸ و ۱۴۴ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۶۰ و ۱۶۱-۱۷۱ و ۱۸۰.
سرود ۸۳ و ۸۴ ماندالای دهم خطاب به «منیویو» (ختم، خواهش نفسانی، تجسم غضب یا خواهش نفسانی).

خدایان طوفان و باد و باران

ماروت‌ها

در ماندالای اول سرودهای ۳۷-۳۹ و ۶۴ و ۸۵-۸۸ و ۱۶۶-۱۶۸ و ۱۷۱ و ماندالای دوم سرود ۳۴ و ماندالای پنجم سرود ۵۲-۶۰ و ۸۷ و ماندالای ششم سرود ۶۶ و ماندالای هفتم سرود ۵۶-۵۹ و ماندالای هشتم سرود ۷ و ۲۰ و ۸۳ و ماندالای دهم سرود ۷۷ و ۷۸.

رودراها

ماندالای اول سرود ۴۳ و ۱۱۴ و ماندالای دوم سرود ۳۳ و ماندالای هفتم سرود ۴۶ مورد ستایش واقع شده‌اند.

وایو (باد)

در ماندالای اول سرود ۱۳۴ و ۲ و ماندالای چهارم سرود ۴۷ و ۴۸ و ماندالای هفتم سرود ۹۰-۹۲ و ماندالای دهم سرود ۱۶۸ و ۱۸۶ خدای باد مورد ستایش قرار گرفته است.

پرجنیه

در ماندالای پنجم سرود ۸۳ و ماندالای هفتم سرود ۱۰۱ و ۱۰۲ مورد خطاب واقع گردیده است.

خدای دعا (نماز):

بریهسپتی یا برهمنسپتی

در ماندالای اول سرود ۱۸ و ۴۰ و ۱۹۰ و ماندالای دوم سرود ۲۳-۲۶ و ماندالای چهارم سرود ۵۰ و ماندالای ششم سرود ۷۳ و ماندالای هفتم سرود ۹۷ و ۹۸ و ماندالای دهم سرود ۱۸۲ بریهسپتی ستایش شده است.
۱- پرجنیه؛ ابر مخصوصاً ابربارانی؛ باران، خدای طوفان یا انقلاب جوی؛ تجسم اندرا.

اندرا و برهمنسپتی

ماندالای چهارم سرود ۴۹.

دوگانه پرستی (ثنویت):

اندرا - ورونا:

ماندالای اول سرود ۱۷ و ماندالای چهارم سرود ۴۱ و ماندالای ششم سرود

۶۸ و ماندالای هفتم سرود ۸۲ و ۸۴ و ۸۵ و والکیلیه، سرود ۲.

اندرا - پوشان

ماندالای ششم، سرود ۵۷.

اندرا - ویشنو

ماندالای ششم، سرود ۶۹

اندرا - اگنی

ماندالای اول، سرود ۲۱ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ماندالای سوم، سرود ۱۲ و ماندالای پنجم سرود ۸۶ و ماندالای ششم، سرود ۵۹ و ۶۰ و ماندالای هفتم، سرود ۹۳-۹۴ و ماندالای هشتم، سرود ۳۸ و ۴۰.

اگنی - ماروتها

ماندالای اول، سرود ۱۹.

اندرا - سوما

ماندالای ششم، سرود ۷۲ و ماندالای هفتم، سرود ۱۰۴.

اگنی - سوما

ماندالای اول، سرود ۹۳.

سوما - رودرا

ماندالای ششم، سرود ۷۴.

سوما - پوشان

ماندالای دوم، سرود ۴۰.

سرودهای مربوط به دعا و افسون

وشودیوها (همه خدایان)

ماندالای دهم، ۱۱۴. - اوزان یا بحوز مقدس عرضی. - ماندالای دهم، ۱۳۰، ستایش انگیراسها. - ماندالای دهم، ۶۲. قربانی کننده و همسرش. - ماندالای هشتم، ۳۱. قربانی کننده و زن و روحانی هوتر. - ماندالای دهم، ۱۸۳. ایمان، عقیده. - ماندالای دهم ۱۵۱. و شودیوها. - ماندالای دهم ۱۵۷. وضع و حالت مرد یا حیات نو. - ماندالای دهم، ۱۵۴. دکشینا (هدیه یا مزدی که برای انجام دادن مراسم قربانی به یک روحانی می دهند). - ماندالای دهم، ۱۰۷، ریتویجها (روحانیان). والکیلیه، ۱۰. ماندالای دهم، ۱۰۱. آپریها. - ماندالای اول ۱۳ و ۱۴۲ و ۱۸۸. ماندالای دوم، ۳. ماندالای سوم، ۴. ماندالای پنجم، ۵. ماندالای هفتم، ۲. ماندالای نهم، ۵. ماندالای دهم، ۷۵ و ۱۱۰. کار یا عمل مربوط به قربانی خدای آتش. - ماندالای سوم، ۲۹. دیرک یا تیر چوبینی که در مراسم

قربانی حیوان قربانی را بدان می‌بستند. - ماندالای سوم، ۸. هاون یادسته‌هاونی که بدان برگ‌های سوما کوبیده می‌شود و افشره آن گرفته می‌شود. - ماندالای اول ۲۸، آسیای سنگی که بدان افشره سوما اخذ می‌شود. - ماندالای دهم، ۷۶ و ۹۴ و ۱۷۵. هویردهان. - ماندالای دهم، ۱۳. ریتو (فصل). - ماندالای دوم، ۳۶ و ۳۷. سوما پومانه. - ماندالای نهم، ۴-۱ و ۱۱۴-۶. تحسین اسب. - ماندالای اول، ۱۶۲ و ۱۶۳. آب‌ها یا پسر آب‌ها. - ماندالای دهم، ۳۵. سرنوج و پوشان و سرسوتی و آب‌ها و سوما. - ماندالای دهم، ۱۷. ماندالای دهم، سرود ۱۱۴، وشودیوها، سرود ۱۳۵ در وصف اوزان یا بحور عروض (و تخلیق). سرود ۶۲ در ستایش انگیراس‌ها. ماندالای هشتم، سرود ۳۱ قربان کننده و همسرش. قربانی کننده و زن و روحانی هوتر. عروسی سوریا. - ۸۵. واستو شپتی (نگهبان‌خانه). - ماندالای هفتم، ۵۴ و ۵۵. کشر پتی (خدای مزرعه) و سینا (شیار). - ماندالای چهارم، ۵۷. تحسین غذا. ماندالای اول، ۱۸۷. ارنیانی (الهه جنگل). - ماندالای دهم، ۱۴۶. شب. - ماندالای دهم، ۱۲۷. دفع بدبختی. - ماندالای دهم، ۱۵۵. دعای خیر. - ماندالای دهم، ۱۸۷. رفع بی‌نتیجگی و عدم موفقیت. - ماندالای دهم، ۱۶۲. دواشوین. - ماندالای پنجم، ۷۸. ماروت‌ها. - ماندالای اول، ۱۷۲. سوما پومانه. - ماندالای نهم، ۱۱۴. وشودیو. - ۱۳۷. گاوها. - ماندالای دهم، ۱۶۹. آب و سزه و سوریا. - ماندالای اول، ۱۹۱. اندرا. - ماندالای هشتم، ۸۵. میترا و ورونا و اگنی و وشودیوها، و ستایش رودخانه‌ها. - ماندالای هفتم، ۵۵. وشودیوها. - ماندالای دهم، ۱۲۶. افسون ضد بیماری سل. - ماندالای دهم، ۱۶۱ و ۱۶۳. افسون ضد دیو خواب. - ماندالای دهم، ۱۶۴. اندرا. - ماندالای اول، ۲۹. افسون پرنده اقبال (کپینجله). - ماندالای دوم، ۴۲ و ۴۳. افسون پرنده بیماری. - ماندالای دهم، ۱۶۵. افسون ضد یک زن رقیب یا همچشمی کننده. - ماندالای دهم، ۱۴۵. شی‌پولمی (اندرانی همسر اندرا). - ماندالای دهم، ۱۵۹. وشودیوها. - ماندالای دهم، ۱۲۸ و ۱۴۱. دور کردن یا جدا ساختن رقیب یا حریف. - ماندالای دهم، ۱۶۶. دعای خیر پادشاه. - ماندالای دهم، ۱۷۳ و ۱۷۴. همداستانی یا اتفاق رأی. - ماندالای دهم، ۱۹۱. یم، بدران، سکان. - ماندالای دهم، ۱۴. پدران. - ماندالای دهم، ۱۵. اگنی. - ماندالای دهم، ۱۶. مریتو و دهاتر و توشتر و پتر مدهه و پرجاپتی. - ماندالای دهم، ۱۸. وشودیو. - ماندالای دهم، ۵۶. پومانه سوما. - ماندالای نهم ۴-۱ و ۱۲۶-۶.

سرودهای مربوط به پیدایی جهان و افسانه‌ها (اساطیر) و تاریخ و تمدن

پیدایی جهان. - ماندالای دهم، ۱۲۹ و ۱۹۰. خلق جهان هستی از راه قربانی پرورش. - ماندالای دهم، ۹۰.
ماندالای دهم، ۱۲۱. خدایان. - ماندالای دهم، ۵۲ و ۷۲. وشودیوها. - ماندالای اول، ۱۵۵ و ۱۶۴ و ۱۸۱. مایابده. - ماندالای دهم، ۱۷۷. اگنی، سوریا و آب‌ها و گاو و گهریته. - ماندالای چهارم، ۵۸. هم‌چشمی یا رقابت اندرا با ورونا. - ماندالای چهارم، ۴۲ و ماندالای دهم، ۱۲۴. قولد اندرا. - ماندالای چهارم، ۱۸. اندرا. ستایش باز (قوش). - ماندالای چهارم، ۲۶. ستایش باز (قوش). - ماندالای چهارم، ۲۷. اندرا و سوما. -

ماندالای چهارم، ۲۸. اندرا و اوشس. - ماندالای چهارم، ۳۰. اندرا. -
ماندالای اول، ۳۲ و ۳۳ و ۵۱ و ۵۳. و ماندالای دهم، ۲۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۶۷ و
۶۸ و ۹۹ و ۱۰۲ و ۱۱۱ و ۱۱۹ و ۱۶۷. اندرا. و سوکرا. - ماندالای دهم، ۲۸.
اندرا و ماروت‌ها. اگستیه. ماندالای دهم، ۱۶۵ و ۱۷۰. ماروت‌ها. - ماندالای
پنجم، ۶۱. اندرا و واک (سخن). - ماندالای هشتم، ۸۹. اگنی. خدایان. -
ماندالای دهم، ۵۱. اگنی سوچیکا. خدایان. - ماندالای دهم، ۵۳. اندرا و سوریا
و اتری. - ماندالای پنجم، ۴۰. وریشاکی. اندران. اندرا. - ماندالای دهم، ۸۶.
اوروشی. یوروروس. - ماندالای دهم، ۹۵. سرما (قاصد یا پیغام‌آور اندرا).
وینی (دیو ظلمت یا تاریکی). ماندالای دهم، ۱۰۸. و شودیوها. - ماندالای دهم،
۵۷. احضار روح. - ماندالای دهم، ۵۸. نیریتی و سوما و اسونیتی و زمین و
آسمان. - ماندالای دهم، ۵۹. اسماتی. اندرا - سویندهو. - ماندالای دهم، ۶۰.
واک. - ماندالای دهم، ۱۲۵. گیانم (دانش). - ماندالای دهم، سرود ۷۱. یم (جم).
- ماندالای دهم، ۱۳۵، ستایش رودخانه‌ها. - ماندالای دهم، ۷۵. وسیشت و
رودخانه‌ها. - ماندالای سوم، ۳۳. وسیشت. - ماندالای هفتم، ۳۳. اندرا و ورونا
ماندالای هفتم، ۸۳. ددهیکراون. - ماندالای چهارم، ۳۸. بهاویویه و روسا.
- ماندالای اول، سرود ۱۲۹. لویامودرا و اگستیه. - ماندالای اول، ۱۷۹. دو-
اشوین. - ماندالای هشتم، ۷۵. اگنی. - ماندالای دهم، ۶۹. خدایان. - ماندالای
دهم، ۹۸. و شودیوها و کوروش‌روان (شنونده مستمع) یا نام شاهزاده‌ای
سخت‌مندی. - ماندالای دهم، ۳۳. والکیلیه. ۷ و ۸. کشن‌ها. - ماندالای دهم،
۱۳۶. و شودیوها. - ماندالای دهم، ۱۰۹. وزغ‌ها یا نماینده گویندگی و پهلوانی.
- ماندالای هفتم، ۱۰۳. سلاح یا تیرهای جنگ. - ماندالای ششم، ۷۵. اندرا. -
ماندالای دهم، ۳۸ و ۱۰۳. سوما پومانه. - ماندالای نهم، ۱۱۲. گیاهان طبی. -
ماندالای دهم، ۹۷. مهره یا طاس تخته‌نرد. - ماندالای دهم، ۳۴. آزادگی، رادی.
- ماندالای دهم، سرود ۱۱۷.

نامها و واژه‌های سنسکریت مذکور در متن این کتاب

- اب Ap: مقداری آب.
- آپس Apas: آب.
- آپه Apah (به صیغه جمع) در اوستا Apo: آب‌ها: ۳۷۱.
- آپتیه Āptya = تریتا آپتیه، (به صیغه جمع): دسته‌ای از موجودات الهی.
- آتمن Ātman: روح، نفس، ذات، جوهر، انسان. ۱۳۱.
- آدیتیه Āditya: فرزند ادیتی، مخصوصاً ورونا و آفتاب، (بصیغه جمع): نام دسته‌ای از خدایان که شماره آنها را از هفت تا دوازده تن ذکر کرده‌اند. ۱۳، ۲۷، ۲۸، ۳۹، ۴۰، ۶۶، ۱۲۷، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۸۶، ۲۶۹، ۲۷۰، ۳۲۲، ۳۶۳، ۳۸۷، ۳۹۰، ۴۸۶.
- ارنیکاکا Araṇyakas: نام رسائل یا کتاب‌های ندون در جنگل‌ها.
- آریا (آریه Ārya): محترم، وفادار، ساکنان آریا ورته (= Arya varta = سرزمین آریایی). ۹، ۶۳، ۳۳۹، ۳۵۷، ۳۷۷.
- اپان نپات Apām_Napāt: (در اوستا: اپام نپات)، فرزند یا نواده آب‌ها. ۲۱۵.
- اپسارا (اپ‌چیرا Apsara): رونده یا متحرک در آب یا در میان آبهای ابرها، حور، پری: همسر گندهرب. ۱۶۳.
- اتری Atri: خورنده، بلع کننده، نام ریشی بزرگ دوره ودائی. ۱۸، ۱۹۳، ۲۶۳، ۲۶۵، ۳۱۸، ۳۸۳.
- اتهروا ودا Atharva_Veda (اتهرین‌بید): نام یکی از چهار بید (ودا). ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۴.
- اتهرون Atharvan (در اوستا: Athravan): موبد نگهبان آتش. این کلمه ظاهراً از واژه مهجور اتهر Athar (آذر، آتش) مأخوذ است. روحانی یا برهمنی که بکار نگاهبانی آتش و سوما میبردازد. ۱۹۶.
- اتیت‌هیگوه Atithigva: نام یا لقب دیوداس. ۹، ۱۷۴.
- اتیراتره Atirātra: مراسمی در قربانی سوما که شب‌هنگام بعمل می‌آید. ۸۳.
- اترون Athravan: (= اتهرین Atharvan = آذربان): موبد آتش. م
- ادگاتری Udgātar: روحانی که سرودهای سام Sama را میخواند. خواننده (سراینده). ۷۷.
- ادهیای Adhyāya: باب، فصل.
- ادهورج (ادهوریو Adhvaryu): .

۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۹،
 ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰،
 ۱۹۱، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۵،
 ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۰،
 ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۷، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸،
 ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸،
 ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۱،
 ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۴۴۸.

اندرائی (اندری Indri): حسر اندرا. ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۳۷.

اندراویشنو Indra_visnu: دو خدای عصر ودایی هندوان. ۴۵۸.

اندو Indu: قطره، سوما، ماه، بصیغه جمع: شب. ۳۳، ۳۴، ۴۵، ۴۱، ۴۲،
 ۷۹، ۱۴۲، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۶۶، ۴۴۸.

انوستب Anustubh: تحسین، تمجید، نیایش، یکی از اوزان عروضی مشتعل بر
 چهار پا Pādas دارای ۴×۸ مقطع که بعضی از سرودهای ریگ‌ودا به
 این وزن سروده شده است. ۳۶۱.

انگرس Angiras: ریشه لغوی این اسم مبهم است و شاید از داکتی که لفظاً
 با این کلمه شبیه است مشتق شده باشد و ظاهراً بهمین دلیل یکی
 از القاب اگنی است. یکی از ده پرچاپت، نام یکی از هفت ریشی. ۳۲،
 ۴۰، ۶۳، ۱۶۶، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۴۳۶.

انویاجه Anuyaja: پایان قربانی، بعد از قربانی. ۱۴۷.

اوپانیسات Upanisads: نام عمومی رساله‌هایی که درباره فلسفه وادها فراهم آمده
 است.

اوپنینه Upa_nayana: نام تشریفات و مراسم زناریندی یا گشتی در مذهب هندو
 و زردشتی. (و ورود به مذاهب هندویا زردشتی).

اوپاستوته Upa_stuta (ستایش شده): نام یک ریشی دوره ودایی. ۴۰۸.

اورمیا Urmya: نام شب. ۳۹۸.

اوروشی Urvasi: یکی از پریان مشهور، نام یکی از افسارها مادر اساطیری
 اگنتی ریشی دوره ودایی که سرودهایی چند از ریگ‌ودا بدو منسوب
 است. ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۱.

اوستا Ayesta: نام کتاب مقدس در مذهب زردشتی.

اوشیج Uzi: نام مادر ککشویان، ۴۴۴.

اوشان Usana: نام ریشی پسر Kavi (اوشانا Usana حسر اندرا دوست اندرا).
 ۹، ۲۹۵.

اوشس Usas: سپیده‌دم. ۱۱، ۱۲، ۳۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۳۰۹، ۴۰۲.

اوشیجه Uśij: ریشی ککشویان، پسر اوشیج Uzi. ۴۴۴.

اوشنیه Usnih: یکی از اوزان عروضی دارای ۲۸ مقطع. ۳۶۱.

اوکتبه Uktha: سرود ستایش، نام یک تشریفات مذهبی از برخوانی. ۳۶۱.

اوکشن Ukṣan: برگاو، ورزاول، به صیغه جمع: به‌ویژه گاوانی که گردونه
 دوشس را می‌کشند.

اوگره‌دیو Ugra_deva: نام مردی، نام رئیس، نام رودرا یا رودراها. ۴۰۸.

اویامروت Evayamarut: کلمه ندائیه‌ای که هنگام قربانی ادا می‌شود. ۱۱۳.

.۱۱۵، ۱۱۴

اهورا Ahura: ایزد، خدا.

اهورا مزدا Ahura Mazda: خدا در مذهب مزدیسنی.

ایتی‌هاسی Itihasa: داستان، سنت، تاریخ داستانی.

ایریمان Airyaman (در اوستا = اریمان، Aryaman): نام یکی از «آدیتی‌ها»

که تصور شده رئیس ارواح گذشتگان یا نیاگان است، موکل روز،

خورشید، موکل آفتاب.

ایشور Isvara: صاحب همه، صاحب، خدای عشق، خدا، روح‌اعلی (آتمن)،

وجود اعلی.

ایشون Isvan: (ایشور = Isvara): صاحب، خدا.

اهی Ahi: اژدها، دیو خشکسالی. ۵۹، ۶۰.

ایلا Ila (Ida): الهه نماز، و دعا. ۳۹، ۲۳۱، ۲۵۸، ۳۵۱.

ایندو (Indu اندو): ماه، قمر، سوما، قطره. ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹،

۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸.

باهلیکه Bahlika (بالهیکه Balhika یا والهیکه Valhika): بلخ، به صیغه جمع:

باختریان و قوم بلخیان.

براهمانا Brahmanas: نام عمومی رسائل منشور در شرح و تفسیر لغات وداها.

بگه Baga (= بیغ): خدا.

بهاشکل Bhaskala: نام یکی از مکتب‌های ریگ‌ودا.

براهمن Brahman: روحانی در مذهب هندو، و از طبقه اول هندوان، یکی از

چهار ذات هندو یا اولین طبقه از طبقات چهارگانه هندو، (طبقه روحانی).

۱۵، ۳۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۸، ۱۸۳، ۲۶۵، ۳۵۴، ۳۶۴، ۳۷۱،

۳۷۲، ۴۰۱.

برهماپوتره Brahmāputra: پسر یا فرزند روحانی (برهمن)، پسر برهمن یا

آخوند هندو پسر برهما. ۷۷.

بریهتی Brihati: یکی از اوزان عروض در ادب سسکریت که دارای ۳۶ مقطع

است (۸+۸+۱۲+۸)، وزنی مرکب از ۳۶ مقطع (سیلاب). ۳۶۱،

۳۶۴.

بریسهپتی Brihaspati: خداوند نماز و دعا، خداوند گویایی. ۹۴، ۱۲۰، ۱۴۷،

۱۴۸، ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۳۶، ۳۶۱، م - ۲۶، ۳۳، ۴۴۱، ۵۰۳.

برهنسپتی Brahmanaspati: خدای نماز و دعا، خداوند گویایی. = بریهسپتی

۳۹، ۴۴۱.

بشن = ویشنو (Viṣṇu) -

بهارتی Bharati: الهه گفتار. ۲۳۶.

بهاروره Bharvara: اگنی یا اندر و یا نام شخص دیگر. ۴۶۵.

بهاوه یاویه Bhavayavya: نام شاهزاده آزاده‌ای. ۴۴۳.

بهردواج Bharadvaja: نام یکی از ریشی‌های بزرگ و خانواده او. ۶۷.

بهرگو Bhrgu: نام یک ریشی قدیمی و خانواده او. ۱۶۹، ۲۲۱.

بهاگه Bhaga: بخشنده، صاحب، سرور، اقبال، جلال، شکوه، زیبایی، خداوند

محترم (به‌خدایان بویژه سویتری اطلاق میشود)، یکی از آدیتیاها که

بخشنده ثروت و سرپرست عشق و عروسی است، خدای زفاف، خدای

- خوشبختی. ۳۹، ۶۵، ۶۷، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲۷، ۲۱۰، ۲۶۷، ۳۰۷، ۳۶۹، ۳۸۸.
- پادا Pada: کلمه یا ¼ بیت.
- پاروته Parvata: نابغه کوه و ابر، کوه‌نشین. ۷۱.
- پجریه Pājriya: نام دیگر ریشی ککشویان. ۴۴۴.
- پوران Purāṇas: تاریخ یا داستان‌های اساطیری.
- پرشوه‌ها Parsus: احتمالا پارس‌ها (فارسی‌ها = ایرانی‌ها).
- پریتسو - پرشوه Prithu_Parsavah: دنده‌های پهن، تیرهای پهن یا پارت‌ها و پارس‌ها).
- پریتسو Prithu: پهن، بزرگ، مهم، به‌صیغه جمع: احتمالا پارت‌ها.
- پر برهم Para - brahma: روح اعلی یا برهمن Brahman، آفریدگار بزرگ. ۲۸۴.
- پرتهی (پریتیبوی) Prithivī = زمین.
- پرچایه (پرچنیه) Parjanya: خدای ابر بارانی، ابر، خدای باران، باران. ۳۳، ۸۲، ۱۱۶، ۱۱۹.
- پرچاپتی Prajāpati: خدای آفرینش، نام سویتری، سوما، اگنی، اندرا، و خدایان دیگر، خدایی که ناظر بر مخلوقات و حافظ حیات است، موکل کل عالم. ۸، ۱۵۱، ۴۷۴.
- پریشنه Prīšana: نام محلی یا دریاچه‌ای. ۳۰۷.
- پریشنی Prīṣṇi: مادر ماروت‌ها. ۹۴، ۱۵۶.
- پرنیه Parnaya: نام دیوی. ۱۷۴.
- پروش Purusha: آدمی، شخص، انسان، بشر، نوع بشر، اصل‌حیات، روح، وجود اعلی یا روح کیهانی، انسان اولیه که روح و منشأ اصلی حیات و جهان است. ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳.
- پریشین Purishin: مالک زمین یا ساکن زمین و یا توسعه دهنده آن. ۲۴۵.
- پروهیتا Puro_hita: روحانی خانواده یا قبیله یا روحانی دربار پادشاهی. ۲۵۹.
- پریاچه Prayaja: پیش‌نذر، پیش‌نیاز. ۱۴۷.
- پریتیبوی Prithivī: زمین، تجسم زمین. ۴۸، ۴۹.
- پوشان Pusan: راهنمای مسافران. نام یکی از خدایان دوره ودایی. ۳۹، ۶۷، ۷۴، ۹۴، ۱۲۷، ۱۶۴، ۲۱۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۸۷، ۵۰۴.
- پومانه Pavamāna: شیره سوم، اسم اگنی، باد یا خدای باد. ۳۴، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۸.
- تاتا Tata: پدر، کلمه‌ای به‌عنوان پدر. ۴۱.
- تارکشیه Tarkshya: محتملا شخصیت خورشید. ۹۴.
- تپورموردهن Tapurmūrdhan: شعله‌ور سر، لقب اگنی یا بریہسپتی. ۱۴۸.
- ترسه‌دسیو Trasadasyu: نام شاهزاده‌ای، نام پسری به‌این نام که با یاری اندرا و وارونا زاده شد. ۳۲۸.
- تریته (یا تریتا Trita یا تریته‌آپتیه Trita Āptya. Trita = مستقر در آب‌ها، Trita = سوم) یکی از خدایان کم‌اهمیت که معمولا تا حدودی با اندرا نزدیکی و ارتباط دارد، یکی از خدایان ودایی. ۶۳، ۱۱۱، ۱۳۷، ۱۵۵.

- ۱۷۲، ۵۰۰.
- تری کدروکه Tri_kadruka: ظروف سه‌گانه سوما، نام سه روز اول جشن «ابھی پلاوه» Abhi_plava. ۶۲، ۱۹۸.
- ترایم برهم سناتم Trayam brahma Sanātanam: ودای ثلاثه ابدی.
- ترای ویدیه Trayi_Vidya: دانش سه‌گانه.
- تریشتب Triṣṭubh: وزنی در عروض که دارای چهار بار یازده مقطع است (مقطع: ۴×۱۱). ۷۷، ۱۹۹، ۲۴۹، ۳۰۲، ۳۶۱.
- ترینشکنده Trinaskanda: نام شاهزاده یا رئیس قبیله‌ای. ۲۹۳.
- توروشه Turvaśa: نام یک قبیله باستانی عصر ودایی.
- توشتَر Tvāstar: نجار، ارايه‌ساز، خالق موجودات زنده، صانع آسمانی، صنعت‌گر الهی که بدن موجودات را می‌سازد، نام خدایی، سازنده افزار الهی بویژه سازنده صاعقه اندرا. ۶۳، ۱۲۷، ۱۷۳، ۲۰۱.
- توشتری (Tvāstari = توشتَر Tvāstar): ۱۵۱، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۴۱، ۳۸۷.
- تیریه‌براهمن Taittirīya_Brahmana: نام یکی از براهمن‌های وابسته به یجورودا. ۴۳۷.
- جات‌ویداس Jāta_Vedās: متصرف همه، داننده همه، داننده آفرینش تمام موجودات، لقب ودایی اگنی. ۱۹، ۲۱، ۱۰۰، ۱۰۲، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۴۰، ۳۳۴، ۴۳۹، ۴۷۸.
- جگتی Jagati: یکی از بحرهای عروض مرکب از ۴×۱۲ مقطع. ۲۴۹، ۳۶۱.
- جمدآگنی (جمدگن) Jamadāgni: نام یک ریشی مشهوری از اخلاف بهرگت. ۲۳۹، ۳۰۶.
- جنانم Jñānam: دانش، معرفت.
- چهندوگ Chāndogya: نام یکی از اوپانیشادهای قدیمی.
- چرنیو Charanyu: یکی از پریان (اپ‌چهرا - Apsara). ۳۴۷.
- چیه‌وانا: Cyavāna: حمایت شده اشوین‌ها، حرکت‌دهنده، دیوی که موجب بیماری میشود، در حال حرکت، باعث حرکت، نام یک ریشی. ۱۸.
- داسیو Dāsyu: دشمن، دشمن خدایان، مردم وحشی، رانندگان جامعه، دیو، مردم بومی، غیر آریایی، موجودات شریر. ۶۳، ۲۸۱، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۸، ۳۸۱.
- دان Dana: دهش، دادن، نذر، بخشش، وقف، تقسیم غذا، بخش، آزادگی، سهم. ۱۴.
- دانوه Dānava: دسته‌ای از اهریمنان یا دیوزادگان، فرزندان دانو Danu که با دایتیها Daityas یا اسران Asuras یکی شمرده میشوند، و از دشمنان آشتی‌ناپذیر خدایان می‌باشند و در اساطیر بعدی عده آنها را از چهل تا صد تن نوشته‌اند. ۶۱، ۶۳.
- داسه Dāsa: بومی، مردم بومی غیر آریایی هند که آریایی‌ها آنها را دشمن میدانستند. ۵۹، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۵۷.
- ددهیانج Dadhyānc: پسر اتهرون (Atharvan = مؤبد آتش). ۱۷۲.
- ددهیکراون Dadhi_krāvan = ددهیکراس Dadhikras: ۳۹.
- ددهیکراس Dadhikras: تجسم خورشید بامدادی. ۳۹، ۴۰.
- درو Druh: (به‌صیغه جمع): ارواح پلید یا آسیب‌رسان ماده بدخواه و دشمن.

- (در اوستا دروج عمل خصمانه، طالب کردار بد، در زبان فارسی دروغ). ۴۹۲.
- دسره *Dasra*: صاحب اعجاز یا کننده کارهای شگفت آور، یکی از دو اشوین.
- دشتری *Destrī*: آموزگار، نام الهای. ۳۷۵.
- دکسه *Daksa*: توانا، نیروی خلاقه، نیرومند، یکی از آدیتیه‌ها، نام قربانی مشهور و بزرگی. ۹۳.
- دکشینا *Dakṣiṇā*: دستمزد یا پای مزد روحانی مجری قربانی.
- دورگه‌نمس *Dirghatamas*: نام یک ریشی عصر ودایی. ۴۴۴.
- دهاتر *Dhātār* (دهاتری *Dhātṛ*): آفریننده، سازنده، خالق، مؤسس، مرتب کننده، برقرار کننده، نام خدایی که دارای صفات مذکور است و بر توالد و تناسل، ازدواج، سلامت، ثروت، زمان و فصول حکومت میکند. بعد از دوره ودایی مخصوصاً به خالق و نگاهدارنده جهان که برهما یا پرچاپت باشد اطلاق شده است. ۵، ۱۵۱، ۳۷۵.
- دیواو پریتهوی *Dyāvapṛthivī*: آسمان و زمین. ۴۴۵.
- دیوا *Daiva*: الهی، خدایی، آسمانی، نورانی. ۵۰۴.
- دیوداس *Divodāsa* = پسر بهائیت هیگوه. ۳۸.
- دیوداس پسر ایت هیگوه *Atithigva Devodasa*: نام یا لقب دیوداس. ۹.
- دیوس *Dyaus*: آسمان. ۴۹، ۴۲۳، ۹-۲۳، ۴۴۵.
- دهرما *Dharma*: وظیفه، تکلیف، اخلاق، فرمان، قانون، قانون اخلاق، دکترین، خاصیت اصلی، طبیعت یک چیز، تقوی، حق.
- رما *Rasā* (= اوستا *Ranha*): نام رودخانه‌ای شبه اساطیری که احتمالاً شاخه‌ای از رودخانه بزرگ سند بوده است.
- ریک سنهیتا *Rik Samhita*: مجموعه منظوم (مجموعه ریگ‌ودا) م.
- زوتار *Zaotar* (در اوستا معادل هوتری *Hotar* در ودا): قربان کننده، نام موبدی در اوستا که قربانیها را به آتش تقدیم میدارد.
- راجنیه *Rājanya*: سلطنتی، از طبقه کشتریه، نام اگنی. ۱۸۳.
- راتری *Ratri*: تجسم شب. ۱۲۴.
- راکشس (راکشس *Rākṣasa*): دیو، روح پلید، جن، عفریت. ۱۶۸، ۱۶۰، ۲۲۳، ۷۲۷، ۴۰۸، ۴۷۵.
- راهوگنه *Rāhūgana*: نام خانوادگی ریشی‌هایی چند در عصر ودایی. ۴۴۰.
- رتهنتره *Rathantara*: نام یکی از مهمترین سرودهای سامودا. ۹۴۲.
- ریگ‌ید *Rig Veda* = ریگ‌ودا.
- روداسی *Rodāsī* = نام همسر رودرا و مادر ماروت‌ها ۴۲۱، ۴۳۲.
- رودرا *Rudra*: فرس کننده، فران، نیرومند، خدای طوفان، طوفان، ویرانی. ۷۳، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۷۹، ۳۱۷، ۳۸۱، ۴۴۷.
- روهینه *Rauhina*: دیوی که مانع ریزش باران از ابرها میشود. ۲۸۲.
- ریبوه *Ribhu*: نام یکی از سه خدای جو میانه، یکی از القاب اندرا و آدیتیه‌ها، پسر برهما، به صیغه جمع: پسران سودهنون، یکی از سه پسر سودهنون از اقطاب انگیراس. ۱۳، ۳۸۲، ۳۸۹، ۴۳۶، ۴۷۳.
- ریبوه‌گشن *Ribhukṣan*: یکی از القاب اندرا. ۶۹، ۷۰، ۴۷۳.
- ریبھی *Raibhī*: سرود و شعر مراسم. ۳۶۵.

- ریتا (رت Rta): قانون یا نظم اخلاقی، راست، درست، قاعده اخلاقی، قانون الهی.
 ریتم Rtam: نظم جاوید، ۵۰۱.
- ریچ Ric: سرود یا شعر مقدس (ریک Rik = ریچ). ۱۸۳.
- ریشی Rsi: ملهم، حکیم، شاعر یا حکیم الهام یافته، سراینده سرود مقدس. ۱۲، ۴۶، ۵۵، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۸۳، ۱۸۷، ۳۲۸، ۳۳۲، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۹۴.
- ریکونها Rikvans: سراینندگان یا خوانندگان مقدس. ۱۹۵.
- ریگودا (ریگبید Rig Veda): ودای منظوم، نخستین کتاب مقدس هندو و مهمترین کتاب از چهار کتاب مقدس (در مذهب هندو).
 سایه نامی Sāpya Namī: نام خانوادگی «نامی» دوست اندر. ۱۷۵.
 ساجوشه Sājosah (به صیغه جمع): اتفاق آراء، ۵۰۷.
 ساجی Sāchi: تجسم نیرو و همسر اندرا. ۴۳۷.
 سادیه Sādhyas: نام دسته‌ای از موجودات آسمانی، نام دسته‌ای از موکلان، دسته یا طبقه‌ای از خدایان. ۱۸۳، ۱۸۴.
- سام Sāma: آیت، آهنگ، خواندن به آواز خوش، قرائت (با آهنگ)، سرود، سرود مقدس، سرودی که با آهنگ خوانده میشود. ۷۷.
- ساماودا Sāma Veda: ودای آهنگها، نام یکی از سه بید اصلی، نام یکی از چهار کتاب مقدس در مذهب هندو. ۷۷.
- سامن Sāman: آواز، آهنگ، سرود، سامبید، برطرف کننده گناه، سرودهای ستایش بویژه متون و اشعار مقدسی که برای سرودن یا خواندن (تغنی) باشد. ۱۸۳، ۳۱۸.
- ساینه Sāyana یا Sāyanāchārya: نام مفسر معروف ریگودا.
 سرگه Sarga: کوشش، تصمیم، پیدایی، طبیعت، خلق شده. ۴۹۱.
 سرما Saramā: تیزرو، ماده سنگ متعلق به اندرا و خدایان. ۸۰، ۱۹۷.
- سرسوتی Sarasvatī: آبی، مائی، سرزمین دریاچه‌ها، خدای رودخانه‌ها، خدای گفتار، خدای دانش و علم، الهه سخن یا فصاحت. ۷۴، ۸۶، ۸۷، ۹۳، ۱۵۱، ۲۵۵، ۳۸۸.
- سرمیشتها Sarmisthā: نام دختر پادشاه دایته‌ها. ۴۰۹.
- سریه ناوان Saryanāvan: نام دریاچه و ناحیه‌ای. ۳۳.
- سندهو (سیندهو Sindhu): رودخانه سند. ۲۰، ۲۰۷، ۳۰۸.
- سمرتی Smṛti: دانش در ناد مانده، عام محفوظ.
 سمهیتا (= سنهیتا Samhitā): ترتیب متن ودای، مجموعه سرودهای هر یک از وداهای چهارگانه.
- سوکتا Sūkta: سرود، سرود ستایش.
 سورنه Su_parna: زیبا بال، عقاب، آفتاب. ۱۲۵.
- سوجورنی Sujūrni: یکی از پریان (اپ‌چیرا - Apsara). ۳۴۷.
- سورا Sura: خورشید. ۴۶۷.
- سوریا (سریه، سوریه، سورج - Sūrya): آفتاب، خورشید و خدای خورشید.
 ۹، ۱۲، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۳۳، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۱۸، ۳۲۹، ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۲، ۳۷۳.

.۴۳۲

- سودهنون Sudhanvan: نام پدر ریبهوها. ۴۳۶.
- سوربهانو Svarbhānu: دیوی که موجب کسوف و خسوف میگردد. ۲۶۴، ۲۶۵.
- سورگ (سرگ Svarga): بهشت، جنت، آسمان، آسمان‌اندرا، آسمانی. ۳۵۱.
- سوری Suri: بانی قربانی، رئیس. ۱۹۰.
- سوما Soma: شیر، جوهر، زبده، گیاه زندگی، افشره مقدس، آب حیات، ماه، گیاه سوما، خدای ماه، شیره سوما، نوشابه الهام‌بخش براهمنان. ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۳۳، ۳۴، ۳۸، ۴۴، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۱۲، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۲، ۴۰۰. م، ۶، ۹، ۱۳، ۲۶، ۳۳.
- سوماپومانه Soma Pavamāna افشره یا شیره گیاه سوما، قطره. ۳۳، ۴۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۲۷۴.
- سومنایی Sumnā_āpī (Sumne_āpī) یکی از پریان (اپچرا - Apsara). ۳۴۷.
- سونیه Svanaya: نام شاهزاده مقدسی. ۳۹۱، ۴۴۳.
- سویترا Savitar: برانگیزنده، محرک، زاینده، پیداکننده غذا، خورشید، نام خدای آفتاب، نام یازده سرود رگ‌بید. ۲۳، ۲۳۸، ۲۶۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۶۶، ۳۶۷.
- سویتری Savitr (= سویترا): خورشید، مقدس‌ترین سرود ستایش خورشید. ۷۱، ۱۰۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۳۷، ۲۵۰، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۲، ۴۶۷.
- سینیوالی Sīnīvālī: نام الهای، همسر ویشنو، نام رودخانه‌یی، ۱۵۱.
- شاگل Śākāla: نام یکی از قرآآت یا مکتب‌های ریگ‌ودا.
- شاکه‌ها Śakhas: مکتب‌ها یا قرآآت.
- شالملی Śalmali: نام بوته یا درخت پنبه، نام درختی خاردار یا تیغ‌دار با گل‌های قرمز، بوته یا درخت پنبه.
- شایو Śāyu: خوابیدن، دراز کشیدن، استراحت کردن، حمایت شده اشوین‌ها. ۱۸.
- شردها Śraddha: ایمان، اعتقاد، عقیده، با وجدان، وجدان. ۵۷، ۵۸.
- شت‌گرتو Śatkartu: صد نیرو، لقب اندرا. ۲۵، ۸۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۴۳۵.
- شرنی Śreni: رشته، راسته، سلسله، سری، شماره، دسته، گروه بسیار، یکی از پریان (اپچرا - Apsara). ۳۴۷.
- شروتی Śruti: دانش مسموع.
- شکره Śakra: توانا، نیرومند، یکی از القاب اندرا، ۴۷۹.
- شکوری Śakvarī: یکی از اوزان عروض در ادب سنسکریت. ۱۲۳.
- شمبره Śambara: دیو خشکسالی. ۹، ۳۸، ۲۸۲، ۳۳۷.
- شودر Śūdra: افراد متعلق به طبقه چهارم هندو، طبقه خدمتگزاران. بنا بر مذهب هندو افراد جامعه به چهار طبقه تقسیم میشوند: براهمن، کشتریه

- (= راجینه)، ویشیه (= پیشی)، و شودر (= سودر). در سرود ۹۰ ماندالای
دهم به این تقسیم‌بندی در بند ۱۲ اشاره شده است.
- شونه‌شپه Sunahśepa: نام یک ریشی. ۲۶۹.
- شونه‌هوتر Sunahotra: نام چند ریشی دوره ودایی از خانواده گرتسمده. ۷۳.
- شیپیشته Śipivishta: یکی از القاب ویشنو. ۳۲۵، ۳۳۷.
- شیوا Siva: فرخنده، مبارک، خجسته، خیر، نیکوکار، دوستدار، عزیز، نعمت،
یکی از سه خدای بزرگ هندو، خدای رحمت، نام مهادیو موکل یا ایزد
فنا و مرگ. در رگ‌بید نام شیوا ذکر نشده است ولی نام دیگر این
موکل که احتمالاً رودرا باشد بصیغه مفرد و جمع زیاد آمده است. ۳۳۷.
- کالیوگ (کلیوگ Kalyuga): عصر کالی، یکی از اعصار داستانی در آیین
هندو، عصر تاریکی.
- کپینجله Kapiñjala: نوعی کبک یا دراج. ۷۵، ۷۷.
- کرشانی Kereśāni (در اوستا): نکهبان سومای آسمانی در ادب زردشتی.
- کرنبه Karanja: نام دیوی. ۱۷۴.
- کریشانو Kriśānu: نکهبان سومای آسمانی. ۲۶۸، ۴۲۲.
- کشن Kcśin: گیسوبلند، موبلند، لقب آگنی، وایو، ارجن، و سوریه. ۱۶۱.
- ککشویات Kaksivāta = ککشویان پسر دورگه‌تمس. ۴۴۴.
- ککشویان Kakshivān: نام ریشی دوره ودایی. ۹، ۴۴۴.
- کنوا (یا کنوه) Kanva: نام ریشی دوره ودایی. ۵۳، ۴۰۶، ۵۰۴.
- کوتسه Kutsa: برگزیده و محبوب اندرا (نام ریشی موسوم به آرجونیه).
Arjuneya: مؤلف یا سراینده تعدادی از سرودهای ریگ‌ودا که مورد
حمله دیو شوشنه قرار گرفت، و اندرا آن عفریت را کشت و او را نجات
داد. ۹.
- کوریره Kurīra: جفت‌گیری، نوعی لباس زنانه، نوعی وزن عروضی. ۳۶۵.
- کوشوا Kushavā: نام عفریت ماده‌ای که اندرا او را کشت. ۲۰۲.
- کویه Kavya: طبقه‌ای از ارواح نیاگان یا مردگان. ۱۹۵.
- کیمیدین Kimidin: روح پلید، روح خبیث. ۴۷۶، به‌صیغه جمع: نام یک دسته
از ارواح پلید. ۴۸۰.
- کینشیکه Kimśuka: نام درختی، چوب، بوته بزرگ و یا پر برگی. ۳۶۸.
- گاتها Gātha: شعر (این کلمه در ادب سانسکریت به‌سرود ودایی از قبیل سامن،
و ریچ اطلاق نمیشود بلکه این واژه به‌اشعار رزمی وداستانی یا آکپیانه
Ākhyanas اطلاق میگردد ولی در ادبیات اوستایی (به‌صیغه جمع) به
سرودهای مذهبی مخصوصاً سرودهای منسوب به‌زردشت اطلاق می‌شود.
۳۶۵.
- گایتری Gāyatrī: موزون، آهنگ مخصوص، یکی از بحور عروض در ادب
سنسکریت. ۷۷، ۱۹۹، ۲۴۹، ۲۵۰، ۳۶۰.
- گراون Grāvan: سنگی که جهت خرد کردن ساقه و علف بوته سوم بکار
میرفته است، آسیای سنگی مخصوص جهت خورد کردن ساقه‌های
سوما. ۲۹۸.
- گرتسمد Gritsamada: نام یکی از ریشی‌های دوره ودایی. ۷۴.

- گرنتهینی Granthini: یکی از پریان (اپ‌چهرا - Apsara). ۳۴۷.
- گروتمان Garutman: پرنده آسمانی، خورشید (این پرنده گروتمت Garutmat و گروره Garuda و سوپرنه Suparna نیز خوانده می‌شود). ۲۵۴.
- گنگو Guṅgu: نام قبیله یا قوم غیر آریایی. ۱۷۴.
- گندهروه Gandharva (= گندهرب در اوستا: Gandarewa): مطربان بهشتی یا آسمانی، فرشته نغمه‌خوان، مطرب یا موسیقی‌دانی که پیش فرشتگان آواز می‌خواند. ۳۴، ۱۶۲، ۳۴۱، ۲۷۳، ۳۷۴.
- گندهروه ویشواوسو Gandharva Visvvasu: نام موجود اسانه‌ای که رابطه نزدیک با خورشید دارد. ۱۶۴، ۱۶۵.
- گوتمه Gotama: نام یک ریشی دوره ودائی. ۴۴۰، نام مؤسس یکی از مکاتب فلسفی هند ۴۴۰.
- گویش‌تپیره Gavisthira: نام یک ریشی. ۱۰۷.
- گهرمه Gharma: حرارت غریزی، گرمی، گرما، هوای گرم، فصل گرم و سوزان، گرمی آفتاب یا آتش، شیرگرم یا هرنوشابه گرم دیگر که در مراسم قربانی اهداء میشود، ظرف مخصوص برای جوشانیدن شیر جهت تقدیم به اشوین‌ها. ۸۳.
- گهریته Ghrita: پاشیده، کره، نوعی کره صاف کرده که در آتش می‌پاشیدند.
- گیانم = جنانم Jñānam: دانش، معرفت. ۱۲۰.
- ماتریشون Matarisvan: نام دیگر اگنی (آتش)، باد، آورنده اگنی از آسمان، نام یک ریشی. ۱۷۲، ۲۵۵، ۳۷۵.
- ماروت (= مروت Marut): درخشنده، خدای طوفان، خدای باد، فرزند آسمان و دریا. ۹، ۱۳، ۶۲، ۷۴، ۹۴، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۵۴، ۱۶۶، ۲۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۹۳، ۳۰۴، ۳۱۶، ۳۵۵، ۳۷۷، ۳۳۸، ۳۹۰، ۴۲۵.
- ماندالا (مندله) Mandala: گرد، مدور، قرص (بویژه قرص ماه و خورشید)، دایره، هاله خورشید یا ماه، مدار یکی از ده جزو ریگ‌ودا - بعبارت دیگر رگ‌بید به‌ده ماندالا که جمعا ۸۵ انواک Anuvaka (درس) بالغ می‌گردد تقسیم میشود.
- مانداریه Māndārya: ظاهراً نام شاعری. ۴۱۶، ۴۲۸.
- ماس‌گریت Māsakṛt: سازنده ماه‌ها. ۵۰۳.
- ماس‌کریت Masakṛt: یکبار من. ۵۰۳.
- مانس Manas: روح، روان، ادراک، اندیشه. ۲۷۶.
- مانو (= من) Manu: آدم، نوع بشر، انسان اول، متفکر، خداوند اندیشه، دانا، زکی، انسان (گاهی این کلمه در مقابل روح پلید بکار میرود). ۹، ۱۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۸، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۵۹، ۴۵۵.
- مانه Māna: نام یک ریشی عصر ودایی. ۴۲۸.
- مایا Māyā: عشق ازلی، قدرت الهی، معدوم، فریب، صورت ظاهر، ضد حقیقت نمود بی‌بود، خطای باصره، صور خیالی، تجسم خطای باصره، ماده، ضد پرش (روح)، خرد، عقل، نیروی خارق‌العاده یا فوق طبیعت.
- مانیه Mānya: نام پسر مانه. ۴۱۶.
- متالی Matāli: نام اراپه‌ران اندرا، موجود الهی. ۱۹۵.

- مدهاتیتی *Medhātithi*: نام یکی از مفسران و فقهای هندو. ۴۰۷.
- مدی *Median*: مادی، منسوب به قوم مد یا ماد.
- مگها *Maghā*: یکی از منزل‌های قمر. ۳۶۷.
- مگهون *Maghavan*: بخشش، پاداش، نیرومند، لقب‌اندرا، خدای جو، ۳۸، ۴۶، ۶۹، ۱۹۱، ۲۸۷، ۳۲۷، ۴۳۷.
- منتره *Mantra* (اوستا منتره *Manthra*): سخن، اسباب فکر، یا آلت تفکر، نوشته یا سخن مقدس، دعاء، ورد، سرود ستایش، سرودهای رگ بید، اوراد یا ادعیه قربانی، قسمتی از متون بیدها که «ریج» *Ric* (در رگ بید) یا «یاجوش» *yājus* (در ججر بید)، و یا «سامن» *Sāman* (در سام بید) خوانده میشود و در برابر قسمتهای موسوم به «براهماناها» *Brāhmanas* (توضیحات و تفسیرهای بید)، و اوپانیشادها قرار دارد. دعای مخصوصی که به یکی از خدایان خطاب میشود. شعر عرفانی یا اوراد جادویی که به یکی از خدایان خطاب میشود. شعر عرفانی یا اوراد جادویی، طلسم و افسون (بویره به اورادی اطلاق میشود که برای به دست آوردن نیروی فوق بشری خوانده میشود).
- مندک *Mundakya*: سلمانی، نام یکی از اوپانیشادهای قدیمی.
- منیو *manyu*: مظهر یا تجسم غضب و شهوت، خشم. ۳۳۴، ۳۳۵.
- مونی *Muni*: عارف، آموخته، مرتاض. ۱۶۱، ۱۶۲.
- مهابهارت *Mahābhārata*: نام رزمنامه بزرگ و مشهوری که به غالب زبان‌های زنده جهان و از آن جمله به زبان فارسی برگردانده شده و در تهران در چهار مجلد باهتمام این نویسنده (جلالی نائینی) و دکتر شوکلا به چاپ رسیده است. ۴۵۵.
- میترا *Mitra*: دوست، خدای نور. ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۹۳، ۱۰۸، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۵۳، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۶۵، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۴۱، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷.
- نابهاکه *Nabhāka*: نام یک ریشی. ۱۳۶.
- ناراشنسی *Nārāsānsī*: شعر ستایش. ۳۵۶.
- ناستیه *Nāsatya*: مهربان، مشفق، بکار خورنده، مفید، دوستانه، بصیغه جمع: نام دواشوین (اشوین‌ها)، نام یکی از اشوین‌ها (چون این واژه بصورت مفرد بکار رود، اشوین دیگر «دسره» *Dasra* خوانده میشود)، مربوط یا متعلق به اشوین‌ها، (بنا بر عقیده بعضی این واژه مشتق است از *Na + asatya* و بگفته بعضی دیگر مأخوذ است از *Nasa + tya* و یا از: *Na + satya* و این اشتقاق اخیر بیشتر مورد نظر است). ۸۵، ۱۰۲، ۱۹۳، ۳۸۹، ۳۹۹، ۴۰۰.
- نانا *Nānā*: مادر، اصطلاح برای مادر. ۴۱.
- ناراشنسه *Nārāsānsa*: لقب و عنوان اگنی، شیرمرد. ۱۴۷، ۱۷۹.
- نوگوه‌ها *Navagvas*: یک نژاد اساطیری، یکی از سه خانواده روحانی هند قدیم. ۱۹۶.

- نیایه Nyāya: نام یکی از ۶ مکتب فلسفی آستیک Astika. ۴۴.
- نیریتی Nirritī: نابودی، الهه مرگ و ویرانی. ۷۰، ۴۵۶، ۴۷۷.
- وات Vāta: باد، خدای باد. ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۳.
- واجه (= واج) Vāja: نام یکی از سه ریبهو. ۶۹.
- واج Vāc: سخن.
- در ریگ ودا این کلمه ظاهراً تجسم سخن است که به اشکال و صور مختلف به وسیله او دانش به آدمی انتقال یافته و از اینرو گفته شده است که او در جسم ریشی‌ها وارد شده و هر کس مورد محبتش قرار گیرد، شخص هوشمندی می‌شود و به‌صورت ریشی یا حکیم و بیننده درمی‌آید. او دختر دکشه و همسر کشیه است. ۴۳، ۴۵۷.
- واستوشپتی Vāstospati: نکهبان خانه، ایزد محافظ تأسیسات و اساس و بنیان خانه، اندرا. ۷۹، ۸۰.
- واسو Vasu: عالی، خوب، نورانی، (به‌صیغه جمع): دسته‌ای از موکلان بویژه آدیتیاها، ماروت‌ها، اشوین‌ها، اندرا، اوشس، رودرا، وایو، ویشنو، شیوا، کوبر Kubera، دسته‌ای از ایزدان که عدد آنها هشت است، یکی از خدایان هندو. ۴۰، ۶۶، ۱۲۷.
- واسوه Vāsavas (به‌صیغه جمع): مربوط به واسوها، مربوط به واسوشاه، مربوط به اندرا ۴۷۴.
- واک Vāk (= واج Vac): صدا، کلام مقدس، گفتار مقدس، سخن مقدس، سخن، کلمه، تجسم گفتار که او را مادر بیدها و همسر اندرا میدانسته‌اند، الهه گفتار یا گویایی. ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷.
- والکیلیه (= بالکیلا) Vālakhīya: نام یازده سرود ریگ‌ودا که معمولاً بین ماندالای هشتم و نهم قرار داده می‌شود، نام طبقه از ریشی‌ها که تصور می‌شده طول قامتشان باندازه انگشت شست می‌باشد و عده آنها شصت هزار بوده و از بدن برهما بوجود آمده‌اند، و اطراف ارابه خورشید را احاطه می‌کرده‌اند.
- وایو Vāyu: خدای باد، باد، هوا، بصیغه جمع: ماروت‌ها، یکی از پنج عنصر، پنج باد حیاتی ۵۷، ۷۲، ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۲، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۹۲، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۶۵.
- ودا Veda: دانش، دانش مقدس، نام عمومی چهار کتاب مقدس هندو.
- ورچین Varcin: نام یک پادشاه غیر آریایی هند که دیو شناخته شده است. ۳۳۷.
- ورنا Varna: رنگ، رنگ نژادی، طبقه، کاست، چرده، کاست بویژه اختلافات طبقه‌ای بین آریاها و داسیوها و همچنین میان طبقات چهارگانه هندو.
- ورگا Varga: قطعه، تیکه.
- وروتری‌ها Varūtrī: الهه‌های نکهبان. ۲۳۶.
- ورونا (= وارونا Varuṇa): آسمان محیط بر همه‌چیز، خدای آسمان‌های پرستاره. ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۳۷، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۴۵، ۶۷، ۶۷، ۹۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۰.

۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۴،
 ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱،
 ۳۳۴، ۳۴۱، ۳۶۱، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲،
 ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۹.

وریترا (= ورترا Vrtra): دیو خشکسالی. ۲۵، ۳۳، ۴۴، ۴۷، ۶۱، ۶۳، ۱۱۱،
 ۱۷۴، ۱۹۰، ۲۰۲، ۲۱۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۶۳، ۲۶۴، ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۳۴،
 ۳۸۹.

وریتراهن Vrtrahan: (وریترا = مقاومت)، مقاومت شکن، (= ورتراغنه
 Verethraghna = بهرام).

وری شاکیایی Vrisakapayi: همسر وری شاکیی. ۳۵۶.

وری شاکیی Vrisakapi: میمون نیرومند، موجودی بین دیو و فرشته. ۳۵۳، ۳۵۵،
 ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸.

وری شگنه Vrsagana: نام یک ریشی و خانواده او. ۲۹۶.

وریکه Vrika: گرگ، راهزن، سارق، احتمالاً نام شخصی. ۱۸.

وری هسپتی = بری هسپتی. ۴۴۱.

وسیشته (= وسیشت) Vasishtha: بهترین، عالیترین، داناترین، پناه همه، نام
 ریشی معروفی که صاحب گاو فراوانی بود و افسانه مبارزه او با وشوامتر
 که از طبقه کشتی برخواست و بطبقه براهن پیوست، مشهور است.
 ۷۰، ۱۳۳، ۲۴۰.

وشت Vasat: کلمه ندائی که بهنگام قربانی در وقت اهدای ندور به آتش ادا
 میشود. ۳۲۵، ۳۳۷.

ویشودیوها Visvedevas (= ویشوادیوها): همه خدایان، خدایان گیهای، نام دوازده
 موکل، نام طبقه ای از خدایان = ویشودیوها.

ویشوکرمن Visvakarman: صانع جهان، سازنده همه چیز، آفریننده کل.

وله Vala: دیو خشکسالی (برادر ورترا که اندرا بر او چیره شد)، زیرزمین،
 زندان تاریک. ۶۳.

ویاسا Vyasa: ترقیب دهنده، نام تنظیم کننده داستانی ریگ ودا و برخی ادبیات
 دیگر کهن هندوان.

ویبهون Vibhavan: نام دیگر ریبهو. ۴۷۴.

وید Vid: دانستن. م.

ویدانت Vedanta: آخر ودا، نام قسمت دوم یعنی مهمترین قسمت میمانسا
 Mimamsa که بخش سوم از بخشهای سه گانه فلسفه هندوران است. م

ویدودات Videvdat: نام یکی از ادبیات مقدس زردشتی. م.

ویراج Viraj: موجود الهی، یکی از اوزان عروض دارای چهار پادای ده سیلابی،
 عدد ده. ۱۸۲، ۳۶۱.

ویشودواه Visvedevas = Visvedevah: همه خدایان. ۸۶، ۹۳، ۱۶۶.

ویروپه Virupa(s): رنگارنگ، گوناگون، مختلف، چندرنگ، چندشکل، نام یک
 ریشی و اخلاف وی. ۱۹۶.

ویشیه Vaisya: کشاورز، فلاح، افراد طبقه سوم هندو که عبارت از کشاورزان
 و بازرگانان هستند؛ ذات یا طبقه ای که وظیفه او سوداگری و کشاورزی

- است. ۱۸۳.
- ویشواکرمن Visvakarman (= و شوکرمن): کننده همه اعمال، فاعل یا عامل همه چیز، سازنده کل، خالق کل، سازنده کائنات و جهان هستی. ۳۳۲، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷.
- ویشنو (= بشن Visnu): یکی از خدایان هندو، خدای حافظ. ۳۹، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۹، ۲۰۳، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۵۲، ۲۵۷، ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۸.
- ویشوامتر Visvamitra: دوست همه، دوستدار همه عالم، نام ریشی مشهوری که بنا بر افسانه‌های هندی ابتدا با وسیشث در خدمت پادشاه تریتوس Tritus بودند ولی در اثر رقابت با وسیشث به بهارت رفت. ۹۶، ۱۰۱.
- ویشوانر Vaisvanara: مربوط به همه عالم، آتشی که غذا را هضم میکند، همه مردم، حرارت غریزی، یکی از القاب اگنی. ۲۰.
- ویشواواسو Visvvasu: مال همه، دولت همه، رئیس گندهرو، نام پسر پوروروس Puru_Ravas. ۳۶۹.
- ویشوادیوها (= و شودیوها) Visvadevas: همه خدایان. ۶۵، ۶۹، ۸۶، ۱۶۶، ۲۱۰، ۲۴۱، ۲۷۱، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۸۴، ۴۰۱، ۴۹۸.
- ویشوروپ Visvarupa: صورت کل عالم، صورت همه عالم، همه شکل، همه جا حاضر، پسر توشتر، موجود افسانه‌ای سه سر که به دست اندرا کشته شد. ۶۳.
- وینسه Vyamsa: دیو خشکسالی. ۲۰۲.
- ویوسوان Vivasvan: درخشان، قربانی کننده، نام آفتاب بامدادی، خورشید، سخن، کلمه مقدس، نام پدر نوع بشر - مانوویوسونت. ۳۵، ۲۷۶.
- ویوسوات Vivasvat: = ویوسوان. ۱۹۴، ۱۹۶.
- ویونهنث (= در ادب زردشتی) Vivanhvant: = ویوسوات.
- هردچکشوس Hrade_Caksus: یکی از پریان (اپ‌چرا - Apsara). ۳۴۷.
- هرن‌گرپه Hiranya_garbha: تخم طلایی، تخم زرین عالم، زهدان زرین، مشیمه زرین، جنین زرین، نام لنگایی، نام یکی از گویندگان سرودهای رگ‌بید، موجود قائم بخود که برهما از آن پیدا شد. ۶.
- هری‌تاله Haritala: ظاهراً نام درختی. ۱۷۱.
- هوترا Hotra: نام الهای، بهاراتی Bharati و هوترا Hotra دو الهای هستند که سرپرستی حوزه‌های مختلف مذهبی را دارند. ۲۳۶.
- هوتری Hotri (= هوترا Hotar): روحانی که در مراسم قربانی سرودهای ریگ‌ودا را میخواند، پارسا، فیکوکار، آموزگار مذهبی، یکی از چهار دسته روحانی که دارای سه دستیار است سر روحانی. ۱۵۰، ۳۳۴، ۳۹۴.
- هوم Haoma: در ادب زردشتی = سومما در مذهب هندو. ۴.
- یاتودهانہ Yatudhana: افسونگر، جن، روح پلید. ۱۲۶، ۴۷۵.
- یاجورودا (= ججریید) Yajur Veda: ودای قربانی‌ها.
- یجامانه Yajamana: قربانی کننده. ۱۴۹.
- یادو Yadu: نام یک پهلوان باستانی که در ریگ‌ودا بارها نامش با توروشه Turvasa یا Turvasu با هم آمده، و گویند پسر ججات (ییاتی Yayati) بوده است.

یجته Yajata (در زند Yazata): درخور ستایش، شایسته ستایش یا پرستش
 مقدس، والا، قابل پرستش: روحانی.
 یشت‌ها Yasts نام پاره‌ای از ادبیات مقدس زردشتی.
 یم (= جم) Yama: ملك الموت، خدای عالم مردگان، خدای ارواح مردگان، ۱۹۹،
 ۲۵۵، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۶، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳.
 یمی (جمی Yami) خواهر همزاد «یم» الهه رودخانه جمنا (یمونا) ۳۳۹، ۳۴۱،
 ۳۴۲، ۳۴۳.

فهرست مندرجات مقدمه این کتاب

۱	پیشگفتار
	مقدمه
۸	مذهب و اسطوره‌شناسی
۹	تاریخ اساطیر
۱۰	مشخصات اساطیر ودایی
۱۲	منابع اساطیر ودایی
۱۴	«براهمن»ها
۱۶	اثر جغرافیا و اقلیم و آب و هوا
۲۰	اوستا و اسطوره‌شناسی
۳۱	فرضیه آفرینش جهان در ودا
۳۶	کیهان‌شناسی
۴۵	مبدأ خدایان و آدمیان
۴۷	ریگ‌ودا
۴۹	قدمت ریگ‌ودا
۵۲	طبقه‌بندی سرودها:
	۱- طبیعت‌پرستی و تصور خدایان مختلف
۵۲	۲- جنبه‌های توحیدی یا یکتاپرستی
۵۴	۳- وحدت وجود فلسفی
۵۵	رابطه خدایان با پدیده‌های طبیعی
	ارتباط ریگ‌ودا با سایر وداها
۵۷	مشخصات ریگ‌ودا
۵۸	اصول اخلاقی و آداب اجتماعی
۶۱	تردید و استمهزاء نسبت به خدایان هندو

۶۳	تشبیهات و تعبیرات ادبی
۶۵	قربانی در ودا
۶۸	ناموس طبیعت یا نظم کیهانی
۷۰	عده خدایان ودایی
۷۲	خدایان برجسته عصر ودایی
۱۲۱	ویژگی‌های عمومی و طبقه‌بندی خدایان ودایی
۱۳۳	گویندگان سرودهای ریگ ودا
	نام‌های شاعران سرودهای ریگ ودا (بنابر فهرست
۱۳۵	سروانو کرمنی)
۱۴۱	ریگ ودا و روابط دیرپای ایران و هند

فهرست سرودهای مندرج در این کتاب

۵-۱	۱۲۹/۱۰	سرود خلقت یا آفرینش
۸-۶	۱۲۱/۱۰	پیدایی جهان
۱۰-۹	۲۶/۴	ستایش اندرا
۱۲-۱۱	۷۵/۷	ستایش اوشس
۱۳	۵۱/۷	« آدیتیاها
۱۶-۱۴	۱۱۷/۱۰	آزادگی و نیکوکاری
۱۸-۱۷	۶۸/۷	ستایش اشوین‌ها
۱۹	۹۹/۱	« اگنی
۲۰	۹۸/۱	« اندرا
۲۲-۲۱	۱۲/۴	« اگنی
۲۴-۲۳	۱۳/۴	« اگنی
۲۶-۲۵	۲۸/۵	« اندرا
۲۸-۲۷	۵۹/۳	« میترا
۳۰-۲۹	۸/۴	« اگنی
۳۲-۳۱	۹/۴	« اگنی
۳۵-۳۳	۱۱۳/۹	« افشرة سوما
۳۷-۳۶	۶۱/۳	« اوشس
۳۸	۴۳/۶	« اندرا
۴۰-۳۹	۴۴/۷	« ددهیکراس
۴۲-۴۱	۱۱۲/۹	« سوماپومانه (افشرة سوما)
۴۷-۴۳	۸۹/۱۰	« اندرا
۴۸	۸۴/۵	« زمین
۵۲-۴۹	۱۸۵/۱	« آسمان و زمین
۵۶-۵۳	۴۸/۱	« اوشس

۵۸-۵۷	۱۵۱/۱۰	خطاب به شردها (= ایمان)
۶۴-۵۹	۱۱/۲	ستایش اندرا
۶۸-۶۵	۵۱/۶	« وشودیوها
۷۱-۶۹	۳۷/۷	« وشودیوها
۷۴-۷۲	۴۱/۲	ستایش خدایان مختلف
۷۶-۷۵	۴۲/۲	« اندرا (بصورت پرنده)
۷۸-۷۷	۴۳/۲	« « «
۷۹	۵۴/۷	« واستوشپتی
۸۱-۸۰	۵۵/۷	« «
۸۴-۸۲	۱۰۳/۷	خطاب به غوکان و خدای باران
۸۷-۸۵	۳/۱	ستایش دو اشوین
۸۹-۸۸	۵/۱	« اندرا
۹۲-۹۰	۷/۱	« اندرا
۹۵-۹۳	۸۹/۱	« وشودیوها
۱۰۱-۹۶	۱/۳	« اگنی
۱۰۳-۱۰۲	۱۴/۴	« اگنی
۱۰۴	۴۷/۴	« وایو و اندرا
۱۰۷-۱۰۵	۱/۵	« اگنی
۱۰۹-۱۰۸	۱۶/۵	« اگنی
۱۱۰	۲۴/۵	« اگنی
۱۱۲-۱۱۱	۸۶/۵	« اندرا و اگنی
۱۱۵-۱۱۳	۸۷/۵	« ماروت‌ها
۱۱۸-۱۱۶	۱۰۱/۷	خطاب به خدای باران (پرچنیه)
۱۱۹	۱۰۲/۷	« « «
۱۲۳-۱۲۰	۷۱/۱۰	خطاب به دانش
۱۲۶-۱۲۴	۳۵/۱	ستایش سویتتری
۱۲۹-۱۲۷	۱۲۵/۱۰	خطاب به تجسم سخن
۱۳۱-۱۳۰	۱۶۸/۱۰	ستایش وایو
۱۳۴-۱۳۲	۸۶/۷	« ورونا
۱۴۸-۱۳۵	۴۱/۸	« «
۱۴۱-۱۳۹	۶/۱	« اندرا
۱۴۲	۳۱/۹	خطاب به سوما
۱۴۳	۱۶۸/۱۰	ستایش وایو
۱۴۵-۱۴۴	۱۷۹/۱۰	« اندرا
۱۴۶	۱۸۰/۱۰	« «

۱۴۸-۱۴۷	۱۸۲/۱۰	« بریمهسپتی
۱۵۰-۱۴۹	۱۸۳/۱۰	خطاب به قربانی‌کننده
۱۵۲-۱۵۱	۱۸۴/۱۰	ستایش ادیتی
۱۵۳	۱۸۵/۱۰	« «
۱۵۴	۳۳/۹	« افشرد سوما
۱۵۶-۱۵۵	۳۴/۹	« «
۱۵۸-۱۵۷	۳۵/۹	« «
۱۵۹	۵۶/۹	« «
۱۶۰	۵۷/۹	« «
۱۶۳-۱۶۱	۱۳۶/۱۰	« کشن‌ها
۱۶۵-۱۶۴	۱۳۹/۱۰	« سویتری
۱۶۶	۱۰۷/۱	« وشودیوها
۱۶۸-۱۶۷	۱۵۲/۱	خطاب به آسمان، و زمین
۱۷۱-۱۶۹	۵۰/۱	ستایش سوریه
۱۷۵-۱۷۲	۴۸/۱۰	« اندرا
۱۸۰-۱۷۶	۳۸/۲	« سویتری
۱۸۴-۱۸۱	۹۰/۱۰	خطاب به پرورش
۱۸۶-۱۸۵	۸۴/۷	ستایش اندرا، و ورونا
۱۸۹-۱۸۷	۱/۱	« اگنی
۱۹۱-۱۹۰	۱۴۷/۱۰	« اندرا
۱۹۳-۱۹۲	۴۲/۸	« ورونا، و اشوین‌ها
۱۹۹-۱۹۴	۱۴/۱۰	« یم
۲۰۴-۲۰۰	۱۸/۴	« اندرا، و خدایان دیگر
۲۰۷-۲۰۵	۱۱۵/۱	ستایش سوریه
۲۰۹-۲۰۸	۱۵۴/۱	« ویشنو
۲۱۱-۲۱۰	۹۰/۱	« وشودیوها
۲۱۴-۲۱۲	۴/۱	« اندرا
۲۱۹-۲۱۵	۳۵/۲	« اپان‌نپات
۲۲۴-۲۲۰	۴۳/۸	« اگنی
۲۲۶-۲۲۵	۱/۹	« سوما
۲۲۸-۲۲۷	۱۱/۷	« اگنی
۲۳۰-۲۲۹	۲/۱	« وایو
۲۳۲-۲۳۱	۱۹۱/۱۰	« اگنی
۲۳۴-۲۳۳	۸/۱	« اندرا
۲۳۹-۲۳۵	۶۲/۳	« اندرا - ورونا

۲۴۰	۱۲/۷	« اگنی
۲۵۶-۲۴۱	۱۶۴/۱	« وشودیوها
۲۵۹-۲۵۷	۱/۱۰	« اگنی
۲۶۲-۲۶۰	۱۳۵/۱۰	خطاب به یم
۲۶۵-۲۶۳	۴۰/۵	« به اندرا و سوریه و اتری
۲۷۰-۲۶۶	۲۴/۱	ستایش ورونا و خدایان دیگر
۲۷۱	۱۵۷/۱۰	« وشودیوها
۲۷۳-۲۷۲	۱۸۷/۱۰	« اگنی
۲۷۵-۲۷۴	۵۷/۱۰	« افشرة سوما
۲۷۸-۲۷۶	۵۸/۱۰	خطاب به مانس
۲۸۳-۲۷۹	۱۲/۲	« اندرا
۲۸۸-۲۸۴	۲۷/۳	« شهباز
		« گراونه (سنگت آسیا برای خوردکردن و
۲۹۰-۲۸۹	۱۷۵/۱۰	گرفتن افشرة سوما).
۲۹۲-۲۹۱	۶۵/۷	ستایش میترا، و ورونا
۲۹۳	۱۷۲/۱	خطاب به ماروت‌ها
۳۰۸-۲۹۴	۹۷/۹	خطاب به عصارة سوما
۳۱۴-۳۰۹	۱۲۴/۱	ستایش سپیده‌دم
۳۱۶-۳۱۵	۲۸/۸	« وشودیوها
۳۱۸-۳۱۷	۲۹/۸	« «
۳۱۹	۳۰/۸	« «
۳۲۳-۳۲۰	۳۱/۸	« خدایان مختلف
۳۲۵-۳۲۴	۱۰۰/۷	« ویشنو
۳۲۸-۳۲۶	۴۲/۴	« اندرا و ورونا
۳۳۱-۳۲۹	۸۵/۵	خطاب به ورونا
۳۳۳-۳۳۲	۸۲/۱۰	« به وشوکرمن
۳۳۵-۳۳۴	۸۳/۱۰	« به منیو (خشم)
۳۳۸-۳۳۶	۹۹/۷	ستایش ویشنو
۳۴۴-۳۳۹	۱۰/۱۰	گفت‌وگوی یم و یمی
۳۵۱-۳۴۵	۹۵/۱۰	مکالمه میان پوروراوسه و اوروشی
۳۵۹-۳۵۲	۸۶/۱۰	مکالمه بین اندرا و اندرانی
۳۶۲-۳۶۰	۱۳۰/۱۰	دربارة آفرینش
۳۷۵-۳۶۳	۸۵/۱۰	عروسی سوریا
۳۷۷-۳۷۶	۱۰	خطاب به ویشنو
۳۷۸	۶۸/۵	ستایش میترا و ورونا

۳۸۰-۳۷۹	۶۹/۵	« میترا و ورونا
۳۸۱	۷۰/۵	« میترا و ورونا
۳۸۲	۷۱/۵	« « «
۳۸۳	۷۲/۵	« « «
۳۹۰-۳۸۴	۵۴/۳	خطاب به و شودیوها
۳۹۳-۳۹۱	۱۲۵/۱	مکالمه میان فقیر و شاهزاده آزاده
۳۹۶-۳۹۴	۸۱/۱۰	خطاب به وشوکرمن
۳۹۸-۳۹۷	۱۲۷/۱۰	« به شب
۴۰۰-۳۹۹	۹/والکیلیه	« به اشوینها
۴۰۲-۴۰۱	۱۰/والکیلا	ستایش و شودیوها
۴۰۴-۴۰۳	۱۲/۱	ستایش اگنی
۴۱۰-۴۰۵	۳۶/۱	« اگنی
۴۱۲-۴۱۱	۱۴۸/۱	« اگنی
۴۱۶-۴۱۳	۱۶۵/۱	ستایش اندرا و ماروتها
۴۱۹-۴۱۷	۵۵/۵	ستایش ماروتها
۴۲۱-۴۲۰	۵۶/۵	« ماروتها
۴۲۴-۴۲۲	۱۵۵/۱	ستایش ویشنو و اندرا
۴۲۸-۴۲۵	۱۶۶/۱	خطاب به ماروتها
۴۳۰-۴۲۹	۱۵۳/۱	« میترا و ورونا
۴۳۳-۴۳۱	۱۶۷/۱	« ماروتها
۴۳۵-۴۳۴	۱۶/۱	« اندرا
۴۳۸-۴۳۶	۶۰/۳	« ریبهوها
۴۴۰-۴۳۹	۷۸/۱	« اگنی
۴۴۲-۴۴۱	۴۹/۴	« اندرا و بریهسپتی
۴۴۴-۴۴۳	۱۲۶/۱	« بهاوی یویه
۴۴۶-۴۴۵	۱۶۰/۱	خطاب به زمین و آسمان
۴۴۸-۴۴۷	۴۳/۱	ستایش رودرا
۴۵۱-۴۴۹	۱۱۴/۱	« «
۴۵۵-۴۵۲	۳۳/۲	« «
۴۵۹-۴۵۸	۶۹/۶	ستایش اندرا - ویشنو
۴۵۷-۴۵۶	۷۴/۶	خطاب به سوما و رودرا
۴۶۲-۴۶۰	۲۵/۴	« اندرا
۴۶۶-۴۶۳	۲۱/۴	« اندرا
۴۶۸-۴۶۷	۴۵/۷	ستایش سویتری
۴۷۰-۴۶۹	۴۶/۷	خطاب به رودرا

۴۷۲_۴۷۱	۴۷/۷	خطاب به آب‌ها
۴۷۴_۴۷۳	۴۸/۷	خطاب به ریبهو
۴۸۱_۴۷۵	۱۰۴/۷	خطاب به اندرا و سوما
۴۸۵_۴۸۲	۱۲۳/۱	خطاب به اوشس
۴۸۹_۴۸۶	۱۸/۸	ستایش آدیتیه‌ها
۴۹۳_۴۹۰	۲۳/۴	« اندرا
۴۹۷_۴۹۴	۲۴/۴	« اندرا
۵۰۳_۴۹۸	۱۰۵/۱	« وشودیوها
۵۰۶_۵۰۴	۱۴/۱	« وشودیوها
۵۰۸_۵۰۷	۹/۱	« اندرا
۵۱۲_۵۰۹	۱۰/۱	« اندرا
۵۱۵_۵۱۳	۱۱/۱	« اندرا
۵۱۸_۵۱۶	۳/۱	ستایش اگنی
۵۲۱_۵۱۹	۱۵/۱	« ریتو
۵۲۴_۵۲۲	۱۸/۱	« برهنسپتی
۵۲۶_۵۲۵	۱۹/۱	خطاب به اگنی - ماروت‌ها
۵۲۸_۵۲۷	۲۰/۱	خطاب به ریبهوها

- 5, Hoshiarpur, 1953.
- Velankar, H. D.**, *Rgvedāntīla bhaktimārga*, Kaus'ika Lecture Series 4, (Publication No. 2), Poona, 1952.
- Velankar, H. D.**, "Hymns to Indra" (published in parts in *JUB* Nos. 3, 6, 8, 9, 10, 11, 13, 28 etc.)
- Velankar, H. D.**, "Family-hymns in the family-*maṇḍalas*", *JBBRAS*, 18, 1942.
- Velankar, H. D.**, "The story of Saptavadhri and Vadhrimati", *Kane Comm. Vol.*
- Velankar, H. D.**, "Divodāsa Atithigva and other Atithigvas", *ABORI XXIII*.
- Venkatraman**, "The Rākshasas" Rangaswami Ayyangar Comm. Vol.
- Wallis**, *Cosmology of the Rīgveda*, Williams and Norgate, London, 1887.
- Weber**, *Indische Studien*.
- Weber**, *Epi.sches im Vedischen Ritual*, 28.
- Weber**, "Double authorship of the second *maṇḍala*" *SPAW* 1900, p.603.
- Weller**, "Who were the Bhṛguids ?", *ABORI XVIII*.
- Wijesekera**, "Rgvedic Bharata : A survival from Aryan pre-history", University of Ceylon Review.
- Wilson**, *Translation of the Rīgveda* (New edition in 6 volumes). Bangalore, 1925-28.
- Winternitz**, *History of Indian Literature*, translated into English by Ketkar S., pub., University of Calcutta, 1927.
- Zimmer**, *Aitindisches Leben*, Weidmannsche Buchhandlung, Berlin, 1879.
- Zimmer**, *Studien zur Geschichte der Gotras*.
- Rahurkar**, "The Seerr of Rgveda", Poona, 1964.

- Rahurkar**, "Mudgala and Mudgalāni in the RV", *Ātrav Comm.* Vol. 1954.
- Raja**, Kunhan, "The authors of the Rigveda", Rangaswami *Ayyangar Comm.* Vol.
- Rajwade**, *Miscellaneous essays* (two Volumes). Ed. S. N. *Joshi*, Poona, 1932 and 1935.
- Rajwade**, *Nirukta*, pub. *BORI*, 1940.
- Rangachari**, "Gotra and Pravara and their incidence on marriage", *PAIOC* III.
- Renou**, *Bibliographie Vedique*, Adrien Maisonneuve, Paris 1931.
- Renou**, "Hymnes et prieres du Veda," 1938.
- Rhys**, *Celtic Heathendom*.
- Roth**, *Wörterbuch* (in collaboration with **Bohtlingk**), Petersberg.
- Roth**, *Illustration of the Nirukta*.
- Roth**, *Zur Litteratur und Geschichte des Weda*.
- Sarma**, Vasudev, "The law of Hindu inheritance", *JORSM*, Vol. 6.
- Sastri**, S. S., "Studies in the Indus-scripts" *QJMS* 24.
- Sastri**, S. S., "Proto-Indian Ceramics", *IHQ* 16.
- Satawalekar**, *Śunahsepa-ṛṣika-darsana*, pub. Svādhyāya maṇḍala, Aundh.
- Sengupta**, P. C., "The solar eclipse in the Ṛgveda and the date of Atri", *JASBL* 7, 1941.
- Shankarananda**, "Merchants in Vedic and heroic India",
The Modern Review, May, 1954.
- Shastri**, *Yoga Upaniṣads*, Adyar Library, 6, 1920.
- Shastri**, Vishva Bandhu, *Vaidika padmukramakośa*, Lahore.
- Shende**, N. J., *The foundations of Atharvadic Religion*, pub. Deccan College, Poona, 1949.
- Shende**, N. J., *The Religion and Philosophy of the Atharvaveda*, pub. *BORI*, Poona, 1952.
- Shende**, N. J., "The authorship of the Mahābhārata", *ABORI* XXIV.
- Shende**, N. J., "Aṅgiras in the Vedic literature", *ABORI* XXXI.
- Shroeder**, *Mysterium und Mimus im Rigveda*.
- Sieg**, *Sagenstoffe der Rigveda*, Druck und Verlag von
W. Kohlhammer, Stuttgart, 1902.
- Sieg**, "Indra und der Somaraub nach dem Rigveda", *Jacobi Comm.* Vol.
- Sukthankar**, "The Bhṛgu and the Bhārata", *ABORI* XVIII.
- Suryakanta**, *A grammatical dictionary of Vedic Sanskrit*, Moolchand Khairati Ram Trust, Delhi, 1953.
- Tagore**, *Gītāñjali* (Published in *Collected Plays and Poems of Rabindranath Tagore*, Macmillan and Co. Ltd., London, 1939).
- Taraporevala**, I. J. S., *Songs of Zarathustra*, D. B. Taraporevala Sons and Co., Bombay, 1951.
- Taraporevala**, I. J. S., "The meaning of the word ṛṣi in the *Avesta*", Sir Asutosh Mukerjee Silver Jubilee, Vol. Part II, pp. 143-146.
- Tilak**, *The Arctic Home in the Vedas*, pub. Messrs Tilak Bros., Poona, 1925.
- Ulhenbeck**, *Kurzgefasstes etymologisches wörterbuch der Altindischen*, Sprache, 35 (Amsterdam, 1898-9).
- Vaidya**, C. V., *History of Sanskrit Literature* (Vedic Section), Poona 1930.
- Vaidya**, C. V., "Gotra and Pravara", *PAIOC* I.
- Varma**, Siddheshwar, *Etymologies of Yaska*, Vishveshvarananda Indological series

- Lanman**, "R̥gveda V. 40 and its Buddhist parallel", Festgruss an **Roth**, pp. 187-190.
- Lassen**, *Indische Alterthumskunde* (Four Volumes), L. A. Ketler Leipzig, 1857-1874.
- Lommel**, Again : the two-headed celestial cow", **Jackson Comm.** Vol.
- Lüders**, *Varuṇa*, ed. by **Alsdorf**.
- Ludwig**, *Mantralitteratur und das Alte Indien*, Prag, 1878.
- Ludwig**, *Translation of the R̥gveda*.
- Macdonell**, *Vedic Index* (in collaboration with **Keith**), Indian Texts series, John Murray, Albemarle Street, London, 1912.
- Macdonell**, *Vedic Mythology* (in Grundriss der Indischen Philologie and Alterthumskunde), Strassburg.
- Macdonell**, Principles in translating and interpreting *RV*", R. G. **Bhandarkar Comm.** Vol. 1917.
- Mankad**, *Date of R̥gveda*, Gaṅgājalā Prakāśana, Anand, 1952.
- Mankad**, *Purāṇic Chronology*, Gaṅgājalā Prakāśana, Anand, 1952.
- Muir**, *Original Sanskrit Texts* Trübner and Co., London, 1868-1870.
- Max Müller**, *Sacred Books of the East*, Vol. 32.
- Max Müller**, *History of ancient Sanskrit Literature*. Williams and Norgate, London, 1859.
- Max Müller**, *Oxford Essays* (two volumes) Longmans Green and Co., London, 1881.
- Max Müller**, *Chips from the German Workshop* (four Volumes) Longmans Green and Co., London, 1894-1895.
- Narahari**, "The legend of Śunaḥṣepa in the Vedic and post-Vedic literature". **Kane Comm.** Vol.
- Narahari**, "The doctrine of transmigration in the R̥gveda", **Kunhan Raja Comm.** Vol.
- Nilakantasastrī**, "Agastya, or the rise and spread of Hindu Culture", *JBHU* I, 1937.
- Oldenberg**, *R̥gveda Noten*, Berlin, 1909.
- Oldenberg**, *Buddha*, (translated by **Hoey**), Williams and Norgate, London, 1882.
- Oldenberg**, "Ueber die Liedverfasser des R̥gveda", *ZDMG* 42, pp. 199-247.
- Padmanabhayya**, "Ancient Bhṛgu", *JOR*, Madras, Vol. 31.
- Pandit**, *Vedārthayātna*.
- Pargiter**, *Ancient Indian Historical Tradition*, Oxford University Press, London, 1922.
- Patel**, Manilal, *Die Dānastutis des R̥gveda*, Marburg, 1929.
- Perry**, "Indra in the R̥gveda", *JAOS* 11.
- Pincott**, "The Śatarcins" *JRAS*, XVI.
- Pischel**, *Vedische studien* (in collaboration with **Geldner**), Stuttgart, 1889.
- Potdar**, K. R., *Sacrifice in the R̥gveda*, Bharatiya Vidya Series, Vol. 16, Bombay, 1953.
- Potdar**, K. R., "Āpri-hymns in the *RV*" *AIOC* XII (summary).
- Pradhan**, *Chronology of Ancient India*. pub. University of Calcutta, 1927.
- Ragozin**, *Vedic India*.

- Haug**, "Brahma und Brahmanen", Munchen, 1871.
- Heras**, "The Kingdom of Magan", B. C. Law Comm. Vol.
- Hillebrandt**, *Vedische Mythologie*, second edition by Schermann and Wüst 1927-29.
- Hillebrandt**, *Rituallitteratur*, Vedische opfer und zauber, Karl J. Tribner, Strassburg.
- Holditch**, *Gates of India*.
- Hopkins**, *Religions of India*, Ginn and Company Publishers, London, 1895.
- Hume**, *The thirteen principal Upanishads*, Oxford University Press, 1930.
- Hutton**, *Castle in India*, Oxford University Press (Bombay), 1951.
- Jackson**, *Zoroaster, the prophet of Ancient Iran*. New York, 1899.
- Jayaswal**, *Hindu Polity*, Butterworth and Co., Calcutta, 1924.
- Johansson**, *Solfgeln i Indien*.
- Justi**, *Iranisches Namenbuch*, Marburg, 1895.
- Kane**, *History of Dharmasāstra*, pub. BORI, Poona.
- Kane**, "Gotra and Pravara in the Vedic literature", *PAIOC VII*.
- Karandikar**, A. J., *Dāśarājña Yuddha* (in Marathi), Mangala Sahitya Prakashana, Poona, 1936.
- Karandikar**, J. S. "R̥gvedāntīla eka Kūṭa sūkta", *Kevalānanda Sarasvatī Comm. Vol.*, 1953.
- Karandikar**, S. V., *Hindu exogamy*, pub. D. B. Taraporevala and Sons, Bombay, 1929.
- Karmarkar**, A. P. "The age of the Mohenjo-daro Civilization", *PIHC VI*, 1942.
- Karmarkar**, A. P. "The liṅga-cult in ancient India", B. C. Law Comm. Vol.
- Karmarkar**, A. P., "Vasiṣṭha's remorse over the death of his son", *ABORI XXII*
- Karmarkar**, R. D., "The first Greek conqueror of India," *ABORI XXXI*.
- Karve**, I., *Kinship Organization in India*, Deccan College Monograph Series 11, 1953.
- Karve**, I., "The Kinship usages and the family organization in the R̥V and the AV," *ABORI XX*.
- Karve**, I., "Kinship terminology and kinship usages in the R̥V and the AV" *ABORI XX*
- Keith**, *R̥gveda Brahmanas translated*, HOS 25, 1920.
- Keith**, *Religion and Philosophy of the Veda*, HOS 31 and 32, 1925.
- Keith**, *Vedic Index* (in collaboration with Macdonell), Indian Texts Series, John Murray, Albemarle Street, London, 1912.
- Keny**, "Origin of Magadha" *PIHC V*, 1941.
- Ketkar** *Jñānakosa* (Vols. II and III). Maharashtra Jnanahosh Mandala Ltd. Nagpur, 1921, 1923.
- Kosambi**, D. D., "Brahmin clans", *JAOS* 73.
- Kosambi**, D. D., "Urvasī and Purūravas," *JBBRAS* 27.
- Kosambi**, D. D., "Early Brahmins and Brahminism", *JBBRAS*, 23.
- Kosambi**, D. D., "Origin of Brahmin Gotras", *JBBRAS* 26.
- Kosambi**, D. D., "The study of ancient Indian Tradition", *Indica, IHRI*, (Silver Jubilee Volume, pp. 196-214).
- Kuhn**, *Herabkunst Des Feurs*.

- Chapekar, N. G.**, "Uśanā Kāvya", *Prasāda*, September, 1950.
- Chapekar, N. G.**, "Kakṣivān", **Kevalananda Sarasvati Comm.** Vol.
- Charpentier**, "Naicāśākha", *JRAS*, 30.
- Charpentier**, "Brahman", *Untersuchung* I-II.
- Charpentier**, "Beitrage zur indoiranischen Etymologie", *Studies in honour of C. E. Pavry*.
- Chattopadhyaya, K. C.**, "Kīkaṣa in the Ṛksamhitā", **Woolner Comm.** Vol.
- Chitrav**, *Prācīna-caritra-kośa* (in Marathi), Caritrakośa Maṇḍaḷa, Poona, 1932.
- Dandekar, R. N.**, *Vedic Bibliography*, pub. Karnatak Publishing House, 1946 (pages 398).
- Dandekar, R. N.**, *Vaidika devatāñce abhinava darśana*, Kauśika Lecture Series 2, Pub. No.1, Poona, 1952.
- Dandekar, R. N.**, "Vṛtrahā Indra" *ABORI XXXI*, 1952.
- Dandekar, R. N.**, "Rudra in the Veda", *JUP I*, 1953.
- Dandekar, R. N.**, "The cultural background of the Veda", *University of Ceylon Review*, XI, 1953.
- Dandekar, R. N.**, "Pūṣan, the pastoral god of the Veda", *NIA V*.
- Dandekar, R. N.**, "Yama in the Veda", *B. C. Lau Comm. Col*
- Dandekar, R. N.**, "Some aspects of Vedic Mythology : Evolutionary Mythology", *University of Ceylon Review XII*, 1953.
- Dandekar, R. N.**, "Viṣṇu in the Veda", **Kane Comm.** Vol.
- Dandekar, R. N.**, "The Mahābhārata : Origin and growth", *University of Ceylon Review XII*, 1954.
- Dandekar, R. N.**, "Antecedents of the early beginnings of the Vedic period", *PIHC X*, 1947.
- Das**, *Ṛgvedic India*, pub. Calcutta University, 1921.
- Dikshit, S. B.**, *Bhāratiya Jyotiṣaśāstra*, Aryabhushana Press, Poona, 1896.
- Dikshitar, V. R. R.**, *War in ancient India*, Macmillan and Co., London, 1944.
- Dikshitar, V. R. R.**, "Aryanization of Eastern India", *PAIOC XII*, 1949.
- Edgerton**, "The Indo-European semi-vowels". *Lg.* 19 (2), 1943.
- Fatah Singh**, *The Vedic Etymology*, pub. The Samskr̥ti-Sadana, Kota, 1952.
- Frazer**, *Golden Bough*, Abridged edition, Macmillan and Co., London, 1949.
- Ganguly**, "The cult of Agasiya", *QJMS*, Bangalore, 27, No. 3.
- Geldner**, *Der Rigveda*, (*HOS Vols.* 33-35), Gottingen, 1923.
- Ghurye**, *Caste and race in India*, Kegan Paul, London, 1932.
- Ghurye**, "Some problems in Indian ethnic history", *PAIOC IX Trivandrum*, 1937.
- Gonda**, *Remarks on similes in Sanskrit literature*, Leiden, E. J. Brill, 1949.
- Gupta, Rajeshwar**, *Ṛgveda : a history* (a brochure).
- Grassmann**, *Wörterbuch zum Rigveda*, Leipzig, 1873.
- Gray**, "Four Indo-Iranian Etymologies", *Language*, Vol. 35, pp. 375-6.
- Griffith**, *Hymns of the Rigveda*, (English translation and commentary III ed., 2 Vols.), pub. E. J. Lazarus and Co., Benares, 1920-26.
- Güntert**, *Der Arische Weltkönig und Heiland*.
- Handique**, "Women-poets of the Rigveda", *IA* 50.
- Hariyappa**, "Ṛgvedic legends through the ages", *BDCRI XI*, 1951
- Hauer**, *Die Anfänge der Yoga-praxis*, Berlin, 1922.

- Śisupālavadha*. Ed. **Durgaprasada** and **Shivadatta**, revised by **Panasikar**, Bombay, 1890.
Ṣaḍvīmśa Brāhmaṇa. Ed. **Eelsingh**, Leyden, 1908.
Sarvānukramaṇī (with the *bhāṣya* of Ṣadguruśiṣya). Ed. by **Macdonell**, Oxford, 1886.
Satyāśādhā Śrauta Sūtra Ānandāśrama SS, 53, Poona.
Sāmaveda-saṁhita. Ed. **Satawalekar**, pub. Svādhyāya Maṇḍala, Aundh, 1933.
Suttanipāta. Ed. **Fausboll**, Pali Text Society, London.
Saṅgyuttanikāya. Ed. **Feer**, Pali Text Society, London, 1884, 1888, 1890.
Harivaṁśa. Translated by Visnushastri **Bapat**, Pub. **Lele**, Wai. 1911.

Books and Articles

(Arranged according to English alphabets)

- Altekar**, Can we reconstruct pre-Bharata-war History?", *PIHC* III, 1939.
Aravamuthan, "Madurai Chronicles", *JOR*, Madras, VI.
Arbman, *Untersuchungen zum altindischen Glauben und Kultus*.
Bächtold, *Handwörterbuch des deutschen*.
Banerjea, "The development of Hindu iconography", Calcutta University, 1941.
Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg, 1904.
Bergaigne, *La religion Vedique*.
Bergaigne, 'La syntaxe des comparaisons Vediques', *ABORI* XVI (Translated into English by **Venkatsubbiah**).
Bergaigne, 'Quelques observations sur les figures des rehtorique dans le Rg-veda', *ABORI* XVI, (Translated into English by **Venkatsubbiah**).
Bhagavaddatta, Vedalamakara, "Kaṇvavarṁśī ṛṣi", *Gurukulapatrika* IV. 1.14 16 and IV. 4.16-18.
Bhandarkar, D. R. , "The development of the figure of speech in the *Rgveda*-hymnology", **Kane** Comm.Vol.
Bhattacharaya, "Phallus-worship in the Veda", *IH* 9.
Bloomfield, *Rgveda Repetitions*, *HOS* 20.
Bloomfield, *Rgveda Noten*.
Bounack, Ueber einige wunderthaten der Aśvin" *ZDMG* 50, pp. 263-87.
Bradke, Ein lustiges Wagenrennen in Altindien, *RV* 10, 102."
Brough, *Getrapravaramaṅjarī of Puruṣottama Pandita*.
Brough "The early history of the gotras", *JRAS*, 1946-47.
Brown, "The early history of the gotras", *JRAS*, 1946-47
Brown, W. N., "Indra's infancy according to *Rgveda*, IV. 18", **Siddheshwar Varma** Comm. Vol. 1950, pp. 131-137.
Brunnhofer, *Urgeschichte der Arier in Vorder und Central Asien*.
Chanda, Ramaprasada, *Indo-Aryan races*, Varendra Research Society, 1916.
Chapekar, N. G., *Tarpaṇa*, pub. self, Badalapur, 1948.
Chapekar, N. G., "Gr̥tsamada", *Prasāda*, January, 1951.
Chapekar, N. G., "Viśvāmitra and the Kusikas", *Potdar* Comm. Vol.
Chapekar, N. G., "Kaṇva in the *Rgveda*", *JBBRAS*, 27.
Chapekar, N. G., "Agastya", *JBBRAS*, 28.

BIBLIOGRAPHY

Texts

(Arranged according to Indian alphabets)

- Atharvaveda-samhitā*. Ed. **Satawalekar**, pub. Svādhyāya Maṇḍala, Aundh, 1939.
- Amarakośa*. Ed. **Jhalakīkar**, Government Central Book Depot, Bombay, 1907.
- Avesta*. Ed. **Hoshangji Dastur**, Bombay, 1907.
- Āpastamba Śrauta Sūtra*. Ed. **Caland**, Gottingen, 1921.
- Ārṣamukramaṇi*. Ed. **Mitra**, pub. Bibliotheca Indica, Calcutta, 1892.
- Āsvalāyana Gṛhya Sūtra*. pub. Ānandāśrama SS, 105, Poona, 1937.
- Āsvalāyana Śrauta Sūtra*. Ed. **Vidyaratna**, pub. Bibliotheca Indica, Calcutta, 1874.
- Rgvedānmukramaṇi* of Mādhavabhaṭṭa (Son of Venkaṭārya), Ed. **C. K. Raja**, Madras University Sanskrit Series 2, 1932.
- Rgveda-samhitā* (with Sāyaṇabhāṣya). Ed. **Kashīkar and Sonatakhe**, pub. Vaidika Samśodhana Maṇḍala, Poona, 1933-1951.
- Rgveda-samhitā*, Ed. **Satawalekar**, Pub. Svādhyāya Maṇḍala, Aundh, 1939.
- Rgveda-samhitā* (with Siddhāñjanabhāṣya). Ed. **Kapaliśāstri**, (Vol.1), Aravindashrama, Pondecherry, 1950.
- Rgvidhāna*. Ed. **Sastri Jagadish Lal**.
- Aitareya Āraṇyaka*. pub. Ānandāśrama SS, Poona.
- Aitareya Upaniṣad*. pub. Ānandāśrama SS 11, Poona, 1931.
- Aitareya Brāhmaṇa*. pub. Ānandāśrama SS 32, Poona, 1931.
- Aitareya Brāhmaṇa*. Edited, translated and explained by **Haug** (in 2 volumes), 1863.
- Aitareya Brāhmaṇa*. Ed. **Satyavrata Samasrami**, Calcutta, 1895.
- Kāṇva-samhitā*. Ed. **Satawalekar**, Svādhyāya Maṇḍala, Aundh, 1940.
- Kātyāyana Śrauta Sūtra*. Ed. **Singh**, Madhurpur, 1942.
- Kātyāyana Śrauta Sūtra*. Ed. **Pathak**, Chaukhamba SS 68-132, Benares, 1908.
- Kāṭhaka-samhitā*. Ed. **Satawalekar**, pub. Svādhyāya Maṇḍala, Aundh, 1943.
- Kāṭhaka-Upaniṣad*. Ānandāśrama SS 7, Poona, 1935.
- Kāpiṣṭhala-samhitā*. Ed. **Raghu Vira**, pub. Meher Chand Lachandas, S^k and P^k Series 1, Lahore, 1932.
- Kauṣika Gṛhya Sūtra*. Ed. **Singh**, Madhurpur, 1942.
- Kauṣitaki Brāhmaṇa*. Ānandāśrama SS, 65, Poona.
- Gopātha Brāhmaṇa*. Ed. **D. Gastra**, Leyden, 1919.
- Gautama Dharma Sūtra*. Ed. **Srinivasacharya**, Bibliotheca Sanskritika 50, Mysore, 1917.
- Chāndogya Upaniṣad*. Ānandāśrama SS, 14, Poona, 1934.
- Jaiminīya Brāhmaṇa*. Ed. **Raghu Vira**, pub. Sarasvati Vihar Series 2, Lahore, 1937.

the previous works which he undertook, the main concern was editing the already existent translations, but in the matter of Veda, Mr. Jalali Naini embarked upon a totally new enterprise, namely, to translate the Vedic verses into Persian.

I may say that in so far as I am able to judge the Persian translation, it fulfils admirably the requirements of a good rendering. It is accurate and rhythmical and possesses a charm of its own. Both beauty and truth of the ancient sacred text are reflected in it. I congratulate Mr. Jalali Naini on his industry and skill in producing this work and making it available to all those who are interested in religion, but who depend on the Persian language for acquiring this knowledge. The translator has successfully achieved his aim to bring the basic thought of Indian culture to the attention of people who know Persian.

Allahabad (India)

March 1969

Tara Chand

spent all his life in study and research on Indian literature, philosophy and religion and has been successful in rendering valuable services in introducing Indian thought to Iranian scholars. It will not be an exaggeration to say that after the great Biruni, no one in Iran has devoted so much of his precious time to Indian studies as Mr. Jalali Naini. In editing earlier works on religious sects like Kitab al-Melal wal-Nehal, he came across descriptions of schools of Hindu and Buddhist philosophy, which were quite inadequate and sometimes misleading and inaccurate. But they aroused his interest. Mohsin Fani's work, Dabistani Madhahib, and Biruni's Indica provided him with more satisfactory information and made him realize the need for the publication of the original texts of Hindu religion in Persian translation.

As a result he undertook the laborious task of bringing out the Persian translation of the fifty Upanishads by Dara Shukoh. After several years of hard work and after comparing many manuscripts, he brought out this great edition which provides alternative reading, glossary of Sanskrit words and terminology and an introduction containing the life sketch of Dara Shukoh. Along with it other treatises of Dara Shukoh — Majma al-Bahrain (the Confluence of the two Seas), Safinat-al-Aulia, Sakinat-al-Aulia, were also edited.

The study of the Upanishads leads naturally to their source, viz. the Veda. So after the publication of the Upanishads, Mr. Jalali Naini took the preparation of the selected hymns of the Rig Veda which is the spring of Hindu religion, philosophy and thought. In

both countries. The straw spread for the god is **Barhis** (India) and **Baresman** (Iran). There are many other examples of community of race, language and religion, but these must suffice to demonstrate the intimate relations between the Aryans of India and the inhabitants of the land **Arya Vaejo** (Iran).

The Rig Veda which has been handed down through the centuries with marvellous accuracy attracted early in the 19th century the attention of the Western scholars. Max Muller brought out a monumental edition which is still regarded as the standard work. The Vedas in whole or part have been translated into a number of European languages — English, French and German. The entire text was rendered into English by Griffith. Its hymns have been reproduced in many literary histories of Sanskrit and its contents have received wide attention from scholars interested in religion, philosophy and history.

It is a matter of great satisfaction that such an eminent Iranian scholar as Mr. S. M. Reza Jalali Naini has now rendered a selection of the hymns into Persian and thus made this work, revered by the Hindus, available to our brethren in Iran. The Vedas of India and the Gathas of Zarathushtra — the two sacred texts of the two closely related branches of the ancient Aryan race possess a community of language and of thought which cannot fail to remind us of our common heritage. They beckon us to a future of fruitful cooperation, mutual goodwill and friendship.

Mr. Jalali Naini has been long interested in Indian studies — philosophical and religious. He has

known as Kurukshetra (Ambala district of the Indian Panjab).

It is impossible to determine the date of the collection and even more so of the making of the hymns. But it is interesting to note the connection between India and Iran as revealed in this ancient work. For instance, certain names of tribes are common to both. The **Panis** of the Rigveda are identified with **Parnians** of Iran, **Parthavas** with **Parthians**, **Dasas** with **Dahae**, the river **Sarasvati** with **Harahvaiti**, **Hariyupiya** with **Iriyab** or **Haliab**, **Arjikiya** with **Arsaks**, **Bribhu Taksan** the enemy of **Panis** with the founders of **Takshashila**, **Parasu** with **Parsu**. Then the names of rivers **Krumu**, **Gomati**, **Subastu** and others have their counterparts in Iranian **Kurram**, **Gomal**, **Suwat**, etc.

The language of the Rig Veda is closely related to the Avestan of the Gatha of Zarathushthra. The gods mentioned in the two have great resemblance. The Vedic **Varuna Asura** suggests the Avestan **Ahura mazda**; Vedic **Rita** is similar to Avestan **Asa**, **Mitra** to **Mithra**, **Indra** is known to both — to one as a god and to the other as a demon, the Iranian **Vera-thraghna** is Indian **Vritrahan**, the Parsi **Amesha Spenta** and the Vedic **Adityas**, the Parsi **Bagha** and the Indian **Bhaga** are identical. Yama son of Vivasvant, the first man and ruler of paradise compares with Yima Vivanhvant of the Avesta.

In both religions the names of priests are similar — Indian **Hotri** and **Atharvan** are the Iranian **Zao-tar** and **Atharvan**. The Indian **Yajna** is Iranian **Yasna** (sacrifice), and **Soma** or **Homa** is the plant celebrated in

gods through sacrifice, and call them to our aid through prayer, **mantra**. The element of the outer sacrifice are the songs of the inner self offering. We give ourselves in order to receive the riches of truth — in thought and deed.

In this view life is a pilgrimage whose goal is godliness, a journey in which **Agni**, the inner flame, is the leader. The gods are children of light, sons of **Aditi**, of infinity, who assist man in his growth, in the increase of his knowledge and his happiness. They help him to overcome the hinderances and obstructions which evil nature places in the way of progress. The **Rishis** were the seers who found through intuition the wisdom which is embodied in the Vedic hymns.

The Rig Veda which is the oldest of the four Vedas and the fountain of the Hindu religion consists of 1,017 (or 1,028) hymns divided into 10 chapters or **mandalas**. The **mandalas** were composed by priests (**rishis**) either singly or in families. The collection contains some old and some later compositions. The **mandalas** two to seven are ascribed to families of priests having the names of Gautama, Vishvamitra, Vasudeva, Atri, Bharadvaja and Vasishtha. The earlier portion of **mandala** one, and the whole of **mandala** eight are ascribed to the Kanva family, and appear to be later compositions. The ninth **mandala** consists of hymns addressed to Soma. The last to be added was the tenth **mandala** which contains the famous hymn of creation.

Apparently all the **mandalas** were compiled in one collection (**Samhita**) in India in the regions through which the ancient river Sarasvati flowed, and which is

Besides the ritualistic and philosophic there is a third point of view. According to this the Veda has an inner mystic significance. This view is not easy to grasp, as men of learning are interested in language, grammar, philosophical speculation, and textual criticism, and so their approach is literal and exoteric. But for the devotees this is unsatisfying and they endeavour to reach to the deeper esoteric meaning. They interpret the Veda in accordance with the teachings of the Upanishads, which acknowledge their origin from the Veda, and indeed are known as **Vedanta** — the fulfilment of Veda. According to this view the Vedic natural imagery and legendry stories are really symbolic of the struggle between the spiritual powers of Light and Darkness, Truth and Falsehood, Knowledge and Ignorance, Death and Immortality, and not descriptions of natural phenomena personified as gods and demons, nor are they a poetical account of racial conflicts between Aryan and Dravidian.

According to this view among the teachings of the Veda, the first is the duty of attainment of truth and immortality, the ascent in spirit into the world Reality and to dwell there. Secondly, it is necessary for us to distinguish between two worlds, the world of lower truth where there is much falsehood and error, and the world of the highest light. And in the third place we should realize that there is a perpetual fight between the powers of Truth and Light and those of Error and Darkness. The first is represented by gods and the second by evil spirits.

We invoke the first in order to help us in destroying the opposition of the second. We approach the

order. This points to the conclusion that the gods are not mere phenomena of nature as they appear to the bewildered mind of a primitive observer, but as maintainers of cosmic order and upholders of moral law.

Then again the polytheism of the Vedas is only apparent. In it is implicit the idea of unitary godhead which indicates the philosophic pursuit of unity in multiplicity, the search for that one power which is manifested in many. In fact in the song of creation (*Rig Veda*, X, 129) the Vedic seer's thought passes over to monism, which reconciles all opposites in the first Cause.

According to this view the sacrifice is the symbol of the universal process. The world is the outcome of sacrifice, it is maintained through sacrifice, and man exalts himself from the lower to the higher self by means of sacrifices. The sacrifice is a form of activity which is something apart from the ordinary. The paraphernalia of sacrifice lays emphasis upon its unusual character. Chant, music, song, colour, incense, all combine to enhance aesthetic sensibility. The fire and its leaping flames symbolize the heaven-ward movement of the soul. The mood of prayer and expectancy stimulates the tension of the mind and promotes belief and dependence upon the beneficent powers — the gods, who are the objects of supplication.

The philosophy of sacrifice is based upon the order of nature, the universal principle underlying the process of creation and moral evolution. Just as effect follows cause, action invokes reaction, so must the stirring of the soul in sacrifice result in achieving its exaltation and illumination.

three thousand years. So much so that they have made unprecedented efforts to preserve the text accurately even up to the syllable and the letter of the word. It is a marvel of human memory and will that notwithstanding political upheavals, conquests by foreigners and social change the Veda has come down to us wholly unaltered from the second millennium before Christ to the present day.

The natural implication is that the Hindus considered the Vedas as priceless treasures possessing the highest value. Now such value cannot be attributed to the crude products of the infantile imagination of a people in the early stages of human evolution.

In the second place the literalistic approach has led to ludicrous and sometimes quite non-sensical translations, which if correct not only expose the makers of the hymns and songs as crude versifiers with confused childlike minds, but also condemns the whole generations of learned scholars as deluded men and reckless triflers who wasted their time and energy on a profitless undertaking.

Faced with such alternatives some Indian students have sought to find their philosophic significance and others the deeper mystic meaning of these books.

According to the first the Vedic concept of gods connotes a philosophic frame of mind, shows keen interest in speculation with the object of discovering the truth. This is illustrated by the concept of **Rita**, which is applied frequently to gods, and which means the uniformity of nature, the ordered course of the forces which pervade the universe. It also signifies the moral

one). Some scholars infer from these sayings in the Veda that its teaching is really monotheistic and the gods are representatives of His innumerable attributes.

The worship of the gods aims at supplication and propitiation which is achieved by means of sacrifice. Sacrificial rites are of many kinds, daily, monthly, seasonal and occasional. Some sacrifices are domestic and are performed by the worshipper individually by himself but in others priests assist. Apart from the domestic sacrifices there are a number of public ones, e. g., of **Vajapeya** (draught of vigour) performed by the royalty and Brahmans, **Asva-medha** (horse sacrifice) whose object was conquest and glory.

The rites were based upon the sacrificial fire, for which altars were made, and on which offerings were cast. The oblations consisted either of dairy produce — milk and butter, and grain — barley and rice; or animals. The priests employed at the sacrifices were of several kinds. Seven kinds are ordinarily mentioned, among whom was the **Purohita**, who acted also as the invoker.

The modern European Indologists lay emphasis upon the external ritualistic aspects of the Vedic religion. According to the theory of social evolution the thought of such ancient people as the Aryan Indians whose material culture was primitive could not bear any highly philosophic or mystic interpretation. But many Indian scholars differ from this line of approach. According to them two considerations militate against the western interpretation. One is the extraordinary value and great veneration which the Hindus have attached to the ancient scriptures, through more than

Among the atmospheric gods the first place is occupied by **Indra**, who is described as a warrior, the god of thunder, the vanquisher of the serpent **Vritri**, the mighty one who protects the Aryan people. With him there is a host of other gods like **Parjanya** (rain), **Marut** (storm), **Vayu** (wind), **Apam napat** (sons of water), and so on.

The celestial gods are **Dyauh** (heaven); **Varuna** who is the upholder of the physical and moral order. He divides heaven and earth, controls the courses of heavenly bodies, watches the conduct of men and confers reward and punishment; **Mitrah** (associate of Varuna), **Suryah** (sun), **Savitri** (ray of light), **Pusan** (protector), **Usas** (dawn), and **Asvins** (two physicians).

There are besides other gods and goddesses who represent abstract ideas like **Dhatu** (creator), **Prajapati** (lord of creation), **Visvakarma** (maker of the universe), and **Brahmanaspati** (lord of devotion). Among the goddesses are **Sarasvati** (learning) and **Ila** (sacrificial food). Some group gods also occur, e.g., **Visvadeva** (all gods), and some deified features of the earth, like mountains, rivers, plants.

Lastly the Veda mentions demons and evil spirits, e.g., **Asura**, and **Raksa** (or goblins).

One remarkable feature of the Vedic conception of gods is that they appear to have little individuality or specific character. Gods merge into one another and several are described as identical. Another feature is the idea that all gods are one, « **ekam sad vipra bahudha vadanti** » (there is only one but the learned speak of them as many), and again « **tad ekam** » (That

mechanically. For instance, it is not the lighting of fire and throwing of melted butter on it and the chanting of Sanskrit verses, which constitutes the Hindu **Puja** (worship); it is not the setting up of an altar, the breaking of bread on it and circulating the cup of wine, which is the Christian Eucharist; nor are genuflections of the hand and other limbs of the body oriented towards the niche in a mosque, the reality of **Namaz** (prayer). It is the spirit, which envelopes these, which makes the worshipper forget the insistent, exigent claims of the here and now and uplifts his soul so that man may be inspired to work for the triumph of the truth, which is the essence of worship.

According to this school of interpretation the Veda contains many beliefs. Among them are cosmogonic beliefs or theories of the origin of the world and of man; for example, how the universe is born from the sacrifice of the primeval man (**purusha**), or from the golden egg (**hiranya-garbha**), or by evolution of being from not-being; how the human race descends from Manu or Yama son of Vivasvant.

Then there is belief in many gods. They are enumerated as thirty three and divided into three classes — terrestrial, atmospheric and celestial. Among the important terrestrial ones **Agni** (fire god) is most frequently invoked. He personifies the sacrificial fire, conducts the offerings to the gods and summons them to the sacrifice. He is the messenger between earth and heaven and is the great priest. He confers prosperity and bliss on the worshippers, and overcomes and destroys their enemies. The others are: **Prithivi** (earth) and **Soma** (the herb whose juice is drunk in sacrifice).

above his ordinary, day-to-day, humdrum involvement in the immediate present and to realize abiding peace within and identification with all.

Religion is more than philosophy which is the intellectual pursuit in search of unity. Religion is atonement expressed through life, it is a withdrawal from the demeaning pressures of the world in order to serve and promote the permanent good of all. Its hall-mark is action, and not escape. It is will in motion, but it is an integrated, unified will which in particulars manifests their organic relation with the whole.

Every religion has two aspects — one of rites, doctrines and organisation, the other of ethical, philosophical and mystical intent and purpose. The first appeals to minds which lean on authority, need direction and believe in literal conformity. The second appeals to the free mind, is more interested in the substance than the forms of religion, more anxious to transform the inner life as a whole in order to attain harmony and self mastery.

The Vedic religion also embodies these two aspects. Corresponding with these are two main types of interpretation of the Veda. Those who lay stress upon the first aspect hold that the Veda is primarily a book of ritual and of sacrifice.

Ritual is discipline, specialized activity with appropriate psychological environment. In order to realise its essential quality the mind has to be disciplined, for the world is too much with us, its tyranny can only be overthrown by a process of well planned training. Ritual is, therefore, the necessary part of every religion. Ritual is not the performance of certain actions

The Vedas are the most ancient literary creation of the Aryan speaking peoples. They were compiled long before the Gathas of Zarathushtra in the Avestic language and the epic of Homer in Greek. In their literary forms they indicate an advance which must have taken centuries to mature. The language, poetic diction, versification all show a high state of development. Their thought content is highly evolved.

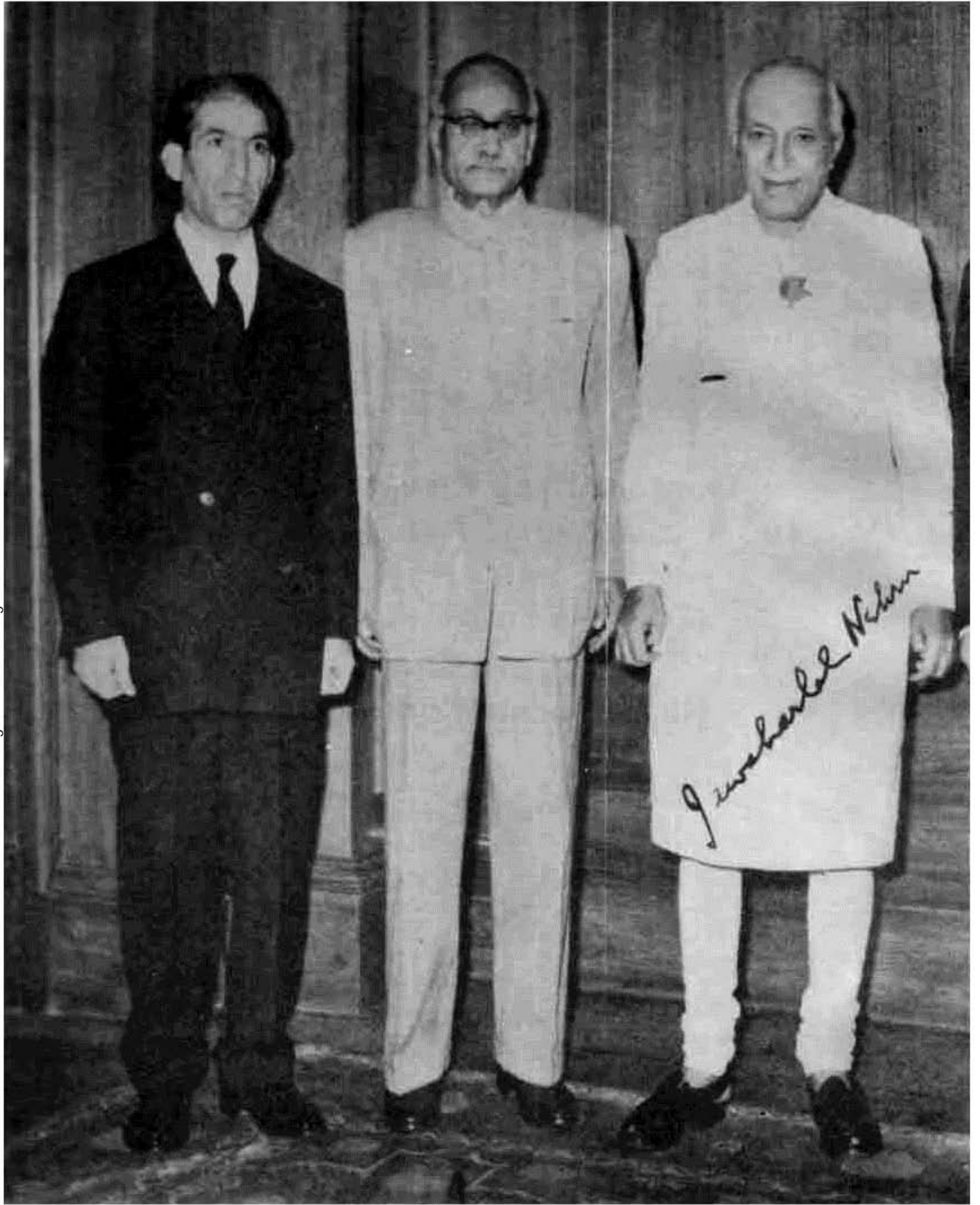
No wonder the Hindus regard them as sacred, as the source of all their later religious, ethical and philosophical speculations. For them the Veda is not only literally but also in the true sense knowledge — the knowledge that liberates and exalts the soul of man, which is the object of all religions.

How does religion seek to achieve liberation? The answer is by reminding man of his high destiny as man — the noblest of all creatures, the bearer of the divine principle which seeks to raise his spirit above the mundane pursuit of immediate needs and satisfactions, by knowing the self. No other creature, so far as one can judge, seems to feel the same urge to a higher life in which the inner conflicts are resolved and the strains of contradictory impulses overcome. Man alone can rise



تاراچند

جلالی نائینی



جلالی نائینی

تاراچند

جواهر لعل نہرو

**Selected Hymns
of**

RG-VEDA

**Translated and Researched by
Dr. S. Mohammad Reza Jalali-Naïni**

**Foreword by
Dr. Tara Chand
Historian and Philosopher**

Tehran, 1994

بها ۱۲۵۰ تومان

